Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

@kambozia

الفبای زبان عبری

الفبای زبان عبری دارای ۲۲ صامت(حرف) است که این صامت ها با مصوت هایی که در اصطلاح به آنها نیکود گفته می‌شود ترکیب می‌شوند. الفبای عبری از راست به چپ نوشته می‌شود و ترتیب حروف آن بر اساس الفبای ابجد بیان شده است. در این کتاب برای توضیح برخی از مباحث دستور زبان عبری از علامت ○ استفاده شده که این نماد در حکم یک صامت است و میتوان هر یک از حروف الفبا را بجای آن قرار داد. نوشتار زبان عبری به صورت چاپی و نوشتاری صورت می گیرد که در تصویر زیر با هر دو نوع آنها آشنا می‌شویم:

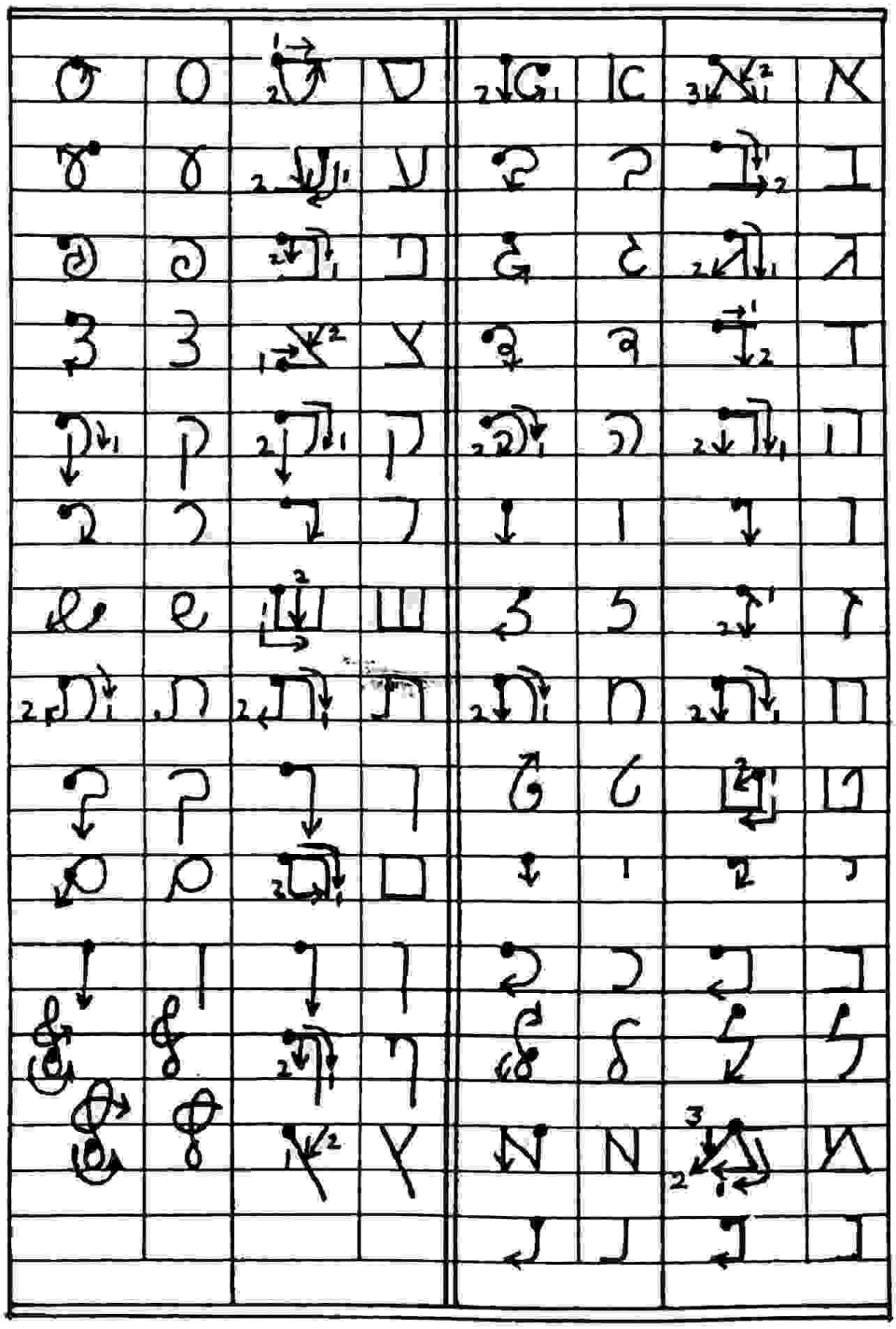

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

حال به سراغ تک تک حروف الفبای زبان عبری رفته و به بررسی و توضیح آنها می‌پردازیم:

۱. **حرف א**

نماد		نام	صدا
چاپی		آلِف	-
نوشتاری		آلِف	-

نکته: حرف « א » به تنهایی صدا ندارد و باید همراه مصوت‌ها (نیکودها) استفاده شود تا صدای آن تعیین شود؛ در این صورت « א » صدای آن نیکود را می‌گیرد .

نیکود (נִקּוּד): علائمی که به عنوان مصوت در زبان عبری استفاده می شوند، عمدتا به شکل نقطه می باشند که به آنها نیکود گفته می شود. این علائم که به خواندن آسان تر کلمات کمک می کنند.

	اسم نیکود	نماد	صدا
۱	קָמָץ	ָ	آ بلند
۲	פַּתָח	ַ	ـَ کوتاه
۳	חִירִיק	ִ	ای کوتاه
۴	צֵירֶה	ֵ	اِ بلند
۵	סֶגוֹל	ֶ	اِ کوتاه
۶	חוֹלָם	ֹ	اُ بلند
۷	חוֹלָם וּ	וֹ	اُ بلند
۸	שׁוּרֶק וּ	וּ	او بلند

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۹	קִבּוּץ	◌ִ	او کوتاه
۱۰	שְׁוָא	◌ְ	سکون / صدای اِ خفیف

تمرین: حال باتوجه به یادگیری نیکودها و صدای آنها، تمرین زیر را انجام دهید.

	קָמָץ	פַּתָח	חִירִיק	צֵירֶה	סֶגוֹל	חוֹלָם	חוֹלָם וֹ	שׁוּרֶק וּ	קִבּוּץ	שְׁוָא
۱	אָ	אַ	אִ	אֵ	אֶ	אֹ	אוֹ	אוּ	אֻ	-[1]

۲. حرف בּ

	نماد	نام	صدا
چاپی		بِت	بِ
نوشتاری		بِت	بِ

نکته: حرف « בּ » زمانی که بدون داگش بیاید، به « ב » تبدیل شده و صدای « وِ » می‌دهد.

	نماد	نام	صدا
چاپی		وِت	وِ
نوشتاری		وِت	وِ

تمرین:

	קָמָץ	פַּתָח	חִירִיק	צֵירֶה	סֶגוֹל	חוֹלָם	חוֹלָם וֹ	שׁוּרֶק וּ	קִבּוּץ	שְׁוָא
۱	בָּ	בַּ	בִּ	בֵּ	בֶּ	בֹּ	בוֹ	בּוּ	בֻּ	בְּ
۲	בָּ	בַּ	בִּ	בֵּ	בֶּ	בֹּ	בוֹ	בּוּ	בֻּ	בְּ

[1] حروف حلقی نمی توانند به تنهایی با شوا استعمال شوند و اگر شرایطی پیش بیاید که این حروف با شوا استعمال شوند باید از مصوت های مرکب استفاده کرد که بعداً آن را توضیح خواهیم داد.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

مثال: حال با کمک این ترکیب صامت ها و مصوت ها میتوانیم کلمه بسازیم.

בָּא: آمدن، شدن　　אַבָּא: پدر

۳. حرف ג

	نماد	نام	صدا
چاپی		گیمل	گِ
نوشتاری		گیمل	گِ

نکته: حرف « ג » با اضافه شدن یک کاما، به « ג׳ » تبدیل شده و صدای « جِ » می دهد.

تمرین:

	קָמָץ	פַּתָח	חִירִיק	צֵירֶה	סֶגוֹל	חוֹלָם	חוֹלָם ו	שׁוּרֶק ו	קִבּוּץ	שְׁוָא
۱	גָ	גַ	גִ	גֵ	גֶ	גֹ	גוֹ	גּוּ	גֻ	גְ

مثال:

גַּב: خانم (به صورت مخفف)　　גָּג: سقف

۴. حرف ד

	نماد	نام	صدا
چاپی		دالت	دِ
نوشتاری		دالت	دِ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین:

	קָמָץ	פַּתָח	חִירִיק	צֵירֶה	סֶגוֹל	חוֹלָם	חוֹלָם וֹ	שׁוּרֶק וּ	קִבּוּץ	שְׁוָא
۱	דָ	דַ	דִ	דֵ	דֶ	דֹ	דוֹ	דוּ	דֻ	דְ

مثال:

דָּאַג: نگران דָּג: ماهی

۵. حرف ה

نماد		نام	صدا
چاپی		هی	ـِه
نوشتاری		هی	ـِه

نکته: اگر حرف « ה » در پایان کلمه قرار بگیرد، یا صدای « آ » می‌دهد یا خوانده نمی‌شود؛ اما اگر در انتهای کلمه همراه מַפִּיק استعمال شود (הּ) صدای « ه » می‌دهد.

تمرین:

	קָמָץ	פַּתָח	חִירִיק	צֵירֶה	סֶגוֹל	חוֹלָם	חוֹלָם וֹ	שׁוּרֶק וּ	קִבּוּץ	שְׁוָא
۱	הָ	הַ	הִ	הֵ	הֶ	הֹ	הוֹ	הוּ	הֻ	הְ

مثال:

גַּאֲה: افتخار، غرور אַהֲבָה: عشق

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۶. حرف ו

نماد		نام	صدا
چاپی		واو	וְ
نوشتاری		واو	וְ

تمرین:

	קָמָץ	פַּתָח	חִירִיק	צֵירֶה	סֶגוֹל	חוֹלָם	חוֹלָם וֹ	שׁוּרֶק וּ	קִבּוּץ	שְׁוָא
١	בָ	בַ	בִ	בֵ	בֶ	בֹ	בוֹ	בּוּ	בֻ	בְ

مثال:

וַ واو عطف

דָּוִד داوود

۷. حرف ז

نماد		نام	صدا
چاپی		زاین	זְ
نوشتاری		زاین	זְ

نکته: حرف « ז » با اضافه شدن یک کاما، به « ז׳ » تبدیل شده و صدای « ژ » می دهد.

تمرین:

	קָמָץ	פַּתָח	חִירִיק	צֵירֶה	סֶגוֹל	חוֹלָם	חוֹלָם וֹ	שׁוּרֶק וּ	קִבּוּץ	שְׁוָא
١	בָ	בַ	בִ	בֵ	בֶ	בֹ	בוֹ	בּוּ	בֻ	בְ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

مثال:

זוֹ آن זבוב مگس

۸. حرف ח

نماد		نام	صدا
چاپی		خت	خِ
نوشتاری		خت	خِ

تمرین:

	קָמָץ	פַּתָח	חִירִיק	צֵירֶה	סֶגוֹל	חוֹלָם	חוֹלָם וֹ	שׁוּרֶק וּ	קִבּוּץ	שְׁוָא
ו	חָ	חַ	חִ	חֵ	חֶ	חֹ	חוֹ	חוּ	חֻ	חְ

مثال:

חָזָה پیش بینی کرد אָח برادر

۹. حرف ט

نماد		نام	صدا
چاپی		طِت	طِ
نوشتاری		طِت	طِ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین:

	קָמָץ	פַּתָח	חִירִיק	צֵירֶה	סֶגוֹל	חוֹלָם	חוֹלָם וֹ	שׁוּרֶק וּ	קִבּוּץ	שְׁוָא
ו	טָ	טַ	טִ	טֵ	טֶ	טֹ	טוֹ	טוּ	טֻ	טְ

مثال:

חֲטָא گناه　　טוֹב خوب (مذکر)　　טוֹבָה خوب (مونث)

۱۰. حرف י

نماد		نام	صدا
چاپی	יִ	یود	یِ
نوشتاری	יִ	یود	یِ

تمرین:

	קָמָץ	פַּתָח	חִירִיק	צֵירֶה	סֶגוֹל	חוֹלָם	חוֹלָם וֹ	שׁוּרֶק וּ	קִבּוּץ	שְׁוָא
ו	יָ	יַ	יִ	יֵ	יֶ	יֹ	יוֹ	יוּ	יֻ	יְ

مثال:

יָד دست　　יִבֵּב گریه کرد

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۱۱. حرف כ

	نماد	نام	صدا
چاپی		کاف	کِ
نوشتاری		کاف	کِ

نکته: حرف « כ » زمانی که بدون داگش بیاید، به « כ » تبدیل شده و صدای « خِ » می‌دهد.

	نماد	نام	صدا
چاپی		خاف	خِ
نوشتاری		خاف	خِ

نکته: حرف « כ » زمانی که در پایان کلمه قرار بگیرد، با نماد « ךָ » نمایش داده می‌شود.

	نماد	نام	صدا
چاپی		خاف سوفیت	خِ
نوشتاری		خاف سوفیت	خِ

تمرین:

	קָמָץ	פַּתָח	חִירִיק	צֵירֶה	סֶגוֹל	חוֹלָם	חוֹלָם וֹ	שׁוּרֶק וּ	קִבּוּץ	שְׁוָא
۱	כָ	כַ	כִ	כֵ	כֶ	כֹ	כוֹ	כּוּ	כֻ	כְ
۲	כָ	כַ	כִ	כֵ	כֶ	כֹ	כוֹ	כּוּ	כֻ	כְ

مثال:

כִּי زیرا　　כָּכָה شبیه آن　　כּוֹכָב ستاره

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۱۲. حرف لامد

نماد		نام	صدا
چاپی		لامد	لِ
نوشتاری		لامد	لِ

تمرین:

	קָמָץ	פַּתָח	חִירִיק	צֵירֶה	סֶגוֹל	חוֹלָם	חוֹלָם וֹ	שׁוּרֶק וּ	קִבּוּץ	שְׁוָא
۱	לָ	לַ	לִ	לֵ	לֶ	לֹ	לוֹ	לוּ	לֻ	לְ

مثال:

לִי برای من

לָכֵן بنابراین

۱۳. حرف מ

نماد		نام	صدا
چاپی		مِم	مِ
نوشتاری		مِم	مِ

نکته: حرف مِم زمانی که در پایان کلمه قرار بگیرد، با نماد «ם» نمایش داده می شود.

نماد		نام	صدا
چاپی		مِم سوفیت	مِ
نوشتاری		مِم سوفیت	مِ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین:

	קָמָץ	פַּתָח	חִירִיק	צֵירֶה	סֶגוֹל	חוֹלָם	חוֹלָם וֹ	שׁוּרֶק וּ	קִבּוּץ	שְׁוָא
א	מָ	מַ	מִ	מֵ	מֶ	מֹ	מוֹ	מוּ	מֻ	מְ

مثال:

מִי چه کسی؟ מָיִם آب

۱۴. حرف נ

	نماد	نام	صدا
چاپی	נ	نون	نِ
نوشتاری	ן	نون	نِ

نکته: حرف نون زمانی که در پایان کلمه قرار بگیرد، با نماد « ן » نمایش داده می شود.

	نماد	نام	صدا
چاپی	ן	نون سوفیت	نِ
نوشتاری	ן	نون سوفیت	نِ

تمرین:

	קָמָץ	פַּתָח	חִירִיק	צֵירֶה	סֶגוֹל	חוֹלָם	חוֹלָם וֹ	שׁוּרֶק וּ	קִבּוּץ	שְׁוָא
א	נָ	נַ	נִ	נֵ	נֶ	נֹ	נוֹ	נוּ	נֻ	נְ

مثال:

יוֹנָה یونس אֵין نیست

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۱۵. حرف ס

نماد		نام	صدا
چاپی		سامخ	سِ
نوشتاری		سامخ	سِ

تمرین:

	קָמָץ	פַּתָח	חִירִיק	צֵירֶה	סֶגוֹל	חוֹלָם	חוֹלָם וֹ	שׁוּרֶק וּ	קִבּוּץ	שְׁוָא
۱	סָ	סַ	סִ	סֵ	סֶ	סֹ	סוֹ	סוּ	סֻ	סְ

مثال:

סוֹד راز　　סוּס اسب

۱۶. حرف ע

نماد		نام	صدا
چاپی		عاین	-
نوشتاری		عاین	-

تمرین:

	קָמָץ	פַּתָח	חִירִיק	צֵירֶה	סֶגוֹל	חוֹלָם	חוֹלָם וֹ	שׁוּרֶק וּ	קִבּוּץ	שְׁוָא
۱	עָ	עַ	עִ	עֵ	עֶ	עֹ	עוֹ	עוּ	עֻ	-

مثال:

עוֹדַד تشویق کردن، دلگرم کردن　　עֲבוֹדָה کارگر

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۱۷. حرف פ

نماد		نام	صدا
چاپی		پی	پِ
نوشتاری		پی	پِ

نکته: حرف « פ » زمانی که بدون داگش بیاید، به « פ » تبدیل شده و صدای « فِ » می‌دهد.

نماد		نام	صدا
چاپی		فِی	فِ
نوشتاری		فِی	فِ

نکته: حرف « פ » زمانی که در پایان کلمه قرار بگیرد، با نماد « ף » نمایش داده می شود.

نماد		نام	صدا
چاپی		فِی سوفیت	فِ
نوشتاری		فِی سوفیت	فِ

تمرین:

	קָמָץ	פַּתָח	חִירִיק	צֵירֶה	סֶגוֹל	חוֹלָם	חוֹלָם וֹ	שׁוּרֶק וּ	קִבּוּץ	שְׁוָא
۱	פָּ	פַּ	פִּ	פֵּ	פֶּ	פֹ	פוֹ	פּוּ	פֻּ	פְּ
۲	פָּ	פַּ	פִּ	פֵּ	פֶּ	פֹ	פוֹ	פּוּ	פֻּ	פְּ

مثال:

פּוֹחֵד ترسید פֹּה اینجا

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۱۸. حرف צ

نماد		نام	صدا
چاپی		تصادی	تِص
نوشتاری		تصادی	تِص

نکته: حرف تصادی با اضافه شدن یک کاما، به « צ׳ » تبدیل شده و صدای « چ » می دهد.

نکته: حرف « צ » زمانی که در پایان کلمه قرار بگیرد، با نماد « ץ » نمایش داده می شود.

نماد		نام	صدا
چاپی		تصادی	تِص
نوشتاری		تصادی	تِص

تمرین:

	קָמָץ	פַּתָח	חִירִיק	צֵירֶה	סֶגוֹל	חוֹלָם	חוֹלָם וֹ	שׁוּרֶק וּ	קִבּוּץ	שְׁוָא
۱	צָ	צַ	צִ	צֵ	צֶ	צֹ	צוֹ	צוּ	צֻ	צְ

مثال:

צַל سایه אֶצְלִי نزد من، پیش من

۱۹. حرف ק

نماد		نام	صدا
چاپی		کوف	کِ
نوشتاری		کوف	کِ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین:

	קָמָץ	פַּתָח	חִירִיק	צֵירֶה	סֶגוֹל	חוֹלָם	חוֹלָם וֹ	שׁוּרֶק וּ	קִבּוּץ	שְׁוָא
ו	קָ	קַ	קִ	קֵ	קֶ	קֹ	קוֹ	קוּ	קֻ	קְ

مثال:

קָפֶה قهوه　　קָטָן کوچک

۲۰. حرف ר

نماد		نام	صدا
چاپی	ר[1]	قِش	قِ
نوشتاری	ר[1]	قِش	قِ

نکته: در لهجه‌ی سفارادی این حرف « ر » تلفظ می شود.

تمرین:

	קָמָץ	פַּתָח	חִירִיק	צֵירֶה	סֶגוֹל	חוֹלָם	חוֹלָם וֹ	שׁוּרֶק וּ	קִבּוּץ	שְׁוָא
ו	רָ	רַ	רִ	רֵ	רֶ	רֹ	רוֹ	רוּ	רֻ	רְ

مثال:

קִיר دیوار　　רֶגֶל پا

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۲۱. حرف שׁ

نماد		نام	صدا
چاپی		شین	شِ
نوشتاری		شین	شِ

نکته: اگر نقطه روی حرف « שׁ » در سمت چپ حرف قرار بگیرد، تبدیل به حرف سین شده و صدای « سِ » می‌دهد.

نماد		نام	صدا
چاپی		سین	سِ
نوشتاری		سین	سِ

تمرین:

	קָמָץ	פַּתָח	חִירִיק	צֵירֶה	סֶגוֹל	חוֹלָם	חוֹלָם וֹ	שׁוּרֶק וּ	קִבּוּץ	שְׁוָא
۱	שָׁ	שַׁ	שִׁ	שֵׁ	שֶׁ	שׁ	שׁוֹ	שׁוּ	שֻׁ	שְׁ
۲	שָׁ	שַׁ	שִׁ	שֵׁ	שֶׁ	שׁ	שׁוֹ	שׁוּ	שֻׁ	שְׁ

مثال:

שָׂם قرار داد، گذاشت

שָׁלוֹם صلح، سلام، خداحافظ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۲۲. حرف تاو

	نماد	نام	صدا
چاپی		تاو	تِ
نوشتاری		تاو	تِ

تمرین:

	קָמָץ	פַּתָח	חִירִיק	צֵירֶה	סֶגוֹל	חוֹלָם	חוֹלָם וֹ	שׁוּרֶק וּ	קִבּוּץ	שְׁוָא
ו	תָ	תַ	תִ	תֵ	תֶ	תֹ	תוֹ	תוּ	תֻ	תְ

مثال:

זֹאת این (مونث)

שָׁתָה نوشید

جمعبندی ویژگی های الفبای زبان عبری

۱- حروف الفبای زبان عبری از راست به چپ نوشته می شوند.

۲- هر حرف از حروف الفبا به دو صورت چاپی(کتابی) و نوشتاری(دستخطی) نوشته می شود.

۳- الفبای زبان عبری دارای ۲۲ حرف اصلی است.

۴- الفبای زبان عبری از دسته حروف الفباهای ابجد است و ویژگی های الفبای ابجد را دارد (در الفباهای ابجد هر حرف ارزش عددی خاصی دارد و حروف توسط مصوت ها حرکت گذاری می‌شوند).

۵- صدای بعضی از حروف الفبای زبان عبری با کم یا زیاد شدن برخی علامت ها تغییر می کند:

- حرف « בּ » بدون نقطه داخل حرف(داگش) به حرف « ב » تبدیل شده و صدای « وِ » می‌دهد.
- حرف « כּ » بدون نقطه داخل حرف(داگش) به حرف « כ » تبدیل شده و صدای « خِ » می‌دهد.
- حرف « פּ » بدون نقطه داخل حرف(داگش) به حرف « פ » تبدیل شده و صدای « ف » می‌دهد.
- حرف « ז » با اضافه شدن یک کاما، به حرف « ז׳ » تبدیل شده و صدای « ژِ » می دهد.
- حرف « ג » با اضافه شدن یک کاما، به حرف « ג׳ » تبدیل شده و صدای « جِ » می دهد.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

- حرف « צ » با اضافه شدن یک کاما، به حرف «צ' » تبدیل شده و صدای « چ » می دهد.
- اگر نقطه روی حرف « שׁ » در سمت چپ حرف قرار بگیرد، به حرف « שׂ » تبدیل شده و صدای « سِ » می‌دهد.

۶- حروف سوفیت (پایانی): مقصود از سوفیت، حروفی است که دگرشکل پایانی دارند. پنج صامت כ מ נ פ و צ هنگامی که در پایان یک واژه بیایند به صورت زیر تغییر شکل می‌دهند:

כ ← ךְ , מ ← ם , נ ← ן , פ ← ף , צ ← ץ

مثال: مصوت های زیر را که دارای حروف سوفیت هستند، بخوانید و مقایسه کنید.

ה, הְ	אַהְ	לָהְ	עָלֶיהְ	עָלַיהְ	אֵיהְ	בָּנַיהְ	מוֹרֶיהְ	הוֹרֶיהְ	חִנּוּהְ
ם	אֵם	שֵׁם	שָׁלוֹם	מָקוֹם	מָרוֹם	לָקוּם	חַלוֹנָם	שָׁמַיִם	מַיִם
ן	שֵׁן	בֵּן	רָצוֹן	לָלוּן	שָׁעוֹן	מִלוֹן	סִפּוּרָן	חַלוֹן	אָבָן
ף	סַף	כַּף	קוֹף	מָעוֹף	כָּפוּף	צָרוּף	מָנוֹף	כָּתַף	תּוֹפֵף
ץ	עַץ	קֵץ	חַץ	קֶפֶץ	מוֹצֵץ	בַּחוּץ	עָקֵץ	פּוֹצֵץ	צִיץ

۷- حروف هم آوا: این حروف صداهایی یکسان ولی شکل نوشتاری متفاوتی دارند. هر یک از جفت صامت‌های א – ע , ב – ו , ח – כ , ט – ת , כּ – ק , ס – שׂ امروزه توسط عبری زبانان یکسان تلفظ می‌شوند؛ با این حال، هر یک از این صامت‌ها در اصل تلفظ خاصی داشته اند که همچنان از سوی برخی گویشوران غیراشکنازی حفظ شده است.

۸- مصوت‌های اصلی و نوع آنها

مصوت‌های بلند	مصوت‌های کوتاه
קָמָץ - کاماتص	פַּתָח - پَتَخ
שׁוּרֶק - شوقوک	קִבּוּץ - کوبوتص
חִירִיק מָלֵא - خیقیک مالِه	חִירִיק חָסֵר - خیقیک خاسِق
הוֹלָם - خُلام	קָמָץ קָטָן - کاماتص کاتان
צֵירֶה صِقِه	סֶגוֹל - سِگُل

نکته ۱: امروزه تفاوت مصوت های بلند و کوتاه در تلفظ چندان احساس نمی‌شود، بجز صِقِه و سِگُل که توسط بسیاری از عبری زبانان متفاوت تلفظ می‌شوند. با این حال آگاهی از تفاوت میان مصوت های بلند و کوتاه به توضیح برخی پدیده های دستوری کمک می‌کند.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

نکته ۲: در موارد معدودی کاماتص همانند خُلام تلفظ می‌شود که در این حالت «کاماتص کاتان» نامیده می‌شود این مورد بعداً توضیح داده خواهد شد.

۹- مصوت های ◌ֹו - ◌ֻו - ◌ִי مصوت های بلند هستند.

۱۰- مصوت‌های مرکب یا دوصدایی (◌ַי - ◌ֵי - ◌וֹי - ◌וּי): در این مصوت ها، دو صدای مصوت را با هم ترکیب می‌کند. در حقیقت، این دو صدای مصوت آنقدر نزدیک به هم تلفظ می‌شوند که تقریباً به جای دو صدا مانند یک صدا شنیده می‌شوند.

مثال: مصوت های زیر را که دارای مصوت‌های دوصدایی هستند بخوانید.

◌ַי	דַּי	חַי	מָתַי	עָלַי	סוּסַי	בָּנַי	אוּלַי	דּוֹדוֹתַי	יָמַי
◌ֵי	בֵּין	אֵיפֹה	בַּיִת	בָּתַּי	יָדֵינוּ	עָלֵינוּ	בֵּינֵינוּ	דּוֹדֵי	מוֹרֵינוּ
◌וֹי	בְּלוֹי	רְבוּי	צְוּוּי	עִלּוּי	רָצוּי	שָׁתוּי	כְּבוּי	חֲקוּי	פְּצוּי
◌וֹי	אוֹי	וַאֲבוֹי	בָּלוֹי	תְּלוֹי					

۱۱- شِوا שְׁוָא: علامت سکون در عبری، شِوا نامیده می‌شود و شامل سه نوع است:

۱. שְׁוָא נָע (شوا نا) – شوا متحرک: وقتی که نیکود شوا (◌ְ) در ابتدای یک واژه یا هجاء استعمال شود، مانند یک نیم سِگُل تلفظ می‌شود و صدای « اِ کوتاه » خواهد داشت[1]؛ این شوا را «شوا نا» (שְׁוָא נָע)، یعنی «شوا متحرک» می‌نامند؛ مثال: כְּמוֹ (کِمُو)

۲. שְׁוָא נָח (شوا ناخ) – شوا ساکن: وقتی که نیکود شوا (◌ְ) در پایان یک هجاء بیاید(در جایی بغیر از آغاز کلمه یا هجاء می‌آید)، نشان می‌دهد که صامت آخر، بی صدا است و معادل علامت سکون است. این نوع شوا، «شوا ناخ» (שְׁוָא נָח)، «شوا ساکن» نامیده می‌شود؛ مثال: כָּךְ (کاخ)، אֵתְ (اَت).

نکته ۱: وقتی در یک کلمه دو شوا پشت سر هم بیاید شوای اول، ساکن و شوای دوم متحرک است؛ مثال: תִּלְמְדוּ | مِدو (تیلمِدو).

نکته ۲: شوایی که پس از مصوت‌های بلند می‌آید، متحرک است؛ مثال: כָּ | תְבָה (کاتِوا).

---

[1] دلیل این مطلب بصورت یک قاعده وجود دارد که ابتدا به ساکن در زبان عبری و بعد ها در زبان عربی محال یا دشوار است.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۳. شوا مرکب (مصوت‌های تلفیقی یا سکون تلفیقی): نیکود شوا به تنهایی با حروف حلقی (א, ה, ח, ע) استعمال نمی شود و در مواردی که بخواهیم این نیکود را به همراه حروف حلقی استعمال کنیم، نیکود شوا با یکی از نیکود های کاماتص کاتان، پَتَح و سِگُل ترکیب می شود که به این مصوت جدید، نیکود خَطَف یا مصوت ترکیبی گفته می شود که دارای سه نوع است:

ָG[1] - חֲטַף פַּתָח (خَطَف پَتَح) ← אֲנִי (أنی)

ֶG - חֲטַף סְגוֹל (خَطَف سِگُل) ← אֱמֶת (اِمِت)

ָG - חֲטַף קָמָץ (خَطَف کاماتص) ← אֲנִיָה (أنِیَا)

نکته ۱: توجه داشته باشید که نماد نیکودهای کاماتص و کاماتص کاتان، یک شکل است اما کاماتص صدای «آ» و کاماتص کاتان صدای «اُ» دارد.

سوالی که پیش می آید این مسئله است که وقتی که تلفظ خطف با نیکود عادی یکی است، چرا برای آن نماد جداگانه داریم؟ پاسخ این است که در عبری قدیم تلفظ این نیکودها تفاوت داشت و خطف ها کوتاه تر تلفظ می‌شدند ولی با گذشت زمان آن تلفظ ها از بین رفتند و در عبری مدرن همان صداهای بدون خطف تلفظ می‌شوند.

مثال ۱: کلمات زیر که دارای شوا ساکن و شوا متحرک هستند را بخوانید.

לַיְלָה	שִׁמְלָה	מִלְכָּה	רִצְפָּה	מִצְוָה	מִדְרָכָה	מַחְבֶּרֶת	הֲלָכָה	פָּרְצוּ
סְפֹר	גְּמַר	גְּאוּלָה	שְׁאֵלָה	תְּשׁוּבָה	תְּרוּמָה	שְׁמוּעָה	תְּרוּעָה	בְּלִי
יִלְמְדוּ	תִּמְצְאוּ	תִּפְגְּשׁוּ	נִזְכְּרָה	נִפְגְּשָׁה	יִשְׁמְעוּ	תִּמְכְּרוּ	יִשְׁמְחוּ	יְדַבְּרוּ

مثال ۲: کلمات زیر که دارای مصوت های تلفیقی هستند را بخوانید.

ֲ	אֲנִי	אֲנַחְנוּ	אֲבָנִים	חֲלוֹם	חֲדָרִים	צֲעָקָה	שְׁאֲלוּ	הֲבָנָה
ֳ	אֲנִיָה	חֲדָשִׁים	עֲנָשִׁים	צָהֳרַיִם	אֲסָפִים	חֲמָרִים	עֲמָרִים	צִפֳּרִים
ֱ	אֱמֶת	אֱמוּנָה	אֱנוֹשׁ	נֶחֱרַג	הָאֱכִיל	הֶעֱבִירוּ	נֶאֱמָן	הָאֱמִין

[1] حرف G حرف اول عبارت Guttural Consonant به معنای صامت حلقی است، که در این کتاب به عنوان نمادی برای نمایش فرضی این دسته از صامت ها استفاده می شود.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۱۲- داگِش דָּגֵשׁ: نقطه‌ای است که داخل یک صامت قرار می‌گیرد. دو نوع داگِش وجود دارد:

۱. דָּגֵשׁ קַל (داگِش کَل) - داگِش خفیف: داگِش کَل، به همراه صامت‌های בּ, גּ, כּ, פּ, תּ استعمال می شود. این داگش صدای سایشی(نرم) این پنج صامت را به صدای انسدادی(سخت) تغییر می‌دهد. در عبری مدرن داگِش کَل تلفظ صامت‌های בּ, כּ, פּ را تغییر می دهد و صامت‌هـای גּ, דּ, תּ چه داگِش کَل داشته باشند و چه نداشته باشند تلفظ آنها تغییر نمی کند، اما در عبری قدیم داگش روی تلفظ تمامی این حروف تاثیر می گذاشت.

نکته: وقتی صامت‌هـای בּ, גּ, דּ, כּ, פּ, תּ در آغـاز یک واژه استعمال شوند، به همراه داگِش کَل نوشته می‌شوند.

۲. דָּגֵשׁ חָזָק (داگِش خازاک) - داگِش قوی: داگِش خازاک می‌تواند با هر صامتی،غیر از صامت‌های حلقی (א, ה, ח, ע, ר) استعمال می شود. چون مخرج این حروف حلق است و نمی توان آنها را با تشدید تلفظ نمود.

نکته: داگِش خازاک باعث می‌شود صامت به صورت مشدّد تلفظ شود؛ مثال:

בְּקוּר ← בֵּק | קוּר بیکّوق　　חַזָּן ← חַזְ | זָן خَزّان

۱۳- مַפִּיק - מַפִּיק: در بسیاری از مواقع حرف « ה » در پایان کلمات نوشته می شود، اما خوانده نمی‌شود اما اگر حرف « ה » پایانی به همراه یک نقطه در داخل آن استفاده شود، این نقطه مَپّیک نام دارد و به این معنا است که باید حرف « ה » را قرائت کرد؛ مثال:

שָׁלָהּ (شَلّاه)　　גָּבֹהַּ (گاوُّاه)

۱۴- پَتَخ پنهان (Furtive): هرگاه صامت‌های ה, ח, ע در پایان یک واژه به همراه نیکود پَتَخ استعمال شوند، این صامت ها بی صدا تلقی می‌گردند و پَتَخ پیش از صامت تلفظ می‌شود که به آن پَتَخ پنهان گفته می شود؛ مثال:

גָּבֹהַּ = גָּבֹ ◌ַ ה　　כֹּחַ = כֹּ ◌َ ח　　יוֹדֵעַ = יוֹדֵ ◌َ ע

مثال: کلمات زیرکه دارای پَتَخ پنهان هستند را بخوانید.

תָּמַהּ　תָּמוּהַּ　לוּחַ　רוּחַ　פּוֹתֵחַ　וְכוּחַ　לוֹקֵחַ　שָׂבַע　פּוֹרֵחַ　מֹחַ

יוֹדֵעַ　שׁוֹמֵעַ　שָׁבוּעַ　נוֹגֵעַ　פּוֹגֵעַ　הִבִּיעַ　שָׂטִיחַ　שׁוֹכֵחַ　שָׂמֵחַ　מַדּוּעַ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

שעור א

kambozia.com

لغات درس ۱

אֲנִי: من (مذکر و مونث) I

אַתָּה: تو (مذکر) you, m

אַתְּ: تو (مونث) you, f

הוּא: او (مذکر) he

הִיא: او (مونث) she

אֲנַחְנוּ: ما (مذکر و مونث) we, m&f

אַתֶּם: شما (مذکر) you, m.pl

אַתֶּן: شما (مونث) you, f.pl

הֵם: آنها (مذکر) they, m

הֵן: آنها (مونث) they, f

גַּם: همچنین، نیز also

*הַ...: هِ معرفه، برای تعریف the

*וְ...: وِ، حرف عطف and

כֵּן: بله yes, so

לֹא: خیر، نه، نیست no, not

מַה (מָה, מָ): چیست؟ چه چیزی؟ what

מוֹרֶה (מוֹרִים): معلم مذکر؛ (جمع: معلمان مذکر) teacher, m

מוֹרָה (מוֹרוֹת): معلم مونث؛ (جمع: معلمان مونث) teacher, f

מִי: چه کسی؟ who

שָׁלוֹם: سلام، آرامش و صلح، خدانگهدار peace, hello, goodbye

שִׁעוּר (שִׁעוּרִים): درس؛ (جمع: درس‌ها) lesson

תַּלְמִיד (תַּלְמִידִים): دانش‌آموز مذکر؛ (جمع: دانش‌آموزان مذکر) student, m

תַּלְמִידָה (תַּלְמִידוֹת): دانش‌آموز مونث؛ (جمع: دانش‌آموزان مونث) student, f

نکته: در بخش لغات این کتاب، اگر واژه اسم باشد، حالت مفرد آن اول بیان شده و حالت جمع آن داخل پرانتز آمده است؛ همچنین اگر واژه صفت باشد، حالت مذکر آن اول بیان شده و حالت مونث آن داخل پرانتز آمده است علاوه بر این فعل ها متناسب با ضمیر سوم شخص مفرد مذکر بیان می شود.

دستور زبان درس ۱

۱- در زمان حال ساده (مضارع) در زبان عبری کلمه «است» وجود ندارد وجمله به شکل زیر نوشته می‌شود؛ مثال:

אֲנִי דָּוִד. من داوود هستم.

מִי אַתָּה? تو چه کسی هستی؟

۲- در سوم شخص مفرد وجمع، ضمیر غالبا به عنوان تاکید در جمله اضافه می‌شود؛ مثال:

דָּוִד תַּלְמִיד. داوود دانش آموز است.

דָּוִד הוּא תַּלְמִיד. داوود او دانش آموز است.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۳- در زبان عبری برای مونث کردن از «ָה» و «ת» استفاده می شود[1]؛ مثال:

תלמיד ← תלמידה

۴- برای جمع مذکر در زبان عبری از «ִים» و برای جمع مونث از «וֹת» استفاده می‌شود؛ مثال:

תַּלְמִיד ← תַּלְמִידִים

תַּלְמִידָה ← תַּלְמִידוֹת

۵- برای معرفه کردن یک کلمه حرف «ה» به اول کلمه اضافه میشود و حرف بعد از آن داگش می گردد.

نکته: حروف א ، ע ، ה ، ח و ר از دسته حروف حلقی هستند و هرگز داگش نمی‌پذیرند.

۶- هرگاه دو اسم پشت سر هم قرار بگیرند، حرف ربط «ו» به اسم دوم متصل می شود؛ مثال:

דָּוִד וְרוּת הֵם תַּלְמִידִים. داوود و روت، آنها دانش آموزان هستند.

۷- هرگاه جمع متشکل از افراد مذکر و مونث باشد، از علامت جمع مذکر استفاده می کنیم.

---

[1]. البته استثناناتی وجود دارد که در درس ۶۴ ذکر می‌شود.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

متن درس ۱

שִׁעוּר א

הַמּוֹרָה: שָׁלוֹם, תַּלְמִידִים. אֲנִי הַמּוֹרָה.

הַתַּלְמִידִים: שָׁלוֹם, מוֹרָה.

הַמּוֹרָה: מִי אַתְּ?

שָׂרָה: אֲנִי שָׂרָה.

הַמּוֹרָה: שָׂרָה, אַתְּ מוֹרָה?

שָׂרָה: אֲנִי לֹא מוֹרָה. אֲנִי תַּלְמִידָה.

הַמּוֹרָה: שָׂרָה, מִי הִיא?

שָׂרָה: הִיא רוּת. גַּם הִיא תַּלְמִידָה.

הַמּוֹרָה: מִי אַתָּה?

דָּן: אֲנִי דָּן. אֲנִי תַּלְמִיד.

הַמּוֹרָה: דָּן, מִי הוּא?

דָּן: הוּא דָּוִד. גַּם הוּא תַּלְמִיד.

הַמּוֹרָה: שָׂרָה וְרוּת, אַתֶּן תַּלְמִידוֹת?

הַתַּלְמִידוֹת: כֵּן, אֲנַחְנוּ תַּלְמִידוֹת.

הַמּוֹרָה: דָּן וְדָוִד, אַתֶּם תַּלְמִידִים?

הַתַּלְמִידִים: כֵּן, אֲנַחְנוּ תַּלְמִידִים.

הַמּוֹרָה: רוּת, מַה שָׂרָה וְדָוִד?

רוּת: תַּלְמִידוֹת.

הַמּוֹרָה: לֹא, רוּת, הֵם תַּלְמִידִים!

تمرین های درس ۱

الف- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید:

۱. او (مذکر) چه کسی است؟ ۲. او (مذکر) چه چیزی است؟ ۳. او (مذکر) یک دانش آموز است. ۴. او (مونث) دانش آموز (نکره) است. ۵. روت دانش آموز (نکره) است و همچنین سارا دانش آموز (نکره) است. ۶. بله، ما دانش آموز (مونث) هستیم. ۷. او (مذکر) معلم (معرفه) است. ۸. نه، تو معلم (مذکر) هستی. ۹. داوود دانش آموز (نکره) است و دان نیز دانش آموز (نکره) است. ۱۰. سارا و دان دانش آموزان هستند. ۱۱. چه کسی معلم (مذکر معرفه) است؟ ۱۲. چه کسانی دانش آموز (مذکر معرفه) هستند؟ ۱۳. او (مونث) معلم (معرفه) است و آنها (مذکر) دانش آموز (معرفه) هستند. ۱۴. ما دانش آموز (مذکر نکره) هستیم و آنها (مذکر) هم دانش آموزان هستند. ۱۵. خداحافظ دانش آموزان (مونث).

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור ב

لغات درس ۲

אוֹמֵר: گفت، می‌گوید — says

אֵיפֹה: کجا؟ — where

אֶל: به سمت... به... — to

בְּ...: با...، داخلِ... (بر سر اسم‌های نکره می‌آید) — in, with

בַּ...: با...، داخلِ... (بر سر اسم‌های معرفه می‌آید) — in the, with the

גִּיר: گچی که با آن می‌نویسند — chalk

חוֹשֵׁב: فکر می‌کند — thinks

יוֹשֵׁב: می‌نشیند — sits, sits down

כּוֹתֵב: می‌نویسد — writes, writes down

כִּי: زیرا — because

כָּל: همه، هرچیز، هیچ — all, every, any

כִּתָּה (כִּתּוֹת): کلاس؛ (جمع: کلاس‌ها) — classroom, class

לוּחַ (לוּחוֹת): تخته سیاه، تقویم؛ (جمع: تخته سیاه‌ها، تقویم‌ها) — blackboard, calendar

לוֹמֵד: یاد می‌گیرد، مطالعه می‌کند — learns, studies

לִפְנֵי: پیش از، مقابل، روبروی — before, in front of

מַדּוּעַ: چرا؟ — why

מַחְבֶּרֶת (מַחְבָּרוֹת): دفترچه (جمع: دفترچه ها) — notebook

סֵפֶר (סְפָרִים): کتاب (جمع: کتاب ها) — book

עִבְרִית: (زبان) عبری — Hebrew (language)

עוֹמֵד: ایستاده است، می‌ایستد — stands, stands up

עֵט (עֲטִים): خودکار (جمع: خودکار ها) — pen

עַל: بر روی، درباره — on, about

עַל מַה: برروی چه چیزی؟، درباره چه چیزی؟ — on what, about what

בַּמָּה: با چه چیزی؟ — with what

פֹּה: اینجا — here

دستور زبان درس ۲

۱- در زبان عبری در زمان حال (مضارع) فعل به شکل زیر صرف می گردد؛ مثال: صرف فعل לוֹמֵד

مفرد مذکر: אֲנִי ; אַתָּה ; הוּא ← לוֹמֵד

مفرد مونث: אֲנִי ; אַתְּ ; הִיא ← לוֹמֶדֶת

جمع مذکر: אֲנַחְנוּ ; אַתֶּם ; הֵם ← לוֹמְדִים

جمع مونث: אֲנַחְנוּ ; אַתֶּן ; הֵן ← לוֹמְדוֹת

۲- در اسامی قاعده جمع بستن به شکل «اسم مذکر + ◌ִים» است ؛ مثال: סֵפֶר ← סְפָרִים

۳- در زبان عبری زمان مضارع (حال ساده)، فعل می‌تواند چند معنی داشته باشد. مثلاً هم معنای انجام دادن و هم معنای حال استمراری را دهد. برای مثال «אֲנִי לוֹמֵד» به معنای در حال آموزش و آموختن و آموزشگر بودن است و معنا از قرائن جمله تبعیت می‌کند.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۴- هر گاه گفته شود «در چیزی» یا «داخل» یا «با چیزی» حرف ربط یا همان حرف «בְּ» را بر سر کلمه می‌آوریم؛

مثال:

داخل یک کتاب: (בְּ + סֵפֶר) ← בְּסֵפֶר

با خودکار: (בְּ +עֵט) ← בְּעֵט

۵- در زبان عبری حرف معرفه הַ در ادغام حرف ربط בְּ حذف می شود؛ مثال:

در آن کلاس (معرفه): בְּהַכִּתָּה ← בַּכִּתָּה

مـتـن درس ۲

דָּוִד חוֹשֵׁב

כִּתָּה «ב» לוֹמֶדֶת עִבְרִית. כָּל הַתַּלְמִידִים בַּכִּתָּה. הַמוֹרָה אוֹמֶרֶת אֶל הַתַּלְמִידִים:

- מִי לֹא פֹּה?

הַתַּלְמִידִים אוֹמְרִים:

- כָּל הַתַּלְמִידִים פֹּה.

הַמוֹרָה עוֹמֶדֶת לִפְנֵי הַלּוּחַ. הִיא כּוֹתֶבֶת עַל הַלּוּחַ. הִיא כּוֹתֶבֶת בְּגִיר. הַתַּלְמִידִים יוֹשְׁבִים וְלוֹמְדִים עִבְרִית. לִפְנֵי כָּל תַּלְמִיד וַתַּלְמִידָה סֵפֶר וְגַם מַחְבֶּרֶת. הַתַּלְמִידִים כּוֹתְבִים בַּמַּחְבָּרוֹת. הֵם כּוֹתְבִים בְּעֵטִים. דָּוִד יוֹשֵׁב וְלֹא כּוֹתֵב.

הַמוֹרָה אוֹמֶרֶת אֶל דָּוִד:

- דָּוִד, מַדּוּעַ אַתָּה לֹא כּוֹתֵב?

דָּוִד אוֹמֵר:

- אֲנִי לֹא כּוֹתֵב, כִּי אֲנִי חוֹשֵׁב.

הַמוֹרָה אוֹמֶרֶת:

- עַל מָה אַתָּה חוֹשֵׁב?

דָּוִד אוֹמֵר:

- אֲנִי חוֹשֵׁב עַל הַסֵּפֶר וְעַל הַמַּחְבֶּרֶת, אֵיפֹה הֵם?

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس۲

الف- به سوالات زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מַה לּוֹמְדֶת כִּתָּה «בּ» ؟ کلاس دومی ها چه چیزی یاد می‌گیرند؟

۲. בַּמֶּה כּוֹתֵב הַמּוֹרֶה עַל הַלּוּחַ ؟ معلم با چه بر روی تخته سیاه می‌نویسد؟

۳. בַּמֶּה כּוֹתְבִים הַתַּלְמִידִים בַּמַּחְבָּרוֹת ؟ دانش آموزان با چه چیزی در دفترچه ها می‌نویسند؟

۴. מַדּוּעַ דָּוִד לֹא כוֹתֵב ؟ داوود چرا نمی‌نویسد؟

۵. עַל מַה חוֹשֵׁב דָּוִד ؟ داوود به چه چیزی فکر می‌کند؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. تو (مذکر) کجا نشسته‌ای؟ ۲. چرا تو (مونث) اینجا نشسته‌ای؟ ۳. شما (مذکر) دارید چه چیزی در دفترها می‌نویسید؟ ۴. ما (مونث) با گچ (نکره) روی تخته سیاه می‌نویسیم. ۵. آنها (مذکر) به معلم «سلام» می‌گویند. ۶. دانش آموزان (معرفه) عبری مطالعه می‌کنند. ۷. او (مونث) نمی‌نویسد زیرا او دارد درباره درس فکر می‌کند. ۸. [دانش آموزان] کلاس چه چیزی یاد می‌گیرد؟ ۹. سارا هم عبری مطالعه می‌کند. ۱۰. دانش آموزان (مونث معرفه) داخل کتاب‌ها نمی‌نویسند. ۱۱. هر دانش آموز در دفتر با یک خودکار می‌نویسد. ۱۲. دانش آموزان (مونث)، چرا شما نمی‌نشینید؟ ۱۳. داوود، چرا تو در کتاب مینویسی؟ ۱۴. کلاس دارد درس «۱» را به زبان عبری می‌خواند. ۱۵. همه دانش آموزان (مذکر معرفه) به معلم (مونث) می‌گویند: «خداحافظ »

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שִׁעוּר ג

لغات درس ۳

אָדוֹן (אֲדוֹנִים): آقا، سرور؛ (جمع: آقایان، سروران) mr, sir, Gentleman

אָרוֹן (אֲרוֹנוֹת): کمد، تابوت عهد؛ (جمع: کمدها، تابوت‌ها) closet, ark

אֶתְמוֹל: دیروز yesterday

בַּיִת (בָּתִּים): خانه، (جمع: خانه‌ها) house, home

בֵּית סֵפֶר (בָּתֵּי סֵפֶר): مدرسه، (جمع: مدرسه‌ها) school

בֵּית הַסֵּפֶר: مدرسه (معرفه) the school

גְּבֶרֶת (גְּבִירוֹת): خانم، (جمع: خانم‌ها) mrs, miss, lady

הוֹלֵךְ: می‌رود، قدم می‌زند goes, walks

הַיּוֹם: امروز today

יוֹדֵעַ: می‌داند knows

יוֹם (יָמִים): روز؛ (جمع: روزها) day

לְאָן: به کجا where to

לוֹקֵחַ: می‌گیرد، بر می‌دارد takes

מְעִיל (מְעִילִים): کت؛ (جمع: کت‌ها) coat

עִתּוֹן (עִתּוֹנִים): روزنامه؛ (جمع: روزنامه‌ها) newspaper

פִּתְאֹם: ناگهان، یکدفعه suddenly

צוֹחֵק: می‌خندد laughs

קוֹרֵא: می‌خواند، صدا می‌زند reads, calls

שׁוֹאֵל: سوال می‌پرسد، درخواست می‌کند ask

שֶׁל: از (برای اتصال دو اسم به یکدیگر استفاده می شود در درس های بعدی توضیح کامل آن بیان می شود) of (Possessive)

בַּבַּיִת: در خانه (معرفه) in the house, at home

יוֹם א' (אֶחָד): روز یکشنبه sunday

יוֹם ב' (בַּיִת): روز دوشنبه monday

יוֹם ג' (גִּימֶל): روز سه‌شنبه Tuesday

دستور زبان درس ۳

۱- در زبان عبری وقتی که حرف دوم ریشه حرف حلقی(مانند א) باشد در صرف فعل به صورت جمع مذکر و جمع مونث، حرف حلقی نیکود خطف پتخ (חֲטַף פַּתָּח[1]) دریافت می‌کند.؛ مثال :

שׁוֹאֵל	שׁוֹאֶלֶת	שׁוֹאֲלִים	שׁוֹאֲלוֹת

۲- هر گاه حرف انتهای ریشه فعل حرف حلقی(א) باشد حرکات حرف قبل از آن به این شکل می باشد.

مفرد مذکر: קוֹרֵא — جمع مذکر: קוֹרְאִים

مفرد مونث: קוֹרֵאת — جمع مونث: קוֹרְאוֹת

* تلفظ مفرد مونث فقط اندکی تفاوت دارد.

---

[1]. خطف پتخ یک نیکود ترکیبی است که از شوا و پتخ تشکیل شده که با نماد(ֲ) در زیر حرف قرار می گیرد و به آن پتخ کوتاه نیز گفته می شود.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۳- هر گاه فعل به حروف حلقی ח و ע ختم شود فعل در حرف آخر مصوت فتحه گرفته و بدین صورت صرف میگردد؛ مثال:

مفرد مذکر: לוֹקֵחַ	جمع مذکر: לוֹקְחִים
مفرد مونث: לוֹקַחַת	جمع مونث: לוֹקְחוֹת
مفرد مذکر: יוֹדֵעַ	جمع مذکر: יוֹדְעִים
مفرد مونث: יוֹדַעַת	جمع مونث: יוֹדְעוֹת

۴- تفاوت «אֵיפֹה» و «לְאָן» چیست؟ هر گاه درباره ی چیزی ثابت و ساکن، سوال نماییم از «אֵיפֹה» استفاده می‌کنیم و هر گاه از چیزی که در حال حرکت است سوال بپرسیم از «לְאָן» استفاده می‌کنیم؛ مثال:

خانه داوود کجاست؟ אֵיפֹה הַבַּיִת שֶׁל דָּוִד?

شما به کجا میروی؟ לְאָן אַתָּה הוֹלֵךְ?

متن درس ۳

עִתּוֹן שֶׁל אֶתְמוֹל

אָדוֹן כֹּהֵן יוֹשֵׁב בַּבַּיִת. גַּם גְּבֶרֶת כֹּהֵן יוֹשֶׁבֶת בַּבַּיִת. אָדוֹן כֹּהֵן קוֹרֵא עִתּוֹן. גְּבֶרֶת כֹּהֵן קוֹרֵאת סֵפֶר. פִּתְאֹם גְּבֶרֶת כֹּהֵן עוֹמֶדֶת וְהוֹלֶכֶת אֶל אָרוֹן. הִיא לוֹקַחַת מְעִיל.

אָדוֹן כֹּהֵן שׁוֹאֵל:

- מַדּוּעַ אַתְּ לוֹקַחַת מְעִיל? לְאָן אַתְּ הוֹלֶכֶת?

גְּבֶרֶת כֹּהֵן אוֹמֶרֶת:

- אַתָּה לֹא יוֹדֵעַ לְאָן אֲנִי הוֹלֶכֶת? אֲנִי הוֹלֶכֶת אֶל בֵּית הַסֵּפֶר.

אָדוֹן כֹּהֵן חוֹשֵׁב, וְאוֹמֵר:

- מַדּוּעַ אַתְּ הוֹלֶכֶת אֶל בֵּית הַסֵּפֶר הַיּוֹם? הַיּוֹם יוֹם ב׳, וְאַתְּ לוֹמֶדֶת עִבְרִית כָּל יוֹם ג׳.

- כֵּן, אוֹמֶרֶת גְּבֶרֶת כֹּהֵן, אֲנִי לוֹמֶדֶת עִבְרִית כָּל יוֹם ג׳, וְהַיּוֹם יוֹם ג׳.

- לֹא, אוֹמֵר אָדוֹן כֹּהֵן, הַיּוֹם יוֹם ב׳ וְלֹא יוֹם ג׳.

גְּבֶרֶת כֹּהֵן צוֹחֶקֶת וְאוֹמֶרֶת:

- אַתָּה קוֹרֵא עִתּוֹן שֶׁל אֶתְמוֹל!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۳

الف- به سوالات زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. אַיפֹה יוֹשֵׁב אָדוֹן כֹּהֵן ? آقای کهن کجا نشسته است؟

۲. מַה קוֹרֵא אָדוֹן כֹּהֵן ? آقای کهن چه چیزی می‌خواند؟

۳. מַה לוֹקַחַת גְּבֶרֶת כֹּהֵן ? خانم کهن چه چیزی بر می‌دارد؟

۴. לְאָן הוֹלֶכֶת גְּבֶרֶת כֹּהֵן ? خانم کهن به کجا می رود؟

۵. מַה לוֹמֶדֶת גְּבֶרֶת כֹּהֵן כָּל יוֹם ג׳ ? خانم کهن هر روز سه شنبه چه یاد می‌دهد؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید:

۱. امروز چه کسی در خانه (معرفه) است؟ ۲. هر یکشنبه من (مونث) در خانه (معرفه) می‌نشینم زیرا من عبری می‌آموزم. ۳.او (مونث) دارد کتابی می‌خواند و او (مونث) دارد می‌خندد. ۴. تو (مذکر) ناگهان داری کجا می‌روی؟ ۵. خانم کُهِن یک کُت برمی‌دارد و به مدرسه می‌رود. ۶. دانش آموزان (مذکر معرفه) چه چیزی می‌پرسند؟ ۷. کلاس (معرفه) دارد روزنامه دیروز را می‌خواند. ۸. چه کسی دارد روزنامه سه شنبه را می‌خواند؟ ۹. من (مونث) عبری می‌خوانم و می‌نویسم. ۱۰. او (مونث) می‌داند خانه آقای کهن کجاست. ۱۱. چه کسی جلوی تخته سیاه ایستاده است؟ ۱۲. خانم کهن جلوی خانه (معرفه) ایستاده است. ۱۳. او (مونث) دارد درباره درس دیروز فکر می‌کند. ۱۴. همه دفترها (معرفه) کجا هستند؟ ۱۵. من (مذکر) نمیدانم چرا او (مونث) دارد امروز به مدرسه می‌رود.

ج- چهار صیغه مضارع فعل های زیر را بنویسید.

הוֹשֵׁב	יוֹשֵׁב	הוֹלֵךְ	צוֹחֵק	עוֹמֵד
כּוֹתֵב	אוֹמֵר	קוֹרֵא	יוֹדֵעַ	שׁוֹאֵל

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור ד

لغات درس ٤

אִם: اگر if

אִם כֵּן: اگر چنین است if so

בֹּקֶר (בְּקָרִים): صبح؛ (جمع: صبح‌ها) morning

חַי, חַיָּה, חַיִּים, חַיּוֹת: زندگی کرد lives, alive

חַיִּים: زندگی (اسم است و همیشه بصورت جمع می‌آید) life, n. pl

כַּאֲשֶׁר: زمانی که when

מִן: از ـــ مساوی با مِن در عربی from

מַעְבָּדָה (מַעְבָּדוֹת): آزمایشگاه؛ (جمع: آزمایشگاه‌ها) laboratory

מָתַי: چه زمانی؟ چه وقت؟ کِی؟ when

עֲבוֹדָה (עֲבוֹדוֹת): کار؛ (جمع: کارها) work, n

עַד: تا until

עוֹבֵד: کار می‌کند works

עַכְשָׁו = עַכְשָׁיו: الان، حالا، اکنون now

עֶרֶב (עֲרָבִים): عصر، غروب (جمع: عصرها، غروب‌ها) evening

רְחוֹב (רְחוֹבוֹת): خیابان، (جمع: خیابان‌ها) street

שׁוֹמֵעַ: گوش می‌دهد، می‌شنود hears, listens

שִׂמְחָה (שְׂמָחוֹת): لذت، شادی (جمع: لذت‌ها، شادی‌ها) joy

תָּמִיד: همیشه always

יוֹם ד': روز چهارشنبه wednesday

כָּל הַיּוֹם: تمام طول روز، هر روز the whole day, all day

دستور زبان درس ٤

۱- در زبان عبری وقتی که سه حرف حلقی «ע א ה» که نیکود کاماتص نداشته باشند، در اول کلمه‌ای قرار بگیرند، در حالت معرفه تشدید[1] نگرفته و به جای آن ה معرفه کاماتص می گیرد. مثال:

הָאָרוֹן کُمُد (معرفه) הָעֶרֶב عصر(معرفه) הָרְחוֹב خیابان(معرفه)

۲- وقتی کلمه‌ای با حرف « י » شروع شود تشدید نمی‌گیرد؛ مثال: הַיְסוֹד مبنا، پایه

۳- در زبان عبری هر گاه حرف ربط בְּ به کلمه ای اضافه شود که حرف הָ معرفه داشته باشد و آن کلمه با حروف حلقی[2] شروع شده باشد، הָ معرفه حذف می شود و حرف בְּ با کاماتص تلفظ می شود

בָּאָרוֹן = בְּהָאָרוֹן * یعنی בְּ و הָ در هم ادغام میشود.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۴- מָתַי و כַּאֲשֶׁר هر دو به معنای «چه زمانی، چه وقتی» هستند.

מָתַי به عنوان کلمه پرسشی در مورد زمان و نیز به عنوان ضمیر بکار می رود؛ مثال:

מָתַי הוּא עוֹבֵד? او چه زمانی کار می کند؟

אֲנִי לֹא יוֹדֵעַ מָתַי הוּא עוֹבֵד. من نمیدانم چه وقتی او کار می کند.

כַּאֲשֶׁר به عنوان کلمه ی ربط برای ارتباط دو جمله از حیث زمان استفاده می شود؛ مثال:

הוּא חַי כַּאֲשֶׁר הוּא עוֹבֵד. او زندگی می کند هنگامی که او کار می کند.

۵- در زبان عبری כְּשֶׁ کلمه ربط است و کلمه (כַּאֲשֶׁר) به شکل כְּשֶׁ به کلمه ی بعد از خود می چسبد و از معنای کلمه در جمله پیروی میکند؛ مثال:

כְּשֶׁאֲנִי עוֹבֵד, אֲנִי חַי. هنگامی که من کار می کنم من زندگی می کنم.

۶- در زبان عبری کلمات کلی معمولا با הַ معرفه می آید؛ مثال:

הָעֲבוֹדָה הִיא חַיִּים. کار همان زندگی است.

۷- شکل صرف زمان حال فعل חַי (زندگی کردن)

مفرد مذکر: אֲנִי, אַתָּה, הוּא = חַי

مفرد مونث: אֲנִי, אַתְּ, הִיא = חַיָּה

جمع مذکر: אֲנַחְנוּ, אַתֶּם, הֵם = חַיִּים

جمع مونث: אֲנַחְנוּ, אַתֶּן, הֵן = חַיּוֹת

מתן درس ٤

הָעֲבוֹדָה הִיא חַיִּים

עֶרֶב. אָדוֹן לֵוִי לוֹקֵחַ מְעִיל מִן הָאָרוֹן וְהוֹלֵךְ אֶל הַבַּיִת שֶׁל אָדוֹן כֹּהֵן. גְּבֶרֶת כֹּהֵן עוֹמֶדֶת בָּרְחוֹב לִפְנֵי הַבַּיִת.

- שָׁלוֹם גְּבֶרֶת כֹּהֵן. אָדוֹן כֹּהֵן בַּבַּיִת ?
- לֹא. הוּא לֹא בַּבַּיִת.
- אַתְּ יוֹדַעַת אֵיפֹה הוּא?
- כֵּן. הוּא עוֹבֵד עַכְשָׁיו.
- אֵיפֹה הוּא עוֹבֵד עַכְשָׁיו?
- הוּא עוֹבֵד בַּמַּעְבָּדָה.
- עַכְשָׁו? בָּעֶרֶב?

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

- כֵּן, גַּם אֲנִי שׁוֹאֶלֶת תָּמִיד: "מִי עוֹבֵד בָּעֶרֶב?" אָדוֹן כֹּהֵן לֹא שׁוֹמֵעַ. אָדוֹן כֹּהֵן עוֹבֵד כָּל הַיּוֹם. הוּא עוֹבֵד מִן הַבֹּקֶר עַד הָעֶרֶב.

- אִם כֵּן, מָתַי הוּא חַי?

גְּבֶרֶת כֹּהֵן צוֹחֶקֶת וְאוֹמֶרֶת:

- הוּא חַי כַּאֲשֶׁר הוּא עוֹבֵד. הוּא עוֹבֵד תָּמִיד בְּשִׂמְחָה. אָדוֹן כֹּהֵן אוֹמֵר: "הָעֲבוֹדָה הִיא חַיִּים!"

تمرین های درس ٤

الف- به سوالات زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

١. לְאָן הוֹלֵךְ אָדוֹן לֵוִי? آقای لِوی به کجا می رود؟

٢. אֵיפֹה עוֹמֶדֶת גְּבֶרֶת כֹּהֵן? خانم کُهِن کجا ایستاده است؟

٣. מַה שׁוֹאֵל אָדוֹן לֵוִי? آقای لوی چه سوالی کرد؟

۴. מָתַי עוֹבֵד אָדוֹן כֹּהֵן בַּמַּעְבָּדָה? آقای کهن تا چه وقت در آزمایشگاه کار می کند؟

۵. מָה אוֹמֵר אָדוֹן כֹּהֵן עַל הָעֲבוֹדָה? آقای کهن درباره کار چه می گوید؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید:

١. او (مذکر) اکنون در خانه نیست، او در خیابان (معرفه) است. ٢. او (مونث) اینجا نشسته است و روزنامه‌ای می‌خواند. ٣. چه کسی امروز در آزمایشگاه (معرفه) کار می‌کند؟ ۴. تو (مذکر) چه چیزی از خانه می‌شنوی؟ ۵. آنها (مذکر) از صبح تا عصر مطالعه می‌کنند. ۶. تو (مذکر) چه زمانی به مدرسه می‌روی؟ ٧. وقتی که دانش آموز (مذکر معرفه) در دفتر (معرفه) می‌نویسد، (او) با خودکار می‌نویسد. ٨. او (مونث) همیشه می‌گوید: «کار، لذت بخش است!» ٩. آنها در آرامش زندگی می‌کنند. ١٠. من (مونث) نمیدانم که آیا او (مذکر) اکنون در خانه است. ١١. اگر چنین است، چرا شما (مذکر) عبری مطالعه نمی‌کنید؟ ١٢. تو (مذکر) درباره زندگی چه فکر می‌کنی؟ ١٣.او (مذکر) تمام روز در مدرسه است. ١۴. او (مونث) درکلاس نشسته است و می‌خندد. ١۵. معلم (مونث) گچ را برمیدارد و روی تخته سیاه (معرفه) می‌نویسد.

ج- حرف تعریف را حرکت گذاری کنید.

١. הבֹּקֶר	۴. העֲבוֹדָה	٧. השִׂמְחָה	١٠. הרְחוֹב
٢. הָאָרוֹן	۵. הָאָדוֹן	٨. הָעֶרֶב	١١. החַיִּים
٣. העִתּוֹן	۶. הַמְעִיל	٩. המַּעְבָּדָה	١٢. השָׁלוֹם

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

שעור ה

kambozia.com

لغات درس ٥

אֲבָל: اما — but

אוֹהֵב: دوست می‌دارد، عشق می‌ورزد — loves, likes

אַחֲרֵי, אַחַר: بعد از(در حالت اضافه)؛ بعد از(در حالت غیر اضافه) — after

אֵין: وجود ندارد، نیست(مفرد و جمع) — there is (no) there are not (no)

אִישׁ (אֲנָשִׁים): مرد؛ (جمع: مردان) — man

אִשָּׁה (נָשִׁים): زن، همسر؛ (جمع: زنان، همسران) — woman wife

גָּדוֹל, גְּדוֹלָה: بزرگ، شدید؛ بزرگ، شدید(مونث) — big, large

הַרְבֵּה: بسیار زیاد — much, many, a lot of

חוֹלֶה, חוֹלָה: بیمار؛ بیمار(مونث) — sick

חָכָם, חֲכָמָה: زیرک، باهوش، دانا؛ زیرک، باهوش، دانا(مونث) — wise, smart, intelligent

טוֹב, טוֹבָה: خوب؛ خوب(مونث) — good

יָפֶה, יָפָה: زیبا؛ زیبا(مونث) — beautiful, nice

יֵשׁ: وجود دارد، هست (مفرد و جمع) — there is, there are

כְּמוֹ: شبیهِ...، مثلِ... — like, as

עוֹלָם (עוֹלָמוֹת): جهان، دنیا، (جمع: جهان‌ها، دنیاها) — world

צָהֳרַיִם: ظهر ( ) — noon, n.m.pl.

רוֹפֵא (רוֹפְאִים): پزشک، (جمع: پزشکان) — physician

שֵׁם (שֵׁמוֹת): نام، اسم، (جمع: نام‌ها، اسم‌ها) — name

לִפְנֵי הַצָּהֳרַיִם: قبل از ظهر — before noon, A.M

אַחֲרֵי הַצָּהֳרַיִם: بعد از ظهر — in the afternoon, P.M

ד"ר (דוֹקְטוֹר): دکتر — Dr. (doctor)

יוֹם ה': روز پنجشنبه — Thursday

دستور زبان درس ٥

۱- در زبان عبری صفت به چهار شکل در جمله می آید؛ مثال:

مفرد مذکر: טוֹב — جمع مذکر: טוֹבִים

مفرد مونث: טוֹבָה — جمع مونث: טוֹבוֹת

۲- در صفات مفرد حرف اول صدای کاماتص دریافت میکند اما در صفات مونث و جمع حرف اول یا شوا (ساکن) گرفته و یا خطف پتخ می شود و صدای فتحه میگیرد؛ مثال:

مفرد مذکر: גָּדוֹל — جمع مذکر: גְּדוֹלִים

مفرد مونث: גְּדוֹלָה — جمع مونث: גְּדוֹלוֹת

۳- در صفات مفرد مونثی که به حرف ה ختم می شوند، حرف دوم صدای کاماتص گرفته و در جمع مونث و مذکر طبق قاعده های صرف عمل می‌کنیم اما حرف ה حذف میگردد؛ مثال:

مفرد مذکر: יָפֶה — جمع مذکر: יָפִים

مفرد مونث : יָפָה — جمع مونث: יָפוֹת

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۴- صفت در زبان عبری سه کاربرد دارد:

א) **کاربرد وصفی:** در این کاربرد صفت بعد از موصوف می آید و از موصوف در جنسیت، عدد و معرفه بودن و نکره بودن پیروی می کند؛ مثال:

مرد خوب (مفرد مذکر): אִישׁ טוֹב

زن خوب (مفرد مونث): אִשָּׁה טוֹבָה

مردان خوب (جمع مذکر): אֲנָשִׁים טוֹבִים

زنان خوب (جمع مونث): נָשִׁים טוֹבוֹת

دانش آموز خوب (مفرد مذکر): תַּלְמִיד טוֹב

دانش آموز خوب (مفرد مونث): תַּלְמִידָה טוֹבָה

دانش آموزان خوب (جمع مذکر): תַּלְמִידִים טוֹבִים

دانش آموزان خوب (جمع مونث): תַּלְמִידוֹת טוֹבוֹת

آن دانش آموز خوب (مفرد مذکر): הַתַּלְמִיד הַטּוֹב

آن دانش آموز خوب (مفرد مونث): הַתַּלְמִידָה הַטּוֹבָה

آن دانش آموزان خوب (جمع مذکر): הַתַּלְמִידִים הַטּוֹבִים

آن دانش آموزان خوب (جمع مونث): הַתַּלְמִידוֹת הַטּוֹבוֹת

نکته : در زبان عبری اگر موصوف در حالت جمع، کیفیت مذکر داشت، صفت جمع مذکر می شود و اگر موصوف کیفیت مونث داشت، صفت جمع مونث می شود؛ مثال:

زنان زیبا: נָשִׁים יָפוֹת

ב) **کاربرد اسنادی:** در این کاربرد علامت تعریف از صفت حذف می شود اما کماکان صفت از اسم در جنسیت و تعداد تبعیت می کند در این کاربرد صفت می تواند قبل یا بعد از اسم استعمال شود؛ مثال:

הַתַּלְמִיד טוֹב = טוֹב הַתַּלְמִיד: آن دانش آموز خوب است.

ג) **کاربرد اسمی:** در این کاربرد صفت به جای موصوف می نشیند و موصوف حذف می شود؛ مثال:

חכם חושב دانشمند فکر می‌کند.

۵- ماهیت کلمه ی חַיִּים جمع است، صفتش هم باید همیشه جمع باشد؛ مثال:

زندگی خوب: חַיִּים טוֹבִים — این زندگی خوب است: הַחַיִּים טוֹבִים = טוֹבִים הַחַיִּים

یک زندگی زیبا: חַיִּים יָפִים — این زندگی زیباست: הַחַיִּים יָפִים = יָפִים הַחַיִּים

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۶- در زبان عبری قید همیشه بعد از فعل می آید و تفاوتش با صفت این است که نه با صفت و نه با تعداد و جنسیت کاری ندارد؛ مثال:

הוּא עוֹבֵד הַרְבֵּה او (مذکر) بسیار کار می‌کند.

הִיא עוֹבֶדֶת הַרְבֵּה او (مونث) بسیار کار می‌کند.

הֵם עוֹבְדִים הַרְבֵּה آنها (مذکر) بسیار کار می‌کنند.

הֵן עוֹבְדוֹת הַרְבֵּה آنها (مونث) بسیار کار می‌کنند.

۷- بعضی از قید ها مانند « הַרְבֵּה » کار صفت را انجام می دهند و کلمه ی« טוֹב » به معنای زیبا و قشنگ هم میتوانند قید به کار بروند و هم صفت به کار میروند؛ مثال:

مردمان (مردان) زیادی در خیابان هستند. יֵשׁ הַרְבֵּה אֲנָשִׁים בָּרְחוֹב.

زنان بسیاری در خیابان هستند. יֵשׁ הַרְבֵּה נָשִׁים בָּרְחוֹב.

۸- مخفف نویسی و اختصار نویسی در زبان عبری برای فشرده نمودن و تسهیل در استعمال کلمات است؛ مثال:

א) مخفف نویسی (در محاورات استفاده می شود):

דּוֹקְטוֹר = ד"ר

בֵּית הַסֵּפֶר = בֵּי"ס

ב) اختصار نویسی (به صورت رسمی و غیر رسمی استعمال می شود).

אֶלֶף = א'

גְּבֶרֶת = גב'

מִבְחָן דַּרְס ה

רוֹפֵא טוֹב

יוֹם יָפֶה. אִשָּׁה הוֹלֶכֶת בָּרְחוֹב. הָאִשָּׁה יָפָה. גַּם דָּוִד וְשָׂרָה הוֹלְכִים בָּרְחוֹב. הָאִשָּׁה אוֹמֶרֶת "שָׁלוֹם" אֶל שָׂרָה. דָּוִד שׁוֹאֵל:

- שָׂרָה, אַתְּ יוֹדַעַת מִי הָאִשָּׁה הַיָּפָה?

שָׂרָה אוֹמֶרֶת:

- כֵּן, אֲנִי יוֹדַעַת, הַשֵּׁם שֶׁל הָאִשָּׁה רוּת. הִיא הָאִשָּׁה שֶׁל ד"ר כֹּהֵן. הִיא אִשָּׁה יָפָה וְגַם חֲכָמָה.

- מִי הוּא ד"ר כֹּהֵן? שׁוֹאֵל דָּוִד.

שָׂרָה אוֹמֶרֶת:

- ד"ר כֹּהֵן הוּא רוֹפֵא גָּדוֹל וְאִישׁ חָכָם. הוּא אִישׁ טוֹב וְעוֹבֵד הַרְבֵּה. לְפָנַי הַצָּהֳרַיִם הוּא עוֹבֵד בַּבַּיִת וְגַם בַּמַּעְבָּרָה. אַחֲרֵי הַצָּהֳרַיִם הוּא הוֹלֵךְ מִן חוֹלֶה אֶל חוֹלֶה. הוּא עוֹבֵד כָּל הַיּוֹם מִן הַבֹּקֶר עַד הָעֶרֶב. ד"ר כֹּהֵן עוֹבֵד תָּמִיד, כִּי הוּא אוֹהֵב אֲנָשִׁים. יֵשׁ הַרְבֵּה רוֹפְאִים בָּעוֹלָם, אֲבָל אֵין הַרְבֵּה רוֹפְאִים כְּמוֹ ד"ר כֹּהֵן!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מִי הוֹלֵךְ בָּרְחוֹב? چه کسی به خیابان می رود؟

۲. מִי הָאִשָּׁה הַיָּפָה? آن زن زیبا، چه کسی بود؟

۳. מָתַי עוֹבֵד ד"ר כֹּהֵן בַּבַּיִת? چه زمانی دکتر کوهن در خانه کار می کند؟

۴. מָתַי הוֹלֵךְ ד"ר כֹּהֵן אֶל הַחוֹלִים? چه زمانی دکتر کوهن به سوی بیماران می رود؟

۵. מָתַי הוֹלְכִים הַחוֹלִים אֶל הַבַּיִת שֶׁל ד"ר כֹּהֵן? چه زمانی بیماران دکتر کوهن به سوی خانه‌ی دکتر کوهن می‌روند؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. داوود دانش آموزی باهوش است زیرا (او) بسیار مطالعه می‌کند. ۲. جهان(معرفه) مانند آزمایشگاهی بزرگ است. ۳. در صبح مردم بسیاری در خیابان‌ها(معرفه) هستند. ۴. اکنون پزشکان کمی (= نه پزشکان زیادی) به خانه‌ی (معرفه) بیمار (معرفه) می‌روند. ۵. او (مونث) زنی خردمند است اما (او) زیبا نیست. ۶. او (مونث) در صبح (معرفه) اینجا کار می‌کند و بعد از ظهر (معرفه) (او) به مدرسه می‌رود. ۷. وقتی که من (مذکر) بیمار هستم، (من) با پزشک تماس می‌گیرم. ۸. امروز کلاس‌های درس (نکره) ابرقرار نیستند زیرا معلم (مونث معرفه) بیمار است. ۹. او (مذکر) مانند یک مرد دانا زندگی می‌کند. ۱۰. معلم‌ها (نکره)، کلاس‌های (نکره) بزرگ را دوست ندارند. ۱۱. تو (مونث) بعد از کلاس درس (معرفه) کجا می‌روی؟ ۱۲. آن‌ها (مذکر) یک زندگی خوب می‌گذرانند (= زندگی خوبی می‌کنند). ۱۳. کمدهای زیادی در خانه‌ی (معرفه) خانم کهن هست. ۱۴. یک دانش آموز (مذکر) چه چیزی بر می‌دارد وقتی که (او) به مدرسه می‌رود؟ ۱۵. زندگی همیشه زیبا (=خوشایند) نیست. ۱۶. نام مرد بیمار چیست؟

ج- عبارت های زیر را جمع ببندید.

۱. בַּיִת גָּדוֹל	۵. אִישׁ חָכָם	۹. לוּחַ גָּדוֹל
۲. אִשָּׁה יָפָה	۶. כִּתָּה טוֹבָה	۱۰. יוֹם יָפֶה
۳. מוֹרָה טוֹב	۷. אִשָּׁה חֲכָמָה	۱۱. מוֹרָה חוֹלָה
۴. רְחוֹב גָּדוֹל	۸. אִישׁ חַי	۱۲. שֵׁם יָפֶה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

שעור ו

kambozia.com

لغات درس ٦

אוֹ: یا

אָז: سپس، آنگاه

אַחֲרֵי- כֵן: همچنین، به این صورت، پس از آن

אֵיזֶה: کدام؟ (مذکر)

אֵיזוֹ: کدام؟ (مونث)

אֵלֶּה: اینها (مذکر و مونث)

אַנְגְּלִי, אַנְגְּלִית: انگلیسی؛ انگلیسی (مونث)

דָּבָר (דְּבָרִים): چیز، لغت؛ (جمع: چیزها، لغت‌ها)

זֶה: این (اسم اشاره برای مفرد مذکر)

זֹאת: این (اسم اشاره برای مفرد مونث)

כִּסֵּא (כִּסְאוֹת): صندلی؛ (جمع: صندلی‌ها)

מְאֹד: خیلی زیاد، زیاد(قید)

מִבְחָן (מִבְחָנִים): امتحان؛ (جمع: امتحان‌ها)

מִלּוֹן (מִלּוֹנִים): لغتنامه؛ (جمع: لغتنامه‌ها)

נוֹתֵן: می‌دهد

נָכוֹן, נְכוֹנָה: درست، صحیح؛ درست، صحیح(مونث)

עִבְרִי, עִבְרִית: عبری (به عنوان صفت می‌آید)

שְׁאֵלָה (שְׁאֵלוֹת): سوال؛ (جمع: سوال‌ها)

שֻׁלְחָן (שֻׁלְחָנוֹת): میز؛ (جمع: میزها)

תְּשׁוּבָה (תְּשׁוּבוֹת): پاسخ، توبه؛ (جمع: پاسخ‌ها، توبه‌ها)

יוֹם ו׳: روز جمعه

בֹּקֶר טוֹב: صبح بخیر!

دستور زبان درس ٦

١- اسم اشاره در زبان عبری:

جنس	مفرد	معنا	جمع	معنا
مذکر	זֶה	این	אֵלֶּה	اینها
مونث	זֹאת	این	אֵלֶּה	اینها
مذکر	הוּא	آن	הֵם \ המה	آنها
مونث	הִיא	آن	הֵן \ הנה	آنها

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۲- اسم اشاره در زبان عبری دو کاربرد دارد:

الف) به عنوان صفت اشاره: زمانی که اسم اشاره کاربرد صفت دارد بعد از اسم استعمال می شود و در جنسیت، عدد و تعریف و تنکیر از موصوف تبعیت می کند؛ مثال:

معرفه		نکره	
הָאִישׁ הַזֶּה	این مرد	אִישׁ זֶה	این مرد
הָאִשָּׁה הַזֹּאת	این زن	אִשָּׁה זֹאת	این زن
הָאֲנָשִׁים הָאֵלֶּה	این مردان	אֲנָשִׁים אֵלֶּה	اینها مردان (این مردان)
הַנָּשִׁים הָאֵלֶּה	این زنان(معرفه)	נָשִׁים אֵלֶּה	این زنان (نکره)

نکته : در این حالت اگر صفتی به جملات فوق اضافه کنیم؛ صفت بین اسم و اسم اشاره قرار می گیرد؛ مثال:

הָאִישׁ הַטּוֹב הַזֶּה: این مرد خوب — הָאֲנָשִׁים הַטּוֹבִים הָאֵלֶּה: این مردان خوب

הָאִשָּׁה הַטּוֹבָה הַזֹּאת: این زن خوب — הַנָּשִׁים הַטּוֹבוֹת הָאֵלֶּה: این زنان خوب

ب) به عنوان ضمیر اشاره: زمانی که اسم اشاره کاربرد ضمیر دارد قبل از اسم استعمال می شود و فقط در جنسیت و تعداد از اسم تبعیت می کند، نه در معرفه و نکره؛ مثال:

זֶה אִישׁ: این یک مرد است — אֵלֶּה נָשִׁים: اینها زن هستند

זֹאת אִשָּׁה: این یک زن است — זֶה הָאִישׁ: این همان مرد است

אֵלֶּה אֲנָשִׁים: اینها مردان هستند — זֹאת הָאִשָּׁה: این همان زن است

نکته: در این حالت اگر صفتی به جملات فوق اضافه کنیم؛ صفت بعد از موصوفش قرار می گیرد؛ مثال:

זֶה הָאִישׁ הַטּוֹב: این مرد خوبی است

זֹאת הָאִשָּׁה הַטּוֹבָה: این زن خوبی است

אֵלֶּה הָאֲנָשִׁים הַטּוֹבִים: اینها مردان خوبی هستند

אֵלֶּה הַנָּשִׁים הַטּוֹבוֹת: اینها زنان خوبی هستند

۳- در زبان عبری کلمه پرسشی «کدام» به صورت زیر به کار می رود:

مفرد مذکر (אֵיזֶה) — جمع مذکر (אֵילוּ)

مفرد مونث (אֵיזוֹ) — جمع مونث (אֵילוּ)

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

مثال:

مفرد مذکر ← אֵיזֶה סֵפֶר אַתָּה קוֹרֵא?: کدام کتاب را تو می خوانی؟

مفرد مونث ← אֵיזוֹ מַחְבֶּרֶת הִיא?: این کدام دفترچه است؟

جمع مذکر ← אֵילוּ סְפָרִים הֵם?: اینها کدام کتاب ها هستند؟

جمع مونث ← אֵילוּ מַחְבָּרוֹת הֵן?: اینها کدام دفترچه ها هستند؟

نکته : واژگان (אֵיזֶה) و(אֵיזוֹ) برای جمع نیز بکار می روند اما در صورت استفاده ی آنها باید به جنس کلمه‌ی مورد پرسش نیز توجه شود؛ مثال:

جمع مذکر ← אֵיזֶה סְפָרִים אַתָּה קוֹרֵא? کدام کتاب ها را تو می خوانی؟

جمع مونث ← אֵיזוֹ מַחְבָּרוֹת הֵן? اینها کدام دفترچه ها هستند؟

۴- در زبان عبری از کلمه پرسشی «מה» به عنوان کلمه پرسشی «چه چیزی» استفاده می‌کنیم و از «אֵיזוֹ و אֵיזוֹ» به عنوان کلمه پرسشی «کدام» استفاده میکنیم؛ مثال:

אֵיזֶה סֵפֶר הוּא קוֹרֵא? او کدام کتاب را می خواند؟

מַה הוּא קוֹרֵא? او چه چیزی میخواند؟

۵- در زبان عبری زمانی که میخواهیم بگوییم : «نه این و نه آن» به صورت «לֹא .... וְלֹא ....» بیان می کنیم؛

مثال:

לֹא זֹאת וְלֹא זֹאת: نه این و نه آن

לֹא הַיּוֹם וְלֹא אָתְמוֹל: نه امروز و نه دیروز

متن درس ٦

הַמִּבְחָן

כִּתָּה א'. כָּל יוֹם ו' לִפְנֵי הַצָּהֳרַיִם הַמּוֹרָה נוֹתֵן מִבְחָן בְּעִבְרִית. הַיּוֹם יוֹם ו'. הַמּוֹרָה וְכָל הַתַּלְמִידִים בַּכִּתָּה. הַמּוֹרָה אוֹמֵר: "בֹּקֶר טוֹב, תַּלְמִידִים", וְיוֹשֵׁב עַל הַכִּסֵּא. עַל הַשֻּׁלְחָן לִפְנֵי הַמּוֹרָה יֵשׁ הַרְבֵּה דְּבָרִים. הַמּוֹרָה שׁוֹאֵל שְׁאֵלוֹת בְּעִבְרִית.

מָתַי יֵשׁ מִבְחָן בְּעִבְרִית, שׁוֹאֵל הַמּוֹרָה, בְּאֵיזֶה יוֹם?

- בְּכָל יוֹם ו' יֵשׁ מִבְחָן בְּעִבְרִית, אוֹמֵר דָּוִד.

- נָכוֹן, אוֹמֵר הַמּוֹרָה, עַכְשָׁו הַמִּבְחָן, כִּי הַיּוֹם יוֹם ו'.

אָז לוֹקֵחַ הַמּוֹרָה מִלּוֹן גָּדוֹל מִן הַשֻּׁלְחָן וְשׁוֹאֵל:

- מֹשֶׁה, מַה זֶּה?

- זֶה מִלּוֹן, אוֹמֵר מֹשֶׁה.

- נָכוֹן, אֲבָל אֵיזֶה מִלּוֹן הוּא? שׁוֹאֵל הַמּוֹרָה.

- הַמִּלּוֹן הַזֶּה הוּא מִלּוֹן עִבְרִי־אַנְגְּלִי, אוֹמֵר מֹשֶׁה.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

אַחֲרֵי־כֵן לוֹקֵחַ הַמּוֹרֶה מַחְבֶּרֶת גְּדוֹלָה מִן הַשֻּׁלְחָן וְשׁוֹאֵל:

- דָּוִד, מַה הוּא הַדָּבָר הַזֶּה?

- זֹאת מַחְבֶּרֶת, אוֹמֵר דָּוִד.

- אֵיזוֹ מַחְבֶּרֶת הִיא? שׁוֹאֵל הַמּוֹרֶה.

- הַמַּחְבֶּרֶת הַזֹּאת הִיא מַחְבֶּרֶת אַנְגְּלִית, אוֹמֵר מֹשֶׁה.

- טוֹב מְאֹד, אוֹמֵר הַמּוֹרֶה.

אַחֲרֵי־כֵן, לוֹקֵחַ הַמּוֹרֶה עֵטִים מִן הַשֻּׁלְחָן, וְהוּא שׁוֹאֵל:

- מֹשֶׁה, אַתָּה יוֹדֵעַ מָה אֵלֶּה?

- אֵלֶּה עֲתוֹנִים, אוֹמֵר מֹשֶׁה.

- וְאַתָּה דָּוִד, מָה אַתָּה חוֹשֵׁב, הַתְּשׁוּבָה הַזֹּאת נְכוֹנָה?

- לֹא, אוֹמֵר דָּוִד, הַתְּשׁוּבָה הַזֹּאת לֹא נְכוֹנָה. הַדְּבָרִים הָאֵלֶּה הֵם מְעִילִים.

אָז אוֹמֵר הַמּוֹרֶה אֶל שָׂרָה:

- מָה אַתְּ חוֹשֶׁבֶת, שָׂרָה, אֵיזוֹ תְּשׁוּבָה נְכוֹנָה, הַתְּשׁוּבָה שֶׁל דָּוִד אוֹ הַתְּשׁוּבָה שֶׁל מֹשֶׁה?

- לֹא זֹאת וְלֹא זֹאת, צוֹחֶקֶת שָׂרָה. הַדְּבָרִים הָאֵלֶּה הֵם עֵטִים.

تمرین های درس ٦

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. בְּאֵיזֶה יוֹם נוֹתֵן הַמּוֹרֶה מִבְחָן בְּעִבְרִית? در کدام روز معلم امتحان عبری می گیرد؟

۲. מַה יֵּשׁ עַל הַשֻּׁלְחָן שֶׁל הַמּוֹרֶה? چه چیزی روی میز معلم وجود دارد؟

۳. אֵיזֶה סֵפֶר לוֹקֵחַ הַמּוֹרֶה? کدام کتاب را معلم بر میدارد؟

۴. אֵיזוֹ מַחְבֶּרֶת לוֹקֵחַ הַמּוֹרֶה? کدام دفترچه را معلم بر میدارد؟

۵. מָה אוֹמֶרֶת שָׂרָה עַל הַתְּשׁוּבָה שֶׁל מֹשֶׁה וְעַל הַתְּשׁוּבָה שֶׁל דָּוִד? سارا در مورد پاسخ موسی و پاسخ داوود چه می‌گوید؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. این خیابانی خیلی زیبا است. ۲. امروز چه روزی است، روز جمعه یا روز پنجشنبه؟ ۳. او (مذکر) همیشه پاسخ‌هایی صحیح میدهد. ۴. این جهان، جهانی زیبا است. ۵. این یک پاسخ خیلی خوبی است. ۶. تو (مونث) چه چیزی از کمد برمی‌داری؟ ۷. لغتنامه‌ی انگلیسی روی میز (معرفه) است و نه روی صندلی (معرفه). ۸. نام این زن باهوش چیست؟ ۹. این‌ها کتاب‌هایی زیبا هستند. ۱۰. امتحان (زبان) عبری در چه روزی است؟ ۱۱. پزشک (مذکر) تا ظهر در خانه است و بعد از آن (او) به آزمایشگاه می‌رود. ۱۲. او (مذکر) روی یک صندلی می‌نشیند و روزنامه‌ای انگلیسی می‌خواند. ۱۳. معلمان (مذکر معرفه) وقتی که دانش آموزی پاسخی نادرست می‌دهد نمی‌خندند. ۱۴. تو (مونث) کدام درس را در این کتاب بلد نیستی (= نمیدانی)؟ ۱۵. من (مونث) هر صبح روزنامه‌های عبری می‌خوانم. ۱۶. یک دانش آموز (مذکر) خوب به معلم می‌گوید: «صبح بخیر»

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozla.com

שִׁעוּר ז

لغات درس ۷

גַּן (גַּנִּים): باغ، پارک؛ (جمع: باغ‌ها، پارک‌ها) garden, park

הַאִם: آیا (ادات پرسشی) an interrogative Particle

זָקֵן, זְקֵנָה: پیر؛ پیر(مونث) old

יָד (יָדַיִם): دست؛ (جمع: دستان) hand

יֶלֶד (יְלָדִים): پسر بچه؛ (جمع: پسر بچه‌ها) boy, child

יַלְדָּה (יְלָדוֹת): دختر بچه؛ (جمع: دختر بچه‌ها) girl, child

סוֹגֵר: می‌بندد closes

סַפְסָל (סַפְסָלִים): نیمکت؛ (جمع: نیمکت‌ها) bench

עוֹנֶה: پاسخ می‌دهد answers

עַל יַד, לְיַד: کنارِ...، نزدیکِ... near, by the side of

עִיר (עָרִים): شهر؛ (جمع: شهرها) city, town

עֵץ (עֵצִים): درخت؛ (جمع: درختان) tree

פּוֹתֵחַ: باز می‌کند opens

קָטָן (קְטַנָּה): کوچک، کوتاه؛ کوچک، کوتاه (مونث) small, little

רוֹאֶה: می‌بیند sees

רַעַשׁ: سر و صدا noise

שׁוּם: هیچ چیز any (with negative)

תַּחַת: زیرِ under

אֶת מִי?: چه کسی را؟ whom?

אֵין שִׁיעוּרִים: درس‌ها نیست، کلاس‌ها تعطیل است There are no classes

دستور زبان درس ۷

۱- هر گاه ریشه کلمه ما حرف « ה » باشد در صرف فعل در مفرد صدای حرف پیش از « ה » حرکت سِگُل می‌گیرد. و در صرف جمع مونث صدای کاماتص گرفته و در جمع مفرد مذکر و مونث حرف « ה » حذف خواهد شد؛ مثال:

مفرد مذکر: רוֹאֶה — جمع مذکر: רוֹאִים

مفرد مونث: רוֹאָה — جمع مونث: רוֹאוֹת

۲- حرف اضافه «אֶת» به معنای «را» و نشانه مفعول است و هرگاه همراه اسامی خاص بیاید حرف اضافه «אֶת» قبل از مفعول و بعد از فعل به کار میرود؛ مثال :

דָּוִד לוֹקֵחַ סֵפֶר. داوود کتاب برداشت. — דָּוִד לוֹקֵחַ אֶת הַסֵּפֶר. داوود کتابش را برداشت.

۳- در زمان سوالی نمودن «چه کسی را» و «چه چیزی را» واژه « אֶת » را به کلمه سوالی متصل میکنیم؛ مثال:

אֶת מִי אַתָּה אוֹהֵב? تو چه کسی را دوست داری ؟

۴- هرگاه حرف «ה» یا «הַאִם» اول جمله استعمال شود، آن جمله به جمله ی پرسشی تبدیل می شود؛ مثال:

הַאַתָּה הוּא הָרוֹפֵא? آیا تو همان پزشک است؟

הַקוֹרֵא אַתָּה עִבְרִית? آیا تو عبری میخوانی ؟

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

نکته: در سوالی کردن جمله بعضی اوقات بدون کلمه سوالی با تغییر دادن لحن، جمله تبدیل به حالت سوالی می‌شود؛ مثال:

הָרוֹפֵא אַתָּה? تو همان پزشک هستی؟

متن درس ۷

בַּגַּן שֶׁל הָעִיר

עַל יַד הַבַּיִת שֶׁל דָּוִד יֵשׁ גַּן גָּדוֹל וְיָפֶה. זֶה הַגַּן שֶׁל הָעִיר. בַּגַּן יֵשׁ הַרְבֵּה עֵצִים, עֵצִים גְּדוֹלִים וְעֵצִים קְטַנִּים. בַּגַּן שֶׁל הָעִיר יֵשׁ תָּמִיד אֲנָשִׁים וְנָשִׁים. בַּגַּן הַזֶּה יֵשׁ גַּם הַרְבֵּה יְלָדִים וְהַרְבֵּה יְלָדוֹת. בַּגַּן רַעַשׁ וְשִׂמְחָה מִן הַבֹּקֶר עַד הָעֶרֶב.

יוֹם א'. הַיּוֹם אֵין שְׁעוּרִים בְּבֵית הַסֵּפֶר.

דָּוִד הוּא יֶלֶד חָכָם וְתַלְמִיד טוֹב. אַחֲרֵי הַצָּהֳרַיִם הוּא לוֹקֵחַ סֵפֶר עִבְרִי בְּיָד וְהוֹלֵךְ אֶל הַגַּן. דָּוִד רוֹאֶה סַפְסָל תַּחַת עֵץ גָּדוֹל. הוּא יוֹשֵׁב עַל הַסַּפְסָל תַּחַת הָעֵץ. אִישׁ זָקֵן יוֹשֵׁב לְיַד דָּוִד. הָאִישׁ קוֹרֵא עִתּוֹן אַמְרִיקָאִי.

דָּוִד פּוֹתֵחַ אֶת הַסֵּפֶר וְקוֹרֵא. פִּתְאֹם סוֹגֵר דָּוִד אֶת הַסֵּפֶר.

הָאִישׁ הַזָּקֵן שׁוֹאֵל אֶת דָּוִד:

- מַדּוּעַ אַתָּה סוֹגֵר אֶת הַסֵּפֶר? הַאִם הַסֵּפֶר הַזֶּה לֹא טוֹב?

- לֹא, עוֹנֶה דָּוִד, זֶה סֵפֶר טוֹב מְאֹד. אֲנִי אוֹהֵב אֶת הַסֵּפֶר. אֲבָל פֹּה בַּגַּן רַעַשׁ גָּדוֹל. אֲנִי קוֹרֵא וְקוֹרֵא, אֲבָל אֲנִי לֹא לוֹמֵד שׁוּם דָּבָר.

تمرین های درس ۷

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מַה יֵּשׁ בַּגַּן שֶׁל הָעִיר? چه چیزهایی در پارک شهر وجود دارد؟

۲. עַל מַה יוֹשֵׁב דָּוִד בַּגַּן? داوود روی چه چیزی در پارک نشست؟

۳. מִי יוֹשֵׁב בַּגַּן עַל יַד דָּוִד? چه کسی در پارک کنار داوود نشست؟

۴. מַה שׁוֹאֵל הָאִישׁ הַזָּקֵן אֶת דָּוִד? مرد پیر از داوود چه چیزی پرسید؟

۵. מַדּוּעַ סוֹגֵר דָּוִד אֶת הַסֵּפֶר? چرا داوود کتابش را بست؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. آیا بعدازظهر بچه‌های زیادی در خیابان هستند؟ ۲. من (مذکر) مردمی خردمند را دوست دارم. ۳. آیا این زن پیر معلمی خوب است؟ ۴. او (مونث) هیچ چیزی نمی‌داند. ۵. زن کمد را باز می‌کند و کت را برمی‌دارد. ۶ آیا این شهری زیباست؟ ۷. آیا خانه‌های زیبای زیادی در این شهر وجود دارد؟ ۸ پسر کوچک زیر نیمکت است. ۹. من (مونث) اینجا بچه‌های زیادی می‌بینم، اما (من) سر و صدایی نمی‌شنوم. ۱۰. معلم به (زبان) عبری

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

سوال می‌کند، اما همه دانش آموزان به عبری پاسخ نمی‌دهند. ۱۱. تو (مذکر) چه زمانی آزمایشگاه را می‌بندی؟ ۱۲. این زنان هر یکشنبه به پارک می‌روند. ۱۳. وقتی معلم خوب است، بچه‌ها با شادی مطالعه می‌کنند (= یاد می‌گیرند). ۱۴. نیمکتی بزرگ نزدیک این درخت است. ۱۵. زندگی این مرد در دستان پزشک است.

ج- چهار صیغه مضارع فعل های زیر را بنویسید (افعال مضارع زیر را صرف کنید).

۱. סוֹגֵר	۴. רוֹאֶה	۷. קוֹרֵא
۲. עוֹנֶה	۵. שׁוֹמֵעַ	۸. פּוֹתֵחַ
۳. לוֹקֵחַ	۶. שׁוֹאֵל	۹. יוֹדֵעַ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שִׁעוּר ח

لغات درس ۸

אוּנִיבֶרְסִיטָה: دانشگاه university

אֵיךְ: چطور؟ how

אֲמֶרִיקָה: آمریکا America

אֲמֶרִיקָנִי, אֲמֶרִיקָנִית: آمریکایی؛ آمریکایی (مونث) American

בָּחוּר (בַּחוּרִים): جوان مذکر؛ (جمع: پسران جوان) young person, youth

בַּחוּרָה (בַּחוּרוֹת): جوان مونث؛ (جمع: دختران جوان) young person. f

בְּלִי: بدونِ... without

הַכֹּל: تمام چیزها، همه چیزها everything

חָבֵר (חֲבֵרִים): دوست مذکر، (جمع: دوستان مذکر) friend. m

חֲבֵרָה (חֲבֵרוֹת): دوست مونث، (جمع: دوستان مونث) friend. f

יִשְׂרָאֵל: اسرائیل Israel

יִשְׂרְאֵלִי, יִשְׂרְאֵלִית: اسرائیلی؛ اسرائیلی(مونث) Israeli

יְרוּשָׁלַיִם: اورشلیم Jerusalem

כְּבָר: به تازگی، اخیراً already

כָּךְ: پس، اینچنین so

כִּמְעַט: تقریباً almost

מִיָּד: سریعاً immediately

מְעַט: کم (قید) little. adv

מְעַטִּים, (מְעַטּוֹת): کم، کوچک؛ کم، کوچک (مونث) few, adj & pron.

נֵס (נִסִּים): معجزه، (جمع: معجزه‌ها) miracle

עִם: به همراهِ...، با... with

עִפָּרוֹן (עֲפָרוֹנוֹת): مداد، (جمع: مدادها) Pencil

רַק: تنها، فقط only

שְׁגִיאָה (שְׁגִיאוֹת): اشتباه، خطا، (جمع: اشتباه‌ها، خطاها) mistake, error

שָׁנָה (שָׁנִים): سال، (جمع: سال‌ها) Year

שָׁנָה טוֹבָה: سال خوب، سال جدید مبارک a good year (Happy new year)

עוֹנֶה עַל שְׁאֵלָה: پاسخ دادن به سوال‌ها answers a question

دستور زبان درس ۸

۱- هر گاه « ה » معرفه بر سر کلمه‌ای بیاید که ریشه‌ی اولین حرف آن با حروف « ח ، ע و ה » آغاز شود، « ה » معرفه مصوت سِגֹל (کسره) می‌گیرد؛ مثال:

הֶחָבֵר دوست (معرفه) הֶעָרִים شهر ها (معرفه)

۲- در زبان عبری برای جمع و برای مفرد معادل کلمه ی پرسشی «چگونه »، کلمه پرسشی אֵיךְ می باشد؛ مثال:

אֵיךְ אוֹמְרִים בְּעִבְרִית? چگونه به زبان عبری آن را می گویید؟

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۳- فرق بین « עִם » و « בְּ » در زبان عبری: حرف اضافه «עִם» برای همراهی بیشتر و به معنای «به همراه ...» به کار می رود اما حرف اضافه ی « בְּ » به معنای (با، در، به وسیله‌ی) است؛ مثال:

הוּא עוֹבֵד בְּשִׂמְחָה. او با لذت کار میکند.

דָּוִד לוֹמֵד עִם דָּן. داوود به همراه دان مطالعه میکند

הוּא כּוֹתֵב בָּעֵט. او با یک خودکار می نویسد

דָּן הוֹלֵךְ תָּמִיד עִם מַחְבֶּרֶת בַּיָּד. دان همیشه همراه با دفترچه ای در دست می رود.

۴- در زبان عبری گاهی صفت به جای قید به کار میرود و هنگامی که به عنوان قید به کار برود با فاعل مطابقت ندارد و بعد از فعل قرار می گیرد؛ مثال:

יָפֶה از کلماتی است که معمولا هم به شکل صفت و هم در جایگاه قید به کار میرود.

הוּא לוֹמֵד יָפֶה. او (مذکر) به خوبی یاد میگیرد.

הִיא לוֹמֶדֶת יָפֶה. او (مونث) به خوبی یاد میگیرد.

הֵם לוֹמְדִים יָפֶה. آنها (مذکر) به خوبی یاد میگیرند.

הֵן לוֹמְדוֹת יָפֶה. آنها (مونث) به خوبی یاد میگیرند.

هنگامیکه کلمه ی יָפֶה به عنوان قید به کار رود معنای « به خوبی» میدهد.

متن درس

זֶה לֹא נָס

בָּאוּנִיבֶרְסִיטָה הָעִבְרִית בָּעִיר יְרוּשָׁלַיִם לוֹמְדִים הַרְבֵּה בַּחוּרִים וְהַרְבֵּה בַּחוּרוֹת. בָּאוּנִיבֶרְסִיטָה הַזֹּאת יֵשׁ תַּלְמִידִים כְּמַעַט מִן כָּל הָעוֹלָם. יֵשׁ גַּם תַּלְמִידִים לֹא מְעַמִּים מִן אֲמֶרִיקָה.

דָּן כְּבָר שָׁנָה בְּיִשְׂרָאֵל אֲבָל הוּא יוֹדֵעַ רַק מְעַט עִבְרִית. דָּוִד, הֶחָבֵר שֶׁל דָּן, גַּם הוּא בָּחוּר אֲמֶרִיקָנִי, וְגַם הוּא לוֹמֵד בָּאוּנִיבֶרְסִיטָה הָעִבְרִית. גַּם הוּא רַק שָׁנָה בְּיִשְׂרָאֵל, אֲבָל הוּא כְּבָר יוֹדֵעַ עִבְרִית יָפֶה מְאֹד. דָּוִד כְּבָר כּוֹתֵב עִבְרִית כְּמַעַט בְּלִי שְׁגִיאוֹת. הוּא שׁוֹאֵל אֶת הַכֹּל בְּעִבְרִית וְעוֹנֶה עַל הַכֹּל בְּעִבְרִית .

דָּוִד לוֹמֵד כָּל הַיּוֹם, מִן הַבֹּקֶר עַד הָעֶרֶב. הוּא לוֹמֵד וְלוֹמֵד. תָּמִיד רוֹאִים אֶת דָּוִד עִם מַחְבֶּרֶת קְטַנָּה וְעִפָּרוֹן בַּיָּד, תָּמִיד הוּא שׁוֹאֵל שְׁאֵלוֹת: אֵיךְ אוֹמְרִים בְּעִבְרִית...? וְאֵיךְ אוֹמְרִים בְּעִבְרִית...? מַה זֶה? מַה זֹאת? כַּאֲשֶׁר הוּא שׁוֹמֵעַ אֶת הַתְּשׁוּבוֹת, מְיָד הוּא פּוֹתֵחַ אֶת הַמַּחְבֶּרֶת וְכוֹתֵב בַּמַּחְבֶּרֶת אֶת הַתְּשׁוּבוֹת הַנְּכוֹנוֹת. כָּךְ לוֹמֵד דָּוִד עִבְרִית. הוּא אוֹמֵר תָּמִיד: אִם לֹא עַכְשָׁו, אֲז מָתַי?!

כַּאֲשֶׁר אוֹמְרִים אֶל דָּוִד:

- אַתָּה פֹּה רַק שָׁנָה, וְאַתָּה כְּבָר יוֹדֵעַ עִבְרִית כְּמַעַט כְּמוֹ יִשְׂרְאֵלִי. זֶה נַס גָּדוֹל!

דָּוִד צוֹחֵק וְעוֹנֶה:

- זֶה לֹא נַס. אִם לוֹמְדִים הַרְבֵּה אֲז יוֹדְעִים הַרְבֵּה!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۸

الف- الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. אֵיפֹה לוֹמְדִים הַחֲבֵרִים דָּן וְדָוִד ? کجا پسرهای جوان دان و داوود یاد می گیرند؟

۲. מַה יֵּשׁ תָּמִיד בְּיַד שֶׁל דָּוִד ? چه چیزی همیشه در دست داوود وجود دارد؟

۳. מַה שׁוֹאֵל דָּוִד תָּמִיד ? داوود همیشه چه چیزی می پرسد؟

۴. אֵיךְ כָּתַב כּוֹתֵב דָּוִד עִבְרִית ? اکنون داوود چطور عبری می نویسد؟

۵. מַדּוּעַ אוֹמְרִים הָאֲנָשִׁים אֶל דָּוִד: "זֶה נֵס גָּדוֹל" ? چرا مردم به داوود می گویند: این معجزه بزرگی است؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید:

۱. دوست داوود فقط عبری میداند. ۲. این مردم تاکنون یک سال در اسرائیل بوده‌اند (= هستند). ۳. او (مونث) پرسش‌های زیادی می‌پرسد و در نتیجه (او) خوب یاد می‌گیرد. ۴. چه موقع «شالم» می‌گویند؟ ۵. «شالم» در صبح، در ظهر و همچنین در شب گفته می‌شود. ۶ او (مذکر) عبری را تقریبا مثل یک اسرائیلی می‌خواند. ۷. او (مونث) فوراً مدادی برمی‌دارد و پاسخ‌ها را در دفتر می‌نویسد. ۸. این دانشگاه خیلی خوبی است. ۹. جوان بی‌درنگ به همه سوال‌ها پاسخ می‌دهد. ۱۰. او (مونث) دیگر عبری را بدون لغتنامه می‌خواند. ۱۱. او (مونث) دیگر هر چیزی (= همه چیز) را می‌داند. ۱۲. [هیچ] کتابی بدون اشتباه وجود ندارد. ۱۳. این زن همراه با پسربچه به پارک می‌رود. ۱۴. در این روزها معجزه‌های اندکی وجود دارد (= هست). ۱۵. پسرجوان به دختران جوان می‌گوید: «سال نو مبارک». ۱۶. تنها دخترانی اندک در این کلاس هستند.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור ט

لغات درس ۹

אָב (אָבוֹת): پدر؛ (جمع: پدرها) father

אַבָּא: بابا daddy, father

אָח (אַחִים): برادر؛ (جمع: برادران) brother

אָחוֹת (אֲחָיוֹת): خواهر؛ (جمع: خواهران) sister

אֹכֶל: غذا food

אֵם (אִמּוֹת, אִמָּהוֹת): مادر؛ (جمع: مادران) mother

אִמָּא: مامان mama, mother

בֶּגֶד (בְּגָדִים): لباس، (جمع: لباس‌ها) clothes, garment

בְּוַדַּאי: البته، یقیناً of course, certainly

גְּלִידָה (גְּלִידוֹת): بستنی؛ (جمع: بستنی‌ها) ice cream

גַּן יְלָדִים (גַּנֵּי יְלָדִים): مهدکودک؛ (جمع: مهدکودک‌ها) kindergarten

דֶּרֶךְ (דְּרָכִים): مسیر، جاده، (جمع: مسیرها، جاده‌ها) road, way . n.m.&f

הִנֵּה: بگیر، اینجا، اکنون behold, here

חָשׁוּב, חֲשׁוּבָה: مهم؛ مهم(مونث) important

יוֹתֵר: بیشتر more

לְ...: برای...، به... to, for

לָמָּה: چرا، برای چه چیزی why, what for

מָשָׁל (מְשָׁלִים): مثال؛ (جمع: مثال‌ها) example

עוּגָה (עוּגוֹת): کیک، یک نوع نان شیرین، (جمع: کیک‌ها) cake

עוֹשֶׂה: انجام می‌دهد، درست می‌کند does, makes

קוֹנֶה: می‌خرد buys

שׁוֹקוֹלָדָה: شکلات chocolate

בַּדֶּרֶךְ: در راه، در جاده on the way, on the road

לְמִי: برای چه کسی؟ to whom? for whom?

לְמָשָׁל: برای مثال for instance, for example

دستور زبان درس ۹

۱- در زبان عبری گاهی از حرف «לְ» به جای «אֶל» (به ، برای) استفاده می‌شود و حرف «ל» به کلمه می‌چسبد؛

مثال ۱:

او به روت می گوید. ← הוּא אוֹמֵר אֶל רוּת. = הוּא אוֹמֵר לְרוּת.

نکته: هر دو جمله ی فوق صحیح است و هر دو گونه در زبان عبری کاربرد دارد.

مثال ۲:

داوود برای روت روزنامه می‌خرد. דָּוִד קוֹנֶה עִתּוֹן לְרוּת.

نکته: همچنین عبارت «برای مثال» یا «برای نمونه» از این قاعده پیروی می‌کند:

برای مثال. לְמָשָׁל.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۲- در زبان عبری هر گاه کلمه ای معرفه باشد و «ה» معرفه داشته باشد پیش از آن حرف «ל» به معنی «به سوی» بیاید، حرف « ה » معرفه حذف می‌شود و اعرابش به حرف ماقبل منتقل می‌شود (دقیقا مانند حرف «ב»)؛ مثال:

לְהַמּוֹרָה ← למּוֹרָה
לְהָאִישׁ ← לָאִישׁ
לְהֶחָבֵר ← לֶחָבֵר

۳- در زبان عبری تمامی حروف اضافه هنگامی که با ضمایر مفعولی استفاده می شوند باید صرف شوند؛ مثال صرف حرف اضافه «ל» :

לִי برای من (مونث و مذکر)	לָנוּ برای ما (مذکر و مونث)
לְךָ برای تو (مفرد مذکر)	לָכֶם برای شما (جمع مذکر)
לָךְ برای تو (مفرد مونث)	לָכֶן برای شما (جمع مونث)
לוֹ برای او (مذکر)	לָהֶם برای آنها (جمع مذکر)
לָהּ برای او (مونث)	לָהֶן برای آنها (جمع مونث)

۴- کلمه‌ی «הִנֵּה» به معنای «اینجا ، ببین ، اینک ، اینها» کاربردهای مختلف دارد؛ مثال:

הִנֵּה הוּא הוֹלֵךְ. ببین او رفت.
הִנֵּה הַבַּיִת שֶׁל הַמּוֹרָה. اینجا خانه ی معلم است .
הִנֵּה הָאָח וְהָאָחוֹת. اینها برادر و خواهر هستند .

متن درس ۹

מִי יוֹתֵר חָשׁוּב ?

דָּן וְרוּת הֵם אָח וְאָחוֹת. דָּן הוֹלֵךְ לְגַן יְלָדִים. רוּת הִיא כְּבָר תַּלְמִידָה בְּכִתָּה א'.
בֹּקֶר. רוּת וְדָן אוֹמְרִים "שָׁלוֹם" לְאַם וְהוֹלְכִים לְבֵית הַסֵּפֶר. בַּדֶּרֶךְ לְבֵית הַסֵּפֶר שׁוֹאֵל דָּן אֶת רוּת:
- רוּת, מִי אַתְּ חוֹשֶׁבֶת יוֹתֵר חָשׁוּב, אַבָּא אוֹ אִמָּא?
- בְּוַדַּאי אִמָּא, עוֹנָה רוּת. אִמָּא עוֹשָׂה אֶת הַכֹּל. אִמָּא נוֹתֶנֶת לָנוּ אֹכֶל, וְהִיא קוֹנָה לָנוּ עוּגָה, גְּלִידָה וְשׁוֹקוֹלָדָה. אִמָּא גַּם קוֹנָה לְךָ וְלִי בְּגָדִים יָפִים. אִמָּא קוֹנָה לִי סְפָרִים, מַחְבָּרוֹת, עֵטִים וְעִפָּרוֹנוֹת. אַתָּה רוֹאֶה, אִמָּא עוֹשָׂה אֶת הַכֹּל.
- נָכוֹן, אוֹמֵר דָּן, אִמָּא יוֹתֵר חֲשׁוּבָה. אבל האם את לא אוֹהֶבֶת אֶת אַבָּא?
- אֲנִי אוֹהֶבֶת אֶת אַבָּא מְאֹד!
- מַדּוּעַ?

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

- אֲנִי לֹא יוֹדַעַת מַדּוּעַ. אֲנִי אוֹהֶבֶת אֶת אַבָּא, כִּי הוּא אַבָּא. אֲנִי עוֹשָׂה הַרְבֵּה דְּבָרִים, אֲבָל אֲנִי לֹא יוֹדַעַת לָמָּה.
- מָה, לָמָּשָׁל?
- הִנֵּה, לָמָּשָׁל, אֲנִי הוֹלֶכֶת לְבֵית הַסֵּפֶר, אֲבָל אֲנִי לֹא יוֹדַעַת לָמָּה!

تمرین های درس ۹

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. אֵיפֹה לוֹמֵד דָּן וְאֵיפֹה לוֹמֶדֶת הָאָחוֹת? آن برادر کجا یاد می‌گیرد و آن خواهر کجا یاد می‌گیرد؟

۲. מַה שׁוֹאֵל דָּן אֶת רוּת? دان از روت چه چیزی پرسید؟

۳. מַה קוֹנָה אִמָּא לְרוּת? مادر برای روت چه چیزی می‌خرد؟

۴. מַדּוּעַ אִמָּא יוֹתֵר חֲשׁוּבָה? چرا مادر بیشتر مهم است؟

۵. מַדּוּעַ רוּת אוֹהֶבֶת אֶת אַבָּא? چرا روت بابا را دوست دارد؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید:

۱. خواهر دان تاکنون یک سال در دانشگاه درس خوانده است (= می‌خواند). ۲. در این شهر، لباس (های) خوب از کجا می‌خرند؟ ۳. پسرِ کوچک، دیگر راه مهدکودک را می‌داند. ۴. هنگامی که او (مذکر) عبری می‌نویسد، (او) اشتباه‌های فراوانی نمی‌کند. ۵. برادر به او (مونث) مثال خوبی (ارائه) می‌دهد. ۶. البته، پدر به آنها (مونث) همه چیز می‌دهد. ۷. پرسشی خوب اینجا است، آیا تو (مذکر) پاسخ این پرسش را می‌دانی؟ ۸. شما (مونث) چه کسی را بیشتر دوست دارید، پدر یا مامان؟ ۹. غذای زیادی در خانه نیست زیرا مادر بیمار است. ۱۰. برادر داوود، فرد (= مرد) خیلی مهمی است. ۱۱. من(مونث) همیشه در راه بازگشت (از) مدرسه روزنامه‌ای می‌خرم. ۱۲. آیا در مدرسه به شما (مذکر) غذایی می‌دهند؟ ۱۳. تو (مذکر) حالا داری برای چه کسی می‌نویسی؟ من دارم برای پدر می‌نویسم. ۱۴. او (مونث) همیشه فوراً به ما پاسخ میدهد. ۱۵. چرا تو (مونث) ایستاده‌ای؟ یک صندلی کنار میز وجود دارد. ۱۶. هر بچه‌ای کیک، بستنی و شکلات دوست دارد.

ج- عبارت های زیر را با به کاربردن حروف اضافه בְּ.. و לְ.. ترجمه و حرکت گذاری کنید.

۱. در شهر	۵. داخل کمد	۹. به همسر
۲. به برادر	۶. در کُت	۱۰. به بیمار
۳. به دوستان	۷. با خودکار	۱۱. در کتاب
۴. به سوی آزمایشگاه	۸. در غذا	۱۲. به آن خانم

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור י

لغات درس ۱۰

אַנְגְלִית: (زبان) انگلیسی English (language)

בַּקָּשָׁה (בַּקָּשׁוֹת): درخواست؛ (جمع: درخواست‌ها) request, desire

בְּבַקָּשָׁה: خواهشاً ، لطفاً، بفرمایید if you please, please

חֲנוּת (חֲנֻיּוֹת): مغازه، (جمع: مغازه‌ها) store

כַּמָּה: چقدر؟ چه مقدار؟ چه تعداد؟ how much? how many?

כֶּסֶף (כְּסָפִים): پول، سکه‌ی نقره؛ (جمع: پول ها، سکه‌های نقره) money, silver

מַזָּל: بخت، اقبال، شانس luck

מַזָּל טוֹב: شانس خوب، بخت با تو یار باشد! good luck

מֶלֶךְ (מְלָכִים): پادشاه؛ (جمع: پادشاهان) king

סִפְרִיָּה (סִפְרִיּוֹת): کتابخانه؛ (جمع: کتابخانه‌ها) library

עוֹלָה: مقدار، قیمت، هزینه amounts, goes up, costs

צָרִיךְ، צְרִיכָה: نیاز دارد، ضروری است؛ نیاز دارد، ضروری است(مونث) needs

רוֹצֶה: می‌خواهد wants

שָׁבוּעַ (שָׁבוּעוֹת): هفته، (جمع: هفته‌ها) week

שֶׁקֶל (שְׁקָלִים): شِکِل (واحد پول اسرائیل)؛ (جمع: شِکِل‌ها) shekel (Israeli money)

תּוֹדָה (תּוֹדוֹת): تشکر؛ (جمع: تشکرها) thanks

תַּרְגוּם (תַּרְגוּמִים): ترجمه؛ (جمع: ترجمه‌ها) translation

לְמִי יֵשׁ...?: چه کسی دارد...؟ who has...?

לְמִי אֵין...?: چه کسی ندارد...؟ who does not have?

כַּמָּה זֶה עוֹלֶה?: این چقدر می‌ارزد؟، این چند است؟ How much does it cost?

לְהִתְרָאוֹת!: خدانگهدار، بعداً می‌بینمت see you again!

دستور زبان درس ۱۰

۱- در عبری برای منفی کردن از دو کلمه‌ی «לֹא» و «אַיִן» استفاده می‌شود و تفاوت مابین « לֹא » و « אַיִן » در این است که « לֹא » قبل از فعل می آید و « אַיִן » قبل از فاعل می آید؛ مثال:

הוּא לֹא יוֹדֵעַ אַנְגְלִית او انگلیسی نمی‌داند.

אַיִן הוּא יוֹדֵעַ אַנְגְלִית. او انگلیسی نمی‌داند.

۲- در زبان عبری فعل «داشتن» وجود ندارد معمولا برای آن از عبارت « יֵשׁ לְ...» استفاده می کنیم؛ مثال:

יֵשׁ לְדָוִד סֵפֶר. داوود یک کتاب دارد.

יֵשׁ לְאִישׁ סֵפֶר. آن مرد کتاب دارد.

יֵשׁ לִי סֵפֶר. من کتاب دارم.

יֵשׁ לָךְ סְפָרִים. تو (مذکر) چند کتاب داری.

و برای نداشتن هم از « אַיִן לְ...» استفاده می شود؛ مثال:

אַיִן לְדָוִד סֵפֶר. داوود کتاب ندارد.

אַיִן לְאִישׁ סֵפֶר. آن مرد کتاب ندارد.

אַיִן לִי סֵפֶר. من کتاب ندارم.

אַיִן לָךְ סְפָרִים. تو (مذکر) چند کتاب نداری.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

نکته: باید توجه داشت که کلمه ی داشتن «יֵשׁ לְ...» را به سه حالت می توان به کاربرد؛ مثال:

۱. יֵשׁ לְדָוִד סֵפֶר. ۲. לְדָוִד יֵשׁ סֵפֶר. ۳. יֵשׁ סֵפֶר לְדָוִד.

بنابراین جابجایی ارکان در این جملات امکان پذیر است.

۳- در عبری برای (ارزش و قیمت) از فعل « עוֹלָה » استفاده می شود و این فعل به شکل زیر صرف می شود:

مفرد مذکر עוֹלָה	جمع مذکر עוֹלִים
مفرد مونث עוֹלָה	جمع مونث עוֹלוֹת

مثال:

הַסֵּפֶר הַזֶּה עוֹלֶה שֶׁקֶל. این کتاب یک شِکِل (سکه نقره) می ارزد.

הַמַּחְבֶּרֶת הַזֹּאת עוֹלָה שֶׁקֶל. این دفترچه یک شِکِل می ارزد (قیمت دارد).

הַסְּפָרִים הָאֵלֶּה עוֹלִים שֶׁקֶל. این کتاب ها یک شِکِل می ارزند.

הַמַּחְבָּרוֹת הָאֵלֶּה עוֹלוֹת שֶׁקֶל. این دفترچه ها یک شِکِل می ارزند.

הַסֵּפֶר הַזֶּה עוֹלֶה לִי (לְךָ...) שֶׁקֶל. این کتاب برای من(تو ، او ، .....) یک شِکِل می ارزد.

۴- در زبان عبری برای کلمه‌ی «روز»، « יוֹם » و برای کلمه‌ی «امروز»، « הַיּוֹם » استفاده می شود. همچنین برای کلمه «هفته» از « שָׁבוּעַ » و برای «این هفته» از « הַשָּׁבוּעַ » استفاده می شود.

متن درس ۱۰

בַּחֲנוּת שֶׁל סְפָרִים בְּתֵל־אָבִיב

- בֹּקֶר טוֹב, אֲדוֹן לֵוִי.
- בֹּקֶר טוֹב לְךָ, דָּוִד. מָה אַתָּה קוֹנֶה הַיּוֹם ? אֵיזֶה סֵפֶר אַתָּה רוֹצֶה ?
- יֵשׁ לִי בַּקָּשָׁה קְטַנָּה. הַאִם יֵשׁ לְךָ בַּחֲנוּת הַסֵּפֶר "הַמֶּלֶךְ לִיר" עִם תַּרְגוּם עִבְרִי?
- יֵשׁ לִי הַסֵּפֶר "הַמֶּלֶךְ לִיר", אֲבָל בְּלִי תַּרְגוּם עִבְרִי.
- הַאִם אַתָּה יוֹדֵעַ לְמִי יֵשׁ הַסֵּפֶר הַזֶּה? אֲנִי צָרִיךְ אֶת הַסֵּפֶר, כִּי יֵשׁ לִי מִבְחָן חָשׁוּב בְּאַנְגְּלִית הַשָּׁבוּעַ.
- לֹא, אֲנִי לֹא יוֹדֵעַ לְמִי יֵשׁ הַסֵּפֶר הַזֶּה. אֲבָל מַדּוּעַ אַתָּה לֹא לוֹקֵחַ אֶת הַסֵּפֶר הַזֶּה מִן הַסְּפְרִיָּה שֶׁל הָאוּנִיבֶרְסִיטָה?

- אֵין לִי מַזָּל! כָּל הַתַּלְמִידִים לוֹקְחִים אֶת הַסְּפָרִים מִן הַסְּפְרִיָּה לִפְנֵי הַמִּבְחָן. עַכְשָׁו כְּבָר אֵין הַסֵּפֶר בַּסְּפְרִיָּה.
- אִם כֵּן, הַאִם אַתָּה רוֹצֶה אֶת "הַמֶּלֶךְ לִיר" בְּלִי תַּרְגוּם עִבְרִי? בְּוַדַּאי יֵשׁ לְךָ מִלּוֹן אַנְגְּלִי – עִבְרִי בַּבַּיִת.
- כֵּן, יֵשׁ לִי מִלּוֹן אַנְגְּלִי – עִבְרִי. כַּמָּה עוֹלֶה הַסֵּפֶר "הַמֶּלֶךְ לִיר" בְּלִי תַּרְגוּם עִבְרִי?
- לֹא הַרְבֵּה. הַסֵּפֶר עוֹלֶה רַק שֶׁקֶל.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

- בְּבַקָּשָׁה, הִנֵּה הַכֶּסֶף.
- תּוֹדָה.
- שָׁלוֹם.
- לְהִתְרָאוֹת!

تمرین های درس ۱۰

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. אַיזֶה סֵפֶר רוֹצֶה דָוִד ? داوود چه کتابی می خواهد؟

۲. הַאִם יֵשׁ בַּחֲנוּת הַסֵּפֶר "הַמֶּלֶךְ לִיר" ? آیا در مغازه کتاب شاه لیر وجود دارد؟

۳. מַדּוּעַ רוֹצֶה דָוִד אֶת "הַמֶּלֶךְ לִיר" עִם תַּרְגּוּם עִבְרִי ? چرا داوود شاه لیر را به همراه ترجمه عبری می‌خواهد؟

۴. מַדּוּעַ אוֹמֵר דָוִד: "אֵין לִי מַזָּל" ? چرا داوود می گوید: من شانس ندارم؟

۵. כַּמָּה עוֹלֶה הַסֵּפֶר "הַמֶּלֶךְ לִיר" בְּלִי תַּרְגּוּם עִבְרִי ? قیمت کتاب شاه لیر بدون ترجمه عبری چند است؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. قیمت این کتاب ها چند است؟ ۲. یک پادشاه پول زیادی دارد. ۳. من (مونث) دوستان خوب زیادی دارم. ۴. آنها شانس ندارند. ۵. چه کسی امروز کار ندارد؟ ۶. من (مذکر) حالا دارم به کتابخانه می‌روم زیرا (من) برای امتحان یک کتاب نیاز دارم. ۷. پس از درس، معلم به کلاس می‌گوید: «به امید دیدار!». ۸. این ترجمه عبری خوبی است. ۹. شما (مذکر) چه زمانی امتحان (زبان) انگلیسی دارید؟ ۱۰. روت، این کت چند شِکِل می‌ارزد؟ ۱۱. من(مونث) فقط خواهشی کوچک دارم. ۱۲. او (مونث) همیشه در این فروشگاه لباس می‌خرد. ۱۳. همه مردم یک زندگی خوب می‌خواهند. ۱۴. آنها(مذکر) چند هفته است که انگلیسی مطالعه کرده‌اند؟ ۱۵. وقتی که من(مذکر) چیزی می‌خواهم، (من) می‌گویم: «لطفاً» و وقتی به من چیزی می‌دهند، (من) می‌گویم: «متشکرم.»

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

שעור יא

kambozia.com

لغات درس ۱۱

בַּחוּץ: بیرون — outside, outdoors

הַר (הָרִים): کوه؛ (جمع: کوه‌ها) — mountain

חַלּוֹן (חַלּוֹנוֹת): پنجره؛ (جمع: پنجره‌ها) — window

יוֹצֵא: بیرون می‌رود — goes out

יָם (יַמִּים): دریا؛ (جمع: دریاها) — sea

יֹפִי: زیبایی — beauty

כִּי: که (حرف ربط) — that (conj)

כָּל כָּךְ: خیلی زیاد (قید) — so! so much! (adv)

מְשׁוֹרֵר (מְשׁוֹרְרִים): شاعر مذکر؛ (جمع: شاعرها) — Poet

מְשׁוֹרֶרֶת (מְשׁוֹרְרוֹת): شاعر مونث؛ (جمع: شاعرها) — Poetess

נוֹפֵל: می‌افتد — falls

עוֹבֵר: می‌گذرد، عبور می‌کند — Passes, crosses

עוֹד: هنوز، دیگر، بیشتر — still, yet, else, more

עוֹלֶה: طلوع می‌کند، بالا می‌آید — goes up, rises

צִפּוֹר (צִפֳּרִים): پرنده (جمع: پرندگان) — bird . n.f.

קָם: برمی‌خیزد، بیدار می‌شود — gets up

רָץ: می‌دود — runs

שׁוֹקֵעַ: فرو می‌رود، غرق می‌شود — sets, sinks

שִׁיר (שִׁירִים): ترانه، شعر؛ (جمع: ترانه‌ها، شعرها) — song, poem

שָׁם: آنجا (اشاره به مکان دور) — there

שָׁמַיִם: آسمان — sky n.pl.

שֶׁמֶשׁ: خورشید — sun n.m.&f.

שָׁר: می‌خواند (آواز) — sings

יָפֶה: احسنت! آفرین — beautiful! splendid!

دستور زبان درس ۱۱

۱- در زبان عبری در افعالی که حرف وسط ریشه آنان«ו» و «י» باشدحروف «واو» و «یود» در صرف افعال حذف می شوند؛ مثال: ریشه فعل «קום » که به معنای بلند شدن از رختخواب زمانی که صرف می‌شود حرف «ו» حذف می‌شود.

مفرد مذکر: אֲנִי / אַתָּה / הוּא: קָם — جمع مذکر: אֲנַחְנוּ / אַתֶּם / הֵם : קָמִים

مفرد مونث: אֲנִי / אַת / הִיא: קָמָה — جمع مونث: אֲנַחְנוּ / אַתֶּן / הֵן : קָמוֹת

مثال : فعل « שִׁיר » که به معنای آواز خواندن است و در زمان صرف شدن حرف «י» حذف می شود.

مفرد مذکر: אֲנִי / אַתָּה / הוּא : שָׁר — جمع مذکر: אֲנַחְנוּ / אַתֶּם / הֵם : שָׁרִים

مفرد مونث: אֲנִי / אַת / הִיא : שָׁרָה — جمع مونث: אֲנַחְנוּ / אַתֶּן / הֵן : שָׁרוֹת

۲- در زبان عبری کلمه پرسشی «מה» با داگش (تشدید) یا پַתַח کار می رود؛ اما اگر کلمه بعد از «מה» با حروف (א، ע ر) شروع شود کلمه «מה» مصوت کاماتص می‌گیرد؛ مثال:

מַה זֶּה? (این چیست؟) — מָה אוֹמֵר? (چه می گوید؟)

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۳- در زبان عبری کلمه ربط «כִּי» دارای دو معنا می‌باشد و دو کاربرد مختلف دارد. در معنای اول به معنای «زیرا» است و درمعنای دوم« که» است.

مثال معنای اول:

אֲנִי צָרִיךְ סֵפֶר כִּי יֵשׁ לִי מִבְחָן הַיּוֹם. من به یک کتاب نیاز دارم زیرا من امروز امتحان دارم.

مثال معنای دوم:

אֲנִי יוֹדֵעַ כִּי יֵשׁ מִבְחָן הַיּוֹם. من میدانم که امتحان امروز است.

۴- تفاوت بین دو کلمه «כָּךְ» و «כָּל כָּךְ»: کلمه « כָּךְ » به معنی «این چنین» است؛ مثال:

כָּךְ הוּא עוֹבֵד. او اینچنین کار میکند.

اما کلمه « כָּל כָּךְ » به معنای « خیلی زیاد» می باشد؛ مثال:

הַשֶּׁמֶשׁ כֹּל כָּךְ יָפָה בַּבֹּקֶר. خورشید در صبح بسیار زیباست.

הוּא שָׁר כָּל כָּךְ יָפָה. او(مذکر) بسیار زیبا آواز میخواند.

متن درس ۱۱

הַמְשׁוֹרֵר

בֹּקֶר, הַשֶּׁמֶשׁ עוֹלָה בַּשָּׁמַיִם. אוּרִי הַקָּטָן קָם וְיוֹשֵׁב עַל כִּסֵּא לְיַד הַחַלּוֹן.

- אוּרִי, מָה אַתָּה עוֹשֶׂה? שׁוֹאֶלֶת הָאֵם.

- אִמָּא, הַשֶּׁמֶשׁ כָּל כָּךְ יָפָה כַּאֲשֶׁר הִיא יוֹצֵאת מִן הֶהָרִים!

צָהֳרַיִם. אוּרִי הַקָּטָן רָץ מִן הַבַּיִת.

- אוּרִי, לְאָן אַתָּה רָץ?

- אִמָּא, שָׁם בַּגַּן עֵצִים יָפִים. עַל עֵץ יוֹשֶׁבֶת צִפּוֹר קְטַנָּה. הַצִּפּוֹר שָׁרָה כָּל כָּךְ יָפָה!

עֶרֶב. הָאָח וְהָאָחוֹת הַגְּדוֹלִים שֶׁל אוּרִי הֵם כְּבָר בַּבַּיִת.

- אֵיפֹה אוּרִי? מָה הוּא עוֹשֶׂה? שׁוֹאֵל הָאָב.

- הוּא עוֹד בַּחוּץ. עוֹנִים הָאָח וְהָאָחוֹת.

- אוּרִי, מָה אַתָּה עוֹשֶׂה בַּחוּץ?

- אַבָּא, הַשֶּׁמֶשׁ כָּל כָּךְ יָפָה כַּאֲשֶׁר הִיא נוֹפֶלֶת לַיָּם.

הַיָּמִים עוֹבְרִים. הַשֶּׁמֶשׁ עוֹבֶרֶת. אוּרִי כְּבָר בָּחוּר גָּדוֹל.

עַכְשָׁו הוּא יוֹדֵעַ כִּי הַשֶּׁמֶשׁ לֹא יוֹצֵאת מִן הֶהָרִים.

עַכְשָׁו הוּא יוֹדֵעַ כִּי הַשֶּׁמֶשׁ לֹא נוֹפֶלֶת לַיָּם.

עַכְשָׁיו אוּרִי כּוֹתֵב שִׁירִים יָפִים.

הוּא כּוֹתֵב עַל הַיֹּפִי שֶׁל הַשֶּׁמֶשׁ כַּאֲשֶׁר הִיא עוֹלָה.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הוּא כּוֹתֵב עַל הַיְּפִי שֶׁל הַשֶּׁמֶשׁ כַּאֲשֶׁר הִיא שׁוֹקַעַת.
הוּא כּוֹתֵב עַל הַיְּפִי שֶׁל הַשָּׁמַיִם וְשֶׁל הַיָּם.
הוּא כּוֹתֵב עַל הָעֵצִים וְעַל הַצִּפֳּרִים.
יְפִי! אוּרִי הוּא עַכְשָׁו מְשׁוֹרֵר.

تمرین های درس ۱۱

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מָה עוֹשָׂה אוּרִי בַּבֹּקֶר ? اوری در هنگام صبح چه انجام می‌دهد؟
۲. לְאָן רָץ אוּרִי בַּצָּהֳרַיִם ? اوری در ظهر به کجا می‌دود؟
۳. אֵיפֹה אוּרִי בָּעֶרֶב ? اوری در هنگام غروب کجاست؟
۴. מָה רוֹאָה אוּרִי בַּגַּן ? اوری در باغ چه می‌بیند؟
۵. מָה עוֹשָׂה הַצִּפּוֹר בַּגַּן ? پرنده در باغ چه انجام می‌دهد؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. این شاعر شعرهایی درباره زیبایی زندگی (معرفه) می‌نویسد. ۲. وقتی که خورشید طلوع می‌کند، من (مذکر) برای کار بیرون می‌روم. ۳. پرندگان، بسیار زیبا آواز می‌خوانند. ۴. من (مونث) در صبح پنجره‌ها را باز می‌کنم و (من) در شب پنجره‌ها را می‌بندم. ۵. وقتی خورشید دارد غروب می‌کند، او (مونث) بیرون می‌نشیند. ۶. وقتی ما (مذکر) پیرمردی می‌بینیم، (ما) از نیمکت برمی‌خیزیم. ۷. من (مونث) فکر می‌کنم که آنها هنوز آنجا هستند. ۸. دختران کوچک در شب بدون مادر (معرفه) یا پدر (معرفه) از خانه بیرون نمی‌روند. ۹. پسر کوچک فکر می‌کند که خورشید به دریا می‌افتد. ۱۰. مرد دارد از کوه بالا می‌رود. ۱۱. شهرهای بزرگ زیادی نزدیک دریا هست. ۱۲. او (مذکر) تمام سال‌ها این چنین کار می‌کند. ۱۳. غذا به تازگی (= اخیراً) روی میز است. ۱۴. او (مونث) به سوی کتابخانه می‌دود زیرا (او) به کتابی نیاز دارد. ۱۵. زیبایی (معرفه) گذرا است؛ زندگی (معرفه) گذرا است. ۱۶. آسمان بسیار زیبا است وقتی که خورشید درغروب می‌کند.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור יב
لغات درس ۱۲

אוֹכֵל: می‌خورد

בָּא: می‌آید

בָּשָׂר: گوشت

דָּג (דָּגִים): ماهی؛ (جمع: ماهی‌ها)

יַחַד: با همدیگر

לֶחֶם: نان

מִדְבָּר (מִדְבָּרִים): صحرا؛ (جمع: صحراها، بیابان‌ها)

מַיִם: آب

מָלֵא, מְלֵאָה: پر، مملو؛ پر، مملو (مونث)

מֶלַח: نمک

מֶלְצַר (מֶלְצָרִים): پیشخدمت؛ (جمع: پیشخدمت‌ها)

מָן: غذای آسمانی(سَلوا)، مائده‌ی آسمانی mana

מִסְעָדָה (מִסְעָדוֹת): رستوران؛ (جمع: رستوران‌ها)

מָקוֹם (מְקוֹמוֹת): مکان، جایگاه؛ (جمع: مکان‌ها، جایگاه‌ها)

מֹשֶׁה: موسی

סִינַי: (صحرای) سینا

עָיֵף, עֲיֵפָה: خسته؛ خسته (مونث)

פּוֹגֵשׁ: دیدار می‌کند، ملاقات می‌کند

צָמֵא, צְמֵאָה: تشنه؛ تشنه (مونث)

קָפֶה: قهوه

רָעֵב, רְעֵבָה: گرسنه؛ گرسنه (مونث)

שָׂם: می‌گذارد، قرار می‌دهد

دستور زبان درس ۱۲

۱- در زبان عبری علاوه بر افعالی که تاکنون خوانده ایم یعنی افعالی که بر کاری که انجام میشود دلالت می‌کنند؛ مانند:

הוֹלֵךְ رفتن　　קוֹרֵא خواندن　　לוֹמֵד مطالعه نمودن　　כּוֹתֵב نوشتن

افعالی وجود دارند که بر وضعیت و حالت دلالت می کنند؛ مانند:

רָעֵב - گرسنه　　צָמֵא - تشنه　　עָיֵף - خسته

و این افعال به صورت زیر صرف می شوند:

شخص	ضمیر			فعل	فعل
مفرد مذکر	אֲנִי	אַתָּה	הוּא	רָעֵב	עָיֵף
مفرد مونث	אֲנִי	אַתְּ	הִיא	רְעֵבָה	עֲיֵפָה
جمع مذکر	אֲנַחְנוּ	אַתֶּם	הֵם	רְעֵבִים	עֲיֵפִים
جمع مونث	אֲנַחְנוּ	אַתֶּן	הֵן	רְעֵבוֹת	עֲיֵפוֹת

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

نکته: همچنین در افعالی که حرف اول آنان حروف حلقی «א ע ח» باشد، بصورت ساکن نمی آید و خَطَف پَتَح شده و صدای فتحه می گیرد.

۲- در زبان عبری حرف اضافه «עם» به معنی «به همراه» و «ב» به معنی «در ، در چیزی» با ضمایر متصل استعمال می‌شوند.

	ב + ضمیر متصل	معنا	עם+ ضمیرمتصل	معنا
۱	בִּי	در من	עִמִּי / עִמָּדִי	همراهم
۲	בְּךָ	در تو (مذکر)	עִמָּךְ	همراهت (مذکر)
۳	בָּךְ	در تو (مونث)	עִמָּךְ	همراهت (مونث)
۴	בּוֹ	در او (مذکر)	עִמּוֹ	همراهش (مذکر)
۵	בָּהּ	در او (مونث)	עִמָּהּ	همراهش (مونث)
۶	בָּנוּ	در ما	עִמָּנוּ	همراه مان
۷	בָּכֶם	در شما (مذکر)	עִמָּכֶם	همراهتان (مذکر)
۸	בָּכֶן	در شما (مونث)	עִמָּכֶן	همراهتان (مونث)
۹	בָּהֶם	در ایشان (مذکر)	עִמָּהֶם / עִמָּם	همراهشان (مذکر)
۱۰	בָּהֶן	در ایشان (مونث)	עִמָּהֶן	همراهشان (مونث)

متن درس ۱۲

מִן מִן הַשָּׁמַיִם

אָדוֹן כֹּהֵן עָיֵף וְרָעֵב. הוּא הוֹלֵךְ לְמִסְעָדָה. בַּדֶּרֶךְ הוּא פּוֹגֵשׁ חָבֵר. הַשֵּׁם שֶׁל הֶחָבֵר דָּוִד לֵוִי.

– לְאָן אַתָּה הוֹלֵךְ? שׁוֹאֵל אָדוֹן לֵוִי.

אָדוֹן כֹּהֵן עוֹנֶה:

– אֲנִי הוֹלֵךְ לְרְחוֹב הַמֶּלֶךְ דָּוִד. אֲנִי רָעֵב מְאֹד וְשָׁם יֵשׁ מִסְעָדָה טוֹבָה. הָאֹכֶל טוֹב, וְלֹא עוֹלֶה הַרְבֵּה כֶּסֶף.

– הַאִם אַתָּה אוֹכֵל תָּמִיד בְּמִסְעָדָה?

– לֹא, רַק בַּצָּהֳרַיִם. בָּעֶרֶב הָאִשָּׁה בַּבַּיִת וְאָז אֲנִי אוֹכֵל עִמָּהּ.

– יֹפִי! גַּם אֲנִי הוֹלֵךְ לַמִּסְעָדָה, אוֹמֵר הֶחָבֵר. גַּם אֲנִי רָעֵב וְצָמֵא.

הַחֲבֵרִים הוֹלְכִים יַחַד. הֵם בָּאִים לַמִּסְעָדָה. הַמִּסְעָדָה מְלֵאָה אֲנָשִׁים. הָרַעַשׁ גָּדוֹל וְכִמְעַט אֵין בָּהּ מָקוֹם. פִּתְאֹם הֵם רוֹאִים אִישׁ וְאִשָּׁה קָמִים מִן הַשֻּׁלְחָן לְיַד הֶחָלוֹן. הַחֲבֵרִים הוֹלְכִים אֶל הַשֻּׁלְחָן וְיוֹשְׁבִים. מֶלְצַר בָּא. הַמֶּלְצַר שָׂם מַיִם, מֶלַח וְלֶחֶם עַל הַשֻּׁלְחָן.

אָדוֹן כֹּהֵן אוֹמֵר:

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

– אֲנַחְנוּ רְעֵבִים מְאֹד. מַה יֵּשׁ לָכֶם הַיּוֹם?
– יֵשׁ לָנוּ הַרְבֵּה דְּבָרִים טוֹבִים, עוֹנָה הַמֶּלְצַר.
– מָה, לְמָשָׁל? שׁוֹאֵל אָדוֹן כֹּהֵן.
– יֵשׁ לָנוּ הַיּוֹם בָּשָׂר טוֹב מְאֹד, עוֹנָה הַמֶּלְצַר.
אָדוֹן כֹּהֵן אוֹמֵר:
– אֲנִי לֹא רוֹצֶה בָּשָׂר. מָה עוֹד יֵשׁ לָכֶם? הַמֶּלְצַר.

– לֹא, אֲנִי לֹא אוֹהֵב דָּגִים, אוֹמֵר אָדוֹן כֹּהֵן.
– יֵשׁ לָנוּ קָפֶה, עוּגוֹת טוֹבוֹת וְגַם גְּלִידָה, אוֹמֵר הַמֶּלְצַר.
– אֲנִי לֹא רוֹצֶה עוּגָה אוֹ גְּלִידָה, אוֹמֵר אָדוֹן כֹּהֵן.
– אִם כֵּן, מָה אַתָּה רוֹצֶה? אוֹמֵר הַמֶּלְצַר. הַאִם אַתָּה רוֹצֶה מָן מִן הַשָּׁמַיִם ? פֹּה מִסְעָדָה וְלֹא מִדְבַּר סִינַי!
אֲנִי רַק מֶלְצַר וְלֹא מֹשֶׁה !

تمرین های درس ۱۲

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. לְאָן הוֹלֵךְ אָדוֹן כֹּהֵן ؟ آقای کهن به کجا میرود؟

۲. אֶת מִי פּוֹגֵשׁ אָדוֹן כֹּהֵן בַּדֶּרֶךְ ؟ آقای کهن در راه چه کسی را ملاقات کرد؟

۳. הַאִם יֵשׁ הַרְבֵּה אֲנָשִׁים בַּמִּסְעָדָה ؟ آیا مردمان بسیاری در رستوران هستند؟

۴. הַאִם אָדוֹן כֹּהֵן רוֹצֶה בָּשָׂר אוֹ דָּגִים ؟ آیا آقای کهن گوشت یا ماهی میخواست؟

۵. מַדּוּעַ אוֹמֵר הַמֶּלְצַר: "פֹּה מִסְעָדָה וְלֹא מִדְבַּר סִינַי" ؟ چرا پیشخدمت گفت اینجا رستوران است و نه صحرای سینا؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. من (مذکر) هر صبح در راه مدرسه دوستان زیادی را ملاقات می‌کنم. ۲. من (مونث) همراه با او (مذکر) در آزمایشگاه کار می‌کنم. ۳. پرندگان اندکی در بیابان وجود دارند. ۴. چرا تو (مونث) نان روی میز نمی‌گذاری؟ ۵. سینا یک صحرا است، اما امروزه(= در این روزها) در آن مائده آسمانی وجود ندارد. ۶. او (مونث) وقتی خورشید در آسمان طلوع می‌کند برمی‌خیزد. ۷. داوود (در) صبح در دانشگاه درس می‌خواند و در شب (او) در یک رستوران پیشخدمت است. ۸ . او (مذکر) خانه‌ای پر از کتاب (ها) دارد، اما (او) خیلی کم مطالعه می‌کند. ۹. آیا تو (مذکر) مغازه را بعد از ظهر می‌بندی؟ ۱۰. شما (مونث) الان چه چیز دیگری می‌خواهید؟ ۱۱. این مکان بسیار زیبا است، اما افراد (= مردم) اندکی در آن زندگی می‌کنند. ۱۲. وقتی فردی (= مردی) تشنه و گرسنه است، (او) همه چیز می‌خورد. ۱۳. ما (مذکر) همیشه قبل از گوشت، ماهی می‌خوریم. ۱۴. وقتی پدر از کار به خانه می‌آید، (او) همیشه خیلی خسته است. ۱۵. وقتی من (مذکر) تشنه هستم، مادر همیشه به من آب می‌دهد.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור יג
لغات درس ۱۳

אוּלַי: شاید، ممکن است

בַּיִת כְּנֶסֶת (בָּתֵּי כְּנֶסֶת): کنیسه، (جمع: کنیسه‌ها)

זְמַן (זְמַנִּים): زمان؛ (جمع: زمان‌ها)

חָדָשׁ, חֲדָשָׁה: جدید؛ جدید (مونث)

כָּשֵׁר, כְּשֵׁרָה: حلال؛ حلال (مونث)

מֵאַיִן: از کجا

מִדְרָכָה (מִדְרָכוֹת): پیاده‌رو؛ (جمع: پیاده‌روها)

מוֹנִית (מוֹנִיּוֹת): تاکسی؛ (جمع: تاکسی‌ها)

מְכוֹנִית (מְכוֹנִיּוֹת): ماشین، اتومبیل؛ (جمع: ماشین‌ها، اتومبیل‌ها)

נָהָג (נָהָגִים): راننده؛ (جمع: راننده‌ها)

סְלִיחָה (סְלִיחוֹת): من را ببخشید (بخشش‌ها)

עוֹלֶה (עוֹלִים): مهاجر مذکر؛ (جمع: مهاجران مذکر)

עוֹלָה (עוֹלוֹת): مهاجر مونث؛ (جمع: مهاجران مونث)

עַיִן (עֵינַיִם): چشم؛ (جمع: دو چشم)

עַצְמָאוּת: استقلال

תַּיָּר (תַּיָּרִים): گردشگر مذکر؛ (جمع: گردشگران مذکر)

תַּיֶּרֶת (תַּיָּרוֹת): گردشگر مونث؛ (جمع: گردشگران مونث)

אַנְגְלִיָה: انگلستان

צְפַת: صفاد (یک شهر در اسرائیل)

יוֹמַיִם: دو روز

שְׁבוּעַיִם: دو هفته

دستور زبان درس ۱۳

۱- در زبان عبری می توان حرف اضافه « מִן » به معنای «از» را به شکل مخفف نوشت و به کلمه بعد از خودش چسباند در این حالت حرف «ן» حذف شده و حرف מ با مصوت خیقیک «ִ◌» به کلمه بعدی می چسبد؛ مثال:

از هفته به هفته ← מִן שָׁבוּעַ לַשָּׁבוּעַ = מִשָּׁבוּעַ לַשָּׁבוּעַ

نکته: هر گاه کلمه ی بعد از «מִן» یکی از حروف حلقی «א , ה , ח , ע , ר» باشد حرف מ مصوت صقه «ֶ◌» می‌گیرد؛ مثال:

از انگلستان ← מִן אַנְגְלִיָה = מֵאַנְגְלִיָה

۲- در زبان عبری برای اعضای بدن، که جفت هستند اگر به صورت جفت(مثنی) استفاده شوند به آخر کلمه «◌ַיִם» اضافه می‌کنیم؛ مثال:

יָד دست ← יָדַיִם دستان

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

همچنین برای زمان ها نیز از این قانون استفاده می‌کنیم؛ مثال:

יוֹם روز ← יוֹמַיִם دو روز

שָׁבוּעַ هفته ← שְׁבוּעַיִם دو هفته

متن درس ۱۳

תַּיָּר בְּתַל־אָבִיב

תַּיָּר: סְלִיחָה, אָדוֹן, הַאִם אַתָּה יוֹדֵעַ אֵיפֹה רְחוֹב הָעַצְמָאוּת? אוֹמְרִים כִּי בָּרְחוֹב הַזֶּה יֵשׁ מִסְעָדָה כְּשֵׁרָה טוֹבָה מְאֹד. אֲנִי לֹא יוֹדֵעַ אֶת הַשְּׁמוֹת שֶׁל הָרְחוֹבוֹת. אֲנִי תַּיָּר.

עוֹלֶה: לֹא. אֲנִי לֹא יוֹדֵעַ אֵיפֹה רְחוֹב הָעַצְמָאוּת. אֲנִי עוֹלֶה חָדָשׁ. גַּם אֲנִי לֹא יוֹדֵעַ אֶת הַשְּׁמוֹת שֶׁל הָרְחוֹבוֹת בָּעִיר.

הַתַּיָּר: מֵאַיִן אַתָּה?

הָעוֹלֶה: אֲנִי מֵאַנְגְּלִיָּה. וְאַתָּה מֵאַיִן?

הַתַּיָּר: אֲנִי מֵאֲמֶרִיקָה. כַּמָּה זְמַן אַתָּה כְּבָר בְּיִשְׂרָאֵל?

הָעוֹלֶה: אֲנִי פֹּה רַק שְׁבוּעַיִם. וְכַמָּה זְמַן אַתָּה פֹּה?

הַתַּיָּר: אֲנִי פֹּה רַק יוֹמַיִם.

הָעוֹלֶה: הִנֵּה עַל יַד הַמִּדְרָכָה עוֹמֶדֶת מְכוֹנִית. הָאִישׁ בַּמְּכוֹנִית בְּוַדַּאי יוֹדֵעַ אֵיפֹה רְחוֹב הָעַצְמָאוּת. הַתַּיָּר אוֹמַר "תּוֹדָה" וְהוֹלֵךְ אֶל הַמְּכוֹנִית.

הַתַּיָּר: סְלִיחָה, אָדוֹן, אוּלַי אַתָּה יוֹדֵעַ אֵיפֹה רְחוֹב הָעַצְמָאוּת?

הָאִישׁ: אֲנִי לֹא יוֹדֵעַ, כִּי אֲנִי לֹא מִפֹּה, אֲנִי בָּא מִצָּפַת.

הַתַּיָּר: אֵיפֹה פּוֹגְשִׁים בְּתַל־אָבִיב אֲנָשִׁים מִתַּל־אָבִיב?!

הָאִישׁ: הִנֵּה שָׁם עוֹמֶדֶת מוֹנִית, כָּל נָהָג שֶׁל מוֹנִית יוֹדֵעַ אֶת כָּל הָרְחוֹבוֹת בָּעִיר. הַתַּיָּר אוֹמַר "תּוֹדָה" וְרָץ אֶל הַנָּהָג שֶׁל הַמּוֹנִית.

הַתַּיָּר: סְלִיחָה, אָדוֹן נָהָג, אֵיפֹה רְחוֹב הָעַצְמָאוּת?

הַנָּהָג: הַאִם אֵין לְךָ עֵינַיִם?! אַתָּה עוֹמֵד עַל־יַד רְחוֹב הָעַצְמָאוּת.
אַתָּה רוֹאֶה שָׁם אֶת בֵּית הַכְּנֶסֶת? שָׁם רְחוֹב הָעַצְמָאוּת.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۱۳

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. בְּאֵיזֶה רְחוֹב יֵשׁ מִסְעָדָה כְּשֵׁרָה טוֹבָה? در کدام خیابان رستوران حلال خوبی وجود دارد؟

۲. מֵאַיִן בָּא הַתַּיָּר? آن گردشگر اهل کجاست؟

۳. כַּמָּה זְמַן הָעוֹלֶה הֶחָדָשׁ בְּיִשְׂרָאֵל? چه مدتی است که آن مهاجر جدید در اسرائیل است؟

۴. אֵיפֹה עוֹמֶדֶת הַמְּכוֹנִית שֶׁל הָאִישׁ מִצְּפַת? ماشین آن مرد اهل صفاد(صفد) کجا ایستاده است ؟

۵. מִי יוֹדֵעַ אֶת כָּל הָרְחוֹבוֹת בָּעִיר? چه کسی همه خیابان های در شهر را می داند ؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. برای هر چیز زمانی است. ۲. پدر دان، یک راننده‌ی تاکسی است. ۳. او (مذکر) پول زیادی دارد؛ او هر سال ماشین جدیدی می‌خرد. ۴. چرا تو (مونث) بسیار خسته هستی؟ (تو) از کجا می‌آیی؟ ۵. آن رستوران حلال نزدیک کنیسه است. ۶. در هر جایی در اسرائیل جهانگردان و مهاجران جدیدی دیده می‌شوند (= ملاقات می‌شوند). ۷. هر مردی (= فردی) استقلال را دوست دارد. ۸. معذرت می‌خواهم، آیا تو (مذکر) احتمالا میدانی در این شهر رستوران حلال کجا است؟ ۹. مرد سالخورده روی[یک] صندلی در پیاده‌رو، جلوی خانه می‌نشیند. ۱۰. او (مونث) چشمان بسیار زیبایی دارد. ۱۱. او (مذکر) تقریباً دو هفته[است که] بیمار است. ۱۲. من (مونث) هر دو روز کتابی جدید در کتابخانه می‌خوانم. ۱۳. شما (مذکر) از کجا می‌آیید و به کجا می‌روید؟ ۱۴. او(مذکر) در حال حاضر عبری را خوب می‌نویسد، اما اشتباهات کوچکی اینجا و آنجا وجود دارد. ۱۵. توریست (مونث) و مهاجر (مونث) جدید هر روز چیزهای تازه‌ای می‌بینند. ۱۶. خورشید امروز چه زمانی غروب می‌کند؟

ج- حرف اضافه מ... را حرکت گذاری کنید.

מַיָּם	מִרְחוֹב	מִתֵּל־אָבִיב	מִמִּסְעָדָה	מִמַּעֲבָרָה	מֵאָז
מֵהָעִיר	מֵהַבַּיִת	מִבַּיִת לְבַיִת	מִבֹּקֶר	מֵהַבֹּקֶר	מִפֹּה
מֵהָרִבָּה	מֵאֵיזֶה	מִיּוֹם לְיוֹם	מְמוֹנִית	מִמְּכוֹנִית	מֵהָר
מִבֶּחוּץ	מִזְּמַן לְזְמַן	מִרוֹפֵא לְרוֹפֵא	מִיָּד לְיָד	מֵהַמַּעֲבָדָה	מִשָּׁם

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור יד

لغات درس ١٤

הָלְאָה: پیشتر، جلوتر further

זָהָב: طلا gold

זוֹרֵק: پرت می‌کند throws

חוֹל (חוֹלוֹת): شن؛ (جمع: شن‌ها) sand

חַם, חַמָּה: گرم؛ گرم (مونث) warm

כַּד (כַּדִּים): پارچ، کوزه؛ (جمع: پارچ‌ها، کوزه‌ها) pitcher

לֵב (לְבָבוֹת): قلب؛ (جمع: قلب‌ها) heart

רֶגֶל (רַגְלַיִם): پا؛ (جمع: دو پا) leg, foot

בָּרֶגֶל: پای پیاده on foot

רוּחַ (רוּחוֹת): باد، روح؛ (جمع: بادها، روح‌ها) wind

רוֹעֵד: می‌لرزد trembles, shivers

רֵיק, רֵיקָה: خالی؛ خالی(مونث) empty

שְׁבִיל (שְׁבִילִים): گذر، راه، مسیر؛ (جمع: گذرها، راه‌ها، مسیرها) path

שַׂק (שַׂקִּים): کیف؛ (جمع: کیف‌ها) bag

תְּפִלָּה (תְּפִלּוֹת): نماز(در دین یهود)؛ (جمع: نمازها) prayer

תִּקְוָה (תִּקְווֹת): امید؛ (جمع: امیدها) hope

אֵין עוֹד: بیشتر نیست (بیشتر نه، دیگر نه) there is no more

בְּכָל זֹאת: با تمام این اوصاف، با وجود این neverthless

دستور زبان درس ١٤

١- نحوه‌ی تلفظ حرف «ו» در زبان عبری:

א) در زبان عبری حرف « ו» هر گاه بر سر کلمه ای قرار بگیرد که آن کلمه با حروف حلقی (א, ח, ה, ע, ה) شروع شود، خطف پتَح می شود و صدای فتحه «ֹ» می گیرد؛ مثال:

אַתָּה וַאֲנִי تو و من אִשָּׁה יָפָה וַחֲכָמָה زن زیبا و دانایی

ב) حرف «ו» در دو صورت با مصوت شوقوک تلفظ می شود و صدای (וּ) می دهد:

١. بر سر کلمه ای قرار بگیرد که آن کلمه با صدای ساکن (شوا) شروع شود؛ مثال:

יְלָדִים גְּדוֹלִים וּקְטַנִּים پسر بچه های بزرگ و کوچک

2. بر سر کلمه ای قرار بگیرد که با حروف شفوی(حروفی که در محدوده ی لب ها تلفظ می‌شوند مانند ב, ו, מ و פ) شروع شود؛ مثال:

לֶחֶם וּבָשָׂר نان و گوشت לֶחֶם וּמַיִם نان و آب שָׁם וּפֹה اینجا و اونجا

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

ג) اگر حرف ו بر سر کلمه ای قرار بگیرد که با حرف « י » شروع شود حرف « ו » صدای مصوت خریک «ִ»گرفته و به صورت «وی» تلفظ می‌گردد؛ مثال:

צִיּוֹן וִירוּשָׁלַיִם صیون و اورشلیم יְלָדִים וִילָדוֹת پسر بچه ها و دختر بچه ها

د) اگر حرف «ו» بر سر کلمه‌ای بیاید که با حروف (ב , ג , ד , כ ,פ , ת) شروع شود داگش این حروف حذف می‌شود و به شکل بی نقطه تلفظ می‌گردد و همچنین حروفی که مشدد می باشند بدون تشدید ادا می شوند؛ مانند:

ב = (و) تلفظ می‌شود ג = بدون تشدید تلفظ می شود ד = بدون تشدید تلفظ می شود

כ = (خ) تلفظ می‌شود פ = (ف) تلفظ می‌شود ת = بدون تشدید تلفظ می گردد

مثال :

גַּן וּבַיִת باغ و خانه קוֹרֵא וְכוֹתֵב خواندن و نوشتن וּפִתְאֹם و ناگهان

۲- نحوه ی تلفظ حرف בְּ... و לְ...:

א) در زبان عبری هر گاه حرف «ב» بر سر کلمه ای قرار بگیرد که آن کلمه صدای شوا (ساکن) داشته باشد حرف «ב» مصوت خیقیک « ְ » با صدای «ای» گرفته و به صورت (بی) تلفظ می شود؛ مثال:

בְּמָקוֹמוֹת ← בִּמְקוֹמוֹת در مکان ها

לְמָקוֹמוֹת ← לִמְקוֹמוֹת به مکان ها

ב) هر گاه حرف «ב» به کلمه ای بچسبد که با مصوت خطف پتخ (فتحه) شروع شود حرف «ב» نیز صدای خطف پتخ یا همان فتحه می‌گیرد؛ مثال:

בְּאֲרוֹנוֹת ← בַּאֲרוֹנוֹת در کمدها

לְאֲנָשִׁים ← לַאֲנָשִׁים به مردم

ג) هرگاه حرف « ב » به کلمه ای بچسبد که آن کلمه دارای حرف « יְ » باشد در این صورت حرکت سکون حرف « י » می افتد و حرف « ב » نیز با خیقیک تلفظ می شود؛ مثال:

בְּיִרוּשָׁלַיִם ← בִּירוּשָׁלַיִם در اورشلیم לְיְלָדִים ← לִילָדִים به بچه ها

۳- در زبان عبری جنسیت آن دسته از اعضای بدن که جفت می باشند مانند دست و پا و گوش و چشم و حتی بینی و لب ها به شکل مونث می آیند؛ مثال:

רַגְלַיִם גְּדוֹלוֹת רֶגֶל גְּדוֹלָה יָדַיִם קְטַנּוֹת יָד קְטַנָּה

پاهای بزرگ پای بزرگ دستان کوچک دست کوچک

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۴- در زبان عبری محل قرار گرفتن فاعل در جمله اختیاری است؛ مثال:

פתאם הָאִישׁ רוֹאֶה. ناگهان آن مرد دید. פתאם רוֹאֶה הָאִישׁ ناگهان دید آن مرد.

متن درس ١٤

בַּמִּדְבָּר

מִדְבָּר. אֵין דֶּרֶךְ וּשְׁבִיל. לֹא רוֹאִים צִפּוֹר בַּשָּׁמַיִם. בְּכָל מָקוֹם רוֹאִים רַק חוֹל וְהָרִים. הָרוּחַ חַמָּה. אִישׁ הוֹלֵךְ בָּרֶגֶל. הָרַגְלַיִם שֶׁל הָאִישׁ עֲיֵפוֹת. הוּא רָעֵב וְצָמֵא. בַּיָּדַיִם שֶׁל הָאִישׁ שַׂק וְכַד. הַשַּׂק שֶׁל הָאִישׁ רֵיק. אֵין בּוֹ לֶחֶם וְלֹא עוּגוֹת, לֹא בָּשָׂר וְלֹא דָּגִים. גַּם הַכַּד רֵיק. אֵין עוֹד מַיִם בּוֹ.

הָאִישׁ זוֹרֵק אֶת הַשַּׂק וְאֶת הַכַּד הָרֵיקִים, וְהוֹלֵךְ הָלְאָה. הוּא עָיֵף מְאֹד. הָרַגְלַיִם שׁוֹקְעוֹת בַּחוֹל הַחַם. הָאִישׁ הוֹלֵךְ וְנוֹפֵל, אֲבָל בְּכָל זֹאת הוּא קָם וְהוֹלֵךְ הָלְאָה.

וּפִתְאֹם רוֹאֶה הָאִישׁ שַׂק מָלֵא עַל הַחוֹל.

"זֶה נַס גָּדוֹל!" קוֹרֵא הָאִישׁ בְּשִׂמְחָה. "אוּלַי יֵשׁ בּוֹ אֹכֶל, וַאֲנִי כָּל כָּךְ רָעֵב".

בְּתְפִלָּה בַּלֵּב וּבְתַחֲנָה בָּעַיָנַיִם הוּא רָץ אֶל הַשַּׂק. הָאִישׁ פּוֹתֵחַ אֶת הַשַּׂק בְּיָדַיִם רוֹעֲדוֹת. אֲבָל מַיָּד אַחֲרֵי־כֵן הוּא זוֹרֵק אֶת הַשַּׂק עַל הַחוֹל.

"אֵין לִי מַזָּל!" קוֹרֵא הָאִישׁ, "הַשַּׂק מָלֵא רַק כֶּסֶף וְזָהָב".

تمرین درس ١٤

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

١. מָה רוֹאִים בַּמִּדְבָּר? در بیابان چه چیزی می بینند؟

٢. מַה יֵּשׁ בַּיָּדַיִם שֶׁל הָאִישׁ? در دستان آن مرد چه چیزی وجود دارد؟

٣. מַדּוּעַ זוֹרֵק הָאִישׁ אֶת הַשַּׂק וְאֶת הַכַּד? چرا آن مرد کیف و کوزه را بر روی خاک می اندازد؟

۴. מָה רוֹאֶה הָאִישׁ עַל הַחוֹל? آن مرد چه چیزی بر روی خاک می بیند؟

۵. מַדּוּעַ אוֹמֵר הָאִישׁ: "אֵין לִי מַזָּל"? چرا آن مرد می گوید: هیچ شانسی برای من وجود ندارد؟

ب - جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید:

١. امروز بیرون گرم است. ٢. آیا تو (مذکر) احتمالا می‌دانی چه کسی یک کیسه یا یک کوزه دارد؟ ٣. ما آب می‌خواهیم زیرا (ما) تشنه هستیم. ۴. چرا تو (مذکر) نان را روی شن می‌اندازی؟ ۵. او (مذکر) در مقابل تابوت عهد به نماز می‌ایستد. ۶. این زن خیلی خسته است زیرا (او) بسیار کار می‌کند. ٧. من نقره یا طلا ندارم. ٨. دستان و پاهای مرد بیمار دارد می‌لرزد. ٩. راه‌های (باریک و پیاده‌رو) زیادی در این پارک است. ١٠. در ظهر این رستوران همیشه پر است، اما در شب (آن) تقریباً خالی است. ١١. او (مذکر) با قلبی آکنده از شادی به سوی مادر می‌دود. ١٢. چرا تو (مونث) بیشتر مطالعه نمی‌کنی؟ ١٣. ما در شب ماهی یا گوشت و نان خیلی کمی

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

می‌خوریم. ۱۴. من دیگر پول ندارم. ۱۵. آب زیادی در این مکان وجود دارد. ۱۶. زندگی بدون امید زندگی نیست. ۱۷. این یک معجزه است، او(مذکر) به کلاسی نمی‌آید اما با این همه (او) درس‌ها را به خوبی می‌داند.

ج- حروف ו... و בּ... را حرکت گذاری کنید.

הֵם וְאֲנַחְנוּ
נָשִׁים וְאֲנָשִׁים
בַּחוּרִים וּבַחוּרוֹת
יְלָדִים וִילָדוֹת
הוּא תָּמִיד בָּא בִּשְׁאֵלוֹת
מַחְבָּרוֹת וּסְפָרִים

בְּעִיר וּבַמִּדְבָּר
הוּא כּוֹתֵב בִּשְׁגִיאוֹת
דָּגִים וָבָשָׂר
סוֹגֵר וּפוֹתֵחַ
שֶׁלְחָן וְכִסֵּא
תֵּל־אָבִיב וִירוּשָׁלַיִם

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור ۱۵
لغات درس ۱۵

בֵּין: بین، میان between, among

גָּמַר: تمام کرد finished

גֶּשֶׁר (גְּשָׁרִים): پل؛ (جمع: پل‌ها) bridge

חֶדֶר (חֲדָרִים): اتاق؛ (جمع: اتاق‌ها) room

חֲלוֹם (חֲלוֹמוֹת): خواب، رویا؛ (جمع: خواب‌ها، رویاها) dream

חָלַם: خواب دید dreamed

יוֹנָה: یونس Jonah

יַעַר (יְעָרוֹת): جنگل؛ (جمع: جنگل‌ها) forest, woods

לַיְלָה (לֵילוֹת): شب؛ (جمع: شب‌ها) night

מִטָּה (מִטּוֹת): تخت‌خواب؛ (جمع: تخت‌خواب‌ها) bed

מְעַנְיֵן, מְעַנְיֶנֶת: جذاب، جالب؛ جذاب، جالب(مونث) interesting

נָבִיא (נְבִיאִים): پیامبر؛ (جمع: پیامبران) prophet

נָהָר (נְהָרוֹת): رودخانه؛ (جمع: رودخانه‌ها) river

פֶּה (פִּיוֹת): دهان؛ (جمع: دهان‌ها) mouth

צָדַק: صادق بود، راست می‌گفت was right

צָעַק: فریاد زد، جیغ کشید shouted, screamed

קוֹל (קוֹלוֹת): صدا؛ (جمع: صداها) voice, sound

קָפַץ: پرید jumped

רַע, רָעָה: بد، شر؛ بد، شر(مونث) bad, evil

עַל פֶּה: حفظی، شفاهی by heart, orally

בְּקוֹל = בְּקוֹל גָּדוֹל: با صدای بلند aloud

זְמַן-מָה: بعضی اوقات، در مدت کوتاهی، یک لحظه some time, a short while

יוֹם הָעַצְמָאוּת: روز استقلال independence day

שַׂקִּיָּה: کیف خرید، زنبیل שַׂקִּית: کیسه shopping bag

دستور زبان درس ۱۵

۱- فعل (פֹּעַל) در زبان عبری به سه دسته تقسیم می‌شود:

א) افعال سالم (שְׁלֵמִי): این دسته افعالی هستند که در هنگام صرف فعل هیچ یک از سه حرف ریشه ی خود را از دست نمی‌دهند.

ב) افعال (נָחֵי): صدای یکی از حروف ریشه ی این افعال درهنگام صرف، تغییر می‌کند.

ג) افعال ناقص (חֲסֵרִים): این افعال در هنگام صرف شدن یکی از حروف ریشه را از دست می‌دهند.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۲- انواع גִּזְרוֹת (صیغه های فعل) در زبان عبری:

א) **גִּזְרַת הַשְּׁלֵמִים صیغه سالم:** فعلی که حروف «א، ה، ו و י» را نداشته باشد و مضاعف نباشد؛ مثال:

סָפַר، שָׁמַר

ב) **גִּזְרַת הַנְּחֵים صیغه معتل:** فعلی که یکی از حرف «א، ה، ו و י» جزء حروف اصلی آن باشد و یا مضاعف باشد، مثال:

۱. اولین حرف:

פ" א אָכַל (خورد)

פ" ה הָלַךְ (رفت)

פ" י יָשַׁב (نشست)

۲. دومین حرف:

ע" ו קָם (برخواست)

ע" י שָׁר (آواز خواند)

۳. سومین حرف:

ל" א בָּרָא (خلق کرد)

ל" ה קָנָה (خرید)

ג) **גִּזְרַת הַכְּפוּלִים صیغه مضاعف:** فعلی که حرف دوم و سوم آن یک حرف باشد؛ مثال: מָדַד، כָּפַף

ד) **גִּזְרַת הַחֲסֵרִים صیغه ناقص:** فعلی که اولین حرف اصلی آن «נ» و یا «ל» باشد؛ مثال:

נָפַל ← יִפֹּל לָקַח ← יִקַּח

نکته: این فعل را ناقص می‌نامند زیر حرف اول اصلی آن در زمان آینده حذف می‌شود.

ה) **גִּזְרַת הַמֻּרְכָּבִים صیغه فعل مرکب:** فعل هایی که خصوصیات دو صیغه از صیغ گفته شده را دارد؛ مثال:

נָשָׂא יָצָא יָפָה בָּא

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۳- در زبان عبری صرف افعال گذشته سالم به شکل زیر است؛ مثال:

صرف فعل גמר (تمام کردن، پایان دادن)

	ضمیر	فعل		معنا
יחיד	אֲנִי	גָּמַרְ + תִּי	גָּמַרְתִּי	من تمام کردم
	אַתָּה	גָּמַרְ + תָּ	גָּמַרְתָּ	تو تمام کردی
	אַתְּ	גָּמַרְ + תְּ	גָּמַרְתְּ	تو تمام کردی
	הוּא	גָּמַרְ	גָּמַר	او تمام کرد
	הִיא	גָּמַרְ + ה	גָּמְרָה	او تمام کرد
רבים	אֲנַחְנוּ	גָּמַרְ + נוּ	גָּמַרְנוּ	ما تمام کردیم
	אַתֶּם	גָּמַרְ + תֶּם	גְּמַרְתֶּם	شما تمام کردید
	אַתֶּן	גָּמַרְ + תֶּן	גְּמַרְתֶּן	شما تمام کردید
	הֵם	גָּמַרְ + וּ	גָּמְרוּ	آنها تمام کردند
	הֵן	גָּמַרְ + וּ	גָּמְרוּ	آنها تمام کردند

שאל (پرسید، سوال کرد)

	ضمیر	فعل		معنا
יחיד	אֲנִי	שָׁאַלְ + תִּי	שָׁאַלְתִּי	من پرسیدم
	אַתָּה	שָׁאַלְ + תָּ	שָׁאַלְתָּ	تو پرسیدی
	אַתְּ	שָׁאַלְ + תְּ	שָׁאַלְתְּ	تو پرسیدی
	הוּא	שָׁאַלְ	שָׁאַל	او پرسید
	הִיא	שָׁאַלְ + ה	שָׁאֲלָה	او پرسید
רבים	אֲנַחְנוּ	שָׁאַלְ + נוּ	שָׁאַלְנוּ	ما پرسیدیم
	אַתֶּם	שָׁאַלְ + תֶּם	שְׁאַלְתֶּם	شما پرسیدید
	אַתֶּן	שָׁאַלְ + תֶּן	שְׁאַלְתֶּן	شما پرسیدید
	הֵם	שָׁאַלְ + וּ	שָׁאֲלוּ	آنها پرسیدند
	הֵן	שָׁאַלְ + וּ	שָׁאֲלוּ	آنها پرسیدند

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

עבד (کارکرد)

	ضمیر	فعل		معنا
مفرد	אֲנִי	עָבַד + תִּי	עָבַדְתִּי	من کار کردم
	אַתָּה	עָבַד + תָּ	עָבַדְתָּ	تو کار کردی
	אַתְּ	עָבַד + תְּ	עָבַדְתְּ	توکار کردی
	הוּא	עָבַד	עָבַד	او کار کرد
	הִיא	עָבַד + ה	עָבְדָה	او کار کرد
جمع	אֲנַחְנוּ	עָבַד + נוּ	עָבַדְנוּ	ما کردیم
	אַתֶּם	עָבַד + תֶּם	עֲבַדְתֶּם	شما کار کردید
	אַתֶּן	עָבַד + תֶּן	עֲבַדְתֶּן	شما کار کردید
	הֵם	עָבַד + וּ	עָבְדוּ	آنها کار کردند
	הֵן	עָבַד + וּ	עָבְדוּ	آنها کار کردند

۴- در صرف افعال زمان حال، فاعل در جمله حتما حضور دارد اما در زمان گذشته می توان ضمایر فاعلی را (به غیر از سوم شخص) حذف کرد و لازم نیست حتما فاعل بیاید؛ مثال:

אני גָּמַרְתִּי = גָּמַרְתִּי אנחנו שָׁאַלְנוּ = שָׁאַלְנוּ

۵- در زمان گذشته برای منفی کردن جمله از «אֵין» استفاده نمی کنیم و فقط میتوان از «לֹא» برای منفی کردن جمله استفاده کنیم؛ مثال:

אֲנִי לֹא לָמַדְתִּי. من مطالعه نکردم.

۶- تفاوت بین دو کلمه «צָדַק» و «נָכוֹן» به معنای راست و درست در این است که «צָדַק» تنها برای انسان به کار می رود و «נָכוֹן» برای غیر انسان و اشیا نیز به کار می رود؛ مثال:

אֲנִי צוֹדֵק. من درست می گویم (حق با من است)

זֹאת תְּשׁוּבָה נְכוֹנָה. این پاسخ درست است(صحیح است)

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

متن درس ۱۵

הַחֲלוֹם

לַיְלָה. הַשָּׁמֶשׁ כְּבָר שָׁקְעָה. דָּוִד הַקָּטָן בַּמִּטָּה. הָאֵם אוֹמֶרֶת לוֹ "לַיְלָה טוֹב" וְיוֹצֵאת מִן הַחֶדֶר. זְמַן־מָה עוֹבֶר וּפִתְאֹם הִיא שׁוֹמַעַת אֶת הַקּוֹל שֶׁל דָּוִד. הוּא צוֹעֵק. הָאֵם רָצָה אֶל הַחֶדֶר שֶׁל דָּוִד.

- דָּוִד, מַדּוּעַ צָעַקְתָּ? הַאִם חָלַמְתָּ חֲלוֹם רַע?
- כֵּן, אִמָּא, חָלַמְתִּי חֲלוֹם רַע מְאֹד.
- מָה חָלַמְתָּ?
- חָלַמְתִּי כִּי הַיּוֹם "יוֹם הָעַצְמָאוּת". כָּל הַבַּיְתָה יוֹשֶׁבֶת עַל הַסַּפְסָלִים בְּבֵית הַכְּנֶסֶת כַּאֲשֶׁר גָּמַרְנוּ אֶת הַתְּפִלּוֹת, אָמַרְתִּי "שָׁלוֹם" לְכָל הַחֲבֵרִים בַּכִּתָּה, וְהָלַכְתִּי לַחוּץ. בַּחוּץ חַם מְאֹד.

בַּדֶּרֶךְ פָּגַשְׁתִּי אֶת הָחָבֵר דָּנִיאֵל וְהָלַכְנוּ יַחַד אֶל הַיַּעַר.

הָלַכְנוּ בָּרֶגֶל בַּשְּׁבִילִים בֵּין הָעֵצִים, וְהִנֵּה נָהָר! עַל הַחוֹל לְיַד הַנָּהָר רוֹאֶה דָּנִיאֵל שַׂקִּית מְלֵאָה לֶחֶם. הוּא לוֹקֵחַ אֶת הַשַּׂקִּית וְזוֹרֵק אֶת הַלֶּחֶם לַדָּגִים הָרְעֵבִים. הָלַכְנוּ הָלְאָה, וְהִנֵּה אֲנַחְנוּ רוֹאִים גֶּשֶׁר חָדָשׁ עַל הַנָּהָר. הָלַכְנוּ עַל הַגֶּשֶׁר, וְכִמְעַט עָבַרְנוּ אֶת הַנָּהָר. פִּתְאֹם שָׁמַעְנוּ רַעַשׁ גָּדוֹל. הַגֶּשֶׁר רָעַד וְנָפַל, וַאֲנַחְנוּ נָפַלְנוּ יַחַד עִם הַגֶּשֶׁר לַמַּיִם. פִּתְאֹם קָפַץ מִן הַמַּיִם דָּג גָּדוֹל, הַדָּג פָּתַח אֶת הַפֶּה. אָז צָעַקְתִּי בְּקוֹל גָּדוֹל. וְהִנֵּה אֲנִי רוֹאֶה כִּי אֲנִי עוֹמֶדֶת עַל־יַד הַמִּטָּה.

- זֶה חֲלוֹם מְעַנְיֵן. בְּוַדַּאי לְמַדְתֶּם בְּבֵית הַסֵּפֶר עַל יוֹנָה הַנָּבִיא.
- נָכוֹן, אִמָּא, אַתְּ צוֹדֶקֶת. אִמָּא, אַתְּ חֲכָמָה. אֶתְמוֹל גָּמַרְנוּ בַּכִּתָּה אֶת הַסֵּפֶר "יוֹנָה", וַאֲנִי יוֹדֵעַ אֶת הַסֵּפֶר הַזֶּה עַל פֶּה כְּמַעַט בְּלִי שְׁגִיאוֹת.

تمرین های درس ۱۵

الف- به سوالات زیر پاسخ دهید

۱. מַדּוּעַ צָעַק דָּוִד בַּלַּיְלָה? چرا داوود در شب جیغ زد؟

۲. לְאָן הָלְכוּ הַחֲבֵרִים דָּוִד וְדָנִיאֵל אַחֲרֵי הַתְּפִלּוֹת? دوستان، داوود و دانیال بعد از دعا به کجا رفتند؟

۳. אֵיךְ נָפְלוּ דָּוִד וְדָנִיאֵל לַנָּהָר? داوود و دانیال چگونه در رودخانه افتادند؟

۴. מִי קָפַץ מִן הַמַּיִם? چه چیزی از آب پرید؟

۵. מַדּוּעַ חָלַם דָּוִד חֲלוֹם עַל דָּג גָּדוֹל? چرا داوود خواب ماهی بزرگی را دید؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. تو (مذکر) چه خوابی در شب(خواب) دیدی؟ ۲. او(مونث) صدای خوبی دارد و (او) خوب آواز می‌خواند. ۳. من (مونث) شعرهای زیادی از حفظ می‌دانم. ۴. آیا این، مسیر درست به سوی پل است؟ ۵. او (مونث) وقتی درس جالب نیست در کلاس می‌نشیند و رویا بافی می‌کند. ۶. پسربچه در تختخواب است زیرا (او) بیمار است.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۷. دانش آموزان زیادی در راه مدرسه از (= در) این خیابان عبور می‌کنند. ۸. حق با تو (مونث) است، این اتاق پادشاه است. ۹. او (مذکر) دهان باز کرد، اما (او) چیزی نگفت. ۱۰. در میان افراد (= مردان) شرور هیچ صلحی نیست. ۱۱. جنگل بزرگی نزدیک شهر کوچک است. ۱۲. مادر از رختخواب پرید زیرا پسربچه جیغ کشید. ۱۳. وقتی دانش آموزان کتاب را تمام کردند، (آنها) به معلم گفتند: حق با تو بود، این کتابی جالب است. ۱۴. ماهی‌های زیادی در این رودخانه وجود دارد. ۱۵. یونس پیامبر به شهر بزرگی رفت. ۱۶. من مدت کوتاهی درباره سوال (معرفه) فکر کردم و سپس (من) پاسخ صحیح را نوشتم.

ج- ۹ صیغه ماضی افعال زیر را بنویسید.

۱. למד ۲. צעק ۳. הלך ۴. שָׁמַע

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozla.com

שעור ١٦
لغات درس ١٦

אֶחָד: یک (مذکر) one.m

אַחַת: یک (مونث) one. f

אֲשֶׁר; שֶׁ...: که...؛ که...(مخفف) that, which, who, whom

דֶּלֶת (דְּלָתוֹת): در، (جمع: درها) door

חַג (חַגִּים): عید، تعطیلات (جمع: عیدها) holiday

לָבַשׁ: پوشید wore, Put on (clothes)

מַהֵר: سریعاً، فوراً quickly, fast

מֻקְדָּם: زود (قید) early (adv)

מֻקְדָּם, מֻקְדֶּמֶת: زود؛ زود (مونث) early (adj)

סָגוּר, סְגוּרָה: بسته؛ بسته (مونث) closed, Part

סוֹפֵר (סוֹפְרִים): نویسنده؛ (جمع: نویسنده‌ها) author, writer

סִפּוּר (סִפּוּרִים): داستان؛ (جمع: داستان‌ها) story

סִפְרוּת: ادبیات literature

רֶגַע (רְגָעִים): لحظه؛ (جمع: لحظات) moment

שׁוֹטֵר (שׁוֹטְרִים): پلیس؛ (جمع: پلیس‌ها) Policeman

מִשְׁטָרָה: پلیس Police

שָׁכַח: فراموش کرد forget

שֶׁקֶט: سکوت quiet

תִּיק (תִּיקִים): کیف؛ (جمع: کیف‌ها) bag, brief case

כָּל אֶחָד: هر کس، همه everyone

שָׂם לֵב: توجه کرد Paid attention

دستور زبان درس ١٦

١- هر گاه حرف دوم ریشه فعل ماضی حروف «ו» و «י» باشد در صرف فعل ماضی این دو حرف حذف شده و حرف اول صدای پتخ (فتحه) می گیرد؛ مثال:

فعل קוּם (بلند شدن، برخاستن)

	ضمیر	فعل
مفرد	אֲנִי	קַמְתִּי
	אַתָּה	קַמְתָּ
	אַתְּ	קַמְתְּ
	הוּא	קָם
	הִיא	קָמָה
جمع	אֲנַחְנוּ	קַמְנוּ
	אַתֶּם	קַמְתֶּם
	אַתֶּן	קַמְתֶּן
	הֵם	קָמוּ
	הֵן	קָמוּ

فعل שִׂים (قرار دادن)

	ضمیر	فعل
مفرد	אֲנִי	שַׂמְתִּי
	אַתָּה	שַׂמְתָּ
	אַתְּ	שַׂמְתְּ
	הוּא	שָׂם
	הִיא	שָׂמָה
جمع	אֲנַחְנוּ	שַׂמְנוּ
	אַתֶּם	שַׂמְתֶּם
	אַתֶּן	שַׂמְתֶּן
	הֵם	שָׂמוּ
	הֵן	שָׂמוּ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

نکته : فعل سوم شخص مفرد در زمان حال و گذشته یکسان است برا فهم زمان در جمله نیاز به قرینه است؛ مثال:

زمان حال ← הִיא קָמָה מֻקְדָּם. او (مونث) زود بیدار می شود.

زمان گذشته ← אֶתְמוֹל הִיא קָמָה מֻקְדָּם. دیروز او (مونث) زود بیدار شد.

۲- در زبان عبری هر گاه حرف دوم ریشه فعل حرف ו باشد، حرف واو در صرف فعل گذشته حذف میشود و حرف اول فعل صدای کاماتص می‌گیرد؛ مثال:

فعل בּוֹא رسیدن، آمدن

	ضمیر	فعل
مفرد	אֲנִי	בָּאתִי
	אַתָּה	בָּאתָ
	אַתְּ	בָּאת
	הוּא	בָּא
	הִיא	בָּאָה
جمع	אֲנַחְנוּ	בָּאנוּ
	אַתֶּם	בָּאתֶם
	אַתֶּן	בָּאתֶן
	הֵם	בָּאוּ
	הֵן	בָּאוּ

نکته: حرف «א» در صرف فعل « בָּא » ساکن است به جز در « בָּאוּ » و « בָּאָה » که ساکن نیستند.

۳- در زبان عبری می توان ترکیب «אֶל ה...» و «ל...» که به معنای به سوی است را از جمله حذف کرد بدون تغییر پیدا کردن معنای جمله؛ مثال:

من به خانه میروم. ← אֲנִי הוֹלֵךְ אֶל הַבַּיִת = אֲנִי הוֹלֵךְ הַבַּיְתָה

شما به سوی شهر رفتید. ← אַתֶּם הוֹלְכִים לָעִיר = אַתֶּם הוֹלְכִים הָעִירָה

۴- در زبان عبری عدد یک صفت است و پس از موصوف می آید؛ مثال:

יוֹם אֶחָד یک روز שָׁנָה אַחַת یک سال

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۵- کلمه « אֲשֶׁר » و مخفف آن « שֶׁ» که به کلمه بعد از خود می چسبد به عنوان ضمیر ربط است در صورت استفاده از مخفف تغیراتی در جمله ظاهر می شود؛ مثال:

שָׁכַחְתִּי אֶת הַסִּפּוּר אֲשֶׁר לִמַּדְנוּ. שָׁכַחְתִּי אֶת הַסִּפּוּר שֶׁלִּמַּדְנוּ.

«من آن داستانی را که آموختیم، فراموش کردم.»

متن درس ١٦

הַמִּבְחָן בְּסִפְרוּת

כָּל הַלַּיְלָה חָלַמְתִּי עַל הַמִּבְחָן בְּסִפְרוּת. קַמְתִּי מֻקְדָּם בַּבֹּקֶר. קִפַּצְתִּי מִן הַמִּטָּה. לָבַשְׁתִּי מַהֵר אֶת הַבְּגָדִים. לֹא אָכַלְתִּי דָּבָר. לָקַחְתִּי אֶת הַתִּיק, שַׂמְתִּי בּוֹ אֶת הַסְּפָרִים וְאֶת הַמַּחְבָּרוֹת, וְרַצְתִּי מַהֵר מִן הַבַּיִת.

בָּרְחוֹבוֹת שָׁקֵט. לֹא שׁוֹמְעִים רַעַשׁ שֶׁל מוֹנִית אוֹ מְכוֹנִית. הַמְּדֻרָכוֹת כִּמְעַט רֵיקוֹת. אֲבָל אֲנִי לֹא שַׂמְתִּי לֵב לַשֶּׁקֶט שָׁבָּרְחוֹבוֹת. כָּל הַזְּמַן חָשַׁבְתִּי רַק עַל דָּבָר אֶחָד - עַל הַמִּבְחָן. חָשַׁבְתִּי עַל הַסּוֹפְרִים וְעַל הַסִּפּוּרִים הַמְעַנְיְנִים, עַל הַמְּשׁוֹרְרִים וְעַל הַשִּׁירִים הַיָּפִים, אֲשֶׁר לָמַדְנוּ בְּסִפְרוּת.

בָּאתִי אֶל בֵּית הַסֵּפֶר וְהִנֵּה אֲנִי רוֹאָה כִּי הַדֶּלֶת סְגוּרָה, וּבָחוּץ אֵין תַּלְמִידִים. "אֵיפֹה כֻּלָּם? מַדּוּעַ הַדֶּלֶת סְגוּרָה?" צָעַקְתִּי בְּקוֹל, אֲבָל אֵין עוֹנֶה וְאֵין פּוֹתֵחַ.

בָּרֶגַע הַזֶּה עָבְרָה מְכוֹנִית שֶׁל הַמִּשְׁטָרָה. הַמְּכוֹנִית עָמְדָה עַל יַד בֵּית הַסֵּפֶר. שׁוֹטֵר יָצָא מִן הַמְּכוֹנִית וְאָמַר לִי:

- מָה אַתָּה עוֹשֶׂה פֹּה עַכְשָׁו? לָמָּה בָּאתָ? הַאִם אַתָּה לֹא רוֹאֶה כִּי בֵּית הַסֵּפֶר סָגוּר? אֵין שְׁעוּרִים הַיּוֹם. בְּאֵיזֶה עוֹלָם אַתָּה חַי? הַיּוֹם חַג!

- שָׁכַחְתִּי כִּי הַיּוֹם חַג, אָמַרְתִּי לַשּׁוֹטֵר. תּוֹדָה, תּוֹדָה לְךָ!

בְּלֵב מָלֵא שִׂמְחָה רַצְתִּי הַבַּיְתָה.

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

١. עַל מָה חָלַם הַבָּחוּר? آن شخص چه خوابی دید؟

٢. לְאָן רָץ הַבָּחוּר בַּבֹּקֶר? آن شخص در صبح به کجا دوید؟

٣. מַדּוּעַ הוּא לֹא שָׂם לֵב לַשֶּׁקֶט שָׁבָּרְחוֹבוֹת? چرا او به سکوتی که در خیابان‌ها بود توجه نداشت؟

۴. מִי עָבַר בַּמְּכוֹנִית עַל יַד בֵּית הַסֵּפֶר? چه کسی با ماشین از کنار عبور کرد؟

۵. מָה אָמַר הַשּׁוֹטֵר לַבָּחוּר? پلیس به آن شخص چه گفت؟

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید:

۱. چرا تو (مذکر) کیف دستی را زیر تختخواب گذاشتی؟ ۲. چرا تو (مونث) در را نبستی؟ ۳. معلم (مونث) فریاد زد: «سکوت، لطفاً!». ۴. در (یک) جشن، ما لباس‌هایی زیبا می‌پوشیم. ۵. تو (مذکر) دیروز (در) صبح آنقدر سریع (به) کجا می‌دویدی؟ ۶. شما (مذکر) دیروز در کدام رستوران غذا خوردید؟ ۷. فقط یک روز در هفته من (مونث) زود از کار به خانه می‌آیم. ۸. من همه داستان را از حفظ بلد بودم، اما وقتی که (من) به جلسه امتحان آمدم (من) همه چیز را فراموش کردم. ۹. در تل‌آویو فروشگاه‌های زیادی در ظهر بسته هستند. ۱۰. مأمور پلیس به دنبال مرد دوید. ۱۱. لحظه‌ای گذشت و سپس من گفتم: «معذرت می‌خواهم، من فراموش کردم که (یک) امتحان ادبیات عبری امروز است.» ۱۲. این کیف چرمی چند تمام می‌شود؟ ۱۳. هرگاه کتابی جالب خوانده می‌شود زمان به سرعت می‌گذرد. ۱۴. او (مذکر) دانش آموزی بد است زیرا (او) به درس توجه نمی‌کند. ۱۵. چرا مغازه‌ها بسته هستند؟ امروز چه عیدی (= کدام عید) است؟ ۱۶. نام نویسنده‌ای که این حکایت جالب را نوشت چیست؟

ج- ۹ صیغه ماضی فعل های زیر را بنویسید.

רוץ – دویدن

שיר – آواز خواندن

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור ۱۷

لغات درس ۱۷

אֶבֶן (אֲבָנִים): سنگ؛ (جمع: سنگ‌ها) stone

אֵצֶל: نزدِ...، پیشِ... at , by , at the place of

הָיָה: بود was

יַיִן (יֵינוֹת): شراب؛ (جمع: شراب‌ها) wine

יָקָר, יְקָרָה: ارزشمند، عزیز؛ ارزشمند، عزیز (مونث) dear , expensive

כּוֹבַע (כּוֹבָעִים): کلاه؛ (جمع: کلاه‌ها) hat

לָכֵן: بنابراین therefore

מָכַר: فروخت sold (v)

מָצָא: پیدا کرد found (v)

נוֹרָא, נוֹרָאָה: وحشتناک، بد، ناجور ؛ وحشتناک، بد، ناجور (مونث) terrible

עָזַר ל...: کمک کرد به... helped

עָנִי, עֲנִיָּה: فقیر؛ فقیر(مونث) poor

עָשִׁיר, עֲשִׁירָה: ثروتمند؛ ثروتمند(مونث) rich

עֹשֶׁר: ثروت wealth

פּוֹעֵל (פּוֹעֲלִים): کارگر؛ (جمع: کارگران) worker , laborer

צְדָקָה: صدقه charity

קָרָה: اتفاق افتاد happend

שַׁבָּת: شنبه Sabbath

שׁוּק: بازار market

שָׁתָה: نوشید drank

אֶבֶן יְקָרָה: سنگ گرانقیمت، سنگ ارزشمند a precious stone

בְּשֵׁם: به نامِ... name , by the name of

עֶרֶב שַׁבָּת: عصر شبات Sabbath eve , friday

מִן הַיּוֹם הַזֶּה וָהָלְאָה: از امروز به بعد from this day on

כָּל מַה שֶּׁ...: هر چیزی که... everything that

دستور زبان درس ۱۷

۱- صرف فعل «קרא» و «צמא» :

קרא خواندن

	ضمیر	فعل
مفرد	אֲנִי	קָרָאתִי
	אַתָּה	קָרָאתָ
	אַתְּ	קָרָאת
	הוּא	קָרָא
	הִיא	קָרְאָה
جمع	אֲנַחְנוּ	קָרָאנוּ
	אַתֶּם	קְרָאתֶם
	אַתֶּן	קְרָאתֶן
	הֵם	קָרְאוּ
	הֵן	קָרְאוּ

צמא تشنه

	ضمیر	فعل
مفرد	אֲנִי	צָמֵאתִי
	אַתָּה	צָמֵאתָ
	אַתְּ	צָמֵאת
	הוּא	צָמֵא
	הִיא	צָמְאָה
جمع	אֲנַחְנוּ	צָמֵאנוּ
	אַתֶּם	צְמֵאתֶם
	אַתֶּן	צְמֵאתֶן
	הֵם	צָמְאוּ
	הֵן	צָמְאוּ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۲- عبری زبان ها از فعل «היה» به معنای (بود) برای بیان گذشته استفاده می کنند؛ مثال:

הוּא הָיָה צָמֵא. او(مذکر) تشنه بود. הִיא הָיְתָה צְמֵאָה. او(مونث) تشنه بود.

۳- صرف فعل « היה » :

	ضمیر	فعل
مفرد	אֲנִי	הָיִיתִי
	אַתָּה	הָיִיתָ
	אַתְּ	הָיִית
	הוּא	הָיָה
	הִיא	הָיְתָה
جمع	אֲנַחְנוּ	הָיִינוּ
	אַתֶּם	הֱיִיתֶם
	אַתֶּן	הֱיִיתֶן
	הֵם	הָיוּ
	הֵן	הָיוּ

۴- در صرف بعضی افعال حرف سوم ریشه فعل حرف «ה» است که تبدیل به «י» می شود (غیر از سوم شخص)؛ مثال:

קנה خریدن		
	ضمیر	فعل
مفرد	אֲנִי	קָנִיתִי
	אַתָּה	קָנִיתָ
	אַתְּ	קָנִית
	הוּא	קָנָה
	הִיא	קָנְתָה
جمع	אֲנַחְנוּ	קָנִינוּ
	אַתֶּם	קְנִיתֶם
	אַתֶּן	קְנִיתֶן
	הֵם	קָנוּ
	הֵן	קָנוּ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۵- قبلا گفته شد که در زبان عبری واژه ی «داشتن» و «نداشتن» وجود ندارد و برای بیان آن از « יֵשׁ לְ...» و « אֵין לְ ...» استفاده می کنند و در زمان گذشته با توجه به جنسیت شیء از:

مفرد	مذکر	(לֹא) הָיָה לְ ...
	مونث	(לֹא) הָיְתָה לְ ...
جمع	مذکر	(לֹא) הָיוּ לְ ...
	مونث	(לֹא) הָיוּ לְ ...

א) داشتن؛ مثال:

הָיָה לִי סֵפֶר. من کتاب داشتم.
הָיוּ לִי מַחְבָּרוֹת. من چند دفترچه داشتم.
הָיְתָה לִי מְחַבֶּרֶת. من دفترچه داشتم.
הָיוּ לִי סְפָרִים. من چند کتاب داشتم.

ب) نداشتن؛ مثال:

לֹא הָיָה לִי סֵפֶר. من کتاب نداشتم.
לֹא הָיוּ לִי מַחְבָּרוֹת. من چند دفترچه نداشتم.
לֹא הָיְתָה לִי מְחַבֶּרֶת. من دفترچه نداشتم.
לֹא הָיוּ לִי סְפָרִים. من چند کتاب نداشتم.

۶- برای بیان عادت در زبان عبری از ساختار زیر استفاده می شود:

אֲנִי הָיִיתִי לוֹמֵד הַרְבֵּה. من عادت به مطالعه ی بسیار داشتم.
אַתָּה הָיִיתָ לוֹמֵד הַרְבֵּה. تو عادت به مطالعه ی بسیار داشتی.
אֲנַחְנוּ הָיִינוּ קוֹרְאִים הַרְבֵּה. ما عادت به خواندن بسیار داشتیم.

متن درس ۱۷

הָאָבְן הַיְקָרָה

בְּעִיר אַחַת חַי פּוֹעֵל עָנִי בְּשֵׁם יוֹסֵף. יוֹסֵף עָבַד צַיָּיל אִישׁ עָשִׁיר. הָעָשִׁיר הָיָה אִישׁ רַע מְאֹד. הָאִישׁ הַזֶּה הָיָה נוֹתֵן תָּמִיד הַרְבֵּה עֲבוֹדָה לְיוֹסֵף, אֲבָל הָיָה נוֹתֵן לוֹ רַק מְעַט כֶּסֶף.

כָּל הַשָּׁבוּעַ יוֹסֵף הָיָה אוֹכֵל רַק לֶחֶם וּמָלַח וְשׁוֹתָה רַק מַיִם. אֲבָל בַּשַּׁבָּת וּבַחַגִּים יוֹסֵף הָיָה חַי כְּמוֹ מֶלֶךְ. הוּא הָיָה לוֹבֵשׁ בְּגָדִים יָפִים. הָיָה אוֹכֵל דָּגִים, בָּשָׂר וְעוּגוֹת, הָיָה שׁוֹתֶה יַיִן, וְהָיָה שׂוֹכֵחַ כִּי הוּא רַק פּוֹעֵל עָנִי.

לַיְלָה אֶחָד חָלַם הָאִישׁ הֶעָשִׁיר חֲלוֹם נוֹרָא. בַּחֲלוֹם הוּא רָאָה אִישׁ זָקֵן יוֹצֵא מִן הַיַּעַר. הַזָּקֵן בָּא אֶל הַחָדָר, עָמַד אֵצֶל הַמִּטָּה, וְאָמַר בְּקוֹל גָּדוֹל:

"אֲנִי רָאִיתִי כָּל מַה שֶּׁעָשִׂיתָ לְיוֹסֵף. כָּל הֶעָשָׁר שֶׁיֵּשׁ לְךָ בָּא מִן הָעֲבוֹדָה שֶׁל יוֹסֵף. לָכֵן, כָּל הָעֹשֶׁר שֶׁלְּךָ הוּא שֶׁל יוֹסֵף".

מִיָּד אַחֲרֵי־כֵן יָצָא הַזָּקֵן מִן הַחָדָר, וְסָגַר אֶת הַדֶּלֶת.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הָאִישׁ הֶעָשִׁיר קָם בַּבֹּקֶר בְּלֵב רוֹעֵד. הוּא לָבַשׁ מַהֵר אֶת הַבְּגָדִים וְהָלַךְ אֶל הַשּׁוּק. שָׁם הוּא מָכַר אֶת הַבַּיִת שֶׁהָיָה לוֹ, וְאֶת כָּל הַדְּבָרִים שֶׁהָיוּ לוֹ בַּבַּיִת. בַּכֶּסֶף הוּא קָנָה אָבָן יְקָרָה. הֶעָשִׁיר שָׂם אֶת הָאָבָן הַיְקָרָה בַּכִּיס וְיָצָא מִן הָעִיר.

בַּדֶּרֶךְ עָבַר הָאִישׁ הֶעָשִׁיר עַל גֶּשֶׁר. פִּתְאֹם קָמָה רוּחַ גְּדוֹלָה, וְדָבָר נוֹרָא קָרָה. הַכִּיס עִם הָאָבָן הַיְקָרָה, אֲשֶׁר קָנָה הֶעָשִׁיר, נָפְלוּ בַּנָּהָר.

בְּעֶרֶב שַׁבָּת, כְּמוֹ תָּמִיד, הָלְכָה הָאִשָּׁה שֶׁל יוֹסֵף אֶל הַשּׁוּק וְקָנְתָה דָּג לְשַׁבָּת. כַּאֲשֶׁר פָּתְחָה הָאִשָּׁה אֶת הַדָּג, הִיא מָצְאָה בּוֹ אֶבֶן יְקָרָה.

יוֹסֵף מָכַר אֶת הָאָבָן הַיְקָרָה. מִן הַיּוֹם הַזֶּה וָהָלְאָה הָיָה לְיוֹסֵף הַרְבֵּה כֶּסֶף. יוֹסֵף הָיָה תָּמִיד עוֹזֵר לָאֲנָשִׁים, וְהָיָה נוֹתֵן צְדָקָה לָעֲנִיִּים.

تمرین های درس ۱۷

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מָה הָיָה אוֹכֵל וּמָה הָיָה שׁוֹתֶה יוֹסֵף בַּשַּׁבָּת? یوسف در روز شنبه چه چیزی خورده بود و چه چیزی نوشیده بود؟

۲. מַדּוּעַ אָמַר הַזָּקֵן לָאִישׁ הֶעָשִׁיר, שֶׁכָּל הָעֹשֶׁר הוּא שֶׁל יוֹסֵף? چرا پیرمرد به مرد ثروتمند گفت، همه ثروت مال یوسف است؟

۳. אֵיפֹה שָׂם הֶעָשִׁיר אֶת הָאָבָן הַיְקָרָה? ثروتمند سنگ قیمتی را کجا گذاشت؟

۴. מַה קָּרָה כַּאֲשֶׁר הָאִישׁ הֶעָשִׁיר הָלַךְ עַל הַגֶּשֶׁר? چه اتفاقی افتاد هنگامی که مرد ثروتمند بر روی پل رفت؟

۵. מָה עָשָׂה יוֹסֵף בָּאָבָן הַיְקָרָה? یوسف با سنگ قیمتی چه کار کرد؟

ب –جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید:

۱. زنی که خانه را فروخت پول را در کلاه گذاشت. ۲. من (مذکر) تشنه بودم و (من) یک کوزه پر از شراب نوشیدم. ۳. این کارگر به جای یوسف کار می‌کرد. ۴. ما در بازار برای شبات ماهی و گوشت خریدیم. ۵. داستانی که (من) دیروز خواندم خیلی جالب بود. ۶. معجزه‌ای برای مرد فقیر رخ داد، او سنگی قیمتی در خیابان پیدا کرد. ۷. من در اورشلیم یک (عدد) دوست (مونث) عزیز داشتم. ۸. من (مونث) نام پیامبر را نمی‌دانم. ۹. مردی که ما دیروز دیدیم ثروتمند است، اما او صدقه نمیدهد. ۱۰. چرا تو (مونث) کتاب‌ها را زیر صندلی گذاشتی؟ ۱۱. من در مسیر شهر خانه‌های زیبایی دیدم. ۱۲. (یک) مرد فقیر فقط در شبات گوشت می‌خورد. ۱۳. او (مذکر) ثروت نداشت اما (او) قلبی خوب داشت و درنتیجه(او) به بینوایان کمک می‌کرد. ۱۴. بابا پرنده‌ای را که (او) در جنگل پیدا کرد به من داد. ۱۵. او (مونث) خواب‌های وحشتناکی(خواب) می‌دید و بنابراین (او) عادت داشت که در شب فریاد بزند. ۱۶. من در ظهر گرسنه نبودم و (من) فقط بستنی خوردم.

ج- ۹ صیغه ماضی فعل های زیر را بنویسید.

עשׂה ראה מצא

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור יח

لغات درس ۱۸

אַהֲבָה: عشق love

בּוּל (בּוּלִים): تمبر؛ (جمع: تمبرها) stamp

בֵּן (בָּנִים): پسر؛ (جمع: پسرها) son

דֹּאַר: اداره پست post-office, mail

הַבָּא, הַבָּאָה: آتی، پیش رو؛ آتی، پیش رو(مونث) the next, the following, the forthcoming

חָבַשׁ: پوشید (فقط برای کلاه به کار می‌رود) put on, wore (a hat)

מִכְתָּב (מִכְתָּבִים): نامه؛ (جمع: نامه‌ها) letter

מַעֲטָפָה (מַעֲטָפוֹת): پاکت‌نامه؛ (جمع: پاکت‌های نامه) envelope

נָסַע: سفر کرد travelled, journeyed, rode

נְשִׁיקָה (נְשִׁיקוֹת): بوسه؛ (جمع: بوسه‌ها) kiss n.

קָצָר, קְצָרָה: کوتاه؛ کوتاه (مونث) short

קָרוֹב, קְרוֹבָה: نزدیک، خویشاوند؛ نزدیک، خویشاوند (مونث) close, near, a relative

בְּקָרוֹב: زود، نزدیک soon, shortly

רָחוֹק, רְחוֹקָה: دور؛ دور(مونث) distant, far

מֵרָחוֹק: از راه دور، از فاصله‌ی دور from a distance

שָׁלַח: فرستاد sent

בַּשָּׁבוּעַ הַבָּא: در هفته آینده، در هفته آتی the coming week, following week

בַּשָּׁנָה הַבָּאָה: در سال آینده، در سال آتی the coming year, following year

שֵׁ"ח= שֶׁקֶל חָדָשׁ: یک شِکِل (واحد پول اسرائیل) the new shekel

دستور زبان درس ۱۸

۱- صفت ملکی و ضمیر ملکی «שֶׁל» که معنی مالکیت می‌دهند به صورت زیر صرف می شوند:

صفت ملکی	معنا
שֶׁלִּי	مال من
שֶׁלְּךָ	مال تو (مذکر)
שֶׁלָּךְ	مال تو (مونث)
שֶׁלּוֹ	مال او (مذکر)
שֶׁלָּהּ	مال او (مونث)
שֶׁלָּנוּ	مال ما
שֶׁלָּכֶם	مال شما (مذکر)
שֶׁלָּכֶן	مال شما (مونث)
שֶׁלָּהֶם	مال آنها (مذکر)
שֶׁלָּהֶן	مال آنها (مونث)

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۲- « שֶׁל» زمانی که بعد از اسم استعمال شود از نظر دستوری صفت ملکی است و ما قبل « שֶׁל » باید معرفه باشد زیرا زمانی که می گوییم چیزی مال من است به این معنا است که آن شی یا شخص معرفه است؛ مثال:

הָאֵם שֶׁלִּי مادر من הָאָב שֶׁלָּנוּ پدر ما

۳- ضمایر ملکی «של» مانند صفت ملکی است صرف می شوند؛ مثال: (שֶׁלָּהּ در اینجا ضمیر ملکی است)

לֹא שֶׁלָּהּ הַסֵּפֶר הַזֶּה. این کتاب مال او نیست.

۴- حرف «ה» معرفه با کاماتص، پַתַח و سِגُל (אָ ، ַ ، ֶ) هر زمان به فعل زمان حال بچسبد به معنای «אשר» یا مخفف آن یعنی «ש» (که کلمه ربط است) عمل می کند؛ زیرا فعل زمان حال در زبان عبری اندکی شباهت به اسم دارد؛ مثال:

הַכִּסֵּה הָעוֹמֵד שָׁם הוּא שֶׁלּוֹ. آن صندلی که آنجا ایستاده (قرار دارد) مال اوست.

הָאִישׁ הַקּוֹרֵא הַרְבֵּה יוֹדֵעַ הַרְבֵּה. آن مرد که زیاد می خواند زیاد می داند

۵- تکرار کلمه در زبان عبری باعث شدید تر شدن معنا می شود مانند کلمه «רָחוֹק» که به معنی « دور» است. اگر دوبار تکرار شود معنای شدیدتری می دهد؛ مثال:

רָחוֹק רָחוֹק خیلی دور

متن درس ۱۸

הַמִּכְתָּב

הָאָב שֶׁל אוּרִי נָסַע
לְעִיר רְחוֹקָה, רְחוֹקָה.
עֵרֶב אֶחָד הָאָב יָשַׁב,
וְלַבֵּן שָׁלַח מִכְתָּב כָּתַב.
בְּמַעֲטָפָה אֶת הַמִּכְתָּב שָׂם,
מִן הַכִּסֵּא קָם,
מָעִיל לָבַשׁ,
כֹּבַע חָבַשׁ,
אֶל הַדּוֹאַר הָלַךְ,
קָנָה בּוּל בְּשֵׁ"ח,
וְאֶת הַמִּכְתָּב שָׁלַח.

יוֹם א' בַּבֹּקֶר

אוּרִי שֶׁלִּי הַיָּקָר,

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

מֻרְחָק אֲנִי שׁוֹמֵעַ אֶת הַשְּׁאֵלָה שֶׁלְּךָ:
"אַבָּא, מָתַי אַתָּה בָּא ?"
הִנֵּה, אֲנִי שׁוֹלֵחַ לְךָ מִפֹּה תְּשׁוּבָה קְצָרָה:
"בַּשָּׁבוּעַ הַבָּא!"
נְשִׁיקָה לְאִמָּא, נְשִׁיקוֹת לָאָח וְלָאֲחוֹת.
שָׁלוֹם וּלְהִתְרָאוֹת בְּקָרוֹב,

שֶׁלְּךָ בְּאַהֲבָה,
אַבָּא.

تمرین های درس ۱۸

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. לְאָן נָסַע הָאָב שֶׁל אוּרִי ? پدر اوری به کجا سفر کرد؟
۲. מַה שָּׂם הָאָב בַּמַּעֲטָפָה ? پدر در پاکت چه گذاشت؟
۳. לְאָן הָלַךְ הָאָב עִם הַמִּכְתָּב ? پدر نامه را به همراه خود کجا برد؟
۴. מַה הוּא קָנָה בַּדּוֹאַר ? او در اداره پست چه چیزی خرید؟
۵. לְמִי הוּא שָׁלַח נְשִׁיקוֹת ? او برای چه کسی بوسه فرستاد؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. من تمبرِ روی پاکت (نامه) گذاشتم و به اداره پست رفتم. ۲. ما یک (عدد) نامه به دوستمان در اسرائیل و یک (عدد) نامه دیگر به دوستی در انگلستان فرستادیم. ۳. او (مونث) کت نپوشید زیرا بیرون گرم بود. ۴. او (مونث) چه چیزی در نامه‌اش نوشت؟ ۵. برادرم و خواهرم به شهری دور سفر کردند. ۶. وقتی بیرون گرم است، من (مونث) کلاه بر سر نمی‌گذارم. ۷. پسر بوسه‌ای به مادرش داد. ۸. زندگی کوتاه است. ۹. پیامبر از دور دست آمد. ۱۰. من روی آن صندلی که زیر درختی قرار داشت، نشستم. ۱۱. ما شنیدیم که تو(مذکر) خانه‌ای نزدیک دریا خریدی. ۱۲. چرا تو (مونث) نامه من را پاسخ ندادی؟ ۱۳. آنها علاقه‌ای زیاد (= بزرگ) به کتاب‌ها داشتند. ۱۴. دیروز خویشاوندان ما به خانه‌مان آمدند. ۱۵. شما (مونث) چه کسی را به مغازه فرستادید؟

ج-در جمله های زیر فعل را از مضارع به ماضی تبدیل کنید.

אֲנִי לֹא אוֹכֶלֶת בָּשָׂר
אַתָּה שׁוֹמֵעַ רַעַשׁ
אֲנַחְנוּ שׁוֹתִים יַיִן
הַמְּשׁוֹרְרִים כּוֹתְבִים שִׁירִים
הִיא קוֹרֵאת סֵפֶר מְעַנְיֵן

הֵן שׁוֹלְחוֹת מִכְתָּב
הִיא רָצָה מַהֵר
אַתְּ שָׂרָה יָפֶה מְאֹד
אַתֶּם רוֹצִים כֶּסֶף
הַיְלָדִים צוֹעֲקִים

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור יט
لغات درس ۱۹

אֲפִילוּ: حتی even

(הָיָה) לִהְיוֹת: (بود)؛ مصدر: بودن to be

(יָלַךְ, הָלַךְ) לָלֶכֶת: (رفت)؛ مصدر: رفتن to go / to walk

זוֹ= זֹאת: این (مونث) this f. / this is

חוֹר (חוֹרִים): سوراخ؛ (جمع: سوراخ‌ها) hole

טִפָּה (טִפּוֹת): قطره؛ (جمع: قطرات) drop n.

(יָדַע) לָדַעַת: (می‌دانست)؛ مصدر: دانستن to know

יָכוֹל, יְכוֹלָה: توانایی، توانستن؛ توانایی، توانست able, can, may (مونث)

(יָרַד) לָרֶדֶת: (پایین آمد)؛ مصدر: پایین آمدن descend / to go down

(כָּתַב) לִכְתֹּב: (نوشت)؛ (مصدر: نوشتن) to write

(לָמַד) לִלְמֹד: (یاد گرفت، مطالعه کرد)؛ مصدر: یاد گرفتن، مطالعه کردن to study, to learn

מְאֻחָר: دیر (قید) late (adv)

מְאֻחָר, מְאֻחֶרֶת: دیر؛ دیر(مونث) late (adj)

מִלָּה (מִלִּים): لغت؛ (مصدر: لغت‌ها) word

(עָבַד) לַעֲבֹד: (کار کرد)؛ مصدر: کار کردن to work

עָצוּב, עֲצוּבָה: ناراحت؛ ناراحت (مونث) sad

(עָשָׂה) לַעֲשׂוֹת: (درست کرد، انجام داد)؛ مصدر: درست کردن، انجام داد to do, to make

צֹאן: گوسفندان sheep, flock n.f.pl

קָשֶׁה, קָשָׁה: سخت؛ سخت (مونث) difficult, hard

(קָרָא) לִקְרֹא: (خواند، صدا زد)، مصدر: خواندن، صدا زدن to read, to call

רוֹעֶה (רוֹעִים): چوپان؛ (جمع: چوپان‌ها) shepherd

(שָׁמַר) לִשְׁמֹר: (نگه داشت، حفظ کرد)؛ مصدر: نگه داشتن، حفظ کردن to guard, to keep

(שָׁתָה) לִשְׁתּוֹת: (نوشید)؛ مصدر: نوشیدن to drink

תּוֹרָה: تورات(بخش اول کتاب تَنَخ)، قانون Torah

זֶה אַחֲרֵי זֶה: یکی پس از دیگری (مذکر) one by one

זוֹ אַחֲרֵי זוֹ: یکی پس از دیگری (مونث) one after another

הָיָה ל...: تبدیل شد به... became

עוֹד לֹא: دیگه نه!، هنوز نه! not yet

دستور زبان درس ۱۹

۱- برای ساخت مصدر از افعال سالم باید به اول سه حرف ریشه فعل (در افعال سالم) حرف «לְ» اضافه شود حرکت حرف اول نیکود شوا(ְ) و حرف دوم نیکود خُلام(ֹ) است؛ مثلا: فعل «גָּמַר» که مصدر آن «לִגְמֹר» است.

א) حرف اول:

۱. اگر اولین حرف ریشه فعل حرف «א» باشد خود حرف «א» خطف سِگُل گرفته و حرف «ל» در اول مصدر، صدای سِگُل می گیرد؛ مثال: לֶאֱכֹל (אָכַל به معنای خورد)

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۲. حرف «ל» برای ساخت مصدر، در افعالی که اولین حرف ریشه فعل آنان با سه حرف «ה، ח، ע» شروع می شود؛ مصوت پتخ می گیرد و حرف اول ریشه که شامل یکی از حروف«ה، ח، ע» می‌شود خطف پتخ می گیرد؛ مثال:

לַהֲרֹג (הָרַג به معنی کُشت)

לַחֲלֹם (חָלַם به معنی خواب دید)

לַעֲבֹד (עָבַד کار کرد)

۳. مصدر افعالی که با حرف «י» شروع می شوند اینگونه ساخته می شود که حرف «י» حذف می‌شود و به جای آن حرف «ת» به آخر ریشه اضافه می شود و حرف «ל» کاماتص می‌گیرد.

فعل יָשַׁב ← לָשֶׁבֶת نشستن

فعل יָלַךְ، הָלַךְ ← לָלֶכֶת رفتن

فعل יָצָא ← לָצֵאת بیرون رفتن

فعل יָרַד ← לָרֶדֶת پایین رفتن

فعل יָדַע ← לָדַעַת دانستن

فعل יָלַד ← לָלֶדֶת وضع حمل کردن

ب) حرف دوم:

۱. در زبان عبری برای ساختن مصدر از ریشه افعالی که حرف دوم ریشه فعل یکی از حروف « ו » و « י » باشد صدای حرف « ל » کاماتص می شود؛ مثال: לָקוּם و לָשִׂים

ج) حرف سوم:

۱. حرف سوم ریشه فعل اگر حروف «ע» و «ח» باشد، نیکود پتخ می گیرد مانند ریشه‌ی فعل שָׁלַח به معنای فرستاد که مصدر آن לִשְׁלֹחַ ویا ریشه‌ی فعل שָׁמַע که به معنی شنید است به صورت לִשְׁמֹעַ می‌باشد.

۲. در زبان عبری اگر سومین حرف ریشه فعل «ה» باشد حرف «ה» حذف شده و در آخر فعل، «וֹת» اضافه می شود و حرف «ל» در ابتدای مصدر صدای خیقیک میگیرد؛ مثال: לִרְאוֹת (רָאָה به معنای دید)

نکته: اگر حرف اول مصدر یکی از حروف «ה، ח، ע» باشد، حرف اول خطف پتخ می گیرد و حرف «ל» با پتخ استعمال می شود مانند ریشه فعل עָשָׂה (به معنی انجام داد، درست کرد) که مصدر آن به صورت לַעֲשׂוֹת است، اما دو فعل «היה» به معنای بود و«חיה» به معنای زنده، نیکود مصدر فعل سالم را می گیرد و به صورت «לִהְיוֹת» و «לִחְיוֹת» می شوند.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۲- بعد از کلمات «צָרִיךְ» به معنای باید و «יָכוֹל» به معنای توانستن، همیشه فعل به صورت مصدر استعمال می‌شود؛ مثال:

אֲנִי צָרִיךְ לָלֶכֶת. من باید بروم.

אֲנִי יָכוֹל לִקְרֹא אַנְגְלִית. من می توانم انگلیسی بخوانم.

הַאִם אֲנִי יָכוֹל לַעֲזֹר לָךְ ? آیا من می توانم به تو کمک کنم ؟

۳- در زبان عبری «זוֹ» مخفف «זאת» است و از نظر جنسیت، مونث است و تفاوتی در کاربرد، زمان و معنا ندارد.

متن درس ۱۹

עֲקִיבָא וְרָחֵל (א)

עֲקִיבָא הָיָה רוֹעֶה עָנִי הוּא שָׁמַר אֶת (הַצֹּאן) שֶׁל אִישׁ עָשִׁיר בְּשֵׁם כַּלְבָּא שָׁבוּעַ עֲקִיבָא עָבַד קָשֶׁה מְאֹד. הוּא הָיָה צָרִיךְ לָקוּם מֻקְדָּם בַּבֹּקֶר וְלַעֲבֹד עַד מְאֻחָר בָּעֶרֶב.

עֲקִיבָא לָמַד מִכָּל דָּבָר שֶׁרָאָה וּמִכָּל דָּבָר שֶׁשָּׁמַע, וְלֹא שָׂכַח דָּבָר. אֲבָל הוּא לֹא יָדַע לִקְרֹא אוֹ לִכְתֹּב אֲפִילוּ מִלָּה אַחַת. עֲקִיבָא הָיָה עָצוּב, כִּי לֹא רָצָה לִהְיוֹת כָּל הַחַיִּים רַק רוֹעֶה שֶׁל צֹאן. הָיְתָה (לוֹ) בַּקָּשָׁה אַחַת בַּלֵּב: לָלֶכֶת לְבֵית הַסֵּפֶר לִלְמֹד תּוֹרָה.

שָׁנִים עָבְרוּ עֲקִיבָא כְּבָר הָיָה לְאִישׁ, אֲבָל הוּא עוֹד לֹא יָדַע לִקְרֹא וְלִכְתֹּב.

יוֹם אֶחָד יָרַד עֲקִיבָא עִם הַצֹּאן אֶל הַנָּהָר לִשְׁתּוֹת מַיִם, בַּשְּׁבִיל אֶחָד קָרוֹב לַנָּהָר הָיוּ אֲבָנִים גְּדוֹלוֹת. הוּא רָאָה חוֹר גָּדוֹל בְּאֶבֶן אַחַת.

עֲקִיבָא רָצָה לָדַעַת מִי עָשָׂה אֶת הַחוֹר הַזֶּה בָּאֶבֶן הַקָּשָׁה, וְהִנֵּה הוּא רוֹאֶה טִפּוֹת שֶׁל מַיִם נוֹפְלוֹת עַל הָאֶבֶן. עֲקִיבָא חָשַׁב: "אֵיךְ יְכוֹלוֹת טִפּוֹת שֶׁל מַיִם לַעֲשׂוֹת חוֹר בְּאֶבֶן קָשָׁה?"

עֲקִיבָא יָשַׁב וְחָשַׁב עַל הַדָּבָר הַזֶּה. אַחֲרֵי זְמַן קָצָר הוּא מָצָא אֶת הַתְּשׁוּבָה:

"אֲפִילוּ טִפּוֹת שֶׁל מַיִם יְכוֹלוֹת לַעֲשׂוֹת חוֹר בְּאֶבֶן קָשָׁה, אִם הֵן נוֹפְלוֹת טִפָּה אַחֲרֵי טִפָּה, זוֹ אַחֲרֵי זוֹ, יוֹם אַחֲרֵי יוֹם !"

تمرین های درس ۱۹

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. אֵצֶל מִי עָבַד עֲקִיבָא? عکیوا نزد چه کسی کار میکرد؟

۲. מַדּוּעַ הָיָה עֲקִיבָא עָצוּב? چرا عکیوا غمگین بود؟

۳. מַדּוּעַ לֹא יָדַע עֲקִיבָא לִכְתֹּב אוֹ לִקְרֹא? چرا عکیوا نمی توانست بنویسد و بخواند؟

۴. מָה רָאָה עֲקִיבָא עַל יַ הַנָּהָר? عکیوا در کنار رودخانه چه چیزی دید؟

۵. מָה חָשַׁב עֲקִיבָא כַּאֲשֶׁר הוּא רָאָה חוֹר בָּאֶבֶן? زمانی که عکیوا سوراخ را در سنگ دید چه فکری کرد؟

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید (به کاربرد مصدر دقت نمایید).

۱. ما گرسنه بودیم و (ما) برای غذا خوردن به سوی خانه دویدیم. ۲. من (مونث) نمی‌دانم با پسرم چه کنم (=کردن)! ۳. دانش اموز بد نمی‌خواهد درس بخواند (=درس خواندن). ۴. کارکردن در روزی گرم سخت است. ۵. من خواستم به او (مذکر) نامه‌ای بفرستم (=فرستادن)، اما (من) حتی یک (عدد) پاکت در خانه نداشتم. ۶. او (مونث) نمی‌تواند حتی یک (عدد) کلمه به انگلیسی بخواند. ۷. آیا تو می‌توانی به من کمک کنی این نامه را بخوانم (= خواندن)؟ ۸. چرا تو (مونث) به شدت غمگین هستی؟ ۹. من (مونث) می‌خواهم بدانم (= دانستن) دیروز برای تو (مذکر) چه چیزی رخ داد؟ ۱۰. در این روزها، هر بچه‌ای باید به مدرسه برود (= رفتن). ۱۱. ما هنوز [غذا نخوردیم]. ۱۲. چوپان، گله را برای نوشیدن آب به رودخانه برد. ۱۳. او (مذکر) سوراخی در پالتویش داشت. ۱۴. او (مونث) حتی یک (عدد) قطره شراب ننوشید. ۱۵. دانش آموزان یکی پس از دیگری به کلاس آمدند. ۱۶. او (مذکر) همه پولش را در یک کیف دستی نگه داشت.

ج- مصدر فعل های زیر را بنویسید.

۱. סגר	۶. מצא	۱۱. ענה
۲. חלם	۷. שיר	۱۲. צדק
۳. קפץ	۸. ראה	۱۳. רצה
۴. שמע	۹. פתח	۱۴. רוץ
۵. נפל	۱۰. קנה	۱۵. שאל

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור ב

لغات درس ۲۰

nation, people
עַם (עַמִּים): امت، مردم؛ (جمع: امت‌ها، مردمان)

once, one time n.f
פַּעַם (פְּעָמִים): دفعه، بار؛ (جمع: دفعات، بارها)

simple
פָּשׁוּט, פְּשׁוּטָה: ساده، آسان؛ ساده، آسان (مونث)

impression
רֹשֶׁם (רְשָׁמִים): تاثیر، (جمع: تاثیرات)

field
שָׂדֶה (שָׂדוֹת): دشت، زمین کشاورزی، (جمع: دشت‌ها، زمین‌های کشاورزی)

scholar
תַּלְמִיד חָכָם: دانش‌آموز باهوش، محقق علوم دینی(در زمینه الهیات دین یهود)

It does not matter
אֵין דָּבָר: چیزی نیست، مهم نیست

at that moment
בְּאוֹתוֹ הָרֶגַע: در همان لحظه

from time to time.
מִפַּעַם לְפַעַם: هر از چند گاهی، از دفعه‌ای به دفعه دیگر

the people of Israel
עַם יִשְׂרָאֵל: بنی اسرائیل، اُمت اسرائیل

Rabbi
רַבִּי: ربی، یکی از درجات روحانیون دین یهود، از القاب محققین و دانشمندان یهود

several, few
אֲחָדִים: چندین (مذکر)
אֲחָדוֹת: چندین (مؤنث)

daughter
בַּת (בָּנוֹת): دختر؛ (جمع: دخترها)

remembered
זָכַר (לִזְכֹּר): به یاد آورد؛ (مصدر: به یاد آوردن)

Penetrated
חָדַר (לַחֲדֹר): نفوذ کرد، وارد شد؛ (مصدر: وارد شدن، نفوذ کردن)

Yeshiva, academy
יְשִׁיבָה (יְשִׁיבוֹת): مدرسه دینی یهود، حوزه علمیه یهود، (مصدر: مدارس علمیه)

became angry
כָּעַס (לִכְעֹס): عصبانی شد؛ (مصدر: عصبانی شدن)

from then on, ever since
מֵאָז: از آنگاه به بعد، از آن وقت به بعد

ready, prepared, part
מוּכָן, מוּכָנָה: آماده؛ آماده (مونث)

death n
מָוֶת: مرگ

never
מַעוֹלָם לֹא; לֹא... מֵעוֹלָם: هرگز

left, abandoned
עָזַב (לַעֲזֹב): ترک کرد، رها کرد؛ (مصدر: ترک کرد، رها کردن)

אֵין חָכָם בְּלִי סְפָרִים. (מִסְפָּרוּת יְמֵי הַבֵּינַיִם)

هیچ خاخامی(عالم دینی، دانشمند) بدون کتاب نیست.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

دستور زبان درس ۲۰

۱- حرف اضافه «אֶת» نشانه مفعولی است و به معنای «با» و «به همراه» می باشد که به این صورت با ضمایر متصل صرف می شود.

אֶת + ضمیرمتصل	معنا
אִתִּי	به همراه من
אִתְּךָ	به همراه تو (مذکر)
אִתָּךְ	به همراه تو (مونث)
אִתּוֹ	به همراه او (مذکر)
אִתָּהּ	به همراه او (مونث)
אִתָּנוּ	به همراه ما
אִתְּכֶם	به همراه شما (مذکر)
אִתְּכֶן	به همراه شما (مونث)
אִתָּם	به همراه آنها (مذکر)
אִתָּן	به همراه آنها (مونث)

۲- هرگاه کلمه « אֶת » ضمیر مفعولی باشد بدین صورت صرف می‌گردد.

אֶת + ضمیرمتصل	معنا
אוֹתִי	من را
אוֹתְךָ	تو را (مذکر)
אוֹתָךְ	تو را (مونث)
אוֹתוֹ	او را (مذکر)
אוֹתָהּ	او را (مونث)
אוֹתָנוּ	ما را
אֶתְכֶם	شما را (مذکر)
אֶתְכֶן	شما را (مونث)
אוֹתָם	آنها را (مذکر)
אוֹתָן	آنها را (مونث)

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۳- گاهی اوقات ضمایر مفعولی « אוֹתוֹ » و « אוֹתָהּ » و «אוֹתָם» و «אוֹתָן» گاهی به معنای «همان ...» است و باید در جنس و تعداد با اسمی که وصف می کند مطابقت داشته باشد؛ مثال:

אוֹתוֹ הָאִישׁ همان مرد　　אוֹתָם הָאֲנָשִׁים همان مردان

אוֹתָהּ הָאִשָּׁה همان زن　　אוֹתָן הַנָּשִׁים همان زنان

۴- اصطلاح «הָיָה לְ...» معنای تبدیل شدن است که باید از از حیث تعداد و جنسیت مطابق فاعل باشد؛ مثال:

יוֹסֵף הָיָה לְאִישׁ אָשִׁיר. یوسف مرد ثروتمندی شد

שָׂרָה הָיְתָה לְאִשָּׁה עֲשִׁירָה. سارا زن ثروتمندی شد.

۵- کلمه «זְמַן» به معنای زمان بر بیان طول یه دوره ی زمانی است اما کلمه‌ی «פַּעַם» به معنای دفعه یا بار است؛ مثال:

לֹא רָאִיתִי אוֹתוֹ הַרְבֵּה זְמַן. مدت زیادی است که او را ندیدم

אֲנִי רָאִיתִי אוֹתוֹ הַרְבֵּה פְּעָמִים. من او را چندین بار دیدم

۶- کلمه‌ی «אמר» هرچند فعل امر نیست اما کاربرد امری دارد و حالت دستوری یا امری به جمله می‌دهد؛ مثال:

הַאִם אָמְרָה לוֹ לָלֶכֶת הַבַּיְתָה. مادر به او گفت برو به خانه

۷- صرف کلمه ی منفی «אַין» که به معنای « نه، نیست» می باشد به صورت زیر است.

אין + ضمیرمتصل	معنا
אֵינֶנִּי / אֵינְי	من نه
אֵינְךָ	تو نه (مذکر)
אֵינֵךְ	تو نه (مونث)
אֵינֶנּוּ / אֵינוֹ	او نه (مذکر)
אֵינֶנָּה / אֵינָהּ	او نه (مونث)
אֵינֶנּוּ	ما نه
אֵינְכֶם	شما نه (مذکر)
אֵינְכֶן	شما نه (مونث)
אֵינָם	آنها نه (مذکر)
אֵינָן	آنها نه (مونث)

مثال:

من عبری نمی دانم ← אֵינֶנִּי יוֹדֵעַ עִבְרִית = אֲנִי לֹא יוֹדֵעַ עִבְרִית

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

متن درس ۲۰

עֲקִיבָא וְרָחֵל (ב)

לְכַלְבָּא שָׁבוּעַ הָיְתָה בַּת יָפֶה בְּשֵׁם רָחֵל. יוֹם אֶחָד שָׁלַח הָאָב אֶת רָחֵל לַשָּׂדֶה. שָׁם הִיא פָּגְשָׁה אֶת עֲקִיבָא הָרוֹעֶה, עֲקִיבָא עָשָׂה רֹשֶׁם גָּדוֹל עַל רָחֵל. מֵאָז הָלְכָה רָחֵל מִפַּעַם לְפַעַם לַשָּׂדֶה לִפְגֹּשׁ אֶת עֲקִיבָא.

יוֹם אֶחָד יָרְדָה רָחֵל אִתּוֹ אֶל הַנָּהָר עִם הַצֹּאן. רָחֵל רָאֲתָה כִּי עֲקִיבָא הָיָה עָצוּב מְאֹד. הִיא שָׁאֲלָה אוֹתוֹ:

- עֲקִיבָא, מַדּוּעַ הָעֵינַיִם שֶׁלְּךָ כָּל כָּךְ עֲצוּבוֹת? מָה קָרָה לְךָ?

- רָחֵל יְקָרָה, עָנָה עֲקִיבָא, אֲנִי אוֹהֵב אוֹתָךְ מְאֹד. אֲבָל אֲנִי לֹא יָכוֹל לִשְׂחֹק כִּי אֲנִי רַק רוֹעֶה פָּשׁוּט, וְאַתְּ הַבַּת שֶׁל אִישׁ חָשׁוּב וְעָשִׁיר. אֲנִי עוֹבֵד כָּבָר הַרְבֵּה שָׁנִים. כָּל הַשָּׁנִים עֲבַדְתִּי קָשֶׁה. אֵיפֹה אֲנִי יוֹדֵעַ לִקְרֹא וְלִכְתֹּב אֲפִילוּ מִלָּה אַחַת. מֵעוֹלָם לֹא הָיָה לִי זְמַן לִלְמֹד.

- אַיִן דָּבָר, עָנְתָה רָחֵל, עוֹד לֹא מְאֻחָר לִלְמֹד, וַאֲנִי מוּכָנָה לַעְזֹר לְךָ.

בְּאוֹתוֹ הָרֶגַע זָכַר עֲקִיבָא אֶת הַחוֹר בָּאָבָן הַקָּשָׁה, וְהוּא אָמַר:

- אַתְּ צוֹדֶקֶת, רָחֵל. אוּלַי עוֹד יֵשׁ תִּקְוָה גַּם לִי. אַתְּ רוֹאָה אֶת הַחוֹר בָּאָבָן הַזֹּאת? טִפּוֹת שֶׁל מַיִם עָשׂוּ אוֹתוֹ. אִם טִפּוֹת שֶׁל מַיִם יְכוֹלוֹת לַעֲשׂוֹת חוֹר בְּאָבָן קָשָׁה, גַּם הַמִּלִּים שֶׁל הַתּוֹרָה יְכוֹלוֹת לַחְדֹּר אֶל הַלֵּב שֶׁלִּי.

כַּלְבָּא שָׁבוּעַ שָׁמַע עַל הָאַהֲבָה שֶׁל הַבַּת שֶׁלּוֹ לָרוֹעֶה, וְהוּא כָּעַס מְאֹד. הוּא, קָרָא לְרָחֵל וְאָמַר לָהּ לַעֲזֹב אֶת עֲקִיבָא. "אַתְּ בַּחוּרָה חֲכָמָה", הוּא צָעַק. "לָמָּה אַתְּ רוֹצָה לִחְיוֹת עִם רוֹעֶה פָּשׁוּט?"

רָחֵל עָנְתָה לוֹ: "אֲנִי מוּכָנָה לַעֲזֹב אֶת הַבַּיִת, אֲבָל אֵין אֲנִי יְכוֹלָה לַעֲזֹב אֶת עֲקִיבָא. אֲנִי אוֹהֶבֶת אוֹתוֹ עַד מָוֶת, וַאֲנִי רוֹצָה לִהְיוֹת הָאִשָּׁה שֶׁלּוֹ"

רָחֵל עָזְבָה אֶת הַבַּיִת וְהָיְתָה לְאִשָּׁה שֶׁל עֲקִיבָא.

עֲקִיבָא נָסַע לִירוּשָׁלַיִם לִלְמֹד תּוֹרָה. שָׁנִים אֲחָדוֹת עָבְרוּ וַעֲקִיבָא הָיָה לְתַלְמִיד חָכָם גָּדוֹל, אַחֲרֵי זְמַן קָצָר, תַּלְמִידִים מִקָּרוֹב וּמֵרָחוֹק בָּאוּ לִלְמֹד תּוֹרָה בְּיִשִׁיבָה שֶׁל רַבִּי עֲקִיבָא.

רַבִּי עֲקִיבָא הוּא אֶחָד מִן הֶחָכָמִים הַחֲשׁוּבִים שֶׁל עַם יִשְׂרָאֵל.

تمرین های درس ۲۰

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מִי הָיְתָה רָחֵל? راحیل چه کسی بود؟

۲. לָמָּה הָלְכָה רָחֵל לַשָּׂדֶה? راحیل برای چه به صحرا می رفت؟

۳. מַדּוּעַ הָיָה עֲקִיבָא עָצוּב? چرا عکیوا ناراحت بود؟

۴. מַדּוּעַ כָּעַס הָאָב עַל רָחֵל? چرا پدر راحیل عصبانی شد؟

۵. מָה הָיְתָה הַתְּשׁוּבָה שֶׁל רָחֵל כַּאֲשֶׁר הָאָב אָמַר לָהּ לַעֲזֹב אֶת עֲקִיבָא? پاسخ راحیل به پدرش زمانی که گفت تو عکیوا را رها کن چه بود؟

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید:

۱. پدر، دخترش را صدا کرد و به او گفت به مغازه برود (= رفتن). ۲. او (مذکر) بدون بوسه‌ای او (مونث) را ترک کرد. ۳. او (مونث) همراه با آنها به مزرعه رفت. ۴. کلمات ساده همیشه خیلی مهم هستند. ۵. ما این کتاب را چند بار خواندیم. ۶. او (مذکر) هر کلمه این شعر را از حفظ به یاد دارد. ۷. او (مذکر) [یک] عالم است زیرا (او) تورات بسیار می‌داند. ۸. مردم اسرائیل جشن‌های زیبای زیادی دارند. ۹. آیا تو (مونث) حاضری از خواب برخیزی (=برخاستن) و سر (=به) کار بروی (=رفتن)؟ ۱۰. کلمه‌های پیامبر در قلب‌های آن مردم نفوذ کرد. ۱۱. تأثیری خوب گذاشتن(=ایجاد کردن) روی همه دشوار است. ۱۲. من (مونث) فقط چند لحظه او (مذکر) را دیدم و از آن به بعد (من) نتوانستم او را فراموش کنم. ۱۳. او همان مردی است که دیروز اینجا بود. ۱۴. مرگ ناگهان به سراغ مرد بیمار آمد. ۱۵. ما هرگز او (مونث) را ملاقات نکرده‌ایم (=نکردیم). ۱۶. معلم (مونث) از دانش آموزان عصبانی شد زیرا آنها صدای وحشتناکی ایجاد کردند.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור בא

لغات درس ۲۱

אֵל: الله، خدا God

בַּעַל (בְּעָלִים): مالک؛ (جمع: مالک‌ها) owner of / possessor

בִּשְׁבִיל: برای، بخاطر for, for the sake of

דָּפַק (לִדְפֹּק): کوبید، زد؛ (مصدر: کوبیدن، زدن) knocked, beat

הָרַג (לַהֲרֹג): کُشت؛ (مصدر: کشتن) killed

חֲמוֹר (חֲמוֹרִים): الاغ؛ (جمع: الاغ‌ها) ass, donkey

יַלְקוּט (יַלְקוּטִים): بقچه، خورجین؛ (جمع: بقچه‌ها، خورجین‌ها) tote bag

יָשַׁן (לִישֹׁן): خوابید؛ (مصدر: خوابیدن) slept

כָּבָה (לִכְבּוֹת): آتش گرفت، روشن شد، (مصدر: روشن شدن) / خاموش شد؛ (مصدر: خاموش شدن) it went out / got extinguished

מֵת (לָמוּת): مُرد؛ (مصدر: مردن) died, dies

מָלוֹן (מְלוֹנוֹת): هتل، مسافرخانه، (جمع: هتل‌ها، مسافرخانه‌ها) hotel, inn

בַּעַל מָלוֹן: صاحب هتل، صاحب مسافرخانه innkeeper

מִפְּנֵי שֶׁ...: زیرا... because

נֵר (נֵרוֹת): شمع؛ (جمع: شمع‌ها) candle

צְעָקָה (צְעָקוֹת): فریاد، جیغ؛ (جمع: فریادها، جیغ‌ها) scream, shout

רִצְפָּה (רִצְפּוֹת): کف زمین؛ (جمع: کف‌های زمین) floor

שָׁב (לָשׁוּב): برگشت؛ (مصدر: بازگشتن) returned

שׁוֹדֵד (שׁוֹדְדִים): دزد؛ (جمع: دزدها) robber

תַּרְנְגוֹל (תַּרְנְגוֹלִים): خروس؛ (جمع: خروس‌ها) rooster

תַּרְנְגֹלֶת (תַּרְנְגֹלוֹת): مرغ؛ (جمع: مرغ‌ها) chicken, hen

הַשֵּׁם: آن نام (آن نامی که معرفه است) The name = God

הַכֹּל לְטוֹבָה: همه چیز خیر است everything is for the good.

עוֹד פַּעַם: بار دیگر، دوباره once more / again

תּוֹדָה לָאֵל: خدا را شکر thank god

בְּשֶׁקֶט: در سکوت، آهسته quietly

אֵין רַע שֶׁאֵין בּוֹ טוֹב. (מִסְפָּרוּת יה"ב)

هیچ بدی‌ای نیست که در آن خیر نباشد.

نکته: از نظر برخی معتقدین دین یهود، جایز نیست اسم خداوند را بر زبان بیاوریم لذا به جای اسم خداوند از הַשֵּׁם استفاده می‌کنند.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

دستور زبان درس ۲۱

۱- فعل «מוּת» به معنای (مردن) در زمان آینده قاعده‌مند است اما در زمان حال و گذشته از افعال بی قاعده است به صورت زیر صرف می‌شود؛ مثال: مصدر לָמוּת

شخص	ضمیر		فعل(حال)
مفرد	مذکر	אֲנִי / אַתָּה / הוּא	מֵת
	مونث	אֲנִי / אָת / הִיא	מֵתָה
جمع	مذکر	אֲנַחְנוּ / אַתֶּם / הֵם	מֵתִים
	مونث	אֲנַחְנוּ / אַתֶּן / הֵן	מֵתוֹת

شخص	ضمیر	فعل (گذشته)
مفرد	אֲנִי	מַתִּי
	אַתָּה	מַתָּ
	אַתְּ	מַתְּ
	הוּא	מַת
	הִיא	מֵתָה
جمع	אֲנַחְנוּ	מַתְנוּ
	אַתֶּם	מַתֶּם
	אַתֶּן	מַתֶּן
	הֵם	מֵתוּ
	הֵן	מֵתוּ

نکته ۱: در سوم شخص مفرد، فعل گذشته و حال از مصدر« לָמוּת » به یک صورت است اما تکیه (استرس) این دو فعل با هم متفاوت است.

زمان حال: מֵתָ'ה زمان گذشته: מַ'תָה

نکته ۲: افعالی که سومین حرف ریشه ی فعل آن حرف «ת» باشد، در هنگام صرف شدن با ضمایر متصلی که حرف «ת» دارند ادغام می شوند؛ مثال:

מַתְתִּי - מַתִּי מַתְתָּ - מַתָּ מַתְתְּ - מַתְּ

מַתְתֶּם - מַתֶּם מַתְתֶּן - מַתֶּן

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۲- فعل «יָשַׁן» به معنای (خوابید) به شکل با قاعده صرف می شود.

شخص	ضمیر		فعل(حال)
مفرد	مذکر	אֲנִי / אַתָּה / הוּא	יָשַׁן
	مونث	אֲנִי / אָת / הִיא	יְשֵׁנָה
جمع	مذکر	אֲנַחְנוּ / אַתֶּם / הֵם	יְשֵׁנִים
	مونث	אֲנַחְנוּ / אַתֶּן / הֵן	יְשֵׁנוֹת

شخص	ضمیر	فعل
مفرد	אֲנִי	יָשַׁנְתִּי
	אַתָּה	יָשַׁנְתָּ
	אַתְּ	יָשַׁנְתְּ
	הוּא	יָשַׁן
	הִיא	יָשְׁנָה
جمع	אֲנַחְנוּ	יָשַׁנּוּ
	אַתֶּם	יְשַׁנְתֶּם
	אַתֶּן	יְשַׁנְתֶּן
	הֵם	יָשְׁנוּ
	הֵן	יָשְׁנוּ

نکته: در اول شخص جمع حرف «נ» که جزء ریشه ی کلمه است با حرف «נ» ضمیر متصل ادغام شده اند؛ مثال:

יָשַׁנְנוּ ← יָשַׁנּוּ

۳- حرف « שֶׁ » به معنای «که» و معادل « אשר » و « כִּי » بکار می رود؛ مثال:

רָחֵל רוֹאָה כִּי עֲקִיבָא עָצוּב راحیل می بیند که عکیوا ناراحت است.

רָחֵל רוֹאָה שֶׁעֲקִיבָא עָצוּב راحیل می بیند که عکیوا ناراحت است.

۴- حرف «ש» و کلمات ربط « אַחֲרֵי, כְּמוֹ, לִפְנֵי, מַה و עַד »:

א) زمانی که کلمات ربط «אַחֲרֵי, כְּמוֹ, לִפְנֵי, מַה و עַד» قبل از فعل بیایند، حرف ربط «ש» به فعل متصل می شود؛ مثال:

הָלַכְתִּי הַבַּיְתָה אַחֲרֵי שֶׁגָּמַרְתִּי אֶת הָעֲבוֹדָה. من به خانه رفتم پس از آنکه کارم را تمام کردم

עָשִׂיתִי כְּמוֹ שֶׁרָצִיתִי לַעֲשׂוֹת. من همانطور که می خواستم انجام دهم، انجام دادم

אָכַלְתִּי לִפְנֵי שֶׁעָזַבְתִּי אֶת הַבַּיִת. من قبل از اینکه خانه را ترک کنم، خوردم

הוּא זוֹכֵר מַה שֶׁהוּא קוֹרֵא (שֶׁקוֹרֵא). او به خاطر آورد که او چه خوانده است

יָשַׁבְתִּי בַּחֶדֶר עַד שֶׁהוּא בָּא (שֶׁבָּא). من در اتاق نشستم تا اینکه او آمد

ب) زمانی که پس از حروف ربط « אַחֲרֵי, כְּמוֹ, לִפְנֵי, מַה و עַד » اسم قرار بگیرد حرف « ש » حذف می شود، مثال:

הָלַכְתִּי הַבַּיְתָה אַחֲרֵי הָעֲבוֹדָה. من به خانه رفتم بعد از کار.

הוּא יוֹדֵעַ עִבְרִית כְּמוֹ יִשְׂרְאֵלִי. او مانند یک اسرائیلی، عبری می داند.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

תַּלְמִיד בָּא לַכִּתָּה לִפְנֵי הַמּוֹרֶה. دانش آموز قبل از معلم به کلاس آمد.

יָשַׁבְתִּי בַּחֶדֶר עַד הָעֶרֶב. من تا هنگام عصر در اتاق نشستم.

מָה אַתָּה רוֹצֶה לֶאֱכֹל? چه چیزی می خواهی بخوری ؟

۵- کلمه « מִפְּנֵי שֶׁ ...» به معنای (زیرا) و کلمه ی «כִּי» هم به معنای (زیرا)است با این تفاوت که « כִּי » در عبری قدیم کاربرد داشته اما « מִפְּנֵי שֶׁ... » فقط در عبری مدرن استفاده می شود، اکنون در عبری مدرن از هر دو این کلمات استفاده می شود؛ مثال:

הוּא בָּא לַבַּיִת מִפְּנֵי שֶׁרָצָה לִרְאוֹת אוֹתִי . او به خانه آمد زیرا می خواست من را ببیند.

הוּא בָּא לַבַּיִת כִּי רָצָה לִרְאוֹת אוֹתִי . او به خانه آمد زیرا می خواست من را ببیند.

۶- کلمه‌ی «בִּשְׁבִיל» به معنای (به خاطر، با هدف و مخصوص) به کار می‌رود.

אֲנִי קָנִיתִי זֹאת בִּשְׁבִיל אִמָּה. من این را بخاطر مادر خریدم.

۷- کلمه «בִּשְׁבִיל» به صورت زیر صرف می شود:

شخص	ضمیر	فعل
مفرد	אֲנִי	בִּשְׁבִילִי
	אַתָּה	בִּשְׁבִילְךָ
	אַתְּ	בִּשְׁבִילֵךְ
	הוּא	בִּשְׁבִילוֹ
	הִיא	בִּשְׁבִילָהּ
جمع	אֲנַחְנוּ	בִּשְׁבִילֵנוּ
	אַתֶּם	בִּשְׁבִילְכֶם
	אַתֶּן	בִּשְׁבִילְכֶן
	הֵם	בִּשְׁבִילָם
	הֵן	בִּשְׁבִילָן

۸- عبارت «به نام خدا» را می توان با کلمه «הַשֵּׁם» به معنای (آن نام) بیان کرد کلمه «הַשֵּׁם» به صورت «ה'» مخفف می‌شود.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

متن درس ٢١

הַכֹּל לְטוֹבָה

יוֹם אֶחָד רַבִּי עֲקִיבָא הָיָה צָרִיךְ לָלֶכֶת לְעִיר אַחַת. הוּא קָם בַּבֹּקֶר, לָקַח אֶת הַיַלְקוּט שֶׁלּוֹ, שָׂם בּוֹ אֹכֶל וְנֵר, גַּם תַּרְנְגֹל לָקַח, עָלָה עַל הַחֲמוֹר וְיָצָא לַדֶּרֶךְ. אֶת הַנֵּר הוּא לָקַח אִתּוֹ מִפְּנֵי שֶׁהוּא רָצָה לִלְמֹד בַּלַּיְלָה. אֶת הַתַּרְנְגֹל הוּא לָקַח אִתּוֹ מִפְּנֵי שֶׁרָצָה לָקוּם מֻקְדָּם.

רַבִּי עֲקִיבָא בָּא לָעִיר מְאֻחָר בַּלַּיְלָה, וְהָלַךְ לַמָּלוֹן שֶׁל הָעִיר. הוּא דָּפַק עַל הַדֶּלֶת. בַּעַל הַמָּלוֹן פָּתַח אֶת הַדֶּלֶת וְאָמַר:

– אֲנִי לֹא יָכוֹל לַעֲזוֹר לְךָ. אֵין מָקוֹם, הַמָּלוֹן מָלֵא!

רַבִּי עֲקִיבָא אָמַר:

– אֲנִי מוּכָן לִישֹׁן עַל הָרִצְפָּה.

אֲבָל בַּעַל הַמָּלוֹן אָמַר עוֹד פַּעַם:

– אֵין מָקוֹם! וְסָגַר אֶת הַדֶּלֶת.

כַּאֲשֶׁר רַבִּי עֲקִיבָא שָׁמַע זֹאת, הוּא חָשַׁב רֶגַע, וְאָז אָמַר בְּשֶׁקֶט

– מַה־שֶּׁהוּ עוֹשֶׂה, הַכֹּל לְטוֹבָה!

רַבִּי עֲקִיבָא עָזַב אֶת הָעִיר וְהָלַךְ לַשָּׂדֶה. בַּשָּׂדֶה יָשַׁב עַל אֶבֶן אַחַת לִלְמֹד. פִּתְאֹם קָמָה רוּחַ גְּדוֹלָה וְהַנֵּר כָּבָה. רַבִּי עֲקִיבָא לֹא כָּעַס גַּם כַּאֲשֶׁר הַנֵּר כָּבָה, הוּא אָמַר:

– מַה שֶּׁהוּ עוֹשֶׂה, הַכֹּל לְטוֹבָה! וְהָלַךְ לִישֹׁן תַּחַת עֵץ.

בַּבֹּקֶר קָם רַבִּי עֲקִיבָא מְאֻחָר

– מַה קָּרָה לַתַּרְנְגֹל? קָרָא רַבִּי עֲקִיבָא. וְהִנֵּה הוּא רוֹאֶה שֶׁהַתַּרְנְגֹל מֵת.

בְּכָל זֹאת אָמַר רַבִּי עֲקִיבָא:

– גַּם זוֹ לְטוֹבָה!

רַבִּי עֲקִיבָא שָׁב אֶל הָעִיר, כַּאֲשֶׁר בָּא אֶל הָעִיר הוּא שָׁמַע צְעָקוֹת נוֹרָאוֹת.

– מַה קָּרָה? הוּא שָׁאַל.

– הַאִם לֹא שָׁמַעְתָּ? אָמְרוּ הָאֲנָשִׁים. בַּלַּיְלָה בָּאוּ שׁוֹדְדִים לָעִיר וְחָדְרוּ לַמָּלוֹן. הֵם לֹא הָרְגוּ אִישׁ, אֲבָל לָקְחוּ מִן הָאֲנָשִׁים כָּל מַה שֶּׁהָיָה לָהֶם.

אָז אָמַר רַבִּי עֲקִיבָא:

– תּוֹדָה לָאֵל, שֶׁלֹּא הָיָה מָקוֹם בִּשְׁבִילִי בַּמָּלוֹן. כָּל מַה שֶּׁהוּ עוֹשֶׂה, הַכֹּל לְטוֹבָה!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۲۱

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. לָמָּה לָקַח רַבִּי עֲקִיבָא נֵר כַּאֲשֶׁר יָצָא לַדֶּרֶךְ? چرا وقتی که ربی عکیوا به جاده رفت شمع برداشت؟

۲. לְאָן הָלַךְ כַּאֲשֶׁר הוּא בָּא לָעִיר? زمانی که او به شهر آمد به کجا رفت؟

۳. מָה אָמַר בַּעַל הַמָּלוֹן לְרַבִּי עֲקִיבָא? صاحب هتل به ربی عکیوا چه گفت؟

۴. אֵיפֹה יָשַׁן רַבִּי עֲקִיבָא? ربی عکیوا در کجا خوابید؟

۵. מַה קָּרָה בַּמָּלוֹן בְּאוֹתוֹ הַלַּיְלָה? آن شب در مسافرخانه چه اتفاقی افتاد؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید:

۱. چرا تو (مونث) یک شمع نیاز داری؟ ۲. چرا تو (مذکر) (در) شب آنقدر دیر به خانه برگشتی؟ ۳. او (مذکر) روی زمین خوابید زیرا هیچ تختی برای (=به خاطر) او در هتل وجود نداشت. ۴. من چندین بار بر در کوبیدم قبل از اینکه پزشک آن را باز کند. ۵. ما (در) ظهر دوباره رفتیم او (مذکر) را ببینیم (=دیدن). ۶. پسر کوچک بسیار غمگین بود زیرا الاغ و خروس مردند. ۷. او (مونث) در را باز کرد و شمع خاموش شد. ۸. مرد هرچه را (که او) داشت به دزد داد زیرا (او) می‌دانست که درد آماده بود او را بکشد (=کشتن). ۹. مادر تا وقتی که دخترش به خانه برنگشت، نرفت بخوابد (=خوابیدن). ۱۰. صاحب هتل گفت که او (مذکر) یک اتاق خوب (=زیبا) برای (=به خاطر) ما دارد. ۱۱. او (مذکر) سنگ قیمتی را برای (=به خاطر) او (مونث) خرید. ۱۲. مأمور پلیس فریادهایی شنید و دوید آنچه را که اتفاق افتاد، ببیند (=دیدن). ۱۳. خدا را شکر که من (مذکر) زنده هستم و هنوز می‌توانم کار کنم (=کار کردن). ۱۴. مردم زیادی در بیابان مردند. ۱۵. من گرسنه نیستم زیرا (من) پیش از آنکه خانه را ترک کنم غذا خوردم.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור כב
لغات درس ۲۲

אוֹת (אוֹתִיוֹת): حرف، (جمع: حروف) letter (of alphabet)

אָסַף (לֶאֱסֹף): جمع کرد؛ (مصدر: جمع کردن) gathered, collected

בָּחַר (לִבְחֹר): انتخاب کرد؛ (مصدر: انتخاب کردن) chose

דַּי: کافی (در حالت مطلق) enough

דֵּי: کافی (در حالت اضافی) enough of

דִּקְדּוּק: دستور زبان grammar

הֹוֶה: زمان حال present, present tense

זְמַן (זְמַנִּים): زمان؛ (جمع: زمان‌ها) tense, time

חִבּוּר (חִבּוּרִים): انشاء؛ (جمع: انشاءها) composition

כָּזֶה, כָּזֹאת, כָּאֵלֶּה: اینچنین (برای مذکر)؛ اینچنین (برای مونث)؛ اینچنین (برای جمع) such

מָחָר: فردا tomorrow

לְמָחֳרָת: روز بعد the next day

מְצֻיָּן, מְצֻיֶּנֶת: عالی؛ عالی (مونث) excellent

מִשְׁפָּט (מִשְׁפָּטִים): جمله؛ (جمع: جمله‌ها) sentence

נוֹשֵׂא (נוֹשְׂאִים): موضوع؛ (جمع: موضوعات) subject, topic, theme

נְיָר (נְיָרוֹת): کاغذ؛ (جمع: کاغذها) paper

נְקֻדָּה (נְקֻדּוֹת): نقطه؛ (جمع: جمله‌ها) period (punctuation mark), point

סוֹף: انتها، پایان end

עָבָר: زمان گذشته past, past tense

עָצֵל, עֲצֵלָה: تنبل؛ تنبل (مونث) lazy

עָתִיד: زمان آینده future, future tense

פֹּעַל (פְּעָלִים): فعل؛ (جمع: فعل‌ها) verb

שׁוּרָה (שׁוּרוֹת): سطر، خط؛ (جمع: سطرها، خط‌ها) line, row

תַּרְגִּיל (תַּרְגִּילִים): تمرین؛ (جمع: تمرین‌ها) exercise

פֶּה אֶחָד: یکصدا unanimously, all at once

שְׁעוּר בַּיִת (שִׁעוּרֵי בַּיִת): تکلیفِ خانه، مشقِ خانه؛ (جمع: تکالیف خانه، مشق‌های خانه) homework

אֵין כָּל חָדָשׁ תַּחַת הַשָּׁמֶשׁ. (קהלת א, 9)

هیچ چیز جدیدی زیر نور خورشید نیست. (از کتاب کوهلت)

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

دستور زبان درس ۲۲

۱- برای ساخت فعل آینده در زبان عبری باید ابتدا حرف «ל» را از مصدر حذف کرد و به ریشه‌ی فعل پیشوند مناسب اضافه کرد که وزن این افعال در اول شخص مفرد «עָפְעַל» است؛ مثال:

ساخت فعل آینده از مصدر לִגְמֹר (تمام کردن)

شخص	ضمیر	فعل آینده
יחיד	אֲנִי	אֶגְמֹר
	אַתָּה	תִּגְמֹר
	אַתְּ	תִּגְמְרִי
	הוּא	יִגְמֹר
	הִיא	תִּגְמֹר
רבים	אֲנַחְנוּ	נִגְמֹר
	אַתֶּם	תִּגְמְרוּ
	אַתֶּן	תִּגְמֹרְנָה
	הֵם	יִגְמְרוּ
	הֵן	תִּגְמֹרְנָה

نکته: غیر از پیشوند فعل اول شخص مفرد، پشوند باقی افعال در زمان آینده نیکود خیقیک می گیرد.

۲- افعالی که دومین حرف ریشه ی آنها حلقی باشد یعنی حروف «א، ה، ח و ע» باشد و یا حرف آخر آنها «ע» یا «ח» باشد هنگام صرف فعل تغییر می کنند و وزن این افعال در اول شخص مفرد «אֶפְעַל» است؛ مثال:

صرف فعل آینده از مصدر לִשְׁאֹל (پرسیدن)

شخص	ضمیر	فعل آینده
יחיד	אֲנִי	אֶשְׁאַל
	אַתָּה	תִּשְׁאַל
	אַתְּ	תִּשְׁאֲלִי
	הוּא	יִשְׁאַל
	הִיא	תִּשְׁאַל
רבים	אֲנַחְנוּ	נִשְׁאַל
	אַתֶּם	תִּשְׁאֲלוּ
	אַתֶּן	תִּשְׁאַלְנָה
	הֵם	יִשְׁאֲלוּ
	הֵן	תִּשְׁאַלְנָה

صرف فعل آینده ازمصد לִפְתֹּחַ (باز کردن)

شخص	ضمیر	فعل آینده
יחיד	אֲנִי	אֶפְתַּח
	אַתָּה	תִּפְתַּח
	אַתְּ	תִּפְתְּחִי
	הוּא	יִפְתַּח
	הִיא	תִּפְתַּח
רבים	אֲנַחְנוּ	נִפְתַּח
	אַתֶּם	תִּפְתְּחוּ
	אַתֶּן	תִּפְתַּחְנָה
	הֵם	יִפְתְּחוּ
	הֵן	תִּפְתַּחְנָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۳- عمدتا افعال لازم (افعالی که نیاز به مفعول مستقیم ندارند) بر وزن «אָפְעַל» هستند؛ مثال:

לְסְעַד درمان شدن، تسکین شدن

افعال متعدد بر وزن «עָפְעֵל» هستند؛ مثال:

לְגְמֹר تمام کردن

۴- افعال زمان آینده، نشانه ی افعال ناتمام است و حالاتی را بیان می کند متنوع و تغییر پذیرند.

א) حالت اخباری؛ مثال:

אֲנִי אֶגְמֹר אֶת הַחִבּוּר מָחָר. من انشا را فردا تمام خواهم کرد.

ב) حالت فرعی (خواهشی)؛ مثال:

אֲנִי רוֹצֶה שֶׁתִּכְתְּבוּ חִבּוּר. من می خواهم که تو انشایی بنویسی.

ג) حالت تمنا و طلب؛ مثال:

יִזְכֹּר הַשֵּׁם אֶת כָּל הַטּוֹב שֶׁעָשִׂיתָ לִי. خداوند تمام خوبی هایی را که تو در حق من (برای من) انجام دادی؛ به یاد خواهد آورد.

ד) حالت پیشنهادی؛ مثال:

נִלְמַד יַחַד. بیا با هم مطالعه کنیم.

مـتـن د ر س ۲۲

הַחִבּוּר שֶׁל תַּלְמִיד עָצַל

הַפַּעַם גָּמְרָה לִלְמֹד אֶת הָעָתִיד שֶׁל הַפֹּעַל הָעִבְרִי. כְּבָר הָיָה כְּמְעַט הַסּוֹף שֶׁל הַשִּׁעוּר, וְכָל אֶחָד הָיָה מוּכָן לַעֲזֹב אֶת הַחֶדֶר. בַּכְּתָה הָיָה רַעַשׁ. הַמּוֹרָה קָם מִן הַכִּסֵּא, דָּפַק עַל הַשֻּׁלְחָן, וְקָרָא:

- שֶׁקֶט בְּבַקָּשָׁה! אֲנִי רוֹצֶה שֶׁתִּשְׁמְעוּ אֶת שִׁעוּר הַבַּיִת שֶׁאֲנִי נוֹתֵן לָכֶם לַעֲשׂוֹת לְמָחָר, תַּלְמִידִים, לְמַדְנוּ אֶת הַהֹוֶה וְאֶת הֶעָבָר. הַיּוֹם גַּם גָּמַרְנוּ אֶת הֶעָתִיד. אִם כֵּן, אַתֶּם כְּבָר יוֹדְעִים אֶת הַפֹּעַל בְּכָל הַזְּמַנִּים. אַתֶּם עֲשִׂיתֶם בַּכְּתָה וּבַבַּיִת הַרְבֵּה תַּרְגִּילִים בְּדִקְדּוּק. עַכְשָׁיו אַתֶּם כְּבָר יְכוֹלִים לִכְתֹּב חִבּוּרִים מְעַנְיְנִים, כִּי אַתֶּם בְּוַדַּאי גַּם זוֹכְרִים דַּי מִלִּים בְּעִבְרִית. לָכֵן, לְשִׁעוּר הַבַּיִת שֶׁל מָחָר, אֲנִי רוֹצֶה שֶׁתִּכְתְּבוּ חִבּוּר. כָּל תַּלְמִיד יִבְחַר לוֹ נוֹשֵׂא וְיִכְתֹּב חִבּוּר עַל הַנּוֹשֵׂא שֶׁהוּא בָּחַר.

דָּוִד הָיָה יֶלֶד חָכָם אֲבָל עָצַל, אַחֲרֵי הַשִּׁעוּרִים, כַּאֲשֶׁר הוּא שָׁב הַבַּיְתָה, הוּא הָלַךְ לַחֶדֶר שֶׁלּוֹ, לָקַח נְיָר וְעֵט מִן הַתִּיק וְיָשַׁב לִכְתֹּב אֶת הַחִבּוּר. הַרְבֵּה זְמַן הוּא חָשַׁב אֵיזֶה נוֹשֵׂא לִבְחֹר. בַּסּוֹף הוּא מָצָא נוֹשֵׂא. דָּוִד קָרָא בְּשִׂמְחָה:

- גָּמַרְנוּ הַיּוֹם לִלְמֹד עַל הֶעָתִיד, וַאֲנִי אֶכְתֹּב חִבּוּר עַל הֶעָתִיד!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

דָּוִד לָקַח אֶת הָעֵט וְכָתַב אֶת הַנּוֹשֵׂא בְּאוֹתִיּוֹת גְּדוֹלוֹת. תַּחַת הַנּוֹשֵׂא הוּא כָּתַב בְּשׁוּרָה אַחַת, בְּאוֹתִיּוֹת קְטַנּוֹת, רַק מִשְׁפָּט אֶחָד.

לַמָּחֳרַת כַּאֲשֶׁר הַמּוֹרֶה אָסַף אֶת הַחִבּוּרִים, מִיָּד הוּא רָאָה אֶת הַחִבּוּר הַקָּצָר שֶׁל דָּוִד. הַמּוֹרֶה צָחַק וְאָמַר:

- מַעוֹלָם לֹא קָרָאתִי חִבּוּר כָּזֶה. אֲנִי רוֹצֶה שֶׁכָּל הַכִּתָּה תִּשְׁמַע אֶת הַחִבּוּר שֶׁל דָּוִד. הִנֵּה הַנּוֹשֵׂא שְׁדָוִד בָּחַר:

"הָעֲתִיו שֶׁל עָצַל". וְהִנֵּה הַחִבּוּר שֶׁלּוֹ, רַק מִשְׁפָּט אֶחָד:

"הַנְּיָר הֲרֵיק הַזֶּה הוּא מָשָׁל מְצֻיָּן לָעֲתִיד שֶׁל אִישׁ עָצַל!" נָקֵדָה, וְזֶה הַכֹּל!

- נָכוֹן! קָרְאוּ הַתַּלְמִידִים פֶּה אֶחָד. זֶה חִבּוּר מְצֻיָּן! הָעֲתִיד שֶׁל עָצַל הוּא רֵיק, כִּי הַחַיִּים שֶׁלּוֹ רֵיקִים.

تمرین های درس ۲۲

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מַה לָּמְדוּ הַתַּלְמִידִים עַל הַפֹּעַל הָעִבְרִי? آن دانش آموزان درباره فعل زبان عبری چه یاد گرفتند؟

۲. אֵיזֶה שִׁעוּר בַּיִת נָתַן הַמּוֹרֶה לַכִּתָּה? معلم کدام درس را برای تکلیف خانه به کلاس می دهد؟

۳. מָה עָשָׂה דָּוִד כַּאֲשֶׁר הוּא שָׁב הַבַּיְתָה? داوید وقتی به خانه برگشت چه کاری انجام داد؟

۴. מָה אָמַר הַמּוֹרֶה אַחֲרֵי שֶׁהוּא אָסַף אֶת הַחִבּוּרִים? معلم بعد از اینکه انشاء ها را جمع آوری کرد چه گفت؟

۵. אֵיזֶה חִבּוּר כָּתַב דָּוִד? کدام انشاء را داود نوشت؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید:

۱. من (مذکر) دیگر همه حروف را میدانم، اما (من) هنوز نمیدانم چطور بخوانم (=خواندن). ۲. پدرم همسری برای من(مذکر) انتخاب نخواهد کرد. ۳. پسرمان تمبر (ها) را جمع می‌کند. ۴. من امروز به اندازه کافی وقت ندارم که تکالیف را انجام دهم (= انجام دادن) زیرا باید به مادر کمک کنم. ۵. پیدا کردن موضوعی خوب برای یک داستان سخت است. ۶. او (مذکر) نمی‌تواند حتی یک (عدد) سطر بدون غلط بنویسد (= نوشتن) زیرا او دستور بلد نیست. ۷. او (مونث) مطالعه کردن را دوست دارد و بنابراین (او) دانشجوی ممتازی در ادبیات است. ۸. او (مذکر) تنبل است و (او) همیشه صبح دیر برمی‌خیزد. ۹. مادر عصبانی خواهد شد اگر تو (مذکر) دوباره روی زمین، کاغذ بیندازی. ۱۰. من کتاب را (در) همان روزی که آن را از کتابخانه گرفتم تا انتها خواندم. ۱۱. من (مونث) از شما (مذکر) می‌خواهم که تمرین‌ها را در دفترهایتان با خودکار و نه با مداد بنویسید. ۱۲. فعل در زمان‌های ذیل می‌آید: مضارع، ماضی و آینده. ۱۳. روز بعد من به هتل برگشتم و به صاحب هتل گفتم که من کلاهم را در کمد فراموش کردم. ۱۴. صاحب هتل و پیشخدمت‌هایش جملگی فریاد زدند: «خدا را شکر، ما به اندازه کافی داریم!». ۱۵. (در) لحظه‌ای که من از برادرم خبری بشنوم، (من) نامه‌ای به تو خواهم نوشت. ۱۶. در پایان جمله، نقطه گذاشته می‌شود.

ج- ۱۰ صیغه آینده فعل های زیر را بنویسید.

לִפְגֹּשׁ　　לִצְחֹק　　לִשְׁמֹעַ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור כג
لغات درس ۲۳

אֲוִיר: هوا air

אִכָּר (אִכָּרִים): کشاورز؛ (جمع: کشاورزان) farmer, Peasant

בָּדַק (לִבְדֹּק): بررسی کرد، چک کرد (مصدر: بررسی کردن، چک کردن) inspected, checked

בָּרִיא, בְּרִיאָה: سالم؛ سالم (مونث) healthy

גַּל (גַּלִּים): موج؛ (جمع: موج‌ها) wave

דַּיָּג (דַּיָּגִים): ماهیگیر؛ (جمع: ماهیگیرها) fisherman

חָזָק, חֲזָקָה: قوی، نیرومند؛ قوی، نیرومند (مونث) strong

טָבַע (לִטְבֹּעַ): کشید، طراحی کرد؛ (مصدر: غرق شدن) drowned

מֶזֶג־אֲוִיר: آب و هوا weather

מֶזֶג הָאֲוִיר: یک آب و هوای مشخص the weather

סַבָּא, סָב: پدربزرگ grandfather

סַבְתָּא, סָבָה: مادربزرگ grandmother

סְתָו: پاییز autumn

עָנָן (עֲנָנִים): ابر؛ (جمع: ابرها) cloud

פַּחַד (פְּחָדִים): ترس؛ (جمع: ترس‌ها) fear

פָּחַד (לִפְחֹד): ترسید؛ (مصدر: ترسیدن) feared, was afraid

רֶשֶׁת (רְשָׁתוֹת): تور، شبکه؛ (جمع: تورها، شبکه‌ها) net

שָׁכַב (לִשְׁכַּב): دراز کشید، استراحت کرد؛ (مصدر: دراز کشیدن) lay, lay down

שָׁקַט (לִשְׁקֹט): ساکت شد؛ (مصدر: ساکت شدن) became quiet

יוֹם סְתָו: روز پاییزی، یک روز پاییز at autumn day

יוֹתֵר טוֹב: بهتر better

לַכֹּל זְמַן (קהלת ג, 1)

برای هر چیز یک زمان مشخص وجود دارد.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

دستور زبان درس ۲۳

۱- اگر سومین (آخرین) حرف ریشه فعل «א» باشد در زمان آینده به صورت زیر صرف می شود؛ مثال:

صرف فعل לִקְרוֹא (خواندن) در زمان آینده		
شخص	ضمیر	فعل آینده
مُ	אֲנִי	אֶקְרָא
	אַתָּה	תִּקְרָא
	אַתְּ	תִּקְרְאִי
	הוּא	יִקְרָא
	הִיא	תִּקְרָא
מ	אֲנַחְנוּ	נִקְרָא
	אַתֶּם	תִּקְרְאוּ
	אַתֶּן	תִּקְרֶאנָה
	הֵם	יִקְרְאוּ
	הֵן	תִּקְרֶאנָה

۲- افعال سالم (שְׁלֵמִים) که حرف اول ریشه‌ی آنها یکی از حروف «ע ח و ה» است در زمان آینده به صورت زیر صرف می‌شود؛ مثال:

صرف فعل לַעֲבוֹד (کار کردن) در زمان آینده		
شخص	ضمیر	فعل آینده
مُ	אֲנִי	אֶעֱבוֹד
	אַתָּה	תַּעֲבוֹד
	אַתְּ	תַּעַבְדִי
	הוּא	יַעֲבֹד
	הִיא	תַּעֲבֹד
מ	אֲנַחְנוּ	נַעֲבֹד
	אַתֶּם	תַּעַבְדוּ
	אַתֶּן	תַּעֲבֹדְנָה
	הֵם	יַעַבְדוּ
	הֵן	תַּעֲבֹדְנָה

نکته: در اینگونه افعال حرف اول ریشه به غیر از اول شخص مفرد، «פַּתָּח» یا «חֲטַף-פַּתָּח» می گیرد.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۳- همانطور که می دانید حرف دوم ریشه غالبا در شکل مصدری خَلام می گیرد مانند לִגְמֹר، לִשְׁאֹל و לִשְׁמֹעַ؛ اما לִשְׁכַּב از این قاعده مستثناء است و دومین حرف اصلی آن پتخ می گیرد و در صرف فعل آینده که از مصدر «לִשְׁכַּב» ساخته می شود نیز وزن «פָּעַל» رعایت می شود زیرا این فعل لازم است مانند אֶשְׁכַּב תִּשְׁכַּב ...که حرف «כ» مصوت پتخ گرفته است.

۴- جملاتی در زبان عبری وجود داشتند که فاعل نداشتند و یا فاعل غیر شخصی داشتند این شکل از کاربرد در زبان عبری منسوخ شده و امروزه در چنین جملاتی از کلمه «זֶה» یا «זאת» استفاده می کنند که باعث می شود جملات زیبا تر بیان شوند.

کاربرد قدیم:	کاربرد جدید:
הָיָה יוֹם סָתָו. روز پاییز بود.	זֶה קָשֶׁה לָרֶדֶת לַיָּם. این به دریا رفتن، سخت است.
קָשֶׁה לָרֶדֶת לַיָּם. سخت است رفتن به دریا.	זֶה הָיָה יוֹם סָתָו. این، روز پاییز بود.

متن درس ۲۳

הָאִכָּר וְהַדַּיָּג

הָיָה יוֹם סָתָו, הָרוּחַ הָיְתָה חֲזָקָה. הַשָּׁמַיִם הָיוּ מְלֵאִים עֲנָנִים. הָאִכָּרִים לֹא עָבְדוּ לֹא בַּיַּעַר וְלֹא בַּשָּׂדֶה, וְהַדַּיָּגִים לֹא יָרְדוּ לַיָּם.

עַל יַד אֶחָד מִן הַבָּתִּים יָשַׁב דַּיָּג וּבָדַק אֶת הָרֶשֶׁת שֶׁלּוֹ. בְּאוֹתוֹ זְמַן עָבַר אִכָּר עַל-יַד הַבַּיִת שֶׁל הַדַּיָּג. הָאִכָּר שָׁאַל אֶת הַדַּיָּג :

- מָה אַתָּה עוֹשֶׂה?
- אֲנִי בּוֹדֵק אֶת הָרֶשֶׁת שֶׁלִּי.
- הַאִם אַתָּה לֹא פּוֹחֵד לָרֶדֶת לַיָּם בְּמֶזֶג-אֲוִיר קָשֶׁה כָּזֶה!
- אוּלַי הַיָּם יִשְׁקֹט מְעַט אַחֲרֵי שֶׁאֶגְמֹר לִבְדֹּק אֶת הָרֶשֶׁת.
- הַאִם אֵין אַתָּה פּוֹחֵד מִן הַגַּלִּים הַנּוֹרָאִים?
- לֹא. הָאָב שֶׁלִּי הָיָה דַּיָּג, וְהַסָּב שֶׁלִּי הָיָה דַּיָּג. גַּם כָּל הַקְּרוֹבִים שֶׁלִּי הֵם דַּיָּגִים. אֵין לִי פַּחַד מִן הַיָּם.
- מַה קָּרָה לְאָב שֶׁלְּךָ?
- הוּא טָבַע בַּיָּם.
- מַה קָּרָה לַסָּב שֶׁלְּךָ?
- גַּם הוּא טָבַע בַּיָּם.
- אִם כֵּן, מַדּוּעַ בָּחַרְתָּ עֲבוֹדָה כָּזֹאת? הַאִם אֵינְךָ פּוֹחֵד שֶׁגַּם אַתָּה תִּטְבַּע? אֲנִי רוֹאֶה שֶׁאַתָּה לֹא עָצֵל וְגַם בָּרִיא וְחָזָק. אִם כֵּן, אַתָּה יָכוֹל לִהְיוֹת פּוֹעֵל. בְּוַדַּאי תִּמְצָא אָז עֲבוֹדָה יוֹתֵר טוֹבָה.

הַדַּיָּג חָשַׁב רֶגַע וְאַחַרֵי־כֵן אָמַר לָאִכָּר:

- עַכְשָׁו אֶשְׁאַל אוֹתְךָ שְׁאֵלָה: מָה הָעֲבוֹדָה שֶׁלְּךָ?

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozja.com

שעור כד
لغات درس ٢٤

אוֹרֵחַ (אוֹרְחִים): مهمان؛ (جمع: مهمان‌ها) guest

אָפְשָׁר: ممکن است It is possible

אִי אֶפְשָׁר: ممکن نیست It is impossible

בַּעַל (בְּעָלִים): شوهر؛ (جمع: شوهرها) husband

גָּר (לָגוּר): زندگی می‌کند؛ (مصدر: زندگی کردن) resided, lived

הוֹרִים (הוֹרֶה, הוֹרָה): والدین؛ (ولی مذکر؛ ولی مونث) Parents

חַלָּשׁ, חַלָּשָׁה: ضعیف؛ ضعیف (مونث) weak

חֲתִיכָה (חֲתִיכוֹת): بخش، تکه؛ (جمع: بخش‌ها، تکه‌ها) Piece

כְּלִי (כֵּלִים): وسیله، ظرف؛ (جمع: وسایل، ظروف) vessel, dish, utensil

מִטְבָּח (מִטְבָּחִים): آشپزخانه؛ (جمع: آشپزخانه‌ها) kitchen

מִשְׁפָּחָה (מִשְׁפָּחוֹת): خانواده؛ (جمع: خانواده‌ها) family

נָגַע (לִנְגֹּעַ) בְּ... : برخورد کرد با...، لمس کرد؛ (مصدر: برخورد کردن، لمس کردن) touched

נָהַג (לִנְהֹג): راند، رانندگی کرد؛ (مصدر: راندن؛ رانندگی کردن) drove (a car), led

נָהַג (לִנְהֹג) בְּ...: رفتار کرد، برخورد کرد؛ (مصدر: رفتار کردن، برخورد کردن) treated, drove

סַכִּין (סַכִּינִים): چاقو؛ (جمع: چاقوها) knife

עֵץ (עֵצִים): چوب؛ (جمع: چوب‌ها، جنگل) wood

צַלַּחַת (צַלָּחוֹת): بشقاب؛ (جمع: بشقاب‌ها) plate

שָׁבַר (לִשְׁבֹּר): شکست؛ (مصدر: شکستن) broke

בִּשְׁבִיל מִי?: برای چه کسی؟ for whom?

לָשֶׁבֶת אֶל הַשֻּׁלְחָן: نشستن کنار میز to sit at the table

הַלֵּב הַקָּשֶׁה רָחוֹק מִן ה'. (מִסִּפְרוּת יִת"ב)

قلب سخت از خداوند دور است.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

دستور زبان درس ۲۷

۱- در افعال سالم در صورتی که حرف دوم ریشه ی فعل، حروف حلقی «א، ע، ה، ח و ר» نباشد و اگر فعل با حرف « נ » شروع شده باشد حرف «נ» حذف می شود و داگش روی حرف دوم ریشه فعل قرار می‌گیرد؛ مثال:

לִנְפֹּל (افتادن)

شخص	ضمیر	فعل آینده
مفرد	אֲנִי	אֶפֹּל
	אַתָּה	תִּפֹּל
	אַתְּ	תִּפְּלִי
	הוּא	יִפֹּל
	הִיא	תִּפֹּל
جمع	אֲנַחְנוּ	נִפֹּל
	אַתֶּם	תִּפְּלוּ
	אַתֶּן	תִּפֹּלְנָה
	הֵם	יִפְּלוּ
	הֵן	תִּפֹּלְנָה

۲- درصورتی که ریشه فعل در زمان آینده حرف «נ» باشد و حرف دوم ریشه حرف حلقی باشد، حرف «נ» حذف نمی‌شود و حرف حلقی به هیچ وجه داگش نمی پذیرد؛ مثال:

לִנְהֹג (رفتار کردن، راندن)

شخص	ضمیر	فعل آینده
مفرد	אֲנִי	אֶנְהַג
	אַתָּה	תִּנְהַג
	אַתְּ	תִּנְהֲגִי
	הוּא	יִנְהַג
	הִיא	תִּנְהַג
جمع	אֲנַחְנוּ	נִנְהַג
	אַתֶּם	תִּנְהֲגוּ
	אַתֶּן	תִּנְהַגְנָה
	הֵם	יִנְהֲגוּ
	הֵן	תִּנְהַגְנָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۳- فعل هایی که حرف دوم ریشه‌ی آنها حلقی باشد یا حرف سوم ریشه ی آنها «ה ח» باشد در زمان آینده بر وزن אֶפְעַל صرف می‌شوند؛ مثال:

לִנְהֹג ← אֶנְהַג תִּנְהַג, ... לִנְסֹעַ ← אֶסַּע תִּסַּע, ...

متن درس ۲٤

הָאָב לוֹמֵד מִן הַבֵּן

הַסָּב שֶׁל דָּן הָיָה זָקֵן מְאֹד. הוּא גָּר יַחַד עִם הַהוֹרִים שֶׁל דָּן. הַסָּב הָיָה חַלָּשׁ וְהַיָּדַיִם שֶׁלּוֹ רָעֲדוּ. יוֹם סָחֲטוּ אֶחָד בָּאוּ אוֹרְחִים וּקְרוֹבִים אֶל הַבַּיִת. הָאֵם שֶׁל דָּן שָׂמָה עַל הַשֻּׁלְחָן אֶת הַכֵּלִים הַחֲדָשִׁים וְהַיָּפִים שֶׁלָּהֶם. הַמִּשְׁפָּחָה וְהָאוֹרְחִים יָשְׁבוּ אֶל הַשֻּׁלְחָן לֶאֱכֹל. הַזָּקֵן נָגַע בְּצַלַּחַת וְהַצַּלַּחַת נָפְלָה עַל הָרִצְפָּה תַּחַת הַשֻּׁלְחָן. הָאֵם שֶׁל דָּן כָּעֲסָה מְאֹד, אֲבָל לֹא אָמְרָה דָּבָר. אַחֲרֵי שֶׁהָאוֹרְחִים גָּמְרוּ לֶאֱכֹל וְעָזְבוּ אֶת הַבַּיִת, אָמְרָה הָאִשָּׁה אֶל הַבַּעַל שֶׁלָּהּ:

- הָאָב שֶׁלְּךָ זָקֵן מְאֹד. הַיָּדַיִם שֶׁלּוֹ רוֹעֲדוֹת וְהָעֵינַיִם שֶׁלּוֹ חַלָּשׁוֹת. אֲנִי פּוֹחֶדֶת שֶׁכָּל פַּעַם שֶׁהוּא יִגַּע בְּצַלַּחַת הוּא יְשַׁבֵּר אוֹתָהּ.
- הוּא אִישׁ זָקֵן, אָמַר הַבַּעַל, וְאִי אֶפְשָׁר לַעֲשׂוֹת דָּבָר.
- אֶפְשָׁר, עָנְתָה הָאִשָּׁה, הוּא יָכוֹל לֶאֱכֹל בַּמִּטְבָּח בְּכֵלִים פְּשׁוּטִים.

וְכֵן הָיָה. מִן הַיּוֹם הַזֶּה וָהָלְאָה אָכַל הַזָּקֵן בְּכֵלִים פְּשׁוּטִים בַּמִּטְבָּח.

עֶרֶב אֶחָד שָׁב הָאָב שֶׁל דָּן הַבַּיְתָה אַחֲרֵי יוֹם שֶׁל עֲבוֹדָה בַּחֲנוּת. הוּא מָצָא אֶת דָּן יוֹשֵׁב עַל הָרִצְפָּה לְיַד הַדֶּלֶת. הָאָב רָאָה סַכִּין וַחֲתִיכָה שֶׁל עֵץ בַּיָּדַיִם שֶׁל הַבֵּן. הוּא נָתַן לוֹ נְשִׁיקָה חַמָּה, וְאָז אָמַר:

- אֲנִי רוֹאֶה שֶׁאַתָּה יֶלֶד טוֹב, וְלֹא עָצֵל. מָה אַתָּה עוֹשֶׂה בָּעֵץ?
- אֲנִי עוֹשֶׂה צַלַּחַת.
- בִּשְׁבִיל מִי אַתָּה עוֹשֶׂה אֶת הַצַּלַּחַת?
- בִּשְׁבִילְךָ, אַבָּא. עַכְשָׁו אַתָּה בָּרִיא וְחָזָק, אֲבָל בָּעָתִיד גַּם הַיָּדַיִם שֶׁלְּךָ תִּרְעַדְנָה כְּמוֹ הַיָּדַיִם שֶׁל סַבָּא. אִם תִּגַּע אָז בַּצַּלַּחַת הַזֹּאת, אַתָּה לֹא תְּשַׁבֵּר אוֹתָהּ, אֲפִלּוּ אִם הִיא תִּפֹּל עַל הָרִצְפָּה, כִּי הִיא מֵעֵץ.
- הַבֵּן הַקָּטָן שֶׁלִּי צוֹדֵק, חָשַׁב הָאָב. כְּמוֹ שֶׁאֲנִי נוֹהֵג בָּאָב שֶׁלִּי כָּךְ הַבֵּן שֶׁלִּי יִנְהַג בִּי.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۲٤

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. אֵיכָה גָּר הַסָּב שֶׁל דָּן ? پدر بزرگ دان کجا زندگی می کرد؟

۲. מַדּוּעַ נָפְלָה הַצַּלַּחַת עַל הָרִצְפָּה כַּאֲשֶׁר הַזָּקֵן נָגַע בָּהּ ? چرا وقتی که پیرمرد با بشقاب ها برخورد کرد به زمین افتادند؟

۳. מַדּוּעַ אָכַל הַסָּב בַּמִּטְבָּח ? چرا پدربزرگ در آشپزخانه غذا می خورد؟

۴. מָה עָשָׂה דָּן בַּסַּכִּין ? دان با چاقو چه کار می کرد؟

۵. מַה לָּמַד הָאָב מִן הַבֵּן הַקָּטָן ? پدر از پسر کوچک چه آموخت؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. من به چاقو دست نخواهم زد. ۲. هنگامی که مهمان آمد، خانواده دیگر پشت میز نشست. ۳. من (مذکر) می‌خواهم کمدی از این چوب بسازم. ۴. آیا صندلی در خانه نیست؟ چرا تو روی زمین می‌نشینی؟ ۵. مرد ثروتمند ترسید که سنگ قیمتی در رودخانه بیفتد. ۶. مادربزرگ دان و والدینش با یکدیگر در همان شهر زندگی می‌کردند. ۷. اگر آنها این ظرف قیمتی را بشکنند، من بسیار عصبانی خواهم شد. ۸. او (مونث) ترسید که بشقاب از روی میز بیفتد اگر پسر کوچک به آن بخورد. ۹. آنها زود برگشتند قبل از اینکه مهمان‌ها بیایند (=آمدند). ۱۰. چشم‌های او (مذکر) ضعیف هستند و در نتیجه او از دور نمی‌تواند ببیند. ۱۱. زن آنطور که شوهرش خواست، انجام داد. ۱۲. خانواده من کوچک است، من فقط یک برادر و یک خواهر دارم. ۱۳. وقتی که او (مونث) بسیار گرسنه است، (او) به آشپزخانه می‌رود و تکه‌ای نان برمی‌دارد. ۱۴. آنطور که او (مذکر) با من رفتار می‌کند (این چنین من) با او رفتار خواهم کرد. ۱۵. غذاخوردن روی چنین میزی ناممکن است.

ج- فعل های زیر را در مضارع، ماضی و آینده صرف کنید.

לִשְׁכּוֹחַ - فراموش کردن

לְנָסוֹעַ - سفر کردن

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שׁעוּר כה
لغات درس ۲۵

אוֹר (אוֹרוֹת): نور، روشنایی؛ (جمع: نورها، روشنایی‌ها)

אֱמֶת: حقیقت، درست

בֶּאֱמֶת: در حقیقت، به درستی، واقعاً

בְּרָכָה (בְּרָכוֹת): رحمت، برکت؛ (جمع: رحمت‌ها، برکت‌ها)

זָז (לָזוּז): تکان خورد؛ (مصدر: تکان خوردن)

חַי (לִחְיוֹת): زندگی کرد؛ (مصدر: زندگی کردن)

חֹשֶׁךְ: تاریکی

טָעָה (לִטְעוֹת): خطا کرد؛ (مصدر: خطا کردن)

לָבָן, לְבָנָה: سفید؛ سفید (مونث)

לִפְעָמִים: بعضی اوقات، در بعضی زمان‌ها

מְחִיר (מְחִירִים): قیمت؛ (جمع: قیمت‌ها)

פֶּסֶל (פְּסָלִים): مجسمه؛ (جمع: مجسمه‌ها)

פֶּסֶל (פְּסִילִים): بُت؛ (جمع: بُت‌ها)

קֶמַח: آرد

מֵעֵץ וּמֵאֶבֶן: از چوب و سنگ

עוֹלָה הַרְבֵּה: قیمت بالا، ارزش زیاد

כָּל פֶּסֶל וּפֶסֶל: هر یک از بت‌ها، تک تک بت‌ها

הַחוֹשֵׁב מְעַט, יִטְעֶה הַרְבֵּה. (מִסְפָּרוּת יה"ב)

کم فکر کردن، خطا را بسیار میکند.

دستورزبان درس ۲۵

۱- در زبان عبری در زمان حال و گذشته حرف «ו» و «י» در ریشه‌ی فعل حذف می شوند اما در زمان آینده اگر ریشه فعل حرف «ו» یا «י» داشته باشد حذف نمی‌شود؛ مثال:

לָקוּם (بلندشدن، بالا آمدن)

شخص	ضمیر	فعل آینده
יָחִיד	אֲנִי	אָקוּם
	אַתָּה	תָּקוּם
	אַתְּ	תָּקוּמִי
	הוּא	יָקוּם
	הִיא	תָּקוּם
רַבִּים	אֲנַחְנוּ	נָקוּם
	אַתֶּם	תָּקוּמוּ
	אַתֶּן	תָּקוּמְנָה
	הֵם	יָקוּמוּ
	הֵן	תָּקוּמְנָה

לָשִׂים قرار دادن

شخص	ضمیر	فعل آینده
יָחִיד	אֲנִי	אָשִׂים
	אַתָּה	תָּשִׂים
	אַתְּ	תָּשִׂימִי
	הוּא	יָשִׂים
	הִיא	תָּשִׂים
רַבִּים	אֲנַחְנוּ	נָשִׂים
	אַתֶּם	תָּשִׂימוּ
	אַתֶּן	תָּשַׂמְנָה
	הֵם	יָשִׂימוּ
	הֵן	תָּשַׂמְנָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۲- فعل «בּוֹא» به معنای «آمدن» در زبان عبری جزو افعال خاصی است که حرف دوم ریشه ی آن «ו» و حرف سوم ریشه ی آن «א» است؛ در زمان حال به صورت زیر صرف می شود.

مفرد مذکر: אֲנִי ; אַתָּה ; הוּא ← בָּא

مفرد مونث: אֲנִי ; אַתְּ ; הִיא ← בָּאָה

جمع مذکر: אֲנַחְנוּ ; אַתֶּם ; הֵם ← בָּאִים

جمع مونث: אֲנַחְנוּ ; אַתֶּן ; הֵן ← בָּאוֹת

در زمان گذشته هم حرف اول این فعل نیکود کاماتص گرفته و حرف «א» خوانده نمی شود مگر در הִיא בָּאָה و הֵם בָּאוּ که حرف «א» خوانده می شود.

اما در زمان آینده حرف «ו» در فعل « בּוֹא » نیکود شوقوک گرفته و صرف می شود؛ مثال:

לָבוֹא آمدن		
شخص	ضمیر	فعل آینده
مفرد	אֲנִי	אָבוֹא
	אַתָּה	תָּבוֹא
	אַתְּ	תָּבוֹאִי
	הוּא	יָבוֹא
	הִיא	תָּבוֹא
جمع	אֲנַחְנוּ	נָבוֹא
	אַתֶּם	תָּבוֹאוּ
	אַתֶּן	תָּבוֹאנָה
	הֵם	יָבוֹאוּ
	הֵן	תָּבוֹאנָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۳- صرف افعالی که حرف سوم ریشه ی آنها «ה» است به این شکل زیر است؛ مثال:

לִקְנוֹת (خریدن)

شخص	ضمیر	فعل آینده
مذ	אֲנִי	אֶקְנֶה
	אַתָּה	תִּקְנֶה
	אַתְּ	תִּקְנִי
	הוּא	יִקְנֶה
	הִיא	תִּקְנֶה
مؤ	אֲנַחְנוּ	נִקְנֶה
	אַתֶּם	תִּקְנוּ
	אַתֶּן	תִּקְנֶינָה
	הֵם	יִקְנוּ
	הֵן	תִּקְנֶינָה

לִהְיוֹת (بودن)

شخص	ضمیر	فعل آینده
مذ	אֲנִי	אֶהְיֶה
	אַתָּה	תִּהְיֶה
	אַתְּ	תִּהְיִי
	הוּא	יִהְיֶה
	הִיא	תִּהְיֶה
مؤ	אֲנַחְנוּ	נִהְיֶה
	אַתֶּם	תִּהְיוּ
	אַתֶּן	תִּהְיֶינָה
	הֵם	יִהְיוּ
	הֵן	תִּהְיֶינָה

نکته: اولین حرف «י» در فعل های «תִּהְיִי» و «תִּהְיֶינָה» دومین حرف ریشه ی فعل است و دومین حرف «י» مقلب از حرف سوم ریشه «ה» است.

۴- افعالی که سومین حرف ریشه ی آنها «ה» و اولین حرف ریشه ی آنها «ע» است؛ مثال:

לַעֲשׂוֹת (انجام دادن، درست کردن)

شخص	ضمیر	فعل آینده
مذ	אֲנִי	אֶעֱשֶׂה
	אַתָּה	תַּעֲשֶׂה
	אַתְּ	תַּעֲשִׂי
	הוּא	יַעֲשֶׂה
	הִיא	תַּעֲשֶׂה
مؤ	אֲנַחְנוּ	נַעֲשֶׂה
	אַתֶּם	תַּעֲשׂוּ
	אַתֶּן	תַּעֲשֶׂינָה
	הֵם	יַעֲשׂוּ
	הֵן	תַּעֲשֶׂינָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۵- فعل آینده از مصدر «לִהְיוֹת» برای بیان عباراتی مثل خواهم داشت یا می‌دارم کاربرد دارد و به صورت زیر صرف می‌شود.

(לא) יִהְיֶה לִי... (לא) תִּהְיֶה לִי... (לא) יִהְיוּ לִי... (לא) תִּהְיֶינָה לִי...

(לא) יִהְיֶה לִי סֵפֶר. (کتابی خواهم داشت)

(לא) תִּהְיֶה לִי מַחְבֶּרֶת (دفتری خواهم داشت)

(לא) יִהְיוּ לִי סְפָרִים. (کتاب هایی خواهم داشت)

(לא) תִּהְיֶינָה לִי מַחְבָּרוֹת (دفترهایی خواهم داشت)

۶- عبارت (هر یک، تک تک) در زبان عبری به صورت تکرار اسم شیء با واو عطف استعمال می شود؛ مثال:

כָּל נָבִיא וְנָבִיא. تک تک پیامبران (هر یک از پیامبران)

כָּל מִשְׁפָּט וּמִשְׁפָּט. تک تک جملات (هر یک از جملات)

متن درس ۲۵

אַבְרָהָם וְהַפְּסִילִים

תֶּרַח הָיָה הָאָב שֶׁל אַבְרָהָם. לְתֶרַח הָיְתָה חֲנוּת שֶׁל פְּסִילִים. פַּעַם אַחַת אָמַר אַבְרָהָם אֶל תֶּרַח:

– אַבָּא, אַתָּה עוֹבֵד כָּל כָּךְ קָשֶׁה. אֲנִי רוֹצֶה לַעֲזֹר לְךָ.

– טוֹב מְאֹד, עָנָה תֶּרַח, לְפָעָמִים אֲנִי צָרִיךְ לָלֶכֶת לַשּׁוּק לִקְנוֹת עֵצִים וַאֲבָנִים. בְּיוֹם שֶׁאֶרְצֶה לָלֶכֶת לַשּׁוּק, אַתָּה תִּהְיֶה בַּחֲנוּת עַד שֶׁאָשׁוּב.

יוֹם אֶחָד קָרָא תֶּרַח אֶת אַבְרָהָם וְאָמַר לוֹ:

– אֲנִי צָרִיךְ לִנְסֹעַ מָחָר לַשּׁוּק לִקְנוֹת עֵצִים. מָחָר אַתָּה תַּעֲמֹד בַּחֲנוּת.

– מָה אֶעֱשֶׂה אִם אִישׁ יָבוֹא לַחֲנוּת לִקְנוֹת פֶּסֶל? שְׁאַל אַבְרָהָם.

– הָיִיתָ דַּי פְּעָמִים בַּחֲנוּת, וְאַתָּה בְּוַדַּאי זוֹכֵר אֶת הַמְּחִיר שֶׁל כָּל פֶּסֶל וּפֶסֶל. אִם הָאִישׁ יִרְאֶה פֶּסֶל וְיִרְצֶה לִקְנוֹת אוֹתוֹ, אָז תִּמְכֹּר לוֹ, עָנָה תֶּרַח.

תֶּרַח קָם בַּבֹּקֶר, קָרָא לְאַבְרָהָם, וְאָמַר לוֹ כִּי הוּא מוּכָן לִנְסֹעַ לַשּׁוּק. הוּא נָתַן לוֹ נְשִׁיקָה וְיָצָא מִן הַבַּיִת. עָבְרוּ רֶגַעִים אֲחָדִים וְאִשָּׁה זְקֵנָה וְחַלָּשָׁה בָּאָה לַחֲנוּת.

- שָׁלוֹם לָךְ, גְּבֶרֶת, מָה אַתְּ רוֹצָה? בַּמֶּה אֲנִי יָכוֹל לַעֲזֹר לָךְ? שָׁאַל אוֹתָהּ אַבְרָהָם.

- שָׁם בַּחֲלוֹן עוֹמְדִים בְּשׁוּרָה אַחַת פְּסִילִים יָפִים. אֲנִי רוֹצָה לִבְדֹּק אוֹתָם, וְאָז אֶבְחַר לִי פֶּסֶל יָפֶה אֶחָד.

- טוֹב מְאֹד, אָמַר אַבְרָהָם.

אַחֲרֵי שֶׁהָאִשָּׁה בָּדְקָה אֶת הַפְּסִילִים, הִיא בָּחֲרָה פֶּסֶל אֶחָד, וְאָמְרָה:

- אִם הַפֶּסֶל הַזֶּה שֶׁבָּחַרְתִּי לֹא עוֹלֶה הַרְבֵּה כֶּסֶף, אֶקְנֶה אוֹתוֹ.

- גְּבֶרֶת, מַה תַּעֲשִׂי בַּפֶּסֶל הַזֶּה?

- אֲנִי אֶשִּׂים אוֹתוֹ בַּחֶדֶר שֶׁלִּי. בְּכָל בֹּקֶר כַּאֲשֶׁר אָקוּם, אָשִׂים יַיִן וְצַלַּחַת מְלֵאָה קֶמַח לְפָנָיו. הַפֶּסֶל יִשְׁלַח לִי בְּרָכָה, וְיִהְיוּ לִי חַיִּים טוֹבִים.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

- אַתְּ טוֹעָה, אָמַר אַבְרָהָם, אִי אֶפְשָׁר לַפֶּסֶל לִשְׁמֹעַ אֶת הַתְּפִלּוֹת שֶׁלָּךְ, וְהוּא לֹא יָכוֹל לַעֲמֹד לָךְ. אֶת הַפֶּסֶל הַזֶּה עָשָׂה הָאָב שֶׁלִּי בְּסַכִּין רַק אֶתְמוֹל. יֵשׁ לוֹ עֵינַיִם וְהוּא לֹא יִרְאֶה בָּהֶן. יֵשׁ לוֹ יָדַיִם וְהוּא לֹא יִגַּע בַּקָּמַח. יֵשׁ לוֹ רַגְלַיִם וְהוּא לֹא יָזוּז מִן הַמָּקוֹם. יֵשׁ לוֹ פֶּה וְהוּא לֹא יִשְׁתֶּה אֲפִילוּ טִפָּה מִן הַיַּיִן שֶׁלָּךְ. הַפֶּסֶל לֹא יִחְיֶה וְלֹא יָמוּת. הַפֶּסֶל הוּא מֵעֵץ וּמֵאֶבֶן.

הָאִשָּׁה שָׁמְה לֵב לַדְּבָרִים שֶׁאָמַר אַבְרָהָם, הִיא חָשְׁבָה רָגַע וּבְסוֹף אָמְרָה:

- בָּאֱמֶת אַתָּה צוֹדֵק! עַד עַכְשָׁו חָיִיתִי בָּעוֹלָם שֶׁל חֹשֶׁךְ, וּפִתְאֹם וְהִנֵּה אוֹר!

تمرین های درس ۲۵

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מָה הָיָה מוֹכֵר תָּרַח בַּחֲנוּת שֶׁלּוֹ? ترخ برای مغازه ی خودش چه چیزی می فروخت؟

۲. מָתַי עָמַד אַבְרָהָם בַּחֲנוּת? ابراهیم چه هنگامی در مغازه ایستاد؟

۳. לָמָּה הָלַךְ תָּרַח לַשּׁוּק? برای چه ترخ به بازار رفت؟

۴. מַדּוּעַ חָשְׁבָה הָאִשָּׁה שֶׁיִּהְיוּ לָהּ חַיִּים טוֹבִים? چرا آن زن فکر میکرد که زندگی خوبی خواهد داشت؟

۵. מַדּוּעַ לֹא קָנְתָה הָאִשָּׁה אֶת הַפֶּסֶל? چرا آن زن بت را نخرید؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. من کار را انجام خواهم داد هنگامی که (من) وقت داشته باشم. ۲. آن روز خواهد آمد و همه ملت‌ها در صلح و یَחַד בְּשָׁלוֹם. ③ אֲנִי לֹא אֶתֵּן מִן הַשַּׁחַק עַד שֶׁאֲנִי אֶגְמֹר אֶת הַחֲבוּרָה. آرامش با هم زندگی خواهند کرد. ۳. من از پشت میز تکان نخواهم خورد تا وقتی که (من) انشاء را تمام کنم. ④ הוּא לֹא יַעֲשֶׂה פֶּסֶל מִן כֶּסֶף כִּי זֶה יִהְיֶה מְאֹד הַרְבֵּה. ⑤ לִפְעָמִים שֶׁאֲנִי עָצוּב ۴. او (مذکر) مجسمه‌ای از نقره نخواهد ساخت زیرا آن گران خواهد بود. ۵. گاهی که من (مونث) غمگین هستم، אֲנִי אוֹהֵב וְלָשֶׁבֶת בַּחֹשֶׁךְ וְלַחְשֹׁב. ⑥ הַשֵּׁם יִשְׁלַח לָנוּ בְּרָכוֹת מִן הַשָּׁמַיִם (من) نشستن در تاریکی و فکر کردن را دوست دارم. ۶. خداوند برای ما از آسمان برکات خواهد فرستاد. ⑦ מָחָר אֲנַחְנוּ נָקוּם מוּקְדָם כִּי אֲנַחְנוּ צְרִיכִים לְהַפְגִּישׁ חֲבֵרִים שֶׁלָּנוּ. ۷. فردا ما زود برخواهیم خواست زیرا (ما) باید دوستانمان را ملاقات کنیم. ۸. چرا در اتاق روشنایی نیست؟ ⑧ מַדּוּעַ אֵין אוֹר בַּחֶדֶר? ⑨ הָאִשָּׁה תָּשִׂים אֶת הַקְּמָח עַל הַשֻּׁלְחָן בְּמַטְבֶּחַ. ۹. زن، آرد را روی میز در آشپزخانه خواهد گذاشت. ۱۰. چه زمانی صلح در جهان خواهد بود؟ ۱۱. آیا شما ⑩ מָתַי יִהְיֶה שָׁלוֹם בָּעוֹלָם? ⑪ הַאִם אַתֶּם אֲמִתִּים תָּבוֹאוּ לִרְאוֹת אוֹתָנוּ שָׁבוּעַ הַבָּא? (مذکر) واقعا هفتهٔ آینده خواهید آمد که ما را ببینید(=دیدن)؟ ۱۲. من (مونث) او (مذکر) را دوست دارم زیرا (او) ⑫ אֲנִי אוֹהֶבֶת אוֹתָן כִּי הוּא תָּמִיד אוֹמֵר אֶת הָאֱמֶת. ⑬ אֲנִי פּוֹחֶדֶת לִהְיוֹת בַּחֹשֶׁךְ همیشه حقیقت را می گوید. ۱۳. من (مونث) می‌ترسم در تاریکی باشم (=بودن). ⑭ בְּשַׁבָּת אֲנַחְנוּ אוֹכְלִים לֶחֶם לָבָן می‌خوریم. ۱۵. الان من (مذکر) میفهمم که (من) اشتباهی کردم.

ج- جمله های زیر را از زمان گذشته به آینده برگردانید.

۱. הֵם נָפְלוּ לַמַּיִם.

۲. אֲנִי שָׁתִיתִי יַיִן.

۳. אֲנַחְנוּ גָּרְנוּ בִּירוּשָׁלַיִם.

۴. הַשָּׁמֶשׁ עָלְתָה.

۵. הָאִישׁ מֵת פִּתְאֹם.

۶. הֵם קָנוּ בַּיִת.

۷. אֶת מִי רָאִית בַּגַּן?

۸. מָה עָשִׂיתָ לוֹ?

۹. אֲנִי נָסַעְתִּי לְאֶרֶץ רְחוֹקָה.

۱۰. מָתַי שָׁבְתָּ הָעִירָה?

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור כו
لغات درس ۲۶

בָּנָה (לִבְנוֹת): ساخت، بنا کرد؛ (مصدر: ساختن، بنا کردن) built (v)

דֶּרֶךְ: مسیر، راه، گذر through, via

זָר, זָרָה: غریبه، خارجی؛ غریبه، خارجی (مونث) stranger, foreigner, strange, foreign

יָלַד (לָלֶדֶת): متولد کرد، به دنیا آورد؛ (مصدر: متولد کردن، به دنیا آوردن) gave birth

כֹּחַ (כֹּחוֹת): نیرو، قدرت؛ (جمع: نیروها، قدرت‌ها) force, power

כַּן: بنابراین، پس so, thus

לִפְנֵי: قبل ago

מְנוּחָה: استراحت، آرامش rest, repose

מְנוֹרָה (מְנוֹרוֹת): لامپ، شمع، جا شمعی؛ (جمع: لامپ‌ها، شمع‌ها، جا شمعی‌ها) lamp, candelabra

נָח (לָנוּחַ): (استراحت کرد)؛ مصدر: استراحت کردن (v) rested

פָּתוּחַ, פְּתוּחָה: باز؛ باز (مونث) open, Part

קָדוֹשׁ, קְדוֹשָׁה: مقدس؛ مقدس (مونث) holy

רַב, רַבָּה: زیاد، بزرگ؛ زیاد، بزرگ (مونث) great, much

רַבִּים, רַבּוֹת: زیاد (جمع مذکر)؛ زیاد (جمع مونث) many

שָׁלֵם, שְׁלֵמָה: کامل، صحیح، تمام؛ کامل، صحیح، تمام (مونث) complete, whole, sound

בָּרִיא וְשָׁלֵם: صحیح و سالم، سالم و کامل sound, hale and healthy

לְעוֹלָם לֹא, לֹא... לְעוֹלָם: هرگز never (with future)

מַה טּוֹב = כַּמָּה טּוֹב: چه خوب!، چه عالی! how good!

מַה גָּדוֹל! = כַּמָּה גָּדוֹל! : چه بزرگ! how great!

תּוֹדָה רַבָּה: خیلی متشکرم thanks a lot

אִם אֵין קֶמַח, אֵין תּוֹרָה; אִם אֵין תּוֹרָה, אֵין קֶמַח. (פִּרְקֵי אָבוֹת)
اگر آرد نبود، تورات هم نبود؛ اگر تورات نبود، آرد هم وجود نداشت.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

دستور زبان درس ۲۶

۱- اگر ریشه فعل با «י» شروع شود به دو دسته تقسیم می شوند:

א) افعالی که حرف «י» در مصدر زمان آینده نوشته می شود اما خوانده نمی‌شود.

ב) افعالی که حرف «י» در مصدر و زمان آینده حذف می‌شود.

نکته: این افعال در زمان گذشته و حال مانند افعال سالم صرف می شوند؛ مثال: فعلی که از مصدر לִישֹׁן (خوابیدن) که درآن، هنگام صرف هر سه حرف ریشه فعل باقی می ماند.

شخص	ضمیر	فعل آینده
مفرد	אֲנִי	אִישַׁן
	אַתָּה	תִּישַׁן
	אַתְּ	תִּישְׁנִי
	הוּא	יִישַׁן
	הִיא	תִּישַׁן
جمع	אֲנַחְנוּ	נִישַׁן
	אַתֶּם	תִּישְׁנוּ
	אַתֶּן	תִּישַׁנָּה
	הֵם	יִישְׁנוּ
	הֵן	תִּישַׁנָּה

نکته: الگوی اول شخص مفرد مذکر، صرف افعالی که حرف اول ریشه‌ی آنها «י» است بر وزن אֶפְעַל می‌باشد، اما حرف «י» از فعلی که در زمان آینده از مصدر לָשֶׁבֶת به معنای نشستن ساخته می شود، حذف می‌شود.

شخص	ضمیر	فعل آینده
مفرد	אֲנִי	אֵשַׁב
	אַתָּה	תֵּשַׁב
	אַתְּ	תֵּשְׁבִי
	הוּא	יֵשַׁב
	הִיא	תֵּשַׁב
جمع	אֲנַחְנוּ	נֵשַׁב
	אַתֶּם	תֵּשְׁבוּ
	אַתֶּן	תֵּשַׁבְנָה
	הֵם	יֵשְׁבוּ
	הֵן	תֵּשַׁבְנָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

نکته: فعل هایی که از مصدر «לָלֶדֶת»، «לָצֵאת»، «לָרֶדֶת» و «לָלֶכֶת» ساخته می شوند مشابه افعال فوق صرف می‌شوند.

صرف فعل از مصدر לָדַעַת (دانستن)		
شخص	ضمیر	فعل آینده
נ֫	אֲנִי	אֵדַע
	אַתָּה	תֵּדַע
	אַתְּ	תֵּדְעִי
	הוּא	יֵדַע
	הִיא	תֵּדַע
נ֬	אֲנַחְנוּ	נֵדַע
	אַתֶּם	תֵּדְעוּ
	אַתֶּן	תֵּדַעְנָה
	הֵם	יֵדְעוּ
	הֵן	תֵּדַעְנָה

نکته: در صرف آن دسته افعالی که حرف «י» حذف می شود؛ پیشوند های فعل آینده نیکود صِقه می گیرند.

۲- کلمه ی «לְעוֹלָם» به دو معنای « جهان» و « برای همیشه و تا ابد» به کار رفته است؛ مثال:

אֲנִי אֶזְכֹּר זֹאת לָעוֹלָם. من برای همیشه این را به یاد خواهم داشت (تا ابد یادم می ماند).

و اگر این کلمه با قید منفی ساز «לֹא» استعمال شود به معنای « هرگز » می باشد؛ مثال:

לֹא אֶשְׁכַּח זֹאת לָעוֹלָם. = לָעוֹלָם לֹא אֶשְׁכַּח זֹאת. ← من هرگز این را فراموش نمی کنم.

واژه «מֵעוֹלָם» به معنای هرگز برای زمان گذشته استعمال می شود؛ مثال:

מֵעוֹלָם לֹא שָׁמַעְתִּי זֹאת. = לֹא שָׁמַעְתִּי זֹאת מֵעוֹלָם. ← من هرگز این را نشنیدم.

۳- کلمه «כַּמָּה» و «מַה» برای بیان تعجب مورد استفاده قرار می گیرد؛ مثال:

(כַּמָּה) מַה טּוֹב הָאִישׁ הַזֶּה ! چقدر این مرد خوب است!

(כַּמָּה) מָה רַב הַכֹּחַ שֶׁלּוֹ ! چقدر نیروی او زیاد است!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

متن درس ٢٦

הַבְּרָכָה שֶׁל הַנָּבִיא

לִפְנֵי שָׁנִים רַבּוֹת חָיוּ בְּעִיר שׁוּנֵם אִישׁ וְאִשָּׁה עֲשִׁירִים. הֵם הָיוּ אֲנָשִׁים טוֹבִים מְאֹד. וְהַבַּיִת שֶׁלָּהֶם הָיָה פָּתוּחַ לְכָל זָר.

בַּיָּמִים הָאֵלֶּה חַי נָבִיא בְּשֵׁם אֱלִישָׁע. כָּל פַּעַם שֶׁאֱלִישָׁע הָיָה עוֹבֵר דֶּרֶךְ הָעִיר שׁוּנֵם, הוּא הָיָה בָּא אֶל הַבַּיִת שֶׁל הָאִישׁ וְהָאִשָּׁה הַטּוֹבִים הָאֵלֶּה. שָׁם הָיָה אוֹכֵל, שָׁם הָיָה נָח וְשָׁם הָיָה יָשֵׁן.

יוֹם אֶחָד אָמְרָה הָאִשָּׁה אֶל הַבַּעַל שֶׁלָּהּ:

– אֲנִי רוֹאָה שֶׁהָאוֹרֵחַ שֶׁלָּנוּ, אֱלִישָׁע, הוּא אִישׁ קָדוֹשׁ. הַבַּיִת שֶׁלָּנוּ קָטָן, וְאֵין דַּי מָקוֹם בִּשְׁבִילוֹ לָנוּחַ בּוֹ. נִבְנֶה חֶדֶר בִּשְׁבִילוֹ, בַּחֶדֶר נָשִׂים מִטָּה, שֻׁלְחָן, כִּסֵּא וּמְנוֹרָה. כַּאֲשֶׁר אֱלִישָׁע יָבוֹא הָעִירָה, הוּא יָגוּר בּוֹ וְיִמְצָא שָׁם מְנוּחָה. שָׁם יֵשֵׁב, שָׁם יָנוּחַ וְשָׁם יִישַׁן.

– אַתְּ צוֹדֶקֶת, עָנָה הַבַּעַל. אֲנִי אֵלֵךְ וְאֶבְנֶה חֶדֶר בִּשְׁבִיל הַנָּבִיא.

אַחֲרֵי זְמַן קָצָר, בָּא אֱלִישָׁע הַנָּבִיא לָעִיר שׁוּנֵם. הוּא רָאָה אֶת הַחֶדֶר הֶחָדָשׁ שֶׁהָאִישׁ וְהָאִשָּׁה בָּנוּ בִּשְׁבִילוֹ. הַדָּבָר עָשָׂה רֹשֶׁם חָזָק עַל הַנָּבִיא.

– מַה טּוֹבִים הָאֲנָשִׁים הָאֵלֶּה, חָשַׁב הַנָּבִיא, וּמַה טּוֹב לְעַם יִשְׂרָאֵל שֶׁיֵּשׁ בּוֹ אֲנָשִׁים כָּאֵלֶּה. אֵלֵךְ וְאֶקְרָא לָאִשָּׁה, וְאֶשְׁאַל אוֹתָהּ אִם יֵשׁ לָהּ בַּקָּשָׁה.

כְּאֲשֶׁר הָאִשָּׁה בָּאָה, אָמַר לָהּ אֱלִישָׁע:

– לְעוֹלָם לֹא אֶשְׁכַּח אֶת כָּל הַטּוֹב שֶׁעֲשִׂיתֶם לִי. אֵיךְ וּבַמָּה אֲנִי יָכוֹל לְשַׁלֵּם לָכֶם? הַאִם יֵשׁ לָךְ בַּקָּשָׁה?

– תּוֹדָה רַבָּה, אָמְרָה הָאִשָּׁה, אֲנַחְנוּ לֹא צְרִיכִים דָּבָר. תּוֹדָה לָאֵל אֲנַחְנוּ בְּרִיאִים וּשְׁלֵמִים.

אֱלִישָׁע יָדַע שֶׁאֵין לָהֶם בֵּן. הוּא חָשַׁב רֶגַע וְאָז אָמַר לָהּ:

– יִשְׁלַח לָךְ ה׳ בְּרָכָה מִן הַשָּׁמַיִם, וּבַשָּׁנָה הַבָּאָה תֵּלְדִי בֵּן!

וְכֵן הָיָה. לֹא עָבְרָה שָׁנָה וְהָאִשָּׁה יָלְדָה בֵּן. אָז רָאוּ הָאִישׁ וְהָאִשָּׁה מָה רַב הַכֹּחַ שֶׁל אֱלִישָׁע הַנָּבִיא.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۲۶

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. אַיפֹה יָשַׁן אֱלִישָׁע כַּאֲשֶׁר הָיָה בָּא לָעִיר שׁוּנֶם? اِلیشاع نبی هنگامی که به شهر شونم می رفت در کجا می‌خوابید ؟

۲. לָמָּה רָצְתָה הָאִשָּׁה לִבְנוֹת חֶדֶר? چرا آن زن میخواست یک اتاق بسازد؟

۳. מַה שָּׂמָה הָאִשָּׁה בַּחֶדֶר הֶחָדָשׁ? آن زن در آن اتاق جدید را چه چیزی قرار داد؟

۴. מָה הָיְתָה הַבְּרָכָה שֶׁל הַנָּבִיא אֱלִישָׁע? برکت الیشاع نبی چه بود ؟

۵. אֵיךְ רָאוּ הָאִישׁ וְהָאִשָּׁה אֶת הַכֹּחַ הַגָּדוֹל שֶׁל הַנָּבִיא? آن مرد و آن زن، قدرت بزرگ پیامبر را چطور دیدند؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. من فردا تا ظهر خواهم خوابید زیرا (من) دیروز خوب نخوابیدم. ۲. اگر شما (مذکر) دستور یاد نگیرید، (شما) هرگز عبری یاد نخواهید گرفت. ۳. سپس من در باغ خواهم نشست و (من) روزنامه را خواهم خواند. ۴. من هرگز ندانستم علاقه تو (مذکر) به تورات مقدس چقدر زیاد است. ۵. چوپان با گوسفندان به سوی رودخانه سرازیر خواهد شد. ۶. او (مونث) پاسخ داد: «من فقط یک (عدد) تقاضا دارم. من می‌خواهم پسری به دنیا بیاورم.» ۷. آنها یک خانه بر روی کوهی نزدیک دریا خواهند ساخت. ۸. یک هفته قبل غریبه‌ای آمد و نامه تو (مونث) را به من داد. ۹. ما نمی‌توانیم در این هتل آرامش بیابیم. ۱۰. او (مونث) باید استراحت کند زیرا (او) بیمار بود و (او) بسیار خسته است. ۱۱. من چراغی برای مادربزرگم خواهم خرید زیرا او چراغش را شکست. ۱۲. او (مذکر) بسیار ضعیف است و (او) قدرت نخواهد داشت آنقدر دور برود (=رفتن). ۱۳. من (مذکر) می‌خواهم بدانم چه برایم رخ خواهد داد اگر (من)، پرسش‌ها پاسخ ندهم. ۱۴. هیچ چیز جدیدی در این جهان وجود ندارد. ۱۵. ما دیگر ماضی و مضارع افعال سالم را یاد گرفته‌ایم. ۱۶. تندرست و سالم بودن چه خوب است!

ⓥ הֵם יִבְנוּ בַּיִת עַל הַר עַל-יַד הַיָּם. ⓧ לְפָנַי שָׁבוּעַ זָר בָּא וְנָתַן לִי אֶת הַמִּכְתָּב שֶׁלְּךָ. ⓨ אֲנַחְנוּ לֹא יְכוֹלִים לִמְצֹא מְנוּחָה בְּמָלוֹן הַזֶּה.
ⓩ הִיא צְרִיכָה לָנוּחַ כִּי הִיא כָּלְכָה עָיֵף. ⓫ אֲנִי אֶקְנֶה מְנוֹרָה לְסָבְתָה שֶׁלִּי כִּי הִיא שָׁבְרָה אוֹתָהּ. ⓬ הוּא חָלָשׁ מְאֹד וְלֹא תִּהְיֶה כֹּחַ לָלֶכֶת כָּל כָּךְ רָחוֹק.
⓭ אֲנִי רוֹצֶה לָדַעַת מַה אֶקְרֶה אִם אֲנִי לֹא אֶעֱנֶה עַל כָּל שְׁאֵלָה. ⓮ אֵין שׁוּם דָּבָר חָדָשׁ בָּעוֹלָם הַזֶּה.

ج- جمله های زیر را از زمان گذشته به آینده برگردانید.

۱. הֵם יָשְׁבוּ בַּבַּיִת.

۲. הִיא יָלְדָה בַּת.

۳. הַבַּעַל נָח אַחֲרֵי הַצָּהֳרַיִם.

۴. אֲנִי סָגַרְתִּי אֶת הַדְּלָתוֹת

۵. מָתַי בְּנִיתֶם אֶת הַבַּיִת הֶחָדָשׁ?

۶. קָרָאתִי סֵפֶר מְעַנְיֵן.

۷. הִיא יָשְׁנָה פֹּה.

۸. אֵיפֹה מָצְאתָ אֶת הַכֶּסֶף?

۹. הִיא יָצְאָה מִן הַחֶדֶר.

۱۰. אַתֶּם הָלַכְתֶּם בַּדֶּרֶךְ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור כז
لغات درس ۲۷

spring, fountain

מַעְיָן (מַעְיָנוֹת): چشمه؛ (جمع: چشمه‌ها)

gift ← מַתָּנָה (מַתָּנוֹת): هدیه؛ (جمع: هدیه‌ها)

boy, lad ← נַעַר (נְעָרִים): جوان (مذکر)؛ (جمع: پسران جوان)

נַעֲרָה (נְעָרוֹת): جوان (مونث)، (جمع: دختران جوان)

girl, teenager

נָתַן (לָתֵת): داد؛ (مصدر: دادن)

gave

slave ← עֶבֶד (עֲבָדִים): بنده، عبد؛ (جمع: بندگان، عبدها)

שָׁאַב (לִשְׁאֹב): کشید (مایعات و...)؛ (مصدر: کشیدن)

drew (water, etc)

תַּכְשִׁיט (תַּכְשִׁיטִים): جواهر؛ (جمع: جواهرات)

jewel, jewelry

זְמַן רַב: زمانِ طولانی

a long time

in order to ← כְּדֵי ל...: به جهت...، برای اینکه...

בְּשִׂמְחָה רַבָּה: با کمال میل

with great joy, gladly

אָרֹךְ-אֲרֻכָּה: طولانی، بلند؛ (مونث)

long

אֲרָם: سرزمین آرام

Land of Aram ← استاد: منطقه سوریه می‌گوید.

אֶרֶץ (אֲרָצוֹת): سرزمین، زمین؛ (جمع: سرزمین‌ها، زمین‌ها)

Land, earth n.f

בַּת (בָּנוֹת): دختر؛ (جمع: دخترها)

maiden, girl

גָּדַל (לִגְדֹּל): بزرگ شد؛ (مصدر: بزرگ شدن)

grew (v)

גָּמָל (גְּמַלִּים): شتر؛ (جمع: شترها)

camel

דֶּרֶךְ: سفر

journey

כְּלִי יָקָר: ظرف ارزشمند

precious vessel (article)

כְּנַעַן: سرزمین کنعان(فنیقی ها)

Land of canaan

לְאַט: آهسته، به آرامی

slowly

לָקַח (לָקַחַת): برداشت، گرفت؛ (مصدر: برداشتن، گرفتن)

took

מָצָא אִשָּׁה, מָצָא טוֹב (משלי יח 22)

هر کس زنی را بیابد، خوبی می‌یابد.

- هر حرف ارزش عددی خاصی دارد:

א = ۱	ב = ۲	ג = ۳	ד = ۴	ה = ۵	
ו = ۶	ז = ۷	ח = ۸	ט = ۹	י = ۱۰	
כ = ۲۰	ל = ۳۰	מ = ۴۰	נ = ۵۰	ס = ۶۰	
ע = ۷۰	פ = ۸۰	צ = ۹۰	ק = ۱۰۰	ר = ۲۰۰	
ש = ۳۰۰	ת = ۴۰۰				

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

دستور زبان درس ۲۷

۱- صرف زمان حال و گذشته ی بعضی از افعال قاعده مند است اما در نحوه ی ساخت مصدر و صرف زمان آینده‌ی بی قاعده هستند. مانند فعل לָקַח که حرف اول آن «ל» حذف می شود حرف دوم آن داگش می‌گیرد.

صرف فعل از مصدر לָקַחַת (برداشتن)

شخص	ضمیر	فعل آینده
مفرد	אֲנִי	אֶקַּח
	אַתָּה	תִּקַּח
	אַתְּ	תִּקְחִי
	הוּא	יִקַּח
	הִיא	תִּקַּח
جمع	אֲנַחְנוּ	נִקַּח
	אַתֶּם	תִּקְחוּ
	אַתֶּן	תִּקַּחְנָה
	הֵם	יִקְחוּ
	הֵן	תִּקַּחְנָה

۲- فعل נָתַן فقط در زمان حال قاعده‌مند است و در زمان آینده و گذشته و همچنین مصدر بی قاعده است؛ مصدر این فعل לָתֵת می باشد.

شخص	ضمیر	فعل گذشته
مفرد	אֲנִי	נָתַתִּי
	אַתָּה	נָתַתָּ
	אַתְּ	נָתַתְּ
	הוּא	נָתַן
	הִיא	נָתְנָה
جمع	אֲנַחְנוּ	נָתַנּוּ
	אַתֶּם	נְתַתֶּם
	אַתֶּן	נְתַתֶּן
	הֵם	נָתְנוּ
	הֵן	נָתְנוּ

شخص	ضمیر	فعل آینده
مفرد	אֲנִי	אֶתֵּן
	אַתָּה	תִּתֵּן
	אַתְּ	תִּתְּנִי
	הוּא	יִתֵּן
	הִיא	תִּתֵּן
جمع	אֲנַחְנוּ	נִתֵּן
	אַתֶּם	תִּתְּנוּ
	אַתֶּן	תִּתַּנָּה
	הֵם	יִתְּנוּ
	הֵן	תִּתַּנָּה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

نکته: در ضمایر «אנחנו»، «אתן» و «הן» سومین حرف ریشه این فعل یعنی حرف «נ» با حرف «נ» در صرف فعل آینده ادغام می شود؛ مثال:

אנחנו ← נָתַנּוּ (=נָתַנְנוּ)　　אתן, הן ← תִּתֵּנָה (=תִּתַּנְנָה)

۳- کلمه «אָרֶץ» به معنای و زمین، کشور و کره‌ی زمین استعمال می‌شود اما اگر با ادات معرفه ساز یا حروف اضافه بکار رود تبدیل به «אֶרֶץ» می شود؛ مثال:

הָאָרֶץ　　בָּאָרֶץ　　לָאָרֶץ

همچنین این کلمه به معنی اسرائیل نیز بکار می رود؛ مثال:

הָיִיתִי בְּיִשְׂרָאֵל בַּשָּׁנָה שֶׁעָבְרָה. = הָיִיתִי בָּאָרֶץ בַּשָּׁנָה שֶׁעָבְרָה. ← من سال گذشته در اسرائیل بودم.

متن درس ۲۷

אֱלִיעֶזֶר וְרִבְקָה

אַבְרָהָם וְשָׂרָה הָיוּ זְקֵנִים כַּאֲשֶׁר שָׂרָה יָלְדָה אֶת יִצְחָק. יִצְחָק גָּדַל וְהָיָה לְאִישׁ. אַבְרָהָם רָאָה שֶׁבָּא הַזְּמַן לָקַחַת אִשָּׁה לְיִצְחָק. הוּא קָרָא לְאֱלִיעֶזֶר, הָעֶבֶד שֶׁלּוֹ, וְאָמַר לוֹ:

– אֵינֶנִּי רוֹצֶה לָקַחַת לְיִצְחָק אִשָּׁה מִן הַבָּנוֹת הָרָעוֹת שֶׁל אֶרֶץ כְּנַעַן. הַמִּשְׁפָּחָה שֶׁלִּי בָּאָה מֵאֶרֶץ אֲרָם. אֲנִי רוֹצֶה שֶׁיִּצְחָק יִקַּח אִשָּׁה מִשָּׁם, וַאֲנִי מוּכָן לִשְׁלֹחַ אוֹתְךָ שָׁמָּה. אַתָּה לְךָ גְּמַלִּים וַעֲבָדִים וְאַתָּה תֵּלֵךְ לְאֶרֶץ אֲרָם. אֲנִי נוֹתֵן לְךָ בְּרָכָה, שֶׁה' יִשְׁמֹר אוֹתְךָ בַּדַּרְךָ אֲשֶׁר תֵּלֵךְ בָּהּ, וְיִתֵּן לְךָ כֹּחַ לַעֲבֹר אֶת הַמִּדְבָּר הַגָּדוֹל וְהַנּוֹרָא, וְתָבוֹא בְּשָׁלוֹם לְאֶרֶץ אֲרָם. שָׁם יַעְמֹר לְךָ ה' לְמְצֹא אִשָּׁה טוֹבָה לְיִצְחָק. גַּם תַּכְשִׁיטִים וְכֵלִים יְקָרִים תִּקַּח אִתְּךָ כְּדֵי לָתֵת מַתָּנוֹת לַנַּעֲרָה וְלַהוֹרִים שֶׁלָּהּ.

אֱלִיעֶזֶר לָקַח אֶת הָעֲבָדִים, אֶת הַגְּמַלִּים וְאֶת הַמַּתָּנוֹת וְיָצָא לַדָּרֶךְ. הוּא עָבַר מִדְבָּרִים וּנְהָרוֹת, עָרִים וַאֲרָצוֹת, וּבַסּוֹף, אַחֲרֵי יָמִים רַבִּים, הוּא בָּא אֶל אֶרֶץ אֲרָם.

אֱלִיעֶזֶר יָדַע שֶׁהַבָּנוֹת שֶׁל הָעִיר בָּאוֹת בָּעֶרֶב אֶל הַמַּעְיָן לִשְׁאֹב מַיִם. לָכֵן, שָׁם אֶפְשָׁר יִהְיֶה לִפְגֹּשׁ בָּנוֹת רַבּוֹת כְּדֵי לִבְחֹר אִשָּׁה טוֹבָה לְיִצְחָק. הוּא לֹא נָח אֲפִלּוּ רֶגַע, בְּלֵב מָלֵא תִּקְוָה הָלַךְ מִיָּד שָׁמָּה. הוּא עָמַד לֹא רָחוֹק מִן הַמַּעְיָן, וְלֹא זָז מִשָּׁם זְמַן רַב. פִּתְאֹם הוּא רָאָה נַעֲרָה יָפָה עוֹלָה לְאַט מִן הַמַּעְיָן עִם כַּד מָלֵא מַיִם. הוּא הָלַךְ מַהֵר אֶל הַנַּעֲרָה וְאָמַר לָהּ:

– אֲנִי אִישׁ זָר בָּאָרֶץ הַזֹּאת. בָּאתִי מִדֶּרֶךְ אֲרֻכָּה וְקָשָׁה. עָבַרְתִּי עָרִים וַאֲרָצוֹת רַבּוֹת, אֲנִי עָיֵף וְצָמֵא. הַאִם תִּתְּנִי לִי לִשְׁתּוֹת טִפּוֹת אֲחָדוֹת מִן הַכַּד שֶׁלָּךְ?

– בְּשִׂמְחָה רַבָּה, עָנְתָה הַנַּעֲרָה. הִנֵּה מַיִם בִּשְׁבִילְךָ, וְגַם אַלֶיךָ וְאֶשְׁאַב עוֹד מַיִם וְאֶתֵּן לַגְּמַלִּים שֶׁלְּךָ.

הַלֵּב הַטּוֹב שֶׁל הַנַּעֲרָה וְהַיֹּפִי שֶׁלָּהּ עָשׂוּ רֹשֶׁם חָזָק עַל אֱלִיעֶזֶר. הִיא בְּוַדַּאי תִּהְיֶה אִשָּׁה טוֹבָה לְיִצְחָק, כָּךְ חָשַׁב אֱלִיעֶזֶר, וְכֵן הָיָה. הַנַּעֲרָה הַזֹּאת הִיא רִבְקָה, הָאִשָּׁה שֶׁל יִצְחָק, וְהָאֵם שֶׁל עֵשָׂו וְיַעֲקֹב.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۲۷

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید. הוא רוצה שיצחק יקח אשה משם.

۱. לָמָּה שָׁלַח אַבְרָהָם אֶת אֱלִיעֶזֶר לְאֶרֶץ אֲרָם? چرا ابراهیم الیزر را به سرزمین آرام فرستاد؟

۲. מַה לָּקַח אִתּוֹ אֱלִיעֶזֶר? چه چیزی الیزر با خودش برداشت؟ הוא לָקַח את העבדים את הַגְּמַלִּים וְאֶת הַמַּתָּנוֹת.

۳. בִּשְׁבִיל מִי לָקַח אֱלִיעֶזֶר אֶת הַמַּתָּנוֹת? الیزر برای چه کسی هدیه ها را برداشت؟ לַנַּעֲרָה וְלַהוֹרִים שֶׁלָּהּ.

۴. לָמָּה הָלַךְ אֱלִיעֶזֶר אֶל הַמַּעְיָן? چرا الیزر به سمت چشمه رفت؟ כִּי הַבָּנוֹת שֶׁל הָעִיר בָּאוֹת אֶל הַמַּעְיָן.

۵. מַדּוּעַ חָשַׁב אֱלִיעֶזֶר שֶׁהַנַּעֲרָה תִּהְיֶה אִשָּׁה טוֹבָה לְיִצְחָק؟ چرا الیعزر فکر کرد که آن دختر، زن خوبی برای اسحاق خواهد بود؟ כִּי הַלֵּב הַטּוֹב שֶׁלָּהּ וְהַיָּפִי שֶׁלָּהּ. הנער נתן לה מתנה יפה. היא מכרה את כל התכשיטים שלה כדי לתת את הכסף לעניים

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید. אין זה מעיל את תקחי לדרך.

۱. پسر جوان به او (مونث) هدیه زیبایی داد. ۲. تو (مونث) کدام‌کت را برای سفر برخواهی داشت؟ ۳. او (مونث) همه جواهراتش را فروخت تا پول را به فقرا بدهد. ۴. او (مذکر) به کشوری خارجی آمد که در آن سکونت کند (=سکونت کردن). ۵. مامان، تو چه چیزی به من خواهی داد اگر من پسر خوبی باشم؟ ۶. بردگان چشمه‌ای در بیابان یافتند. ۷. از روزی که ما با هم در مدرسه درس خواندیم مدتی طولانی سپری شده است. ۸. دختران با کوزه‌ها خواهند آمد که آب از رودخانه بیرون بکشند (= بیرون کشیدن). ۹. شتر می‌تواند روزهای زیاد بدون آب زندگی کند. ۱۰. هنگامی که شب‌ها دراز هستند، روزها کوتاه هستند. ۱۱. او (مذکر) طولانی زندگی کرد. ۱۲. من هرگز از والدینم پول نخواهم گرفت؛ من در یک رستوران کار خواهم کرد. ۱۳. ما همه کتاب‌هایمان را به کتابخانه شهر دادیم. ۱۴. خواهرم هدیه‌ها را برای پدر و مادرمان انتخاب می‌کرد. ۱۵. او (مذکر) دوست دارد بگیرد (= گرفتن)، اما نکند (= ندادن). ۱۶. من (مونث) می‌دانم چطور بخوانم (=خواندن)، اما (من) هنوز کند می‌خوانم.

④ הוא בא אל ארץ זרה לגור בה. ⑤ אמא מה את תתני לי אם אני אהיה נער טוב. ⑥ העבדים מצאו מעין במדבר. ⑦ זמן רב עבר מן היום שאנחנו למדנו יחד בבית הספר. ⑧ הנערות תבאנה עם כדים לשאוב מים מן הנהר. ⑨ הגמל יכול לחיות ימים רבים בלי מים. ⑩ כאשר הלילות ארוכות הימים קצרים. ⑪ הוא חיים ארוכים. ⑫ אני לעולם לא אקח כסף מן חורים שלי אני אעבור ⑬ אנחנו נתנו כל הספרים שלנו אל הספרים של העיר ⑭ אחות שלי כבר תדע לבחור המתנות לחורים שלנו ⑮ הוא אוהב לקחת אבל לא לתת. ⑯ אני יודעת איך לקרוא אבל אני עוד קוראת לאט.

ج-در جمله های زیر فعل ماضی را به آینده و فعل آینده را به ماضی برگردانید.

۱. אֲנִי נָתַתִּי לוֹ מַעֲטָפָה. אֶתֵּן

۲. אֲנַחְנוּ נִתֵּן לָכֶם מְנוּחָה. נָתַנּוּ

۳. הָאִשָּׁה לָקְחָה אֶת הַקֶּמַח. תִּקַּח

۴. אַתְּ נָתַתְּ לִי מִלּוֹן. תִּתְּנִי

۵. הַאִם תִּתְּנוּ לָהֶם יַיִן לִשְׁתּוֹת? נְתַתֶּם

۶. אֲנַחְנוּ לָקַחְנוּ לֶחֶם לַדָּרֶךְ. נִקַּח

۷. הַבָּנוֹת נָתְנוּ מַתָּנָה לַהוֹרִים. תִּתֵּנָה

۸. הַנַּעֲרָה נָתְנָה לוֹ סַכִּין. תִּתֵּן

۹. אֶקַּח אֶת הַצַּלָּחוֹת מִן הַשֻּׁלְחָן. לָקַחְתִּי

۱۰. אֵיזוֹ בְּרָכָה תִּתְּנִי לוֹ? נָתַתְּ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור כח
لغات درس ۲۸

אֹהֶל (אֳהָלִים): چادر؛ (جمع: چادرها) tent

אֱלֹהִים: خداوند، الله God

בָּרָא (לִבְרוֹא): خلق کرد (فقط برای خداوند)؛ (مصدر: خلق کردن) created (used for Divine creation)

בָּרוּךְ, בְּרוּכָה: مبارک، متبارک؛ مبارک، متبارک (مونث) blessed, Part

הֵנָּה: اینجا hither

טוֹבָה (טוֹבוֹת): لطف؛ (جمع: لطف‌ها) favor

לְאַט לְאַט: به آهستگی، خیلی آهسته very slowly

סָבַל (לִסְבֹּל): تحمل کرد، رنج کشید؛ (مصدر: تحمل کردن، رنج کشیدن) suffered, tolerated

סָלַח (לִסְלֹחַ) לְ...: بخشید؛ (مصدر: بخشیدن) forgave

סְעוּדָה: وعده غذایی، غذا meal

פָּנָה (לִפְנוֹת): چرخید، رو کرد؛ (مصدر: چرخیدن، رو کردن) turned, faced

פָּנִים: صورت (مذکر و مونث) face npl m & f.

צַדִּיק (צַדִּיקִים): پرهیزکار، مردم درستکار؛ (جمع: مردمان صادق، مردمان درستکار) Pious man righteous man

רָחַץ (לִרְחוֹץ): شست؛ (مصدر: شستن) washed

שׁוּב: دوباره again

שָׁעָה (שָׁעוֹת): ساعت، مدت؛ (جمع: ساعت‌ها، مدت‌ها) hour, awhile

הָלַךְ לוֹ: رفت پی کارش، رهسپار شد he went away

דַּע מַאַיִן בָּאתָ וּלְאָן אַתָּה הוֹלֵךְ. (פִּרְקֵי אָבוֹת)

بدان از کجا آمده‌ای و به کجا می‌روی. (رساله اخلاق پدران)

دستور زبان درس ۲۸

۱- فعل امر در زبان عبری از فعل آینده ساخته می شود به این صورت که پیشوند «ת» از افعال دوم شخص مفرد و جمع حذف می‌شود؛ مثال:

فعل سالم לִגְמוֹר (تمام کردن)		
ضمیر	فعل آینده (עָתִיד)	فعل امر (צִוּוּי)
אַתָּה	תִּגְמֹר	גְּמֹר
אַתְּ	תִּגְמְרִי	גִּמְרִי
אַתֶּם	תִּגְמְרוּ	גִּמְרוּ
אַתֶּן	תִּגְמֹרְנָה	גְּמֹרְנָה

فعل سالم לִשְׁמוֹעַ (شنیدن)		
ضمیر	فعل آینده (עָתִיד)	فعل امر (צִוּוּי)
אַתָּה	תִּשְׁמַע	שְׁמַע
אַתְּ	תִּשְׁמְעִי	שִׁמְעִי
אַתֶּם	תִּשְׁמְעוּ	שִׁמְעוּ
אַתֶּן	תִּשְׁמַעְנָה	שְׁמַעְנָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

نکته ۱: تغییر نیکود شوا به خیقیک در دوم شخص مفرد مونث یعنی فعل «גִּמְרִי» و دوم شخص جمع مذکر یعنی فعل «גִּמְרוּ» به جهت قانونی است که بیان می کند دو شوا در ابتدای کلمه پشت سر هم مجاز نیست همانطور که قبلا در درس ۲۳ گفته شد همین قانون در افعالی که اولین حرف ریشه ی آنها حرف حلقی است نیز صدق می‌کند؛ مثال صرف فعل امری که حرف اول آن حلقی است:

فعل	دوم شخص مفرد مذکر	دوم شخص مفرد مونث	دوم شخص جمع مذکر	دوم شخص جمع مونث
آینده	אתה תַּעֲזֹר	את תַּעֲזְרִי	אתם תַּעֲזְרוּ	אתן תַּעֲזֹרְנָה
امر	עֲזֹר	עִזְרִי	עִזְרוּ	עֲזֹרְנָה

نکته ۲: زمانی که دومین حرف اصلی افعال سالم، جزء حروف حلقی باشند در دوم شخص مفرد مونث فعل امر، و دوم شخص جمع مذکر فعل امر، با نیکود پتخ تلفظ می شود؛ مثال:

ضمیر	فعل آینده (עָתִיד)	فعل امر (צִוּוּי)
אַתָּה	תִּשְׁאַל	שְׁאַל
אַתְּ	תִּשְׁאֲלִי	שַׁאֲלִי
אַתֶּם	תִּשְׁאֲלוּ	שַׁאֲלוּ
אַתֶּן	תִּשְׁאַלְנָה	שְׁאַלְנָה

۲- فعل امر افعالی که اولین حرف ریشه ی آن ها « י » ساکن[1] است؛ مثال افعالی که از مصدر לִישׁוֹן (خوابیدن) صرف می‌شوند:

ضمیر	فعل آینده (עָתִיד)	فعل امر (צִוּוּי)
אַתָּה	תִּישַׁן	יְשַׁן
אַתְּ	תִּישְׁנִי	יִשְׁנִי
אַתֶּם	תִּישְׁנוּ	יִשְׁנוּ
אַתֶּן	תִּישַׁנָּה	יְשַׁנָּה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۳- فعل امر افعالی که اولین حرف ریشه ی آن ها «י» ناقص است مانند افعالی که از مصدر לָשֶׁבֶת (نشستن) و לָדַעַת (دانستن) صرف می‌شوند:

ضمیر	فعل آینده (עָתִיד)	فعل امر (צִוּוּי)
אַתָּה	תֵּשֵׁב	שֵׁב
אַתְּ	תֵּשְׁבִי	שְׁבִי
אַתֶּם	תֵּשְׁבוּ	שְׁבוּ
אַתֶּן	תֵּשַׁבְנָה	שֵׁבְנָה

ضمیر	فعل آینده (עָתִיד)	فعل امر (צִוּוּי)
אַתָּה	תֵּדַע	דַּע
אַתְּ	תֵּדְעִי	דְּעִי
אַתֶּם	תֵּדְעוּ	דְּעוּ
אַתֶּן	תֵּדַעְנָה	דַּעְנָה

۴- فعل امر افعالی که دومین حرف ریشه ی آن ها « ו » یا « י » است؛ مثال افعالی که از مصدر לָקוּם (بلند شدن، برخواستن) و לָשִׂים (قرار دادن) صرف می‌شوند:

ضمیر	فعل آینده (עָתִיד)	فعل امر (צִוּוּי)	ضمیر	فعل آینده	فعل امر
אַתָּה	תָּקוּם	קוּם	אַתָּה	תִּשְׁמַע	שְׁמַע
אַתְּ	תָּקוּמִי	קוּמִי	אַתְּ	תִּשְׁמְעִי	שִׁמְעִי
אַתֶּם	תָּקוּמוּ	קוּמוּ	אַתֶּם	תִּשְׁמְעוּ	שִׁמְעוּ
אַתֶּן	תָּקֹמְנָה	קֹמְנָה	אַתֶּן	תִּשְׁמַעְנָה	שְׁמַעְנָה

۵- فعل امر افعالی که سومین حرف ریشه ی آن ها «ה» است؛ افعالی که از مصدر לִקְנוֹת (خرید کردن) و לַעֲשׂוֹת (انجام دادن) صرف می‌شوند.

ضمیر	فعل آینده (עָתִיד)	فعل امر (צִוּוּי)
אַתָּה	תִּקְנֶה	קְנֵה
אַתְּ	תִּקְנִי	קְנִי
אַתֶּם	תִּקְנוּ	קְנוּ
אַתֶּן	תִּקְנֶינָה	קְנֶינָה

ضمیر	فعل آینده (עָתִיד)	فعل امر (צִוּוּי)
אַתָּה	תַּעֲשֶׂה	עֲשֵׂה
אַתְּ	תַּעֲשִׂי	עֲשִׂי
אַתֶּם	תַּעֲשׂוּ	עֲשׂוּ
אַתֶּן	תַּעֲשֶׂינָה	עֲשֶׂינָה

نکته: نیکود حرف اصلی دوم در دوم شخص مفرد مذکر از سِگُل به صقه تغییر کرده تا هجای پایانی بلند تر شود.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۶- فعل امر افعالی که اولین حرف ریشه ی آن ها «נ» است؛ مثال افعالی که از مصدر לִנְפֹּל (انداختن، افتادن) و לִנְסֹעַ (سفر کردن) ساخته می‌شوند:

ضمیر	فعل آینده (עָתִיד)	فعل امر (צִוּוּי)
אַתָּה	תִּפֹּל	נְפֹל
אַתְּ	תִּפְּלִי	נְפְּלִי
אַתֶּם	תִּפְּלוּ	נְפְּלוּ
אַתֶּן	תִּפֹּלְנָה	נְפֹלְנָה

ضمیر	فعل آینده (עָתִיד)	فعل امر (צִוּוּי)
אַתָּה	תִּסַּע	סַע
אַתְּ	תִּסְּעִי	סְּעִי
אַתֶּם	תִּסְּעוּ	סְּעוּ
אַתֶּן	תִּסַּעְנָה	סַעְנָה

نکته: حرف «נ» اگر اولین حرف ریشه باشد در فعل امر دوباره ظاهر می شود مگر زمانی که آخرین حرف ریشه حروف «ח» و «ע» باشد؛ مثال فعل امر از مصدر לָקַחַת (برداشتن، گرفتن) و לָתֵת (دادن):

ضمیر	فعل آینده (עָתִיד)	فعل امر (צִוּוּי)
אַתָּה	תִּקַּח	קַח
אַתְּ	תִּקְּחִי	קְּחִי
אַתֶּם	תִּקְּחוּ	קְּחוּ
אַתֶּן	תִּקַּחְנָה	קַחְנָה

ضمیر	فعل آینده (עָתִיד)	فعل امر (צִוּוּי)
אַתָּה	תִּתֵּן	תֵּן
אַתְּ	תִּתְּנִי	תְּנִי
אַתֶּם	תִּתְּנוּ	תְּנוּ
אַתֶּן	תִּתֵּנָה	תֵּנָה

۷- برای ساخت فعل نهی در زبان عبری حرف « אַל » را به فعل زمان آینده اضافه می کنیم؛ مثال:

דָּוִד, אַל תִּכְתֹּב אֶת הַמִּכְתָּב. داوود؛ آن نامه را ننویس.

רוּת, אַל תִּשְׁכְּחִי אוֹתִי. روت؛ من را فراموش نکن

۸- فعل زمان آینده گاهی اقات در معنای امر استعمال می شود؛ مثال:

תַּלְמִידִים, תִּלְמְדוּ אֶת הַשִּׁיר עַל פֶּה. دانش آموزان، از حفظ شعر را یاد بگیرید.

۹- گاهی اوقات مصدر نیز به معنای امر استفاده می شود؛ مثال: לָשֶׁבֶת! بنشین!

برای منفی کردن این نوع امر از قید «לֹא» استفاده می شود؛ مثال: לֹא לָשֶׁבֶת ننشین!

توجه داشته باشید این نوع امر برای مفرد و جمع و برای مذکر و مونث بدون تغییر استعمال می شود.

۱۰- میتوان با اضافه کردن «בְּבַקָּשָׁה» به فعل امر یا فعل آینده ای که معنای امر میدهد و یا مصدری که معنای امر میدهد، فعل امر غیر مستقیم یا درخواست ساخت؛ مثال:

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

בְּבַקָּשָׁה, פִּתְחוּ אֶת הַסְּפָרִים. لطفا، کتاب ها را باز کنید. (فعل امر)

בְּבַקָּשָׁה, לִפְתֹּחַ אֶת הַסְּפָרִים. لطفا، کتاب ها را باز کنید. (مصدر)

۱۱- در کتاب مقدس برای بیان ممنوعیت های دائمی از قید « לֹא » به جای « אַל » استفاده شده است؛ مثال:

לֹא תִּגְנֹב. دزدی نخواهی کرد.

۱۲- در زبان عبری اصطلاح برو پی کارت را به صورت « הָלַךְ לוֹ » استعمال می کنند؛ مثال:

הוּא הָלַךְ לוֹ. او رفت برای خودش (رفت پی کار خودش)

הִיא תֵּלֵךְ לָהּ. اون زن خواهد رفت برای خودش (آن زن پی کار خودش خواهد رفت)

این اصطلاح در حالت امر، اینگونه صرف می شود؛ مثال:

مفرد مذکر: לֵךְ לְךָ ! برو پی کارت — جمع مذکر: לְכוּ לָכֶם ! بروید پی کارتان

مفرد مونث: לְכִי לָךְ ! برو پی کارت — جمع مونث: לֵכְנָה לָכֶן ! بروید پی کارتان

متن درس ۲۸

אַבְרָהָם וְהַזָּקֵן

אַבְרָהָם הָעִבְרִי הָיָה אִישׁ צַדִּיק. הָאֹהֶל שֶׁל אַבְרָהָם עָמַד עַל־יַד הַדֶּרֶךְ. הָאֹהֶל שֶׁלּוֹ הָיָה תָּמִיד פָּתוּחַ לְאוֹרְחִים. אַבְרָהָם הָיָה נוֹתֵן אֹכֶל וּמַיִם לְכָל אִישׁ זָר שֶׁהָיָה עוֹבֵר בַּדֶּרֶךְ. הוּא לֹא הָיָה שׁוֹאֵל אֶת הָאוֹרֵחַ מַאַיִן הוּא בָּא וּלְאָן הוּא הוֹלֵךְ. כַּאֲשֶׁר הָאוֹרֵחַ הָיָה נוֹתֵן לוֹ תּוֹדָה, אַבְרָהָם הָיָה אוֹמֵר:

– אַל תִּתֵּן תּוֹדָה לִי. תֵּן תּוֹדָה לַה'. ה' בָּרָא אֶת הָאָרֶץ וְאֶת כָּל אֲשֶׁר בָּהּ.

בְּיוֹם חַם אֶחָד עָבַר אִישׁ זָקֵן וְחָלָשׁ עַל־יַד הָאֹהֶל שֶׁל אַבְרָהָם. הַבְּגָדִים שֶׁלּוֹ הָיוּ מְלֵאִים חוֹל לָבָן, וְהוּא הָלַךְ לְאַט לְאַט. אַבְרָהָם פָּנָה אֶל הַזָּקֵן, וְאָמַר לוֹ:

– בְּבַקָּשָׁה, אַל תַּעֲבֹר מִפֹּה. בּוֹא לְאֹהֶל שֶׁלִּי, רְחַץ אֶת הָרַגְלַיִם וְנוּחַ מְעַט.

הַזָּקֵן הָיָה עָיֵף מְאֹד, וְלֹא הָיָה לוֹ כֹּחַ לָלֶכֶת הָלְאָה. הוּא הָלַךְ בְּשִׂמְחָה רַבָּה אֶל הָאֹהֶל. אַבְרָהָם שָׁאַב מַיִם מִן הַמַּעְיָן וְנָתַן לַזָּקֵן לִרְחֹץ אֶת הַפָּנִים וְאֶת הָרַגְלַיִם. אַחֲרֵי שֶׁהַזָּקֵן רָחַץ אֶת הַפָּנִים וְאֶת הָרַגְלַיִם, אָמַר לוֹ אַבְרָהָם:

עַכְשָׁו שֵׁב, אֱכֹל וּשְׁתֵה מִכָּל מַה שֶּׁה' נָתַן לִי.

הַזָּקֵן אָמַר לוֹ תּוֹדָה וְיָשַׁב לֶאֱכֹל. אָז אָמַר אַבְרָהָם לַזָּקֵן:

– אַל תִּתֵּן תּוֹדָה לִי. תֵּן תּוֹדָה לַה', כִּי הוּא בָּרָא אֶת הָאֹכֶל הַזֶּה שֶׁאַתָּה אוֹכֵל.

הַזָּקֵן צָחַק וְאָמַר:

– אֵיךְ אֶפְשָׁר לָתֵת תּוֹדָה לְאֵל שֶׁלֹּא רוֹאִים אוֹתוֹ? אֵין אֲנִי רוֹאֶה אֶת הָאֵל שֶׁלְּךָ, אֵיךְ אֶתֵּן לוֹ תּוֹדָה?

אַבְרָהָם כָּעַס וְשָׁלַח אֶת הַזָּקֵן מִן הָאֹהֶל, וְאָמַר לוֹ:

– צֵא מִפֹּה! וְאֵל תָּבוֹא שׁוּב הֵנָּה!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הַזָּקֵן קָם, עָזַב אֶת הָאֹהֶל וְהָלַךְ לוֹ.
אָז שָׁמַע אַבְרָהָם קוֹל קוֹרֵא מִן הַשָּׁמַיִם:
– שֶׁמַע, אַבְרָהָם, אֶת הַזָּקֵן הַזֶּה סָבַלְתִּי שָׁנִים רַבּוֹת, וְאַתָּה לֹא יָכוֹל לִסְבֹּל אוֹתוֹ אֲפִילוּ שָׁעָה אַחַת?!
מִיָּד רָץ אַבְרָהָם אַחֲרֵי הַזָּקֵן, וּמָצָא אוֹתוֹ הוֹלֵךְ בַּדָּרֶךְ.
– סְלַח לִי! אָמַר לוֹ אַבְרָהָם, עָשָׂה לִי טוֹבָה, שׁוּב אֶל הָאֹהֶל וּגְמֹר אֶת הַסְּעוּדָה.
– אֲנִי רוֹאֶה שֶׁטָּעִיתִי, אָמַר הַזָּקֵן, אַתָּה בֶּאֱמֶת אִישׁ צַדִּיק וְקָדוֹשׁ. בָּרוּךְ תִּהְיֶה, וּבָרוּךְ הָאֱלֹהִים שֶׁלְּךָ.
וְהַזָּקֵן שָׁב יַחַד עִם אַבְרָהָם אֶל הָאֹהֶל.

تمرین های درس ۲۸

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. אֵיפֹה עָמַד הָאֹהֶל שֶׁל אַבְרָהָם? چادر ابراهیم کجا قرار داشت؟ על יד הדרך

۲. מָה הָיָה נוֹתֵן אַבְרָהָם לָאוֹרְחִים? ابراهیم به مهمانان چه می داد؟ הוא נותן אוכל ומים

۳. מָה הָיָה אוֹמֵר אַבְרָהָם לְכָל אוֹרֵחַ שֶׁהָיָה נוֹתֵן לוֹ תּוֹדָה? چرا ابراهیم به همه مهمانان می گفت که از او تشکر نکنید؟ כי ה' ברא את הארץ ואת כל האשר בה.

۴. מַדּוּעַ אָמַר אַבְרָהָם לַזָּקֵן "צֵא מִפֹּה"? چرا ابراهیم به آن پیرمرد گفت از اینجا برو و خارج شو؟ כי הזקן אמר: אב

۵. מָתַי רָץ אַבְרָהָם אַחֲרֵי הַזָּקֵן? چه وقتی ابراهیم دوید پشت سر آن پیرمرد؟ אני לא ראה את האל שלך, אב

אחרי הוא שמע קול קורא מן השמים. לא את לו תודה.

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید

۱. مرد پرهیزگار عادت داشت تنها یک وعده غذا در روز بخورد. ۲. هنگامی که پدر و مادرم به اسرائیل آمدند، (آنها) در خیمه‌ای اقامت گزیدند. ۳. روت، به من لطفی کن دوباره به مغازه برو و برای من نان بخر. ۴. لطفا مرا ببخش (مونث)، من روزنامه تو را در رستوران فراموش کردم. ۵. خدا به ابراهیم گفت: «از این سرزمین بیرون برو!»

האיש צדיק אכל רק אחת סעודה ביום. כאשר ההורים שלי בוא בישראל הב
חיים אהל. רות תעשה לי טובה: ללכת שוב לחנות לקנות לי לחם.
בבקשה סליחי לי (סליחי) אני שחפכתי את העיתון שלך במסעדה.

۶. مرا رها نکن (مذکر)! ۷. ابراهیم به غریبه روکرد و گفت: « بیا اینجا، لطفاً!» ۸. او (مونث) با پسرانی خوب متبارک است. ۹. خدا آسمان و زمین را آفرید. ۱۰. من (مونث) نمی‌توانم قیافه‌اش (مذکر) را تحمل کنم. ۱۱. آنها (مذکر) در زندگی بسیار رنج کشیدند. ۱۲. سریع به خانه بدو (مونث)، دیگر خیلی دیر است. ۱۳. این کیف دستی را بردار (مونث) و آن را به برادرت بده. ۱۴. دست‌هایتان را بشویید (مذکر) و برای غذا خوردن به سر میز بروید. ۱۵. دیروز من ساعت‌های زیادی در مزرعه کار کردم. ۱۶. آنقدر سخت کار نکن (مونث). سوی لحظه‌ای استراحت کن.

ה' ברא את הארץ ואת כל האשר בה. אל תעבדי כל כך קשה נותי רגע.
אני לא יכולה לסבול את הפנים שלו
רוצי מהר הביתה מאוד מאוד
קני את הלחם ותניאתו אל האח שלך. תחצוץ את הידיים שלכם ולכו לשלחן לאכל
את תמול אני עבדתי שעות בשדה.

ج- در جمله های زیر فعل آینده را به امر تبدیل کنید.

אַתָּה תִּקְנֶה סְפָרִים. קני

אַתְּ תִּפְתְּחִי אֶת הַחַלּוֹן. פתחי

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

אַתָּם תָּשׁוּבוּ הַבַּיְתָה. שׁוּב

אַתָּה תִּקַּח אֹכֶל. לָקַח

אַתֶּם תֵּשְׁבוּ בַּגַּן. יָשַׁב

אַתָּה תַּעֲשֶׂה לִי טוֹבָה. עָשָׂה

אַתְּ תִּשְׁתִּי יַיִן. שָׁתָה

אַתֶּם תִּסְּעוּ לְיִשְׂרָאֵל. נָסַע

אַתְּ תִּצְעֲקִי בְּקוֹל גָּדוֹל. צָעַק

אַתֶּן תִּסְגְּרָנָה אֶת הַדְּלָתוֹת. סָגַר

תִּתְּנוּ לָהּ מְנוּחָה. נָתַן / תָּנָה

אַתָּה לֹא תִּישַׁן בָּאֹהֶל. יָשַׁן

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור כט

لغات درس ۲۹

אַף = גַּם: همچنین also

אַף אֶחָד לֹא: هیچکس، یکنفر هم نه، یکی هم نه nobody, no one

בְּמֶשֶׁךְ: در طولِ during, in the course of

גָּבוֹהַ, גְּבוֹהָה: بلند؛ بلند (مونث) tall, high

דָּאַג (לִדְאֹג): نگران شد، (مصدر: نگران شدن) worried

דָּחַף (לִדְחֹף): هل داد، (مصدر: هل دادن) pushed

יְצִיאָה (יְצִיאוֹת): خروج، (جمع: خروجی‌ها) exit

מַה שֶּׁהוּא= מַשֶּׁהוּ: بعضی چیزها، بعضی something

מְכִירָה (מְכִירוֹת): فروش، (جمع: فروش‌ها) selling, sale

מְצִיאָה (מְצִיאוֹת): پیدا شده، یافته شده، (جمع: پیدا شده‌ها، یافته شده‌ها) bargain, find

מַרְאָה (מַרְאוֹת): دیدگاه، چهره، ظاهر، (جمع: چهره‌ها، ظاهرها) appearance, view, looks

נְסִיעָה (נְסִיעוֹת): سفر، (جمع: سفرها) trip, journey

פָּרַץ (לִפְרֹץ): ترکید، (مصدر: ترکیدن) burst, burst out

צְחוֹק: خندید laughter

קְנִיָּה (קְנִיּוֹת): خرید، (جمع: خریدها) purchase

קְפִיצָה (קְפִיצוֹת): پرش، (جمع: پرش‌ها) jump n.f.

קְרִיאָה (קְרִיאוֹת): فراخوان، صدا زده، (جمع: فراخوان‌ها) call, reading n.f.

רִיצָה (רִיצוֹת): دو (حاصلِ دویدن، اسم مصدر)، (جمع: دو ها) running n.f.

רַכֶּבֶת (רַכָּבוֹת): قطار، (جمع: قطارها) train

שְׁתִיָּה (שְׁתִיּוֹת): نوشیدنی، (جمع: نوشیدنی‌ها) drinking n.f.

תַּחֲנָה (תַּחֲנוֹת): ایستگاه، (جمع: ایستگاه‌ها) station n.f

תַּפּוּחַ (תַּפּוּחִים): سیب، (جمع: سیب‌ها) apple

עוֹד מְעַט [...: یکمِ دیگه، یه مقدار دیگه، چند لحظه دیگه in a little while...

סוֹף סוֹף: آخرالامر، نهایتاً، در پایان finally

הַלֵּב יִרְאֶה מַה שֶּׁלֹּא תִּרְאֶה הָעַיִן. (מִסְפְּרוּת יה"ב)

قلب می‌بیند آنچه را که چشم نمی‌بیند.

دستور زبان درس ۲۹

۱- اسامی عبری در الگوهای متعددی بکار می روند که «מִשְׁקָלִים» نامیده می شوند. اسم مصدر در زبان عبری با الگو یا «מִשְׁקָל» زیر استعمال می شود:

א) برای افعال سالمی که حرف اول ریشه (فاء الفعل) آن ها «נ» و یا «י» باشد و برای افعالی که آخرین حرف ریشه ی آنها (لام الفعل) آنها «א» باشد.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۱. «ـָ ـִי ـָה[1]» برای نمونه، چنین فعلی را بصورت: פ + ע + י + ל + ה خواهیم داشت: مثال:

נָפַל ← נְפִילָה افتاده

קָרָא ← קְרִיאָה خوانش

יָרַד ← יְרִידָה نزول، کاهش

כָּתַב ← כְּתִיבָה نوشته

۲. «G ـֵה ـָה יָה[2]»؛ مثال:

עָמַד ← עֲמִידָה ایستاده

ب) برای افعال سالمی که آخرین حرف ریشه ی آنها (لام الفعل) آنها « ה » باشد.

۱. «ـָה ـָה ـָ ה» برای نمونه، چنین فعلی را بصورت: פ+ ע+ ָ + ה خواهیم داشت؛ مثال:

ראה ← רְאִיָה دیدار

۲. « Gָ ـָה ـָ ה»؛ مثال:

עלה ← עֲלִיָה افزایش، عُلُو

نکته: در این مثال حرف « ה » به « י » تبدیل می شود

ج) برای افعال سالمی که حرف دوم ریشه ی آنها «ו» یا «י» است.

۳. « ـָה י ـָה ה » مثال:

קום ← קִימָה برخواسته

שיר ← שִׁירָה آواز، ترانه

متن درس ۲۹

הַבֵּן שֶׁלִּי

אִם אַתָּה נוֹסֵעַ בָּרַכֶּבֶת עִם הַבֵּן הַקָּטָן שֶׁלָּהּ. פְּעָמִים רַבּוֹת בְּמֶשֶׁךְ הַנְּסִיעָה אָמַר הַיֶּלֶד לְאִמּוֹ:

- אִמָּא, אֲנִי רוֹצֶה לִשְׁתּוֹת, אֲנִי צָמֵא מְאֹד.

- אֲנִי רוֹאָה שֶׁאַתָּה סוֹבֵל, אֲבָל מָה אֲנִי יְכוֹלָה לַעֲשׂוֹת? אֵין פֹּה אַף טִפָּה שֶׁל מַיִם לִשְׁתִיָּה. עוֹד מְעַט וְנָבוֹא לַתַּחֲנָה, וְשָׁם יֵשׁ הַרְבֵּה דְּבָרִים לִמְכִירָה. כַּאֲשֶׁר נֵרֵד מִן הָרַכֶּבֶת אֶעֱשֶׂה קְנִיּוֹת. נִקְנֶה גַּם מַשֶּׁהוּ לִשְׁתּוֹת. גַּם אָקְנֶה לְךָ תַּפּוּחִים וּגְלִידָה.

סוֹף סוֹף, אַחֲרֵי נְסִיעָה שֶׁל שָׁעָה, הָרַכֶּבֶת בָּאָה לַתַּחֲנָה. הַיֶּלֶד יָרַד בְּקֶפִיצָה מִן הָרַכֶּבֶת. הַתַּחֲנָה הָיְתָה מְלֵאָה אֲנָשִׁים. הָאֲנָשִׁים דָּחֲפוּ זֶה אֶת זֶה. רַבִּים רָצוּ אֶל הָרַכָּבוֹת, וְרַבִּים רָצוּ אֶל הַמּוֹנִיּוֹת שֶׁעָמְדוּ בְּשׁוּרָה אֲרֻכָּה עַל יַד הַתַּחֲנָה.

אל המוניות

הַאִם קָרְאָה:

---

[1] نماد « ـָ » اگر به تنهایی بیاید نماد یک صامت (حرف) و اگر همراه یکی از نیکودها بیاید نماد آن نیکود است. بدین معنا که داخل می تواند هر حرف را از حروف الفبا قرار بگیرد. به عنوان نمونه « ـָ » یعنی یک صامت به همراه مصوت کاماتص.

[2] حرف « ג » حرف اول عبارت Guttural Consonant به معنای صامت حلقی است. یعنی بجای آن می تواند هریک از صامت های حلقی باشد.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

- אוּרִי, עֲמֹד! לְאָן אַתָּה רָץ? אוּרִי, אֵיפֹה אַתָּה ?

אֲבָל הָרַעַשׁ בַּתַּחֲנָה הָיָה גָּדוֹל, וְהַיֶּלֶד לֹא שָׁמַע אֶת הַקְּרִיאוֹת שֶׁל הָאֵם.

הָאֵם יָרְדָה מֵהַר מִן הָרַכֶּבֶת אֲבָל לֹא רָאֲתָה אֶת אוּרִי. הִיא פָּנְתָה אֶל כָּל אִישׁ שֶׁהִיא רָאֲתָה, וְשָׁאֲלָה:

- סְלִיחָה, אוּלַי רָאִיתָ אֶת הַבֵּן שֶׁלִּי?

אַף אֶחָד לֹא שָׂם לַב לַשְּׁאֵלָה שֶׁלָּהּ.

אַחֲרֵי רִיצָה מֵאִישׁ לְאִישׁ, הִיא רָאֲתָה שׁוֹטֵר גָּבוֹהַ עוֹמֵד עַל־יַד הַיְצִיאָה. הִיא פָּנְתָה אֶל הַשּׁוֹטֵר בְּקוֹל רוֹעֵד וּמְלֵא פַּחַד:

- אוּלַי רָאִיתָ אֶת הַבֵּן שֶׁלִּי?

- בְּבַקָּשָׁה, גְּבֶרֶת, אִמְרִי לִי מַה הַמַּרְאֶה שֶׁל הַבֵּן שֶׁלָּךְ.

- הוּא יֶלֶד יָפֶה מְאֹד, עֲנָתָה הָאֵם. אֵין יֶלֶד יָפֶה בָּעוֹלָם כְּמוֹ הַבֵּן שֶׁלִּי.

הַשּׁוֹטֵר פָּרַץ בִּצְחוֹק וְאָמַר:

- אַל תִּדְאֲגִי, גְּבֶרֶת. נִמְצָא אֶת "הַמְּצִיאָה" שֶׁלָּךְ בָּרִיא וְשָׁלֵם.

تمرین های درس ۲۹

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید. הוא רוצה לישתות .

۱. מָה רָצָה הַיֶּלֶד בְּמֶשֶׁךְ הַנְּסִיעָה? پسر بچه در طول مدت سفر چه چیزی میخواست؟ הוא ירד בקפיצה מן הרכבת

۲. מָה עָשָׂה הַיֶּלֶד כַּאֲשֶׁר הָרַכֶּבֶת בָּאָה לַתַּחֲנָה? پسربچه هنگامی که قطار به ایستگاه رسید چه کاری انجام داد؟

۳. מַדּוּעַ לֹא שָׁמַע הַיֶּלֶד אֶת הַקְּרִיאָה שֶׁל הָאֵם? چرا آن پسر بچه صدای مادرش را نشنید؟ כי הרעש בתחנה היה גדול .

۴. אֵיפֹה עָמַד הַשּׁוֹטֵר? آن پلیس کجا ایستاده بود؟ על יד היציאה .

۵. מַדּוּעַ צָחַק הַשּׁוֹטֵר? چرا پلیس خندید؟ כי האם ענתה, הוא ילד יפה מאד .

1- בחנות זו, לעתים ניתן למצוא הנחות .

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید(به کاربرد اسم فعل‌ها دقت نمایید). לא דוחפת אותי, יש מספיק מקום בוכבת לכולם .

۱. گاهی در این فروشگاه، اجناس ارزانی یافته می شود. ۲. مرا هل نده (مذکر)، جای کافی برای همه در قطار هست. ۳. هیچ کس نمیداند فردا چه اتفاق خواهد افتاد. ۴. او (مذکر) می‌خواهد طی این سال ازدواج کند (=همسری گرفتن). ۵. در ایستگاه چند خروجی وجود دارد. ۶. من (مونث) می‌توانم از پنجره‌ام منظره‌ای زیبا ببینم. ۷. در جریان سفر طولانیمان (ما) مردم جالب زیادی را ملاقات کردیم. ۸. او پسری بسیار باهوش است، او در طول یک (عدد) هفته خواندن را یاد گرفت. ۹. او (مذکر) با یک (عدد) پرش از رودخانه عبور کرد. ۱۰. این آب فقط برای شست و شو خوب است، اما نه برای آشامیدن. ۱۱. او (مذکر) به تو (مونث) چه گفت که (تو) از خنده منفجر شدی؟ ۱۲. مردم بسیاری به خدا روی می‌آورند هنگامی که (آنها) بیمار هستند. ۱۳. دویدن، ورزش خوبی برای همه است. ۱۴. آیا تو (مونث) گرسنه هستی؟ به زودی من چیزی برای خوردن به تو خواهم داد. ۱۵. آب و هوا وحشتناک بود و، درنتیجه ما نگران بودیم که قطار سر (=در) وقت نخواهد رسید. ۱۶. درختان بلند زیادی در این جنگل وجود دارند.

5. בתחנה יש מספר יציאות - 6- אני יכול לראות מהחלון נוף יפהפה .

7- במהלך הנסיעה הארוכה, פגשנו אנשים מעניינים רבים .

8- הוא ילד חכם מאוד, הוא למד לקרוא תוך שבוע .

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

ج- اسم مصدر(שֵׁם הַפְּעוּלָה) افعال زیر را بنویسید و آنها را به فارسی ترجمه کنید.

לִפְגֹּשׁ – פְּגִישָׁה – ملاقات کردن، دیدار

לִשְׁמֹעַ	לִמְכֹּר	לִבְנוֹת
לִסְגֹּר	לִקְנוֹת	לִבְחֹר
לִפְתֹּחַ	לִסְלֹחַ	לִבְדֹּק
לִנְגֹּעַ	לָשָׁבֶת	לָשׁוּב
לֶאֱכֹל	לָדַעַת	לִזְרֹק

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור ל
لغات درس ۳۰

דּוֹד (דּוֹדִים): دایی، عمو — uncle

דּוֹדָה (דּוֹדוֹת): خاله، عمه، (جمع: خاله‌ها، عمه‌ها) — aunt

חוּט (חוּטִים): نخ، (جمع: نخ‌ها) — thread

חָזַר (לַחֲזוֹר): بازگشت، (مصدر: بازگشتن) — returned

חָזַר עַל: تکرار کرد — repeated

חַיָּט=(חַיָּטִים): خیاط — tailor

יוֹם הֻלֶּדֶת =(יְמֵי הֻלֶּדֶת): روز تولد، (جمع: روزهای تولد) — birthday

כָּבֵד, כְּבֵדָה: سنگین؛ سنگین (مونث) — heavy

כִּיס (כִּיסִים): جیب، کیسه، (جمع: جیب‌ها، کیسه‌ها) — Pocket

מַחַט (מְחָטִים): سوزن، (جمع: سوزن‌ها) — needle

נִפְלָא, נִפְלָאָה: شگفت‌انگیز؛ شگفت‌انگیز (مونث) — wonderful

סָפַר (לִסְפּוֹר): شمرد، (مصدر: شمردن) — counted

קַיִץ: تابستان — summer

רֹאשׁ (רָאשִׁים): سر، راس، بالای چیزی، شروع، نقطه‌ی آغاز، (جمع: سرها) — head, beginning

שָׂמֵחַ, שְׂמֵחָה: خوشحال، شاد؛ خوشحال، شاد (مونث) — glad, happy

תָּפַר (לִתְפּוֹר): دوخت، (مصدر: دوختن) — sewed

אַף פַּעַם לֹא= מֵעוֹלָם לֹא; לְעוֹלָם לֹא: هرگز — never

פִּתְגָם עַמָּמִי: حکایت‌ها، نصیحت‌هایی که سینه به سینه بین افراد نقل می‌شود. — a folk proverb

הַתַּפּוּחַ לֹא נוֹפֵל רָחוֹק מִן הָעֵץ. (פִּתְגָם עַמָּמִי)

سیب دور از درخت نمی‌افتد

دستور زبان درس ۳۰

۱- صرف «שֶׁלִּי»، «שֶׁלְּךָ» و... معادل صرف اسم به همراه ضمیر متصل است؛ مثال:

הַדּוֹד שֶׁלִּי = דּוֹדִי

הַדּוֹד שֶׁלְּךָ = דּוֹדְךָ
הַדּוֹד שֶׁלּוֹ = דּוֹדוֹ
הַדּוֹד שֶׁלָּךְ = דּוֹדַךְ
הַדּוֹד שֶׁלָּהּ = דּוֹדָהּ

הַדּוֹד שֶׁלָּנוּ = דּוֹדֵנוּ

הַדּוֹד שֶׁלָּכֶם = דּוֹדְכֶם
הַדּוֹד שֶׁלָּהֶם = דּוֹדָם
הַדּוֹד שֶׁלָּכֶן = דּוֹדְכֶן
הַדּוֹד שֶׁלָּהֶן = דּוֹדָן

نکته: اسامی تک هجایی با وزن «סוֹס»، «סוּס» و «סִיס» در هنگام اضافه شدن ضمایر متصل تغییر نمی‌کنند؛ مثال: דּוֹד, בּוּל, לוּחַ כִּיס

כִּיס:	כִּיסִי	כִּיסְךָ	כִּיסֵךְ	כִּיסוֹ	כִּיסָהּ
	כִּיסֵנוּ	כִּיסְכֶם	כִּיסְכֶן	כִּיסָם	כִּיסָן

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

בּוֹל:	בּוֹלִי	בּוֹלְךָ	בּוֹלֵךְ	בּוֹלוֹ	בּוֹלָהּ
	בּוֹלֵנוּ	בּוֹלְכֶם	בּוֹלְכֶן	בּוֹלָם	בּוֹלָן

۲- کلمه «עוֹד» به معنای هنوز زمانی که با ضمایر شخصی استعمال می شود می تواند با ضمیر متناسب متصل استعمال شود؛ مثال:

הַאִם אַתָּה עוֹדְךָ פֹּה? آیا تو هنوز اینجا هستی؟

۳- اسم های مفرد مونث دو هجایی که به «ָה» ختم می شوند که هجای نخست آن ها وزن «ַ◌ֹ◌», «ֶ◌ֹ◌» و «ִ◌ֹ◌» دارد؛ حرف «ה» به «ת» تبدیل می شود؛ مثال:

הַדּוֹדָה שֶׁלִּי = דּוֹדָתִי

הַדּוֹדָה שֶׁלְּךָ = דּוֹדָתְךָ	הַדּוֹדָה שֶׁלְּךְ = דּוֹדָתֵךְ
הַדּוֹדָה שֶׁלּוֹ = דּוֹדָתוֹ	הַדּוֹדָה שֶׁלָּהּ = דּוֹדָתָהּ

הַדּוֹדָה שֶׁלָּנוּ = דּוֹדָתֵנוּ

הַדּוֹדָה שֶׁלָּכֶם = דּוֹדַתְכֶם	הַדּוֹדָה שֶׁלָּכֶן = דּוֹדַתְכֶן
הַדּוֹדָה שֶׁלָּהֶם = דּוֹדָתָם	הַדּוֹדָה שֶׁלָּהֶן = דּוֹדָתָן

نکته: در دوم شخص جمع نیکود کاماتص به پتخ تبدیل می شود.

۳- اسم های مذکر که به «ָה» ختم می شوند زمانی که با ضمیر متصل استعمال می شوند حرف « ה » حذف می شود؛ مثال:

מוֹרֶה:	מוֹרִי	מוֹרְךָ	מוֹרֵךְ	מוֹרוֹ	מוֹרָהּ
	מוֹרֵנוּ	מוֹרְכֶם	מוֹרְכֶן	מוֹרָם	מוֹרָן

۴- به علامت مَپیک در سوم شخص مونث توجه کنید؛ مثال:

מוֹרֶה معلم (مونث)	מוֹרֵה معلمِ (مذکر) آن دختر
דּוֹדָה عمه، خاله	דּוֹדֵה عموی آن دختر

۵- اسم هایی که با ضمیر متصل استعمال می شوند، معرفه هستند لذا اگر در جمله نقش مفعول مستقیم داشته باشند با نشانه ی مفعولی «אֶת» بیان می شوند؛ مثال:

אֲנִי רוֹאֶה אֶת הַדּוֹד שֶׁלִּי. = אֲנִי רוֹאֶה אֶת דּוֹדִי. ← من عمویم را دیدم

۶- در صورتی که حرف اضافه ای با اسمی که همراه با ضمایر متصل استعمال شود؛ حرف اضافه نیکود اصلی خود را خواهد داشت؛ مثال:

בַּשֹּׂק שֶׁלִּי = בְּשַׂקִּי داخل کیف من	בָּרֹאשׁ שֶׁלִּי = בְּרֹאשִׁי در سر من
לַשֹּׂק שֶׁלִּי = לְשַׂקִּי به کیف من	לָרֹאשׁ שֶׁלִּי = לְרֹאשִׁי به سر من

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۷- صفت اسامی همراه با ضمیر متصل باید معرفه باشد؛ مثال:

דּוֹדִי הַטּוֹב دایی خوب من דּוֹדָתִי הַיְקָרָה عمه ی خوب من

متن درس ۳۰

חֲלוֹם שֶׁל חַיָּט

הַדּוֹד שֶׁל דָּן הָיָה חַיָּט. יוֹם אֶחָד בָּא דָּן אֶל דּוֹדוֹ, וְאָמַר לוֹ:

- דּוֹדִי, הַיּוֹם יוֹם הַהֻלֶּדֶת שֶׁלִּי. אֲנִי כְּבָר נַעַר גָּדוֹל, וַאֲנִי רוֹצֶה לִהְיוֹת חַיָּט.

- יוֹם הֻלֶּדֶת שָׂמֵחַ! קָרָא הַדּוֹד, יֵשׁ לִי מַתָּנָה בִּשְׁבִילְךָ. אֲנִי רוֹאֶה שֶׁגָּדַלְתָּ הַרְבֵּה בְּמֶשֶׁךְ הַשָּׁנָה שֶׁעָבְרָה, וְלָכֵן אֲנִי מוּכָן לִהְיוֹת מוֹרֶךָ. זֹאת הִיא הַמַּתָּנָה שֶׁלִּי. וַעֲכְשָׁו אֲנִי רוֹצֶה לָדַעַת אִם אַתָּה חָלַמְתָּ חֲלוֹם בַּלַּיְלָה שֶׁעָבַר, וְאִם כֵּן, מָה הָיָה חֲלוֹמְךָ.

הַנַּעַר חָשַׁב רֶגַע, וְעָנָה:

- הִנֵּה חֲלוֹמִי. הָיָה יוֹם חַג. רָצִיתִי לָצֵאת לָרְחוֹב. רָחַצְתִּי אֶת הַיָּדַיִם וְאֶת הַפָּנִים. חָבַשְׁתִּי אֶת הַכֹּבַע עַל רֹאשִׁי, לָקַחְתִּי אֶת מְעִילִי הָאָרֹךְ, וְהִנֵּה הַמְּעִיל כָּבֵד מְאֹד. שַׂמְתִּי אֶת יָדַי בַּכִּיסִ, וְהִנֵּה כִּיסִי מָלֵא כֶּסֶף. הָיִיתִי שָׂמֵחַ מְאֹד. סָפַרְתִּי אֶת הַכֶּסֶף. קָפַצְתִּי מִשִּׂמְחָה וְקָרָאתִי: "אֲנִי עָשִׁיר!"

- חֲלוֹם נִפְלָא! אָמַר הַדּוֹר. אַף פַּעַם לֹא חָלַמְתִּי חֲלוֹם כָּזֶה. בּוֹא הֵנָּה מָהָר.

לַמָּחֳרָת חָזַר דָּן אֶל דּוֹדוֹ. הַחַיָּט חָזַר עַל שְׁאֵלָתוֹ:

- דָּן, מָה הָיָה חֲלוֹמְךָ בַּלַּיְלָה שֶׁעָבַר?

- הִנֵּה חֲלוֹמִי, עָנָה הַנַּעַר. אַחֲרֵי הַצָּהֳרַיִם חָזַרְתִּי הַבַּיְתָה. הָלַכְתִּי אֶל הַגַּן. בַּגַּן רָאִיתִי עֵץ גָּבוֹהַּ. הָעֵץ הָיָה מָלֵא תַּפּוּחִים. רָצִיתִי לֶאֱכֹל תַּפּוּחַ. עָלִיתִי עַל הָעֵץ, וְהִנֵּה אֲנִי רוֹאֶה שֶׁהַתַּפּוּחִים הֵם לֹא תַּפּוּחִים פְּשׁוּטִים, אֲבָל הֵם שֶׁל זָהָב. הָיִיתִי שָׂמֵחַ מְאֹד.

- חֲלוֹם מְעַנְיֵן! אָמַר הַדּוֹר. אַף פַּעַם לֹא חָלַמְתִּי חֲלוֹם כָּזֶה. דָּן, בּוֹא הֵנָּה מָהָר.

לַמָּחֳרָת חָזַר דָּן אֶל דּוֹדוֹ. הַחַיָּט חָזַר עַל שְׁאֵלָתוֹ:

- דָּן, מָה הָיָה חֲלוֹמְךָ בַּלַּיְלָה שֶׁעָבַר?

הַנַּעַר חָשַׁב רֶגַע אֶחָד, וְעָנָה:

- הִנֵּה חֲלוֹמִי: הָיָה יוֹם יָפֶה בַּקַּיִץ. קַמְתִּי בְּשָׁעָה מֻקְדֶּמֶת, וְיָשַׁבְתִּי לִתְפֹּר בֶּגֶד. הַחַלּוֹן הָיָה פָּתוּחַ. הַקּוֹלוֹת שֶׁל הַחֲבֵרִים שֶׁלִּי, שֶׁעָמְדוּ עַל הַמִּדְרָכָה בַּחוּץ, חָדְרוּ דֶּרֶךְ הַחַלּוֹן. הַחֲבֵרִים קָרְאוּ לִי, אֲבָל בְּכָל זֹאת לֹא זַזְתִּי מִן הַמָּקוֹם, וְלֹא עָזַבְתִּי אֶת עֲבוֹדָתִי. רָצִיתִי לִגְמֹר אֶת הַבֶּגֶד. עָבַדְתִּי יוֹם שָׁלֵם. לֹא נַחְתִּי אֲפִילוּ רֶגַע, וְלֹא נָגַעְתִּי בְּאֹכֶל בְּמֶשֶׁךְ כָּל הַיּוֹם. הַשֶּׁמֶשׁ כְּבָר שָׁקְעָה וַאֲנִי עוֹד תּוֹפֵר. בְּשָׁעָה מְאֻחֶרֶת בַּלַּיְלָה גָּמַרְתִּי לִתְפֹּר אֶת הַבֶּגֶד. הָיִיתִי עָיֵף, אֲבָל שָׂמֵחַ. בַּחוּץ הָיָה חֹשֶׁךְ, אֲבָל בַּלֵּב הָיָה אוֹר.

כַּאֲשֶׁר הַדּוֹד שָׁמַע אֶת הַחֲלוֹם הַזֶּה, הוּא נָתַן נְשִׁיקָה חַמָּה לְדָן, וְקָרָא בְּשִׂמְחָה רַבָּה:

- יְפֵי! דָּן, שֵׁב פֹּה עַל הַכִּסֵּא. הִנֵּה חוּט וּמַחַט. חֲלוֹמְךָ הוּא בָּאֱמֶת חֲלוֹם שֶׁל חַיָּט!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. לָמָּה בָּא דָּן אֶל דּוֹדוֹ? چرا دان به نزد عمویش آمد؟

۲. מַה שָּׁאַל הַדּוֹד אֶת דָּן? عمو از دان چه پرسید؟

۳. מַדּוּעַ הָיָה הַמְּעִיל שֶׁל דָּן כָּבֵד? چرا کت دان سنگین بود؟

۴. מָה רָאָה דָּן בַּגַּן? دان در باغ چه دید؟

۵. מַדּוּעַ לֹא יָצָא דָּן אֶל הַחֲבֵרִים שֶׁלּוֹ? چرا دان به سمت دوستانش بیرون نرفت؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید (اسم‌ها را در صورت صرفی آنها به کار برید).

۱. رودخانه‌ای زیبا از (راه) شهر ما می‌گذرد. ۲. این سیب، سخت است؛ خوردن آن غیرممکن است (=ممکن نیست). ۳. من صدای او (مونث) را دوست داشتم. ۴. تورات مقدس ما، برایمان عزیز است. ۵. چوپان گوسفندانش را شُمرد. ۶. من سوراخی در جیبم داشتم. ۷. معلم (مونث) ما سوالش را چند بار تکرار کرد. ۸. شما (مذکر) این تابستان به کجا سفر خواهید کرد؟ ۹. خیاط یک روز کامل در اتاق نشست و برایم لباسی جدید دوخت. ۱۰. او زنی فوق‌العاده است. چنین زنان فوق‌العاده‌ای در جهان، زیاد نیستند. ۱۱. پسر جوان، شاد بود هنگامی که خیاط به او سوزن و نخی داد. ۱۲. ابر سنگینی بالای (روی) سر من وجود دارد. ۱۳. من (مذکر) خوشحال هستم که تو (مونث) شعرم را می‌خوانی. ۱۴. روز بعد، پسر به سوی عمویش بازگشت ۱۵. دایی‌ام هدیه گران قیمتی برای تولدم به من داد. ۱۶. در خیابان ما مجسمه بلندی از یک شاعر بزرگ قرار دارد.

ج- صورت صرفیِ اسم های زیر را بنویسید.

הַכִּיס שֶׁלָּהֶם	הַחֲלוֹם שֶׁלְּךָ מְעַנְיֵן
הָרְחוֹב שֶׁלָּכֶם יָפֶה	הַדּוֹדָה הַיְקָרָה שֶׁלִּי גָּרָה בִּירוּשָׁלַיִם
הַסּוֹף שֶׁלּוֹ הָיָה רַע	הַיּוֹם שֶׁלָּנוּ אָרֹךְ
בָּאוֹר שֶׁלְּךָ נִרְאָה אוֹר	שָׁלַחְתִּי לָהּ אֶת הַתּוֹדָה שֶׁלִּי
קְחִי אֶת הַחוּט שֶׁלָּךְ	הַצְּחוֹק שֶׁלָּהּ עָצוּב
לָבַשְׁתִּי אֶת הַמְּעִיל הֶחָדָשׁ שֶׁלִּי	הַקּוֹל שֶׁלּוֹ נִפְלָא

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור לא
لغات درس ۳۱

אַרְמוֹן (אַרְמוֹנוֹת): قصر، کاخ؛ (جمع: قصرها، کاخ‌ها)

בְּמָקוֹם: به‌جای

דִּמְעָה (דְּמָעוֹת): اشک؛ (جمع: اشک‌ها)

חָצֵר (חֲצֵרוֹת): بارگاه، حیاط؛ (جمع: بارگاه‌ها، حیاط‌ها)

חָתַךְ (לַחְתּוֹךְ): برید؛ (مصدر: بریدن)

יָדִיד (יְדִידִים): دوست؛ (جمع: دوست‌ها)

יְהוּדִי (יְהוּדִים): یهودی؛ (جمع: یهودی‌ها)

יָשָׁר, יְשָׁרָה: صادق، درستکار؛ صادق، درستکار (مونث)

כַּעַס: عصبانی

לָשׁוֹן (לְשׁוֹנוֹת): زبان(عضو بدن)، زبان؛ (جمع: زبان‌ها)

מִקְרֶה (מִקְרִים): اتفاق؛ (جمع: اتفاقات)

בְּמִקְרֶה: تصادفاً، اتفاقی

נֶגֶד: ضدِ، برعلیهِ

נָעִים, נְעִימָה: خوشایند، دلپذیر؛ خوشایند، دلپذیر (مونث)

נָשַׁק (לִנְשֹׁק): بوسید؛ (مصدر: بوسیدن)

סְפָרַד: اسپانیا

עֲרָבִי (עֲרָבִים): عرب؛ (جمع: عرب‌ها)

פְּקוּדָה (פְּקוּדוֹת): دستور، فرمان؛ دستورها، فرمان‌ها (مونث)

רָכַב (לִרְכֹּב): راند (اسب، دوچرخه، موتور)؛ (مصدر: راندن)

שַׂר (שָׂרִים): کسی که در رأس است، وزیر؛ (جمع: وزرا)

בָּרוּךְ הַשֵּׁם: خدا را شکر

מַה שְׁלוֹמְךָ? حالت چطور است؟ (سوال از مذکر)

מַה שְׁלוֹמֵךְ? حالت چطور است؟ (سوال از مؤنث)

לִשְׁמֹעַ בְּקוֹל: فرمانبرداری کردن، اطاعت کردن

מָוֶת וְחַיִּים בְּיַד לָשׁוֹן (משלי, יח, 21)

مرگ و زندگی در دستان زبان است.

دستور زبان درس ۳۱

۱- در اتصال اسم به ضمیر متصل، برخی از اسم ها دچار تغییر نمی شوند این اسم ها عمدتا دو هجا دارند که هجای اول نیکود پتخ یا خیقیک دارد و هجای دوم یک هجای بسته است مانند:

חַלּוֹן -پنجره תַּפּוּחַ- سیب סַכִּין- چاقو שִׁעוּר- درس צִפּוֹר- پرنده

مثال:

חַלּוֹן:	חַלּוֹנִי	חַלּוֹנְךָ	חַלּוֹנֵךְ	חַלּוֹנוֹ	חַלּוֹנָהּ
	חַלּוֹנֵנוּ	חַלּוֹנְכֶם	חַלּוֹנְכֶן	חַלּוֹנָם	חַלּוֹנָן

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۲- در اسامی دو هجایی که بخش اول نیکود کاماتص دارد و بخش دوم هجای بسته است؛ کاماتص به شوا تبدیل می‌شود[1]؛ مانند:

יָדִיד- دوست אָהוּב- مورد علاقه שָׁלוֹם- سلام

مثال:

שָׁלוֹם	שְׁלוֹמִי	שְׁלוֹמְךָ	שְׁלוֹמֵךְ	שְׁלוֹמוֹ	שְׁלוֹמָהּ
	שְׁלוֹמֵנוּ	שְׁלוֹמְכֶם	שְׁלוֹמְכֶן	שְׁלוֹמָם	שְׁלוֹמָן

نکته: اگر حرف اول کلمه «א»، «ע»، «ה» و «ח» باشد بجای نیکود شوا خطف پتخ استعمال می شود؛ مثال:

אָדוֹן	אֲדוֹנִי	אֲדוֹנְךָ	אֲדוֹנֵךְ	אֲדוֹנוֹ	אֲדוֹנָהּ
	אֲדוֹנֵנוּ	אֲדוֹנְכֶם	אֲדוֹנְכֶן	אֲדוֹנָם	אֲדוֹנָן

۳- صرف واژه «נֶגֶד» با ضمایر متصل به صورت زیر است:

נֶגְדִּי	נֶגְדְּךָ	נֶגְדֵּךְ	נֶגְדּוֹ	נֶגְדָּהּ
נֶגְדֵּנוּ	נֶגְדְּכֶם	נֶגְדְּכֶן	נֶגְדָּם	נֶגְדָּן

۴- عبارت «מַה שְּׁלוֹמֶךָ?» به معنای «حال شما چطور است؟» و در پاسخ به آن می توان از عبارت هایی مثل موارد زیر استفاده کرد:

שְׁלוֹמִי טוֹב من خوبم.

שְׁלוֹמָם טוֹב آنها خوب هستند.

שְׁלוֹמוֹ לֹא כָּל כָּךְ טוֹב او زیاد خوب نیست.

۵- برای بیان رفتن، راندن و ... در جاده و مسیر از حرف اضافه « בְּ » استفاده می شود؛ مثال:

אֲנִי הוֹלֵךְ בַּדֶּרֶךְ. من در مسیر (جاده) می روم.

אֲנִי פָּגַשְׁתִּי אוֹתוֹ בַּדֶּרֶךְ אֶל בֵּית הַסֵּפֶר. من او را در مسیر به سمت مدرسه ملاقات کردم.

در بیان برخی زمانها نیز از حرف اضافه « בְּ » استفاده می شود؛ مثال:

הוּא יָבוֹא בַּשַּׁבָּת او در روز شنبه خواهد آمد

אֲנַחְנוּ לֹא עוֹבְדִים בַּחַגִּים. ما در تعطیلات کار نمی‌کنیم.

---

[1]. در کلمه ی «בָּחוּר» فرض بر این است که جایگزین آن یعنی «בָּחוּר» صرف می شود مانند: בָּחוּרִי. בָּחוּרְךָ. בָּחוּרֵךְ...

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

متن درس ٣١

לָשׁוֹן רָעָה

לִפְנֵי שָׁנִים רַבּוֹת חַי בְּאֶרֶץ סְפָרַד אִישׁ יְהוּדִי בְּשֵׁם שְׁמוּאֵל הַנָּגִיד. שְׁמוּאֵל הָיָה חָכָם וְיָשָׁר. הוּא הָיָה שַׂר הַשׁוּב בֶּחָצֵר שֶׁל הַמֶּלֶךְ שֶׁל סְפָרַד.

יוֹם אֶחָד בָּא שְׁמוּאֵל אֶל הָאַרְמוֹן לִרְאוֹת אֶת הַמֶּלֶךְ.

- מַה שְׁלוֹמְךָ, יְדִידִי? שָׁאַל אוֹתוֹ הַמֶּלֶךְ. מַדּוּעַ הַפָּנִים שֶׁלְּךָ כָּל כָּךְ עֲצוּבִים הַיּוֹם?
- אֲדוֹנִי הַמֶּלֶךְ, בַּדַּרְךָ לָאַרְמוֹן קָרָה לִי מִקְרֶה לֹא נָעִים.
- מַה קָּרָה? שָׁאַל הַמֶּלֶךְ.
- רָכַבְתִּי בָּרְחוֹב, וּפִתְאֹם שָׁמַעְתִּי אִישׁ צוֹעֵק: "מָוֶת לִשְׁמוּאֵל הַיְּהוּדִי!"
- הַאִם אַתָּה יוֹדֵעַ מִי הוּא הָאִישׁ הַזֶּה?
- כֵּן. הוּא מְשׁוֹרֵר עֲרָבִי עָנִי.
- אַל תִּהְיֶה עָצוּב. חַתֹּךְ אֶת לְשׁוֹנוֹ הָרָעָה, וְלֹא יִהְיֶה לְךָ מַה לִּרְאֹג! אָמַר הַמֶּלֶךְ בְּשֶׁקֶט.

בְּלֵב כָּבֵד חָזַר שְׁמוּאֵל בָּעֶרֶב הַבַּיְתָה. הוּא יָשַׁב וְחָשַׁב עַל הַמִּקְרֶה שֶׁקָּרָה לוֹ בַּבֹּקֶר, וְעַל הַפְקוּדָה שֶׁל הַמֶּלֶךְ. פִּתְאֹם הוּא קָם מִמְּקוֹמוֹ, הָלַךְ אֶל הָאָרוֹן וְלָקַח מִשָּׁם מַעֲטָפָה שֶׁהָיָה בָּהּ כֶּסֶף. הוּא סָפַר אֶת הַכֶּסֶף, שָׂם אוֹתוֹ בְּכִיסוֹ, וְהָלַךְ יָשָׁר אֶל הַבַּיִת שֶׁבּוֹ גָּר הַמְּשׁוֹרֵר הָעֲרָבִי.

- אֲנִי יוֹדֵעַ שֶׁאַתָּה עָנִי, אָמַר שְׁמוּאֵל לַמְּשׁוֹרֵר, וְלִי יֵשׁ, בָּרוּךְ הַשֵּׁם, עֹשֶׁר רַב. בְּבַקָּשָׁה, קַח אֶת הַכֶּסֶף הַזֶּה. לְךָ וּקְנֵה אֹכֶל, נְרוֹת וּבְגָדִים בִּשְׁבִיל הַמִּשְׁפָּחָה שֶׁלְּךָ.

דְּמָעוֹת עָמְדוּ בָּעֵינַיִם שֶׁל הַמְּשׁוֹרֵר. הוּא נָשַׁק אֶת הַיָּדַיִם שֶׁל שְׁמוּאֵל, וְאָז אָמַר:

- תּוֹדָה רַבָּה. עַכְשָׁו אֲנִי רוֹאֶה שֶׁטָּעִיתִי. אַתָּה בֶּאֱמֶת אִישׁ נִפְלָא וְצַדִּיק. לְעוֹלָם לֹא אֶשְׁכַּח אֶת הַצְּדָקָה שֶׁעָשִׂיתָ עִמִּי, סְלַח לִי עַל הַדְּבָרִים הָרָעִים שֶׁאָמַרְתִּי נֶגְדְּךָ הַבֹּקֶר.

אַחֲרֵי יָמִים אֲחָדִים רָכְבוּ הַמֶּלֶךְ וְשְׁמוּאֵל בָּרְחוֹבוֹת שֶׁל הָעִיר. הָיָה מָזֶג־אֲוִיר נִפְלָא. הָרְחוֹבוֹת הָיוּ מְלֵאִים אֲנָשִׁים וְשׂוֹטְרִים. הָאֲנָשִׁים דָּחֲפוּ זֶה אֶת זֶה כְּדֵי לִרְאוֹת אֶת הַמֶּלֶךְ, וְהָרַעַשׁ גָּדַל מִשָּׁעָה לְשָׁעָה. פִּתְאֹם שָׁמְעוּ קוֹל מִן הַמִּדְרָכָה:

- "בְּרָכוֹת לַמֶּלֶךְ! בְּרָכוֹת לִשְׁמוּאֵל הַיְּהוּדִי!"
- הַאִם אַתָּה יוֹדֵעַ מִי הָאִישׁ הַזֶּה? שָׁאַל הַמֶּלֶךְ.
- כֵּן, עָנָה שְׁמוּאֵל. זֶה הוּא הַמְּשׁוֹרֵר הָעֲרָבִי הֶעָנִי.
- מַדּוּעַ לֹא שָׁמַעְתָּ לִפְקוּדָתִי? מַדּוּעַ לֹא חָתַכְתָּ אֶת לְשׁוֹנוֹ? קָרָא הַמֶּלֶךְ בְּכַעַס.
- אֲדוֹנִי הַמֶּלֶךְ, עָנָה שְׁמוּאֵל, לֹא עָשִׂיתִי דָּבָר נֶגֶד פְּקוּדָתְךָ. שָׁמַעְתִּי בְּקוֹלְךָ וְעָשִׂיתִי כְּמוֹ שֶׁאָמַרְתָּ. פְּקוּדָתְךָ הָיְתָה לַחֲתֹךְ אֶת לְשׁוֹנוֹ הָרָעָה. כָּךְ עָשִׂיתִי. חָתַכְתִּי אֶת לְשׁוֹנוֹ הָרָעָה, וּבִמְקוֹמָהּ נָתַתִּי לוֹ לָשׁוֹן טוֹבָה!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מִי הָיָה שְׁמוּאֵל הַנָּגִיד ? شموال هناگید چه کسی بود؟

۲. מַה שָּׁמַע שְׁמוּאֵל בַּדֶּרֶךְ לָאַרְמוֹן ? شموال در راه کاخ چه چیزی شنید؟ מָוֶת לְשְׁמוּאֵל .

۳. מָה הָיְתָה הַפְּקוּדָה שֶׁל הַמֶּלֶךְ ? فرمان پادشاه چه چیزی بود؟ חַרֵּף אֶת לְשׁוֹנוֹ הָרָעָה .

۴. מָה עָשָׂה שְׁמוּאֵל כַּאֲשֶׁר חָזַר הַבַּיְתָה בָּעֶרֶב ? شموال وقتی که به خانه برگشت در غروب چه کاری انجام داد؟

۵. אֵיךְ "חָתַךְ" שְׁמוּאֵל אֶת הַלָּשׁוֹן הָרָעָה שֶׁל הָעֲרָבִי ? چطور شموال زبان بد عرب را قطع کرد؟

ב- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید: (اسم‌ها را در صورت صرفی آنها به کار برید):

۱. در کمد تو (مونث) همیشه باز است. ۲. ما (مذکر) خوشحالیم می‌شنویم (شنیدن) که حال او (مونث) خوب است. ۳. مرد با عصبانیت به پیشخدمت گفت: «تو (مذکر) به جای شراب به من آب دادی» ۴. دوست خوبمان (برای) سال‌های زیادی در اسپانیا زندگی کرده است. ۵. همه مردم او را دوست دارند زیرا (او) مرد بسیار درستکاری است. ۶. انگلیسی، زبانی دشوار است. ۷. خانه یک مرد، قصر اوست. ۸. ستایش خدای را، (حال) او (مذکر) خوب است. ۹. پادشاه به وزیرش فرمانی داد. ۱۰. دان، یک راست به سوی خیاط برو، در خیاط نایست. ۱۱. من نان را به تکه‌های کوچک بریدم و آنها را به پرنده‌ام دادم. ۱۲. در طول تابستان، اتفاق‌های خوشایند بسیاری برای ما رخ داد. ۱۳. برای تو (مونث) چه اتفاقی افتاد؟ چرا اشک (ها) در چشمانت حلقه زده است (= قرار دارد)؟ ۱۴. یهودیان تقریبا در همه کشورهای (در) جهان هستند. ۱۵. وقتی یک عرب می‌خواهد از بیابان عبور کند (او) بر شتری سوار می‌شود. ۱۶. تو (مذکر) علیه من چه چیزی داری؟

ج- صورت صرفیِ اسم های زیر را بنویسید.

הַתַּפּוּחַ שֶׁלָּהֶם	הַיָּדִיד שֶׁלְּךָ
הָאָרוֹן שֶׁלָּכֶם	הַתּוֹרָה שֶׁלָּנוּ
הַתַּכְשִׁיט שֶׁלָּכֶן	הַמָּקוֹם שֶׁלָּהֶם
הַשָּׁעוֹר שֶׁלָּנוּ	הַסַּכִּין שֶׁלּוֹ
הָאָחוֹת שֶׁלָּכֶן	הָאַרְמוֹן שֶׁלָּךְ
הַלָּשׁוֹן שֶׁלָּהּ	הָרוֹעֶה שֶׁלִּי

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור לב
لغات درس ۳۲

אוֹטוֹבּוּס (אוֹטוֹבּוּסִים): اتوبوس؛ (جمع: اتوبوس‌ها) bus

אֵילַת: اِیلَت (شهری بندری در اسرائیل) Elath

אַרְצוֹת הַבְּרִית: ایالات متحده آمریکا U.S.A

בִּקֵּר (לְבַקֵּר) אֶת: ملاقات کرد، دیدار کرد؛ (مصدر: ملاقات کردن، دیدار کردن) visited (a person)

بازدید از کسی یا کسانی

בִּקֵּר (לְבַקֵּר) בְּ...: بازدید کرد(از مکانی)؛ (مصدر: بازدید کردن) visited (a place)

בִּקּוּר (בִּקּוּרִים): بازدید، ملاقات؛ (جمع: بازدیدها، ملاقات‌ها) visit

בִּקֵּשׁ (לְבַקֵּשׁ): درخواست کرد؛ (مصدر: درخواست کردن) requested, sought

בֵּרַךְ (לְבָרֵךְ): تبریک گفت؛ (مصدر: تبریک گفتن) blessed

גִּדֵּל (לְגַדֵּל): بزرگ کرد؛ (مصدر: بزرگ کردن) rised, grew

דִּבֵּר (לְדַבֵּר): صحبت کرد؛ (مصدر: صحبت کردن) spoke

דְּרִישַׁת שָׁלוֹם (דְּרִישׁוֹת שָׁלוֹם): سلام و احوالپرسی؛ (جمع: سلام و احوالپرسی‌ها) regards, greetings

חָלוּץ (חֲלוּצִים): پیشگام؛ (جمع: پیشگامان) pioneer

חֲפְשָׁה (חֲפְשׁוֹת): مرخصی، تعطیلی؛ (جمع: مرخصی‌ها، تعطیلات) vacation

یا تعطیلات آخر هفته

יִעֵר (לְיַעֵר): جنگل‌کاری کرد، درخت کاشت؛ (مصدر: جنگل‌کاری کردن، درخت کاشتن) afforested

כְּתֹבֶת (כְּתֹבוֹת): آدرس؛ (جمع: آدرس‌ها) address

נֶגֶב: نِگِو (بیابانی در جنوب اسرائیل) Negev

סִפֵּר (לְסַפֵּר): گفت، تعریف کرد؛ (مصدر: گفتن، تعریف کردن) told, recounted

עָסוּק, עֲסוּקָה: مشغول، سرشلوغ؛ مشغول، سرشلوغ (مونث) busy, occupied

פֶּסַח: عید پسح، عید پسخ (جشن فطیر) Passover

פְּרִי (פֵּרוֹת): میوه؛ (جمع: میوه‌ها) fruit

קִבּוּץ (קִבּוּצִים): کیبوتص(نوعی شهرک با مرام اشتراکی)؛ (جمع: کیبوتص‌ها) Kibbutz, a collective

קִבֵּל (לְקַבֵּל): دریافت کرد؛ (مصدر: دریافت کردن) received, accepted

תֵּאֵר (לְתָאֵר): وصف کرد، شرح داد؛ (مصدر: وصف کردن، شرح دادن) described

לַעֲלוֹת לָאָרֶץ: مهاجرت کردن به اسرائیل to immigrate to Israel

בְּמִקְרֶה: شانسی، تصادفی by chance

בֶּגֶד- יָם: لباس شنا bathing suit

הִנֵּה מַה טּוֹב וּמַה נָּעִים שֶׁבֶת אַחִים גַּם יָחַד. (תהלים קלג, 1)

چه خوب است و چقدر شبات خوشایندی است که برادرها هم (چه خونی و چه دینی)، با یکدیگر باشند.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

دستور زبان درس ۳۲

۱- بینیان در زبان عبری: ریشه‌ی افعال در «בִּנְיָנִים» های بسیاری استعمال می‌شوند. هر «בִּנְיָן» الگوی متفاوتی از فعل را بیان می کند. تا بحال با صرف افعال در الگوی פָּעַל آشنا شده‌اید که شکل و الگوی اصلی فعل است.

۲- بینیان פִּעֵל: الگوی פִּעֵל معنای فعل را شدت می‌بخشد؛ مثال:

שָׁבַר شکست ← שִׁבֵּר خُرد کرد، به شدت شکست

نکته ۱: این بینیان، معنای افعالی که حالت و شرایط خاصی از فاعل را بیان می‌کنند را سببی و عِلّی می‌کند؛ مثال:

לִגְדֹּל بزرگ شدن ← לְגַדֵּל علت بزرگ شدن(بزرگ کردن)

نکته ۲: این بینیان در افعالی که از اسم مشتق می‌شوند نیز کاربرد دارد؛ مثال:

גֶּשֶׁר پل ← לְגַשֵּׁר پل سازی کردن، متصل کردن

יַעַר جنگل ← לְיַעֵר جنگ کاری کردن

۳- نحوه ی ساخت مصدر از این بینیان بصورت الگوی کلی «לְ ○̲○ ○̲⊙○ ○»[1] است؛ مثال: صرف فعل سالم این بینیان برای فعل לְדַבֵּר (صحبت کردن)

הוה (زمان حال):

אני, אתה, הוא ← מְדַבֵּר　　אנחנו, אתם, הם ← מְדַבְּרִים

אני, את, היא ← מְדַבֶּרֶת　　אנחנו, אתן, הן ← מְדַבְּרוֹת

עבר (زمان گذشته):

אני ← דִּבַּרְתִּי　　אנחנו ← דִּבַּרְנוּ

אתה ← דִּבַּרְתָּ　　את ← דִּבַּרְתְּ　　אתם ← דִּבַּרְתֶּם　　אתן ← דִּבַּרְתֶּן

הוא ← דִּבֵּר　　היא ← דִּבְּרָה　　הם, הן ← דִּבְּרוּ

۴- صرف فعل سالمی که دومین حرف اصلی آن «א » و «ר» است؛ مثال לְתָאֵר (وصف کردن):

הוה (زمان حال):

אני, אתה, הוא ← מְתָאֵר　　אנחנו, אתם, הם ← מְתָאֲרִים

אני, את, היא ← מְתָאֶרֶת　　אנחנו, אתן, הן ← מְתָאֲרוֹת

---

[1] نماد ○ اگر به تنهایی بیاید نماد یک صامت (حرف) و اگر همراه یکی از نیکودها بیاید نماد آن نیکود است، بدین معنا که داخل ○ می‌تواند هر حرفی از حروف الفبا قرار بگیرد؛ به عنوان نمونه ○̲⊙○ یعنی یک صامت به همراه داگش و مصوت صفه.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

עבר (زمان گذشته):

אני ← תַּאַרְתִּי	אנחנו ← תַּאַרְנוּ
אתה ← תַּאַרְתָּ את ← תַּאַרְתְּ	אתם ← תַּאַרְתֶּם אתן ← תַּאַרְתֶּן
הוא ← תַּאַר היא ← תַּאֲרָה	הם, הן ← תַּאֲרוּ

نکته: در این افعال نیکود حرف اصلی اول در مصدر و زمان حال کاماتص است اما برای افعالی که حرف دوم اصلی آنها « ע»، «ה» و «ח» است؛ این اتفاق نمی افتد مانند: לְמַהֵר عجله کردن

הוה (زمان حال):

מְמַהֵר	מְמַהֶרֶת	מְמַהֲרִים	מְמַהֲרוֹת

עבר (زمان گذشته):

מִהַרְתִּי	מֵהַרְתָּ	מִהַר	מִהַרְתָּ	מִהַרְתְּ
מִהַרְנוּ	מִהַרְתֶּם	מִהַרְתֶּן	מִהֲרוּ	מִהֲרוּ

متن درس ۳۲

מִכְתָּב

אֵילַת, יוֹם ג׳, ח׳ בְּנִיסָן תש..

לְיַעֲקֹב הַיָּקָר, שָׁלוֹם רַב,

קִבַּלְתִּי אֶת מִכְתָּבְךָ עִם הַבְּרָכוֹת לְיוֹם הַהֻלֶּדֶת שֶׁלִּי לְפָנַי שְׁבוּעַיִם. תּוֹדָה רַבָּה.

לֹא עָנִיתִי לְךָ מִיָּד, כִּי הָיִיתִי עָסוּק מְאֹד בַּמַּעֲבָדָה, וְלֹא הָיָה לִי זְמַן לִכְתֹּב לְךָ אֲפִילוּ שׁוּרוֹת אֲחָדוֹת.

לִפְנֵי יָמִים אֲחָדִים קִבַּלְנוּ חֲפִשָּׁה. יָצָאתִי עִם חֲבֵרִים לְבַקֵּר בַּנֶּגֶב. נָסַעְנוּ בְּאוֹטוֹבּוּס. לַנֶּהָג שֶׁלָּנוּ הָיָה קוֹל נָעִים מְאֹד. בְּמֶשֶׁךְ כָּל הַנְּסִיעָה הָאֲרֻכָּה הוּא שָׁר, וְהָאֲנָשִׁים בָּאוֹטוֹבּוּס שָׁרוּ יַחַד אִתּוֹ. הָיָה שָׂמֵחַ מְאֹד.

בִּקַּרְנוּ בְּקִבּוּצִים רַבִּים. אַל תַּחְשֹׁב שֶׁהַנֶּגֶב הוּא מִדְבָּר. לָכֵן יֵשׁ שָׁם מַעַט מַיִם, וּבְכָל זֹאת עוֹשִׂים הַחֲלוּצִים דְּבָרִים נִפְלָאִים. הֵם בּוֹנִים וּמְיַעֲרִים אֶת הַנֶּגֶב. הֵם מְגַדְּלִים שָׁם צֹאן וְגַם פֵּרוֹת רַבִּים.

פָּגַשְׁנוּ בַּנֶּגֶב עוֹלִים מֵאֲרָצוֹת רַבּוֹת. עֶרֶב שֶׁלֵּם יָשַׁבְנוּ אִתָּם, וְהֵם סִפְּרוּ לָנוּ עַל הַחַיִּים הַחֲדָשִׁים שֶׁלָּהֶם בָּאָרֶץ. הָיָה מְעַנְיֵן מְאֹד לִשְׁמֹעַ אֶת הָרְשָׁמִים שֶׁלָּהֶם.

אֶתְמוֹל בָּאנוּ לְאֵילַת. נִהְיָה פֹּה יָמִים אֲחָדִים. נָעִים מְאֹד פֹּה עַכְשָׁו. עוֹד אֵין הַרְבֵּה תַּיָּרִים בָּעִיר, וּמָזֹג הָאֲוִיר נִפְלָא.

אֶת הַמַּרְאָה שֶׁל אֵילַת, אִם אֵינֶנִּי טוֹעֶה, תַּאַרְתִּי לְךָ כְּבָר בְּמִכְתָּבַי אַחֲרֵי בִּקּוּרִי בַּקִּיץ שֶׁעָבַר וַאֲנִי לֹא צָרִיךְ לַחֲזֹר עַל זֹאת עוֹד פַּעַם. עַכְשָׁו אֲנִי רוֹצֶה לְסַפֵּר לְךָ עַל דָּבָר נָעִים שֶׁקָּרָה לִי אֶתְמוֹל.

לָקַחְתִּי בֶּגֶד-יָם וְיָצָאתִי מִן הַמָּלוֹן. אֶת מִי אַתָּה חוֹשֵׁב פָּגַשְׁתִּי בְּמִקְרֶה בַּדֶּרֶךְ לַיָּם? אֶת דָּוִד כֹּהֵן! אַתָּה בְּוַדַּאי זוֹכֵר אוֹתוֹ מִבֵּית הַסֵּפֶר. הוּא הָיָה אָז נַעַר קָטָן וְחַלָּשׁ. מֵאָז הוּא גָּדַל הַרְבֵּה, וְעַכְשָׁו הוּא בָּחוּר גָּבוֹהַ וְחָזָק. הוּא סִפֵּר לִי שֶׁהוּא עָלָה לָאָרֶץ לִפְנֵי שָׁנִים אֲחָדוֹת. הוּא הָיָה פּוֹעֵל פָּשׁוּט, וְעָבַד בִּמְקוֹמוֹת רַבִּים בָּאָרֶץ. עַכְשָׁו הוּא דַּיָּג בְּאֵילַת.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

דִּבַּרְנוּ הַרְבֵּה עַל הַחֲבֵרִים שֶׁלִּמַּדְנוּ אִתָּם יַחַד בְּאַרְצוֹת הַבְּרִית. הוּא עוֹד זוֹכֵר כָּל חָבֵר וְחָבֵר. הוּא בִּקֵּשׁ אוֹתִי לָתֵת לְךָ דְּרִישַׁת שָׁלוֹם חַמָּה.

חַג הַפָּתַח קָרוֹב לָבוֹא, לָכֵן, אֲנִי מְבָרֵךְ אוֹתְךָ בְּחַג שָׂמֵחַ. אַל תִּשְׁכַּח לָתֵת דְּרִישַׁת שָׁלוֹם לַהוֹרִים שֶׁלְּךָ. לְהַתְרָאוֹת בְּקָרוֹב!

יְדִידְךָ הַטּוֹב,
מִיכָאֵל

שִׂים לֵב לַכְּתֹנֶת הַחֲדָשָׁה שֶׁלִּי, שֶׁכָּתַבְתִּי עַל הַמַּעֲטָפָה בְּאוֹתִיּוֹת גְּדוֹלוֹת.

تمرین های درس ۳۲

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید. כִּי הָיָה עָסוּק מְאֹד בַּמַּעֲבָדָה .

١. מַדּוּעַ לֹא עָנָה מִיכָאֵל מִיָּד עַל הַמִּכְתָּב שֶׁל חֲבֵרוֹ ؟ چرا میکائیل نامه ی دوستش را سریعا پاسخ نداد ؟

٢. מַה הֵם הַמָּקוֹמוֹת שֶׁמִּיכָאֵל בִּקֵּר בָּהֶם ؟ میکائیل از چه جاهایی بازدید کرد؟ בַּנֶּגֶב .

٣. מַה מְגַדְּלִים הַחֲלוּצִים בַּנֶּגֶב ؟ پیشگامان در نگو چه چیزی پرورش می دادند؟ שָׁם מְגַדְּלִים פֵּרוֹת בְּבִים .

٤. אֶת מִי פָּגְשׁוּ מִיכָאֵל וְהַחֲבֵרִים שֶׁלּוֹ בַּנֶּגֶב ؟ چه کسی میکائیل ودوستانش را در نگو ملاقات کرد؟ דָּוִד כֹּהֵן

٥. אֵיזֶה מִקְרֶה נָעִים קָרָה לְמִיכָאֵל בְּאֵילַת ؟ کدام اتفاق خوشایند در ایلات برای میکائیل افتاد؟ הוּא פָּגַשׁ אֶת דָּוִד כֹּהֵן .

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید:

۱. او (مذکر) برای من چیزهای جالب بسیاری درباره زندگی در آمریکا بازگو کرد. ۲. قبل از اینکه خانه را ترک کنم، پدربزرگ دستانش را روی سرم گذاشت و برای من (=من را) دعای خیر کرد. ۳. من از شما (مذکر) درخواست می‌کنم که سر و صدا نکنید. ۴. او (مذکر) تقریبا بدون اشتباه عبری حرف میزند. ۵. این میوه‌ها در باغ ما رشد کردند. ۶. او (مونث) هدیه بسیار زیبایی از والدینش دریافت کرد. ۷. هنگامی که من دیروز به تو (مذکر) سرزدم (من) فراموش کردم سلام خواهرت را به تو برسانم. ۸. عمویش (مذکر) او را بزرگ کرد پس از آنکه پدر و مادرش مردند. ۹. من فکر نمی‌کردم (فکر نکردم) که دیدار تو (مونث) آنقدر کوتاه خواهد بود. ۱۰. ما مرخصی‌مان را قبل از عید پسخ گرفتیم. ۱۱ . فقط خودکار یک شاعر می‌تواند زیبایی ایلات را در شب توصیف کند. ۱۲. روت، آیا تو امروز بعد از ظهر مشغول هستی؟ ۱۳. همه خانواده سال گذشته به اسرائیل مهاجرت کردند. ۱۴. مهاجران جدید بسیاری، یک راست به کیبوتص رفتند. ۱۵. پیشگامان کیبوتص‌های زیادی در کشور ساختند.

ج- صیغه های مضارع و ماضی افعال زیر را بنویسید.

לְקַבֵּל	לְבָרֵךְ	לְבַקֵּשׁ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור לג
لغات درس ۳۳

אוֹצָר (אוֹצָרוֹת): گنج؛ (جمع: گنج‌ها) treasure

אֶלָּה: مگر، به جز only, but

גֶּשֶׁם (גְּשָׁמִים): باران؛ (جمع: باران‌ها) rain

דִּבּוּר (דִּבּוּרִים): سخن؛ (جمع: سخنان) speech, talk

זָרַע (לִזְרֹעַ): کاشت؛ (مصدر: کاشتن) sowed

חִכָּה (לְחַכּוֹת) לְ...: صبر کرد برای...؛ (مصدر: صبر کردن) waited for...

חָכְמָה: خِرَد، هوش wisdom

חִלַּק (לְחַלֵּק): تقسیم کرد، توزیع کرد؛ (مصدر: تقسیم کردن، توزیع کردن) divided, distributed

חָפַר (לַחְפֹּר): کند، حفر کرد؛ (مصدر: کندن، حفر کردن) dug

חִפֵּשׂ (לְחַפֵּשׂ): جستجو کرد، گشت؛ (مصدر: جستجو کردن، گشتن) searched, looked for

חֲשִׁיבוּת: مهم، با اهمیت importance

כִּבֵּד (לְכַבֵּד): افتخار کرد، محترم شمرد، ارزش قائل شد؛ (مصدر: افتخار کردن، محترم شمردن، ارزش قائل شدن) honored, esteemed

כְּלוּם: هرچیزی، همه چیز anything

לֹא כְּלוּם: هیچ چیزی nothing

לִמֵּד (לְלַמֵּד): درس داد، آموزش داد، یاد داد، (مصدر: درس دادن، آموزش دادن، یاد دادن) taught

עֵצָה (עֵצוֹת): طرح، نقشه، توصیه، راه چاره؛ (جمع: طرح‌ها، نقشه‌ها، توصیه‌ها، راه‌های چاره) advice, plan

קִוָּה (לְקַוּוֹת): امید داشت؛ (مصدر: امید داشتن) hoped

שִׁנָּה (לְשַׁנּוֹת): تغییر داد، عوض کرد؛ (مصدر: تغییر دادن، عوض کردن) changed

שֶׁקֶר (שְׁקָרִים): دروغ؛ (جمع: دروغ‌ها) lie, falsehood

סוֹף סוֹף: نهایتاً، سرانجام finally, ultimately

לַעֲמֹד לְ: بودن در موردِ...، بودن درباره‌ی... to be about to...

אֵין לִי אֶלָּה: ندارم به جز... I have nothing but...

מְשַׁנֶּה מָקוֹם, מְשַׁנֶּה מַזָּל. (מִסְפָּרוּת יה"ב)

تغییر جایگاه، تغییر بخت است.

دستور زبان درس ۳۳

۱- طریقه ساخت مصدر و صرف فعل زمان حال و گذشته فعلی که آخرین حرف ریشه ی آن حرف «ה» است در بینیان «פִּעֵל»؛ مثال فعل לְחַכּוֹת (معنای صبر کردن، منتظر ماندن):

زمان حال:

אני, אתה, הוא ← מְחַכֶּה　　אנחנו, אתם, הם ← מְחַכִּים

אני, את, היא ← מְחַכָּה　　אנחנו, אתן, הן ← מְחַכּוֹת

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

زمان گذشته:

אני ← חָכַיְתִי	אנחנו ← חָכִינוּ
אתה ← חָכַיְתָ את ← חָכַית	אתם ← חָכַיְתֶם אתן ← חָכַיְתָן
הוא ← חָכָה היא ← חָכְתָה	הם, הן ← חָכוּ

۲- الگوی اسم مصدر در زبان عبری به صورت «○ָ○○ ○ ו ○» است؛ مثال:

(לְלַמֵּד) לִמּוּד مطالعه، آموزش (לְדַבֵּר) דִּבּוּר سخنرانی

نکته ۱: اگر حرف اصلی وسط (دومین حرف ریشه) «א» و«ר» الگوی اسم مصدر به صورت «○ֶ○ ○ ו ○» می‌شود؛ مثال:

(לְתָאֵר) תֵּאוּר وصف، شرح

نکته ۲: اگر حرف آخر ریشه «ה» باشد حرف «ה» در این الگو تبدیل به حرف «י» می شود و الگوی اسم مصدر به صورت « ○ָ○ ○○ ו י » می‌شود؛ مثال:

לְשַׁנּוֹת שִׁנּוּי تغییر

۳- واژه ی «גֶּשֶׁם» به معنای (باران) به همراه فعلی که از مصدر «לָרֶדֶת» ساخته می شود و به معنای (پایین آمدن، افتادن) است؛ استعمال می‌شود؛ مثال:

יָרַד גֶּשֶׁם. باران بارید.

יוֹרֵד גֶּשֶׁם. باران می بارد.

יֵרֵד גֶּשֶׁם. باران خواهد بارید.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הָאוֹצָר

בְּעִיר אַחַת חַי אִישׁ עָשִׁיר. הַבָּנִים שֶׁלּוֹ הָיוּ עֲצֵלִים וְלֹא רָצוּ לַעֲבֹד. הֵם הָיוּ עוֹשִׂים רֹשֶׁם שֶׁהֵם עֲסוּקִים, אֲבָל בֶּאֱמֶת לֹא עָשׂוּ כְּלוּם. כָּל יוֹם וְיוֹם כַּאֲשֶׁר הָיוּ חוֹזְרִים הַבַּיְתָה מִן הַחוּץ, הָאָב הָיָה שׁוֹאֵל אוֹתָם: "מָה עֲשִׂיתֶם הַיּוֹם בַּחוּץ?" תָּמִיד הָיָה מְקַבֵּל אוֹתָהּ הַתְּשׁוּבָה: "הָיִינוּ עֲסוּקִים פֹּה וְשָׁם."

הָאָב יָדַע שֶׁזֶּה שֶׁקֶר, אֲבָל הוּא הָיָה סוֹלֵחַ לָהֶם. כַּאֲשֶׁר הָאָב רָאָה שֶׁאֵין סוֹף לַדָּבָר, הוּא בָּחַר סְפוּרִים וּמְשָׁלִים יָפִים עַל הַחֲשִׁיבוּת שֶׁל

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הָעֲבוֹדָה, וְהָיָה מְסַפֵּר אוֹתָם לַבָּנִים. הָאָב קִוָּה שֶׁזֶּה יַעֲשֶׂה רֹשֶׁם חָזָק עַל הַבָּנִים. אֲבָל כָּל הַדִּבּוּרִים, כָּל הַמְּשָׁלִים וְכָל הַסִּפּוּרִים לֹא עָשׂוּ שׁוּם רֹשֶׁם עַל הַבָּנִים. הֵם לֹא כִּבְּדוּ אוֹתוֹ, וְלֹא שִׁנּוּ אֶת הַדֶּרֶךְ הָרָעָה שֶׁלָּהֶם. שָׁנִים עָבְרוּ, וְהָאָב לֹא רָאָה שִׁנּוּי לְטוֹבָה. הַבָּנִים גָּדְלוּ וְהָיוּ לַאֲנָשִׁים וְעוֹד לֹא רָצוּ לְשַׁנּוֹת אֶת הַדֶּרֶךְ שֶׁלָּהֶם.

הָאָב דָּאַג מְאֹד, וְלֹא יָדַע אֵיךְ לִנְהֹג בַּבָּנִים שֶׁלּוֹ. סוֹף סוֹף מָצָא עֵצָה נִפְלָאָה. הוּא חִלֵּק אֶת הַכֶּסֶף שֶׁלּוֹ לָעֲנִיִּים, וְלֹא סִפֵּר לַבָּנִים מַה שֶּׁהוּא עָשָׂה. כַּאֲשֶׁר הָאָב עָמַד לָמוּת, הוּא אָסַף אֶת הַבָּנִים שֶׁלּוֹ עַל־יַד מִטָּתוֹ וְאָמַר לָהֶם:

— בָּנִים יְקָרִים, חָיִיתִי חַיִּים אֲרֻכִּים, וְעַכְשָׁו אֲנִי עוֹמֵד לָמוּת. אֵין לִי אֶלָּא שָׂדֶה אֶחָד לָתֵת לָכֶם. אֲבָל בַּשָּׂדֶה הַזֶּה יֵשׁ אוֹצָר גָּדוֹל. חִפְּרוּ בַּשָּׂדֶה וְתִמְצְאוּ אוֹתוֹ.

אַחֲרֵי זְמַן קָצָר מֵת הָאָב. הַבָּנִים חָשְׁבוּ שֶׁהָאָב שָׂם בַּשָּׂדֶה אֶת הַכֶּסֶף וְהַזָּהָב, אֶת הַתַּכְשִׁיטִים וְהָאֲבָנִים הַיְקָרוֹת שֶׁהָיוּ לוֹ. הֵם לֹא חִכּוּ זְמַן רַב וְהָלְכוּ יָשָׁר לַשָּׂדֶה לְחַפֵּשׂ אֶת הָאוֹצָר. הֵם חָפְרוּ וְחִפְּשׂוּ, אֲבָל אֶת הָאוֹצָר לֹא מָצְאוּ. אָז אָמַר אֶחָד מִן הַבָּנִים:

— אַחִים, רְאוּ, כְּבָר חָפַרְנוּ בְּכָל הַשָּׂדֶה.וְאֵין עוֹד תִּקְוָה שֶׁנִּמְצָא אֶת הָאוֹצָר. מָה עוֹד אֶפְשָׁר לַעֲשׂוֹת? בְּוַדַּאי אַבָּא טָעָה.

— עַכְשָׁו אֶפְשָׁר לִזְרֹעַ וּלְגַדֵּל פֵּרוֹת, אָמַר אֶחָד מִן הָאַחִים.

הָאַחִים קִבְּלוּ אֶת הָעֵצָה הַזֹּאת, וְזָרְעוּ אֶת הַשָּׂדֶה.

הַשָּׁנָה הָיְתָה בְּרוּכָה. גְּשָׁמִים רַבִּים יָרְדוּ, וְהַפֵּרוֹת גָּדְלוּ יָפֶה. בְּסוֹף שֶׁל הַקַּיִץ אָסְפוּ הָאַחִים אֶת הַפֵּרוֹת. הֵם מָכְרוּ אוֹתָם בַּשּׁוּק בְּמְחִיר גָּבוֹהַּ, וְקִבְּלוּ הַרְבֵּה כֶּסֶף. אָז רָאוּ הָאַחִים אֶת הַחָכְמָה שֶׁל הָאָב, וְהֵם קָרְאוּ פֶּה אֶחָד:

— הָעֲבוֹדָה הִיא הָאוֹצָר!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הוא בָּחַר סְפוּרִים וּמְשָׁלִים יָפִים עַל

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید. הַחֲשִׁיבוּת שֶׁל הָעֲבוֹדָה .

۱. אֵיזֶה סִפּוּרִים הָיָה הָאָב מְסַפֵּר לַבָּנִים? کدام داستان‌ها را پدر برای پسران تعریف کرد؟

۲. מָה עָשָׂה הָאָב בַּכֶּסֶף? پدر با پول چه کرد؟ הוא חִלֵּק אֶת הַכֶּסֶף שֶׁלּוֹ לָעֲנִיִּים .

۳. מַדּוּעַ חָפְרוּ הָאַחִים בַּשָּׂדֶה? چرا برادرها مزرعه را حفر کردند؟ הם חָפְרוּ שָׂדֶה לְחַפֵּשׂ אֶת הָאוֹצָר.

۴. מַה קָּרָה אַחֲרֵי שֶׁזָּרְעוּ הָאַחִים אֶת הַשָּׂדֶה? بعد از این که برادران در مزرعه زراعت کردند چه اتفاقی افتاد؟

۵. אֵיךְ רָאוּ הָאַחִים אֶת הַחָכְמָה שֶׁל הָאָב? برادران خرد پدر را چگونه دیدند؟

הם קִבְּלוּ הַרְבֵּה כֶּסֶף אֲךָ רָאוּ הָאַחִים אֶת הַחָכְמָה שֶׁל הָאָב

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. او (مونث) کتاب را در کتابخانه جستجو کرد اما(او) آن را نیافت. ۲. او (مذکر) چیزی جز یک (عدد) مزرعه ندارد و (او) نمی‌داند چطور آن را میان پسرانش تقسیم کند. ۳. در اسرائیل (در) پاییز باران می‌بارد اما (در) تابستان باران نمی‌بارد. ۴. من یک ساعت کامل در خیابان منتظر تو (مونث) ماندم اما (تو) نیامدی. ۵. من (مونث) امیدوار هستم تو (مذکر) را به زودی ببینم (=دیدن). ۶. ما (مونث) نمی‌خواهیم سخن پوچ یا دروغ (ها) بشنویم. ۷. شما (مذکر) چقدر پول گرفتید وقتی که میوه‌ها را در بازار فروختید؟ ۸. من (مذکر) فکر نمی‌کنم که می‌شود پسری تنبل را آموزش داد که کار را دوست داشته باش (=دوست داشتن). ۹. ما در شرف بیرون رفتن از خانه

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

بودیم هنگامی که ناگهان باران آمد. ۱۰. خرد مرد، گنج اوست. ۱۱. او(مذکر) زیاد حرف زد ولی (او) چیزی نگفت. ۱۲. تو (مذکر) به او (مذکر) طرحی خوب دادی اما (او) آن را نپذیرفت. ۱۳. من (مذکر) امید دارم که سرانجام شما (مذکر) اهمیت نماز را خواهید فهمید. ۱۴. تورات به ما (=ما را) می‌آموزد که هر فرزندی باید به والدینش احترام بگذارد. ۱۵. ما باغ را کندیم و خواستیم (بذر) بپاشیم اما بادی شدید آمد و ما شتابان به سوی خانه دویدیم. ۱۶. هنگامی که او (مذکر) به اسرائیل آمد، (او) نامش را به اسمی عبری تغییر داد.

ج- شکل صحیح افعال زیر را مانند نمونه بنویسید:

مصدر – שֵׁם הַפּוֹעַל	مضارع – הֹוֶה	ماضی - עָבָר
לְדַבֵּר	הוּא מְדַבֵּר	הוּא דִּבֵּר
לְקַבֵּל	הִיא	הִיא
לְשַׁנּוֹת	אַתְּ	אַתְּ
לְלַמֵּד	אֲנַחְנוּ (ז.)	אֲנַחְנוּ
לְקַוּוֹת	אַתֶּם	אַתֶּם
לְבָרֵךְ	אַתָּה	אַתָּה
לְחַפֵּשׂ	אֲנִי (נ.)	אֲנִי
לְסַפֵּר	הֵם	הֵם
לְחַכּוֹת	אֶת	אֶת
לְחַלֵּק	אֶתֶן	אֶתֶן
לְכַבֵּד	הוּא	הוּא

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור לד

لغات درس ۳۴

אַחֵר, אַחֶרֶת: دیگر، دیگری؛ دیگر، دیگری (مونث) other, another

אַחֲרוֹן, אַחֲרוֹנָה: آخر؛ آخر(مونث) last

בָּאַחֲרוֹנָה: در نهایت، آخر at last, lately

אֶלָּא - אִם - כִּי: مگر unless

בָּכָה (לִבְכּוֹת): گریه کرد؛ (مصدر: گریه کردن) cried

בֵּרַר (לְבָרֵר): بررسی کرد، دسته‌بندی کرد؛ (مصدر: بررسی کردن، دسته‌بندی کردن) clarified, checked

הַד (הֵדִים): پژواک؛ (جمع: پژواک‌ها) echo

טִפֵּשׁ, טִפְּשָׁה: نادان، احمق؛ نادان، احمق (مونث) stupid, silly

כַּדּוּר (כַּדּוּרִים): توپ (هر چیز کروی را شامل می‌شود)، گلوله؛ (جمع: توپ‌ها، گلوله‌ها) ball, bullet

עֶצֶם (עֲצָמִים): شیء، خود؛ (جمع: شیء‌ها)این واژه معانی مختلفی دارد مانند استخوان، دقیق و ماهیت substance, object, self, n.m

و همچنین به عنوان ضمیر انعکاسی استعمال می شود

עֶצֶם (עֲצָמוֹת): استخوان؛ (جمع: استخوان‌ها) bone, n.f

בְּעֶצֶם: درحقیقت، در اصل in essence, in fact

רִאשׁוֹן, רִאשׁוֹנָה: اول؛ اول (مونث) first

בראשׁוֹנָה: در ابتدا at first

רָם, רָמָה: بلند، طویل؛ بلند، طویل (مونث) tall, high

שִׂחֵק (לְשַׂחֵק בְּ...: بازی کرد با...؛ (مصدر: بازی کردن) played (a game)

שָׂנֵא (לִשְׂנֹא): متنفر شد؛ (مصدر: متنفر شدن) hated

תֻּכִּי: طوطی Parrot

בְּקוֹל רָם: با صدای بلند aloud

זֹאת אוֹמֶרֶת: به این معنی است که ... that is to say, this means

תֵּן לָאֲחֵרִים, וְיִתְּנוּ לָךְ. (מִסְפָּרוּת יה"ב)

بده به برادران و به تو خواهند داد (به اطرافیان کمک کن، به تو هم کمک خواهد شد)

دستور زبان درس ۳۴

۱- صرف فعل امر و آینده در بینیان פָּעַל به صورت زیر است؛ مثال: فعل לְדַבֵּר (صحبت کردن)

زمان آینده:

אני ← אֲדַבֵּר	אנחנו ← נְדַבֵּר
אתה ← תְּדַבֵּר את ← תְּדַבְּרִי	אתם ← תְּדַבְּרוּ אתן ← תְּדַבֵּרְנָה
הוא ← יְדַבֵּר היא ← תְּדַבֵּר	הם ← יְדַבְּרוּ הן ← תְּדַבֵּרְנָה

فعل امر:

(אתה) ← דַּבֵּר

(את) ← דַּבְּרִי

(אתם) ← דַּבְּרוּ

(אתן) ← דַּבֵּרְנָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۲- صرف فعل سالمی که حرف دوم ریشه ی آنها «א » و «ר» است به صورت زیر است؛ مثال: לְתָאֵר (وصف کردن)

زمان آینده:

אני ← אֶתָאֵר		אנחנו ← נְתָאֵר	
אתה ← תְּתָאֵר	את ← תְּתָאֲרִי	אתם ← תְּתָאֲרוּ	אתן ← תְּתָאֵרְנָה
הוא ← יְתָאֵר	היא ← תְּתָאֵר	הם ← יְתָאֲרוּ	הן ← תְּתָאֵרְנָה

فعل امر:

(אתה) ← תָּאֵר	(אתם) ← תָּאֲרוּ
(את) ← תָּאֲרִי	(אתן) ← תָּאֵרְנָה

۳- واژه ی «עֶצֶם» معانی بسیاری دارد که یکی از آنها معنای (خود) است که در اینصورت باضمایر متصل صرف می شود مانند:

עַצְמִי با من	עַצְמְךָ با خودت (مذکر)	עַצְמֵךְ با خودت (مؤنث)	עַצְמוֹ با او (مذکر)	עַצְמָהּ با او (خانم)
עַצְמֵנוּ با ما	עַצְמְכֶם با شما (آقایان)	עַצְמְכֶן با شما (خانم‌ها)	עַצְמָם با ایشان (آقایان)	עַצְמָן با آنها (خانم‌ها)

مثال:

הוּא אוֹהֵב אֶת עַצְמוֹ. او خودش را دوست دارد.

אֲנִי כּוֹעֵס עַל עַצְמִי. من از خودم عصبانی هستم.

۴- واژه « עֶצֶם » با حرف اضافه ی «לְ» و «בְּ» استعمال می شود مانند:

עָשִׂיתִי זֹאת בְּעַצְמִי. خودم انجام دادم. אָמַרְתִּי לְעַצְמִי. به خودم گفتم.

۵- هرگاه در مورد چیزی که نامعین و عمومی است سخن بگوییم می توان از ضمیر اشاره‌ی «זֹאת» استفاده کرد (در عبری محاوره ای از «זֶה» استفاده می شود) مانند:

אֲנִי יוֹדֵעַ זֹאת من آن را می دانم. זֹאת אוֹמֶרֶת... این یعنی...

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הַהֶד

עַל־יַד יַעַר אֶחָד עָמַד בַּיִת קָטָן. בַּבַּיִת הַזֶּה גָּר יֶלֶד בְּשֵׁם מֹשֶׁה. מֹשֶׁה אָהַב לְשַׂחֵק בֶּחָצֵר אוֹ בַּיַּעַר. יוֹם אֶחָד לָקַח מֹשֶׁה בַּדּוּר וְהָלַךְ לַיַּעַר. כַּאֲשֶׁר הוּא שִׂחֵק בַּכַּדּוּר, הוּא אָמַר לְעַצְמוֹ: "אוּלַי יֵשׁ עוֹד יֶלֶד בַּיַּעַר, אָז אֲנַחְנוּ נְשַׂחֵק יַחַד".

מֹשֶׁה קָרָא בְּקוֹל רָם:

— מִי רוֹצֶה לְשַׂחֵק אִתִּי בְּכַדּוּר?

וְהִנֵּה הוּא שׁוֹמֵעַ קוֹל בָּא מִן הַיַּעַר:

— . . . לְ־שַׂ־חֵ־ק אִ־תִּ־י . . . . . .

מֹשֶׁה חָשַׁב שֶׁבַּיַּעַר יֵשׁ יֶלֶד אַחֵר הָרוֹצֶה לְשַׂחֵק אִתּוֹ. הוּא קָרָא שׁוּב:

— יֶלֶד בּוֹא הֵנָּה, אֲנִי אֶחְבֶּה לְךָ.

וְשׁוּב הוּא שָׁמַע קוֹל:

— . . . אֶ־חְ־בֶּ־ה לְ־ךָ!

— אַל תִּרְבֶּר כְּמוֹ תִּכִּי! אָמַר מֹשֶׁה בְּכַעַס. וְשׁוּב שָׁמַע קוֹל:

— . . . אַל ־ תִּ ־ רְ ־ בֶּ ־ ר כְּ ־ מוֹ תִּ ־ כִּי!

מֹשֶׁה כָּעַס עוֹד יוֹתֵר וְצָעַק:

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

— אֲנִי שׁוֹנֵא אוֹתְךָ! אַתָּה טִפְּשׁ!

מִיָּד קִבֵּל תְּשׁוּבָה מִן הַיַּעַר:

— . . . ט ־ פְּ ־ ש!

כַּאֲשֶׁר מֹשֶׁה שָׁמַע זֹאת, הוּא צָעַק בְּכַעַס: אֲנִי לֹא יָכוֹל לִסְבֹּל עוֹד!

— זֶה שֶׁקֶר גָּדוֹל! אֲנִי אֲסַפֵּר אֶת הַכֹּל לְאִמָּא!

בְּעֵינַיִם מְלֵאוֹת דְּמָעוֹת רָץ מֹשֶׁה יָשָׁר הַבַּיְתָה. כַּאֲשֶׁר הָאֵם רָאֲתָה אוֹתוֹ, הִיא נָשְׁקָה אוֹתוֹ, וְאָמְרָה:

— מֵאַיִן אַתָּה בָּא? מָה קָרָה לְךָ? מַדּוּעַ אַתָּה בּוֹכֶה?

— שִׂחַקְתִּי בַּיַּעַר וְשָׁם הָיָה יֶלֶד רַע מְאֹד, עָנָה מֹשֶׁה.

— בּוֹא אִתִּי אֶל הַיַּעַר, וּנְבָרֵר מִי הוּא הַיֶּלֶד הַזֶּה, אָמְרָה הָאֵם.

הֵם הָלְכוּ לַיַּעַר. חִפְּשׂוּ וְחִפְּשׂוּ וְלֹא מָצְאוּ יֶלֶד בַּיַּעַר. אָז שָׁאֲלָה הָאֵם אֶת מֹשֶׁה:

— הַאִם אַתָּה יָכֹל לְתָאֵר לִי אֶת הַמַּרְאֶה שֶׁל הַיֶּלֶד?

— אֵין אֲנִי יָכוֹל לְתָאֵר אוֹתוֹ, עָנָה מֹשֶׁה. לֹא רָאִיתִי אֶת הַפָּנִים שֶׁלּוֹ. רַק שָׁמַעְתִּי אֶת קוֹלוֹ.

— אִם כֵּן, אָמְרָה הָאֵם, מָה עָשָׂה לְךָ הַיֶּלֶד הָרַע?

— בָּרִאשׁוֹנָה הוּא חָזַר כְּמוֹ תִּכִּי עַל כָּל מִלָּה וּמִלָּה שֶׁאָמַרְתִּי. בָּאַחֲרוֹנָה הוּא קָרָא לִי "טִפֵּשׁ".

אָז אָמְרָה הָאֵם:

— מֹשֶׁה, אַתָּה טָעִיתָ. דַּע לְךָ, לֹא הָיָה יֶלֶד אַחֵר בַּיַּעַר. זֶה הָיָה הַהֵד. בְּעֶצֶם מִי הָיָה הָרִאשׁוֹן שֶׁאָמַר "טִפֵּשׁ"? אַתָּה! אַל תִּקָּוֶה לִשְׁמֹעַ מִלִּים יָפוֹת אֶלָּא־אִם־כֵּן אַתָּה תְּדַבֵּר בְּמִלִּים יָפוֹת. זֹאת אוֹמֶרֶת: כַּבֵּד אֶת הַחֲבֵרִים שֶׁלְּךָ, וְהֵם יְכַבְּדוּ אוֹתְךָ!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ٣٤

الف- به سوال های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

١. מָה אָהַב מֹשֶׁה לַעֲשׂוֹת? موسی دوست داشت چکار کند؟

٢. מָה חָשַׁב מֹשֶׁה כַּאֲשֶׁר הוּא שָׁמַע קוֹל מִן הַיַּעַר? زمانی که موسی از جنگل صدا شنید چه فکر کرد؟

٣. מַדּוּעַ בָּכָה מֹשֶׁה? چرا موسی گریه کرد؟

۴. לָמָּה הָלְכָה הָאֵם עִם מֹשֶׁה אֶל הַיַּעַר? چرا مادر همراه موسی به جنگل رفت؟

۵. מָה אֶפְשָׁר לִלְמֹד מִן הַהַד؟ ممکن است چه چیزی از پژواک صدا آموخت؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

١. من امروز همراه تو (مذکر) با توپ بازی نخواهم کرد مگر اینکه (تو) فوراً بعد از مدرسه بیایی. ٢. او (مونث) آخرین نامه را خودش نوشت. ٣. چه کسی نخستین عبرانی (یهودی) در جهان بوده است؟ ۴. بر چیزهایی که دیگر سپری شده‌اند، گریه نکن (مذکر). ۵. در ایستگاه قطار منتظر من بمان (مونث). ۶. چرا چهره تو (مونث) اخیرا به شدت غمگین است؟ ٧. آیا (این) ممکن است مردی نادان را آموزش داد که خردمند شود (= شدن)؟ ٨. فعل را از گذشته (ماضی) به آینده تغییر دهید (مذکر). ٩. هر صدایی، پژواکی دارد. ١٠. در آغاز، من فکر کردم که عبری زبانی دشوار است. ١١. ما امید داریم که تو (مذکر) مسیر (های) بدت را عوض کنی. ١٢. او(مونث) خودش(به تنهایی) پاسخ را در کتابی دیگر جستجو خواهد کرد. ١٣. پدر با عصبانیت گفت: «من تو(مذکر) را نخواهم بخشید اگر(تو) به تورات احترام نگذاری.» ١۴. آیا شما(مذکر) میدانید(= خواهید دانست) چه انجام دهید(= انجام دادن) اگر(شما) ثروتی زیاد دریافت کنید؟ ١۵. با صدای بلند صحبت کن(مونث)، لطفا! ١۶. برخلاف باد دویدن دشوار است.

ج- صیغه های زیر را از ماضی به آینده تبدیل کنید.

אֲנִי חִפַּשְׂתִּי
הוּא סִפֵּר
הֵם קִוּוּ
הִיא דִּבְּרָה
אֲנַחְנוּ שִׂחַקְנוּ
אַתְּ חִכִּית

אַתָּה לָמַדְתָּ
אַתֶּם שִׁנִּיתֶם
אַתֶּן כִּבַּדְתֶּן
אַתָּה קִבַּלְתָּ
הֵם חִלְקוּ
הוּא תִּאֵר

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור לה

لغات درس ۳۵

בֵּית שִׁמּוּשׁ = שֵׁרוּתִים: سرویس بهداشتی، توالت toilet

דְּיוֹ: جوهر (مذکر و مونث) ink n.m.&f

דָּרַךְ (לִדְרֹךְ): قدم زد، پا گذاشت؛ (مصدر: قدم زدن، پا گذاشتن) stepped on, trod

לִמּוּדִים: مطالعات، آموزه‌ها studies n.pl.

מִין (מִינִים): نوع، گونه، جنس؛ (جمع: انواع، گونه‌ها، اجناس) kind, gender, sex

מַעֲשֶׂה (מַעֲשִׂים): عمل؛ (جمع: اعمال) deed

פֶּרַח (פְּרָחִים): گُل؛ (جمع: گل‌ها) flower

צִיֵּר (לְצַיֵּר): کشید، نقاشی کرد؛ (مصدر: کشیدن، نقاشی کردن) drew, painted

צִיּוּר (צִיּוּרִים): نقاشی؛ (جمع: نقاشی‌ها) drawing

קִיר (קִירוֹת): دیوار؛ (جمع: دیوارها) wall

קָרַע (לִקְרֹעַ): پاره کرد؛ (مصدر: پاره کردن) tore, brok, shattered

שִׁבֵּר (לְשַׁבֵּר): شکست، خُرد کرد؛ (مصدر: شکستن، خُرد کردن)

שׁוֹבָב (שׁוֹבָבִים): موذی، شیطان، شرور؛ (جمع: موذی‌ها، شیاطین، شرورها) mischievous

שִׂמְלָה (שִׂמְלוֹת): لباس(زنانه)؛ (جمع: لباس‌ها) dress

שָׁפַךְ (לִשְׁפֹּךְ): پخش کرد، ریخت؛ (مصدر: پخش کردن، ریختن) spilled, poured out

שָׁתַק (לִשְׁתֹּק): ساکت شد؛ (مصدر: ساکت شدن) was silent, kept silent

תְּמוּנָה (תְּמוּנוֹת): تصویر؛ (جمع: تصویرها) picture

חֲדַר אֹכֶל: اتاق غذاخور dining room

אַיזֶהוּ חָכָם? הַלּוֹמֵד מִכָּל אָדָם! (פִּרְקֵי אָבוֹת)

چه کسی باهوش است؟ کسی که از همه می‌آموزد!

دستور زبان درس ۳۵

۱- مضاف و مضاف الیه در زبان عبری «סְמִיכוּת» نامیده می‌شود و به چند روش ساخته می‌شود:

א) استفاده از «שֶׁל»؛ مثال:

קוֹל שֶׁל אִישׁ. صدای مرد. לֵב שֶׁל זָהָב. قلبِ طلا.

ב) کنار هم قرار دادن دو اسم؛ مثال:

קוֹל אִישׁ. صدای مرد. לֵב זָהָב. قلبِ طلا.

نکته ۱: در صورتی که ترکیبِ مضاف و مضاف الیه معرفه باشد فقط اسم دوم (مضاف الیه) علامت معرفه دریافت می‌کند؛ مثال:

הַקּוֹל שֶׁל הָאִישׁ = קוֹל הָאִישׁ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

نکته ۲: اگر بر سر اسم مضاف که مضاف الیه معرفه دارد، حرف اضافه بیاید باید تصور شود مضاف نکره است و حرف اضافه نیز با نیکودی که بر سر اسم نکره می آید استعمال می‌شود؛ مثال:

בְּסוֹף שֶׁל הַסִּפּוּר = בְּסוֹף הַסִּפּוּר　　לְסוֹף שֶׁל הַסִּפּוּר = לְסוֹף הַסִּפּוּר

۲- اسامی که در زبان عبری در ترکیب مضاف مضاف الیه تغییر نمی‌کنند، چند دسته هستند:

ا) اسامی تک هجایی که وزن های « ִ◌ִ◌ » , «◌ֹ◌ִ◌» , « ◌ֹ◌ֹ◌ » را دارند؛ مثال:

הַשִּׁיר שֶׁל הַצִּפּוֹר = שִׁיר הַצִּפּוֹר

הַקּוֹל שֶׁל הַנָּבִיא = קוֹל הַנָּבִיא

הַבּוּל שֶׁל הַדֹּאַר = בּוּל הַדֹּאַר

ب) اسامی سِگُل دار؛ مثال:

הַמֶּלֶךְ שֶׁל הָעוֹלָם = מֶלֶךְ הָעוֹלָם　　הַסֵּפֶר שֶׁל הַתּוֹרָה = סֵפֶר הַתּוֹרָה

نکته: برخی از اسامی سِگُل دار از این قاعده مستثنا هستند؛ مثال:

חֶדֶר שֶׁל אֹכֶל = חֲדַר אֹכֶל　　הַחֶדֶר שֶׁל הַיְלָדִים = חֲדַר הַיְלָדִים

ج) اسامی دو سیلابی که سیلاب اول آنها پتخ یا خیقیک دارد و سیلاب دوم آنها صدای ◌ִ / ◌ֹ / ◌ֻ دارد؛ مثال:

הַשְׁעוּר שֶׁל הַתַּלְמִיד = שְׁעוּר הַתַּלְמִיד

הַחַלּוֹן שֶׁל הַחֶדֶר = חַלּוֹן הַחֶדֶר

הַסַּכִּין שֶׁל הַמִּטְבָּח = סַכִּין הַמִּטְבָּח

د) اسامی تک هجایی که پتخ دارند؛ مثال:

הָעַם שֶׁל יִשְׂרָאֵל = עַם יִשְׂרָאֵל　　הַגַּן שֶׁל הָעִיר = גַּן הָעִיר

عَم ؛ قوم ، مردم

۳- اسامی که در زبان عبری در ترکیب مضاف و مضاف الیه تغییر می کنند، چند دسته هستند:

ا) اسامی که با کاماتص شروع می شوند و سیلاب دوم آنها صدای ◌ִ / ◌ֹ / ◌ֻ باشد، کاماتص تبدیل به شوا می‌شود، چند دسته هستند:

הַשָּׁלוֹם שֶׁל הָאִישׁ = שְׁלוֹם הָאִישׁ

הַנְּבִיא שֶׁל אֱמֶת = נְבִיא אֱמֶת

הָאָרוֹן שֶׁל הַקֹּדֶשׁ = אֲרוֹן הַקֹּדֶשׁ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

ب) در اسامی مفرد مونث «ָה» تبدیل به « ַת» می‌شود؛ مثال:

הַדּוֹדָה שֶׁל הַיֶּלֶד = דּוֹדַת הַיֶּלֶד

הַשִּׂמְלָה שֶׁל הַנַּעֲרָה = שִׂמְלַת הַנַּעֲרָה

نکته: حرف «ת» در انتهای اسم های مونث تغییر نمیکند؛ مثال:

הַדֶּלֶת שֶׁל הַבַּיִת = דֶּלֶת הַבַּיִת

ג) اسم های جمع که علامت « ִים » و« ַ יִם» دارند به « ֵי» تغییر پیدا می‌کنند؛ مثال:

הַתַּלְמִידִים שֶׁל הַכִּתָּה = תַּלְמִידֵי הַכִּתָּה הָרַגְלַיִם שֶׁל הַבָּחוּר = רַגְלֵי הַבָּחוּר

نکته: علامت جمع « וֹת» تغییر نمی کند؛ مثال:

הַקִּירוֹת שֶׁל הַחֶדֶר = קִירוֹת הַחֶדֶר

הַבַּחוּרוֹת שֶׁל הָאוּנִיבֶרְסִיטָה = בַּחוּרוֹת הָאוּנִיבֶרְסִיטָה

د) اسامی که وزن زیر را دارند امکان دارد به یکی از دو وزن زیر تغییر کنند:

ִים ִּים ֶּים ← «ֵי ִּי ֵּי » یا «ִי ִּי ֵּי »؛ مثال:

יְלָדִים ← יַלְדֵי הַכִּתָּה סְפָרִים ← סִפְרֵי הַיֶּלֶד

نکته: مباحث مربوط به استرس در کلمه، بعدا توضیح داده می شود.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

חוּשָׁם הַשּׁוֹבָב

חוּשָׁם הָיָה יֶלֶד שׁוֹבָב. הוּא הָיָה עוֹשֶׂה מַעֲשִׂים רָעִים בְּבֵית הַסֵּפֶר, וְלֹא הָיָה שָׂם לֵב לַלְּמוּדִים. הוּא הָיָה קוֹרֵעַ נְיָר וְזוֹרֵק עַל הָרִצְפָּה אֶת חֻתִיכוֹת הַנְּיָר. הוּא הָיָה מְצַיֵּר בְּגִיר כָּל מִינֵי תְּמוּנוֹת עַל הַלּוּחַ וְעַל קִירוֹת חֲדַר הַשֵּׁרוּתִים. הוּא הָיָה מְשַׂחֵק בְּכַדּוּר בַּחֲדַר הָאֹכֶל וּמְשַׁבֵּר אֶת הַמְּנוֹרוֹת. כַּאֲשֶׁר הָיוּ שׁוֹאֲלִים אוֹתוֹ: "מִי עָשָׂה אֶת הַדָּבָר הַזֶּה?", חוּשָׁם לֹא הָיָה מְחַכֶּה אַף רֶגַע, וְהָיָה עוֹנֶה מִיָּד כְּמוֹ הַד:

— לֹא אֲנִי! לֹא אֲנִי!

פַּעַם אַחַת זָרַק חוּשָׁם אֶבֶן וְשִׁבֵּר אֶת חַלּוֹן הַסִּפְרִיָּה.

— מִי שִׁבֵּר אֶת הַחַלּוֹן? שָׁאַל הַמּוֹרֶה בְּכַעַס.

— לֹא אֲנִי! עָנָה חוּשָׁם.

יוֹם אֶחָד שָׁפַךְ חוּשָׁם דְּיוֹ עַל שִׂמְלַת תַּלְמִידָה. הַתַּלְמִידָה בָּכְתָה וְסִפְּרָה אֶת הַדָּבָר לַמּוֹרֶה.

— מִי שָׁפַךְ אֶת הַדְּיוֹ עַל הַשִּׂמְלָה? שָׁאַל הַמּוֹרֶה.

— לֹא אֲנִי! עָנָה חוּשָׁם.

פַּעַם אַחַת דָּרַךְ חוּשָׁם עַל פִּרְחֵי הַגַּן.

— מִי דָּרַךְ עַל הַפְּרָחִים? שָׁאַל הַמּוֹרֶה.

— לֹא אֲנִי! עָנָה גַּם הַפַּעַם חוּשָׁם.

יוֹם אֶחָד צִיֵּר חוּשָׁם כָּל מִינֵי צִיּוּרִים עַל קִירוֹת הַחֶדֶר.

— מִי צִיֵּר עַל הַקִּירוֹת? שָׁאַל הַמּוֹרֶה בְּכַעַס.

— לֹא אֲנִי! עָנָה חוּשָׁם.

— וּמִי כָּתַב אֶת סֵפֶר הַתּוֹרָה? שָׁאַל הַמּוֹרֶה.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

— חוּשָׁם לֹא שָׂם לֵב לִשְׁאֵלַת הַמּוֹרֶה, וְקָרָא בְּקוֹל רָם: לֹא אֲנִי!

— מָה? לֹא אַתָּה? אָמַר הַמּוֹרֶה. תָּמִיד יֵשׁ לְךָ רַק תְּשׁוּבָה אַחַת "לֹא אֲנִי! לֹא אֲנִי!"

חוּשָׁם שָׁתַק רֶגַע, וְאַחֲרֵי־כֵן שִׁנָּה אֶת תְּשׁוּבָתוֹ, וְאָמַר:

— סְלִיחָה, אֲדוֹנִי הַמּוֹרֶה, אָמַרְתִּי שֶׁקֶר. הַפַּעַם אֲנִי עָשִׂיתִי זֹאת בְּעַצְמִי! כַּאֲשֶׁר שָׁמְעוּ זֹאת יַלְדֵי הַכִּתָּה, הֵם פָּרְצוּ בִּצְחוֹק.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מָה עָשָׂה חוּשָׁם בַּגָּן? خوشام در باغ چه کار کرد؟

۲. מַה צִּיֵּר חוּשָׁם עַל הַלּוּחַ? خوشام بر روی تخته سیاه چه چیزی نقاشی کرد؟

۳. מָה עָשָׂה חוּשָׁם לְשִׂמְלַת הַיַּלְדָּה? خوشام با لباس آن دانش آموز چه کار کرد؟

۴. עַל אֵיזוֹ שְׁאֵלָה עָנָה חוּשָׁם: "אֲנִי עָשִׂיתִי זֹאת"? خوشام در مورد کدام سوال پاسخ داد :«من آن را انجام دادم»؟

۵. מַדּוּעַ פָּרְצוּ יַלְדֵי הַכִּתָּה בִּצְחוֹק? چرا بچه های کلاس خندیدند؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. پسربچه‌ی شیطان نقاشی معلم را روی تخته سیاه کشید. ۲. تکه‌های کاغذ پرتاب نکنید و روی زمین جوهر نریزید. ۳. پس از یک روز طولانی مطالعه (=مطالعات)، من (مونث) بسیار خسته هستم. ۴. انسان درستکار هر روز یک کار نیک انجام می‌دهد. ۵. تمام کلماتی که امسال یاد گرفتیم را شمردم. ۶. در نِگِو آب کافی وجود ندارد و بنابراین پرورش (پروراندن) گل‌ها در آنجا دشوار است. ۷. ساکت باشید (مذکر) و به خواندن متن توجه کنید. ۸. چه کسی چادر چوپان را پاره کرد؟ ۹. در تابستان ما همه نوع میوه می‌خوریم. ۱۰. او (مذکر) پا روی پای خانم گذاشت و نگفت "ببخشید". ۱۱. من لباس خواهرم را زیر صندلی انداختم. ۱۲. در راه چشمه، دختر کوزه خود را شکست. ۱۳. روی دیوارهای خانه انواع و اقسام عکس‌ها وجود دارد. ۱۴. نقاشی‌های کودک تاثیر زیادی بر همه گذاشت. ۱۵. مادر به پسر صحبت کردن را می‌آموزد و پدر به او سکوت می‌آموزد. ۱۶. ما یک آشپزخانه کوچک اما یک اتاق غذاخوری بزرگ داریم.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

ج- عبارات زیر را به صورت مضاف . مضاف الیه بنویسید.

۱. הַחוֹל שֶׁל הַמִּדְבָּר

۲. הַפְּרָחִים שֶׁל הַשָּׂדֶה

۳. בַּמָּקוֹם שֶׁל הַמּוֹרֶה

۴. לַקּוֹל שֶׁל הַצִּפּוֹר

۵. בַּשְּׁעוּרִים שֶׁל הַכִּתָּה

۶. הַתִּקְוָה שֶׁל הַהוֹרִים

۷. הַמְּנוֹרוֹת שֶׁל הַבַּיִת

۸. הַגַּלִּים שֶׁל הַיָּם

۹. לַגֶּשֶׁר שֶׁל הַנָּהָר

۱۰. הַסִּפְרִיָּה שֶׁל בֵּית הַסֵּפֶר

۱۱. אָרוֹן שֶׁל בְּגָדִים

۱۲. הַמִּטּוֹת שֶׁל הַחֲדָר

۱۳. הַיְלָדִים שֶׁל הַגַּן

۱۴. הַגַּן שֶׁל הַיְלָדִים

۱۵. הַשָּׁלוֹם שֶׁל הָעוֹלָם

۱۶. יוֹם שֶׁל עֲבוֹדָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור ל״ו
لغات درس ۳۶

אֲרוּחָה (אֲרוּחוֹת): وعده غذایی؛ (جمع: وعده‌های غذایی)

אֲרוּחַת בֹּקֶר: صبحانه

אֲרוּחַת צָהֳרַיִם: ناهار

אֲרוּחַת עֶרֶב: شام

בֵּית חוֹלִים: بیمارستان

דַּקָּה (דַּקּוֹת): دقیقه؛ (جمع: دقیقه‌ها)

חֲבָל!: چه حیف، افسوس

חִיּוּךְ (חִיּוּכִים): لبخند؛ (جمع: لبخندها)

כַּרְטִיס (כַּרְטִיסִים): بلیط؛ (جمع: بلیط‌ها)

לָחַץ (לִלְחֹץ) עַל: فشارداد بر؛ (مصدر: فشاردادن بر)

לִלְחֹץ יָד: دست دادن، دست را فشار داد

לְחִיצָה (לְחִיצוֹת): فشار؛ (جمع: فشارها)

לְחִיצַת יָד: دست دادن

נְדָבָה (נְדָבוֹת): صدقه، کمک مالی؛ (جمع: صدقه‌ها، کمک‌های مالی)

סֶרֶט (סְרָטִים): فیلم، روبان؛ (جمع: فیلم‌ها، روبان‌ها)

פִּנָּה (פִּנּוֹת): گوشه؛ (جمع: گوشه‌ها)

פֶּצַע (פְּצָעִים): زخم؛ (جمع: زخم‌ها)

קוֹלְנוֹעַ: سینما

קַר, קָרָה: سرد؛ سرد (مونث)

קְרוּעַ, קְרוּעָה: پاره؛ پاره (مونث)

רִחֵם (לְרַחֵם): رحم‌کرد، ترحم کرد؛ (مصدر: رحم کردن، ترحم کردن)

שְׁתִיקָה: سکوت

תֵּאַטְרוֹן (תֵּאַטְרוֹנִים): تئاتر؛ (جمع: تئاترها)

אֵין דָּבָר: چیزی نیست، مهم نیست

טוֹב בְּעֵינַי: برای من دلپذیر است، برای من خوشایند است

לִשְׁכַּב בְּבֵית חוֹלִים: بستری شدن در بیمارستان

לְתָאֵר לְעַצְמוֹ: برای خود توصیف کردن، تصور کردن

לֹא יְדַבֵּר אֶחָד בְּפֶה וְאֶחָד בַּלֵּב. (מִן הַתַּלְמוּד)

یک بار با زبان، یک بار با دل صحبت نکن

دستور زبان درس ۳۶

۱- صرف اسم هایی که علامت جمع مذکر « ○○ִים » و یا علامت تثنیه « ○○ַיִם » را دارند به صورت زیر است:

جمع:

הַדּוֹדִים שֶׁלִּי = דּוֹדַי

הַדּוֹדִים שֶׁלְּךָ = דּוֹדֶיךָ

הַדּוֹדִים שֶׁלָּךְ = דּוֹדַיִךְ

הַדּוֹדִים שֶׁלּוֹ = דּוֹדָיו

הַדּוֹדִים שֶׁלָּהּ = דּוֹדֶיהָ

הַדּוֹדִים שֶׁלָּנוּ = דּוֹדֵינוּ

הַדּוֹדִים שֶׁלָּכֶם = דּוֹדֵיכֶם

הַדּוֹדִים שֶׁלָּכֶן = דּוֹדֵיכֶן

הַדּוֹדִים שֶׁלָּהֶם = דּוֹדֵיהֶם

הַדּוֹדִים שֶׁלָּהֶן = דּוֹדֵיהֶן

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تثنیه:

הָעֵינַיִם שֶׁלִּי = עֵינַי

הָעֵינַיִם שֶׁלְּךָ = עֵינֶיךָ	הָעֵינַיִם שֶׁלָּךְ = עֵינַיִךְ
הָעֵינַיִם שֶׁלּוֹ = עֵינָיו	הָעֵינַיִם שֶׁלָּהּ = עֵינֶיהָ

הָעֵינַיִם שֶׁלָּנוּ = עֵינֵינוּ

הָעֵינַיִם שֶׁלָּכֶם = עֵינֵיכֶם	הָעֵינַיִם שֶׁלָּכֶן = עֵינֵיכֶן
הָעֵינַיִם שֶׁלָּהֶם = עֵינֵיהֶם	הָעֵינַיִם שֶׁלָּהֶן = עֵינֵיהֶן

۲- صرف اسامی جمع مونث نیز به صورت زیر است:

הַדּוֹדוֹת שֶׁלִּי = דּוֹדוֹתַי

הַדּוֹדוֹת שֶׁלְּךָ = דּוֹדוֹתֶיךָ	הַדּוֹדוֹת שֶׁלָּךְ = דּוֹדוֹתַיִךְ
הַדּוֹדוֹת שֶׁלּוֹ = דּוֹדוֹתָיו	הַדּוֹדוֹת שֶׁלָּהּ = דּוֹדוֹתֶיהָ

הַדּוֹדוֹת שֶׁלָּנוּ = דּוֹדוֹתֵינוּ

הַדּוֹדוֹת שֶׁלָּכֶם = דּוֹדוֹתֵיכֶם	הַדּוֹדוֹת שֶׁלָּכֶן = דּוֹדוֹתֵיכֶן
הַדּוֹדוֹת שֶׁלָּהֶם = דּוֹדוֹתֵיהֶם	הַדּוֹדוֹת שֶׁלָּהֶן = דּוֹדוֹתֵיהֶן

۳- حرف اضافه نیز مانند اسم صرف می شود و باید توجه داشت بعضی از حروف اضافه مانند اسم مفرد صرف می شوند؛ مانند: עִם, אֶת, בְּ... לְ... و برخی مانند اسم های جمع صرف می شوند؛ مانند: אֶל, עַל, לִפְנֵי, אַחֲרֵי

مثال صرف حروف اضافه:

אֶל

אֵלַי	
אֵלֶיךָ	אֵלַיִךְ
אֵלָיו	אֵלֶיהָ
אֵלֵינוּ	
אֲלֵיכֶם	אֲלֵיכֶן
אֲלֵיהֶם	אֲלֵיהֶן

עַל

עָלַי	
עָלֶיךָ	עָלַיִךְ
עָלָיו	עָלֶיהָ
עָלֵינוּ	
עֲלֵיכֶם	עֲלֵיכֶן
עֲלֵיהֶם	עֲלֵיהֶן

לִפְנֵי

לְפָנַי	
לְפָנֶיךָ	לְפָנַיִךְ
לְפָנָיו	לְפָנֶיהָ
לְפָנֵינוּ	
לִפְנֵיכֶם	לִפְנֵיכֶן
לִפְנֵיהֶם	לִפְנֵיהֶן

אַחֲרֵי

אַחֲרַי	
אַחֲרֶיךָ	אַחֲרַיִךְ
אַחֲרָיו	אַחֲרֶיהָ
אַחֲרֵינוּ	
אַחֲרֵיכֶם	אַחֲרֵיכֶן
אַחֲרֵיהֶם	אַחֲרֵיהֶן

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۴- برای بیان اجبار و یا معادل کلمه ی «باید» در زبان عبری از عبارتهای گوناگونی استفاده می شود؛ مانند:
צָרִיךְ ל...

همچنین می توان از صرف حرف اضافه ی «עַל» + مصدر برای بیان اجبار در زمان حال استفاده کرد؛ مثال:

עָלַי לָלֶכֶת باید بروم

עָלַיִךְ לַעֲשׂוֹת זֹאת این را باید انجام بدهی.

اگر متکلم درسدد بیان اجبار در زمان گذشته باشد از الگوی «صرف حرف اضافه‌ی עַל + הָיָה + مصدر» استفاده می‌کند؛ مثال:

עָלַי הָיָה לָלֶכֶת باید می رفتم

עָלַיִךְ הָיָה לַעֲשׂוֹת זֹאת این را باید انجام می دادی

همچنین اگر متکلم درسدد بیان اجبار در زمان آینده باشد از الگوی « صرف حرف اضافه‌ی עַל + יִהְיֶה + مصدر» استفاده می‌کند؛ مثال:

עָלַי יִהְיֶה לָלֶכֶת من باید بروم. (در زمان آینده)

עָלָיו יִהְיֶה לַעֲשׂוֹת זֹאת. او (مونث) باید این را انجام دهد. (در زمان آینده)

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

לְחִיצַת הַיָּד

שָׁבְתִּי הַבַּיְתָה אַחֲרֵי יוֹם עֲבוֹדָה אָרֹךְ. הָיִיתִי רָעֵב וְצָמֵא. רָחַצְתִּי מַהֵר אֶת הַיָּדַיִם וְיָשַׁבְתִּי אֶל הַשֻּׁלְחָן לֶאֱכֹל אֲרוּחַת עֶרֶב. בְּמֶשֶׁךְ הָאֲרוּחָה פָּנְתָה אֵלַי הָאִשָּׁה שֶׁלִּי וְאָמְרָה:

— אֲנִי רוֹאָגֶת לְךָ מְאֹד. אַתָּה כָּל כָּךְ עָסוּק בָּאַחֲרוֹנָה. תְּאַר לְעַצְמְךָ, זֶה כְּבָר כְּמְעַט שָׁנָה שֶׁלֹּא בִּקַּרְנוּ בַּתֵּאַטְרוֹן. אֲנִי לֹא רוֹצָה לִלְחֹץ עָלֶיךָ. אֲבָל,אוּלַי נֵצֵא הָעֶרֶב? אִם לֹא נִמְצָא כַּרְטִיסִים לַתֵּאַטְרוֹן אָז נֵלֵךְ לַקּוֹלְנוֹעַ. קָרָאתִי בָּעִתּוֹן אֶתְמוֹל, שֶׁבַּקּוֹלְנוֹעַ "עַצְמָאוּת" יֵשׁ סֶרֶט מְצֻיָּן.

עָנִיתִי:

— חֲבָל! אֵינֶנִּי יָכֹל לָלֶכֶת אִתָּךְ הָעֶרֶב. שָׁמַעְתִּי הַיּוֹם שֶׁחֲבֵרִי דָּוִד חוֹלֶה מְאֹד. כְּבָר שָׁבוּעַ שֶׁהוּא שׁוֹכֵב בְּבֵית הַחוֹלִים. עָלַי לְבַקֵּר אוֹתוֹ הָעֶרֶב.

נָמַרְתִּי אֶת הָאֲרוּחָה. קַמְתִּי מִן הַכִּסֵּא, לָקַחְתִּי אֶת מְעִילִי, וְיָצָאתִי מַהֵר מִן הַבַּיִת. הָיָה עֶרֶב קַר. בַּחוּץ הָיָה חֹשֶׁךְ. גֶּשֶׁם כָּבֵד יָרַד. בְּפִנַּת הָרְחוֹב עַל הַמִּדְרָכָה עָמַד אִישׁ זָקֵן. פָּנָיו הָיוּ לְבָנִים וְעֲצוּבִים. בְּגָדָיו הָיוּ קְרוּעִים, וְיָדָיו הָיוּ מְלֵאוֹת פְּצָעִים.

הַזָּקֵן פָּנָה אֵלַי, וּבְקוֹל חַלָּשׁ וּבוֹכֶה בִּקֵּשׁ נְדָבָה.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

שַׂמְתִּי אֶת יָדִי בְּכִיסִי וְלֹא מָצָאתִי כְּלוּם. חִפַּשְׂתִּי בְּכָל כִּיסַי, וְהִנֵּה הֵם רֵיקִים. בְּרֶגַע זֶה זָכַרְתִּי, שֶׁלֹּא לָקַחְתִּי כֶּסֶף אִתִּי כַּאֲשֶׁר יָצָאתִי מִן הַבַּיִת. בָּרִאשׁוֹנָה לֹא יָדַעְתִּי מָה לַעֲשׂוֹת. הַזָּקֵן עָמַד וְחִכָּה. רִחַמְתִּי עָלָיו מְאֹד.

דַּקּוֹת אֲחָדוֹת עָבְרוּ בְּשִׁתִּיקָה. פִּתְאֹם לָקַחְתִּי אֶת הַיָּד הַקָּרָה וְהָרוֹעֶדֶת שֶׁל הַזָּקֵן וְלָחַצְתִּי אוֹתָהּ בְּאַהֲבָה, וְאָמַרְתִּי לוֹ:

— סְלִיחָה, אֵין לִי כְּלוּם לָתֵת לְךָ. בְּמִקְרֶה כִּיסַי רֵיקִים.

בָּרֶגַע הַזֶּה רָאִיתִי גַּל אוֹר עוֹלֶה בְּעֵינֵי הַזָּקֵן הָעֲצוּבוֹת. לְאַט לְאַט עָלָה גַּם חִיּוּךְ עַל פָּנָיו, וְהוּא אָמַר לִי:

— בָּרוּךְ תִּהְיֶה. אַל תִּדְאַג, אֵין דָּבָר. הַלְחִיצָה שֶׁל יָדְךָ חֲשׁוּבָה בְּעֵינַי כְּמוֹ נְדָבָה.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۳۶

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید

۱. לְאָן רָצְתָה הָאִשָּׁה לָלֶכֶת? زن می خواست به کجا برود؟

۲. אֶת מִי פָּגַשׁ הָאִישׁ בָּרְחוֹב? مرد در خیابان چه کسی را ملاقات کرد؟

۳. מַדּוּעַ לֹא נָתַן הָאִישׁ נְדָבָה לַזָּקֵן? چرا مرد به پیرمرد صدقه نداد؟

۴. מָה עָשָׂה הָאִישׁ כַּאֲשֶׁר לֹא מָצָא כְּלוּם בְּכִיסָיו? وقتی مرد چیزی در جیبهایش پیدا نکرد، چه کرد؟

۵. מַה קָּרָה בַּסּוֹף? در نهایت چه اتفاقی افتاد؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید(از اسم عطف استفاده کنید):

۱. اعمال او ما را خشنود نمی‌کند. ۲. امکان خرید بلیط در (داخل) قطار وجود دارد. ۳. حیف که لباس زیبای من پاره شده و امشب نمی‌توانم آن را بپوشم. ۴. من چند دقیقه بعد از شما برای شام می‌آیم، لطفا مرا ببخشید. ۵. جوان از درخت افتاد و زخم بزرگی بر سرش ایجاد شد. ۶. بیرون سرد است و من (مونث) برای هر شخصی (مردی) که کت گرم ندارد دلم می‌سوزد (ترحم میکنم). ۷. من لبخندی بر لب تو (مونث) ندیده‌ام، چه اتفاقی برای شما افتاده است؟ ۸. سوال طولانی بود، اما پاسخ کوتاه بود. ۹. وقتی در بیمارستان بستری شدم، پزشک روزی یک بار (یک بار) مرا ویزیت می‌کرد. ۱۰. بلیط تئاتر هزینه زیادی دارد. بنابراین بسیاری از مردم به سینما می‌روند، نه به تئاتر. ۱۱. پدربزرگم هر جمعه به فقرا صدقه می‌داد. ۱۲. پس از چند دقیقه سکوت، مرد از جایش بلند شد و گفت: حیف که الان باید بروم. ۱۳. به من فشار نیاور، من خودم این کار را انجام خواهم داد. ۱۴. غذا را جلوی او روی میز گذاشتم، اما او (مذکر) به غذا دست نزد. ۱۵. او (مذکر) در گوشه خیابان خانه ساخت.

ج- عبارت های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. قبل از ما

۲. بعد از او

۳. بر تو (مونث)

۴. بعد از تو (مونث)

۵. به آنها (مذکر)

۶. قبل از تو (مذکر)

۷. بعد از آنها (مونث)

۸. به ما

۹. درباره (بر) او (مذکر)

۱۰. بعد از شما (مذکر)

۱۱. قبل از من

۱۲. بر ما

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

د- عبارت های زیر به صورت عطفی بنویسید.

۱. הַתְּמוּנוֹת שֶׁלָּנוּ
۲. הַדּוֹדוֹת שֶׁלָּהֶן
۳. הָרַגְלַיִם שֶׁלָּכֶן
۴. הָאֲרוּחוֹת שֶׁלִּי
۵. הַפָּנִים שֶׁלְּךָ
۶. הַשְּׁעוּרִים שֶׁלְּךָ
۷. הַשִּׁירִים שֶׁלּוֹ
۸. הַכְּתָּה שֶׁלָּנוּ
۹. הַיְלָדִים שֶׁלָּהּ
۱۰. הַמְּקוֹמוֹת שֶׁלָּכֶם
۱۱. הַקּוֹלוֹת שֶׁלָּהֶם
۱۲. הַפִּנָּה שֶׁלִּי

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

لغات درس ۳۷

אָדָם: آدم، انسان — man

אַיִן: هیچ، تهی(عدم) — naught; nothing

אֶפֶס (אֲפָסִים): هیچ، تهی(عدم)، عدد صفر؛ (جمع: ، هیچ‌ها، تهی‌ها، صفرها) — naught; nothing; zero

אֵשׁ: آتش — fire n.f

הַיּוֹתֵר = הֶכִי: ترین (برای ساخت صفت برتر یا عالی به کار برده میشود) — the most

הֲלֹא: آیا اینطور نیست؟، حتماً — is it not? surely!

חָטָא (לַחֲטֹא): گناه کرد؛ (مصدر: گناه کردن) — sinned

חֵטְא (חֲטָאִים): گناه؛ (جمع: گناهان) — sin n.m

כָּבָה (לִכְבּוֹת): خاموش شد؛ (مصدر: خاموش شدن) — extinguished; put out (fire)

מַר, מָרָה: تلخ؛ تلخ (مونث) — bitter

רַע וָמַר: تلخ و بد، منزجر کننده — bad and bitter

מִשְׁפָּט (מִשְׁפָּטִים): محاکمه، جمله، دادگاه؛ (جمع: محاکمه‌ها، جمله‌ها، دادگاه‌ها) — trial; judgment; sentence

נֶצַח (נְצָחוֹנוֹת): پیروزی؛ (جمع: پیروزی‌ها) — victory; triumph

בְּנֶצַח: پیروزمندانه — triumphantly

נָשָׂא (לָשֵׂאת לִנְשֹׂא): حمل کرد، حرکت داد؛ (مصدر: حمل کردن، حرکت دادن) — carried

עָבַד ל...; אֶת: عبادت کرد برای، پرستش کرد، خدمت کرد (ל برای اشیاء و אֶת برای انسان) — worshipped; served

עֹנֶשׁ (עֳנָשִׁים): تنبیه، مجازات؛ (جمع: تنبیه‌ها، مجازات‌ها) — punishment

פִּזַּר(לְפַזֵּר): پخش کرد؛ (مصدر: پخش کردن) — scattered

רוּחַ (רוּחוֹת): باد، روح؛ (بادها، روح‌ها) — spirit; wind

שָׁלַט (לִשְׁלֹט) בְּ...; עַל: حکومت کرد بر...؛ تسلط پیدا کرد بر...؛ (مصدر: حکومت کردن، تسلط پیدا کردن) — ruled; controlled

שָׂרַף (לִשְׂרֹף): سوزاند؛ (مصدر: سوزاندن) — burned

תּוֹךְ: درون، داخلِ — within

בְּתוֹךְ: در وسطِ، در میانِ — in the midst of

אַיִן וָאֶפֶס: کاملاً هیچ، تماماً تهی — totally nothing

שָׁלַט בְּרוּחוֹ: بر خودش مسلط شد — controlled himself

בֶּאֱפֶס עֲצִים תִּכְבֶּה אֵשׁ. (משלי כ״ו ۲۰)

در نبود درخت‌ها، آتش خاموش خواهد شد.(در نبود عصبانیت جر و بحث تمام خواهد شد).

دستور زبان درس ۳۷

۱- در هر زبان صفاتی وجود دارد که نسبت دو شیء را با هم مقایسه میکند، در زبان عبری این مطلب بصورت زیر است:

א) صفات همانندی: در زبان عبری برای بیان همانندی از کلمه ی «כְּמוֹ» استفاده می شود.

הוּא מְדַבֵּר כְּמוֹ יִשְׂרְאֵלִי. او مانند یک اسرائیلی صحبت می‌کند.

הוּא חָזָק כְּמוֹ שִׁמְשׁוֹן. او مانند سامسون قوی است.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

صرف واژه ی« כְּמוֹ » با ضمایر متصل به صورت زیر است:

		כְּמוֹנִי		
כְּמוֹךָ	כָּמוֹךְ	כְּמוֹהוּ	כָּמוֹהָ	
כְּמוֹכֶם	כְּמוֹכֶן	כְּמוֹנוּ		
כְּמוֹהֶם	כְּמוֹהֶן			

مثال:

הוּא חָזָק כָּמוֹנִי. او مانند(مثل) من قوی است.

אֲנִי חָכָם כָּמוֹהוּ. من مانند (مثل) او باهوش هستم.

ب) **صفات برتر:** از دو طریق میتوان برتری یک شیء یا یک فرد نسبت به دیگری بیان کرد:

۱. حرف «מִן» که مخفف آن «מַ» یا «מְ» است.

۲. عبارت «יוֹתֵר מַ... »

مثال:

דָּוִד גָּדוֹל (מִן דָּן) מִדָּן. داوود از دان بزرگتر است.

דָּוִד יוֹתֵר גָּדוֹל (מִן דָּן) מִדָּן. داوود از دان بزرگتر است.

דָּוִד קָטָן מֵאַבְרָהָם. داوود از ابراهیم کوچکتر است.

דָּוִד יוֹתֵר קָטָן מֵאַבְרָהָם. داوود ازابراهیم کوچکتر است.

نکته ۱: در محاورات بیشتر از « יוֹתֵר מַ... » استفاده می شود.

نکته ۲: صرف حرف « מִן » به همراه ضمایر متصل به صورت زیر است:

מִמֶּנִּי	מִמְּךָ	מִמֵּךְ	מִמֶּנּוּ	מִמֶּנָּה
מִמֶּנּוּ	מִכֶּם	מִכֶּן	מֵהֶם	מֵהֶן

مثال:

הוּא גָּדוֹל מִמֶּנִּי. او بزرگتر از من است.

הוּא יוֹתֵר גָּדוֹל מִמֶּנִּי. او بزرگتر از من است.

ج) صفات عالی: راه های بسیاری برای بیان صفات عالی وجود دارد اما متداول ترین آنها عبارت است از:

۱. اسم مورد نظر باید معرفه شود و کلمه «הַיּוֹתֵר» یا «הֲכִי» قبل از صفت قرار گیرد؛ مثال:

דָּוִד הוּא הַתַּלְמִיד הַיּוֹתֵר (הֲכִי) טוֹב داوود بهترین دانش آموز است.

רוּת הִיא הַתַּלְמִידָה הַיּוֹתֵר (הֲכִי) טוֹבָה. روت بهترین دانش آموز است.

۲. اسم مورد نظر به همراه صفت معرفه شوند و بعد از آنها قید «בְּיוֹתֵר» قرار گیرد؛ مثال:

דָּוִד הוּא הַתַּלְמִיד הַטּוֹב בְּיוֹתֵר. داوود بهترین دانش آموز است.

רוּת הִיא הַתַּלְמִידָה הַטּוֹבָה בְּיוֹתֵר. روت بهترین دانش آموز است.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

نکته: میتوان صفت عالی را به صورت جمع نیز بیان کرد؛ مثال:

דָּוִד וְרוּת הֵם הַתַּלְמִידִים הַיּוֹתֵר (הֲכִי) טוֹבִים. داوود و روت بهترین دانش آموزان هستند.

דָּוִד וְרוּת הֵם הַתַּלְמִידִים הַטּוֹבִים בְּיוֹתֵר. داوود و روت بهترین دانش آموزان هستند.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

אַבְרָהָם וְהַמֶּלֶךְ נִמְרוֹד

תֶּרַח, הָאָב שֶׁל אַבְרָהָם, הָיָה בַּעַל חֲנוּת שֶׁל פְּסִילִים. אַבְרָהָם יָדַע שֶׁהַפְּסִילִים הֵם אַיִן וְאֶפֶס. יוֹם אֶחָד הוּא קָם וְשִׁבֵּר אֶת כָּל הַפְּסִילִים שֶׁהָיוּ בַּחֲנוּת. הַמֶּלֶךְ נִמְרוֹד שָׁמַע עַל הַמַּעֲשֶׂה הַנּוֹרָא הַזֶּה. הוּא כָּעַס עַל אַבְרָהָם וְרָצָה לַהֲרֹג אוֹתוֹ. הַמֶּלֶךְ אָסַף אֶת כָּל הַשָּׂרִים בְּאַרְמוֹנוֹ, וְקָרָא אֶת אַבְרָהָם לְמִשְׁפָּט לִפְנֵיהֶם.

— מַדּוּעַ שִׁבַּרְתָּ אֶת הַפְּסִילִים? צָעַק הַמֶּלֶךְ. חֵטְא גָּדוֹל עָשִׂיתָ. רַע וָמַר יִהְיֶה הָעֹנֶשׁ שֶׁלְּךָ.

— בַּמֶּה חָטָאתִי, אֲדוֹנִי הַמֶּלֶךְ? אָמַר אַבְרָהָם בְּשֶׁקֶט. הַפְּסִילִים הֵם רַק עֵץ, וְאֵין בָּהֶם כֹּחַ. הֲלֹא הָאֵשׁ יוֹתֵר חֲזָקָה מִן הָעֵץ. הָאֵשׁ יְכוֹלָה לִשְׂרֹף אֶת הָעֵץ.

— אִם כֵּן, עֲבֹד לָאֵשׁ!

— אֵיךְ אֶעֱבֹד לָאֵשׁ? הֲלֹא הַמַּיִם יוֹתֵר חֲזָקִים מִמֶּנָּה. הַמַּיִם יְכוֹלִים לְכַבּוֹת אֶת הָאֵשׁ.

— אִם כֵּן, עֲבֹד לַמַּיִם!

— אֵיךְ אֶעֱבֹד לַמַּיִם, אֲדוֹנִי הַמֶּלֶךְ? הֲלֹא הֶעָנָן יוֹתֵר חָזָק מֵהֶם. הֶעָנָן נוֹשֵׂא אֶת הַמַּיִם בְּתוֹכוֹ.

גַּל שֶׁל כַּעַס עָלָה בְּלֵב שֶׁל הַמֶּלֶךְ, אֲבָל הוּא שָׁלַט בְּרוּחוֹ, וְאָמַר:

— אִם כֵּן, מַדּוּעַ אֵינְךָ עוֹבֵד לֶעָנָן?

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

— אֵיךְ אֶפְשָׁר לַעֲבֹד לֶעָנָן? הֲלֹא הָרוּחַ יוֹתֵר חֲזָקָה מִמֶּנּוּ. לָרוּחַ יֵשׁ הַכֹּחַ לִרְחֹף וּלְפַזֵּר אֶת הֶעָנָנִים הַכְּבֵדִים.

— אִם כֵּן, עֲבֹד לָרוּחַ!

— הָאָדָם יוֹתֵר חָזָק מִן הָרוּחַ. הָרוּחַ הִיא בְּתוֹךְ הָאָדָם. הָאָדָם שׁוֹלֵט עַל הָרוּחַ.

— אִם כֵּן, לְחַץ הַמֶּלֶךְ נִמְרוֹד עַל אַבְרָהָם, וְצָעַק: עֲבֹד לִי. אֲנִי הָאָדָם הַיּוֹתֵר חָשׁוּב בָּאָרֶץ. אֲנִי שׁוֹלֵט עַל כָּל הָאֲנָשִׁים. אֵין כָּמוֹנִי!

אָז עָנָה אַבְרָהָם בִּנְצָחוֹן:

— אֵין אֲנִי עוֹבֵד אֶלָּא אֶת הָאֱלֹהִים! הוּא יוֹתֵר חָזָק מִכָּל אָדָם. הוּא יָכוֹל לָקַחַת אֶת הָרוּחַ מִן הָאָדָם, וְאָז הָאָדָם יָמוּת. אֱלֹהִים הוּא הַמֶּלֶךְ הַיּוֹתֵר גָּדוֹל בָּעוֹלָם. אֵין כָּמוֹהוּ!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۳۷

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מַדּוּעַ כָּעַס הַמֶּלֶךְ נִמְרוֹד עַל אַבְרָהָם ؟ چرا پادشاه نمرود از ابراهیم عصبانی شد؟

۲. מַדּוּעַ לֹא רָצָה אַבְרָהָם לַעֲבֹד לַפְּסִילִים ؟ چرا ابراهیم نمی خواست بت ها را بپرستد؟

۳. מַדּוּעַ חָשַׁב אַבְרָהָם שֶׁהַמַּיִם יוֹתֵר חֲזָקִים מִן הָאֵשׁ ؟ چرا ابراهیم فکر میکرد آب نیرومندتر از آتش است؟

۴. מַדּוּעַ חָשַׁב אַבְרָהָם שֶׁהָרוּחַ יוֹתֵר חֲזָקָה מִן הֶעָנָן ؟ چرا ابراهیم فکر میکرد که روح قوی تر از ابر است؟

۵. מַדּוּעַ לֹא רָצָה אַבְרָהָם לַעֲבֹד לַמֶּלֶךְ ؟ چرا ابراهیم نمی خواست پادشاه را بپرستد؟

ب- عبارات زیر را به عبری ترجمه کنید:

۱. از من
۲. مثل او (مونث)
۳. مثل ما
۴. بیشتر از من
۵. مثل او (مذکر)
۶. مثل آنها (مذکر)
۷. از آنها (مونث)
۸. از او (مونث)
۹. مثل شما (مذکر)
۱۰. از شما (مذکر)
۱۱. مثل آن (مذکر)
۱۲. بیشتر از تو (مونث)

ج- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید:

۱. او یک کوزه آب برداشت و آتش را خاموش کرد. ۲. چنین مجازاتی از مرگ تلخ‌تر است. ۳. پادشاه فکر می‌کرد که او باهوش‌ترین مرد روی زمین است و همه مردم دیگر هیچ هستند. ۴. او (مذکر) همیشه کتاب‌های او (مونث) را به مدرسه می‌برد. ۵. آتش‌سوزی در جنگل رخ داد و بسیاری از درختان را سوزاند. ۶. پس از یک محاکمه طولانی، مجازات شدید (سخت) دریافت کرد. ۷. آیا بیرون سرد نیست؟ چرا تو (مذکر) کت نمی‌پوشی؟ ۸. باد تمام نامه‌هایش را روی زمین پراکنده کرد. ۹. این بدترین گناهی است که در زندگی‌ام انجام داده‌ام. ۱۰. او (مونث) با قلبی پر از عشق خدا را عبادت کرد. ۱۱. او (مذکر) با دستی قدرتمند بر قوم (امت) خود حکومت کرد. ۱۲. بدون کار و اشک پیروزی حاصل نمی‌شود. ۱۳. او (مذکر) به قدری (=آنقدری زیاد) عصبانی شد که حاضر بود (=آماده بود) مرا بکشد. ۱۴. من می‌دانم که گناه کردم، اما از تو (مونث) طلب بخشش می‌کنم. ۱۵. ارواح شیطانی زیادی در این دنیا وجود دارند. ۱۶. او (مذکر) پیروزمندانه فریاد زد: "کیست که مثل من باشد؟"

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור לח

لغات درس ۳۸

אֶפֶס (אֲפָסִים): صفر؛ (جمع: صفرها)

בִּגְלַל: بخاطر، زیرا

הֶבְדֵּל (הֶבְדֵּלִים): تفاوت؛ (جمع: تفاوت‌ها)

יוֹתֵר מִדַּי: بیش از اندازه کافی، بیش از حد کفایت

מִסְפָּר (מִסְפָּרִים): عدد، شماره؛ (جمع: اعداد، شماره‌ها)

מַשְׂכֹּרֶת (מַשְׂכֹּרוֹת): حق(دریافتی ماهانه)؛ (جمع: حقوق)

מִשְׂרָד (מִשְׂרָדִים): دفتر کار، اداره؛ (جمع: دفاتر کار، ادارات)

סוֹחֵר (סוֹחֲרִים): تاجر؛ (جمع: تاجران)

עֲגָלָה (עֲגָלוֹת): گاری، واگن؛ (جمع: گاری‌ها، واگن‌ها)

פָּחוֹת: کمتر

צֶדֶק: عدالت، درستی

שִׁלֵּם (לְשַׁלֵּם): پرداخت کرد؛ (مصدر: پرداخت کردن)

שָׁקַל (לִשְׁקֹל): وزن کرد؛ (مصدر: وزن کردن)

פָּחוֹת אוֹ יוֹתֵר: بیشتر یا کمتر

לְיוֹם: هر روز

הֶחָכָם עֵינָיו בְּרֹאשׁוֹ (קהלת ב,14)

فرد خردمند، چشمانش در سرش است.

دستور زبان درس ۳۸

۱- اعداد اصلی به دو دسته ی مذکر و مونث تقسیم می شوند:

זָכָר (مذکر)	נְקֵבָה (مونث)
۱. אֶחָד	אַחַת
۲. שְׁנַיִם	שְׁתַּיִם
۳. שְׁלֹשָׁה	שָׁלֹשׁ
۴. אַרְבָּעָה	אַרְבַּע
۵. חֲמִשָּׁה	חָמֵשׁ
۶. שִׁשָּׁה	שֵׁשׁ
۷. שִׁבְעָה	שֶׁבַע
۸. שְׁמוֹנָה	שְׁמוֹנֶה
۹. תִּשְׁעָה	תֵּשַׁע
۱۰. עֲשָׂרָה	עֶשֶׂר

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۲- همه ی اعداد اصلی به غیر از عدد یک، میتوانند قبل از اسم قرار گیرند؛ مثال:

יֵשׁ לִי רַק דּוֹלָר אֶחָד. من فقط یک دلار دارم.

יֵשׁ לוֹ שְׁלֹשָׁה דּוֹלָרִים. من سه دلار دارم.

۳- عدد دو« שְׁנַיִם » و «שְׁתַּיִם » زمانی که بدون معدود باشند استعمال می شوند اما اگر معدود همراه این دو عدد استعمال شود بیشتر به صورت « שְׁנֵי » و « שְׁתֵּי » استعمال می شوند؛ مثال:

+ כַּמָּה בָּנִים יֵשׁ לָךְ? - שְׁנַיִם. + چند پسر داری؟ - دو تا.

+ כַּמָּה בָּנוֹת יֵשׁ לָךְ? - שְׁתַּיִם. + چند تا دختر داری؟ - دو تا.

יֵשׁ לִי שְׁנֵי בָּנִים. من دو پسر دارم.

יֵשׁ לִי שְׁתֵּי בָּנוֹת من دو دختر دارم.

۴- حرف اضافه‌ی «בֵּין» به صورت زیر صرف می شود:

בֵּינִי	בֵּינְךָ	בֵּינֵךְ	בֵּינוֹ	בֵּינָהּ
בֵּינֵינוּ	בֵּינֵיכֶם	בֵּינֵיכֶן	בֵּינֵיהֶם	בֵּינֵיהֶן

۵- نحوه ی استعمال حرف اضافه ی « בֵּין » به دو صورت است:

א) اگر دو فرد یا دو شیء مدنظر باشد (و بخواهیم واژه ی בֵּין را همراه دو ضمیر متصل استعمال کنیم) این واژه تکرار می شود؛ مثال:

הַהֶבְדֵּל בֵּינְךָ וּבֵינִי. تفاوت تو و من.

ב) اگر دو فرد یا دو شیءمدنظر باشد (و بخواهیم واژه ی בֵּין را همراه دو اسم استعمال کنیم) این واژه تکرار می شود؛ مثال:

הַהֶבְדֵּל בֵּין פּוֹעֵל וּבֵין פּוֹעֵל. تفاوت بین کارگر با کارگر.

حتی میتوان به جای « בֵּין » دوم حرف اضافه ی «ל» استفاده کرد؛ مثال:

הַהֶבְדֵּל בֵּין פּוֹעֵל לְפוֹעֵל. تفاوت بین کارگر با کارگر.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הַהֶבְדֵּל בֵּין פּוֹעֵל וּבֵין פּוֹעֵל

דָּן וְחַיִּים עָבְדוּ אֵצֶל סוֹחֵר פֵּרוֹת אֶחָד. דָּן הָיָה מְקַבֵּל שְׁמוֹנָה דוֹלָרִים לְיוֹם, וְחַיִּים הָיָה מְקַבֵּל עֲשָׂרָה דוֹלָרִים לְיוֹם. דָּן הָיָה אוֹמֵר לְעַצְמוֹ בְּכַעַס: "אֲנַחְנוּ חַיִּים בְּעוֹלָם שֶׁל שֶׁקֶר. בִּגְלַל מָה מְקַבֵּל חֲבֵרִי מַשְׂכֹּרֶת יוֹתֵר גְּבוֹהָה מִמֶּנִּי? אֲנִי פּוֹעֵל טוֹב כָּמוֹהוּ. אֵין צֶדֶק בָּעוֹלָם!".

דָּן סָבַל הַרְבֵּה מִזֶּה, אֲבָל פָּחַד לִפְתֹּחַ אֶת הַפֶּה שֶׁלּוֹ. בְּמֶשֶׁךְ זְמַן רַב שָׁלַט בְּרוּחוֹ וְשָׁתַק. בַּסּוֹף קָשֶׁה הָיָה לוֹ לִסְבֹּל עוֹד. הוּא הָלַךְ אֶל הַמִּשְׂרָד שֶׁל הַסּוֹחֵר, וְאָמַר בִּדְמָעוֹת מָרוֹת:

— מַדּוּעַ אַתָּה שׁוֹנֵא אוֹתִי? לָמָּה אַתָּה נוֹתֵן לִי פָּחוֹת כֶּסֶף מֵחַיִּים?

— אַל תִּלְחַץ עָלַי עַכְשָׁו, עָנָה הַסּוֹחֵר. חַכֵּה יוֹם אֶחָד אוֹ שְׁנַיִם, וְאָז תְּקַבֵּל תְּשׁוּבָה מַדּוּעַ חַיִּים מְקַבֵּל יוֹתֵר מִמְּךָ.

לַמָּחֳרָת עָבְרוּ עַל־יַד הַחֲנוּת אִכָּרִים בִּשְׁתֵּי עֲגָלוֹת נוֹשְׂאוֹת שַׂקִּים מְלֵאִים. הַסּוֹחֵר קָרָא אֶת דָּן לַמִּשְׂרָד, וְאָמַר לוֹ:

— רוּץ וּבָרֵר מַה יֵּשׁ לָאִכָּרִים בַּשַּׂקִּים.

דָּן הָלַךְ אֶל הָאִכָּרִים. הוּא חָזַר וְאָמַר:

— יֵשׁ לָהֶם פֵּרוֹת לִמְכִירָה.

אָמַר שׁוּב הַסּוֹחֵר אֶל דָּן:

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

— רוּץ וּשְׁאַל אֶת הָאִכָּרִים כַּמָּה עוֹלֶה כָּל שַׂק.

דָּן רָץ אַחֲרֵי הָעֲגָלוֹת, חָזַר וְאָמַר:

— הַמְּחִיר שֶׁל כָּל שַׂק הוּא שִׁשָּׁה דּוֹלָרִים.

אָז קָרָא הַסּוֹחֵר אֶת חַיִּים לְמִשְׂרָדוֹ וְאָמַר לוֹ:

— לְפָנַי עֲשָׂר דַּקּוֹת, פָּחוֹת אוֹ יוֹתֵר, עָבְרוּ עַל־יַד הַחֲנוּת אִכָּרִים בְּשִׁתֵּי עֲגָלוֹת. רוּץ וּתְבָרֵר מַה יֵּשׁ לָהֶם בָּעֲגָלוֹת.

חַיִּים יָצָא מַהֵר, וְאַחֲרֵי מִסְפַּר דַּקּוֹת הוּא חָזַר וְסִפֵּר:

— יֵשׁ לָאִכָּרִים שַׂקִּים עִם תַּפּוּחִים.סָפַרְתִּי וְשָׁקַלְתִּי אוֹתָם.בְּכָל עֲגָלָה יֵשׁ עֲשָׂרָה שַׂקִּים. פָּתַחְתִּי שַׂקִּים אֲחָרִים. בָּדַקְתִּי אֶת הַתַּפּוּחִים וּמָצָאתִי שֶׁהֵם מְצֻיָּנִים. הָאִכָּרִים רָצוּ שִׁשָּׁה דּוֹלָרִים לְשַׂק. אָמַרְתִּי לָהֶם: "נָכוֹן, הַתַּפּוּחִים הֵם בֶּאֱמֶת יָפִים, אֲבָל בְּכָל זֹאת, הַמְּחִיר שֶׁאַתֶּם מְבַקְּשִׁים הוּא יוֹתֵר מִדַּי גָּבוֹהַּ. אֲנִי מוּכָן לִקְנוֹת אֶת כָּל הַתַּפּוּחִים וּלְשַׁלֵּם לָכֶם חֲמִשָּׁה דּוֹלָרִים לְכָל שַׂק". וְהִנֵּה הָאִכָּרִים עִם הָעֲגָלוֹת עוֹמְדִים עַל יַד הַחֲנוּת.

הַסּוֹחֵר פָּנָה אֶל דָּן וְקָרָא בְּקוֹל נִצָּחוֹן:

— אֲנִי מְקַוֶּה שֶׁעַכְשָׁו אַתָּה רוֹאֶה בְּעַצְמְךָ אֶת הַהֶבְדֵּל בֵּינוֹ וּבֵינְךָ. בִּגְלַל הַהֶבְדֵּל בֵּינֵיכֶם, גַּם הַהֶבְדֵּל בַּמַּשְׂכֹּרֶת!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۳۸

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מָה הָיָה הַהֶבְדֵּל בֵּין הַמַּשְׂכֹּרֶת שֶׁל חַיִּים וּבֵין הַמַּשְׂכֹּרֶת שֶׁל דָּן? تفاوت بین حقوق دریافتی حییم و دان چه بود؟

۲. כַּמָּה עֲגָלוֹת עָבְרוּ עַל־יַד הַחֲנוּת? چندتا گاری از کنار مغازه گذشتند؟

۳. כַּמָּה דוֹלָרִים בִּקְּשׁוּ הָאִכָּרִים לְכָל שַׂק? کشاورزان برای هر جعبه چند دلار درخواست کردند؟

۴. בְּאֵיזֶה מְחִיר קָנָה חַיִּים אֶת הַתַּפּוּחִים? به کدام قیمت، حییم سیب‌ها را خرید؟

۵. מַדּוּעַ קִבֵּל חַיִּים מַשְׂכֹּרֶת יוֹתֵר גְּבוֹהָה מִדָּן? چرا حییم حقوق بیشتر از دان دریافت می کرد؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. این تاجر با کارگران رفتار خوبی دارد. ۲. کشاورزان با هفت واگن پر از میوه به بازار آمدند. ۳. من ده دلار کمتر از او (مذکر) پرداخت کردم. ۴. او (مونث) به تاجر گفت: "من این لباس را دوست دارم، اما برای من بسیار گران است." ۵. به خاطر کار عالی، حقوقی بالاتر از تو(مونث) دریافت کرد. ۶. چه بد که هیچ عدالتی در این دنیا وجود ندارد. ۷. آدرس شما را دریافت کردم اما بدون شماره خانه شما. ۸. من نمی‌توانم تفاوت بین این دو تصویر را ببینم. ۹. کارگر عصبانی شد، اما پس از مدتی عصبانیت او برطرف شد(گذشت). ۱۰. گاهی اوقات یک پسر از پدرش بلندتر است. ۱۱. همه چیز بسیار گران است، قیمت‌ها روز به روز افزایش می‌یابد. ۱۲. تعداد زیادی از مردم برای خاموش کردن آتشی که در کنیسه رخ داد دویدند. ۱۳. میز خیلی سنگین است، لطفا به من کمک کن (مذکر) تا آن را به آشپزخانه ببرم. ۱۴. پسر کوچولو کیسه را پاره کرد و سیب‌ها را روی زمین پراکنده کرد (=ریخت). ۱۵. حتی یک انسان مقدس در زندگی خود یک یا دو گناه انجام می‌دهد. ۱۶. توریست از من پرسید اداره پست (دفتر پست) کجاست.

ج- ترجمه با استفاده از کلمات برای اعداد:

۱. ۳ پاسخ	۵. ۵ میز	۹. ۶ نعمت	۱۳. ۲ وعده غذایی
۲. ۹ کشور	۶. ۱۰ داستان	۱۰. ۵ پسر	۱۴. ۱ صندلی
۳. ۷ دختر	۷. ۸ هدیه	۱۱. ۷ عدد	۱۵. ۴ اتاق
۴. ۶ تست	۸. ۱۰ زن	۱۲. ۹ بار	۱۶. ۲ پیامبر

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שיעור ל"ט

لغات درس (۳۹)

אַחַר (לְאַחַר) ל...: دیر کرد؛ (مصدر: دیر کردن) was late

בְּדִיוּק: دقیقاً exactly; precisely

בְּשְׁעַת: در طولِ... during; during the time of

זָרַח (לִזְרֹחַ): درخشید؛ (مصدر: درخشیدن) shone

חֲדָשׁוֹת: اخبار (همیشه به صورت جمع) news nfpl.

חֲצִי: نیمِ، نصفِ (در حالت اضافه) half of

חֲצִי: نیم، نصف (در حالت مطلق) half (at a pause)

לְפִי: بنا بر...، با توجه به... according to

עֲדַיִן: هنوز still

עַמּוּד (עַמּוּדִים): صفحه؛ (جمع: صفحه‌ها) Page

רֶבַע (רְבָעִים): ربع (در بیان ساعت)؛ (جمع: ربع‌ها) quarter

רַדְיוֹ: رادیو radio

שָׁעוֹן (שְׁעוֹנִים): ساعت ؛ (جمع: ساعت‌ها) clock; watch

שָׁעָה: ساعت (واحد زمان)

תַּחְתִּית: مترو ← subway

חֲצִי שָׁעָה: نیم ساعت half an hour

מָה הַשָּׁעָה?: ساعت چند است؟ what time is it?

בְּאֵיזוֹ שָׁעָה?: در چه ساعتی؟ at what time?

טֶמְפֶּרָטוּרָה: درجه حرارت، دما temperature

מַעֲלָה (מַעֲלוֹת): درجه؛ (جمع: درجه‌ها) degree (temp)

יָכוֹל אָדָם לִלְמֹד תּוֹרָה בְּעֶשְׂרִים שָׁנָה, וְלִשְׁכֹּחַ בִּשְׁתֵּי שָׁנִים. (מִן הַמִּדְרָשׁ)

انسان میتواند در بیست سال تورات را بیاموزد و در دو سال فراموش کند. (از میدراش)

دستور زبان درس ۳۹

۱- اعداد اصلی ۱۱ تا ۱۹ که برای معدود مذکر باید عدد قبل از«עֶשֶׂר» مذکر باشد و برای معدود مونث باید عدد قبل از «עֶשְׂרֵה» مونث استعمال شود؛ مثال:

זָכָר	נְקֵבָה
۱۱. אַחַד עָשָׂר	אַחַת עֶשְׂרֵה
۱۲. שְׁנֵים עָשָׂר	שְׁתֵּים עֶשְׂרֵה
۱۳. שְׁלֹשָׁה עָשָׂר	שְׁלֹשׁ עֶשְׂרֵה
۱۴. אַרְבָּעָה עָשָׂר	אַרְבַּע עֶשְׂרֵה
۱۵. חֲמִשָּׁה עָשָׂר	חָמֵשׁ עֶשְׂרֵה
۱۶. שִׁשָּׁה עָשָׂר	שֵׁשׁ עֶשְׂרֵה
۱۷. שִׁבְעָה עָשָׂר	שְׁבַע עֶשְׂרֵה
۱۸. שְׁמוֹנָה עָשָׂר	שְׁמוֹנֶה עֶשְׂרֵה
۱۹. תִּשְׁעָה עָשָׂר	תִּשַׁע עֶשְׂרֵה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

باید توجه داشت که برخی اعداد در این ترکیب تغییرات دارند؛ مثال:

زکر	نقبه
۱۱ (אַחַד) אַחַד עָשָׂר	۱۲ (שְׁתַּיִם) שְׁתֵּים עֶשְׂרֵה
۱۲ (שְׁנַיִם) שְׁנֵים עָשָׂר	۱۳ (שָׁלֹשׁ) שְׁלֹשׁ עֶשְׂרֵה
	۱۵ (חָמֵשׁ) חֲמֵשׁ עֶשְׂרֵה
	۱۷ (שֶׁבַע) שְׁבַע עֶשְׂרֵה
	۱۹ (תֵּשַׁע) תְּשַׁע עֶשְׂרֵה

۲- بیان ساعت: از آنجایی که کلمات «שָׁעָה» و «דַּקָּה» مونث هستند پس از اعداد مونث برای بیان ساعت استفاده می شود اما استفاده از این دو کلمه برای بیان ساعت اختیاری است؛ مثال:

הַשָּׁעָה שְׁתַּיִם = שְׁתַּיִם. ساعت ۲ است.

(הַשָּׁעָה) שָׁלֹשׁ בְּדִיּוּק. دقیقا ساعت ۳ است.

(הַשָּׁעָה) שְׁתַּיִם וְאַרְבַּע עֶשְׂרֵה (דַּקּוֹת). ساعت ۲ و ۱۴ دقیقه است.

(הַשָּׁעָה) שָׁלֹשׁ וָרֶבַע. ساعت ۳ و ربع (۱۵دقیقه) است.

(הַשָּׁעָה) שָׁלֹשׁ וָחֵצִי. ساعت ۳ و نیم (۳۰ دقیقه) است.

שְׁמוֹנֶה עֶשְׂרֵה (דַּקּוֹת) לְאַרְבַּע. ساعت ۱۸ دقیقه مانده به ۴.

רֶבַע לְאַרְבַּע. ساعت یک ربع (۱۵ دقیقه) مانده به ۴.

בְּאֵיזוֹ שָׁעָה קַמְתָּ הַבֹּקֶר ? در چه ساعتی صبح بیدار شدی؟

קַמְתִּי בְּשֶׁבַע در ساعت ۷.

۳- فعل «אַחַר» که از مصدر «לְאַחַר» در بینیان «פִּעֵל» ساخته می شود و به معنای (دیر کردن) است به صورت زیر صرف می شود و دیگر طبق معمول افعال این بینیان در زمان گذشته، حرف اول خیقیک نمی گیرد بلکه صقه می گیرد:

אַחַרְתִּי	אַחַרְתָּ	אֵחַרְתְּ	אֵחַר	אַחֲרָה
אַחַרְנוּ	אֲחַרְתֶּם	אֲחַרְתֶּן	אֵחֲרוּ	אֲחֲרוּ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הָרַדְיוֹ! הָרַדְיוֹ!

הַשָּׁעָה תֵּשַׁע וָחֵצִי בַּבֹּקֶר. עֶשְׂרִים דַּקּוֹת כְּבָר עָבְרוּ וְדָן עֲדַיִן לֹא בָּא לַכִּתָּה. הַתַּלְמִידִים כְּבָר גָּמְרוּ לִקְרֹא שְׁנֵי עֲמוּדִים שְׁלֵמִים בַּסִּפּוּר הֶחָדָשׁ. הַמּוֹרֶה דָּאַג לְדָן, כִּי הוּא אַף פַּעַם לֹא מְאַחֵר לַשִּׁעוּרִים. עָבְרוּ עוֹד עֶשֶׂר דַּקּוֹת, וַעֲדַיִן דָּן לֹא בָּא. עָבְרָה עוֹד דַּקָּה, וְדָן פָּרַץ לְתוֹךְ הַחֶדֶר עִם תִּיקוֹ הַכָּבֵד, שֶׁהוּא נוֹשֵׂא תָּמִיד בְּיָדוֹ.

— מַה קָּרָה לְךָ, דָּן? שָׁאַל הַמּוֹרֶה. בְּאֵיזוֹ שָׁעָה קַמְתָּ הַבֹּקֶר? הַאִם אַתָּה יוֹדֵעַ מָה הַשָּׁעָה? לְפִי הַשָּׁעוֹן שֶׁלִּי, כְּבָר תֵּשַׁע עֶשְׂרֵה דַּקּוֹת לְעֶשֶׂר!

— לֹא קָרָה לִי דָּבָר, אֲדוֹנִי הַמּוֹרֶה. קַמְתִּי בְּשֶׁבַע בְּדִיּוּק, כְּמוֹ בְּכָל יוֹם. בְּשָׁעַת אֲרוּחַת הַבֹּקֶר שָׁמַעְתִּי אֶת הַחֲדָשׁוֹת בָּרַדְיוֹ. בְּסוֹף הַחֲדָשׁוֹת אָמְרוּ שֶׁהַיּוֹם יִהְיֶה מֻזָּג אֲוִיר יָפֶה. הַטֶּמְפֶּרָטוּרָה תַּעֲלֶה עַד שְׁמוֹנֶה עֶשְׂרֵה מַעֲלוֹת. הַשֶּׁמֶשׁ תִּזְרַח וְיִהְיֶה חַם וְנָעִים מְאֹד.

יָצָאתִי מִן הַבַּיִת וְלֹא שַׂמְתִּי לֵב לָעֲנָנִים הַכְּבֵדִים בַּשָּׁמַיִם. בַּדֶּרֶךְ לַתַּחֲנָה שֶׁל הַתַּחְתִּית יָרַד פִּתְאֹם גֶּשֶׁם קַר וְחָזָק. בָּרִאשׁוֹנָה רָצִיתִי לְחַכּוֹת עַד שֶׁיַּעֲבֹר הַגֶּשֶׁם, וְעָמַדְתִּי תַּחַת עֵץ אֶחָד בְּפִנַּת הָרְחוֹב. כַּאֲשֶׁר רָאִיתִי שֶׁאֵין תִּקְוָה שֶׁהַגֶּשֶׁם יַעֲבֹר, רַצְתִּי עַל הַמִּדְרָכָה קָרוֹב לִקְירוֹת הַבָּתִּים. בַּסּוֹף בָּאתִי לַתַּחְתִּית רַק דַּקָּה אַחַת אַחֲרֵי שֶׁהָרַכֶּבֶת עָזְבָה אֶת הַתַּחֲנָה. בְּגִלַּל זֹאת אֲחַרְתִּי, אֲדוֹנִי הַמּוֹרֶה.

— אִם אִחַרְתָּ לָרַכֶּבֶת רַק בְּדַקָּה אַחַת, אָמַר הַמּוֹרֶה בִּצְחוֹק, מַדּוּעַ אִחַרְתָּ לַשִּׁעוּר בַּחֲצִי שָׁעָה?

— אִחַרְתִּי בַּחֲצִי שָׁעָה, כִּי הָרַכֶּבֶת בָּאָה לַתַּחֲנָה שֶׁלָּנוּ רַק כָּל חֲצִי שָׁעָה.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۳۹

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מַדּוּעַ דָּאַג הַמּוֹרֶה לְדָן? چرا معلم نگران دان شد؟

۲. בְּאֵיזוֹ שָׁעָה בָּא דָן לַשִּׁעוּר? در چه ساعتی دان به کلاس آمد؟

۳. מָה אָמְרוּ בָּרַדְיוֹ עַל מֶזֶג הָאֲוִיר? در رادیو در مورد آب و هوا چه گفته شد؟

۴. מַה קָּרָה כַּאֲשֶׁר דָּן הָלַךְ לְתַחֲנַת הַתַּחְתִּית? وقتی دان به ایستگاه مترو رفت چه اتفاقی افتاد؟

۵. מַדּוּעַ אַחַר דָּן בַּחֲצִי שָׁעָה? چرا دان نیم ساعت دیر کرد؟

ب- عبارات زیر را به عبری ترجمه کنید:

۱. دوازده و نیم

۲. یک ربع به نه

۳. بیست دقیقه به یازده

۴. شانزده دقیقه به یک.

۵. هشت و ربع

۶. ۱۴ عدد

۷. ۱۵ساعت

۸. ۱۳ پاکت

۹. ۱۹ خط

۱۰. ۱۸ نعمت

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

ج- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید:

۱. من (مونث) ساعت یازده و نیم می‌روم بخوابم. ۲. این دروغ نیست، او (مذکر) نیمی از شعر را از حفظ می‌داند. ۳. نگران نباش (مونث)، من (مذکر) راه مترو را بلدم. من در این شهر غریبه نیستم. ۴. در عمرم پسری به این شیطانی ندیدم. ۵. ما یک ساعتی طلایی به او (مذکر) هدیه دادیم. ۶. لطفاً برای شام دیر نکنید. ۷. آنها در رادیو گفتند باد ابرها را پراکنده می کند و بعد از ظهر خورشید می‌تابد. ۸. آنها دقیقاً زمانی آمدند که ما می‌خواستیم از خانه خارج شویم. ۹. ایستگاه راه آهن (قطار) به دفتر ما نزدیک است. ۱۰. در طول (طی) آزمون ساکت بود. ۱۱. من (مونث) خوشحالم به خاطر خبرهای خوبی که از خانواده‌ام دریافت کردم. ۱۲. قطار در چه ساعتی ایستگاه را ترک می‌کند؟ ۱۳. یک ربع از سال جدید گذشته است. ۱۴. من (مونث) نمی‌دانم ساعت چند است، ساعت ندارم. ۱۵. طبق تقویم امروز پاییز است اما با توجه به آب و هوا هنوز تابستان است. ۱۶. برای درس بعدی، تمام تمرینات (در) صفحه هجده را انجام دهید (مذکر).

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור מ

لغات درس ۴۰

אֶלֶף (אֲלָפִים): هزار؛ (جمع: هزارها) thousand

אַלְפַּיִם: دوهزار two thousand

בְּעָיָה (בְּעָיוֹת): مشکل؛ (جمع: مشکلات) problem

בְּעֵרֶךְ: تقریباً approximately

גַּג (גַּגּוֹת): سقف؛ (جمع: سقف‌ها) roof

חֹרֶף: زمستان winter

לְכָל הַיּוֹתֵר: حداکثر at most

לְכָל הַפָּחוֹת = לְפָחוֹת: حداقل at least

מֵאָה (מֵאוֹת): صد؛ (جمع: صدها) hundred

מָאתַיִם: دویست two hundred

נַעַל (נַעֲלַיִם): کفش؛ (جمع: کفش‌ها) shoe n.f

סֵדֶר (סְדָרִים): درست، راست؛ (جمع: درست‌ها) order

בְּסֵדֶר: درست، به درستی، بسیار خوب، باشه in order ; ok

פָּעַל (לִפְעֹל): کار کرد؛ (مصدر: کار کردن) worked ; functioned

קַל, קַלָּה: ساده، سبک؛ ساده، سبک (مونث) easy ; light

שֶׁלֶג (שְׁלָגִים): برف؛ (جمع: برف‌ها) snow

שֶׁלֶג יוֹרֵד: برف می‌بارد it snows , it is snowing

תִּקּוּן (תִּקּוּנִים): تعمیر؛ (جمع: تعمیرات) repair n

תִּקֵּן (לְתַקֵּן): تعمیر کرد؛ (مصدر: تعمیر کردن) repaired v

מַה יֵּשׁ: چه شده است؟، چه اتفاقی افتاده است؟ what is the matter? / what's doing!

מוضوع چیست؟

זֶה הַכֹּל: همش همین، این همه‌اش است that's all.

שְׁאֵלַת חָכָם חֲצִי תְּשׁוּבָה. (מִסְפָּרוּת יה"ב)

سوال حکیمانه، نیمی از جواب است.

دستور زبان درس ۴۰

۱- اعداد ۲۰، ۳۰، ۴۰ و... : این اعداد برای مذکر و مونث یکسان استعمال می شوند؛ مثال:

עֶשְׂרִים נָשִׁים ۲۰ زن

עֶשְׂרִים אֲנָשִׁים ۲۰ مرد

۲- برای بیان اعداد ۲۱، ۲۲، ۲۳ و... به صورت « مضرب عدد ۱۰ + واو عطف + عدد ۱ تا ۱۰ مناسب با جنسیت معدود » باید عمل کرد؛ مثال:

עֶשְׂרִים וְאַרְבַּע נָעָרוֹת ۲۴ دختر جوان

עֶשְׂרִים וְאַרְבָּעָה נְעָרִים ۲۴ پسر

שְׁלֹשִׁים וְשָׁלֹשׁ נְעָרוֹת ۳۳ دختر جوان

שלשִׁים וּשְׁלֹשָׁה נְעָרִים ۳۳ دختر

۳- اسم هایی که به همراه اعداد ۱۱ به بعد استعمال می شوند می توانند به صورت جمع یا مفرد بیان شوند؛ مثال:

אַחַת עֶשְׂרֵה שָׁנִים ۱۱ سال

אַחַת עֶשְׂרֵה שָׁנָה ۱۱ سال

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۷- اعداد ۱۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰:

۱۰۰۰	אֶלֶף
۲۰۰۰	שְׁנֵי אֲלָפִים = אַלְפַּיִם
۳۰۰۰	שְׁלֹשָׁה אֲלָפִים (שְׁלֹשֶׁת אֲלָפִים)
۱۰,۰۰۰	עֲשָׂרָה אֲלָפִים (עֲשֶׂרֶת אֲלָפִים)
۱,۰۰۰,۰۰۰	מִלְיוֹן

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הַבְּעָיָה הָאַחַת

רְאוּבֵן הָלַךְ בָּרְחוֹב וּפָגַשׁ אֶת חֲבֵרוֹ שִׁמְעוֹן, שֶׁיָּצָא בְּמִקְרֶה מִתַּחֲנַת הַתַּחְתִּית. רְאוּבֵן רָאָה שֶׁשִּׁמְעוֹן הָיָה עָצוּב מְאֹד.

— מַה קָּרָה לְךָ? שָׁאַל רְאוּבֵן. מַדּוּעַ אַתָּה עָצוּב?

— אוֹי, חֲבֵרִי הַיָּקָר, לֹא קַלִּים הֵם הַחַיִּים. הֵם בֶּאֱמֶת מָרִים!

— מַה יֵּשׁ? מַה לוֹחֵץ עָלֶיךָ?

— אֲנִי טוֹבֵעַ בְּיָם שֶׁל בְּעָיוֹת.

— מַה הֵן הַבְּעָיוֹת שֶׁיֵּשׁ לְךָ?

— הִנֵּה הַחֹרֶף בָּא, וְשֶׁלֶג יֵרֵד. יִהְיֶה קַר בַּחוּץ, וְהַטֶּמְפֶּרָטוּרָה תֵּרֵד עַד אֶפֶס מַעֲלוֹת.

— אָז מַדּוּעַ אַתָּה דּוֹאֵג?

— מַדּוּעַ אֲנִי דּוֹאֵג? אֲנִי צָרִיךְ לִקְנוֹת נַעֲלַיִם בְּשְׁבִיל הַיְלָדִים. גַּם מְעִיל וְשִׂמְלָה בְּשְׁבִיל הָאִשָּׁה שֶׁלִּי. אֲנִי גַּם צָרִיךְ לְתַקֵּן אֶת הַגַּג וְאֶת הַחַלּוֹנוֹת שֶׁל הַבַּיִת שֶׁלָּנוּ. גַּם הַמְּכוֹנִית שֶׁלִּי לֹא בְּסֵדֶר. הִיא לֹא פּוֹעֶלֶת יָפֶה.

— כַּמָּה עוֹלוֹת הַנַּעֲלַיִם? שָׁאַל רְאוּבֵן.

— שְׁלֹשִׁים דּוֹלָר, פָּחוֹת אוֹ יוֹתֵר.

— וְכַמָּה עוֹלִים מְעִיל וְשִׂמְלָה בְּשְׁבִיל הָאִשָּׁה שֶׁלְּךָ?

— לְפָחוֹת מֵאָה שְׁלֹשִׁים וַחֲמִשָּׁה דּוֹלָר.

— כַּמָּה כֶּסֶף אַתָּה צָרִיךְ לְשַׁלֵּם בְּשְׁבִיל תִּקּוּן הַגַּג?

— לְכָל הַפָּחוֹת מָאתַיִם דּוֹלָר.

— וְכַמָּה יַעֲלֶה לְךָ תִּקּוּן הַחַלּוֹנוֹת?

— אֲנִי לֹא יוֹדֵעַ בְּדִיּוּק, אֲבָל בְּעֶרֶךְ שִׁשִּׁים דּוֹלָר.

— כַּמָּה אַתָּה חוֹשֵׁב יַעֲלֶה תִּקּוּן הַמְּכוֹנִית?

— שִׁבְעִים וַחֲמִשָּׁה דּוֹלָר, בְּעֶרֶךְ.

— אִם כֵּן, יְרִידִי, מַדּוּעַ אַתָּה עָצוּב כָּל כָּךְ? בְּעֶצֶם, אֵין לְךָ אֶלָּא בְּעָיָה אַחַת. אַתָּה צָרִיךְ חֲמֵשׁ מֵאוֹת דּוֹלָר לְכָל הַיּוֹתֵר, וְזֶה הַכֹּל!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۴۰

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מַדּוּעַ הָיָה שִׁמְעוֹן עָצוּב ? چرا شیمون ناراحت بود؟

۲. מַה צָּרִיךְ שִׁמְעוֹן לִקְנוֹת בִּשְׁבִיל יְלָדָיו ? شیمون برای بچه ها چه چیزی می خواست بخرد؟

۳. מַה הֵם הַתִּקּוּנִים שֶׁהוּא צָרִיךְ לַעֲשׂוֹת בַּבַּיִת ? تعمیراتی که او در خانه می خواست انجام دهد چه هستند؟

۴. כַּמָּה יַעֲלֶה תִּקּוּן הַמְּכוֹנִית ? هزینه ی تعمیر اتومبیل چقدر می شد؟

۵. מַהִי (מַה הִיא) הַבְּעָיָה הָאַחַת שֶׁל שִׁמְעוֹן ? تنها مشکلی که شیمون داشت چه بود؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. عبرانیان (یهودیان) چهل سال در بیابان بودند. ۲. خانواده ما تقریباً دوازده سال در تل آویو زندگی کردند. ۳. من (مذکر) فکر می‌کنم که هیچ مردی در جهان بدون مشکل وجود ندارد. ۴. قیمت این تخت حداقل ۴۷ دلار است. ۵. تعمیر توری بیش از ۵۶ دلار هزینه خواهد داشت. ۶. اتومبیل جدید من کمتر از پنج هزار دلار قیمت دارد. ۷. فقط بیست و چهار ساعت در هر روز وجود دارد! ۸. صورت بیمار مثل برف سفید بود. ۹. یادگیری یک زبان خارجی آسان نیست. ۱۰. موضوع چیست؟ (شما) به کجا دارید می‌دوید؟ ۱۱. همه چیز درست (اوکی) است، خدا را شکر! ۱۲. آیا این تمام چیزی است که تو (مونث) می‌خواهی برای زمستان بخری؟ ۱۳. او (مذکر) همیشه حقیقت را می‌گوید. ۱۴. یک سوراخ در سقف وجود داشت و باران به داخل اتاق نفوذ کرد. ۱۵. من (مونث) می‌خواهم برای تعطیلات کفش جدید بخرم. ۱۶. ما حداکثر دو هفته در این هتل خواهیم بود.

ج- ترکیب های زیر را به عبری ترجمه کنید

۱. ۳۳ درخت	۷. ۶۸ پسر	۱۳. ۲۰۰ خودکار
۲. ۷۳ ماشین	۸. ۵۲ هفته	۱۴. ۶۸ دختر
۳. ۹۰ روز	۹. ۱۳ سوال	۱۵. ۹۰۰ خانه
۴. ۶۵ مداد	۱۰. ۱۹ اتاق	۱۶. ۳۹ الاغ
۵. ۲۴ وعده غذایی	۱۱. ۴۵ زن	۱۷. ۷۴ فروشگاه
۶. ۸۲ پاکت	۱۲. ۱۷ چادر	۱۸. ۱۰۰۰ کلمه

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור מא
لغات درس ٤١

בְּרִיאָה: خلقت، آفرینش — creation

חַיָּה (חַיּוֹת): موجود زنده، حیوان، (جمع: موجودات زنده، حیوانات) — animal; beast

יָרֵחַ: ماه — moon

כּוֹכָב (כּוֹכָבִים): ستاره؛ (جمع: ستارگان) — star

לְבַד: تنها، با خودش — alone, by oneself

עוֹף (עוֹפוֹת): پرنده، مرغ؛ (جمع: پرندگان، مرغ‌ها) — bird; fowl

עֵשֶׂב (עֲשָׂבִים): علف؛ (جمع: علف‌ها) — grass

צַד (צְדָדִים): طرف، کنار، (جمع: اطراف) — side

בַּצַּד: در کنار — on the side

רָב (לָרִיב): دعواکرد، درگیر شد، مشاجره کرد؛ (مصدر: دعوا کردن، درگیر شدن، مشاجره کردن) — quarreled

רִיב: دعوا، جر و بحث، درگیری — quarrel

יוֹתֵר מִשֶּׁשָּׁמְרוּ יִשְׂרָאֵל אֶת הַשַּׁבָּת, שָׁמְרָה הַשַּׁבָּת אֶת יִשְׂרָאֵל. (עַל פִּי הַמִּדְרָשׁ)

بیشتر از اینکه اسرائیل از شبات حفاظت کند، آیین شبات (و دعاهایی که در شبات هست) از اسرائیل حفاظت می‌کند.

دستور زبان درس ٤١

۱- اعداد ترتیبی ۱ تا ۱۰ در زبان عبری:

معنا	مذکر	مونث
اول	רִאשׁוֹן	רִאשׁוֹנָה
دوم	שֵׁנִי	שְׁנִיָּה
سوم	שְׁלִישִׁי	שְׁלִישִׁית
چهارم	רְבִיעִי	רְבִיעִית
پنجم	חֲמִישִׁי	חֲמִישִׁית
ششم	שִׁשִּׁי	שִׁשִּׁית
هفتم	שְׁבִיעִי	שְׁבִיעִית
هشتم	שְׁמִינִי	שְׁמִינִית
نهم	תְּשִׁיעִי	תְּשִׁיעִית
دهم	עֲשִׂירִי	עֲשִׂירִית

نکته: همه‌ی اعدا ترتیبی با اعداد اصلی هم ریشه اند به جز عدد « ראשון » که با کلمه « רֹאשׁ » به معنای (سر، رئیس) هم ریشه است.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۲- اعداد ترتیبی ۱۱ به بعد نیز با اضافه کردن حرف تعریف « ה » به عدد اصلی ساخته می‌شود؛ مثال:

אַחַד עָשָׂר = הָאַחַד עָשָׂר　　אַחַת עֶשְׂרֵה = הָאַחַת עֶשְׂרֵה

۳- به غیر از روز شنبه « שַׁבָּת » برای سایر روزهای هفته در فرهنگ و زبان عبری نام خاصی ضبط نشده و لذا از اعداد ترتیبی استفاده می شود که عبارتند از:

یکشنبه	יוֹם רִאשׁוֹן	چهارشنبه	יוֹם רְבִיעִי
دوشنبه	יוֹם שֵׁנִי	پنج شنبه	יוֹם חֲמִישִׁי
سه شنبه	יוֹם שְׁלִישִׁי	جمعه	יוֹם שִׁשִּׁי

۳- برای بیان ایام هفته از حروف آلفبت نیز استفاده می شود:

יוֹם רִאשׁוֹן = יוֹם א׳　　יוֹם רְבִיעִי = יוֹם ד׳

יוֹם שֵׁנִי = יוֹם ב׳　　יוֹם חֲמִישִׁי = יוֹם ה׳

יוֹם שְׁלִישִׁי = יוֹם ג׳　　יוֹם שִׁשִּׁי = יוֹם ו׳

۴- در زبان عبری برای بیان حرف ربط مکان از حرف ربط «שׁ» و صرف حرف اضافه « בְּ » با ضمایر متصل استفاده می‌شود؛ مثال:

הַבַּיִת שֶׁבּוֹ הִיא גָּרָה. خانه ای که در آن، او (مونث) زندگی می کند.

הָעִיר שֶׁבָּהּ הִיא גָּרָה. شهری که در آن، او (مونث) زندگی می کند.

۵- صرف «לְבַד»:

לְבַדִּי	לְבַדְּךָ	לְבַדֵּךְ	לְבַדּוֹ	לְבַדָּהּ
לְבַדֵּנוּ	לְבַדְּכֶם	לְבַדְּכֶן	לְבַדָּם	לְבַדָּן

نکته: کلمه « לְבַד » و «בְּעַצְמוֹ» هردو معنای ضمایر انعکاسی را دارند (خود) با این تفاوت که « עֶצֶם » به همراه ضمایر متصل به معنای انجام کاری بدون مداخله دیگران است و حال آنجه « לְבַד » به معنای انجام کاری به تنهایی است؛ مثال:

הַיֶּלֶד יָשַׁן בַּחֶדֶר לְבַדּוֹ. کودک خودش در اتاق خوابید (به تنهایی)

הַיֶּלֶד כְּבָר יָכוֹל לֶאֱכֹל בְּעַצְמוֹ. کودک اخیراً می تواند خودش غذا بخورد (بدون دخالت فرد دیگری)

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

בָּאָה שַׁבָּת, בָּאָה מְנוּחָה

אַחֲרֵי בְּרִיאַת הָעוֹלָם פָּרַץ רִיב בֵּין הַיָּמִים שֶׁל הַשָּׁבוּעַ. כָּל אֶחָד מִן הַיָּמִים חָשַׁב שֶׁהוּא הַיּוֹם הַכִּי חָשׁוּב בַּשָּׁבוּעַ.

הַיּוֹם הָרִאשׁוֹן אָמַר:

— אֵין יוֹתֵר חָשׁוּב מִמֶּנִּי! אֲנִי הַיּוֹם שֶׁבּוֹ בָּרָא אֱלֹהִים אֶת הָאוֹר וְאֶת הַחֹשֶׁךְ, אֶת הַיּוֹם וְאֶת הַלַּיְלָה.

הַיּוֹם הַשֵּׁנִי אָמַר:

— אֲנִי יוֹתֵר חָשׁוּב מִמְּךָ. אֲנִי הַיּוֹם שֶׁבּוֹ בָּרָא אֱלֹהִים אֶת הַשָּׁמַיִם הַיָּפִים.

קָפַץ הַיּוֹם הַשְּׁלִישִׁי וְאָמַר:

— אֲנִי יוֹתֵר חָשׁוּב מִכֻּם. אֲנִי הַיּוֹם שֶׁבּוֹ בָּרָא אֱלֹהִים אֶת הָעֵשֶׂב, אֶת הָעֵצִים וְאֶת הַפְּרָחִים. בְּלִי עֵצִים, בְּלִי עֵשֶׂב וּבְלִי פְּרָחִים הָעוֹלָם הוּא כְּמוֹ מִדְבָּר.

קָם הַיּוֹם הָרְבִיעִי וְאָמַר:

— אֲנִי עוֹד יוֹתֵר חָשׁוּב. אֲנִי הַיּוֹם שֶׁבּוֹ בָּרָא אֱלֹהִים אֶת הַשֶּׁמֶשׁ, אֶת הַיָּרֵחַ וְאֶת הַכּוֹכָבִים.

בָּא הַיּוֹם הַחֲמִישִׁי וְאָמַר:

— אֲנִי הֶחָשׁוּב בְּיוֹתֵר! בַּיּוֹם הַחֲמִישִׁי בָּרָא אֱלֹהִים אֶת הַדָּגִים בַּיָּם וְאֶת הָעוֹפוֹת בַּשָּׁמַיִם.

קָפַץ הַיּוֹם הַשִּׁשִּׁי מִמְּקוֹמוֹ וְקָרָא:

— מַדּוּעַ אַתֶּם רָבִים זֶה עִם זֶה? אֵין חָשׁוּב כָּמוֹנִי! בַּיּוֹם הַשִּׁשִּׁי בָּרָא אֱלֹהִים אֶת הַחַיּוֹת וְאֶת הָאָדָם. הָאָדָם הוּא שׁוֹלֵט בַּכֹּל. הוּא שׁוֹלֵט

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

בָּעֵשֶׂב וּבָעֵצִים. הוּא שׁוֹלֵט בַּדָּגִים שֶׁבַּיָּם, בָּעוֹפוֹת שֶׁבַּשָּׁמַיִם וּבַחַיּוֹת שֶׁבָּאָרֶץ.

יוֹם הַשַּׁבָּת עָמַד בִּמְקוֹמוֹ בַּצַּד לְבַדּוֹ וְשָׁתַק.

פָּנוּ כָּל הַיָּמִים אֶל יוֹם הַשַּׁבָּת וְשָׁאֲלוּ אוֹתוֹ:

— וּמִי אַתָּה?

עָנָה יוֹם הַשַּׁבָּת:

— אֲנִי הַיּוֹם הָאַחֲרוֹן בַּשָּׁבוּעַ. אֲנִי הַשַּׁבָּת. בְּיוֹם הַשַּׁבָּת נָתַן אֱלֹהִים לָאָדָם אֶת הַמַּתָּנָה הַיּוֹתֵר יְקָרָה בָּעוֹלָם.

— וּמַהִי הַמַּתָּנָה הַזֹּאת? שָׁאֲלוּ כָּל הַיָּמִים פֶּה אֶחָד.

— הַמְּנוּחָה! עָנְתָה הַשַּׁבָּת.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ٤١

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מַדּוּעַ פָּרַץ רִיב בֵּין הַיָּמִים שֶׁל הַשָּׁבוּעַ? چرا بین روزهای هفته جر و بحث ایجاد شد؟

۲. מַה בָּרָא אֱלֹהִים בַּיּוֹם הָרִאשׁוֹן? خداوند در روز اول چه چیزی خلق کرد؟

۳. מַה בָּרָא אֱלֹהִים בַּיּוֹם הַשְּׁלִישִׁי? خداوند در روز سوم چه خلق کرد؟

۴. מַדּוּעַ חָשַׁב הַיּוֹם הַשִּׁשִּׁי שֶׁהוּא הַיּוֹם הַיּוֹתֵר חָשׁוּב? چرا روز ششم فکر می‌کرد که مهمترین روز هفته است؟

۵. מַהִי הַחֲשִׁיבוּת שֶׁל הַשַּׁבָּת? اهمیت روز شبات در چیست؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید:

۱. من (مونث) می‌ترسم در تاریکی تنها از خانه بیرون بروم. ۲. لطفاً به طرف دیگر خیابان بروید. ۳. او (مونث) ساکت بود چون جواب درست را نمی‌دانست. ۴. جنگل پر از جانوران و پرندگان است. ۵. بعد از یک هفته کاری طولانی، بالاخره استراحت فرا رسید. ۶. ماه نور خورشید را دریافت می‌کند. ۷. خداوند انسان را در روز جمعه آفرید. ۸. من (مونث) امیدوارم که این آخرین دعوا بین ما باشد. ۹. براساس تقویم عبری بیش از ۵۰۰۰ سال از (از زمان) خلقت جهان گذشته است. ۱۰. در شب‌های تابستان، آسمان پر از ستاره است. ۱۱. پس از یک روز استراحت، صبح زود بلند شدن سخت نیست. ۱۲. چهارشنبه دو روز بعد از دوشنبه می آید. ۱۳. شنبه و یکشنبه کلاس (درسی) در مدرسه وجود ندارد. ۱۴. دانش آموزان یکصدا فریاد زدند: ما برای امتحان آماده نیستیم. ۱۵. پدر و مادرم عاقل هستند، وقتی من با خواهرم دعوا می‌کنم، کنار می‌ایستند.

ج- عبارات زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. عشق اول

۲. درخواست دوم

۳. خانه سوم

۴. بار چهارم

۵. پسر پنجم

۶. سال ششم

۷. ساعت دوازدهم

۸. هشتمین بازدید

۹. داستان بیست و پنجم

۱۰. مرد دهم

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

لغات درس ۴۲

אָבִיב: بهار spring

גַּב (גַּבִּים, גַּבּוֹת): پشت؛ (جمع مذکر: پشت‌ها؛ جمع مونث: پشت‌ها) back n

חֵן: جذابیت، رحمت، لطف charm; grace; favor

כְּפָר (כְּפָרִים): روستا؛ (جمع: روستاها) village

מְבֻגָּר (מְבֻגָּרִים): بالغ؛ (جمع: بالغ‌ها) adult; mature

מֵעַל: از بالا from above

עֵת (עִתִּים) = זְמַן: زمان؛ (جمع: زمان‌ها) time

לְעִתִּים קְרוֹבוֹת: اغلب، مکرراً frequently, often

לְעִתִּים רְחוֹקוֹת: نادراً، به‌ندرت seldom, rarely

צָעִיר, צְעִירָה: جوان؛ جوان (مونث) young

רָקַד (לִרְקֹד): رقصید؛ (جمع: رقصیدن) danced

תֵּכֶף: مستقیماً immediately; straight away

תֵּכֶף וּמִיָּד: سر راست و سریع instantly

אָמַר בְּלִבּוֹ: با خودش گفت، با خودش نجوا کرد، با خودش فکر کرد thought to himself

לָלֶכֶת בָּרֶגֶל: پای پیاده رفتن to go on foot

מִיָּמַי: از بدو تولد in all my life; ever since I was born

בְּעֵת שֶׁ... = בִּזְמַן שֶׁ... = בְּשָׁעָה שֶׁ...: زمانی که while

מָצָא חֵן בְּעֵינֵי: رضایت یافت، خوشنود شد pleased ← found favor in the eyes of

לָתֵת לְ...: اجازه داد به...، گذاشت to let; permit

דָּבָר בְּעִתּוֹ, מַה טּוֹב! (משלי טו,۲۳)

یک چیز در زمان خودش چه قدر خوب است.

دستور زبان درس ۴۲

۱- صرف اسم های تک هجایی که اولین حرف آن ها پتخ می گیرد به شکل زیر است (پتخ به همان صورت باقی میماند و حرف بعدی داگش میگیرد)

גַּן (סְמִיכוּת גַּן)

גַּנִּי	גַּנְּךָ	גַּנָּהּ	גַּנֵּנוּ	גַּנְּכֶם
גַּנָּם	גַּנָּן	גַּנָּה	גַּנּוֹ	גַּנְּכֶן

גַּנִּים (סְמִיכוּת גַּנֵּי)

גַּנֵּי	גַּנַּיִךְ	גַּנֶּיהָ	גַּנֵּינוּ	גַּנֵּיכֶם
גַּנֵּיהֶם	גַּנֵּיכֶן	גַּנֵּיהֶן	גַּנָּיו	גַּנַּיִךְ

نکته ۱: در مواردی که استثناء هستند پتخ تبدیل به خیقیک می‌شود؛ مثال:

בַּת ← בִּתִּי... צַד ← צִדִּי...

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

نکته ۲: اگر حرف دوم «ר» باشد پتخ حرف اول به کاماتص تبدیل می‌شود؛ مثال:

שַׂר - שָׂרִי...

۲- صرف « אֵם »:

אֵם (סְמִיכוּת - אֵם)

אִמִּי	אִמְּךָ	אִמָּךְ	אִמּוֹ	אִמָּהּ
אִמֵּנוּ	אִמְּכֶם	אִמְּכֶן	אִמָּם	אִמָּן

نکته: اسم هایی « חַן, לֵב, נֵס, עֵת » مانند «אֵם» صرف می‌شوند.

۳- صرف « אָב »:

אָב (סְמִיכוּת אֲבִי)

אָבִי	אָבִיךָ	אָבִיךְ	אָבִיו	אָבִיהָ
אָבִינוּ	אֲבִיכֶם	אֲבִיכֶן	אֲבִיהֶם	אֲבִיהֶן

۴- صرف « פֶּה »:

פֶּה (סְמִיכוּת - פִּי)

פִּי	פִּיךָ	פִּיךְ	פִּיו	פִּיהָ
פִּינוּ	פִּיכֶם	פִּיכֶן	פִּיהֶם	פִּיהֶן

۵- صرف « בֵּן »:

בֵּן (סְמִיכוּת - בֶּן)

בְּנִי	בִּנְךָ	בִּנֵךְ	בְּנוֹ	בִּנָהּ
בְּנֵנוּ	בִּנְכֶם	בִּנְכֶן	בְּנָם	בְּנָן

نکته: « שֵׁם » نیز به همین صورت صرف می شود.

۶- صرف « אִשָּׁה »:

אִשָּׁה (סְמִיכוּת - אֶשֶׁת)

אִשְׁתִּי	אִשְׁתְּךָ	אִשְׁתּוֹ

۷- اگر عدد برای توصیف گروهی از افراد به کار رود و با اسم اشخاص استعمال شود باید با ضمیر متصل اول شخص ، دوم شخص یا سوم شخص جمع مورد استفاده قرا گیرد؛ مانند:

שְׁנַיִם	שְׁנֵינוּ	שְׁנֵיכֶם	שְׁנֵיהֶם

مثال:

שנינו ידעים שהיא הלכה. هر دو ما میدانیم که او می‌رود.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۸- عبارت « לָתֵת לְ... » به همراه مصدر استعمال می شود و به معنای اجازه دادن بکار می رود؛ مثال:

הוּא נוֹתֵן לִי לְשַׂחֵק. او به من اجازه داد بازی کنم.

הוּא נָתַן לִי לָלֶכֶת او به من اجازه داد بروم.

הֵם יִתְּנוּ לוֹ לְדַבֵּר. آنها به او اجازه صحبت می دهند.

תֵּן לָהּ לָשֶׁבֶת اجازه دهید او بنشیند.

נָתַתִּי לְדָוִד לָשׁוּב من اجازه دادم داوود باز گردد.

בְּבַקָּשָׁה לָתֵת לִי לְדַבֵּר. لطفا بگذارید من صحبت کنم.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

כְּדֵי לִמְצֹא חֵן בְּעֵינֵי הַכֹּל . . .

אִכָּר אֶחָד הָיָה הוֹלֵךְ לְעִתִּים קְרוֹבוֹת אֶל הַשּׁוּק שֶׁל הָעִיר. פְּעָמִים רַבּוֹת בִּקֵּשׁ הַבֵּן אֶת אָבִיו לָקַחַת אוֹתוֹ אִתּוֹ. הָאָב הָיָה אוֹמֵר:

— תָּבוֹא הָעֵת וְאֶקַּח אוֹתְךָ. אַל תִּרְאַג, אֲנִי לֹא אֶשְׁכַּח!

יוֹם אֶחָד אָמַר הָאָב לִבְנוֹ:

— הַחֹרֶף כְּבָר עָבַר וְהָאָבִיב בָּא. בַּשָּׁמַיִם אֵין אַף עָנָן קַל. הַשֶּׁמֶשׁ זוֹרַחַת וְאֵין עוֹד שֶׁלֶג בַּדְּרָכִים. הַיּוֹם אֶקַּח אוֹתְךָ עִמִּי לַשּׁוּק.

הַבֵּן רָקַד מִשִּׂמְחָה. לִפְנֵי שֶׁיָּצְאוּ מִן הַכְּפָר נָתַן הַבֵּן נְשִׁיקָה לְאִמּוֹ וְלַאֲחוֹתוֹ. הָאִכָּר אָמַר שָׁלוֹם לְאִשְׁתּוֹ וְלִבְתּוֹ. הוּא שָׂם אֶת בְּנוֹ עַל גַּב הַחֲמוֹר וּשְׁנֵיהֶם יָצְאוּ לַדֶּרֶךְ.

בַּדֶּרֶךְ פָּגַשׁ אוֹתָם אִישׁ אֶחָד. הָאִישׁ רָאָה שֶׁהַבֵּן רוֹכֵב עַל הַחֲמוֹר וְאָבִיו הוֹלֵךְ לְבַדּוֹ בָּרֶגֶל. הוּא פָּנָה אֶל הַבֵּן וְאָמַר:

— אַתָּה עוֹדְךָ צָעִיר וּבָרִיא וְאָבִיךָ כְּבָר זָקֵן וְחַלָּשׁ. הַאִם זֶה יָפֶה שֶׁאַתָּה רוֹכֵב עַל הַחֲמוֹר בְּעֵת שֶׁאָבִיךָ הוֹלֵךְ בָּרֶגֶל? אַתָּה עוֹשֶׂה חֵטְא גָּדוֹל, כִּי אַתָּה לֹא מְכַבֵּד אֶת אָבִיךָ הַזָּקֵן!

— הָאִישׁ צוֹדֵק, אָמַר הַבֵּן בְּלִבּוֹ. הַבֵּן יָרַד, וְאָבִיו עָלָה עַל הַחֲמוֹר.

אַחֲרֵי מִסְפַּר דַּקּוֹת פָּגַשׁ אוֹתָם אִישׁ שֵׁנִי. כַּאֲשֶׁר הוּא רָאָה שֶׁהָאָב רוֹכֵב עַל הַחֲמוֹר וְהַבֵּן הוֹלֵךְ לְבַדּוֹ בָּרֶגֶל, הוּא פָּנָה אֶל הָאָב, וְאָמַר:

— אַתָּה אָדָם מְבֻגָּר וּבְנְךָ עוֹדוֹ נַעַר צָעִיר. אֵיךְ אַתָּה נוֹתֵן לִבְנְךָ לָלֶכֶת בָּרֶגֶל בְּעֵת שֶׁאַתָּה רוֹכֵב עַל הַחֲמוֹר? אַתָּה עוֹשֶׂה חֵטְא גָּדוֹל, כִּי אַתָּה לֹא מְרַחֵם עַל בִּנְךָ הַצָּעִיר!

— הָאִישׁ צוֹדֵק, אָמַר הָאָב בְּלִבּוֹ, וְתֵכֶף וּמִיָּד יָרַד מֵעַל הַחֲמוֹר.

עַכְשָׁו גַּם הָאָב וְגַם הַבֵּן הוֹלְכִים בָּרֶגֶל וְהַחֲמוֹר הוֹלֵךְ אַחֲרֵיהֶם. שְׁנֵיהֶם הוֹלְכִים לְאַט לְאַט וְרָבִים זֶה עִם זֶה. הָאָב אוֹמֵר שֶׁהַבֵּן צָרִיךְ לִרְכֹּב עַל הַחֲמוֹר וְהַבֵּן אוֹמֵר שֶׁהָאָב צָרִיךְ לִרְכֹּב עַל הַחֲמוֹר.

וְהִנֵּה עָבְרָה עֲגָלָה וּבָהּ אִכָּר אֶחָד. כַּאֲשֶׁר הָאִכָּר שֶׁנָּסַע בָּעֲגָלָה, רָאָה אוֹתָם, הוּא פָּרַץ בִּצְחוֹק, וְאָמַר:

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

— מִימַי לֹא רָאִיתִי טִפְּשִׁים כָּאֵלֶּה. שְׁלֹשָׁה חֲמוֹרִים הוֹלְכִים יַחַד, וְאֵין אֶחָד מֵהֶם רוֹכֵב עַל גַּב חֲבֵרוֹ!

הָאָב וְהַבֵּן שָׁתְקוּ. אַחֲרֵי רְגָעִים אֲחָדִים אָמְרוּ זֶה אֶל זֶה:

— זוֹ הִיא בֶּאֱמֶת בְּעָיָה קָשָׁה!

לֹא יָדְעוּ הָאָב וּבְנוֹ מָה עֲלֵיהֶם לַעֲשׂוֹת. הֵם עָמְדוּ וְמַן־מָה וְחִפְּשׂוּ עֵצָה אֵיךְ לִמְצֹא חֵן בְּעֵינֵי הַכֹּל. בַּסּוֹף מָצְאוּ עֵצָה. הֵם לָקְחוּ אֶת הַחֲמוֹר וְשָׂמוּ אוֹתוֹ עַל גַּבָּם, וְכָךְ בָּאוּ שְׁנֵיהֶם אֶל הָעִיר.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۴۲

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מָה בִּקֵּשׁ הַבֵּן מֵאָבִיו ? پسر از پدرش چه در خواستی داشت؟

۲. מָה עָשׂוּ הָאָב וְהַבֵּן לִפְנֵי שֶׁיָּצְאוּ לַדֶּרֶךְ ? پدر و پسر قبل از اینکه راه بیفتند (به سمت جاده خارج شوند) چه کار کردند؟

۳. מַדּוּעַ יָרַד הַבֵּן מֵעַל הַחֲמוֹר ? چرا پسر از پشت الاغ پایین آمد؟

۴. מַדּוּעַ יָרַד הָאָב מֵעַל הַחֲמוֹר ? چرا پدر از پشت الاغ پایین آمد؟

۵. מָה עָשׂוּ הָאָב וְהַבֵּן כְּדֵי לִמְצֹא חֵן בְּעֵינֵי הַכֹּל ? پدر و پسر برای اینکه همه را راضی کنند چه کار کردند؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید (با استفاده از اسم به شکل عطف آن):

۱. کشاورز کیسه‌ای سیب بر پشتش گذاشت و به روستا برگشت. ۲. الاغ جانوری تنبل است و بسیار آهسته راه می‌رود. ۳. پسر من دو سال از پسر شما جوان‌تر است. ۴. دختر ما فقط شانزده سال دارد، اما فکر می‌کند که دیگر بالغ شده است. ۵. در بهار که هوا خوب است، من (مونث) دوست دارم پیاده به فروشگاه بروم. ۶. برادرش به من اجازه بازی در اتاق غذاخوری را نداد. ۷. برای هر چیزی زمان مشخصی وجود دارد. زمانی برای زایمان وجود دارد، زمانی برای مردن، زمانی برای خندیدن و زمانی برای گریه کردن. ۸. آیا تو (مونث) من را به یاد نمی‌آوری؟ ما در جوانی اغلب در باغ پدرت با هم بازی می‌کردیم. ۹. در تمام عمرم چنین پسر احمقی ندیده بودم. ۱۰. نام من موسی است، نام شما چیست؟ ۱۱. چه کاری که آدم نمی‌کند تا در چشم دیگران لطف پیدا کند! ۱۲. من (مونث) نمی‌خواهم امشب برقصم زیرا من خسته هستم. ۱۳. وقتی برای اولین بار (در اولین بار) او را دیدم، با خود گفتم: "او همسر من خواهد شد". ۱۴. باغ ما بزرگتر و زیباتر از باغ آنهاست. ۱۵. دوست ندارم در حین مطالعه اخبار گوش کنم. ۱۶. من (مونث) هر دوی آنها را دوست دارم و نمی‌دانم کدام یک را انتخاب کنم.

ج- عبارت های زیر را به صورت مضاف و مضاف الیه بنویسید.

۱. הָאָב שֶׁל הַנַּעַר

۲. הָאִשָּׁה שֶׁל אָדוֹן כֹּהֵן

۳. הַכֵּן שֶׁל הַדַּיָּג

۴. הַלֵּב שֶׁל הַחוֹלֶה

۵. הַפֶּה שֶׁל הַחֲמוֹר

۶. הַנֵּס שֶׁל חֲנֻכָּה

۷. הַשַּׂר שֶׁל הַמֶּלֶךְ

۸. הַבַּת שֶׁל אֶחָיו

۹. הָאֵם שֶׁל הַבָּחוּר

۱۰. הָאָח שֶׁל הַנַּעֲרָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

لغات درس ۴۳

אֱמֶת: درواقع

דּוֹר (דּוֹרוֹת): نسل؛ (جمع: نسل‌ها)

הַהוּא, הַהִיא: آن؛ آن (مونث)

הָהֵם, הָהֵן: آن‌ها؛ آن‌ها (مونث)

חָרוּב (חָרוּבִים): خَرنوب (نوعی گیاه دارویی)؛ (جمع: خَرنوب‌ها)

טִיּוּל (טִיּוּלִים): پیاده؛ (جمع: پیاده‌ها)

טַיֶּל (לְטַיֵּל): پیاده رفت؛ (مصدر: پیاده رفتن)

יָרֹק, יְרָקָה: سبز؛ سبز (مونث)

מִזְרָח: شرق

מַעֲרָב: غرب

מָצָב (מַצָּבִים): موقعیت، شرط؛ (جمع: موقعیت‌ها، شرایط)

נָטַע (לִנְטוֹעַ): کاشت؛ (مصدر: کاشتن)

בֶּן כַּמָּה שָׁנִים?: چند سالت است؟ (سوال از مذکر)

בַּת כַּמָּה שָׁנִים?: چند سالت است؟ (سوال از مونث)

מִזְּמַן לִזְמַן: از زمانی به زمانی، هرازچندگاهی

מִחוּץ לָעִיר: بیرون از شهر

דּוֹר הוֹלֵךְ וְדוֹר בָּא וְהָאָרֶץ לְעוֹלָם עוֹמֶדֶת (קֹהֶלֶת א, 4)

نسلی می‌رود و نسلی می‌آید اما سرزمین (اسرائیل) باقی می‌ماند.

دستور زبان درس ۴۳

۱- دو فعل «אכל» و «אמר» در زمان حال و گذشته به صورت سالم صرف می شوند اما در زمان آینده و همینطور فعل امر به صورت زیر صرف می شوند:

לוֹמַר (לֵאמֹר)

עתיד:

אני ← אֹמַר	אנחנו ← נֹאמַר
אתה ← תֹּאמַר	את ← תֹּאמְרִי
אתם ← תֹּאמְרוּ	אתן ← תֹּאמַרְנָה
הוא ← יֹאמַר	היא ← תֹּאמַר
הם ← יֹאמְרוּ	הן ← תֹּאמַרְנָה

צווי:

אֱמֹר	אִמְרִי	אִמְרוּ	אֱמֹרְנָה

نکته: مصدر فعل « אמר » به صورت بی قاعده ساخته می‌شود.

عبری قدیم: לֵאמֹר

عبری مدرن: לוֹמַר

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

לֶאֱכֹל

עתיד:

אני ← אוֹכַל		אנחנו ← נֹאכַל	
אתה ← תֹּאכַל	את ← תֹּאכְלִי	אתם ← תֹּאכְלוּ	אתן ← תֹּאכַלְנָה
הוא ← יֹאכַל	היא ← תֹּאכַל	הם ← יֹאכְלוּ	הן ← תֹּאכַלְנָה

צווי:

אֱכֹל	אִכְלִי	אִכְלוּ	אֱכֹלְנָה

۲- برای بیان سن و سال با توجه به جنسیت مذکر و مونث از دو واژه ی «בֵּן» و «בַּת» و همینطور در صورت جمع بودن از « בְּנֵי » و « בָּנוֹת » استفاده می شود؛ مثال:

הַיֶּלֶד הַזֶּה בֶּן שֵׁשׁ שָׁנִים. این پسر ۶ سال دارد

הַיַּלְדָּה הַזֹּאת בַּת שֵׁשׁ שָׁנִים. این دختر ۶ سال دارد

בֶּן כַּמָּה שָׁנִים....?

בֶּן כַּמָּה שָׁנִים אַתָּה?

בַּת כַּמָּה שָׁנִים אַתְּ?

نکته: واژه « שָׁנִים » را میتوان حذف کرد؛ مثال:

בֶּן כַּמָּה הוּא? הוּא בֶּן שֵׁשׁ.

בַּת כַּמָּה הִיא? הִיא בַּת שֵׁשׁ.

۳- صفات اشاره را می توان با اضافه کردن حرف تعریف «ה» به ضمیر فاعلی ساخت؛ مثال:

הָאִישׁ הַהוּא آن مرد

הָאִשָּׁה הַהִיא آن زن

הָאֲנָשִׁים הָהֵם این مردان

הַנָּשִׁים הָהֵן این زنان

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

דּוֹר לְדוֹר

לִפְנֵי הַרְבֵּה שָׁנִים חַי בְּאֶרֶץ אַחַת מֶלֶךְ טוֹב וְיָשָׁר. הַמֶּלֶךְ הַהוּא אָהַב לָבוֹא בֵּין הָעָם הַפָּשׁוּט, כִּי רָצָה לְבָרֵר מָה הַמַּצָּב בָּאָרֶץ. מִזְּמַן לִזְמַן הוּא הָיָה יוֹצֵא לִרְחוֹבוֹת הָעִיר, וְהָיָה מְדַבֵּר עִם כָּל מִינֵי אֲנָשִׁים, צְעִירִים וּמְבֻגָּרִים, כְּדֵי לִשְׁמֹעַ מִפִּיהֶם עַל הַבְּעָיוֹת שֶׁלָּהֶם. הוּא גַּם רָצָה לִרְאוֹת בְּעַצְמוֹ אֵיךְ הַכֹּל פּוֹעֵל בָּאָרֶץ.

יוֹם אֶחָד יָצָא הַמֶּלֶךְ לְטַיֵּל מִחוּץ לָעִיר, וְעָבַר דֶּרֶךְ כְּפָר אֶחָד. הָיָה יוֹם אָבִיב יָפֶה. עֵשֶׂב יָרֹק וּפְרָחִים יָפִים מִכָּל הַמִּינִים גָּדְלוּ בַּגַּנִּים וּבַשָּׂדוֹת. הַשֶּׁמֶשׁ זָרְחָה בַּשָּׁמַיִם, וְהָעוֹלָם הָיָה מָלֵא גִּלֵּי אוֹר וְשִׂמְחָה. הָאִכָּרִים הָיוּ עֲסוּקִים בַּחוּץ, אֲחָרִים מֵהֶם בְּתִקּוּן הַגְּגוֹת וְהָאֲחֵרִים בַּעֲבוֹדָה בַּשָּׂדֶה. בְּשָׁעַת הַטִּיּוּל רָאָה הַמֶּלֶךְ מֵרָחוֹק אִישׁ זָקֵן עוֹמֵד לְבַדּוֹ בַּשָּׂדֶה וְנוֹטֵעַ עֵץ. הַמֶּלֶךְ בָּא קָרוֹב לַזָּקֵן, וְאָמַר לוֹ:

— שָׁלוֹם, סַבָּא. אֵיזֶה מִין עֵץ אַתָּה נוֹטֵעַ?

— עֵץ חָרוּב אֲנִי נוֹטֵעַ, עָנָה הַזָּקֵן.

— בֶּן כַּמָּה שָׁנִים אַתָּה? שָׁאַל אוֹתוֹ הַמֶּלֶךְ.

— אֲנִי בֶּן שְׁמוֹנִים שָׁנָה, עָנָה הַזָּקֵן.

— הַאִם אַתָּה מְקַוֶּה לֶאֱכֹל מִן הַפֵּרוֹת שֶׁל הָעֵץ שֶׁאַתָּה נוֹטֵעַ? שָׁאַל שׁוּב הַמֶּלֶךְ. הֲלֹא חָרוּב נוֹתֵן פֵּרוֹת רַק אַחֲרֵי שָׁנִים רַבּוֹת?

הַזָּקֵן עָנָה:

— אָמְנָם אֲנִי כְּבָר זָקֵן, וַאֲנִי לֹא אֹכַל מִן פֵּרוֹת הָעֵץ, שֶׁאֲנִי נוֹטֵעַ עַכְשָׁו. אֲבָל בָּנַי שֶׁגִּדַּלְתִּי וְהַבָּנִים שֶׁלָּהֶם יֹאכְלוּ מִן הַפֵּרוֹת שֶׁלּוֹ. רְאֵה, אֲדוֹנִי הַמֶּלֶךְ, אֶת הָעֵץ הַהוּא בְּצַד מִזְרָח נָטַע אָבִי כַּאֲשֶׁר הָיִיתִי בֶּן עֶשֶׂר. אֶת הָעֵצִים הָהֵם בַּפִּנָּה בְּצַד מַעֲרָב נָטַע סָבִי כַּאֲשֶׁר אָבִי הָיָה בְּעֶרֶךְ בֶּן שֶׁלֹשׁ עֶשְׂרֵה. כָּל חַיַּי אָכַלְתִּי מִן הַפֵּרוֹת שֶׁל הָעֵצִים הָהֵם. כְּמוֹ שֶׁאֲבוֹתַי נָטְעוּ בִּשְׁבִיל הַדּוֹרוֹת הַבָּאִים, כָּךְ גַּם אֲנִי נוֹטֵעַ עַכְשָׁו בִּשְׁבִיל בָּנַי וּבִשְׁבִיל הַבָּנִים שֶׁלָּהֶם.

הַדָּבָר מָצָא חֵן בְּעֵינֵי הַמֶּלֶךְ, וְהוּא קָרָא:

— בָּרוּךְ תִּהְיֶה, וּבָרוּךְ הַדּוֹר הַדּוֹאֵג לַדּוֹר הַבָּא!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس۴۳

لف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מָה אָהַב הַמֶּלֶךְ לַעֲשׂוֹת? پادشاه چه کاری را دوست داشت انجام دهد؟

۲. מָה עָשָׂה הָאִישׁ הַזָּקֵן בַּשָּׂדֶה? آن پیرمرد در دشت چه میکرد؟

۳. בֶּן כַּמָּה הָיָה הַזָּקֵן? پیرمرد چند سال داشت؟

۴. מָתַי נוֹתֵן עֵץ חָרוּב פֵּרוֹת? درخت خرنوب چه موقع ثمره می دهد؟

۵. בִּשְׁבִיל מִי נָטַע הַזָּקֵן אֶת הָעֵץ? برای چه کسی پیرمرد درخت را می کاشت؟

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید:

۱. هر نسلی مشکلات جدیدی دارد. ۲. این درخت سیب است ولی درخت در سمت شرق خرنوب است. ۳. من (مذکر) نمی‌دانم چه کسی آن درختان را کاشت. ۴. خورشید در مشرق طلوع می‌کند و در مغرب غروب می‌کند. ۵. پسر من سر کار خواهد رفت زمانی که ۱۸ ساله شود. ۶. در بهار او (مونث) دوست دارد به تنهایی در خارج از شهر قدم بزند. ۷. پیشگامان روستاها و شهرها را ساختند و جنگل‌ها را کاشتند. ۸. پیاده‌روی ما در نِگِو بسیار جالب بود و آنچه در آنجا دیدیم تأثیر بسیار خوبی بر ما گذاشت. ۹. من (مذکر) چه چیزی می‌توانم به تو (مذکر) بگویم؟ خودت شرایط من را می‌دانی. ۱۰. من همیشه حقیقت را خواهم گفت. ۱۱. این سیب را نخورید، هنوز سبز است. ۱۲. به من بگو تابستان آینده تو (مونث) چند ساله خواهی شد؟ ۱۳. در تل‌آویو هرگز برف نمی‌بارد، اما در برخی مواقع (=گاهی) در اورشلیم برف می‌بارد. ۱۵. ما (مذکر) همیشه یک تصویر درست از وضعیت جهان از روزنامه‌ها به دست نمی‌آوریم. ۱۶. راستی دیروز دیدمش ولی باهاش حرف نزدم.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

لغات درس ٤٤

בֵּית מִדְרָשׁ: سالن مطالعه، خانه تحصیل

בֵּית סֹהַר: زندان

חֻצְפָּה: گستاخی، بی ادبی، وقاحت

יָדוּעַ יְדוּעָה: مشهور، شناخته شده؛ مشهور، شناخته شده (مونث)

יְדִידוּת: دوستی

יוֹנָתָן: جاناتان

כָּבוֹד: افتخار، احترام، وقار

צַוָּה(לְצַוּוֹת): دستور داد، سفارش داد؛ (مصدر: دستور دادن، سفارش دادن)

רַב (רַבָּנִים): ربی(روحانی در دین یهود)؛ (جمع: ربی‌ها)

רָצוֹן (רְצוֹנוֹת): میل، آرزو؛ (جمع: امیال، آرزوها)

בְּרָצוֹן: با خوشحالی، با خرسندی

בְּרָצוֹן רַב: با کمال میل

פְּרַג: پراگ (پایتخت جمهوری چک)

שָׂפָה (שְׂפָתַיִם): لب؛ (جمع: لب‌ها)

שָׂפָה (שְׂפוֹת): زبان، ساحل؛ (جمع: زبان‌ها، ساحل‌ها)

בְּכָל עֵת וּבְכָל שָׁעָה: در هر زمانی

מִצַּד: از جانبِ، از طرفِ

מֵרֹאשׁ: در پیش، از پیش، پیشاپیش

אֵין צַדִּיק בָּאָרֶץ אֲשֶׁר יַעֲשֶׂה טוֹב וְלֹא יֶחֱטָא. (קֹהֶלֶת ז, 20)

هیچ مرد درستکاری نیست که همیشه کار خوب انجام بدهد و خطایی از او سر نزند.

دستور زبان درس ٤٤

۱- کلمه «יָכֹל» که مصدر و فعل امر از آن ساخته نمی شود به صورت زیر در زمان حال، گذشته و آینده صرف می‌شود:

הוה:

אני, אתה, הוא ← יָכוֹל
אני, את, היא ← יְכוֹלָה
אנחנו, אתם, הם ← יְכוֹלִים
אנחנו, אתן, הן ← יְכוֹלוֹת

עבר:

אני ← יָכֹלְתִּי
אתה ← יָכֹלְתָּ את ← יָכְלָה
הוא ← יָכֹל היא ← יָכְלָה
אנחנו ← יָכַלְנוּ
אתם ← יְכַלְתֶּם אתן ← יְכַלְתֶּן
הם, הן ← יָכְלוּ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

עתיד:

אני ← אוכַל	נחנו ← נוכַל
אתה ← תוכַל את ← תוכְלִי	אתם ← תוכְלוּ אתן ← תוכַלְנָה
הוא ← יוכַל היא ← תוכַל	הם ← יוכְלוּ הן ← תוכַלְנָה

۲- هرچند قید ها تغییر نمی کنند اما صرف «עַל יַד» به عنوان عبارت قیدی مورد استفاده قرار می گیرد:

עַל־יָדִי	עַל־יָדְךָ	עַל־יָדֵךְ	עַל־יָדוֹ	עַל־יָדָהּ
עַל־יָדֵנוּ	עַל־יָדְכֶם	עַל־יָדְכֶן	עַל־יָדָם	עַל־יָדָן

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

מִי יָכוֹל לָדַעַת

בָּעִיר פְּרַג חַי רַב אֶחָד בְּשֵׁם יוֹנָתָן. רַבִּי יוֹנָתָן הָיָה אֶחָד מִן הַחֲכָמִים הַחֲשׁוּבִים בְּדוֹרוֹ. יוֹם אֶחָד רָכַב הַמֶּלֶךְ עִם אֶחָד מִן הַשָּׂרִים שֶׁלּוֹ בִּרְחוֹבוֹת הָעִיר. בְּמִקְרֶה, בְּשָׁעָה זוֹ בְּדִיּוּק, עָבַר רַבִּי יוֹנָתָן עַל־יָדָם, בַּדֶּרֶךְ לְבֵית הַמִּדְרָשׁ. הַמַּרְאֶה שֶׁל רַבִּי יוֹנָתָן עָשָׂה רֹשֶׁם רַב עַל הַמֶּלֶךְ. הַמֶּלֶךְ פָּנָה אֶל הַשַּׂר, וְשָׁאַל:

— מִי הָאִישׁ הַהוּא?

— הוּא רַב יָדוּעַ, עָנָה הַשַּׂר. הוּא גָּדוֹל בְּחָכְמָה וְיוֹדֵעַ שָׂפוֹת רַבּוֹת.

— קְרָא אוֹתוֹ הֵנָּה, אָמַר הַמֶּלֶךְ. וּשְׁאַל אוֹתוֹ אִם יוּכַל לָבוֹא מָחָר לָאַרְמוֹן.

מִיָּד נָתַן הַשַּׂר פְּקוּדָה לְשׁוֹטֵר, וְאָמַר: "לֵךְ מַהֵר וּקְרָא הֵנָּה אֶת הָרַב הַהוֹלֵךְ שָׁם בָּרְחוֹב". הַשּׁוֹטֵר רָץ אַחֲרֵי הָרַב, וְאָמַר לוֹ לָלֶכֶת אִתּוֹ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft
אֶל הַשַּׂר. רַבִּי יוֹנָתָן הָלַךְ עִם הַשׁוֹטֵר אֶל הַשַּׂר. הַשַּׂר פָּנָה אֵלָיו, וְאָמַר:

— הַאִם תּוּכַל לָבוֹא מָחָר לְבִקּוּר אֵצֶל הַמֶּלֶךְ?

— אֲדוֹנִי הַשַּׂר, מִצִּדִּי אֲנִי מוּכָן בְּכָל עֵת וּבְכָל שָׁעָה לָבוֹא אֶל אַרְמוֹן הַמֶּלֶךְ, אֲבָל רַק ה׳ לְבַדּוֹ יוֹדֵעַ אִם אוּכַל לָבוֹא אוֹ לֹא, עָנָה רַבִּי יוֹנָתָן.

כַּאֲשֶׁר הַמֶּלֶךְ שָׁמַע אֶת הַתְּשׁוּבָה הַזֹּאת, הוּא כָּעַס עַל הַחֻצְפָּה שֶׁל רַבִּי יוֹנָתָן. תֵּכֶף וּמִיָּד צִוָּה הַמֶּלֶךְ לָתֵת לוֹ עֹנֶשׁ: לָשִׂים אוֹתוֹ בְּבֵית הַסֹּהַר לַעֲשָׂרָה יָמִים.

אָז פָּנָה רַבִּי יוֹנָתָן אֶל הַמֶּלֶךְ, וְאָמַר:

— עַכְשָׁו אַתָּה רוֹאֶה, אֲדוֹנִי הַמֶּלֶךְ, שֶׁבֶּאֱמֶת לֹא יָכֹלְתִּי לָדַעַת אִם אוּכַל לָבוֹא אֵלֶיךָ מָחָר אוֹ לֹא. הַכֹּל בִּידֵי שָׁמַיִם, וְאִי אֶפְשָׁר לָאָדָם לָדַעַת מֵרֹאשׁ מַה שֶּׁיִּקָּרֶה לוֹ בֶּעָתִיד. הִנֵּה, לְמָשָׁל, כַּאֲשֶׁר יָצָאתִי מִן הַבַּיִת רָצִיתִי לָלֶכֶת לְבֵית הַמִּרְדָּשׁ, וּבִמְקוֹם זֹאת, עָלַי לָלֶכֶת עַכְשָׁו לְבֵית הַסֹּהַר.

הַתְּשׁוּבָה הַזֹּאת מָצְאָה חֵן בְּעֵינֵי הַמֶּלֶךְ. חִיּוּךְ עָלָה עַל שְׂפָתָיו, וְאָמַר:

— הַאִם אַתָּה רוֹצֶה לָבוֹא מָחָר אֵלַי לְבִקּוּר?

רַבִּי יוֹנָתָן עָנָה:

— בְּרָצוֹן רַב, אֲדוֹנִי הַמֶּלֶךְ. תּוֹדָה רַבָּה עַל הַכָּבוֹד הַגָּדוֹל הַזֶּה.

מִן הַיּוֹם הַהוּא וָהָלְאָה הָיְתָה יְרִידוּת גְּדוֹלָה בֵּין הַמֶּלֶךְ וּבֵין הָרַב. רַבִּי יוֹנָתָן הָיָה מְבַקֵּר אֶת הַמֶּלֶךְ, וּלְעִתִּים קְרוֹבוֹת הָיוּ שְׁנֵיהֶם מְטַיְּלִים יַחַד בְּגַן הָאַרְמוֹן, וּמְדַבְּרִים עַל כָּל מִינֵי נוֹשְׂאִים.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ٤٤

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. אֶת מִי פָּגַשׁ רַבִּי יוֹנָתָן בַּדֶּרֶךְ לְבֵית הַמִּדְרָשׁ? ربی جاناتان در راه میدراش چه کسی را ملاقات کرد؟

۲. מַה שָּׁאַל הַשַּׂר אֶת רַבִּי יוֹנָתָן? وزیر از ربی جاناتان چه سوالی پرسید؟

۳. מַדּוּעַ כָּעַס הַמֶּלֶךְ? چرا پادشاه عصبانی شد؟

۴. מַה צִּוָּה הַמֶּלֶךְ לַעֲשׂוֹת לְרַבִּי יוֹנָתָן? پادشاه دستور داد با ربی جاناتان چه کار کنند؟

۵. מָה אָמַר הַמֶּלֶךְ בַּסּוֹף? پادشاه در نهایت چه گفت؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید:

۱. این یک شعر شناخته شده است، هر بزرگسال و هر کودک در این کشور آن را از حفظ می‌داند. ۲. در هر جایی که (در هر مکانی) یهودیان زندگی می‌کردند، خانه‌ای برای مطالعه (مدرسه‌ی علمیه‌ی یهود) ساختند. ۳. از قیافه‌اش (ظاهر) متوجه شدم که از دست من عصبانی است (مذکر). ۴. ما مکرراً برای ملاقات به خانه خاخام می‌رویم. ۵. جواب تو (مذکر) را نمی‌دهم، زیرا با گستاخی با من صحبت کردید. ۶. من به شما (مذکر) دستور می‌دهم به آرامی بنشینید. ۷. کودک گفت: من نمی‌خورم! و لب هایش را بست. ۸. برای من افتخار بزرگی است که دوست او (مذکر) هستم. ۹. من با کمال میل این کار را برای تو (مونث) انجام خواهم داد. ۱۰. اگر بتوانم فردا ساعت هفت و نیم به دیدار تو خواهم آمد. ۱۱. ما نتوانستیم اعمال او را تحمل کنیم. ۱۲. او یک حقوق بالاتر زیرا او (مونث) زبان های خارجی را می‌داند. ۱۳. بین برادران نزاع در گرفت چونکه نتوانستند گنج را بین خود تقسیم کنند. ۱۴. دوستی تو (مونث) برای من بسیار ارزشمند است. ۱۵. تو (مذکر) نمی‌توانی من را بدون محاکمه به زندان بیاندازی. ۱۶. تا جایی که به ما مربوط می‌شود، ما همیشه آماده کمک به شما هستیم.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור מה
لغات درس ٤٥

middle אֶמְצַע: وسط، میان

in the middle בָּאֶמְצַע: در وسط، در میان

made it possible / enabled אִפְשֵׁר (לְאַפְשֵׁר): ممکن کرد، قادر ساخت؛ (مصدر: ممکن کردن، قادر ساختن)

The Temple בֵּית הַמִּקְדָּשׁ: بیت المَقدس، البیت المُقدس

Part; Portion; share חֵלֶק (חֲלָקִים): بخش، صحن؛ (جمع: بخش‌ها، صحن‌ها)

inheritance יְרוּשָׁה (יְרוּשׁוֹת): ارث؛ (جمع: ارث‌ها)

moriah מוֹרִיָּה: موریا (کوهی که معبد سلیمان در آن ساخته شده بود)

doubted פָּקְפֵּק (לְפַקְפֵּק) בְּ...: شک کرد به...؛ (مصدر: شک کردن)

provided; sustained; supported פִּרְנֵס (לְפַרְנֵס): فراهم کرد، آماده کرد، حفظ کرد؛ (مصدر: فراهم کردن، آماده کردن، حفظ کردن)

need n צֶרֶךְ (צְרָכִים): نیاز؛ (جمع: نیازها)

harvest (of grain) קְצִיר: درو، برداشت

harvested; reaped קָצַר (לִקְצֹר): درو کرد، برداشت کرد؛ (مصدر: درو کردن، برداشت کردن)

bachelor רָוָק (רַוָּקִים): مجرد؛ (جمع: مجردها)

equal; worth שָׁוֶה, שָׁוָה: مساوی، بها، ارزش ؛ مساوی، بها، ارزش (مونث)

produce; grain תְּבוּאָה (תְּבוּאוֹת): محصول، غلات؛ (جمع: محصولات)

translated תִּרְגֵּם(לְתַרְגֵּם): ترجمه کرد؛ (مصدر: ترجمه کردن)

I have need of... יֵשׁ לִי צֶרֶךְ בְּ...: من نیاز دارم به...

one another זֶה אֶת זֶה: با یکدیگر، یکی با دیگری (مذکر)

each other זוֹ אֶת זוֹ: با یکدیگر، یکی با دیگری (مونث)

כָּל הַלּוֹמֵד תּוֹרָה וְאֵינוֹ חוֹזֵר עָלֶיהָ דּוֹמֶה (שָׁוֶה) לְאָדָם שֶׁזּוֹרֵעַ וְאֵינוֹ קוֹצֵר. (מִן הַתַּלְמוּד)

هر انسانی که تورات را یاد بگیرد و از آن استفاده نکند، با انسانی که می‌کارد و برداشت نمی‌کند مساوی است.

دستور زبان درس ٤٥

۱- عمدتا افعال زبان عبری دارای سه حرف اصلی هستند اما با این وجود فعل هایی وجود دارند که چهار حرف اصلی دارند:

الف) فعل های سه حرفی که یک حرف آنها مضاعف شده است؛ مثال:

(פקק) לְפַקְפֵּק شک کردن

ب) اسم فعل؛ مثال:

לְאַפְשֵׁר مصدر (ممکن بودن) ← אֶפְשָׁר ممکن

לְתַרְגֵּם مصدر (ترجمه کردن) ← תַּרְגּוּם ترجمه

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۲- همه ی افعالی که چهار حرف اصلی دارند در بینیان «פִּעֵל» به صورت زیر صرف می شوند:

לְפַרְנֵס فراهم کردن

הוה:

אני, אתה, הוא ← מְפַרְנֵס	אנחנו, אתם, הם מְפַרְנְסִים
אני, את, היא ← מְפַרְנֶסֶת	אנחנו, אתן, הן מְפַרְנְסוֹת

עבר:

אני ← פִּרְנַסְתִּי	אנחנו ← פִּרְנַסְנוּ
אתה ← פִּרְנַסְתָּ את ← פִּרְנַסְתְּ	אתם ← פִּרְנַסְתֶּם אתן ← פִּרְנַסְתֶּן
הוא ← פִּרְנֵס היא ← פִּרְנְסָה	הם, הן ← פִּרְנְסוּ

עתיד:

אני ← אֲפַרְנֵס	אנחנו ← נְפַרְנֵס
אתה ← תְּפַרְנֵס את ← תְּפַרְנְסִי	אתם ← תְּפַרְנְסוּ אתן ← תְּפַרְנַסְנָה
הוא ← יְפַרְנֵס היא ← תְּפַרְנֵס	הם ← יְפַרְנְסוּ הן ← תְּפַרְנַסְנָה

צווי:

פַּרְנֵס	פַּרְנְסִי	פַּרְנְסוּ	פַּרְנַסְנָה

۳- عبارت (بخشی از) را می توان به سه طریق بیان کرد؛ مثال: بخشی از نان را برداشتم.

לָקַחְתִּי חֵלֶק מִן הַלֶּחֶם. לָקַחְתִּימִן הַלֶּחֶם. לָקַחְתִּי מֵהַלֶּחֶם.

۴- حرف اضافه « מִן » به معنای (از، از جانب و ...) است و همینطور برای مقایسه بین دو فرد و یا دو شیء از آن استفاده می‌شود؛ مثال:

קִבַּלְתִּי מִכְתָּב מִן אָחִי (מֵאָחִי). نامه ای از جانب (از) برادرم دریافت کردم.

אֲנִי יוֹתֵר גָּדוֹל מִן אָחִי (מֵאָחִי). من از برادرم بزرگتر هستم.

מִי מִכֶּם יוֹדֵעַ עִבְרִית? چه کسی از شما (کدام یک از شما) عبری می داند؟

קִבַּלְתִּי מִכְתָּב מִן אָחִי (מֵאָחִי). نامه ای از جانب (از) برادرم دریافت کردم.

אֲנִי יוֹתֵר גָּדוֹל מִן אָחִי (מֵאָחִי). من از برادرم بزرگتر هستم.

מִי מִכֶּם יוֹדֵעַ עִבְרִית? چه کسی از شما (کدام یک از شما) عبری می داند؟

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

نکته: واژه ی « שֶׁל » نیز به معنای (از) می باشد اما فقط برای مالکیت، اختصاص و کیفیت بکار می‌رود؛ مثال:

הַלֵּב שֶׁל הָאִישׁ הַחוֹלֶה. قلب مرد بیمار (مالکیت یا اختصاص)

לֵב שֶׁל זָהָב. قلبی از طلا (کیفیت)

הַלֵּב שֶׁל הָאִישׁ הַחוֹלֶה. قلب مرد بیمار (مالکیت یا اختصاص)

לֵב שֶׁל זָהָב. قلبی از طلا (کیفیت)

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

אַהֲבַת אַחִים

לִפְנֵי שָׁנִים רַבּוֹת חַי בִּמְזָרַח יְרוּשָׁלַיִם אִישׁ אֶחָד וְלוֹ הָיוּ שְׁנֵי בָּנִים נִפְלָאִים. שֵׁם הַבֵּן הָרִאשׁוֹן אֵיתָן וְשֵׁם הַבֵּן הַשֵּׁנִי גִּדְעוֹן. לְאֵיתָן הָיְתָה אִשָּׁה, וְהָיוּ לוֹ בָּנִים וּבָנוֹת. גִּדְעוֹן הָיָה רָוָק.

כַּאֲשֶׁר הָאָב מֵת קִבְּלוּ הָאַחִים יְרוּשָׁה — שָׂדֶה בְּהַר הַמּוֹרִיָּה. הָאַחִים עָבְדוּ יַחַד בַּשָּׂדֶה. שְׁנֵיהֶם חָפְרוּ, זָרְעוּ וְקָצְרוּ, וְאַף פַּעַם לֹא רָבוּ. אַחֲרֵי הַקָּצִיר הֵם שָׁקְלוּ אֶת הַתְּבוּאָה וְחִלְקוּ אוֹתָהּ לִשְׁנֵי חֲלָקִים שָׁוִים.

לַיְלָה אֶחָד שָׁכַב אֵיתָן בְּמִטָּתוֹ וְאָמַר לְעַצְמוֹ:

— לֹא טוֹב עָשִׂינוּ שֶׁחִלַּקְנוּ אֶת הַתְּבוּאָה לַחֲלָקִים שָׁוִים. יֵשׁ הֶבְדֵּל גָּדוֹל בֵּין הַמַּצָּב שֶׁל אָחִי וּבֵין מַצָּבִי. כַּאֲשֶׁר אֲנִי אֶהְיֶה זָקֵן בָּנַי יְפַרְנְסוּ אוֹתִי. אֲבָל מִי יְפַרְנֵס אֶת אָחִי כַּאֲשֶׁר יִהְיֶה זָקֵן?

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הוּא שָׁכַב וְחִפֵּשׂ עֵצָה אֵיךְ לְתַקֵּן אֶת הַמַּצָּב. פִּתְאֹם אָמַר לְעַצְמוֹ:
"אֵלֵךְ וְאֶקַּח חֵלֶק מִן הַתְּבוּאָה שֶׁלִּי וְאֶתֵּן לְאָחִי."

אִיתָן קָם, הָלַךְ אֶל הַשָּׂדֶה וְלָקַח מִתְּבוּאָתוֹ כְּדֵי לָתֵת לְגִדְעוֹן.

בְּאוֹתוֹ הַלַּיְלָה גַּם גִּדְעוֹן שָׁכַב בְּמִטָּתוֹ וְחָשַׁב לְעַצְמוֹ:

— לֹא טוֹב עָשִׂינוּ שֶׁחִלַּקְנוּ אֶת הַתְּבוּאָה לַחֲלָקִים שָׁוִים. יֵשׁ הֶבְדֵּל גָּדוֹל בֵּין הַמַּצָּב שֶׁל אָחִי וּבֵין מַצָּבִי. לְאָחִי יֵשׁ מִשְׁפָּחָה גְּדוֹלָה וְעָלָיו לְפַרְנֵס אוֹתָהּ. אֲנִי רָזָק וְאֵין לִי צֹרֶךְ בְּכָל כָּךְ הַרְבֵּה תְּבוּאָה. אֵלֵךְ וְאֶתֵּן חֵלֶק מִן הַתְּבוּאָה שֶׁלִּי לְאָחִי. זֶה יְאַפְשֵׁר לוֹ לְפַרְנֵס אֶת מִשְׁפַּחְתּוֹ בְּכָבוֹד.

גִּדְעוֹן קָם, הָלַךְ אֶל הַשָּׂדֶה וְלָקַח מִתְּבוּאָתוֹ כְּדֵי לָתֵת לְאִיתָן.

הָיָה לַיְלָה יָפֶה. הָיָה רֵיחַ זָרַח. הַשָּׁמַיִם הָיוּ מְלֵאִים כּוֹכָבִים. בְּאֶמְצַע הַדֶּרֶךְ פָּגְשׁוּ הָאַחִים זֶה אֶת זֶה. דְּמָעוֹת עָלוּ בְּעֵינֵיהֶם כַּאֲשֶׁר רָאוּ, שֶׁכָּל אֶחָד נוֹשֵׂא תְּבוּאָה עַל גַּבּוֹ, כְּדֵי לָתֵת אוֹתָהּ לְאָחִיו.

— אָמְנָם מֵעוֹלָם לֹא פִּקְפַּקְתִּי בְּאַהֲבָתְנוּ, קָרָא גִּדְעוֹן, אֲבָל עַכְשָׁו אֲנִי רוֹאֶה מַה גְּדוֹלָה הִיא!

אֱלֹהִים רָאָה אֶת אַהֲבַת הָאַחִים וְאָמַר:

— הַמָּקוֹם הַזֶּה קָדוֹשׁ! בַּמָּקוֹם הַזֶּה יַעֲמֹד בְּעָתִיד בֵּית הַמִּקְדָּשׁ!

וְכֵן הָיָה. בַּמָּקוֹם הַזֶּה, עַל הַר הַמּוֹרִיָּה, בָּנָה שְׁלֹמֹה הַמֶּלֶךְ אֶת בֵּית הַמִּקְדָּשׁ הָרִאשׁוֹן.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ٤٥

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. לְמִי הָיוּ אִשָּׁה וּבָנִים וּמִי הָיָה רָזָק ؟ کدام یک از پسرها زن و بچه داشت و کدام یک مجرد بود؟

۲. אֵיךְ חִלְקוּ הָאַחִים בֵּינֵיהֶם אֶת הַתְּבוּאָה ؟ برادران چگونه محصولات را بین خود تقسیم کردند؟

۳. מַדּוּעַ רָצָה אִיתָן לָתֵת חֵלֶק מִתְּבוּאָתוֹ לְגִדְעוֹן ؟ چرا ایتان میخواست از سهم خود به برادرش بدهد؟

۴. מַדּוּעַ רָצָה גִּדְעוֹן לָתֵת חֵלֶק מִתְּבוּאָתוֹ לְאֵיתָן ؟ چرا گیدون می خواست از سهم خود به برادرش بدهد؟

۵. מַה קָּרָה כַּאֲשֶׁר שְׁנֵי הָאַחִים פָּגְשׁוּ זֶה אֶת זֶה בַּדָּרָךְ ؟ زمانی که دو برادر همدیگر را در راه ملاقات کردند چه اتفاقی افتاد؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید:

۱. ترجمه کردن دقیق یک شعر از یک زبان به زبان دیگر غیرممکن است. ۲. وقتی او (مذکر) را در بیمارستان بستری شد، چه کسی از خانواده اش حمایت کرد؟ ۳. کوه موریا کوهی مقدس است زیرا معبد بر روی آن قرار داشت. ۴. وقتی ازدواج کنم (=زن بگیرم) با کمال میل به همسرم سهم مساوی از خانه‌ام خواهم داد. ۵. او (مونث) در وسط درس به کلاس آمد. ۶. پسر کوچک قادر به تقسیم سیب به چهار قسمت مساوی نخواهد بود. ۷. یک پدر می‌تواند ده فرزند را حمایت کند، اما ده فرزند نمی‌توانند از یک پدر حمایت کنند. ۸. مدت کوتاهی پس از برداشت محصول، کشاورزان غلات را در بازار فروختند. ۹. تو (مونث) به من نگو که نیازی به دوست نداری. ۱۰. من می‌دانم که تو مرد راستگویی هستی و در سخنان تو (مذکر) تردید ندارم. ۱۱. من برای تحصیل در دانشگاه عبری به اورشلیم آمدم. ۱۲. ارثی که دریافت کردم به من این امکان را می‌دهد که از خانواده‌ام با عزت حمایت کنم. ۱۳. او (مذکر) در حال حاضر سی سال دارد و هنوز مجرد است. ۱۴. در آخرین آزمون ما مجبور شدیم یک ترکیب کوتاه بنویسیم و دوازده جمله را به عبری ترجمه کنیم. ۱۵. آیا شما (مذکر) می‌دانید پادشاهی که معبد را در کوه موریا بنا کرد کی بود؟

ج- افعال زیر را صرف کنید.

לְאַפְשֵׁר - توانستن

לְתַרְגֵּם - ترجمه کردن

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור מו
لغات درس ٤٦

אָחוֹת (אָחָיוֹת): پرستار؛ (جمع: پرستاران) nurse

אֵירוֹפָּה: اروپا Europe

אַרְיֵה (אֲרָיוֹת): شیر وحشی؛ (جمع: شیرهای وحشی) lion

(בָּדַק, לְהִבָּדֵק) נִבְדַּק: ؛ (امتحان کرد؛ مصدر: امتحان شدن)، مورد بررسی قرار گرفت was examined

גָּמוּר: کاملاً، کامل complete, perfect

(גמר, לְהִגָּמֵר) נִגְמַר: (تمام کرد؛ مصدر: تمام شدن)؛ تمام شد was finished

דָּם (דָּמִים): خون؛ (جمع: خون‌ها) blood

(הרג, לְהֵהָרֵג) נֶהֱרַג: (کُشت؛ مصدر: کشته شدن)؛ کشته شد was killed

חֹדֶשׁ (חֳדָשִׁים): ماه (تقویمی)؛ (جمع: ماه‌ها) month

חֲזִית (חֲזִיתוֹת): جبهه، خط مقدم؛ (جمع: جبهه‌ها، خط مقدم‌ها) front line; facade

חַיָּל (חַיָּלִים): سرباز؛ (جمع: سربازها) soldier

כָּבַשׁ (לִכְבּשׁ): فتح کرد، تصرف کرد؛ (مصدر: فتح کردن، تصرف کردن) captured; conquered

כַּדּוּר (כַּדּוּרִים): گلوله، توپ؛ (جمع: گلوله‌ها، توپ‌ها) bullet; ball

(כנס, לְהִכָּנֵס) נִכְנַס אֶל, ל, בְּ: (وارد شد؛ مصدر: وارد شدن)؛ وارد شد به...، وارد شد در...، وارد شد به سوی... entered

(כתב, לְהִכָּתֵב) נִכְתַּב: (نوشت؛ مصدر: نوشته شدن)؛ نوشته شد was written

(לחם, לְהִלָּחֵם) נִלְחַם עִם, בְּ...: (جنگید؛ مصدر: جنگیدن)؛ جنگید با، جنگید در fought

(לקח, לְהִלָּקַח) נִלְקַח: (برداشت، گرفت؛ مصدر: برداشته شدن، گرفته شدن)؛ برداشته شد، گرفته شد was taken

מִלְחָמָה (מִלְחָמוֹת): جنگ؛ (جمع: جنگ‌ها) war

עַל יְדֵי: به وسیله‌ی، توسط by, by means of

עָף (לָעוּף): پرواز کرد؛ (مصدر: پرواز کردن) flew

פָּגַע (לִפְגּעַ) בְּ...: صدمه زد، ضربه زد؛ (مصدر: صدمه زدن، ضربه زدن) struck; hit; hurt

צָבָא (צְבָאוֹת): ارتش؛ (جمع: ارتش‌ها) army

רֹאשׁ הַשָּׁנָה: سال نو، ابتدای سال the new year

רַע: شر، بد evil, misfortune

(שמע, לְהִשָּׁמַע) נִשְׁמַע: شنیده شد؛ (مصدر: شنیده شدن) was heard

שׂוֹנֵא (שׂוֹנְאִים): دشمن؛ (جمع: دشمنان) enemy

(שלח, לְהִשָּׁלַח) נִשְׁלַח: فرستاده شد؛ (مصدر: فرستاده شدن)

שָׁמַר עַל: محافظت کرد از، حفظ کرد، نگه داشت

(שפך, לְהִשָּׁפֵךְ) נִשְׁפַּךְ: پخش شد، ریخته شد؛ (مصدر: ریخته شدن)

תַּנַ"ךְ: تَنَخ (این واژه از حروف اول سه بخش اصلی کتاب مقدس درست شده است)

מַה נִּשְׁמָע?: چه خبر؟

לְשָׁנָה טוֹבָה תִּכָּתֵב: سال خوبی ثبت شود

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

אַל תֹּאמַר שֶׁהַיָּמִים הָרִאשׁוֹנִים הָיוּ טוֹבִים מֵאֵלֶּה.

نگو که روزهای نخست از این روزها بهتر بودند .

دستور زبان درس ٤٦

۱- هر بینیانی که معنای معلوم دارد، بینیان خاصی برای بیان معنای مجهول آن در نظر گرفته شده است. به عنوان نمونه معنای مجهول « פָּעַל » با بینیان «נִפְעַל» بیان می شود؛ مثال:

הָאִישׁ סוֹגֵר אֶת הַחַלּוֹן. آن مرد پنجر را می‌بندد.

הַחַלּוֹן נִסְגָּר עַל יְדֵי הָאִישׁ. پنجره بسته می شود به وسیله‌ی آن مرد.

הָאִישׁ סָגַר אֶת הַחַלּוֹן. آن مرد پنجره را بست.

הַחַלּוֹן נִסְגַּר עַל יְדֵי הָאִישׁ. پنجره بسته شد به وسیله آن مرد.

نکته: بعضی افعال در بینیان «נִפְעַל» معنای معلوم دارند؛ مثال:

הַמּוֹרֶה נִכְנַס אֶל הַחֶדֶר. معلم وارد کلاس شد.

۲- ویژگی های بینیان «נִפְעַל»:

א) با حرف «נִ» شروع می شود و حرف اول ساکن است.

ב) مصدر این بینیان در الگوی «לְ הִ ○○ָ○ ○ָה » درست می‌شود.

ג) صرف فعل سالم در بینیان «נִפְעַל»:

לְהִגָּמֵר

הוה:

אני, אתה,הוא ← נִגְמָר	אנחנו, אתם, הם ← נִגְמָרִים
אני, את, היא ← נִגְמֶרֶת	אנחנו, אתן, הן ← נִגְמָרוֹת

עבר:

אני ← נִגְמַרְתִּי	אנחנו ← נִגְמַרְנוּ
אתה ← נִגְמַרְתָּ את ← נִגְמְרָה	אתם ← נִגְמַרְתֶּם אתן ← נִגְמַרְתֶּן
הוא ← נִגְמַר היא ← נִגְמְרָה	הם, הן ← נִגְמְרוּ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۴- اگر سومین حرف اصلی فعل «ע» یا «ח» باشد نیز فعل در این بینیان مثل « לְהִגָּמֵר » صرف می شود البته با تفاوت های جزئی؛ مانند:

א) در مصدر حرف دوم اصلی نیکود پتخ می گیرد؛ مثال:

לְהִשָּׁלַח　　לְהִשָּׁמַע

ב) در زمان حال، حرف دوم و سوم در مفرد مونث پتخ میگیرد؛ مثال:

אני, את, היא ← נִשְׁלַחַת　　אני, את, היא ← נִשְׁמַעַת

۵- اگر حرف اول اصلی فعلی در این بینیان از حروف حلقی باشد؛ مانند:

א) در زمان حال حرف « נ » سگل می گیرد و حرف اول اصلی خطف سگل مانند:

הוא ← נֶהֱרָג　　הוא ← נֶהֱרָג

ב) در ساخت مصدر الگوی « לְ הַ ○○ ○ָה ○○ » رعایت می شود یعنی حرف « ה » با نیکود صقه بیان می‌شود.

ג) صرف:

לְהֵהָרֵג

הוה:

אני, אתה, הוא ← נֶהֱרָג　　אנחנו, אתם, הם ← נֶהֱרָגִים

אני, את, היא ← נֶהֱרֶגֶת　　אנחנו, אתן, הן ← נֶהֱרָגוֹת

עבר:

אני ← נֶהֱרַגְתִּי

אתה ← נֶהֱרַגְתָּ　　את ← נֶהֱרַגְתְּ

הוא ← נֶהֱרַג　　היא ← נֶהֱרְגָה

אנחנו ← נֶהֱרַגְנוּ

אתם ← נֶהֱרַגְתֶּם　　אתן ← נֶהֱרַגְתֶּן

הם, הן ← נֶהֱרְגוּ

نکته: در زمان گذشته، اولین حرف فعل سوم شخص مفرد مونث و سوم شخص جمع مونث، سگل میگیرد زیرا دو حرف در هجای ابتدایی کلمه نمیتوانند شوا بگیرند:

היא ← נֶהֱרְגָה

הם , הן ← נֶהֱרְגוּ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הַמַּתָּנָה שֶׁל סַבָּא

הַדָּבָר קָרָה בִּזְמַן הַמִּלְחָמָה הָאַחֲרוֹנָה בְּאֵירוֹפָּה. הַשּׁוֹנֵא כָּבַשׁ כְּבָר עָרִים רַבּוֹת בַּמַּעֲרָב, אֲבָל בְּכָל זֹאת הַמִּלְחָמָה עֲדַיִן לֹא נִגְמְרָה. הָיִיתִי אָז בָּחוּר צָעִיר בֶּן שְׁמוֹנֶה עֶשְׂרֵה. נִלְקַחְתִּי לַצָּבָא. זֶה הָיָה קָרוֹב לְרֹאשׁ הַשָּׁנָה. לִפְנֵי שֶׁעָזַבְתִּי אֶת הַבַּיִת, קָרָא לִי סָבִי, וּבֵרַךְ אוֹתִי בִּבְרָכָה "לְשָׁנָה טוֹבָה תִּכָּתֵב". אָז נָתַן לִי סֵפֶר, וְאָמַר: "הִנֵּה מַתָּנָה קְטַנָּה בִּשְׁבִילְךָ. זֶה סֵפֶר הַתַּנַ"ךְ. שְׁמֹר אוֹתוֹ, וְהוּא יִשְׁמֹר עָלֶיךָ מִכָּל רַע".

שַׂמְתִּי אֶת הַסֵּפֶר בְּכִיסִי וּבְלֵב כָּבֵד יָצָאתִי מִן הַבַּיִת.

כָּל הַזְּמַן רָצִיתִי לָדַעַת מַה נִּשְׁמָע בַּבַּיִת, אֲבָל הַדֹּאַר לֹא פָּעַל בְּסֵדֶר בַּיָּמִים הָהֵם, וּמִכְתָּבִים מֵהוֹרַי בָּאוּ אֵלַי לְעִתִּים רְחוֹקוֹת מְאֹד. אֶת סָבִי אָהַבְתִּי וְכִבַּדְתִּי מְאֹד, וְאֶת הַמַּתָּנָה שֶׁלּוֹ נָשָׂאתִי תָּמִיד בְּכִיסִי. לְעִתִּים קְרוֹבוֹת קָרָאתִי בַּתַּנַ"ךְ, וְשָׁאַבְתִּי מִמֶּנּוּ תִּקְוָה וְכֹחַ לְסַבֵּל אֶת הַחַיִּים הַקָּשִׁים בַּצָּבָא.

אַחֲרֵי שְׁלֹשָׁה חֳדָשִׁים קִבַּלְתִּי פְּקוּדָה וְנִשְׁלַחְתִּי יָשָׁר לַחֲזִית. אֵלֶּה הָיוּ יָמִים מָרִים. הַצָּבָא שֶׁל הַשּׁוֹנֵא עָמַד עַל הַר גָּבוֹהַּ מִצַּד אֶחָד וְעַל הַר גָּבוֹהַּ אַחֵר מִצַּד שֵׁנִי, וְהַצָּבָא שֶׁלָּנוּ הָיָה בָּאֶמְצַע. מַצָּבֵנוּ הָיָה רַע מְאֹד.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הַשּׁוֹנֵא שָׁלַח בָּנוּ אֵשׁ חֲזָקָה, וְכַדּוּרִים עָפוּ בָּאֲוִיר בְּלִי סוֹף. נִלְחַמְנוּ כְּמוֹ אֲרָיוֹת. דָּם רַב נִשְׁפַּךְ, וְחַיָּלִים רַבִּים נֶהֱרְגוּ. קוֹלוֹת צְעָקָה נִשְׁמְעוּ מִכָּל צַד. פִּתְאֹם פָּגַע בִּי כַּדּוּר וְנָפַלְתִּי לָאָרֶץ.

נִלְקַחְתִּי לְבֵית הַחוֹלִים וְשָׂמוּ אוֹתִי בְּמִטָּה. חִבִּיתִי לָרוֹפֵא. כָּל דַּקָּה שֶׁעָבְרָה הָיְתָה כְּמוֹ שָׁעָה בְּעֵינַי. כָּל מִינֵי תְּמוּנוֹת מֵהַבַּיִת עָבְרוּ לְפָנַי. לִבִּי דָּפַק מַהֵר. פָּחַדְתִּי שֶׁאֲנִי הוֹלֵךְ לָמוּת, וְלֹא אֶרְאֶה עוֹד אֶת הוֹרַי וְאֶת סָבַי הַיְקָרִים. תְּפִלָּה לִשְׁלוֹם הַקְּרוֹבִים שֶׁלִּי וְלִשְׁלוֹמִי עָבְרָה עַל שְׂפָתַי. סוֹף סוֹף נִכְנְסָה אָחוֹת לַחֶדֶר. הִיא נָתְנָה לִי מַשֶּׁהוּ לִשְׁתּוֹת, וְאָמְרָה:

— אַל תִּדְאַג, עוֹד מְעַט יָבוֹא הָרוֹפֵא, וְהַכֹּל יִהְיֶה בְּסֵדֶר גָּמוּר.

זְמַן רַב עָבַר וְהָרוֹפֵא עוֹד לֹא בָּא. כְּבָר פִּקְפַּקְתִּי בְּלִבִּי אִם הָרוֹפֵא יָבוֹא אֵלַי. חָשַׁבְתִּי כִּי אִפְשָׁר שֶׁהָאָחוֹת שָׁכְחָה שֶׁאֲנִי שׁוֹכֵב פֹּה. סוֹף סוֹף נִכְנַס רוֹפֵא צָעִיר לַחֶדֶר וּבָרַק אוֹתִי. אַחֲרֵי שֶׁנִּבְדַּקְתִּי עַל יְדֵי הָרוֹפֵא, הוּא קָרָא:

— חַיָּל, יֵשׁ לְךָ מַזָּל! הַפֶּצַע שֶׁלְּךָ קַל מְאֹד. הַכַּדּוּר נִכְנַס בַּסֵּפֶר וְלֹא חָדַר לַלֵּב. הַסֵּפֶר בְּכִיסְךָ שָׁמַר עָלֶיךָ מִמָּוֶת!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ٤٦

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. בֶּן כַּמָּה הָיָה הַבָּחוּר כַּאֲשֶׁר הוּא נִלְקַח לַצָּבָא? زمانی که جوان به ارتش برده شد چند سال داشت؟

۲. אֵיזוֹ מַתָּנָה נָתַן לוֹ סָבוֹ? پدربزرگ چه هدیه ای به او داد؟

۳. אַחֲרֵי כַּמָּה חֳדָשִׁים נִשְׁלַח הַבָּחוּר לַחֲזִית? بعد از چند ماه، جوان به جبهه‌ی جنگ فرستاده شد؟

۴. מַה קָּרָה לוֹ בַּחֲזִית? در جبهه ی جنگ چه اتفاقی برای او افتاد؟

۵. אֵיךְ שָׁמַר הַתַּנַ"ךְ עַל חַיֵּי הַבָּחוּר? کتاب مقدس چگونه جان جوان را حفظ کرد؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. جنگ چند سال پیش تمام شد؟ ۲. سربازها چند روز پیش به جبهه اعزام شدند. ۳. در پاییز، پرندگان به کشورهای گرم پرواز می‌کنند. ۴. گلوله به شیر اصابت کرد و خون زیادی روی علف‌ها ریخته شد. ۵. تنخ مقدس‌ترین کتاب یهودیان است. ۶. من (مونث) نمی‌توانم خانه را ترک کنم مگر اینکه مادر برای مراقبت از بچه‌ها بیاید. ۷. نامه یک ماه پیش برای تو (مونث) ارسال شده بود. ۸. وضعیت جاده‌ها وحشتناک است، روزانه افراد زیادی کشته می‌شوند. ۹. بیمار هنوز توسط پزشک معاینه نشده است. ۱۰. سال گذشته پسرهای زیادی به سربازی برده شدند. ۱۱. این بیمارستان به اندازه کافی پرستار ندارد. ۱۲. نسیم (=باد ملایم) از در باز وارد اتاق شد. ۱۳. ما امیدواریم سربازان دشمن نتوانند شهر را تصرف کنند. ۱۴. نیکی کن و بدی نکن. ۱۵. ما در آخرین جنگ با هم جنگیدیم و از آن به بعد (از آن زمان) دوستی بین ما بسیار قوی است. ۱۶. به ما اجازه دهید ابتدا (در ابتدا) شام بخوریم و بعد از آن ما می‌رقصیم.

ج- افعال زیر را در ماضی و حال صرف کنید.

לְהִבָּדֵק – مورد بررسی قرار گرفتن　　לְהֵאָכֵל – خورده شدن

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור מז
لغات درس ٤٧

אָבוֹת: اجداد — The Patriarchs; ancestors

(אמר, לֶהֱאָמַר) נֶאֱמַר: (گفت ؛ مصدر: گفته شدن)؛ گفته شد — was said

אֲרוֹן הַקֹּדֶשׁ: تابوت مقدس(تابوت عهد) — The Holy Ark; The Ark of Holiness

אֲרָמִית: آرامی (زبان آرامی) — Aramaic

בְּרֵאשִׁית: سِفر پیدایش (بخش اول تورات) — Genesis

שְׁמוֹת: سِفر خروج (بخش دوم تورات) — Exodus

וַיִּקְרָא: سِفر لاویان (بخش سوم تورات) — Leviticus

בַּמִּדְבָּר: سِفر اعداد (بخش چهارم تورات) — Numbers

דְּבָרִים: سِفر تثنیه (بخش پنجم تورات) — Deuteronomy

בְּרִית: عهد، پیمان — covenant; treaty

חוּמָּשׁ (חוּמָּשִׁים): پنجگانه؛ (جمع: پنجگانه‌ها، اسفار خمسه، سِفرهای پنجگانه) — Pentateuch

(חלק, לֶהֱחָלֵק) נֶחֱלַק: (تقسیم کرد؛ مصدر: تقسیم شدن)؛ تقسیم شد — was divided

חֹק (חֻקִּים): قانون(شریعت)؛ (جمع: قوانین) — law

יְסוֹד (יְסוֹדוֹת): مبنا، پایه؛ (جمع: مبانی، پایه‌ها) — foundation; basis

כְּתוּבִים: مکتوبات (یک بخش از تنخ) — Hagiographa; writings

מוּשָׂג (מוּשָׂגִים): مفهوم؛ (جمع: مفاهیم) — concept; notion

(מצא, לְהַמְצִא) נִמְצָא: (پیدا کرد، مصدر: پیدا شدن)؛ پیدا شد، قرار داشت — was found; was situated

מִצְוָה (מִצְוֹת): دستور؛ (جمع: دستورات) — commandment; precept

מִצְרַיִם: مصر — Egypt

יְצִיאַת מִצְרַיִם: خروج از مصر — The Exodus from Egypt

סֵמֶל (סְמָלִים): نشان، علامت؛ (جمع: نشان‌ها، علائم) — symbol; emblem

עֲשֶׂרֶת הַדְּבָרוֹת: ده فرمان — The Ten commandments

קִצּוּר (קִצּוּרִים): کوتاه شده، مختصر شده؛ (جمع: کوتاه شده‌ها، مختصر شده‌ها) — abbreviation; shortened form

(קרא, לְהִקָּרֵא) נִקְרָא: (صدا زد، خواند؛ مصدر: خوانده شدن، صدا زده شدن)؛ صدا زده شد، خوانده شد — was called; was read

תַּלְמוּד: تلمود — Talmud

חוּץ מִן (מִ...): به جز — except (for)

מִצְוַת עֲשֵׂה: واجبات — a positive precept

מִצְוַת לֹא-תַעֲשֶׂה: محرمات — a negative precept

בְּנֵי יִשְׂרָאֵל: بنی اسرائیل — The children of Israel

עַל שְׁלֹשָׁה דְּבָרִים הָעוֹלָם עוֹמֵד: עַל הַדִּין (חֹק), וְעַל הָאֱמֶת וְעַל הַשָּׁלוֹם. (פִּרְקֵי אָבוֹת)

جهان بر سه پایه استوار است: بر پایه‌ی قانون، حقیقت و صلح. (رساله اخلاق پدران)

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

دستور زبان درس ٤٧

۱- صرف فعلی که اولین حرف اصلی آن «נ» است در بینیان «נִפְעַל» در زمان گذشته و حال مانند فعل سالم است با این تفاوت که «נ» که اولین حرف اصلی فعل است با «נ» بینیان ادغام می شود؛ مثال:

(נתן) לְהִנָּתֵן

הוה:

אני, אתה, הוא ← נִתָּן
אני, את, היא ← נִתֶּנֶת
אנחנו, אתם, הם ← נִתָּנִים
אנחנו, אתן, הן ← נִתָּנוֹת

עבר:

אני ← נִתַּתִּי
אתה ← נִתַּתָּ את ← נִתַּתְּ
הוא ← נִתַּן היא ← נִתְּנָה
אנחנו ← נִתַּנּוּ
אתם ← נִתַּתֶּם אתן ← נִתַּתֶּן
הם, הן ← נִתְּנוּ

۲- صرف فعلی که آخرین حرف اصلی آن «א» در زمان گذشته و حال در بینیان « נִפְעַל » به صورت زیر است:

לְהִמָּצֵא

הוה:

אני, אתה, הוא נִמְצָא
אני, את, היא נִמְצֵאת
אנחנו, אתם, הם נִמְצָאִים
אנחנו, אתן, הן נִמְצָאוֹת

עבר:

אני ← נִמְצֵאתִי
אתה ← נִמְצֵאתָ את ← נִמְצְאָה
הוא ← נִמְצָא היא ← נִמְצְאָה
אנחנו ← נִמְצֵאנוּ
אתם ← נִמְצֵאתֶם אתן ← נִמְצֵאתֶן
הם, הן ← נִמְצְאוּ

نکته ۱: سوم شخص مفرد مذکر در زمان گذشته و حال شبیه هم هستند؛ مثال:

הוא ← נִמְצָא
הוא ← נִמְצָא

نکته ۲: قید « גַּם כֵּן » مانند « גַּם » است با این تفاوت که در پایان جمله قرار می‌گیرد؛ مثال:

אֲנִי אוֹהֵב אוֹתוֹ גַּם כֵּן.
אֲנִי אוֹהֵב אוֹתוֹ גַּם.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הַתַּנַ"ךְ

(א)

הַסֵּפֶר הַקָּדוֹשׁ שֶׁל הַיְהוּדִים נִקְרָא בְּשֵׁם הַתַּנַ"ךְ. הַשֵּׁם הַזֶּה הוּא קִצּוּר שֶׁל שָׁלֹשׁ הַמִּלִּים:

א) תּוֹרָה ב) נְבִיאִים ג) כְּתוּבִים

בַּתַּנַ"ךְ יֵשׁ עֶשְׂרִים וְאַרְבָּעָה סְפָרִים. הַתַּנַ"ךְ נִכְתַּב בַּשָּׂפָה הָעִבְרִית. רַק סֵפֶר דָּנִיֵּאל וְכִמְעַט כָּל סֵפֶר עֶזְרָא נִכְתְּבוּ בַּשָּׂפָה הָאֲרָמִית.

מְעַנְיֵן לָדַעַת, שֶׁכָּל הַמִּלִּים הַנִּמְצָאוֹת בַּתַּנַ"ךְ, חוּץ מִמִּסְפָּר קָטָן, נִכְנְסוּ לַשָּׂפָה הָעִבְרִית שֶׁל יָמֵינוּ.

בְּמֶשֶׁךְ הַזְּמַן תִּרְגְּמוּ אֶת הַתַּנַ"ךְ לְכָל הַשָּׂפוֹת שֶׁבָּעוֹלָם. הַתַּרְגּוּמִים הָאֵלֶּה מְאַפְשְׁרִים לְכָל מִי שֶׁלֹּא יוֹדֵעַ עִבְרִית לְקַבֵּל מוּשָׂג עַל הַתּוֹרָה וְהַמִּצְוֹת שֶׁל עַם יִשְׂרָאֵל.

א) הַתּוֹרָה:

הַתּוֹרָה נֶחְלֶקֶת לַחֲמִשָּׁה סְפָרִים. כָּל סֵפֶר נִקְרָא בְּשֵׁם חוּמָשׁ. הַשֵּׁמוֹת שֶׁל הַחוּמָשִׁים הֵם:

בְּרֵאשִׁית, שְׁמוֹת, וַיִּקְרָא, בַּמִּדְבָּר, דְּבָרִים.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

כָּל חֲמִשָּׁה הַסְּפָרִים הָאֵלֶּה בְּיַחַד נִקְרָאִים גַּם כֵּן בְּשֵׁם חוּמָשׁ.

הַתּוֹרָה הִיא גַּם סֵפֶר חֻקִּים וְגַם סֵפֶר הִיסְטוֹרְיָה. הַתּוֹרָה מְסַפֶּרֶת לָנוּ עַל בְּרִיאַת הָעוֹלָם, וְעַל הַדּוֹרוֹת שֶׁהָיוּ בָּעוֹלָם מֵאָדָם הָרִאשׁוֹן עַד אַבְרָהָם. בַּתּוֹרָה אֲנַחְנוּ גַּם לוֹמְדִים עַל חַיֵּי הָאָבוֹת בְּאֶרֶץ כְּנַעַן, וְעַל חַיֵּי בְּנֵי יִשְׂרָאֵל כַּאֲשֶׁר הֵם הָיוּ עֲבָדִים בְּאֶרֶץ מִצְרַיִם. אֲנַחְנוּ לוֹמְדִים עַל מֹשֶׁה, עַל יְצִיאַת מִצְרַיִם, וְעַל חַיֵּי בְּנֵי יִשְׂרָאֵל בְּמִדְבַּר סִינַי בְּמֶשֶׁךְ אַרְבָּעִים שָׁנָה, עַד שֶׁנִּכְנְסוּ לְאֶרֶץ כְּנַעַן.

בַּתּוֹרָה נִמְצָאִים עֲשֶׂרֶת הַדִּבְּרוֹת. עֲשֶׂרֶת הַדִּבְּרוֹת נִכְתְּבוּ עַל שְׁנֵי לוּחוֹת אֲבָנִים הַנִּקְרָאִים לוּחוֹת הַבְּרִית. בְּבָתֵּי כְּנֶסֶת רַבִּים נִמְצָא סֵמֶל שֶׁל שְׁנֵי לוּחוֹת הַבְּרִית עַל אֲרוֹן הַקֹּדֶשׁ.

לְפִי חַכְמֵי הַתַּלְמוּד יֵשׁ בַּתּוֹרָה שֵׁשׁ מֵאוֹת וּשְׁלֹשׁ עֶשְׂרֵה (613) מִצְוֹת. מֵהֶן מָאתַיִם אַרְבָּעִים וּשְׁמוֹנֶה (248) הֵן מִצְוֹת עֲשֵׂה, וּשְׁלֹשׁ מֵאוֹת שִׁשִּׁים וְחָמֵשׁ (365) הֵן מִצְוֹת לֹא־תַעֲשֶׂה.

עֲשֶׂרֶת הַדִּבְּרוֹת הֵם הַיְסוֹד שֶׁל כָּל הַחֻקִּים וְהַמִּצְוֹת שֶׁנָּתְנוּ בַּתּוֹרָה לְעַם יִשְׂרָאֵל.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ٤٧

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. אֵיךְ נִקְרָא הַחֵלֶק הָרִאשׁוֹן שֶׁל הַתַּנַ"ךְ? بخش اول کتاب مقدس چه نام دارد؟

۲. אֵיזֶה סֵפֶר נִכְתַּב בַּשָּׂפָה הָאֲרָמִית? کدام کتاب به زبان آرامی نوشته شده است؟

۳. עַל מַה מְסַפֶּרֶת לָנוּ הַתּוֹרָה? تورات برای ما در مورد چه چیزی تعریف می کند؟

۴. כַּמָּה מִצְווֹת נִמְצָאוֹת בַּתּוֹרָה לְפִי חַכְמֵי הַתַּלְמוּד? بنا بر گفته‌ی عالمان مفسر، چند دستور در تورات یافت می‌شود؟

۵. מַה הוּא הַיְסוֹד שֶׁל כָּל הַמִּצְווֹת? اساس تمام دستورات چیست؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. اجداد من سال‌ها پیش از اروپا به این کشور آمدند. ۲. من (مونث) هر روز ساعت شش صبح از خواب بیدار می‌شوم به جز شنبه و یکشنبه. ۳. درس تاریخ درباره خروج بنی اسرائیل از مصر بود. ۴. اورشلیم را شهر طلایی (=شهری از طلا) می‌گویند. ۵. این داستان به دو بخش مساوی تقسیم شده است. ۶. نامه‌ای که به من داده شد دقیقاً دو روز پیش نوشته شده بود. ۷. در کتاب پیدایش آمده است که خداوند جهان را در شش روز آفرید. ۸. حفظ (=نگهبانی) تمام ششصد و سیزده دستور تورات آسان نیست. ۹. هیچ مبنایی در کتاب مقدس برای چنین مفهومی وجود ندارد. ۱۰. ده فرمان در دو کتاب از کتاب‌های پنجگانه (پنج کتاب) پیدا می‌شوند، در (کتاب) خروج و تثنیه. ۱۱. پس از پایان جنگ (تمام شد)، دو کشور پیمانی را مبنی بر عدم آغاز جنگ (مبارزه) بستند. ۱۲. در هر کنیسه کتاب تورات در تابوت مقدس یافت می‌شود. ۱۳. منورا نشان اسرائیل است. ۱۴. قوانین برای مردم است و نه مردم برای قوانین. ۱۵. هر کس فکر می‌کند که زبان او (مذکر) ساده‌ترین و زیباترین است. ۱۶. در تلمود اختصارات زیادی وجود دارد.

ج- افعال زیر را در حال و گذشته صرف کنید.

לְהִקָּרֵא – خواندن، صدا زدن　　לְהִפָּתֵחַ – باز شدن　　לְהִנָּטַע – کاشته شدن

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור מח
لغات درس ٤٨

(גאל, לְהִגָּאֵל) נִגְאַל: (رها کرد؛ مصدر: رها شدن)؛ رها شد — was redeemed

גְּאוּלָה: نجات — redemption

דָּרַשׁ (לִדְרֹשׁ): مطالبه کرد، تقاضا کرد؛ (مصدر: مطالبه کردن، تقاضا کردن) — demanded

דָּת (דָּתוֹת): دین، مذهب؛ (جمع: دین‌ها، مذاهب) — religion

דָּתִי, דָּתִית: دین(حالت معنوی)؛ دین (مونث) — religious

חֶבְרָה (חֶבְרוֹת): جامعه؛ (جمع: جامعه‌ها) — society

חֶבְרָתִי, חֶבְרָתִית: اجتماعی؛ اجتماعی (مونث) — social

חוֹטֵא (חוֹטְאִים): گناهکار؛ (جمع: گناهکاران) — sinner

חֻרְבָּן: تخریب، نابودی — destruction

יֹשֶׁר: صداقت، راستی، انصاف — honesty; uprightness, fairness

כִּבּוּשׁ (כִּבּוּשִׁים): غلبه، پیروزی، فتح؛ (جمع: غلبه‌ها، پیروزی‌ها، فتوحات) — conquest

נְבוּאָה (נְבוּאוֹת): پیامبری، رسالت، پیشگویی؛ (جمع: پیامبری‌ها، رسالت‌ها) — prophecy

נוֹצְרִי (נוֹצְרִים): مسیحی؛ (جمع: مسیحی‌ها)

(סלח, לְהִסָּלַח) נִסְלַח: (بخشید؛ مصدر: بخشیده شدن)؛ بخشیده شد — was forgiven

צִיּוּר (צִיּוּרִים): تصور؛ (جمع: تصورات) — imagery

צָרָה (צָרוֹת): مشکل؛ (جمع: مشکلات) — trouble

רַחֲמִים: رحم، دلسوزی — compassion; pity n.m.pl

שְׁאָר: باقی مانده، بازمانده — the rest; remainder

(שמר, לְהִשָּׁמֵר) נִשְׁמַר: (حفظ کرد، محافظت کرد؛ مصدر: حفظ شدن، محافظت شدن)؛ محافظت شد — was guarded; watched himself

תְּהִלִּים: مزامیر — Psalms

תּוֹלְדוֹת: تاریخ، رخداد — history; happenings n.pl.

תּוֹלְדוֹת: تاریخِ... — history of

תְּשׁוּבָה: توبه — repentance

הַבַּיִת הָרִאשׁוֹן: معبد اول — The First Temple / The First commonwealth

דְּבָרִים הַיּוֹצְאִים מִן הַלֵּב נִכְנָסִים אֶל הַלֵּב (מִסְפְּרוּת יה"ב)

کلماتی که از دل برمی‌آید، بر دل می‌نشیند

دستور زبان درس ٤٨

۱- فعل های سالم در بینیان « נִפְעַל » در زمان آینده به صورت زیر صرف می شوند:

לְהִגָּמֵר

עתיד:

אני ← אֶגָּמֵר	
אתה ← תִּגָּמֵר	את ← תִּגָּמְרִי
הוא ← יִגָּמֵר	היא ← תִּגָּמֵר
אנחנו ← נִגָּמֵר	
אתם ← תִּגָּמְרוּ	אתן ← תִּגָּמַרְנָה
הם ← יִגָּמְרוּ	הן ← תִּגָּמַרְנָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

نکته: داگش در زیر حرف اول به جای حرف «נ» بینیان « נִפְעַל » آمده است.

۲- فعل هایی که اولین حرف اصلی آنها، یکی از حروف حلقی باشد در بینیان « נִפְעַל » به صورت زیر صرف می‌شوند:

לְהֵהָרֵג

אני ← אֶהָרֵג	אנחנו ← נֵהָרֵג
אתה ← תֵּהָרֵג את ← תֵּהָרְגִי	אתם ← תֵּהָרְגוּ אתן ← תֵּהָרַגְנָה
הוא ← יֵהָרֵג היא ← תֵּהָרֵג	הם ← יֵהָרְגוּ הן ← תֵּהָרַגְנָה

نکته: پیشوند اینگونه از فعل های آینده به جای نیکود خیقیک، نیکود صقه دریافت می کند.

۳- فعل هایی که سومین حرف اصلی آنها «ע» و یا «ח» باشد در زمان آینده بینیان « נִפְעַל » به صورت زیر صرف می‌شوند:

לְהִשָּׁלַח

אני ← אֶשָּׁלַח	אנחנו ← נִשָּׁלַח
אתה ← תִּשָּׁלַח את ← תִּשָּׁלְחִי	אתם ← תִּשָּׁלְחוּ אתן ← תִּשָּׁלַחְנָה
הוא ← יִשָּׁלַח היא ← תִּשָּׁלַח	הם ← יִשָּׁלְחוּ הן ← תִּשָּׁלַחְנָה

۴- فعل هایی که سومین حرف اصلی آنها «א» باشد در زمان آینده بینیان « נִפְעַל » مثل فعل سالم (به جز دوم شخص و سوم شخص جمع مونث)به صورت زیر صرف می‌شوند:

לְהִמָּצֵא

אני ← אֶמָּצֵא	אנחנו ← נִמָּצֵא
אתה ← תִּמָּצֵא את ← תִּמָּצְאִי	אתם ← תִּמָּצְאוּ אתן ← תִּמָּצֶאנָה
הוא ← יִמָּצֵא היא ← תִּמָּצֵא	הם ← יִמָּצְאוּ הן ← תִּמָּצֶאנָה

۵- فعل امر از بینیان « נִפְעַל » از فعل آینده به این صورت ساخته می شود که پیشوند «ת» حذف می شود و به جای آن پیشوند «ה» جایگزین می گردد؛ مثال:

עתיד:	אתה ← תֵּהָמֵר	את ← תֵּהָמְרִי	אתם ← תֵּהָמְרוּ	אתן ← תֵּהָמַרְנָה
צווי:	הֵהָמֵר	הֵהָמְרִי	הֵהָמְרוּ	הֵהָמַרְנָה
עתיד:	אתה ← תֵּהָרֵג	את ← תֵּהָרְגִי	אתם ← תֵּהָרְגוּ	אתן ← תֵּהָרַגְנָה
צווי:	הֵהָרֵג	הֵהָרְגִי	הֵהָרְגוּ	הֵהָרַגְנָה
עתיד:	אתה ← תִּשָּׁלַח	את ← תִּשָּׁלְחִי	אתם ← תִּשָּׁלְחוּ	אתן ← תִּשָּׁלַחְנָה
צווי:	הִשָּׁלַח	הִשָּׁלְחִי	הִשָּׁלְחוּ	הִשָּׁלַחְנָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

עתיד:	אתה ← תִּמְצָא	את ← תִּמְצְאִי	אתם ← תִּמְצְאוּ	אתן ← תִּמְצָאנָה
צווי:	הִמָּצֵא	הִמָּצְאִי	הִמָּצְאוּ	הִמָּצֶאנָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הַתַּנַ"ךְ

(ב)

ב. הַנְּבִיאִים:

אַרְבָּעָה הַסְּפָרִים הָרִאשׁוֹנִים שֶׁל הַחֵלֶק הַזֶּה הֵם סִפְרֵי הִיסְטוֹרְיָה. בַּסְּפָרִים הָאֵלֶּה נִכְתְּבוּ תּוֹלְדוֹת עַם יִשְׂרָאֵל מִן הַכִּבּוּשׁ שֶׁל אֶרֶץ כְּנַעַן עַד הַחָרְבָּן שֶׁל הַבַּיִת הָרִאשׁוֹן. מִתּוֹךְ הַסִּפּוּרִים הָאֵלֶּה אֲנַחְנוּ מְקַבְּלִים תְּמוּנָה שְׁלֵמָה עַל הַמַּצָּב הַדָּתִי וְהַחֶבְרָתִי, וְעַל הַבְּעָיוֹת הָרַבּוֹת שֶׁעָמְדוּ בִּפְנֵי עַם יִשְׂרָאֵל בַּיָּמִים הָהֵם. אֲנַחְנוּ גַּם לוֹמְדִים עַל הַמִּלְחָמוֹת הַקָּשׁוֹת שֶׁבִּנֵי יִשְׂרָאֵל הָיוּ צְרִיכִים לְהִלָּחֵם עִם שׁוֹנְאֵיהֶם, וְשֶׁלֹּא בְּכָל פַּעַם נִגְמְרוּ הַמִּלְחָמוֹת הָאֵלֶּה בְּנִצָּחוֹן לַצָּבָא שֶׁל עַם יִשְׂרָאֵל.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

בִּשְׁאָר הַסְּפָרִים נִמְצָאוֹת הַנְּבוּאוֹת שֶׁל הַנְּבִיאִים. בַּנְּבוּאוֹת הָאֵלֶּה דִּבְּרוּ הַנְּבִיאִים עַל אֱמֶת וָצֶדֶק, עַל יֹשֶׁר וְרַחֲמִים. הַנְּבִיאִים דָּרְשׁוּ מִן הָעָם לַעֲשׂוֹת מַעֲשִׂים טוֹבִים וּלְהִשָּׁמֵר מִשֶּׁקֶר וּמִכָּל מַעֲשֶׂה רַע. אֶחָד מִן הַמּוּשָׂגִים הַחֲשׁוּבִים הַנִּמְצָאִים בְּסִפְרֵי הַנְּבִיאִים הוּא הַמּוּשָׂג שֶׁל תְּשׁוּבָה. כָּל חוֹטֵא יָכוֹל לְתַקֵּן אֶת מַעֲשָׂיו בִּתְשׁוּבָה, וְכָל הַחֲטָאִים שֶׁעָשָׂה בֶּעָבָר יִסָּלְחוּ לוֹ.

הַנְּבִיאִים דִּבְּרוּ הַרְבֵּה עַל הַגְּאוּלָה. לְפִי דִּבְרֵי הַנְּבִיאִים יָבוֹא יוֹם וְעַם יִשְׂרָאֵל יָשׁוּב לְאֶרֶץ יִשְׂרָאֵל, וְיִגָּאֵל מִכָּל צָרוֹתָיו. בַּזְּמַן הַהוּא יִחְיוּ כָּל הָעַמִּים בְּשָׁלוֹם זֶה עִם זֶה, וְלֹא יִלְמְדוּ עוֹד מִלְחָמָה. אִישׁ לֹא יֵהָרֵג וְדָם לֹא יִשָּׁפֵךְ בְּמִלְחָמוֹת.

הַלָּשׁוֹן שֶׁבָּהּ נֶאֶמְרוּ דִּבְרֵי הַנְּבִיאִים עֲשִׁירָה בְּצִיּוּרִים וּבְמָשָׁלִים רַבִּים.

ג. כְּתוּבִים:

בַּחֵלֶק הַזֶּה נִמְצָאִים סְפָרִים עַל נוֹשְׂאִים רַבִּים. יֵשׁ בּוֹ סְפָרִים עַל נוֹשְׂאִים דָּתִיִּים, עַל נוֹשְׂאִים הִיסְטוֹרִיִּים וְעַל נוֹשְׂאִים חֻבְרָתִיִּים.

אֶחָד מִן הַסְּפָרִים הַיְדוּעִים מְאֹד הוּא סֵפֶר תְּהִלִּים. הַרְבֵּה מִן הַתְּפִלּוֹת, גַּם שֶׁל הַיְהוּדִים וְגַם שֶׁל הַנּוֹצְרִים, נִלְקְחוּ מִסֵּפֶר תְּהִלִּים. כִּמְעַט אֵין בַּיִת שֶׁסֵּפֶר תְּהִלִּים לֹא יִמָּצֵא בּוֹ.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۴۸

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מַה נִּמְצָא בַּסְּפָרִים הָרִאשׁוֹנִים שֶׁל הַנְּבִיאִים? در کتاب اول پیامبران چه چیزی یافت می شود؟

۲. מַה דָּרְשׁוּ הַנְּבִיאִים מִן הָעָם? پیامبران از امت چه مطالبه کردند؟

۳. מַה קּוֹרֶה לְחוֹטֵא כַּאֲשֶׁר הוּא עוֹשֶׂה תְּשׁוּבָה? چه اتفاقی برای خطا کار می افتد زمانی که توبه می کند؟

۴. מַה יִּהְיֶה הַמַּצָּב בָּעוֹלָם בִּזְמַן הַגְּאוּלָה? از کدام کتاب دعا ها و نمازهای یهودیان و مسیحیان گرفته شده؟

۵. מַאיזֶה סֵפֶר נִלְקְחוּ תְּפִלּוֹת רַבּוֹת שֶׁל הַיְּהוּדִים וְשֶׁל הַנּוֹצְרִים? از کدام کتاب بسیاری از دعا های (نمازها) یهودیان و مسیحیان گرفته شده؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید

۱. ما در کلاس در مورد موضوع عدالت و انصاف در جامعه صحبت کردیم. ۲. تنخ اساس بسیاری از ادیان است. ۳. همه مشکلات من برای تو (مذکر) معلوم نیست. ۴. ما تصوری نداریم که پسرمان در کجا واقع شده است (پیدا شده است). ۵. من (مذکر) گناهکارم ولی امیدوارم دعایم مستجاب شود. ۶. انسان با توبه از گناهان خود رهایی می‌یابد. ۷. پیامبران در پیشگویی‌های خود در مورد تخریب معبد صحبت کردند. ۸. اگر تو مراقب خودت نباشی، او (مذکر) تمام پول تو را خواهد گرفت. ۹. یک مرد دیندار هر روز منتظر رستگاری است. ۱۰. کارگر خواستار حقوق بیشتر شد. ۱۱. درس در چهل و پنج دقیقه تمام خواهد شد. ۱۲. کتاب مقدس برای مسیحیان نیز کتاب مقدسی است. ۱۳. من (مونث) دوست دارم کتاب‌هایی در مورد مشکلات اجتماعی بخوانم. ۱۴. دو داستان اول این کتاب آسان است، اما بقیه دشوار است. ۱۵. من همه جواب‌ها را می‌دانستم به جز دو مورد. ۱۶. اگر در دل تو ترحم باشد، به فقرا کمک خواهی کرد.

ج- שַׁנּוּ מַעֲבָר לְעָתִיד: فعل ها را از زمان گذشته به آینده تغییر دهید.

۱. הַסֵּפוּר נִכְתַּב	۵. הַדְּלָתוֹת נִסְגְּרוּ	۹. הַחַיָּלִים נִלְחֲמוּ
۲. אֲנִי נִכְנַסְתִּי	۶. אַתֶּם נִלְקַחְתֶּם	۱۰. אֲנָשִׁים נָהֶרְגוּ
۳. אֲנַחְנוּ נִשְׁלַחְנוּ	۷. הָעָם נִגְאַל	۱۱. נִכְנַסְתְּ לַחֶדֶר
۴. הַסְּפָרִים נִשְׁמְרוּ	۸. אַתָּה נִמְצָאתָ	۱۲. הַשָּׁנָה נִגְמְרָה

د- שַׁנּוּ מֵעָתִיד לְצִוּוּי: فعل ها را از زمان آینده به امر تغییر دهید.

۱. אַתָּה תִּלָּחֵם	۴. אַתֶּן תִּמָּצֶאנָה	۷.אַתְּ תִּבָּדְקִי
۲. אַתְּ תִּשָּׁמְרִי	۵. אַתָּה תִּשָּׁמַע	۸. אַתָּה תִּסָּגֵר
۳. אַתֶּם תִּכָּנְסוּ	۶. אַתֶּם תִּקָּרְאוּ	۹.אַתָּה תִּהָרֵג

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שִׁעוּר מט
لغات درس ۴۹

אוֹי וַאֲבוֹי: وا حسرتا، افسوس — woe; alas

הַזְמָנָה (הַזְמָנוֹת): دعوت؛ (جمع: دعوت‌ها) — invitation

חֲתוּנָה (חֲתוּנוֹת): عروسی؛ (عروسی‌ها) — wedding

טֵלֵפוֹן: تلفن — telephone

טִלְפֵּן (לְטַלְפֵּן): تلفن کرد؛ (مصدر: تلفن کردن) — telephoned; called (on the phone)

יָדַע, לָדַעַת (יָדוֹעַ): شناخت، دانست؛ مصدر: شناخته شدن، دانسته شدن)؛ شناخته شد، دانسته شد(مشهور شد) — became known; obtained information

יָלַד, לָלֶדֶת (יָלוּד): به دنیا آورد؛ مصدر: متولد شدن)؛ متولد شد — was born

מַזְכִּיר (מַזְכִּירִים): منشی مذکر؛ (جمع: منشی‌های مذکر) — secretary

מַזְכִּירָה (מַזְכִּירוֹת): منشی مونث؛ (جمع: منشی‌های مونث) — secretary

מְנַהֵל (מְנַהֲלִים): مدیر؛ (جمع: مدیرها) — manager; principal

סִדֵּר (לְסַדֵּר): مرتب کرد؛ (مصدر: مرتب کردن) — arranged

עִנְיָן (עִנְיָנִים): موضوع، مسئله؛ (جمع: موضوعات، مسائل) — matter; subject

פְּגִישָׁה (פְּגִישׁוֹת): ملاقات؛ (جمع: ملاقات‌ها) — meeting

פִּסֵּק (לְהַפְסִיק) נִפְסַק: (قطع کرد؛ مصدر: قطع شدن)؛ قطع شد — was interrupted; was cut off; was stopped

פָּקִיד (פְּקִידִים): کارمند؛ (جمع: کارمندها) — clerk; official

פְּרָט (פְּרָטִים): جزئی، خاص؛ (جمع: خصوصیات، جزئیات) — detail; particular

פְּרָטִי, פְּרָטִית: خصوصی؛ خصوصی (مونث) — private

צִלְצֵל (לְצַלְצֵל): زنگ زد؛ (جمع: زنگ زدن) — rang

קַו (קַוִּים): خط(خط تلفن)؛ (جمع: خطوط) — line

קֶשֶׁר (קְשָׁרִים): مرتبط؛ (جمع: ارتباطات) — tie; connection; knot

בְּקֶשֶׁר לְ...: در ارتباط با... — in connection with...

תַּאֲרִיךְ (תַּאֲרִיכִים): تاریخ؛ (جمع: تاریخ‌ها) — date

תָּפוּס, תְּפוּסָה: مشغول؛ مشغول (مونث) — occupied; busy

כְּיַד הַמֶּלֶךְ: پادشاهانه، شاهوارانه، سلطنتی — (for telephone), part royally; lavishly

מִי וָמִי?: هرکسی — who is who?

מִישֶׁהוּ, מִישֶׁהִי: هرکس، کسی؛ هرکس، کسی (مونث) — somebody; someone

הַדֶּרֶךְ הַיְשָׁרָה הִיא הַקְּצָרָה (מִסִּפְרוּת יִת"ב)

راه مستقیم، کوتاه است

دستور زبان درس ۴۹

۱- صرف افعالی که اولین حرف اصلی آنها «י» است در بینیان «נִפְעַל» به صورت زیر است:

לְהִוָּלֵד

הווה:

אני, אתה, הוא ← נוֹלָד — אנחנו, אתם, הם ← נוֹלָדִים

אני, את, היא ← נוֹלֶדֶת — אנחנו, אתן, הן ← נוֹלָדוֹת

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

עבר:

אני ← נוֹלַדְתִּי	אנחנו ← נוֹלַדְנוּ
אתה ← נוֹלַדְתָּ את ← נוֹלַדְתְּ	אתם ← נוֹלַדְתֶּם אתן ← נוֹלַדְתֶּן
הוא ← נוֹלַד היא ← נוֹלְדָה	הם, הן ← נוֹלְדוּ

עתיד:

אני ← אִוָּלֵד	אנחנו נִוָּלֵד
אתה ← תִּוָּלֵד את ← תִּוָּלְדִי	אתם ← תִּוָּלְדוּ אתן ← תִּוָּלַדְנָה
הוא ← יִוָּלֵד היא ← תִּוָּלֵד	הם ← יִוָּלְדוּ הן ← תִּוָּלַדְנָה

צווי:

הִוָּלֵד הִוָּלְדִי הִוָּלְדוּ הִוָּלַדְנָה

نکته: حرف «י» به حرف «ו» تبدیل می شود در زمان حال و گذشته حرف «ו» مصوت است، اما در مصدر، آینده و فعل امر صامت است.

۲- صرف فعل «ידע» در بینیان « נִפְעַל ».

לְהִוָּדַע

הוה:

אני, אתה, הוא ← נוֹדָע	אנחנו, אתם, הם ← נוֹדָעִים
אני, את, היא ← נוֹדַעַת	אנחנו, אתן, הן ← נוֹדָעוֹת

עבר:

אני ← נוֹדַעְתִּי	אנחנו ← נוֹדַעְנוּ
אתה ← נוֹדַעְתָּ את ← נוֹדַעַתְּ	אתם ← נוֹדַעְתֶּם אתן ← נוֹדַעְתֶּן
הוא ← נוֹדַע היא ← נוֹדְעָה	הם ← נוֹדְעוּ הן ← נוֹדְעוּ

עתיד:

אני ← אִוָּדַע	אנחנו ← נִוָּדַע
אתה ← תִּוָּדַע את ← תִּוָּדְעִי	אתם ← תִּוָּדְעוּ אתן ← תִּוָּדַעְנָה
הוא ← יִוָּדַע היא ← תִּוָּדַע	הם ← יִוָּדְעוּ הן ← תִּוָּדַעְנָה

צווי:

הִוָּדַע הִוָּדְעִי הִוָּדְעוּ הִוָּדַעְנָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۳- کلمه‌ی.« מַאֲשָׂר » زمانی استفاده می شود دومین جزء مقایسه، فعل باشد؛ مثال:
יוֹתֵר קַל לָשֶׁבֶת מַאֲשָׂר לַעֲמֹד.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

מַדּוּעַ הָיָה הַקָּו תָּפוּס?

אִישׁ: בֹּקֶר טוֹב, גְּבֶרֶת.

מַזְכִּירָה: בֹּקֶר טוֹב, אֲדוֹנִי, מַה רְצוֹנְךָ?

א: בָּאתִי לִרְאוֹת אֶת הַמְנַהֵל.

מ: הַמְנַהֵל לֹא נִמְצָא בַּמִּשְׂרָד עַכְשָׁו. אוּלַי תְּדַבֵּר עִם פָּקִיד אַחֵר.

א: לֹא, אֲנִי רוֹצֶה לְדַבֵּר עִם הַמְנַהֵל עַצְמוֹ.

מ: בְּקֶשֶׁר לְאֵיזֶה עִנְיָן בָּאתָ? אֲנִי הַמַּזְכִּירָה הַפְּרָטִית שֶׁלּוֹ, וְאוּלַי אוּכַל לַעֲזוֹר לְךָ.

א: לֹא, תּוֹרָה רַבָּה. זֶה עִנְיָן פְּרָטִי, וַאֲנִי רוֹצֶה לְדַבֵּר רַק עִם הַמְנַהֵל. הַאִם יֵשׁ לְךָ מוּשָׂג בְּאֵיזוֹ שָׁעָה יָבוֹא הַמְנַהֵל לַמִּשְׂרָד?

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

מ: הַמְנַהֵל לֹא יָבוֹא הַיּוֹם לַמִּשְׂרָד. אִם אַתָּה רוֹצֶה, אֲנִי יְכוֹלָה לְסַדֵּר לְךָ פְּגִישָׁה אִתּוֹ לְמָחָר בַּבֹּקֶר.

א: מָה? הוּא לֹא יָבוֹא הַיּוֹם לַמִּשְׂרָד? נָסַעְתִּי בְּאוֹטוֹבּוּס יוֹתֵר מִשָּׁעָה כְּדֵי לִרְאוֹת אוֹתוֹ, וְעַכְשָׁו אַתְּ אוֹמֶרֶת שֶׁהוּא לֹא יָבוֹא הַיּוֹם.

מ: אַל תִּכְעַס, אֲרוֹנִי. מַדּוּעַ לֹא טִלְפַנְתָּ לִפְנֵי שֶׁיָּצָאתָ מֵהַבַּיִת כְּדֵי לְהִוָּדַע אִם הַמְנַהֵל נִמְצָא בַּמִּשְׂרָד וּלְבָרֵר מָתַי יוּכַל לְקַבֵּל אוֹתְךָ?

א: אַתְּ שׁוֹאֶלֶת מַדּוּעַ לֹא טִלְפַנְתִּי? אֲנִי לֹא רוֹצֶה לָרִיב אִתָּךְ, אֲבָל צִלְצַלְתִּי כָּל הַבֹּקֶר, וְכָל הַזְּמַן הַקַּו הָיָה תָּפוּס. כְּבָר חָשַׁבְתִּי שֶׁהַטֶּלֶפוֹן שֶׁלָּכֶם לֹא פּוֹעֵל. סוֹף סוֹף מִישֶׁהִי עָנְתָה וְאָמְרָה: "בְּבַקָּשָׁה, חַכֵּה רֶגַע". חִכִּיתִי יוֹתֵר מֵרֶבַע שָׁעָה, וְאָז הַקֶּשֶׁר נִפְסַק. יוֹתֵר קַל לָבוֹא לַמִּשְׂרָד שֶׁלָּכֶם בְּאוֹטוֹבּוּס מֵאֲשֶׁר לְקַבֵּל קֶשֶׁר בַּטֶּלֶפוֹן.

מ: אַל תִּכְעַס, אֲרוֹנִי. הַמְנַהֵל לֹא נִמְצָא הַיּוֹם בַּמִּשְׂרָד כִּי אֶתְמוֹל הָיְתָה הַחֲתוּנָה שֶׁל בִּתּוֹ הַצְּעִירָה.

א: מָה? אֶתְמוֹל? אוֹי וַאֲבוֹי! גַּם אֲנִי קִבַּלְתִּי הַזְמָנָה לַחֲתוּנָה. אֲנִי רוֹאָה שֶׁטָּעִיתִי בַּתַּאֲרִיךְ. חָשַׁבְתִּי שֶׁהַחֲתוּנָה תִּהְיֶה בַּחֹדֶשׁ הַבָּא. הַמְנַהֵל וַאֲנִי יְדִידִים כְּבָר הַרְבֵּה שָׁנִים, עוֹד לִפְנֵי שֶׁהַבַּת נוֹלְדָה. חֲבָל! חֲבָל!

מ: בֶּאֱמֶת חֲבָל שֶׁלֹּא הָיִיתָ בַּחֲתוּנָה. כָּל "מִי וָמִי" שֶׁבַּחֶבְרָה הַגְּבוֹהָה הָיוּ שָׁם. נָתְנוּ אֹכֶל וְיַיִן כְּיַד הַמֶּלֶךְ. אָכְלוּ, שָׁתוּ וְרָקְדוּ שָׁם עַד מְאֻחָר בַּלַּיְלָה.

א: טוֹב, טוֹב, אֲבָל מַדּוּעַ הָיָה הַטֶּלֶפוֹן תָּפוּס כָּל הַבֹּקֶר?

מ: אַתָּה רוֹצֶה לָדַעַת אֶת הָאֱמֶת? טִלְפַנְתִּי הַבֹּקֶר לְכָל הַחֲבֵרוֹת שֶׁלִּי. סִפַּרְתִּי לָהֶן אֶת כָּל הַפְּרָטִים, הַקְּטַנִּים וְהַגְּדוֹלִים, עַל הַחֲתוּנָה.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۴۹

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מַדּוּעַ לֹא רָצָה הָאִישׁ לְדַבֵּר עִם פָּקִיד אַחֵר ? چرا آن مرد نمیخواست با یکی از کارمندان صحبت کند؟

۲. מַה קָּרָה כַּאֲשֶׁר טִלְפֵּן לַמִּשְׂרָד ? زمانی با دفتر تماس گرفته شد چه اتفاقی افتاد؟

۳. מַדּוּעַ לֹא בָּא הַמְנַהֵל לַמִּשְׂרָד ? چرا مدیر به دفتر کار نیامد؟

۴. מַדּוּעַ לֹא בָּא הָאִישׁ לַחֲתוּנָה ? چرا آن مرد به عروسی نرسید؟

۵. מַדּוּעַ הָיָה הַקַּו תָּפוּס כָּל הַבֹּקֶר ? چرا خط تلفن تمام طول صبح مشغول بود؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید:

۱. من به عروسی تو (مونث) خواهم آمد حتی اگر برای من دعوت نامه نفرستی. ۲. من پنج سال بعد از خواهرم به دنیا آمدم. ۳. من فهمیدم (=برای من معلوم شد) که مدیر می‌خواهد با کارگران و کارمندان جلسه‌ای ترتیب دهد. ۴. منشی از مدیر مدرسه تقاضای حقوق بیشتر کرد. ۵. او (مونث) نمی‌تواند روی کاغذ بدون خط بنویسد. ۶. پیوند محکمی بین این دو کشور وجود دارد. ۷. من (مونث) می‌دانم که هیچ ارتباطی بین این دو موضوع وجود ندارد. ۸. آیا تو (مونث) دوست داری (= می‌خواهی) با من برقصی؟ ۹. امروز چه تاریخی است؟ ۱۰. یک نفر در بیرون هست که می‌خواهد تو (مذکر) را ببیند، می‌توانی اکنون او را بپذیری؟ ۱۱. در تمام طول سفر من روی پاهایم ایستادم زیرا تمام صندلی‌ها (مکان‌ها) در اتوبوس گرفته شده بود. ۱۲. او (مذکر) یک دفتر بزرگ با تعداد زیادی کارمند دارد. ۱۳. درس در میانه (تدرس) قطع شد. ۱۴. وای بر شما (مذکر) اگر حقیقت را به من نگویید. ۱۵. فراموش نکنی (مونث) امروز عصر با من تماس بگیری (=تلفن کنی). ۱۶. اگر تو (مذکر) با منشی او تماس بگیری، می‌توانید درباره تمام جزئیات اطلاعات کسب کنی.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שִׁעוּר נ

لغات درس ۵۰

אָסוֹן (אֲסוֹנוֹת): فاجعه؛ (جمع: فجایع) disaster

בָּחַן (לִבְחֹן): امتحان کرد، آزمایش کرد؛ (مصدر: امتحان کردن، آزمایش کردن) examined; tested

גֵּרֵשׁ (לְגָרֵשׁ): اخراج کرد، بیرون کرد؛ (مصدر: اخراج کردن، بیرون کردن) expelled; drove out

כְּאֵב (כְּאֵבִים): درد، رنج؛ (جمع: دردها، رنج‌ها)

כְּאֵב רֹאשׁ: سردرد headache ache; pain

כָּאַב (לִכְאֹב): درد کشید، رنج کشید؛ (مصدر: درد کشیدن، رنج کشیدن) ached; pained

(כבש, לְהִכָּבֵשׁ נִכְבַּשׁ): (تصرف کرد، فتح کرد؛ مصدر: تصرف شدن، فتح شدن)؛ تصرف شد، فتح شد was conquered

כָּחֹל, כְּחֻלָּה: آبی؛ آبی (مونث) blue

כַּת (כִּתּוֹת): فرقه(گروه مذهبی)؛ (جمع: فرقه‌ها) sect

מַחֲלָה (מַחֲלוֹת): بیماری، کسالت؛ (جمع: بیماری‌ها، کسالت‌ها) illness, sickness

מוּסְלְמִי (מוּסְלְמִים): مسلمان؛ (جمع: مسلمانان) moslem

מִצְרִי (מִצְרִים): مصری؛ (جمع: مصری‌ها) Egyptian

נָדַד (לִנְדֹּד): سرگردان شد، بی‌خانمان شد؛ (مصدر: سرگردان شدن، بی‌خانمان شدن) wandered

צָם (לָצוּם): روزه گرفت؛ (مصدر: روزه گرفتن) fasted

צָפוֹן: شمال North

צְפוֹן אַפְרִיקָה: شمال آفریقا North Africa

קַנָּאִי (קַנָּאִים): متعصب، فدایی؛ (جمع: متعصبان، فداییان) Zealot; fanatic

(ראה, לְהֵרָאוֹת נִרְאָה): (دید، ؛ مصدر: دیده شدن، ظاهر شد)؛ دیده شد، ظاهر شد، به نظر رسید was seen; seemed; appeared

כִּנִּרְאֶה: ظاهراً apparently; seemingly

רָזֶה, רָזָה: لاغر؛ لاغر (مونث) skinny; lean

רְפוּאָה: دارو، درمان medicine; cure

שׁוּלְטָן: سلطان sultan

תְּרוּפָה (תְּרוּפוֹת): دارو، درمان؛ (جمع: داروها، درمان‌ها) remedy; cure

פָּנֶיךָ רָעִים: خوب بنظر نمی‌آیی، اینطور به‌نظر می‌رسد حالت خوب نیست You (m.s.) don't look well

שְׁמוֹ הָלַךְ לְפָנָיו: مشهور شد he became famous

שֶׁקֶר אֵין לוֹ רַגְלַיִם (עַל פִּי הַתַּלְמוּד)

دروغ پا ندارد (بنیان و اساسی ندارد و حتما فرو می‌ریزد)

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

دستور زبان درس ۵۰

۱- صرف فعلی که اولین حرف اصلی آن «ה» است در بینیان « נִפְעַל » به صورت زیر است:

לְהִקָּנוֹת

הוה:

אני, אתה, הוא ← נִקָּנֶה	אנחנו, אתם, הם ← נִקָּנִים
אני, את, היא ← נִקָּנָית	אנחנו, אתן, הן ← נִקָּנוֹת

עבר:

אני ← נִקְנֵיתִי		אנחנו ← נִקְנֵינוּ	
אתה ← נִקְנֵיתָ	את ← נִקְנֵית	אתם ← נִקְנֵיתֶם	אתן ← נִקְנֵיתֶן
הוא ← נִקְנָה	היא ← נִקְנְתָה	הם, הן ← נִקְנוּ	

نکته: در زمان گذشته سومین حرف اصلی یعنی «ה» به «י» تبدیل می شود و دومین حرف اصلی نیکود صقه می‌گیرد.

עתיד:

אני ← אֶקָּנֶה		אנחנו ← נִקָּנֶה	
אתה ← תִּקָּנֶה	את ← תִּקָּנִי	אתם ← תִּקָּנוּ	אתן תִּקָּנֶינָה
הוא ← יִקָּנֶה	היא ← תִּקָּנֶה	הם ← יִקָּנוּ	הן ← תִּקָּנֶינָה

צווי:

הִקָּנֵה	הִקָּנִי	הִקָּנוּ	הִקָּנֶינָה

۲- فعل « ראה » در بینیان « נִפְעַל » مانند فعل هایی که حرف آخر آنها « ה » است صرف می شود با این تفاوت حرف پیشوند در مصدر، زمان آینده و فعل امر نیکود صقه دریافت می‌کند نه خیقیک

לְהֵרָאוֹת

הוה:

אני, אתה, הוא ← נִרְאֶה	אנחנו, אתם, הם ← נִרְאִים
אני, את, היא ← נִרְאֵית	אנחנו, אתן, הן ← נִרְאוֹת

עבר:

אני ← נִרְאֵיתִי		אנחנו ← נִרְאֵינוּ	
אתה ← נִרְאֵיתָ	את ← נִרְאֵית	אתם ← נִרְאֵיתֶם	אתן ← נִרְאֵיתֶן
הוא ← נִרְאָה	היא ← נִרְאֲתָה	הם, הן ← נִרְאוּ	

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

עתיד:

אני ← אֶרְאֶה	אנחנו ← נֵרְאֶה
אתה ← תֵּרְאֶה את ← תֵּרְאִי	אתם ← תֵּרְאוּ אתן ← תֵּרְאֶינָה
הוא ← יֵרְאֶה היא ← תֵּרְאֶה	הם ← יֵרְאוּ הן ← תֵּרְאֶינָה

צווי:

הֵרָאֵה הֵרָאִי הֵרָאוּ הֵרָאֶינָה

۳- قید «בְּלִי» اگر فعلی را نفی کند آن فعل از حیث دستوری به صورت مصدر بکار می‌رود؛ مثال:

הוּא עָמַד שָׁם בְּלִי לוֹמַר מִלָּה.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הַחָכְמָה שֶׁל הָרַמְבַּ״ם

הָרַמְבַּ״ם (רַבִּי מֹשֶׁה בֶּן מַיְמוֹן) נוֹלַד בָּעִיר קוֹרְדוֹבָה בְּאֶרֶץ סְפָרַד, בִּשְׁנַת אֶלֶף מֵאָה שְׁלֹשִׁים וְחָמֵשׁ (1135). בַּאֲשֶׁר הָרַמְבַּ״ם הָיָה בְּעֶרֶךְ בֶּן שְׁלֹשׁ עֶשְׂרֵה נִכְבְּשָׁה קוֹרְדוֹבָה עַל יְדֵי בַּת מוּסְלְמִים קַנָּאִים.

הַקַּנָּאִים הָאֵלֶּה שָׁלְטוּ בָּאָרֶץ שָׁנִים רַבּוֹת בְּכֹחַ הַצָּבָא שֶׁלָּהֶם. הֵם יָצְאוּ בְּמִלְחָמָה נֶגֶד דָּתוֹת אֲחֵרוֹת, וְהֵם גֵּרְשׁוּ מִן הָאָרֶץ אֶת כָּל הַיְּהוּדִים שֶׁלֹּא רָצוּ לְקַבֵּל עֲלֵיהֶם אֶת הַדָּת הַמּוּסְלְמִית. מִשְׁפַּחַת הָרַמְבַּ״ם עָזְבָה אֶת סְפָרַד וְעָבְרָה לִצְפוֹן אַפְרִיקָה לָגוּר שָׁמָּה. אֲבָל גַּם שָׁם לֹא מָצְאָה מְנוּחָה.

שָׁנִים רַבּוֹת נָדְדָה מִשְׁפַּחַת הָרַמְבַּ״ם מֵאֶרֶץ לְאֶרֶץ. לִפְעָמִים נִפְסַק הַקֶּשֶׁר בֵּין בְּנֵי הַמִּשְׁפָּחָה, אֲבָל בַּסּוֹף בָּאָה כָּל הַמִּשְׁפָּחָה לְמִצְרַיִם. בְּמֶשֶׁךְ הַשָּׁנִים הָרַמְבַּ״ם גָּדַל בְּתוֹרָה, בְּחָכְמָה וּשְׁמוֹ הָלַךְ לְפָנָיו. שְׁאֵלוֹת עַל כָּל מִינֵי נוֹשְׂאִים וְעִנְיָנִים נִשְׁלְחוּ אֵלָיו מִקָּרוֹב וּמֵרָחוֹק.

הָאָח הַצָּעִיר שֶׁל הָרַמְבַּ״ם, שֶׁהָיָה סוֹחֵר בַּאֲבָנִים יְקָרוֹת, פָּרַנְס אֶת הַמִּשְׁפָּחָה בְּכָבוֹד, וְאִפְשֵׁר לָרַמְבַּ״ם לָשֶׁבֶת בְּמְנוּחָה וְלִלְמֹד.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

יום אֶחָד קָרָה אָסוֹן נוֹרָא. הָאָח נָסַע לִמְכֹּר אֲבָנִים יְקָרוֹת וְתַכְשִׁיטִים וְהוּא טָבַע בַּיָּם יַחַד עִם כָּל הָעֹשֶׁר שֶׁהָיָה לוֹ. אָז פָּנָה הָרַמְבַּ"ם לִרְפוּאָה וְהָיָה לְרוֹפֵא. בְּמֶשֶׁךְ זְמַן קָצָר נוֹדַע שְׁמוֹ בְּכָל הָאָרֶץ. כַּאֲשֶׁר הַשׁוּלְטָן שָׁמַע עָלָיו, הוּא בָּחַר בּוֹ לִהְיוֹת הָרוֹפֵא הַפְּרָטִי שֶׁלּוֹ.

סְפוּרִים רַבִּים נִכְתְּבוּ עַל חָכְמָתוֹ בִּרְפוּאָה. אָמְרוּ עָלָיו שֶׁהוּא יָכוֹל לָדַעַת אֶת הַמַּחֲלָה שֶׁל אָדָם לְפִי הַמַּרְאֶה שֶׁל פָּנָיו בְּלִי לִשְׁאֹל עַל פְּרָטִים. הוּא לֹא הָיָה צָרִיךְ לִנְגֹּעַ בַּחוֹלֶה אוֹ לִשְׁאֹל אוֹתוֹ מַה כּוֹאֵב לוֹ, וּבְגִלַּל מַה הוּא בָּא אֵלָיו. בָּרֶגַע שֶׁהָיָה רוֹאֶה אֶת פְּנֵי הַחוֹלֶה הוּא יָדַע בְּדִיּוּק מֵאֵיזוֹ מַחֲלָה הוּא סוֹבֵל, וְהָיָה נוֹתֵן לוֹ מִיָּד אֶת הַתְּרוּפָה הַנְּכוֹנָה לְמַחֲלָתוֹ.

אִישׁ אֶחָד שָׁמַע אֶת הַסִּפּוּרִים הַנִּפְלָאִים עַל הָרַמְבַּ"ם וְרָצָה לִבְדֹּק אִם יֵשׁ בָּהֶם אֱמֶת אוֹ יְסוֹדָם בְּשֶׁקֶר. מָה עָשָׂה? בְּמֶשֶׁךְ שְׁלֹשָׁה יָמִים הוּא לֹא רָחַץ אֶת פָּנָיו, לֹא אָכַל כְּלוּם וְלֹא שָׁתָה אֲפִלּוּ טִפַּת מַיִם. כָּל זֹאת עָשָׂה כְּדֵי לְהֵרָאוֹת כְּמוֹ אִישׁ חוֹלֶה מְאֹד.

בַּיּוֹם הָרְבִיעִי בָּא הָאִישׁ לִפְנֵי הָרַמְבַּ"ם. הוּא הָיָה רָזֶה, פָּנָיו הָיוּ רָעִים, שְׂפָתָיו הָיוּ כְּחֻלּוֹת וְהוּא נִרְאָה כְּמוֹ אִישׁ שֶׁהוֹלֵךְ לָמוּת.

כַּאֲשֶׁר הָרַמְבַּ"ם רָאָה אֶת הָאִישׁ, הוּא פָּנָה יָשָׁר אֵלָיו בְּלִי לִשְׁאֹל שְׁאֵלוֹת, וְאָמַר בְּקוֹל מָלֵא רַחֲמִים:

— לֹא אָכַלְתָּ, כַּנִּרְאֶה, זְמַן רַב. הִנֵּה כֶּסֶף, לֵךְ אֶל הַשּׁוּק וְקַנֵּה לְךָ לֶחֶם וּפֵרוֹת לֶאֱכֹל.

— תּוֹדָה רַבָּה! אֲנִי לֹא עָנִי, אָמַר הָאִישׁ, וְאֵין לִי צֹרֶךְ בְּכֶסֶף. אַתָּה צוֹדֵק. אֲנִי בָּרִיא וְשָׁלֵם וְאֵין לִי כָּל כְּאֵב. צַמְתִּי שְׁלֹשָׁה יָמִים וּשְׁלֹשָׁה לֵילוֹת, כִּי רָצִיתִי לִבְחֹן אֶת כֹּחַ בְּרִפוּאָה. עַכְשָׁו אֲנִי רוֹאֶה, שֶׁכָּל מָה שֶׁסִּפְּרוּ עָלֶיךָ לֹא סִפְּרוּ אֲפִילוּ הַחֵצִי שֶׁל הָאֱמֶת. אַתָּה לֹא רַק רוֹפֵא מְצֻיָּן אֶלָּא גַּם אִישׁ צַדִּיק. הֱיֵה בָּרוּךְ!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۵۰

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. בְּאֵיזוֹ אֶרֶץ וּבְאֵיזוֹ שָׁנָה נוֹלַד הָרַמְבַּ"ם? ابن میمون در کدام سرزمین و در کدام سال متولد شد؟

۲. מַדּוּעַ עָזְבָה מִשְׁפַּחַת הָרַמְבַּ"ם אֶת סְפָרַד? چرا خانواده ی ابن میمون اسپانیا را ترک کردند؟

۳. מַדּוּעַ לֹא הָיָה צָרִיךְ הָרַמְבַּ"ם לִשְׁאֹל אֶת הַחוֹלֶה מַה כּוֹאֵב לוֹ? چرا ابن میمون نیاز نداشت از درد بیمار بپرسد؟

۴. אֵיךְ רָצָה אִישׁ אֶחָד לִבְחֹן אֶת חָכְמַת הָרַמְבַּ"ם? آن مرد چگونه می خواست دانش ابن میمون را بیازماید؟

۵. אֵיךְ נוֹדַע לָאִישׁ שֶׁהָרַמְבַּ"ם הוּא אִישׁ צַדִּיק? برای آن مرد چگونه مشخص شد که ابن میمون مرد درستی است؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید:

۱. من وقتی بزرگ شدم (بزرگ خواهم شد) پزشکی خواهم خواند. ۲. تو (مونث) قیافه‌ات خوب نیست، چه دردی داری؟ سردرد داری؟ ۳. تو (مونث) در چه کشوری متولد شدی؟ ۴. پس از خروج یهودیان از مصر، آنها چهل سال در بیابان سرگردان بودند. ۵. برای یک فرد لاغر آسان نیست که ۲۴ ساعت روزه بگیرد. ۶. پزشکان هنوز درمانی برای این بیماری پیدا نکرده‌اند. ۷. آیا در دین اسلام فرقه‌های زیادی وجود دارد؟ ۸. ما از رادیو (در) شنیدیم که تمام شهرهای شمال توسط دشمن اشغال شده است. ۹. پسر دروغ گفت و به همین دلیل معلم او را از اتاق بیرون کرد. ۱۰. برای ما معلوم شد که برادرم به زودی از سربازی برمی‌گردد. ۱۱. متعصبان مانند شیر می‌جنگیدند و به همین دلیل دشمن نتوانست کوه را تصرف کند. ۱۲. کت برداشتن را فراموش نکن (مونث)، به نظر می‌رسد که عصر باران می‌بارد. ۱۳. سال گذشته خانه‌های جدید زیادی در اورشلیم ساخته شد. ۱۴. این معلم هر ماه یک بار از دانش آموزان امتحان می‌گیرد. ۱۵. این کتاب‌ها در چه تاریخی و توسط چه کسی خریداری شده است؟ ۱۶. تو (مذکر) اگر دست‌هایت را نشسته‌ای سر میز نیا.

ج- فعل های زیر را در سه زمان گذشته، حال و آینده صرف کنید:

לְהִבָּנוֹת - بنا کردن، ساختن　　לְהִכָּבוֹת - روشن کردن، آتش زدن

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור נא

لغات درس ۵۱

אָמָן (אָמָנִים): هنرمند؛ (جمع: هنرمندان) artist

אָסוּר, אֲסוּרָה: حرام، قدغن، ممنوع؛ حرام، قدغن، ممنوع (مونث) forbidden . Part .

אָסוּר לְ...: قدغن است برای... it is forbidden

אַף (אַפִּים): بینی؛ (جمع: بینی‌ها) nose

בָּטוּחַ, בְּטוּחָה: مطمئناً، یقیناً؛ مطمئناً، یقیناً (مونث) sure ; certain

בָּנוּי, בְּנוּיָה: سازه (اسم مفعول)؛ سازه (مونث) built-up

בַּעַל־חַיִּים (בַּעֲלֵי־חַיִּים): موجود زنده، حیوان؛ (جمع: موجودات زنده، حیوانات) animal ; living thing

בָּרוּר: واضح، آشکار clear , obvious

דְּבוֹרָה (דְּבוֹרִים): زنبور عسل؛ (جمع: زنبورهای عسل) bee

זכר, לְהַזְכִּיר) נִזְכַּר בְּ...: (به یاد آورد؛ مصدر: به یاد آورده شدن)؛ به یاد آورده شد reminded himself

כָּתוּב, כְּתוּבָה: نوشته (اسم مفعول)؛ نوشته (مونث) written

לִקְרַאת: به سمتِ، به جهتِ towards

מַלְכָּה (מְלָכוֹת): ملکه؛ (جمع: ملکه‌ها) queen

נִגַּשׁ (לָגֶשֶׁת) אֶל: نزدیک شد به؛ (مصدر: نزدیک شدن) approached ; come near

עָשׂוּי, עֲשׂוּיָה: ساخته شده، درست شده؛ ساخته شده، درست شده (مونث) made

צֶבַע (צְבָעִים): رنگ؛ (جمع: رنگ‌ها) color

שְׁבָא: سبا (اسم یک منطقه در دنیای کهن) sheba

תָּפַס (לִתְפֹּס): گرفت، درک کرد؛ (مصدر: گرفتن، درک کردن) seized ; caught ; comprehended

תַּן תַּן = תּוֹדָה: متشکرم thanks

צֶבַע חַי: رنگ‌های روشن vivid color

בָּרוּךְ הַבָּא, בְּרוּכָה הַבָּאָה: خوش آمدید؛ خوش آمدید (مونث) welcome ; blessed be who is coming

בָּרוּךְ הַנִּמְצָא, בְּרוּכָה הַנִּמְצֵאת: خوش آمدن ثابت شد؛ خوش آمدن ثابت شد (مونث) blessed be who is present here (A polite response to ברוך הבא)

לַשָּׁנָה הַבָּאָה בִּירוּשָׁלַיִם הַבְּנוּיָה: در سال آینده در بناهای اورشلیم (سازه‌های اسرائیل) next year in the built-up Jerusalem .

אֵין לְךָ אָדָם שֶׁאֵין לוֹ שָׁעָה, וְאֵין לְךָ דָּבָר שֶׁאֵין לוֹ מָקוֹם. (פִּרְקֵי אָבוֹת)

آدمی که زمان نداشته باشد وجود ندارد و چیزی که مکان نداشته باشد وجود ندارد.

(هرچیزی مکان دارد و هرچیزی زمان دارد)

دستور زبان درس ۵۱

۱- اسم مفعول در زبان عبری بر وزن פָּעוּל استعمال می شود؛ مثال:

סָגוּר כָּתוּב

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۲- اسم مفعول مانند صفت چهار صورت دارد؛ مثال:

סֵפֶר סָגוּר / מַחְבֶּרֶת סְגוּרָה / סְפָרִים סְגוּרִים / מַחְבָּרוֹת סְגוּרוֹת

אִישׁ חָשׁוּב / אִשָּׁה חֲשׁוּבָה / אֲנָשִׁים חֲשׁוּבִים / נָשִׁים חֲשׁוּבוֹת

חַלּוֹן פָּתוּחַ / דֶּלֶת פְּתוּחָה / חַלּוֹנוֹת פְּתוּחִים / דְּלָתוֹת פְּתוּחוֹת

סוֹפֵר יָדוּעַ / סוֹפֶרֶת יְדוּעָה / סוֹפְרִים יְדוּעִים / סוֹפְרוֹת יְדוּעוֹת

۳- اگر حرف سوم اصلی فعلی، حرف «ה» باشد و از آن فعل بخواهیم اسم مفعول بسازیم حرف «ה» تبدیل به «י» می‌شود؛ مثال:

(קנה)	קָנוּי	קְנוּיָה	קְנוּיִים	קְנוּיוֹת
(עשה)	עָשׂוּי	עֲשׂוּיָה	עֲשׂוּיִים	עֲשׂוּיוֹת

۴- طریقه ی استفاده از اسم مفعول؛ مثال:

א) به عنوان صفت:

סֵפֶר פָּתוּחַ הַסֵּפֶר הַפָּתוּחַ

ב) به عنوان خبر جمله؛ مثال:

הַסֵּפֶר סָגוּר הַסֵּפֶר הָיָה סָגוּר הַסֵּפֶר יִהְיֶה סָגוּר

نکته: معنای بینیان « נִפְעַל » بسیار نزدیک به اسم مفعول است با این تفاوت که در زمان استفاده از این بینیان می توان سبب یا فاعل را نیز در جمله ذکر کرد اما در زمان استعمال اسم مفعول نمی توان این کار را کرد؛ مثال:

הַחַלּוֹן פָּתוּחַ הַחַלּוֹן נִפְתַּח עַל יְדֵי הָוָה ־ה.

۵- کلمه « אָסוּר » را می توان با ضمایر متصل صرف کرد؛ مثال:

אָסוּר לִי לָצֵאת מֵהַבַּיִת כִּי אֲנִי חוֹלָה.

۶- کلمه « לִקְרֹאת » را نیز می توان با ضمایر متصل صرف کرد؛ مثال:

לִקְרֹאתִי	לִקְרֹאתְךָ	לִקְרֹאתָךְ	לִקְרֹאתוֹ	לִקְרֹאתָהּ
לִקְרֹאתֵנוּ	לִקְרֹאתְכֶם	לִקְרֹאתְכֶן	לִקְרֹאתָם	לִקְרֹאתָן

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۷- فعل « לָגָשׁת » در زمان حال و گذشته در بینیان « נִפְעַל » استعمال شده و در زمان آینده در بینیان « פָּעַל » لذا به صورت زیر صرف می شود:

הוה:

אני, אתה, הוא ← נִגָּשׁ	אנחנו, אתם, הם ← נִגָּשִׁים
אני, את, היא ← נִגָּשֶׁת	אנחנו, אתן, הן ← נִגָּשׁוֹת

עבר:

אני ← נִגַּשְׁתִּי		אנחנו ← נִגַּשְׁנוּ	
אתה ← נִגַּשְׁתָּ	את ← נִגַּשְׁתְּ	אתם ← נִגַּשְׁתֶּם	אתן ← נִגַּשְׁתֶּן
הוא ← נִגַּשׁ	היא ← נִגְּשָׁה	הם, הן ← נִגְּשׁוּ	

עתיד:

אני ← אֶגָּשׁ		אנחנו ← נִגַּשׁ	
אתה ← תִּגַּשׁ	את ← תִּגְּשִׁי	אתם ← תִּגְּשׁוּ	אתן ← תִּגַּשְׁנָה
הוא ← יִגַּשׁ	היא ← תִּגַּשׁ	הם ← יִגְּשׁוּ	הן ← תִּגַּשְׁנָה

צווי:

גַּשׁ (גָּשׁ)	גְּשִׁי	גְּשׁוּ	גַּשְׁנָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

שְׁלֹמֹה הַמֶּלֶךְ וְהַדְּבוֹרָה

בְּיוֹם קַיִץ אֶחָד יָשַׁב שְׁלֹמֹה הַמֶּלֶךְ בְּאַרְמוֹנוֹ עַל הַכִּסֵּא בַּפִּנָּה לְיַד הַקִּיר. הָיָה יוֹם חַם מְאֹד. הַחַלּוֹנוֹת הָיוּ פְּתוּחִים. דְּבוֹרָה קְטַנָּה וְרָזָה עָפָה דֶּרֶךְ הַחַלּוֹן הַפָּתוּחַ, וְנָגְעָה בְּאַף שֶׁל הַמֶּלֶךְ. הַמֶּלֶךְ תָּפַס אֶת הַדְּבוֹרָה וְרָצָה לַהֲרֹג אוֹתָהּ.

אָמְרָה הַדְּבוֹרָה לַמֶּלֶךְ:

— הַאִם אֵין לְךָ רַחֲמִים? אָמְנָם אֲנִי בַּעַל־חַיִּים קָטָן, אֲבָל בְּכָל זֹאת אָסוּר לְךָ לַהֲרֹג אֲפִילוּ בַּעַל־חַיִּים קָטָן כָּמוֹנִי!

— בְּאֵיזֶה סֵפֶר כָּתוּב חֹק כָּזֶה? שָׁאַל הַמֶּלֶךְ בְּחִיּוּךְ.

— אוּלַי זֶה לֹא כָּתוּב בְּסֵפֶר, אֲבָל זֶה בָּרוּר וְיָדוּעַ לְכָל אִישׁ חָכָם, עָנְתָה הַדְּבוֹרָה.

תְּשׁוּבַת הַדְּבוֹרָה מָצְאָה חֵן בְּעֵינֵי הַמֶּלֶךְ, וְהוּא נָתַן לָהּ לָשׁוּב אֶל הַגַּן.

— חַן חַן! אָמְרָה הַדְּבוֹרָה, וְעָפָה לָהּ.

יָמִים עָבְרוּ, שָׁנִים עָבְרוּ, וְהַמֶּלֶךְ שָׁכַח עַל הַדְּבוֹרָה הַקְּטַנָּה.

הַמַּלְכָּה שֶׁל אֶרֶץ שְׁבָא שָׁמְעָה עַל הַחָכְמָה שֶׁל שְׁלֹמֹה הַמֶּלֶךְ וְעַל הֵיפִי שֶׁל יְרוּשָׁלַיִם הַבְּנוּיָה. הִיא רָצְתָה לְבַקֵּר בִּירוּשָׁלַיִם וְלִבְחֹן אֶת חָכְמַת שְׁלֹמֹה הַמֶּלֶךְ. הִיא בָּחֲרָה פְּרָחִים אֲחָדִים שֶׁהָיוּ עֲשׂוּיִים בִּצְבָעִים חַיִּים עַל יְדֵי אָמָּן גָּדוֹל. בֵּינֵיהֶם הִיא שָׂמָה פֶּרַח אֶחָד חַי. כָּל

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הַפְּרָחִים נִרְאוּ שָׁוִים זֶה לָזֶה בְּכָל פְּרָט וּפְרָט. כָּל אֶחָד מֵהֶם נִרְאָה כְּמוֹ הַפֶּרַח הַחַי, וְאִי אֶפְשָׁר הָיָה לִרְאוֹת אֶת הַהֶבְדֵּל בֵּינֵיהֶם.

הַמַּלְכָּה בָּאָה לָאַרְמוֹן שֶׁל שְׁלֹמֹה. הִיא מָצְאָה אֶת הַמֶּלֶךְ יוֹשֵׁב עַל כִּסֵּא בָּחֹל עֲשׂוּי מֵעֵץ פָּשׁוּט, לְיַד חַלּוֹן סָגוּר. הַמֶּלֶךְ קָם מִן הַכִּסֵּא, הָלַךְ לִקְרַאת הַמַּלְכָּה וְאָמַר לָהּ:

— בְּרוּכָה הַבָּאָה, גְּבִרְתִּי!

— בָּרוּךְ הַנִּמְצָא! עָנְתָה הַמַּלְכָּה.

— אֲנִי מְקַוֶּה, אָמַר הַמֶּלֶךְ, שֶׁבְּקוּרֵךְ בָּאָרֶץ הַזֹּאת יִהְיֶה נָעִים מְאֹד.

— חַן חַן, אָמְרָה הַמַּלְכָּה. שָׁמַעְתִּי שֶׁאֵין בָּעוֹלָם אָדָם חָכָם כְּמוֹךָ, וְהִנֵּה בָּאתִי לִרְאוֹת אֶת חָכְמָתְךָ.

אָז נִגְּשָׁה הַמַּלְכָּה אֶל הַשֻּׁלְחָן שֶׁעָמַד בְּאֶמְצַע הַחֶדֶר. הִיא לָקְחָה אֶת הַפְּרָחִים שֶׁנָּשְׂאָה אִתָּהּ, וְסִדְּרָה אוֹתָם בְּשׁוּרָה יְשָׁרָה עַל הַשֻּׁלְחָן. הִיא הָיְתָה בְּטוּחָה שֶׁעַיִן פְּשׁוּטָה לֹא תּוּכַל לִרְאוֹת אֵיזֶה הוּא הַפֶּרַח הַחַי.

הַמַּלְכָּה פָּנְתָה אֶל שְׁלֹמֹה הַמֶּלֶךְ, וְאָמְרָה:

— בֵּין כָּל הַפְּרָחִים הָאֵלֶּה יֵשׁ רַק פֶּרַח חַי אֶחָד. הַאִם תּוּכַל לִמְצֹא אֵיזֶה הוּא הַפֶּרַח הַחַי בְּלִי לִנְגֹּעַ בַּפְּרָחִים אוֹ לָגֶשֶׁת קָרוֹב אֲלֵיהֶם?

בָּרַגַע הַזֶּה נִזְכַּר הַמֶּלֶךְ בַּדְּבוֹרָה. הוּא נִגַּשׁ לְאַט אֶל הַחַלּוֹן הַסָּגוּר וּפָתַח אוֹתוֹ. לֹא עָבְרָה דַקָּה וּדְבוֹרָה נִכְנְסָה לַחֶדֶר דֶּרֶךְ הַחַלּוֹן הַפָּתוּחַ. הִיא עָפָה בְּקַוִּ יָשָׁר אֶל הַשֻּׁלְחָן וְעָמְדָה עַל אֶחָד מִן הַפְּרָחִים. אָז פָּנָה הַמֶּלֶךְ אֶל הַמַּלְכָּה בְּחִיּוּךְ שֶׁל נִצָּחוֹן עַל שְׂפָתָיו, וְאָמַר:

— רְאִי, גְּבִרְתִּי, הַדְּבוֹרָה הַקְּטַנָּה הַזֹּאת נָתְנָה לָךְ אֶת הַתְּשׁוּבָה בְּמָקוֹמִי!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۵۱

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. אֵיךְ נִכְנְסָה הַדְּבוֹרָה אֶל הָאַרְמוֹן? چگونه زنبور به قصر وارد شد؟

۲. מַדּוּעַ רָצָה הַמֶּלֶךְ לַהֲרֹג אֶת הַדְּבוֹרָה? چرا پادشاه میخواست آن زنبور را بکشد؟

۳. מַדּוּעַ הוּא לֹא הָרַג אוֹתָהּ? چرا پادشاه زنبور را نکشد.

۴. אֵיךְ בָּחֲנָה מַלְכַּת שְׁבָא אֶת חָכְמַת שְׁלֹמֹה? چگونه ملکه سبا خرد سلیمان را امتحان کرد؟

۵. מַה קָּרָה כַּאֲשֶׁר הַמֶּלֶךְ פָּתַח אֶת הַחַלּוֹן? زمانی که پادشاه پنجره را باز کرد چه اتفاقی افتاد؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. ملکه جذابیت زیادی داشت و او (مونث) در نظر مردم محبوب شد. ۲. این نامه به کدام زبان نوشته شده است؟ ۳. من اجازه دادم پرنده به داخل اتاق پرواز کند. ۴. میز و صندلی‌ها از چوب ساخته شده است. ۵. من (مونث) مطمئن هستم که تو (مونث) پاسخ را خودت (به تنهایی) می‌دانی. ۶. نشستن روی چمن‌های پارک ممنوع است. ۷. من زنبور را وقتی روی بینی‌ام نشست گرفتم. ۸. در تل‌آویو همه فروشگاه‌ها در شبات تعطیل هستند. ۹. زنبور

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

و شیر موجودات زنده‌ای هستند. ۱۰. پسرک چیزی نمی‌دانست، وقتی او توسط معلم آزمایش شد. ۱۱. یک هنرمند بزرگ این تصویر را روی دیوار نقاشی کرد (=کشید). ۱۲. من (مذکر) یاد روزهای خوب گذشته افتادم. ۱۳. کدام یک از ما کار حرام انجام نداده است یا دروغ نگفته است؟ ۱۴. او (مونث) به من نزدیک شد و گفت: من تمام زندگی‌ام را به یاد می‌آورم که تو برای من چه کرده‌ای. ۱۵. وقتی من آنها (مذکر) را از دور دیدم، به سمت آنها دویدم و فریاد زدم: "خوش آمدید!" ۱۶. من ساعت سه و نیم دفتر را ترک خواهم کرد زیرا امروز تولد همسرم است.

ج- مصدر های بیان شده را به صورت زیر صرف کنید.

לִסְגּוֹר - סָגוּר סְגוּרָה סְגוּרִים סְגוּרוֹת

۱. לִשְׁמֹר	۴. לִדְרֹשׁ	۷. לַעֲזֹב	۱۰. לִשְׁתּוֹת
۲. לִתְפֹּס	۵. לָקַחַת	۸. לִקְרֹעַ	۱۱. לֶאֱהֹב
۳. לִלְבֹּשׁ	۶. לִנְטֹעַ	۹.לִרְאוֹת	۱۲. לַהֲרֹג

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שִׁעוּר נב
لغات درس ۵۲

אַף = גַּם: همچنین

גִּבּוֹר (גִּבּוֹרִים): قهرمان؛ (جمع: قهرمانان) ← hero; mighty

זְאֵב (זְאֵבִים): گرگ؛ (جمع: گرگ‌ها) wolf

חָתָן (חֲתָנִים): داماد؛ (جمع: دامادها) bridegroom; son-in-law

כַּלָּה (כַּלּוֹת): عروس؛ (جمع: عروس‌ها) bride ← daughter-in-law

כְּלָל (כְּלָלִים): قانون، قاعده؛ (جمع: قوانین، قواعد) rule

כִּנּוֹר (כִּנּוֹרִים, כִּנּוֹרוֹת): ساز ویولون؛ (جمع: سازهای ویولون) violin

מִלֵּא (לְמַלֵּא): پر کرد؛ (مصدر: پر کردن) filled

מַקֵּל (מַקֵּלוֹת): عصا، چوب دستی؛ (جمع: عصاها، چوب دستی‌ها) stick; cane

מָתוֹק, מְתוּקָה: شیرین؛ شیرین (مونث) sweet

נִבֵּא (לְנַבֵּא): پیش‌بینی کرد، پیشگویی کرد؛ (مصدر: پیش‌بینی کردن، پیشگویی کردن) prophesied; predicted ←

נִגַּן (לְנַגֵּן) בְּ...: نواخت؛ (مصدر: نواختن) played (an instrument)

נָשַׁב (לִנְשֹׁב): وزید؛ (مصدر: وزیدن) blew

עוֹלָמִי, עוֹלָמִית: جهانی، بین‌المللی؛ جهانی، بین‌المللی (مونث) universal; world-wide

צָפוֹנִי, צְפוֹנִית: شمالی؛ شمالی (مونث) Northern

שָׁחוֹר, שְׁחוֹרָה: سیاه؛ سیاه (مونث) black

שִׂיחָה (שִׂיחוֹת): مکالمه؛ (جمع: مکالمات) talk; conversation

שִׂמַּח (לְשַׂמֵּחַ): خوشحال کرد؛ (مصدر: خوشحال کردن) made happy; gladdened ←

שֵׂעָר: مو hair

שָׁקַט, שְׁקֵטָה: سکوت؛ سکوت (مونث) calm; quiet ←

מִפַּעַם לְפַעַם: گاهی اوقات، گهگاهی for time to time

יוֹצֵא (יוֹצֵאת, יוֹצְאִים, יוֹצְאוֹת) מִן הַכְּלָל: استثنا (مفرد مذکر)؛ استثنا (مفرد مونث)؛ استثنا (جمع مذکر)؛ استثنا (جمع مونث)

כַּבֵּד אֶת אָבִיךָ וְאֶת אִמֶּךָ. (שמ' ת כ, ۱۲)

مادر و پدرت را محترم بشمار (یکی از ده فرمان)

دستور زبان درس ۵۲

۱- صفات، میشکالهای زیادی دارند که برخی از آنها عبارتند از:

א) « ○ ִ ○ ָ○ »

גָּדוֹל	גְּדוֹלָה	גְּדוֹלִים	גְּדוֹלוֹת
שָׁחוֹר	שְׁחוֹרָה	שְׁחוֹרִים	שְׁחוֹרוֹת

نکته: صفت « מָתוֹק » استثنا است زیرا نیکود خُلام در مفرد مونث به شوقوک تبدیل می شود:

מָתוֹק	מְתוּקָה	מְתוּקִים	מְתוּקוֹת

ב) « ○ ִ ָ○ »

כָּחֹל	כְּחֻלָּה	כְּחֻלִּים	כְּחֻלּוֹת

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

نکته: رنگها به غیر از رنگ «לָבָן» و « שָׁחוֹר » در این میشکال استعال می شوند همچنین وصف شکلها در این الگو بیان می شود.

אָרֹךְ　　אֲרֻכָּה　　אֲרֻכִּים　　אֲרֻכּוֹת

۲- بخشی از اسم ها با اضافه شدن پسوند تبدیل به صفت می شوند:

مفرد مذکر	־ִי	جمع مذکر	־ִיים
مفرد مونث	־ִית	جمع مونث	־ִיות

مثال:

עוֹלָמִי	עוֹלָמִית	עוֹלָמִיִים	עוֹלָמִיוֹת
סוֹפִי	סוֹפִית	סוֹפִיִים	סוֹפִיוֹת

نکته ۱: اعداد ترتیبی، ملیت و مذهب نیز با پسوندهای שֵׁנִי, שְׁלִישִׁי, רְבִיעִי,... ساخته می‌شوند؛ مثال:

اسپانیایی:	סְפָרַדִּי	סְפָרַדִּית	סְפָרַדִּיִים	סְפָרַדִּיוֹת
مسیحی:	נוֹצְרִי	נוֹצְרִית	נוֹצְרִיִים	נוֹצְרִיוֹת

نکته ۲: هرچند اگر از این صفات به عنوان اسم استفاده شود تغییر اندکی در مفرد مونث و جمع مذکر رخ می‌دهد؛ مثال:

סְפָרַדִּי	סְפָרַדִּיָה	סְפָרַדִּים	סְפָרַדִּיוֹת
נוֹצְרִי	נוֹצְרִיָה	נוֹצְרִים	נוֹצְרִיוֹת

نکته ۳: توجه به شباهتی که بین ساخت «اسم + ضمیر متصل مفرد مذکر» با «اسم + پسوند صفت ساز» پیش می آید ضروری است؛ مثال:

מָקוֹם	מְקוֹמִי
جایگاه	«اسم: جایگاه من» و «صفت: محلی»
דָּת	דָּתִי
مذهب	«اسم: مذهب من» و «صفت: مذهبی»
אִישׁ	אִישִׁי
شخص، فرد	«اسم: شخص من» و «صفت: شخصی»

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۳- شکل فعلی که به عنوان صفت استعمال می‌شود:

א) افعال حالتی در زمان حال

שָׂמֵחַ	שְׂמֵחָה	שְׂמֵחִים	שְׂמֵחוֹת
זָקֵן	זְקֵנָה	זְקֵנִים	זְקֵנוֹת
יָפֶה	יָפָה	יָפִים	יָפוֹת
קַל	קַלָּה	קַלִּים	קַלּוֹת

ב) وجه مفعولی در زمان حال

בָּטוּחַ	בְּטוּחָה	בְּטוּחִים	בְּטוּחוֹת
פָּשׁוּט	פְּשׁוּטָה	פְּשׁוּטִים	פְּשׁוּטוֹת
יָדוּעַ	יְדוּעָה	יְדוּעִים	יְדוּעוֹת
חָשׁוּב	חֲשׁוּבָה	חֲשׁוּבִים	חֲשׁוּבוֹת

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הַבֵּן בֵּין הַבָּנִים

הָיָה יוֹם אָבִיב יָפֶה. מֶזֶג הָאֲוִיר הָיָה נָעִים. רוּחַ צְפוֹנִית קַלָּה נָשְׁבָה. הַשָּׁמַיִם הָיוּ כְּחֻלִּים, וַאֲפִילוּ עָנָן קַל לֹא נִרְאָה בָּהֶם. קוֹלוֹת מְתוּקִים שֶׁל צִפֳּרִים מִלְּאוּ אֶת הָאֲוִיר.

שָׁלֹשׁ נָשִׁים בָּאוּ עִם כַּדִּים רֵיקִים לִשְׁאֹב מַיִם מִן הַמַּעְיָן. הַנָּשִׁים דִּבְּרוּ זוֹ עִם זוֹ. מַעְיָן לְעַיִן עָבְרָה הַשִּׂיחָה לַנּוֹשֵׂא שֶׁל בָּנִים. עַל־יַד הַמַּעְיָן יָשַׁב לְבַדּוֹ אִישׁ זָקֵן וְשָׁמַע אֶת שִׂיחַת הַנָּשִׁים.

אִשָּׁה אַחַת אָמְרָה:

— יֵשׁ לִי בֵּן יוֹצֵא מִן הַכְּלָל. קָשֶׁה לְתָאֵר כַּמָּה יָפֶה הוּא וְכַמָּה גָּדוֹל כֹּחוֹ. צֶבַע הַשֵּׂעָר שֶׁלּוֹ שָׁחוֹר, וְעֵינַיִם שְׁחוֹרוֹת לוֹ. הוּא גִּבּוֹר, וְלִבּוֹ כְּמוֹ לֵב הָאַרְיֵה. הוּא בָּטוּחַ בְּעַצְמוֹ וְלֹא יוֹרֵעַ כָּל פַּחַד. הִנֵּה, לְמָשָׁל, מִקְרֶה שֶׁקָּרָה רַק לִפְנֵי מִסְפַּר שָׁעוֹת. בְּאֶמְצַע הַלַּיְלָה שָׁעָבַר חָרַר וְאֵב לְחָצֵר שֶׁלָּנוּ. בְּנִי הַגִּבּוֹר קָפַץ מִמִּטָּתוֹ, תָּפַס מַקֵּל פָּשׁוּט וְגֵרֵשׁ אֶת הַזְּאֵב מִן הֶחָצֵר.

אָמְרָה הָאִשָּׁה הַשְּׁנִיָּה:

— לִי יֵשׁ בֵּן נִפְלָא. אֵין אַף אֶחָד בַּכְּפָר שֶׁיּוֹרֵעַ לָשִׁיר וְלִנְגֹּן בְּכִנּוֹר כָּמוֹהוּ. אֵין לָכֵן מוּשָׂג מָה יָפֶה קוֹלוֹ וּמַה גָּדוֹל כֹּחוֹ בְּכִנּוֹר. הוּא שָׁר וּמְנַגֵּן בְּכָל חֲתוּנָה בַּכְּפָר. בְּקוֹלוֹ הַנָּעִים וְהַמָּתוֹק הוּא מְשַׂמֵּחַ חָתָן וְכַלָּה. הוּא אָמָן, וְהָאֲנָשִׁים בַּכְּפָר מְנַבְּאִים לוֹ שֵׁם עוֹלְמִי בֶּעָתִיד.

הָאִשָּׁה הַשְּׁלִישִׁית שָׁתְקָה וְלֹא אָמְרָה כְּלוּם.

— הַאִם אֵין לָךְ בֵּן? שָׁאֲלוּ אוֹתָהּ שְׁתֵּי הַנָּשִׁים.

— בֵּן, עָנְתָה הָאִשָּׁה הַשְּׁלִישִׁית בְּקוֹל שָׁקֵט. יֵשׁ לִי בֵּן. הוּא לֹא יוֹצֵא מִן הַכְּלָל. הוּא נַעַר כְּמוֹ כָּל הַנְּעָרִים.

הַנָּשִׁים מִלְּאוּ אֶת כַּדֵּיהֶן מַיִם וְהָלְכוּ לָהֶן. גַּם הַזָּקֵן קָם וְהָלַךְ אַחֲרֵיהֶן.

הַנָּשִׁים הוֹלְכוֹת בַּדֶּרֶךְ לְאַט לְאַט, וּמִפַּעַם לְפַעַם עוֹמְדוֹת לָנוּחַ. הַכַּדִּים כְּבֵדִים וְהַדֶּרֶךְ אֲרֻכָּה. וְהִנֵּה שְׁלֹשָׁה נְעָרִים רָצִים לִקְרָאתָן.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

אָמְרָה הָאִשָּׁה הָרִאשׁוֹנָה: "הִנֵּה הַבֵּן הַגִּבּוֹר שֶׁלִּי!"

אָמְרָה הָאִשָּׁה הַשְּׁנִיָּה: "הִנֵּה הַבֵּן הַנִּפְלָא שֶׁלִּי!"

אָמְרָה הָאִשָּׁה הַשְּׁלִישִׁית: "הִנֵּה הַבֵּן שֶׁלִּי!"

הַבֵּן שֶׁל הָאִשָּׁה הָרִאשׁוֹנָה וְהַבֵּן שֶׁל הָאִשָּׁה הַשְּׁנִיָּה עָמְדוּ לְרֶגַע, אָמְרוּ "שָׁלוֹם", וְרָצוּ הָלְאָה.

הַבֵּן שֶׁל הָאִשָּׁה הַשְּׁלִישִׁית נִגַּשׁ אֶל אִמּוֹ בְּכָבוֹד, וּבְקוֹל מָלֵא אַהֲבָה אָמַר:

— אִמָּא, אֲנִי רוֹצֶה לַעֲזֹר לָךְ. תְּנִי לִי לָשֵׂאת אֶת הַבַּד. הוּא יוֹתֵר מִדַּי כָּבֵד בִּשְׁבִילֵךְ. אֲנִי אֶקַּח אֶת הַבַּד וְאֶשָּׂא אוֹתוֹ הַבַּיְתָה.

כַּאֲשֶׁר הַזָּקֵן שָׁמַע אֶת זֹאת, הוּא נִגַּשׁ אֶל הַנָּשִׁים, וְאָמַר לָהֶן:

— אֲנִי רוֹאֶה שְׁלֹשָׁה נְעָרִים וּבֵינֵיהֶם רַק בֵּן אֶחָד.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۵۲

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. עַל מַה דִּבְּרוּ הַנָּשִׁים עַל־יַד הַמַּעְיָן ؟ زنان در کنار چشمه در مورد چه چیزی صحبت می کردند؟

۲. אֵיךְ גֵּרֵשׁ הַבֵּן שֶׁל הָאִשָּׁה הָרִאשׁוֹנָה אֶת הַזְּאֵב מִן הֶחָצֵר ؟ پسر زن اول چگونه گرگ را از حیاط بیرون راند (اخراج کرد)؟

۳. מַה סִּפְּרָה הָאִשָּׁה עַל בִּנָּהּ ؟ زن دوم در مورد پسرش چه چیزی تعریف کرد؟

۴. מַדּוּעַ שָׁתְקָה הָאִשָּׁה הַשְּׁלִישִׁית ؟ چرا زن سوم ساکت بود؟

۵. מַדּוּעַ אָמַר הַזָּקֵן שֶׁהוּא רוֹאֶה רַק בֵּן אֶחָד ؟ چرا آن پیرمرد گفت که او فقط یک پسر می بیند؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید:

۱. مرد جوان در جنگ گذشته مانند یک قهرمان جنگید. ۲. او (مونث) زنی آرام با چشمان آبی زیبا و لبخندی شیرین است. ۳. من گفتگوی طولانی و جالبی با او (مذکر) داشتم. ۴. شیر حیوانی قوی‌تر از گرگ است. ۵. بعد از عروسی، عروس و داماد به اسپانیا رفتند (سفر). ۶. من در مورد تو (مذکر) شنیده‌ام که ویولن را خیلی خوب می‌نوازی. ۷. پسر شیطان عصا را گرفت و شیشه را شکست. ۸. پیامبران پیشگویی کردند که قوم (=ملت) اسرائیل به سرزمین اسرائیل باز خواهند گشت. ۹. رنگ لباس عروس سفید و رنگ لباس داماد مشکی است. ۱۰. اخبار امروز ما را خوشحال نمی‌کند. ۱۱. او (مذکر) جیب‌هایش را پر از پول کرد. ۱۲. موهای او (مونث) کوتاه است یا بلند؟ ۱۳. هر دینی می‌خواهد یک دین جهانی باشد. ۱۴. تمام شب باد شدید شمالی می‌وزید و من می‌ترسیدم که سقف فرو بریزد. ۱۵. ما هر از چند گاهی در رستوران با آنها (مونث) ملاقات می‌کنیم. ۱۶. مدیر گفت، او (مونث) یک منشی خارق العاده بود، حیف شد (که) مرا ترک کرد.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שִׁעוּר נג
لغات درس ٥٣

אֶמְצָעִי (אֶמְצָעִים): چاره، معنا، راه‌حل (جمع: چاره‌ها)

means

אָרוֹן (אֲרוֹנוֹת): کمد، تابوت؛ (جمع: کمدها، تابوت‌ها)

coffin ; closet

(בטח, לְהַבְטִיחַ) הִבְטִיחַ ל...: (مطمئن شد؛ مصدر: اطمینان دادن، مطمئن کردن) اطمینان کرد، مطمئن شد

promised; assured

גּוּף (גּוּפוֹת): بدن؛ (جمع: بدن‌ها)

body

(דאג, לְהַדְאִיג) הִדְאִיג: (نگران شد؛ مصدر: نگران کردن)؛ نگران کرد

made (caused) worry

(זמן, לְהַזְמִין) הִזְמִין: (زمان تعیین شد، دعوت شد؛ مصدر: زمان تعیین کردن، دعوت کردن)؛ زمان تعیین کرد، دعوت کرد

invited

חֶרֶב (חֲרָבוֹת): شمشیر؛ (جمع: شمشیرها)

sword

(כנס, לְהַכְנִיס) הִכְנִיס: (وارد شد، داخل شد؛ مصدر: وارد کردن، داخل کردن)؛ وارد کرد، داخل کرد

put in; caused to enter

מַחֲנֶה (מַחֲנוֹת): کمپ، اردوگاه؛ (جمع: کمپ، اردوگاه‌ها)

Camp

(מלך, לְהַמְלִיךְ) הִמְלִיךְ: (پادشاه شد، به قدرت رسید؛ مصدر: پادشاه کردن، قدرت دادن)؛ پادشاه کرد، به او قدرت داد

crowned (as king)

(סכם, לְהַסְכִּים) הִסְכִּים: (موافقت کرد؛ مصدر: موافقت کردن)؛ موافقت کرد

agreed

סַכָּנָה (סַכָּנוֹת): خطر؛ (جمع: خطرها)

danger

(צחק, לְהַצְחִיק) הִצְחִיק: (خندید؛ مصدر: خنداندن)؛ خنداند

caused to laugh; made laugh

(רגש, לְהַרְגִּישׁ) הִרְגִּישׁ: (احساس کرد، تشخیص داد؛ مصدر: احساس کردن، تشخیص دادن)؛ احساس کرد، تشخیص داد

feel ; felt ; realized

רוֹמָאִי (רוֹמָאִים): رومی؛ (جمع: رومی‌ها)

Roman

רָעָב: قحطی، گرسنگی

famine , hanger

רְשׁוּת (רְשָׁיוֹת): اجازه؛ (جمع: اجازه‌ها)

Permission

שׁוֹמֵר (שׁוֹמְרִים): نگهبان؛ (جمع: نگهبانان)

guard; watchman

שָׁלִיחַ (שְׁלִיחִים): نامه‌رسان؛ (جمع: نامه‌رسان‌ها)

messenger

שַׁעַר (שְׁעָרִים): دروازه (ورودی)؛ (جمع: دروازه‌ها)

gate

שַׂר צָבָא: فرمانده ارتش

army commander

מֵחָדָשׁ: دوباره، از نو

anew ; again

לְאַיִן מִסְפָּר = הַרְבֵּה מְאֹד: بسیار زیاد

very much

עָשָׂה אֶת עַצְמוֹ: وانمود کرد

pretended / feigned

לֹא עַל הַלֶּחֶם לְבַדּוֹ יִחְיֶה הָאָדָם. (דברים ת ٣)

انسان فقط با نان زندگی نمی‌کند. (یعنی انسان نیازهای دیگری به جز مایحتاج زندگی هم دارد.)

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

دستور زبان درس ۵۳

۱- سومین بینیان معلوم زبان عبری הִפְעִיל است که معنای اصلی این بینیان، معنای سببی است؛ مثال:

אֲנִי צוֹחֵק. ← אֲנִי מַצְחִיק אוֹתוֹ.

הָאָב דָּאַג ← הַבֵּן הִדְאִיג אֶת הָאָב

نکته: برخی از افعال در این بینیان، معنای واضح سببی ندارند؛ مثال:

לְהַרְגִּישׁ לְהַסְכִּים

۲- صرف فعل سالم در این بینیان به صورت زیر است؛ مثال صرف לְהַכְנִיס (وارد شدن):

(לְ הַ ◌ְ ◌ִ י ◌ִ) לְהַכְנִיס

הוה:

אני, אתה, הוא ← מַכְנִיס — אנחנו, אתם, הם ← מַכְנִיסִים

אני, את, היא ← מַכְנִיסָה — אנחנו, אתן, הן ← מַכְנִיסוֹת

עבר:

אני ← הִכְנַסְתִּי

אתה ← הִכְנַסְתָּ את ← הִכְנַסְתְּ

הוא ← הִכְנִיס היא ← הִכְנִיסָה

אנחנו ← הִכְנַסְנוּ

אתם ← הִכְנַסְתֶּם אתן ← הִכְנַסְתֶּן

הם, הן ← הִכְנִיסוּ

עתיד:

אני ← אַכְנִיס

אתה ← תַּכְנִיס את ← תַּכְנִיסִי

הוא ← יַכְנִיס היא ← תַּכְנִיס

אנחנו ← נַכְנִיס

אתם ← תַּכְנִיסוּ אתן ← תַּכְנֵסְנָה

הם ← יַכְנִיסוּ הן ← תַּכְנֵסְנָה

צווי:

הַכְנֵס הַכְנִיסִי הַכְנִיסוּ הַכְנֵסְנָה

۳- ویژگی افعال در بینیان הִפְעִיל:

א) در مصدر، فعل زمان گذشته و امر پیشوند «ה» قرار می گیرد؛ مثال:

לְהַכְנִיס; הִכְנִיס; הַכְנֵס

ב) در زمان حال پیشوند « מַ » قرار می‌گیرد؛ مثال:

מַכְנִיס

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

ג) همه ی پیشوند ها در این بینیان پتخ دریافت می کنند به جز فعل های گذشته که خیقیک دارد؛ مثال:
הִכְנִיס

ד) حرف اصلی اول در این بینیان همیشه شوا دارد؛ مثال:
לְהַכְנִיס; מַכְנִים; הִכְנַסְתָּ; תַּכְנִים; הַכְנַס

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הַיְשִׁיבָה שֶׁל יַבְנֶה

לִפְנֵי אַלְפַּיִם שָׁנָה, בְּעֵרֶךְ, בָּאוּ הָרוֹמָאִים וְכָבְשׁוּ אֶת אֶרֶץ יִשְׂרָאֵל. אַחֲרֵי מֵאָה שָׁנָה שֶׁל כִּבּוּשׁ קָשֶׁה וָמַר, קָמָה כַּת שֶׁל קַנָּאִים מִבֵּין הַיְהוּדִים וְנִלְחֲמָה בָּרוֹמָאִים. בְּמֶשֶׁךְ זְמַן קָצָר גֵּרְשׁוּ הַקַּנָּאִים אֶת הָרוֹמָאִים מִן הָאָרֶץ. אָז אָסְפוּ הָרוֹמָאִים צָבָא חָדָשׁ וּבָאוּ מִן הַצָּפוֹן לְהִלָּחֵם עִם עַם יִשְׂרָאֵל. דָּם רַב נִשְׁפַּךְ בַּמִּלְחָמָה הַזֹּאת. כָּל הָאָרֶץ הָיְתָה חָזִית גְּדוֹלָה אַחַת. בְּמֶשֶׁךְ שָׁנָה אַחַת כָּבְשׁוּ הָרוֹמָאִים מֵחָדָשׁ כִּמְעַט אֶת כָּל הָאָרֶץ, וּבָאוּ עַד שַׁעֲרֵי יְרוּשָׁלַיִם. אֲבָל נִצְחוֹנָם לֹא הָיָה שָׁלֵם. גִּבּוֹרֵי יִשְׂרָאֵל נִלְחֲמוּ כְּמוֹ אֲרָיוֹת, וְחַיָּלֵי רוֹמָא עָמְדוּ שָׁם שְׁתֵּי שָׁנִים. הַקֶּשֶׁר בֵּין יְרוּשָׁלַיִם וּבֵין שְׁאָר הָאָרֶץ נִפְסַק. בָּעִיר לֹא הָיָה דֵּי אֹכֶל, וְהָרָעָב גָּדַל מִיּוֹם לְיוֹם. אֲנָשִׁים לְאֵין מִסְפָּר מֵתוּ מֵרָעָב וּמִמַּחֲלוֹת.

בִּירוּשָׁלַיִם חַי אָז אִישׁ גָּדוֹל בַּתּוֹרָה בְּשֵׁם רַבִּי יוֹחָנָן בֶּן זַכַּאי. הוּא הִרְגִּישׁ שֶׁהָעָם נִמְצָא בְּסַכָּנָה גְּדוֹלָה. לֵילוֹת וְיָמִים הוּא חָשַׁב עַל הַמַּצָּב בָּעִיר, וְלִבּוֹ לֹא יָדַע מְנוּחָה . הַכֹּל נִרְאָה שָׁחוֹר, כְּלִי תִּקְוָה לְנִצָּחוֹן. הוּא לֹא הָיָה יָכוֹל לִסְבֹּל עוֹד אֶת הַמַּצָּב, וְהוּא שָׁלַח אֶחָד מִן יְדִידָיו לֶאֱסֹף אֶת תַּלְמִידָיו. כַּאֲשֶׁר בָּאוּ, אָמַר לָהֶם:

— הַמַּצָּב בָּעִיר מַרְאִיג אוֹתִי מְאֹד. אֲנִי מְחַפֵּשׂ אֶמְצָעִים אֵיךְ לָצֵאת מִן הָעִיר, כְּדֵי לִרְאוֹת אֶת אֶסְפַּסְיָנוּס, שַׂר הַצָּבָא שֶׁל הָרוֹמָאִים.

אַחֲרֵי וַמַן־מָה עָשָׂה רַבִּי יוֹחָנָן אֶת עַצְמוֹ חוֹלֶה. הוּא אָסַף אֶת תַּלְמִידָיו בְּחֹשֶׁךְ הַלַּיְלָה וְצִוָּה אוֹתָם לְסַפֵּר בִּרְחוֹבוֹת הָעִיר שֶׁהוּא מֵת מִכְּאֵב לֵב. אָז הוּא צִוָּה אוֹתָם לָשִׂים אוֹתוֹ בְּאָרוֹן, וְלָשֵׂאת אֶת הָאָרוֹן מִחוּץ לְשַׁעֲרֵי יְרוּשָׁלַיִם. וְכֵן עָשׂוּ.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

כַּאֲשֶׁר הַתַּלְמִידִים בָּאוּ אֶל הַשַּׁעַר, נִגַּשׁ שׁוֹמֵר אֶל הָאָרוֹן, וְרָצָה לְהַכְנִיס בּוֹ חֶרֶב, לִבְדֹּק אִם בֶּאֱמֶת נִמְצָא בּוֹ גּוּף מֵת.

— כָּבוֹד לָרַבִּי! צָעֲקוּ הַתַּלְמִידִים. אָסוּר לְהַכְנִיס חֶרֶב בָּאָרוֹן שֶׁל אִישׁ גָּדוֹל בַּתּוֹרָה.

הַשּׁוֹמֵר הִסְכִּים, וְנָתַן לָהֶם לָצֵאת מִן הָעִיר.

כַּאֲשֶׁר הַתַּלְמִידִים הָיוּ רְחוֹקִים מִן הַשַּׁעַר, יָצָא רַבִּי יוֹחָנָן מִן הָאָרוֹן, וְהָלַךְ יָשָׁר אֶל הַמַּחֲנֶה שֶׁל הָרוֹמָאִים. הוּא בָּא לִפְנֵי אֶסְפַּסְיָנוּס, וְקָרָא:

— שָׁלוֹם עָלֶיךָ, אֲדוֹנִי הַמֶּלֶךְ!

— אֲנִי לֹא הַמֶּלֶךְ, אָמַר אֶסְפַּסְיָנוּס. אֵין אֲנִי אֶלָּא שַׂר צָבָא שֶׁל רוֹמָא.

בָּרֶגַע הַזֶּה בְּדִיּוּק בָּא שָׁלִיחַ מֵרוֹמָא וּמִכְתָּב בְּיָדוֹ. בַּמִּכְתָּב הָיָה כָּתוּב שֶׁהַמֶּלֶךְ מֵת, וְהַזְּקֵנִים שֶׁל רוֹמָא הִמְלִיכוּ אֶת אֶסְפַּסְיָנוּס עַל רוֹמָא.

אָז הִזְמִין אֶסְפַּסְיָנוּס אֶת רַבִּי יוֹחָנָן אֶל הָאֹהֶל שֶׁלּוֹ.

רַבִּי יוֹחָנָן קִבֵּל אֶת הַהַזְמָנָה בְּשִׂמְחָה וְנִכְנַס לָאֹהֶל.

— אֲנִי בָּטוּחַ שֶׁאַתָּה אִישׁ קָדוֹשׁ, אָמַר אֶסְפַּסְיָנוּס, לָמָּה בָּאתָ לִרְאוֹת אוֹתִי? מַה בַּקָּשָׁתְךָ וְתִנָּתֵן לְךָ!

— בַּקָּשָׁתִי הִיא, תֵּן לִי רְשׁוּת לִבְנוֹת יְשִׁיבָה בָּעִיר יַבְנֶה, עָנָה רַבִּי יוֹחָנָן.

הַבַּקָּשָׁה שֶׁל רַבִּי יוֹחָנָן הִצְחִיקָה אֶת אֶסְפַּסְיָנוּס, וְהוּא אָמַר:

— הַאִם זֹאת הִיא כָּל בַּקָּשָׁתְךָ? אֲנִי אֲמַלֵּא אוֹתָהּ בְּרָצוֹן רַב. אֲנִי מַבְטִיחַ לְךָ שֶׁיַּבְנֶה תִּנָּתֵן לְךָ!

אֶסְפַּסְיָנוּס לֹא יָדַע שֶׁהַתּוֹרָה יוֹתֵר חֲזָקָה מֵהַחֶרֶב. רוֹמָא נָפְלָה, אֲבָל עַם יִשְׂרָאֵל חַי! מִתּוֹךְ מַעְיַן הַתּוֹרָה שֶׁל יַבְנֶה, שָׁאֲבוּ הַדּוֹרוֹת הַבָּאִים כֹּחַ וְתִקְוָה לַעֲמֹד בִּפְנֵי כָּל הַשּׁוֹנְאִים שֶׁל עַם יִשְׂרָאֵל.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۵۳

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מָה הָיָה הַמַּצָּב בִּירוּשָׁלַיִם כַּאֲשֶׁר הָרוֹמָאִים עָמְדוּ לִפְנֵי שַׁעֲרֵי הָעִיר? اوضاع اورشلیم زمانی که رومی ها در جلو دروازه های شهر ایستاده بودند چطور بود؟

۲. לָמָּה רָצָה רַבִּי יוֹחָנָן לַעֲזֹב אֶת הָעִיר? چرا ربی یوخانان می خواست شهر را ترک کند؟

۳. אֵיךְ יָצָא רַבִּי יוֹחָנָן מִן הָעִיר? ربی یوخانان چطور از شهر خارج شد؟

۴. מָה הָיָה כָּתוּב בַּמִּכְתָּב שֶׁבָּא מֵרוֹמָא? در نامه ای که نامه رسان آورد چه نوشته بود؟

۵. מַה בִּקֵּשׁ רַבִּי יוֹחָנָן מֵאֶסְפַּסְיָנוּס? ربی یوخانان از اسفسیانوس چه چیزی درخواست کرد؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید:

۱. من متوجه شدم که تو (مذکر) قادر به موافقت با درخواست‌های من نیستی. ۲. هنوز صحبت فوق العاده‌ای که یک ماه پیش با او داشتم را به یاد دارم. ۳. من به تو (مونث) اطمینان می‌دهم که خواهم آمد. ۴. اگر دیر به خانه برگردی مرا نگران خواهی کرد. ۵. قاصد به فرمانده لشکر دروغ گفت. ۶. رومیان دو هزار سال پیش معبد را سوزاندند. ۷. زندگی من در خطر بود، اما من شانس آوردم، پدر و مادرم یک پزشک عالی پیدا کردند. ۸. نگهبان با شمشیر در دست ایستاد و اجازه نداد از دروازه وارد شوم. ۹. در زمان جنگ، قحطی همیشه وجود دارد. ۱۰. من به تو (مذکر) قول می‌دهم که پسرم را وارد یشیوا خواهم کرد. ۱۱. بزرگان پسر را تاج‌گذاری کردند زیرا پدرش در شرف مرگ بود. ۱۲. آنها همه مردم روستا را به عروسی پسر کوچکشان دعوت کردند. ۱۳. جسد را شستند و در یک تابوت گران قیمت گذاشتند. ۱۴. در تابستان بچه ها را به اردویی در کوهستان می‌فرستیم. ۱۵. پدرم دوست دارد ما را بخنداند. ۱۶. آیا تو (مذکر) اجازه خروج از اتاق را دریافت کردید؟

ج- فعل های زیر را در سه زمان حال، گذشته و آینده صرف کنید.

לְהַסְכִּים - موافقت کردن

לְהַרְגִּישׁ - حس کردن، تشخیص دادن

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור נך
لغات درس ٥٤

אָדֹם, אֲדֻמָּה: قرمز؛ قرمز (مونث) red

(אדם, לְהַאְדִים) הֶאֱדִים: (قرمز شد؛ مصدر: قرمز شدن)؛ قرمز شد reddened; blushed

(אכל, לְהַאֲכִיל) הֶאֱכִיל: (غذا خورد؛ مصدر: غذا دادن)؛ غذا داد caused to eat; fed

בוּשָׁה: خجالت، شرم shame

בַּקְבּוּק (בַּקְבּוּקִים): بطری؛ (جمع: بطری‌ها) bottle

(דגש, לְהַדְגִּישׁ) הִדְגִּישׁ: (تاکید شد؛ مصدر: تاکید کردن)؛ تاکید کرد stressed; emphasized

דָּלַק (לִדְלֹק): سوخت؛ (مصدر: سوختن) burned

חַלָּה (חַלּוֹת): خَلا (یک نوع نان)؛ (جمع: خَلاها) hallah

טוּב: نیکی، خوبی goodness

טַעַם (טְעָמִים): طعم، مزه؛ (جمع: طعم‌ها، مزه‌ها) taste; flavor

יָרָק (יְרָקוֹת): سبزی؛ (جمع: سبزیجات) vegetable

כּוֹס (כּוֹסוֹת): فنجان، لیوان؛ (جمع: فنجان‌ها، لیوان‌ها) cup; glass

מַפָּה (מַפּוֹת): رومیزی؛ (جمع: رومیزی‌ها) tablecloth, map

מָרָק (מָרָקִים): سوپ؛ (جمع: سوپ‌ها) soup

נִגּוּן (נִגּוּנִים): آهنگ، ملودی؛ (جمع: آهنگ‌ها، ملودی‌ها) tune; melody

(נעם, לְהַנְעִים) הִנְעִים: (دلپذیر شد؛ مصدر: دلپذیر کردن)؛ دلپذیر کرد made pleasant

(נפל, לְהַפִּיל) הִפִּיל: (افتاد؛ مصدر: انداختن)؛ انداخت dropped; knocked down

(נבט, לְהַבִּיט) הִבִּיט: (نگاه کرد؛ مصدر: نشان دادن)؛ نشان داد، سبب دیده شدن شد looked

(נגש, לְהַגִּישׁ) הִגִּישׁ: (نزدیک شد؛ مصدر: نزدیک کردن، آوردن، سرو کردن)؛ نزدیک کرد، آورد، سرو کرد served; brought near; presented

נָקִי, נְקִיָּה: تمیز؛ تمیز (مونث) clean

(עבר, לְהַעֲבִיר) הֶעֱבִיר: (گذشت؛ مصدر: گذراندن)؛ گذراند transferred; Passed on

קִדּוּשׁ: مقدس(دعای در مراسم نان و شراب) ceremonial blessing over wine or bread.

קִדֵּשׁ (לְקַדֵּשׁ): رحمت فرستاد، دعا خواند، تقدیس کرد؛ (مصدر: رحمت فرستادن، دعا خواندن، تقدیس کردن) sanctified; made קִדּוּשׁ

שָׁבוּר, שְׁבוּרָה: شکسته (اسم مفعول)؛ شکسته (مونث) broken

בַּעַל בַּיִת: صاحبخانه (مذکر) the man of the house; landlord; host.

בַּעֲלַת בַּיִת: صاحبخانه (مونث) the lady of the house

לֵיל שַׁבָּת: شب شنبه (غروب جمعه) landlady; hostess / Friday night

כָּל טוּב: همه‌ی خوبی‌ها، همه‌ی بهترین‌ها all the best

עוֹד יוֹתֵר: حتی بیشتر even more

דַּיָּהּ לָצָרָה בְּשַׁעָתָהּ. (מִן הַתַּלְמוּד)

برای مشکل در ساعت مشکل کفایت می‌کند. (برای مشکل، قبل و بعد از مشکل نگران نباش و در زمان مشکل نگرانش باش)

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

دستور زبان درس ٥٤

۱- صرف فعلی که اولین حرف اصلی آن از حروف حلقی است در بینیان « הִפְעִיל » به صورت زیر است؛ مثال:

לְהַעֲבִיר

הوه:

אני, אתה, הוא ← מַעֲבִיר	אנחנו, אתם, הם ← מַעֲבִירִים
אני, את, היא ← מַעֲבִירָה	אנחנו, אתם, הן ← מַעֲבִירוֹת

עתید:

אני ← אַעֲבִיר	אנחנו ← נַעֲבִיר
אתה ← תַּעֲבִיר את ← תַּעֲבִירִי	אתם ← תַּעֲבִירוּ אתן ← תַּעֲבֵרְנָה
הוא ← יַעֲבִיר היא ← תַּעֲבִיר	הם ← יַעֲבִירוּ הן ← תַּעֲבֵרְנָה

צווי:

הַעֲבֵר הַעֲבִירִי הַעֲבִירוּ הַעֲבֵרְנָה

نکته: تمام پیشوندها به غیر از فعل در زمان گذشته، پتخ تلفظ می شود و اولین حرف اصلی که حلقی است خطف پتخ می‌شود.

۲- در زمان گذشته پیشوند که حرف «ה» است سگل می گیرد و اولین حرف اصلی که از حروف حلقی است خطف سِگُل دریافت می‌کند؛ مثال:

עבר:

אני ← הֶעֱבַרְתִּי	אנחנו ← הֶעֱבַרְנוּ
אתה ← הֶעֱבַרְתָּ את ← הֶעֱבַרְתְּ	אתם ← הֶעֱבַרְתֶּם אתן ← הֶעֱבַרְתֶּן
הוא ← הֶעֱבִיר היא ← הֶעֱבִירָה	הם, הן ← הֶעֱבִירוּ

۳- فعلی که اولین حرف اصلی آن حرف «נ» است در بینیان « הִפְעִיל » حرف « נ » حذف می شود و حرف دوم داگش می پذیرد مانند:

הָעֵץ נוֹפֵל. הָאִישׁ מַפִּיל אֶת הָעֵץ.

نکته: اگر فعلی حرف اول اصلی آن « נ » باشد و حرف دوم اصلی آن حلقی باشد « נ » حذف نمی شود دقیقا مانند بینیان پاعل، مثال:

לְהַנְעִים אֶת הַחַיִּים.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۴- صرف فعلی که حرف اول اصلی آن « נ » است به شکل زیر است:

(נפל) לְהַפִּיל

הוה:

אני, אתה, הוא ← מַפִּיל
אני, את, היא ← מַפִּילָה
אנחנו, אתם, הם ← מַפִּילִים
אנחנו, אתן, הן ← מַפִּילוֹת

עבר:

אני ← הִפַּלְתִּי
אתה ← הִפַּלְתָּ את ← הִפַּלְתְּ
הוא ← הִפִּיל היא ← הִפִּילָה
אנחנו ← הִפַּלְנוּ
אתם ← הִפַּלְתֶּם אתן ← הִפַּלְתֶּן
הם, הן ← הִפִּילוּ

עתיד:

אני ← אַפִּיל
אתה ← תַּפִּיל את ← תַּפִּילִי
הוא ← יַפִּיל היא ← תַּפִּיל
אנחנו ← נַפִּיל
אתם ← תַּפִּילוּ אתן ← תַּפַּלְנָה
הם ← יַפִּילוּ הן ← תַּפַּלְנָה

צווי:

הַפֵּל הַפִּילִי הַפִּילוּ הַפַּלְנָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הַצַּדִּיק וְהָאוֹרֵחַ

בְּעִיר אַחַת חַי אִישׁ צַדִּיק. הַצַּדִּיק הַזֶּה הָיָה עוֹזֵר לְכָל אִישׁ שֶׁנִּמְצָא בְּצָרָה. הַבַּיִת שֶׁלּוֹ הָיָה פָּתוּחַ לָעֲנִיִּים נוֹדְדִים. בְּכָל לֵיל שַׁבָּת הוּא הָיָה מַזְמִין אוֹרֵחַ עָנִי לִסְעוּדַת שַׁבָּת. הוּא הָיָה מַאֲכִיל אוֹתוֹ מִכָּל טוּב, כְּיַד הַמֶּלֶךְ, וְהָיָה מַנְעִים לוֹ בִּדְבָרָיו הַנְּעִימִים.

לֵיל שַׁבָּת אֶחָד אַחֲרֵי הַתְּפִלָּה, הִזְמִין הַצַּדִּיק אִישׁ עָנִי לִסְעוּדַת שַׁבָּת. כַּאֲשֶׁר הָאוֹרֵחַ נִכְנַס לַבַּיִת, יָצְאָה לִקְרָאתוֹ אֵשֶׁת הַצַּדִּיק מִן הַמִּטְבָּח, וְקִבְּלָה אוֹתוֹ בְּשִׂמְחָה. הַבַּיִת הָיָה נָקִי וּמָלֵא אוֹר. עַל הַשֻּׁלְחָן הָיְתָה מַפָּה לְבָנָה כְּמוֹ שֶׁלֶג. עַל הַמַּפָּה עָמְדוּ נֵרוֹת דּוֹלְקִים, בַּקְבּוּק יַיִן אָדֹם וּשְׁתֵּי חַלּוֹת.

הֶעָנִי הִבִּיט בְּעֵינַיִם בּוֹחֲנוֹת עַל כָּל דָּבָר וְדָבָר שֶׁנִּמְצָא בַּבַּיִת, וְאָמַר לְעַצְמוֹ: "מַה טּוֹב וּמַה נָּעִים לִהְיוֹת בְּשַׁבָּת בְּבַיִת כָּזֶה!"

בַּעַל הַבַּיִת קִדֵּשׁ עַל הַיַּיִן בְּשָׂפָה בְּרוּרָה וּבְנִגּוּן מָתוֹק כְּשֶׁהוּא מַדְגִּישׁ כָּל מִלָּה וּמִלָּה. אַחֲרֵי הַקִּדּוּשׁ יָשְׁבוּ אֶל הַשֻּׁלְחָן לֶאֱכֹל. בַּעַל הַבַּיִת בֵּרַךְ עַל הַחַלּוֹת. הוּא לָקַח חַלָּה אַחַת, חָתַךְ אוֹתָהּ, וְנָתַן חֲתִיכָה לְכָל אֶחָד.

בַּעֲלַת הַבַּיִת הֵגִישָׁה חֲתִיכוֹת דָּגִים גְּדוֹלוֹת. הַדָּגִים הָיוּ מְתוּקִים וּמְלֵאִים טַעַם. אַחֲרֵי הַדָּגִים הֵגִישָׁה בַּעֲלַת הַבַּיִת מָרָק שֶׁל תַּרְנְגֹלֶת, וְאַחֲרֵי הַמָּרָק הֵגִישָׁה בָּשָׂר וְכָל מִינֵי יְרָקוֹת.

בַּעַל הַבַּיִת לָקַח כּוֹס, מִלֵּא אוֹתָהּ יַיִן וְהֶעֱבִיר אוֹתָהּ לָאוֹרֵחַ. הָאוֹרֵחַ תָּפַס אֶת הַכּוֹס בְּיָד רוֹעֶדֶת. כַּאֲשֶׁר הוּא שָׂם אוֹתָהּ עַל הַשֻּׁלְחָן, הַכּוֹס נָפְלָה, וְהַיַּיִן נִשְׁפַּךְ עַל הַמַּפָּה הַלְּבָנָה. הַשִּׂיחָה עַל יַד הַשֻּׁלְחָן נִפְסְקָה. פְּנֵי הָאוֹרֵחַ הֶאֱדִימוּ מִבּוּשָׁה. הָאוֹרֵחַ הִרְגִּישׁ שֶׁכָּל אֶחָד מַבִּיט עָלָיו, וּפָנָיו הֶאֱדִימוּ עוֹד יוֹתֵר.

כַּאֲשֶׁר בַּעַל הַבַּיִת רָאָה מַה שֶּׁקָּרָה, וְאֶת פְּנֵי הָאוֹרֵחַ הָאֲדֻמִּים כְּמוֹ אֵשׁ, מִיָּד הוּא דָּחַף בָּרֶגֶל אֶת הַשֻּׁלְחָן, וְהִפִּיל אֶת הַבַּקְבּוּק. בַּקְבּוּק הַיַּיִן נָפַל וְהַיַּיִן נִשְׁפַּךְ עַל הַמַּפָּה הַלְּבָנָה. אָז הִבִּיט בַּעַל הַבַּיִת תַּחַת הַשֻּׁלְחָן וְקָרָא:

— מָשָׁהוּ לֹא בְּסֵדֶר. בַּנְרָאָה, אַחַת מֵרַגְלֵי הַשֻּׁלְחָן שְׁבוּרָה!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ٥٤

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מָה הָיָה עוֹשֶׂה הַצַּדִּיק בְּכָל לַיִל שַׁבָּת? آن مرد درستکار در طول شب شنبه چه کاری انجام میداد؟

۲. מַה הִגִּישָׁה בַּעֲלַת הַבַּיִת לִסְעוּדַת הַשַּׁבָּת? خانم صاحبخانه برای شام شنبه چه رفتاری داشت؟

۳. מַה קָּרָה כַּאֲשֶׁר בַּעַל הַבַּיִת הֶעֱבִיר כּוֹס יַיִן לָאוֹרֵחַ? وقتی صاحبخانه به مهمان لیوان شراب را تعارف کرد (داد) چه اتفاقی افتاد؟

۴. מַדּוּעַ הֶאֱדִימוּ פְּנֵי הָאוֹרֵחַ? چرا رنگ صورت مهمان سرخ شد؟

۵. מָה עָשָׂה הַצַּדִּיק כַּאֲשֶׁר רָאָה אֶת הַפָּנִים הָאֲדֻמִּים שֶׁל הָאוֹרֵחַ? زمانی که صاحبخانه چهره ی سرخ شده ی مهمان را دید چه کار کرد؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید:

۱. خلا نوعی نان سفید است که یهودیان در (شبات) و (در) اعیاد می‌خورند. ۲. شمع فروزانی که روی میز افتاد، سفره را سوزاند و روی میز را سوراخ کرد. ۳. او (مذکر) در حال حاضر دو ساله است، اما هنوز هم دوست دارد از یک بطری بنوشد. ۴. یک میزبان خوب دوست دارد برای هر کسی که به خانه اش می‌آید غذا بدهد. ۵. من طعم سوپی که مادرم در شب جمعه سرو می‌کرد را هرگز فراموش نخواهم کرد. ۶. او (مذکر) روی جام شراب سرخ و شیرین کیدوش (سلامتی) گفت. ۷. او (مونث) دانش آموز بدی بود و معلم او (مونث) را به کلاس دیگری منتقل کرد. ۸. پیشخدمت بشقاب پر از سبزیجات را روی زمین انداخت. ۹. نگاه کن (مونث) به رنگ زیبای آسمان. ۱۰. من متوجه نشدم (=احساس نکردم) که لیوان شکسته شد و شراب روی لباس تمیزم ریخته شد. ۱۱. وقتی قطار آمد، مردم مرا هل دادند و نزدیک بود کشته شوم. ۱۲. خورشید غروب کرد و آسمان مثل خون سرخ شد (قرمز شد). ۱۳. این شرم‌آور است که شما (مذکر) تفاوت بین خوب و بد را نمی‌دانید. ۱۴. او (مذکر) آهنگ‌های زیادی خواند و با نغمه‌های زیبایش شب را دلنشین کرد. ۱۵. او (مذکر) هنوز خیلی بیمار است و ما باید به او (مذکر) غذا بدهیم. ۱۶. آنها تمام بهترین‌ها را دارند، اما بچه ندارند.

ج- فعل های زیر را در سه زمان گذشته، حال و آینده صرف کنید.

לְהַבִּיט - نگاه کردن　　לְהַאֲכִיל - غذا دادن، تغذیه کردن

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שִׁעוּר נה
لغات درس ۵۵

(אמן, לְהַאֲמִין) הֶאֱמִין ל...: (باور کرد، معتقد شد؛ مصدر: باور کردن، معتقد شدن)؛ باور کرد به...، معتقد شد به...

אֳנִיָּה (אֳנִיּוֹת): لنج؛ (جمع: لنج‌ها)

דָּרוֹם: جنوب

הִלֵּל (לְהַלֵּל): ستایش کرد؛ (مصدر: ستایش کردن)

חוֹף (חוֹפִים): ساحل؛ (جمع: سواحل)

(ידה, לְהוֹדוֹת) הוֹדָה ל...: (تشکر کرد؛ مصدر: تشکر کردن)؛ تشکر کرد از...

(יצא, לְהוֹצִיא) הוֹצִיא: (خارج شد؛ مصدر: خارج کردن)؛ خارج کرد

(ירד, לְהוֹרִיד) הוֹרִיד: (پایین رفت؛ مصدر: پایین آوردن)؛ پایین آورد

(נגע, לְהַגִּיעַ) הִגִּיעַ: (برخورد کرد؛ مصدر: دریافت کردن، رسیدن)؛ دریافت کرد، رسید

נוֹסֵעַ (נוֹסְעִים): مسافر؛ (جمع: مسافران)

סְחוֹרָה (סְחוֹרוֹת): تاجر؛ (جمع: تاجران)

סִירָה (סִירוֹת): قایق؛ (جمع: قایق‌ها)

(פנה, לְהַפְנוֹת) הִפְנָה: (چرخید؛ مصدر: چرخاندن)؛ چرخاند

(צלח, לְהַצְלִיחַ) הִצְלִיחַ: (موفق شد؛ مصدر: موفق شدن)؛ موفق شد

(ראה, לְהַרְאוֹת) הֶרְאָה: (دید؛ مصدر: نشان دادن)؛ نشان داد

רַב־חוֹבֵל: ناخدا

רָעַשׁ (לִרְעֹשׁ): سر و صدا شد؛ (مصدر: سر و صدا شدن)

שׁוֹנֶה, שׁוֹנָה: مختلف (مذکر)؛ مختلف (مونث)

שׁוֹנִים, שׁוֹנוֹת: مختلف (جمع مذکر)؛ مختلف (جمع مونث)

שִׁקֵּר (לְשַׁקֵּר): دروغ گفت؛ (مصدر: دروغ گفتن)

(תחל, לְהַתְחִיל) הִתְחִיל: (شروع شد؛ مصدر: شروع کردن)؛ شروع کرد

תְּמָהוֹן: شگفت‌انگیز

שִׁבְעִים פָּנִים לַתּוֹרָה (מִן הַמִּדְרָשׁ)

برای تورات هفتاد وجه هست.

دستور زبان درس ۵۵

۱- فعل هایی که حرف اول اصلی آنها «י» است در بینیان « הִפְעִיל » به صورت زیر صرف می شوند.

נירר לְהוֹרִיד

הוה:

אני, אתה, הוא ← מוֹרִיד

אני, את, היא ← מוֹרִידָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

אנחנו, אתם, הם ← מוֹרִידִים　　אנחנו, אתן, הן ← מוֹרִידוֹת

עבר:

אני ← הוֹרַדְתִּי
אתה ← הוֹרַדְתָּ　את ← הוֹרַדְתְּ
הוא ← הוֹרִיד　היא ← הוֹרִידָה

אנחנו ← הוֹרַדְנוּ
אתם ← הוֹרַדְתֶּם　אתן ← הוֹרַדְתֶּן
הם, הן ← הוֹרִידוּ

עתיד:

אני ← אוֹרִיד
אתה ← תּוֹרִיד　את ← תּוֹרִידִי
הוא ← יוֹרִיד　היא ← תּוֹרִיד

אנחנו ← נוֹרִיד
אתם ← תּוֹרִידוּ　אתן ← תּוֹרַדְנָה
הם ← יוֹרִידוּ　הן ← תּוֹרַדְנָה

צווי:

הוֹרֵד　　הוֹרִידִי　　הוֹרִידוּ　　הוֹרַדְנָה

نکته: حرف «י» به «ו» تبدیل می شود که به صورت خُلام ماله تلفظ می شود.

۲- فعل هایی که حرف آخر اصلی آنها «ה» است در بینیان « הִפְעִיל » به صورت زیر صرف می شوند؛ مثال:

(פנה) לְהַפְנוֹת

הוה:

אני, אתה, הוא ← מַפְנֶה　　אנחנו, אתם, הם ← מַפְנִים
אני, את, היא ← מַפְנָה　　אנחנו, אתן, הן ← מַפְנוֹת

עבר:

אני ← הִפְנֵיתִי
אתה ← הִפְנֵיתָ　את ← הִפְנֵית
הוא ← הִפְנָה　היא ← הִפְנְתָה

אנחנו ← הִפְנֵינוּ
אתם ← הִפְנֵיתֶם　אתן ← הִפְנֵיתֶן
הם, הן ← הִפְנוּ

עתיד:

אני ← אַפְנֶה
אתה ← תַּפְנֶה　את ← תַּפְנִי
הוא ← יַפְנֶה　היא ← תַּפְנֶה

אנחנו ← נַפְנֶה
אתם ← תַּפְנוּ　אתן ← תַּפְנֶינָה
הם ← יַפְנוּ　הן ← תַּפְנֶינָה

צווי:

הַפְנֵה　　הַפְנִי　　הַפְנוּ　　הַפְנֶינָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

نکته: فعل از مصدر « לְהַרְאוֹת » به معنای نشان دادن مانند فعل های قاعده مند صرف می شود فقط در زمان گذشته پیشوند «ה» سگل دار دریافت می کند؛ مثال:

עבר:

אני ← הֶרְאֵיתִי	אנחנו ← הֶרְאֵינוּ
אתה ← הֶרְאֵיתָ את ← הֶרְאֵית	אתם ← הֶרְאֵיתֶם אתן ← הֶרְאֵיתֶן
הוא ← הֶרְאָה היא ← הֶרְאָתָה	הם, הן ← הֶרְאוּ

۳- فعل « לְהַרְאוֹת » که از سه حرف اصلی «ידה» ساخته شده مانند فعل هایی که حرف اول آنها «י» و همچنین حرف آخر آنها «ה» است صرف به صورت زیر می شود:

הוה:

אני, אתה, הוא ← מוֹדֶה	אנחנו, אתם, הם ← מוֹדִים
אני, את, היא ← מוֹדָה	אנחנו, אתן, הם ← מוֹדוֹת

עבר:

אני ← הוֹדֵיתִי	אנחנו ← הוֹדֵינוּ
תה ← הוֹדֵיתָ את ← הוֹדֵית	אתם ← הוֹדֵיתֶם אתן ← הוֹדֵיתֶן
הוא ← הוֹדָה היא ← הוֹדְתָה	הם, הן ← הוֹדוּ

עתיד:

אני ← אוֹדֶה	אנחנו ← נוֹדֶה
אתה ← תּוֹדֶה את ← תּוֹדִי	אתם ← תּוֹדוּ אתן ← תּוֹדֶינָה
הוא ← יוֹדֶה היא ← תּוֹדֶה	הם ← יוֹדוּ הן ← תּוֹדֶינָה

צווי:

הוֹדֵה הוֹדִי הוֹדוּ הוֹדֶינָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הַתּוֹרָה טוֹבָה מִכָּל סְחוֹרָה

חֵלֶק רִאשׁוֹן

בָּאֳנִיָּה אַחַת נָסְעוּ סוֹחֲרִים מֵאֲרָצוֹת שׁוֹנוֹת. עֶרֶב אֶחָד יָשְׁבוּ הַסּוֹחֲרִים וְרָבוּ זֶה עִם זֶה עַל הַסְּחוֹרוֹת שֶׁלָּהֶם. כָּל סוֹחֵר הִלֵּל אֶת סְחוֹרָתוֹ, וְאָמַר: "הַסְּחוֹרָה שֶׁלִּי יוֹצֵאת מִן הַכְּלָל! אֵין כָּמוֹהָ!". כָּל אֶחָד מֵהֶם הוֹצִיא אֶת סְחוֹרָתוֹ, הֶרְאָה אוֹתָהּ לַסּוֹחֲרִים הָאֲחֵרִים, וְאָמַר: "הַבִּיטוּ וּרְאוּ כַּמָּה טוֹבָה הִיא סְחוֹרָתִי!"

עַל־יָדָם יָשַׁב אִישׁ אֶחָד וְשָׁתַק. הַסּוֹחֲרִים פָּנוּ אֶל הָאִישׁ וְשָׁאֲלוּ אוֹתוֹ,

— מַדּוּעַ אַתָּה שׁוֹתֵק? אֵיפֹה סְחוֹרָתְךָ? מַדּוּעַ אֵינְךָ מַרְאֶה אוֹתָהּ לָנוּ?

— אֲנִי יָכוֹל לְהַבְטִיחַ לָכֶם, עָנָה הָאִישׁ, שֶׁסְּחוֹרָתִי יוֹתֵר טוֹבָה מִסְּחוֹרַתְכֶם. אֲבָל אַל תִּלְחֲצוּ עָלַי לְהַרְאוֹת אוֹתָהּ לָכֶם.

הַסּוֹחֲרִים פִּקְפְּקוּ בִּדְבָרָיו וְלֹא הֶאֱמִינוּ לוֹ. הֵם חָשְׁבוּ שֶׁהוּא מְשַׁקֵּר.

לַיְלָה אֶחָד יָרַד חֹשֶׁךְ נוֹרָא. הַשָּׁמַיִם הָיוּ מְלֵאִים עֲנָנִים כְּבֵדִים, וְאַף כּוֹכָב לֹא נִרְאָה. גֶּשֶׁם קַר הִתְחִיל לָרֶדֶת. פִּתְאֹם בָּאָה רוּחַ חֲזָקָה מִן הַדָּרוֹם. שָׁעוֹת נְשָׁבָה הָרוּחַ וְהַיָּם רָעַשׁ. הַנּוֹסְעִים הִרְגִּישׁוּ שֶׁהָאֳנִיָּה עוֹמֶדֶת לִטְבֹּעַ, וְאָסוֹן נוֹרָא קָרוֹב לָבוֹא. צְעָקוֹת שֶׁל "אוֹי וַאֲבוֹי" נִשְׁמְעוּ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

מִכָּל צַד וּמִכָּל פִּנָּה. הָאֲנָשִׁים רָצוּ מִמָּקוֹם לְמָקוֹם וְדָחֲפוּ זֶה אֶת זֶה. רַב־
הַחוֹבֵל פָּנָה אֶל הַנּוֹסְעִים, וְאָמַר בְּקוֹל שָׁקֵט:

— שְׁבוּ בִּמְקוֹמְכֶם וְאַל תִּפְחֲדוּ. אֵין לָכֶם מַה לִּרְאוֹג. יֵשׁ בְּיָדֵינוּ אֶמְצָעִים
לַעֲזוֹר לָכֶם בְּכָל עֵת צָרָה וְסַכָּנָה. יֵשׁ לָנוּ דֵּי סִירוֹת אִם יִהְיֶה צֹרֶךְ לָרֶדֶת
לַיָּם.

הָרוּחַ גָּדְלָה. הַגַּלִּים רָעֲשׁוּ עוֹד יוֹתֵר. מַיִם חָדְרוּ לְתוֹךְ הָאֳנִיָּה.
כַּאֲשֶׁר רַב־הַחוֹבֵל רָאָה זֹאת, הוּא נָתַן פְּקוּדָה: "לָרֶדֶת לַיָּם!". בְּחֹשֶׁךְ
הַלַּיְלָה הִפְנָה רַב־הַחוֹבֵל אֶת כָּל הַנּוֹסְעִים אֶל הַסִּירוֹת, וְהוֹרִיד אוֹתָם
לַיָּם.

כָּל הַנּוֹסְעִים הִצְלִיחוּ לְהַגִּיעַ בְּשָׁלוֹם אֶל הַחוֹף. כַּאֲשֶׁר רָאוּ
הַסּוֹחֲרִים שֶׁסְּחוֹרָתָם טְבוּעָה בַּיָּם,הֵם הָיוּ עֲצוּבִים מְאֹד. אֲחָדִים מֵהֶם גַּם
בָּכוּ. רַק הָאִישׁ, שֶׁלֹּא הֵרְאָה אֶת סְחוֹרָתוֹ, לֹא הָיָה עָצוּב.הוּא הוֹדָה
לַה' עַל הַנֵּס שֶׁעָשָׂה לוֹ וּלְכָל הַנּוֹסְעִים, שֶׁעָזַר לָהֶם לְהַגִּיעַ בְּשָׁלוֹם אֶל
הַחוֹף.

— מַדּוּעַ אַתָּה לֹא עָצוּב? הַאִם סְחוֹרָתְךָ לֹא טְבוּעָה בַּיָּם? שָׁאֲלוּ אוֹתוֹ
הַסּוֹחֲרִים.

— לֹא, עָנָה הָאִישׁ. אֲנִי נוֹשֵׂא תָּמִיד אֶת סְחוֹרָתִי עִמִּי.

הַסּוֹחֲרִים הִבִּיטוּ עָלָיו בְּתִמָּהוֹן וְלֹא אָמְרוּ דָּבָר.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۵۵

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מָה אָמַר כָּל סוֹחֵר עַל סְחוֹרָתוֹ? هر تاجر در مورد کالای خودش چه گفت؟

۲. מָה חָשְׁבוּ הָאֲנָשִׁים עַל הָאִישׁ שֶׁלֹּא הֶרְאָה אֶת סְחוֹרָתוֹ? مردم در مورد فردی که کالاهای خود را نشان نداد چه فکری کردند؟

۳. מַדּוּעַ הוֹרִיד רַב-הַחוֹבֵל אֶת הַנּוֹסְעִים מִן הָאֳנִיָּה? چرا ناخدا (کاپیتان) مسافران را از کشتی پیاده کرد؟

۴. מַדּוּעַ הָיוּ הַסּוֹחֲרִים עֲצוּבִים כַּאֲשֶׁר הֵם הִגִּיעוּ אֶל הַחוֹף? چرا زمانی که تاجران به ساحل رسیدند ناراحت بودند؟

۵. מִי מִן הַנּוֹסְעִים לֹא הָיָה עָצוּב? וּמַדּוּעַ? چه کسی از مسافران غمگین نبود ؟ و چرا؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. هفته گذشته، من کتاب‌های مختلفی را از کتابخانه بیرون آوردم. ۲. تجار دیروز از جنوب با قایق وارد شد. ۳. هنگامی که خیابانی را که او (مذکر) به دنبالش بود را نشان داد از او (مونث) تشکر کرد. ۴. خودت را (مذکر) ستایش نکن! ۵. من نمی‌توانم او را باور کنم زیرا او (مذکر) چندین بار به من دروغ گفته است. ۶. مادر کودک را از روی میز به زمین پایین آورد. ۷. آنها شروع به ساختن شهر جدیدی بر روی کوهی نه چندان دور از ساحل (ساحل دریا) کردند. ۸. مسافر در یافتن (= پیدا کردن) یک اتاق تمیز در یک هتل خوب موفق بود. ۹. وقتی معلم (مذکر) در حال نوشتن کلمات جدید است دانش آموزان به تخته سیاه نگاه می‌کنند. ۱۰ . آنها (مذکر) از قایق ردیفی افتادند و در رودخانه غرق شدند. ۱۱. این فروشگاه پر از انواع اجناس است. ۱۲. پسرم دریا را دوست دارد و می‌خواهد ناخدا شود. ۱۳. امواج به مدت دوازده ساعت موج می‌زد و ماهیگیران نمی‌توانستند به دریا بروند. ۱۴. او (مونث) با ترحم و حیرت به من نگاه کرد. ۱۵. من نمی‌دانستم به چه کسی مراجعه کنم و او (مذکر) مرا به سمت تو (مذکر) راهنمایی کرد. ۱۶. برف زیاد است و در شمال کشور هوا بسیار سرد است.

ج- فعل های زمان آینده را به گذشته تبدیل کنید.

۱. אֲנִי אַגִּיעַ

۲. אֲנַחְנוּ נַצְלִיחַ

۳. אַתָּה תַּרְאֶה

۴. הֵם יוֹרִידוּ

۵. הֵם יוֹצִיאוּ

۶. אַתֶּם תַּפְנוּ

۷. אַתְּ תַּרְאִי

۸. אַתָּה תַּבִּיט

۹. אֲנַחְנוּ נַגִּיעַ

۱۰. אַתְּ תַּצְלִיחִי

۱۱. אֲנִי אַרְאֶה

۱۲. הִיא תּוֹדֶה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור נו

لغات درس ٥٦

(בין, לְהָבִין) הֲבִין: (فهمید؛ مصدر: فهمیدن)؛

فهمید

דַּעַת = דֵּעָה: نظر، آگاهی

(ידע, לְהוֹדִיעַ) הוֹדִיעַ: (دانست؛ مصدر: اطلاع دادن)؛ اطلاع داد

(ישב, לְהוֹשִׁיב) הוֹשִׁיב: (نشست؛ مصدر: نشاندن)؛ نشاند

(נגד, לְהַגִּיד) הִגִּיד: (گفت؛ مصدر: گفتن)؛ گفت

(סבר, לְהַסְבִּיר) הִסְבִּיר: (توضیح داد، شرح داد؛ مصدر: توضیح دادن، شرح دادن)؛ توضیح داد، شرح داد

(פסק, לְהַפְסִיק) הִפְסִיק: (قطع شد؛ مصدر: قطع کردن)؛ قطع کرد

הַצְלָחָה (הַצְלָחוֹת): موفقیت؛ (جمع: موفقیت‌ها)

(קשב, לְהַקְשִׁיב) הִקְשִׁיב: (مصدر: توجه کردن، شنیدن)؛ توجه کرد، شنید

קֹשִׁי (קְשָׁיִים): سختی؛ (جمع: سختی‌ها)

(רום, לָרוּם) הֵרִים: (بالا رفت؛ مصدر: بالا بردن)؛

بالا برد

רַעְיוֹן (רַעְיוֹנוֹת): نظر، ایده؛ (جمع: نظرها، ایده‌ها)

שָׂפָה (שְׂפָוֹת): لب، زبان؛ (لب‌ها، زبان‌ها)

שְׂפַת הַיָּם: ساحل

בְּאוֹתָהּ שָׁעָה: در همان ساعت، در همان زمان

יֵשׁ בְּדַעְתִּי: من در ذهن دارم، من قصد دارم

לְמַלֵּא מָקוֹם: جایگزین شدن

הַלּוֹמֵד מַחֲבֵרוֹ אֶפִילוּ אוֹת אַחַת צָרִיךְ לְנַהֵג בּוֹ כָּבוֹד. (פִּרְקֵי אָבוֹת)

هر کس از دوستش حتی یک حرف یاد بگیرد باید به او احترام بگذارد. (رساله اخلاق پدران)

دستور زبان درس ٥٦

۱- صرف افعالی که دومین حرف اصلی آنها «י» یا «ו» است در بینیان « הִפְעִיל » به صورت زیر است:

(רום) לָרוּם

הוה:

אני, אתה, הוא ← מֵרִים	אנחנו, אתם, הם ← מְרִימִים
אני, את, היא ← מְרִימָה	אנחנו, אתן, הן ← מְרִימוֹת

עבר:

אני ← הֵרַמְתִּי	אנחנו ← הֵרַמְנוּ
אתה ← הֵרַמְתָּ את ← הֵרַמְתְּ	אתם ← הֵרַמְתֶּם אתן ← הֵרַמְתֶּן
הוא ← הֵרִים היא ← הֵרִימָה	הם, הן ← הֵרִימוּ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

עתיד:

אני ← אָרִים	אנחנו ← נָרִים
אתה ← תָּרִים את ← תָּרִימִי	אתם ← תָּרִימוּ אתן ← תָּרֵמְנָה
הוא ← יָרִים היא ← תָּרִים	הם ← יָרִימוּ הן ← תָּרֵמְנָה

צווי:

הָרֵם הָרִימִי הָרִימוּ הָרֵמְנָה

نکته ۱: در زمان حال تغییر پیشوند «מַ» به «מְ» در سوم شخص مفرد مونث و سوم شخص جمع به خاطر این است که تاکید(استرس) از حرف اول به حرف سوم منتقل شده است. در زمان گذشته نیز، تغییر پیشوند «הֵ» به «הֶ» در دوم شخص جمع به خاطر جابجایی استرس و قرار گرفتن روی پسوند فعل است.

نکته ۲: فعل های زمان آینده در بینیان « הִפְעִיל » که دومین حرف اصلی آنها «י» یا «ו» است مانند فعل های زمان آینده در بینیان « פָּעַל » هستند که دومین حرف اصلی آنها «י» یا «ו» است؛ مثال:

לְהָשִׁיר باعث آواز خواندن شدن

לָשִׁיר آواز خواندن

הַתַּלְמִיד יָשִׁיר אֶת הַשִּׁיר. دانش آموز ترانه خواهد خواند(می خواند)

הַמּוֹרֶה יָשִׁיר אֶת הַתַּלְמִיד. معلم باعث خواهد شد که دانش آموز ترانه بخواند.

۲- اسم اشاره «آن» و «آنها» در زبان عبری به دو صورت بیان می شود:

הַהוּא, הַהִיא; הָהֵם, הָהֵן אוֹתוֹ, אוֹתָהּ; אוֹתָם, אוֹתָן

نکته: علاوه بر معنای «آن» و «آنها» به معنای «همان» نیز هستند لذا در تشخیص معنا باید به قرائن متن توجه کرد مانند אוֹתוֹ הַדָּבָר که هم به معنای «آن چیز » و هم به معنای «همان چیز» است.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הַתּוֹרָה טוֹבָה מִכֹּל סְחוֹרָה

חֵלֶק שֵׁנִי

הַנּוֹסְעִים הָיוּ עֲיֵפִים מְאֹד, וְהֵם יָשְׁבוּ לָנוּחַ עַל הַחוֹל הַלָּבָן אֲשֶׁר עַל שְׂפַת הַיָּם. רוּחַ קַלָּה בָּאָה וּפִזְּרָה אֶת הֶעָנָנִים הַשְּׁחוֹרִים. הַשָּׁמַיִם הָיוּ כְּחֻלִּים, וְשׁוּב זָרְחָה הַשֶּׁמֶשׁ בְּכָל אוֹרָהּ הַמָּתוֹק. אַחֲרֵי שֶׁנָּחוּ זְמַן־מָה, קָמוּ הַנּוֹסְעִים וְיָצְאוּ לַדֶּרֶךְ.

הֵם הָלְכוּ בָּרֶגֶל שָׁעוֹת רַבּוֹת עַד שֶׁהִצְלִיחוּ לְהַגִּיעַ בַּסּוֹף לְעִיר אַחַת. כַּאֲשֶׁר הִגִּיעוּ אֶל הָעִיר הֵם נִכְנְסוּ לְבֵית הַמִּדְרָשׁ. בְּאוֹתָהּ שָׁעָה יָשַׁב שָׁם רַב זָקֵן וְלִמֵּד תּוֹרָה.

הַנּוֹסְעִים יָשְׁבוּ בַּשּׁוּרָה הָאַחֲרוֹנָה עַל־יַד הַדֶּלֶת, וְהִקְשִׁיבוּ מֵרָחוֹק לְדִבְרֵי הָרַב.

פִּתְאֹם הִפְסִיק הָרַב אֶת הַשִּׁעוּר, הִבִּיט בַּסֵּפֶר רְגָעִים אֲחָדִים, וְאָז אָמַר:

— תַּלְמִידַי, אַגִּיד לָכֶם אֶת הָאֱמֶת, אֲנִי מוֹצֵא קְשִׁי גָּדוֹל בָּעִנְיָן הַזֶּה. אֲנִי מוֹדֶה שֶׁאֵינֶנִּי יָכֹל לְהָבִין אֶת הָרַעְיוֹן בּוֹ. אוּלַי אֶחָד מִכֶּם יוּכַל לְהַסְבִּיר לִי אֶת הָעִנְיָן?

הַתַּלְמִידִים יָשְׁבוּ וְחָשְׁבוּ וְלֹא אָמְרוּ דָּבָר.

אָז הָאִישׁ, שֶׁאָמַר שֶׁהוּא נוֹשֵׂא אֶת סְחוֹרָתוֹ תָּמִיד עִמּוֹ, קָם מִמְּקוֹמוֹ, הֵרִים אֶת קוֹלוֹ, וְאָמַר:

— סְלִיחָה, רַבִּי, אֲנִי חוֹשֵׁב שֶׁאֲנִי מֵבִין אֶת הָרַעְיוֹן בָּעִנְיָן הַזֶּה. תֵּן לִי רְשׁוּת, בְּבַקָּשָׁה, לְהַסְבִּיר אוֹתוֹ.

הָאִישׁ הִתְחִיל לְהַסְבִּיר אֶת הָעִנְיָן הַקָּשֶׁה, וּדְבָרָיו מָצְאוּ חֵן בְּעֵינֵי הָרַב הַזָּקֵן. הָרַב הוֹדָה לוֹ, וְהִזְמִין אוֹתוֹ לָבוֹא אֵלָיו אֶל הַשֻּׁלְחָן לָשֶׁבֶת עַל־יָדוֹ.

אַחֲרֵי סוֹף הַשִּׁעוּר, קָם הָרַב וְאָמַר בְּקוֹל שָׁקֵט:

— תַּלְמִידַי, אֵין לִי צֹרֶךְ לְהַדְגִּישׁ שֶׁאֲנִי זָקֵן מְאֹד. אַתֶּם רוֹאִים בְּעַצְמְכֶם, שֶׁאֵין כֹּחִי עִמִּי לְלַמֵּד אֶתְכֶם. לָכֵן אֲנִי שָׂמֵחַ שֶׁמָּצָאתִי הַיּוֹם אִישׁ גָּדוֹל בַּתּוֹרָה. אֲנִי רוֹצֶה לְהוֹדִיעַ לָכֶם שֶׁיֵּשׁ בְּרַעְתִּי לְהוֹשִׁיב אֶת הָאִישׁ הַזֶּה בִּמְקוֹמִי. אֲנִי בָּטוּחַ שֶׁהוּא יְמַלֵּא אֶת מְקוֹמִי בְּהַצְלָחָה רַבָּה.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

בַּאֲשֶׁר הַסּוֹחֲרִים שָׁמְעוּ אֶת דִּבְרֵי הָרַב, הֵם אָמְרוּ זֶה אֶל זֶה:
— מַה שֶׁהִגִּיד לָנוּ הָאִישׁ בָּאֳנִיָּה לֹא הָיָה שֶׁקֶר. בָּרִאשׁוֹנָה לֹא רָצִינוּ לְהַאֲמִין לוֹ, אֲבָל עַכְשָׁיו אֲנַחְנוּ מְבִינִים מַה הִיא סְחוֹרָתוֹ, שֶׁהוּא נוֹשֵׂא תָּמִיד אִתּוֹ. הַתּוֹרָה הִיא טוֹבָה מִכָּל סְחוֹרָה!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ٥٦

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מָה עָשׂוּ הַנּוֹסְעִים אַחֲרֵי שֶׁהֵם נָחוּ? مسافران بعد از اینکه استراحت کردند، چه کاری انجام دادند؟

۲. לְאָן הֵם הָלְכוּ כַּאֲשֶׁר הִגִּיעוּ לָעִיר? زمانی که رسیدند به شهر به کجا رفتند؟

۳. מַדּוּעַ הִפְסִיק הָרַב אֶת שִׁעוּרוֹ? چرا ربی درسش را متوقف کرد؟

۴. מַדּוּעַ הָיָה הָרַב שָׂמֵחַ? چرا ربی خوشحال شد؟

۵. מַדּוּעַ הַתּוֹרָה טוֹבָה מִכָּל סְחוֹרָה? چرا تورات از همه چیز بهتره؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. به نظر من، این یک ایده عالی است. ۲. درک این شعر برای ما دشوار است زیرا کلمات جدید و دشوار زیادی در آن وجود دارد. ۳. من (مونث) می‌خواهم به تو (مذکر) اطمینان دهم که از این روز به بعد درس دقیقاً از ساعت ۸ صبح شروع می‌شود. ۴. سرباز با احترام به سخنان فرمانده ارتش گوش داد. ۵. اگر شما (مذکر) با من موافق نیستید، لطفا دست را بالا ببرید و من به شما اجازه صحبت خواهم داد. ۶. به دلیل باد شدید، مادر کودک را روی صندلی دور از در می‌نشاند. ۷. دستور زبان این درس را برای شما (مذکر) توضیح خواهم داد. ۸. من مطمئن هستم که یافتن مردی برای جایگزینی تو (مذکر) آسان نخواهد بود. ۹. من (مذکر) امیدوارم پس از انجام تمام آزمون‌ها بتوانم به ساحل دریا بروم. ۱۰. هفته آینده در مورد این موضوع صحبت خواهیم کرد. ۱۱. من نمی‌توانم کاری را که فقط یک ساعت پیش شروع کردم قطع کنم. ۱۲ . من در خواندن مشکل ندارم، اما در نوشتن مشکل دارم. ۱۳. من (مونث) نمی‌توانم باور کنم که او (مذکر) در کار خود موفق خواهد شد زیرا بسیار تنبل است. ۱۴. تو (مونث) چه زمانی لباس جدید و کلاه جدید خود را به من نشان خواهی داد؟ ۱۵. او (مونث) با تعجب به من (=روی) نگاه کرد زیرا نمی‌فهمید چرا به این سرعت به خانه برگشتم. ۱۶. منشی با مدیر تماس گرفت و به او (مذکر) اطلاع داد که سردرد وحشتناکی دارد و بنابراین نمی‌تواند به دفتر بیاید.

ج- فعل های زیر را از زمان گذشته به زمان آینده تغییر دهید.

۱. הִיא הִקְשִׁיבָה

۲. אַתָּה הוֹדַעְתָּ

۳. הִיא הֵרִימָה

۴. הֵם הֵבִינוּ

۵. אַתְּ הִבַּטְתְּ

۶. הִיא הִצְלִיחָה

۷. אֲנַחְנוּ הִסְבַּרְנוּ

۸. אֲנִי הֲרֵאִיתִי

۹. אֲנִי הוֹשַׁבְתִּי

۱۰. הֵם הֵרִימוּ

۱۱. הִיא הֲרָאָתָה

۱۲. הוּא הֵבִין

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור בן
لغات درس ٥٧

אֲדָמָה (אֲדָמוֹת): زمین، خاک؛ (جمع: زمین‌ها) earth ; soil

(בוא, לְהָבִיא) הֵבִיא: (آمد؛ مصدر: آوردن)؛ آورد brought

דַּק, דַּקָּה: لاغر؛ لاغر (مونث) thin

(זמן, לְהַזְמִין) הִזְמִין: (زمان تعیین کرد؛ مصدر: دعوت کردن، سفارش دادن)؛ دعوت کرد، سفارش داد ordered (something) ; invited

הַזְמָנָה (הַזְמָנוֹת): سفارش، دعوت؛ (جمع: سفارش‌ها، دعوت‌ها) order; invitation

(החלט, לְהַחְלִיט) הֶחְלִיט: (تصمیم گرفت؛ مصدر: تصمیم گرفتن)؛ تصمیم گرفت decided

הַחְלָטָה (הַחְלָטוֹת): تصمیم؛ (جمع: تصمیم‌ها) decision

טָעִים, טְעִימָה: مزه؛ مزه (مونث) tasty

כְּדַאי: ارزش، قدر (بخاطر...) worthwhile

מָהַר (לְמַהֵר): عجله کرد؛ (مصدر: عجله کردن) rushed; hurried

מַזְלֵג (מַזְלְגוֹת): چنگال؛ (جمع: چنگال‌ها) fork

מַצְחִיק, מַצְחִיקָה: بامزه، خنده‌دار؛ بامزه، خنده‌دار funny

(מונט)

(משך, לְהַמְשִׁיךְ) הִמְשִׁיךְ: (ادامه داد؛ مصدر: ادامه دادن)؛ ادامه داد continued

מִשְׁקָפַיִם: عینک eyeglasses n.m.pl.

נָקָה (לְנַקּוֹת): تمیز کرد؛ (مصدر: تمیز کردن) cleaned

(פלא, לְהַפְלִיא) הִפְלִיא: (هیجان زده شد؛ مصدر: هیجان زده کرد)؛ هیجان زده کرد، تعجب کرد amazed

שׁוֹר (שְׁוָרִים): گاو نر؛ (جمع: گاوهای نر) ox

שָׁחַט (לִשְׁחֹט): ذبح کرد، قربانی کرد؛ (مصدر: ذبح کردن، قربانی کردن) slaughtered

שָׁמֵן, שְׁמֵנָה: چاق، فربه؛ چاق، فربه (مونث) fat

תַּפּוּחַ אֲדָמָה (תַּפּוּחֵי אֲדָמָה): سیب زمینی؛ (جمع: سیب زمینی‌ها) Potato

תַּפְרִיט (תַּפְרִיטִים): منو؛ (جمع: منوها) menu

הַצִּדָּה = אֶל הַצַּד: طرف، گوشه، کنار

אֱמֹר מְעַט, וַעֲשֵׂה הַרְבֵּה. (פִּרְקֵי אָבוֹת)

کم بگو و زیاد عمل کن.

دستور زبان درس ٥٧

۱- فعل هایی که حرف آخر اصلی آنها «א» است در بینیان « הִפְעִיל » به صورت زیر صرف می شوند:

(פלא) לְהַפְלִיא

הוה:

אני, את, הוא ← מַפְלִיא

אני, את, היא ← מַפְלִיאָה

אנחנו, אתם, הם ← מַפְלִיאִים

אנחנו, אתן, הן ← מַפְלִיאוֹת

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

עבר:

אני ← הִפְלַאתִי	אנחנו ← הִפְלַאנוּ
אתה ← הִפְלֵאתָ את ← הִפְלֵאת	אתם ← הִפְלֵאתֶם אתן ← הִפְלֵאתֶן
הוא ← הִפְלִיא היא ← הִפְלִיאָה	הם, הן ← הִפְלִיאוּ

עתיד:

אני ← אַפְלִיא	אנחנו ← נַפְלִיא
אתה ← תַּפְלִיא את ← תַּפְלִיאִי	אתם ← תַּפְלִיאוּ אתן ← תַּפְלֶאנָה
הוא ← יַפְלִיא היא ← תַּפְלִיא	הם ← יַפְלִיאוּ הן ← תַּפְלֶאנָה

צווי:

הַפְלֵא הַפְלִיאִי הַפְלִיאוּ הַפְלֶאנָה

نکته: در صرف فعل هایی که حرف آخر اصلی آنها «א» است در بینیان « הִפְעִיל »نکات زیر را رعایت کنید:

א) در زمان حال مانند فعل سالم صرف می شوند.

ב) در زمان آینده نیز مانند فعل سالم صرف می شوند به غیر از دوم شخص جمع مونث و نیز سوم شخص جمع مونث که به صورت زیر بیان می شوند:

אתן ← תַּפְלֶאנָה	הן ← תַּפְלֶאנָה

ג) در زمان گذشته دومین حرف اصلی نیکود صقه می گیرد و حرف «א» نیز در اکثر مواقع نیکود ندارد در حالی که در افعال سالم حرف دوم اصلی پتخ می‌گرفت.

۲- صرف فعل « לְהוֹצִיא » به معنای (اخراج کردن، بیرون کردن) مانند صرف فعل هایی است که حرف آخر اصلی آنها «ל» است و همچنین مانند صرف فعل هایی است که حرف اول اصلی آنها «י» است لذا هر دو صیغه را شامل می شود و به صورت زیر صرف میگردد:

הוה:

אני, אתה, הוא ← מוֹצִיא	אנחנו, אתם, הם מוֹצִיאִים
אני, את, היא ← מוֹצִיאָה	אנחנו, אתן, הן מוֹצִיאוֹת

עבר:

אני ← הוֹצֵאתִי	אנחנו ← הוֹצֵאנוּ
אתה ← הוֹצֵאתָ את ← הוֹצֵאת	אתם הוֹצֵאתֶם אתן ← הוֹצֵאתֶן
הוא ← הוֹצִיא היא ← הוֹצִיאָה	הם, הן ← הוֹצִיאוּ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

עתיד:

אני ← אוֹצִיא	אנחנו ← נוֹצִיא
אתה ← תּוֹצִיא את ← תּוֹצִיאִי	אתם ← תּוֹצִיאוּ אתן ← תּוֹצֶאנָה
הוא ← יוֹצִיא היא ← תּוֹצִיא	הם ← יוֹצִיאוּ הן ← תּוֹצֶאנָה

צווי:

הוֹצֵא הוֹצִיאִי הוֹצִיאוּ הוֹצֶאנָה

۳- صرف فعل « לְהָבִיא » به معنای (آوردن) مانند صرف فعل هایی است که حرف آخر اصلی آنها «א» است و همچنین مانند صرف فعل هایی است که حرف دوم اصلی آنها «ו» است لذا هر دو صیغه را شامل می شود و به صورت زیر صرف میگردد:

הוה:

אני, אתה, הוא ← מֵבִיא	אנחנו, אתם, הם ← מְבִיאִים
אני, את, היא ← מְבִיאָה	אנחנו, אתן, הן ← מְבִיאוֹת

עבר:

אני ← הֵבֵאתִי	אנחנו ← הֵבֵאנוּ
אתה ← הֵבֵאתָ את ← הֵבֵאת	אתם ← הֵבֵאתֶם אתן ← הֵבֵאתֶן
הוא ← הֵבִיא היא ← הֵבִיאָה	הם, הן ← הֵבִיאוּ

עתיד:

אני ← אָבִיא	אנחנו ← נָבִיא
אתה ← תָּבִיא את ← תָּבִיאִי	אתם ← תָּבִיאוּ אתן ← תָּבֶאנָה
הוא ← יָבִיא היא ← תָּבִיא	הם ← יָבִיאוּ הן ← תָּבֶאנָה

צווי:

הָבֵא הָבִיאִי הָבִיאוּ הָבֶאנָה

۴- اسم مصدر و یا اسمی که بیانگر عملی است در بینیان « הִפְעִיל » به صورت های زیر ساخته می شود:

א) از فعل های سالم: « הַ ○○ ○ָ ○○ ה »؛ مثال:
לְהַרְגִּישׁ ← הַרְגָּשָׁה לְהַתְחִיל ← הַתְחָלָה

ב) فعلی که اولین حرف اصلی آن « «י» است: « ה ו ○ָ ○○ ה »؛ مثال:
לְהוֹדִיעַ ← הוֹדָעָה לְהוֹצִיא ← הוֹצָאָה

ג) فعلی که دومین حرف اصلی آن «ו» و یا «י» باشد: « הַ ○ָ ○○ ה »؛ مثال:
לְהָבִין ← הֲבָנָה לְהָרִים ← הֲרָמָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הַאִם הָיָה כְּדַאי ?

אִישׁ שָׁמֵן אֶחָד נִכְנַס לְמִסְעָדָה לֶאֱכֹל אֲרוּחַת עֶרֶב. הוּא יָשַׁב וְחִכָּה זְמַן רַב לְמֶלְצַר. הָאִישׁ דָּפַק עַל הַשֻּׁלְחָן פְּעָמִים אֲחָדוֹת. אַחֲרֵי מִסְפַּר דַּקּוֹת בָּא מֶלְצַר. הַמֶּלְצַר שָׂם מַפָּה נְקִיָּה עַל הַשֻּׁלְחָן, הֵגִישׁ לוֹ כּוֹס מַיִם וְלֶחֶם, וְנָתַן לוֹ תַּפְרִיט. הָאִישׁ הוֹצִיא מִכִּיסוֹ אֶת הַמִּשְׁקָפַיִם, וְנִקָּה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

אוֹתָם. הוּא שָׂם אֶת הַמִּשְׁקָפַיִם עַל הָאַף, וְהִבִּיט בַּתַּפְרִיט וּבַמְּחִירִים זְמַן רַב.

הַמֶּלְצַר הֵבִין שֶׁהָאוֹרֵחַ לֹא יָכוֹל לְהַחְלִיט בְּדַעְתּוֹ מַה לְהַזְמִין, וְאָמַר:

— אֲדוֹנִי, הַאִם אַתָּה רוֹצֶה לְהַתְחִיל אֶת הָאֲרוּחָה בְּמֶרַק תַּרְנְגֹלֶת אוֹ בְּמֶרַק יְרָקוֹת?

— לֹא, אֲנִי לֹא אוֹהֵב מָרָק.

— אִם כֵּן, אוּלַי תַּזְמִין דָּגִים? הַדָּגִים טְעִימִים מְאֹד הַיּוֹם.

— לֹא. כְּבָר אָכַלְתִּי דָּגִים הַיּוֹם בַּאֲרוּחַת הַצָּהֳרַיִם, עָנָה הָאִישׁ.

— אִם כֵּן, הִמְשִׁיךְ הַמֶּלְצַר, מָה אַתָּה רוֹצֶה לְהַזְמִין?

— אֲנִי רוֹצֶה לְהַבִּיט בַּתַּפְרִיט מֵחָדָשׁ.

— הֲלֹא כְּבָר קָרָאתָ אֶת הַתַּפְרִיט מֵרֹאשׁוֹ וְעַד סוֹפוֹ לְפָחוֹת שָׁלֹשׁ פְּעָמִים!

— הַתַּפְרִיט הוּא אָרֹךְ מְאֹד, וְאִי־אֶפְשָׁר לְהַגִּיעַ לְהַחְלָטָה כָּל כַּךְ מַהֵר.

סוֹף סוֹף הוֹרִיד הָאִישׁ אֶת הַמִּשְׁקָפַיִם מֵעַל אַפּוֹ, וְאָמַר:

— הָבֵא לִי, בְּבַקָּשָׁה, בָּשָׂר עִם יְרָקוֹת וְתַפּוּחֵי אֲדָמָה.

הַמֶּלְצַר קִבֵּל אֶת הַהַזְמָנָה וְהָלַךְ יָשָׁר לַמִּטְבָּח. אַחֲרֵי דַּקּוֹת אֲחָדוֹת הוּא חָזַר עִם צַלַּחַת גְּדוֹלָה. הַצַּלַּחַת הָיְתָה מְלֵאָה יְרָקוֹת, תַּפּוּחֵי אֲדָמָה וּבְאֶמְצַע הָיְתָה חֲתִיכַת בָּשָׂר קְטַנָּה, דַּקָּה וְרָזָה. הָאִישׁ הֵרִים אֶת הַסַּכִּין וְאֶת הַמַּזְלֵג וְהִתְחִיל לֶאֱכֹל. פִּתְאֹם הִפְסִיק הָאִישׁ לֶאֱכֹל, דָּחַף אֶת הַצַּלַּחַת הַצִּדָּה וְהִתְחִיל לִבְכּוֹת. הַדָּבָר הִפְלִיא אֶת הַמֶּלְצַר.

— מַה קָּרָה לְךָ, אֲדוֹנִי? שָׁאַל הַמֶּלְצַר בְּתִמָּהוֹן. הַאִם כּוֹאֵב לְךָ מַשֶּׁהוּ? אוֹ אוּלַי נִזְכַּרְתָּ בְּמַשֶּׁהוּ עָצוּב?

— אֵיךְ לֹא אֶבְכֶּה, עָנָה הָאִישׁ. הַאִם הָיָה כְּדַאי לִשְׁחֹט שׁוֹר גָּדוֹל בִּשְׁבִיל חֲתִיכַת בָּשָׂר קְטַנָּה, דַּקָּה וְרָזָה כָּזֹאת?!

הַדָּבָר הִצְחִיק אֶת הַמֶּלְצַר. מִיָּד הוּא מִהֵר אֶל בַּעַל הַמִּסְעָדָה וְסִפֵּר לוֹ מַה שֶּׁקָּרָה. בַּעַל הַמִּסְעָדָה פָּרַץ בִּצְחוֹק וְאָמַר:

— מִימַי לֹא קָרָה בַּמִּסְעָדָה שֶׁלִּי מִקְרֶה מַצְחִיק כָּזֶה! אֲנִי לֹא אֶשְׁכַּח אוֹתוֹ עַד יוֹמִי הָאַחֲרוֹן!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۵۷

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מַדּוּעַ הִבִּיט הָאוֹרֵחַ בַּתַּפְרִיט זְמַן רַב? چرا مهمان مدت طولانی به منو نگاه کرد؟

۲. מַדּוּעַ לֹא רָצָה הָאוֹרֵחַ לְהַזְמִין דָּגִים? چرا مهمان نمی خواست ماهی سفارش دهد؟

۳. מַה הוּא הִזְמִין סוֹף סוֹף? در نهایت چه چیزی سفارش داد؟

۴. מַה הֵבִיא הַמֶּלְצַר בַּצַּלַּחַת? پیشخدمت در بشقاب چه چیزی آورد؟

۵. מַדּוּעַ הִתְחִיל הָאוֹרֵחַ לִבְכּוֹת? چرا مهمان شروع به گریه کردن نمود؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. پیشخدمت از آشپزخانه سوپ داغ آورد. ۲. ما سال‌ها به مطالعه عبری ادامه خواهیم داد. ۳. خوردن این سبزیجات بدون چاقو امکان پذیر است، اما خوردن آنها بدون چنگال غیرممکن است. ۴. گاهی اوقات من (مونث) به مادرم کمک می‌کنم تا (=برای اینکه) زمین را تمیز کند. ۵. صدای زیبای عروس همه مهمانانی را که در عروسی بودند شگفت زده کرد . ۶. او (مذکر) از جیبش پول درآورد و به صاحب رستوران داد. ۷. این تکه گوشت نازک اما خوش طعم است. ۸. کاشت (برای کاشت) سیب زمینی در این خاک شایسته است. ۹. مرد چاق نمی‌توانست تصمیم بگیرد کدام شراب را سفارش دهد، قرمز یا سفید. ۱۰. چرا تو (مذکر) عجله داری؟ چه کسی منتظر تو (مذکر) است؟ ۱۱. من (مونث) نمی‌توانم از دور بدون عینک ببینم که چه چیزی روی تخته سیاه نوشته شده است.

۱۲ . دیروز در راهِ رفتن به سینما یک اتفاق خنده‌دار برای من افتاد. ۱۳. منو به زبان عبری نوشته شده بود و من همه کلمات را متوجه نشدم. ۱۴ . من (مونث) فقط یک تکه نان نازک برای صبحانه می‌خورم. ۱۵. وقتی پسر از تصمیم پدرش برای ذبح گاو مطلع شد، شروع به گریه کرد. ۱۶. دیروز شما (مذکر) کجا بودید؟ من تمام روز زنگ زدم (زنگ زدم و زنگ زدم) و کسی جواب نداد.

ج- فعل های زیر را از زمان آینده به گذشته تغییر دهید.

۱. אֲנִי אָבִיא	۴. אֲנַחְנוּ נוֹצִיא	۷. הֵם יָבִיאוּ	۱۰. אַתָּה תַּסְבִּיר
۲. הוּא יַפְסִיק	۵. אַתָּה תַּמְשִׁיךְ	۸. אַתְּ תַּפְלִיאִי	۱۱. אֲנִי אָרִים
۳. הִיא תַּגִּיעַ	۶. אַתֶּם תַּצְחִיקוּ	۹. הִיא תּוֹצִיא	۱۲. אַתְּ תָּבִינִי

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שִׁעוּר נ ח

لغات درس ۵۸

דּוֹמֶה, דּוֹמָה: شبیه؛ شبیه (مونث) similar, like

חֻלְצָה (חֻלְצוֹת): پیراهن؛ (جمع: پیراهن‌ها) shirt, blouse

יְדִיעָה (יְדִיעוֹת): دانش؛ (جمع: دانش‌ها) knowledge

יָמִין: جهت راست، سمت راست right (side; hand)

יְסוֹדִי, יְסוֹדִית: پایه‌ای، اساسی؛ پایه‌ای، اساسی (مونث) basic; fundamental

(כון, לְהָכִין) הֵכִין: (فراهم کرد؛ مصدر: فراهم کردن)؛ فراهم کرد prepared

(לבש, לְהִתְלַבֵּשׁ) הִתְלַבֵּשׁ: (؛ مصدر: خودش لباس پوشیدن)؛ خودش لباس پوشید dressed himself

מַגֶּבֶת (מַגָּבוֹת): حوله؛ (جمع: حوله‌ها) towel

מִכְנָסַיִם: شلوار Pants n.m.pl.

נָגַב (לְנַגֵּב): خشک کرد؛ (مصدر: خشک کردن) dried; wiped

(נגב, לְהִתְנַגֵּב) הִתְנַגֵּב: (خشک کرد؛ مصدر: خودش خشک کردن)؛ خودش خشک کرد dried himself

סִדּוּר (סִדּוּרִים): کتاب دعا؛ (جمع: کتاب‌های دعا) prayerbook; arrangement

(פלל, לְהִתְפַּלֵּל) הִתְפַּלֵּל: (دعا خواند، نماز خواند؛ مصدر: دعا خواندن، نماز خواندن)؛ دعا خواند، نماز خواند prayed

פָּשַׁט (לִפְשֹׁט): درآورد (لباس)؛ (مصدر: درآوردن) took off (clothes)

(פשט, לְהִתְפַּשֵּׁט) הִתְפַּשֵּׁט: (درآورد؛ مصدر: خودش درآوردن)؛ خودش درآورد undressed himself

(רחץ, לְהִתְרַחֵץ) הִתְרַחֵץ: (شست؛ مصدر: خودش شستن)؛ خودش شست washed himself

רְשִׁימָה (רְשִׁימוֹת): لیست؛ (جمع: لیست‌ها) list, n.

רְשִׁימוֹת: یادداشت notes; jottings

רָשַׁם (לִרְשֹׁם): (لیست کرد؛ مصدر: لیست کردن)؛ لیست کرد listed; jotted down

שְׂמֹאל: سمت چپ left (side; hand)

שַׁכְחָן, שַׁכְחָנִית: فراموشکار؛ فراموشکار (مونث) forgetful person

שָׂמַח (לִשְׂמֹחַ): خوشحال شد؛ (مصدر: خوشحال شدن) rejoiced, was happy

אָדָם בְּלִי חָבֵר, כִּשְׂמֹאל בְּלִי יָמִין (מִסִּפְרוּת יה"ב)

انسان بدون دوست مثل سمت چپِ بدون سمتِ راست است.

دستور زبان درس ۵۸

۱- بینیان « הִתְפַּעֵל » معنای افعالی را می‌دهد که فاعل و مفعول آن یک فرد باشد و یا فاعل فعل دو فرد باشد؛

مثال:

לִלְבֹּשׁ پوشیدن	לִכְתֹּב نوشتن
לְהִתְלַבֵּשׁ لباس پوشیدن(خود فرد)	לְהִתְכַּתֵּב مکاتبه کردن(خود فرد)

نکته: برخی از افعال در این بینیان همان معنای فعل ساده را دارند؛ مثال:

לְהִתְפַּלֵּל

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۲- صرف افعال سالم در این بینیان به صورت زیر است:

(נגב) לְהִתְנַגֵּב

הוה:

אני, אתה, הוא ← מִתְנַגֵּב
אני, את, היא ← מִתְנַגֶּבֶת
אנחנו, אתם, הם ← מִתְנַגְּבִים
אנחנו, אתם, הם ← מִתְנַגְּבוֹת

עבר:

אני ← הִתְנַגַּבְתִּי
אתה ← הִתְנַגַּבְתָּ את ← הִתְנַגַּבְתְּ
הוא ← הִתְנַגֵּב היא ← הִתְנַגְּבָה
אנחנו ← הִתְנַגַּבְנוּ
אתם ← הִתְנַגַּבְתֶּם אתן ← הִתְנַגַּבְתֶּן
הם, הן ← הִתְנַגְּבוּ

עתיד:

אני ← אֶתְנַגֵּב
אתה ← תִּתְנַגֵּב את ← תִּתְנַגְּבִי
הוא ← יִתְנַגֵּב היא ← תִּתְנַגֵּב
אנחנו ← נִתְנַגֵּב
אתם ← תִּתְנַגְּבוּ אתן ← תִּתְנַגַּבְנָה
הם ← יִתְנַגְּבוּ הן ← תִּתְנַגַּבְנָה

צווי:

הִתְנַגֵּב הִתְנַגְּבִי הִתְנַגְּבוּ הִתְנַגַּבְנָה

نکته: شباهت هایی بین بینیان « הִתְפַּעֵל » و «פִּעֵל» وجود دارد به این صورت که در هر دو بینیان، سه حرف اصلی به صورت مشابه تلفظ می شوند فقط در زمان گذشته در بینیان « הִתְפַּעֵל » حرف اول اصلی به جای خیقیک، نیکود پتخ می پذیرد؛ مثال:

פִּעֵל	הִתְפַּעֵל
הוه: הוא מְנַגֵּב او شدیدا خشک می شود	הוא מִתְנַגֵּב او خودش را خشک می کند
עבר: הוא נִגֵּב او به شدت خشک می شود	הוא הִתְנַגֵּב او خودش را خشک کرد
עתיד: הוא יְנַגֵּב او شدیدا خشک خواهد شد	הוא יִתְנַגֵּב او خودش را خشک خواهد کرد
צווי: אתה נַגֵּב خشک کن	אתה הִתְנַגֵּב خودت را خشک کن

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

דַּע אֶת עַצְמְךָ

פַּעַם שָׁאֲלוּ תַּלְמִידִים אֶת רַבָּם: "מַה הִיא הַבְּעָיָה הַיְסוֹדִית שֶׁל הָאָדָם בַּחַיִּים?"

הָרַבִּי חָשַׁב רֶגַע, וְעָנָה:

— הַבְּעָיָה הַיְסוֹדִית הִיא, שֶׁאֵין הָאָדָם יוֹדֵעַ אֶת עַצְמוֹ וְאֶת מְקוֹמוֹ בַּחַיִּים. אֲנָשִׁים רַבִּים הֵם כְּמוֹ הַיֶּלֶד הַשָּׁכְחָן בַּסִּפּוּר: "אֵיפֹה אֲנִי?". וְהִנֵּה אֲסַפֵּר לָכֶם אֶת הַסִּפּוּר.

מִיכָאֵל הָיָה יֶלֶד שַׁכְחָן. תָּמִיד הָיָה שׁוֹכֵחַ בְּאֵיזֶה מָקוֹם הוּא שָׂם אֶת הַדְּבָרִים שֶׁלּוֹ. בְּכָל בֹּקֶר, כַּאֲשֶׁר הָיָה קָם מִמִּטָּתוֹ, הוּא הָיָה מְחַפֵּשׂ זְמַן רַב כָּל דָּבָר וְדָבָר. כַּאֲשֶׁר הָיָה הוֹלֵךְ לְהִתְרַחֵץ, וְרָצָה לְנַגֵּב אֶת הַפָּנִים וְאֶת הַיָּדַיִם, לֹא הָיָה יָכוֹל לִמְצֹא אֶת הַמַּגֶּבֶת שֶׁלּוֹ. כַּאֲשֶׁר רָצָה לְהִתְלַבֵּשׁ, לֹא הָיָה יָכוֹל לִמְצֹא אֶת בְּגָדָיו. כַּאֲשֶׁר רָצָה לְהִתְפַּלֵּל, לֹא זָכַר אֵיפֹה הוּא שָׂם אֶת סִדּוּרוֹ. תָּמִיד הָיָה מְאַחֵר לְבֵית הַסֵּפֶר, וְהָיָה צָרִיךְ לָלֶכֶת לַמִּשְׂרָד שֶׁל הַמְנַהֵל כְּדֵי לְקַבֵּל רְשׁוּת לְהִכָּנֵס לַכִּתָּה.

פַּעַם אַחַת אָמְרָה לוֹ אִמּוֹ:

— מִיכָאֵל בְּנִי, יֵשׁ לִי רַעְיוֹן מְצֻיָּן בִּשְׁבִילְךָ. אִם אַתָּה רוֹצֶה לָבוֹא בִּזְמַן לְבֵית הַסֵּפֶר, שְׁמַע לַעֲצָה שֶׁלִּי: בָּעֶרֶב לִפְנֵי שֶׁאַתָּה הוֹלֵךְ לִישׁוֹן, בָּרִאשׁוֹנָה סַדֵּר אֶת סְפָרֶיךָ. אַחֲרֵי־כֵן, כַּאֲשֶׁר אַתָּה פּוֹשֵׁט אֶת בְּגָדֶיךָ, קַח נְיָר נָקִי וְהָכֵן לְךָ רְשִׁימָה. בָּרְשִׁימָה כְּתֹב בְּאֵיזֶה מָקוֹם אַתָּה שָׂם כָּל דָּבָר וְדָבָר.

מִיכָאֵל שָׂמַח עַל הָעֵצָה הַזֹּאת וְהוֹדָה לְאִמּוֹ.

בָּעֶרֶב, לִפְנֵי שֶׁמִּיכָאֵל הָלַךְ לִישׁוֹן, הוּא סִדֵּר אֶת סְפָרָיו בְּיַלְקוּטוֹ. הוּא הִתְפַּשֵּׁט מַהֵר וְרָחַץ אֶת פָּנָיו וְיָדָיו. אָז הוֹצִיא נְיָר נָקִי מִן הַמַּחְבֶּרֶת שֶׁלּוֹ, לָקַח עִפָּרוֹן אָדֹם וְרָשַׁם בְּאוֹתִיּוֹת גְּדוֹלוֹת:

הַמַּגֶּבֶת שֶׁלִּי בְּצַד שְׂמֹאל שֶׁל הַדֶּלֶת
הַמְּכֻנָּסַיִם עַל הַכִּסֵּא בְּצַד יָמִין שֶׁל הָאָרוֹן
הַחֻלְצָה בַּפִּנָּה לְיַד הַחַלּוֹן
הַנַּעֲלַיִם תַּחַת הַמִּטָּה
הַסִּדּוּר בָּאָרוֹן הַסְּפָרִים
וַאֲנִי — בַּמִּטָּה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

בְּשָׁבָע וְחִצִי בַּבֹּקֶר, כַּאֲשֶׁר הַשָּׁעוֹן צִלְצֵל, מִיָּד קָם מִיכָאֵל מִמִּטָּתוֹ. לָקַח אֶת הָרְשִׁימָה שֶׁהֵכִין, שָׂם אֶת הַמִּשְׁקָפַיִם עַל אַפּוֹ וְקָרָא בְּשִׂמְחָה:

— הַיּוֹם לֹא אֲאַחֵר! הַיּוֹם אָבוֹא מֻקְדָּם אֶל בֵּית הַסֵּפֶר.

מִיכָאֵל הִתְרַחֵץ. לָקַח אֶת הַמַּגֶּבֶת וְהִתְנַגֵּב. אַחֲרֵי־כֵן לָקַח אֶת הַמִּכְנָסַיִם וְאֶת הַחֻלְצָה וְהִתְלַבֵּשׁ מַהֵר. אָז הִבִּיט תַּחַת הַמִּטָּה וְהוֹצִיא אֶת הַנַּעֲלַיִם. אַחֲרֵי־כֵן הוֹצִיא אֶת הַסִּדּוּר מֵאָרוֹן הַסְּפָרִים וְהִתְחִיל לְהִתְפַּלֵּל. כַּאֲשֶׁר הוּא גָּמַר לְהִתְפַּלֵּל, הִבִּיט שׁוּב בָּרְשִׁימָה וְקָרָא: "וַאֲנִי — בַּמִּטָּה".

מִיכָאֵל הִבִּיט וְרָאָה שֶׁהַמִּטָּה רֵיקָה. אָז הֵרִים אֶת קוֹלוֹ וְקָרָא:

— אִמָּא, וְאֵיפֹה אֲנִי?!

הָרַבִּי גָּמַר אֶת סִפּוּרוֹ, פָּנָה אֶל תַּלְמִידָיו, וְהִמְשִׁיךְ:

— אֲנָשִׁים רַבִּים דּוֹמִים לַיֶּלֶד מִיכָאֵל, יֵשׁ לָהֶם יְדִיעוֹת רַבּוֹת וְשׁוֹנוֹת, אֲבָל אֶת מְקוֹמָם בָּעוֹלָם אֵינָם יוֹדְעִים.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۵۸

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מַדּוּעַ הָיָה מִיכָאֵל בָּא מְאֻחָר אֶל בֵּית הַסֵּפֶר ? چرا میخائیل دیر به مدرسه می رسید؟

۲. אֵיזוֹ עֵצָה טוֹבָה נָתְנָה לוֹ אִמּוֹ? چه توصیه ی (پیشنهاد) خوبی را مادر به او گفت؟

۳. אֵיפֹה הוּא שָׂם אֶת הַמַּגָּבַת וְאֶת הַמִּכְנָסַיִם ? او حوله و شلوار را در کجا گذاشت؟

۴. מַדּוּעַ הוּא שָׂמַח כַּאֲשֶׁר לָקַח אֶת הָרִשְׁיָמָה בַּבֹּקֶר ? چرا او زمانی که در هنگام صبح لیست را برداشت، خوشحال شد؟

۵. לְפִי הָרַבִּי, מָה הִיא הַבְּעָיָה הַיְסוֹדִית שֶׁל הָאָדָם בַּחַיִּים ? به گفته ی ربی، مشکل اساسی انسان در زندگی چیست؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. من دیر بیدار شدم، سریع لباس خودم را پوشیدم، اما وقت نداشتم صبحانه بخورم. ۲. من به خانه برگشتم زیرا یادداشت‌هایم را در اتاق ناهارخوری فراموش کرده بودم. ۳. بسیاری از کودکان دوست ندارند خود را بشویند. ۴. او (مذکر) نماز را بدون کتاب دعا می‌خواند زیرا همه نمازها را از حفظ می‌داند. ۵. مامان حوله تمیز کجاست؟ من میخواهم خودم را خشک کنم. ۶. او (مذکر) دنبال کفش‌هایش گشت و بالاخره زیر نیمکت پیدا کرد. ۷. عبری از راست به چپ نوشته می شود و انگلیسی از چپ به راست نوشته می‌شود. ۸. این پیراهن یک معامله عالی است، فقط یک دلار و نیم قیمت دارد. ۹. شبات آینده من شلوار و کت جدیدم را می‌پوشم و بعد به دیدن دوست دخترم می‌روم. ۱۰. پسر من فقط سه سال دارد و از قبل می‌داند چطور خودش لباس بپوشد و خودش در بیاورد. ۱۱. او(مذکر) تمام کلمات جدید را در دفترچه‌اش یادداشت می‌کند. ۱۲ . لطفاً یک حوله به من بدهید تا بشقاب‌ها را خشک کنم. ۱۳. من از آمدن به کلاس می‌ترسیدم زیرا درس را آماده نکرده بودم. ۱۴. از دیدن شما بسیار خوشحال می‌شویم، لطفا بیایید. ۱۵. ایمان و عدالت اجتماعی مفاهیم اساسی در کتاب مقدس هستند.

ج- فعل های زیر را در سه زمان گذشته، حال و آینده صرف کنید.

לְהִתְפַּלֵּל - نماز خواندن

לְהִתְרַחֵץ - شستن

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שִׁעוּר נט

لغات درس ٥٩

(בוש, לְהִתְבַּיֵּשׁ) הִתְבַּיֵּשׁ: (خجالت؛ مصدر: خجالت کشید)؛ خجالت کشید

מְלַמֵּד (מְלַמְּדִים): معلم(مذهبی)؛ (جمع: معلم‌ها)

(נגד, לְהִתְנַגֵּד ל...) הִתְנַגֵּד: (ضد، علیه؛ مصدر: مخالفت کردن)؛ مخالفت کرد با...

(סכל, לְהִסְתַּכֵּל) הִסְתַּכֵּל: (نگاه کرد؛ مصدر: نگاه کردن از نزدیک)؛ با دقت نگاه کرد، از نزدیک نگاه کرد

עֵז (עִזִּים): بز؛ (جمع: بزها)

עֲיָרָה (עֲיָרוֹת): شهر کوچک؛ (جمع: شهرهای کوچک)

פֶּלֶא (פְּלָאִים): شگفت‌انگیز، (جمع: شگفت‌انگیزان)

(פלא, לְהִתְפַּלֵּא) הִתְפַּלֵּא: (مصدر: شگفت‌زده شدن)؛ شگفت‌زده شد

צָפוּף, צְפוּפָה: شلوغ، متراکم؛ شلوغ، متراکم (مونث)

צְפִיפוּת: شلوغی

רַבִּי: ربی (یک درجه از روحانیون حَسیدی)

(רגז, לְהִתְרַגֵּז) הִתְרַגֵּז: (مصدر: عصبانی شدن)؛ عصبانی شد

(רגל, לְהִתְרַגֵּל) הִתְרַגֵּל: (عادت کرد؛ مصدر: عادت کردن)؛ عادت کرد

(שגע, לְהִשְׁתַּגֵּעַ) הִשְׁתַּגֵּעַ: (مصدر: دیوانه شدن)؛ دیوانه شد

(שדל, לְהִשְׁתַּדֵּל) הִשְׁתַּדֵּל: (قانع کرد؛ مصدر: تلاش کردن)؛ تلاش کرد

בְּדֶרֶךְ כְּלָל: معمولاً، طبق معمول

יוֹם יוֹם: هر روز

לְפִי דַּעְתִּי: به نظر من

מָה הָעִנְיָנִים?: موضوع چیه؟

אַיזֶהוּ עָשִׁיר? הַשָּׂמֵחַ בְּחֶלְקוֹ. (פִּרְקֵי אָבוֹת)

چه کسی ثروتمند است؟ کسی که قناعت کند.

دستور زبان درس ٥٩

۱- در بینیان « הִתְפַּעֵל » اگر حرف اول اصلی فعلی حروف «שׁ»، «שׂ» و یا «ס» باشد جای این حروف با «ת» بینیان عوض می شود؛ مثال:

לְהִתְסַכֵּל ← לְהִסְתַּכֵּל

לְהִתְשַׁגֵּל ← לְהִשְׁתַּדֵּל

صرف فعل:

(סכל) לְהִסְתַּכֵּל

הוה:

אני, אתה, הוא ← מִסְתַּכֵּל

אני, את, היא ← מִסְתַּכֶּלֶת

אנחנו, אתם, הם ← מִסְתַּכְּלִים

אנחנו, אתן, הן ← מִסְתַּכְּלוֹת

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

عبر:

אני ← הִסְתַּכַּלְתִּי	אנחנו ← הִסְתַּכַּלְנוּ
אתה ← הִסְתַּכַּלְתָּ את ← הִסְתַּבַּלְתְּ	אתם ← הִסְתַּבַּלְתֶּם אתן ← הִסְתַּכַּלְתֶּן
הוא ← הִסְתַּכַּל היא ← הִסְתַּכְּלָה	הם, הן ← הִסְתַּכְּלוּ

עתיד:

אני ← אֶסְתַּכֵּל	אנחנו ← נִסְתַּכֵּל
אתה ← תִּסְתַּכֵּל את ← תִּסְתַּכְּלִי	אתם ← תִּסְתַּכְּלוּ אתן ← תִּסְתַּכֵּלְנָה
הוא ← יִסְתַּכֵּל היא ← תִּסְתַּכֵּל	הם ← יִסְתַּכְּלוּ הן ← תִּסְתַּכֵּלְנָה

צווי:

הִסְתַּכֵּל הִסְתַּכְּלִי הִסְתַּבְּלוּ הִסְתַּכֵּלְנָה

۲- اگر فعلی که آخرین حرف اصلی آن «א» باشد در بینیان « הִתְפַּעֵל » استعمال شود به صورت زیر صرف می‌شود:

(פלא) לְהִתְפַּלֵּא

הוה:

אני, אתה, הוא ← מִתְפַּלֵּא	אנחנו, אתם, הם ← מִתְפַּלְּאִים
אני, את, היא ← מִתְפַּלֵּאת	אנחנו, אתן, הן ← מִתְפַּלְּאוֹ

עבר:

אני ← הִתְפַּלֵּאתִי	אנחנו ← הִתְפַּלֵּאנוּ
אתה ← הִתְפַּלֵּאתָ את ← הִתְפַּלֵּאת	אתם ← הִתְפַּלֵּאתֶם אתן ← הִתְפַּלֵּאתֶן
הוא ← הִתְפַּלֵּא היא ← הִתְפַּלְּאָה	הם, הן ← הִתְפַּלְּאוּ

עתיד:

אני ← אֶתְפַּלֵּא	אנחנו ← נִתְפַּלֵּא
אתה ← תִּתְפַּלֵּא את ← תִּתְפַּלְּאִי	אתם ← תִּתְפַּלְּאוּ אתן ← תִּתְפַּלֵּאנָה
הוא ← יִתְפַּלֵּא היא ← תִּתְפַּלֵּא	הם ← יִתְפַּלְּאוּ הן ← תִּתְפַּלֵּאנָה

צווי:

הִתְפַּלֵּא הִתְפַּלְּאִי הִתְפַּלְּאוּ הִתְפַּלֵּאנָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

نکته: در زمان گذشته این فعل، حرف دوم به جای پتخ، نیکود صقه می‌گیرد.

۳- با کلمه پرسشی « אֵיזֶה » می توان مفهوم تعجب را نیز انتقال داد؛ مثال:

אֵיזֶה פֶּלֶא! چه شگفت انگیز! אֵיזוֹ אִשָּׁה! چه زنی!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הָרַבִּי וְהָעֵז

בַּעֲיָרָה אַחַת גָּר מְלַמֵּד עָנִי. הַמְלַמֵּד הָיָה בַּעַל מִשְׁפָּחָה גְּדוֹלָה.
הַבַּיִת שֶׁלּוֹ הָיָה קָטָן מְאֹד, וְהַצְּפִיפוּת בּוֹ הָיְתָה רַבָּה.
יוֹם יוֹם הָיְתָה הָאִשָּׁה אוֹמֶרֶת לְבַעֲלָהּ:
— כַּמָּה רַע וּמַר לִי! אֵינֶנִּי יְכוֹלָה לִסְבֹּל אֶת הַצְּפִיפוּת בַּבַּיִת.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הַתַּלְמִיד הָיָה אִישׁ דָּתִי, וְהָיָה מִתְפַּלֵּל שָׁלֹשׁ פְּעָמִים בַּיּוֹם בְּבֵית הַכְּנֶסֶת שֶׁל הָרַבִּי. יוֹם אֶחָד הֶחְלִיט הַתַּלְמִיד לָלֶכֶת אֶל הָרַבִּי לְבַקֵּשׁ מִמֶּנּוּ עֵצָה. אַחֲרֵי תְּפִלַּת הַבֹּקֶר קָם הַתַּלְמִיד וְהָלַךְ אֶל הָרַבִּי.

— מָה הָעִנְיָנִים? בִּגְלַל מַה בָּאתָ אֵלַי, בְּנִי? שָׁאַל אוֹתוֹ הָרַבִּי.

— רַבִּי, יֵשׁ לִי צָרוֹת, עָנָה הַתַּלְמִיד. הַמִּשְׁפָּחָה שֶׁלִּי, בָּרוּךְ הַשֵּׁם, גְּדוֹלָה, אֲבָל הַבַּיִת קָטָן וְאֵין בּוֹ מָקוֹם לָזוּז.

הָרַבִּי הִקְשִׁיב לַבְּעָיָה, וְאַחֲרֵי דַּקּוֹת אֲחָדוֹת שָׁאַל:

— הַאִם יֵשׁ לְךָ עֵז?

— כֵּן, רַבִּי, עָנָה הַתַּלְמִיד. יֵשׁ לָנוּ עֵז רָזָה אַחַת.

— אִם כֵּן, אָמַר הָרַבִּי, הַכְנֵס אֶת הָעֵז אֶל הַבַּיִת.

הַתַּלְמִיד הִתְפַּלֵּא עַל הָעֵצָה הַזֹּאת, אֲבָל בְּכָל זֹאת לֹא פִקְפֵּק בְּחָכְמַת הָרַבִּי, כִּי הֶאֱמִין בָּרַבִּי בְּכָל לִבּוֹ. הוּא הָלַךְ וְהִכְנִיס אֶת הָעֵז אֶל הַבַּיִת.

הָאִשָּׁה לֹא הִתְנַגְּדָה. הִיא הִשְׁתַּדְּלָה לְהִתְרַגֵּל לַמַּצָּב הֶחָדָשׁ, אֲבָל לֹא יָכְלָה.

— אֵיזֶה מִין עֵצָה נָתַן לְךָ הָרַבִּי! צָעֲקָה הָאִשָּׁה. לְפִי דַּעְתִּי זוֹ עֵצָה רָעָה. לֵךְ וְהַגֵּד לוֹ שֶׁעַכְשָׁו עוֹד יוֹתֵר צָפוּף בַּבַּיִת.

הַתַּלְמִיד הִסְתַּפֵּל בְּאִשְׁתּוֹ וְלֹא עָנָה דָּבָר, כִּי גַּם הוּא לֹא הֵבִין אֶת הָעֵצָה שֶׁל הָרַבִּי. הוּא יָצָא מֵהַבַּיִת וּמִהֵר אֶל הָרַבִּי לְבַקֵּשׁ עֵצָה אַחֶרֶת מִמֶּנּוּ.

— הַאִם יֵשׁ לָכֶם בַּעֲלֵי־חַיִּים אֲחֵרִים חוּץ מִן הָעֵז? שָׁאַל הָרַבִּי. לְמָשָׁל, תַּרְנְגֹל אוֹ תַּרְנְגֹלֶת?

— כֵּן, רַבִּי, עָנָה הַתַּלְמִיד. יֵשׁ לָנוּ תַּרְנְגֹלֶת שְׁמֵנָה אַחַת.

— אִם כֵּן, אָמַר הָרַבִּי, הַכְנֵס אוֹתָהּ אֶל הַבַּיִת.

הַפַּעַם הָיָה לוֹ עוֹד יוֹתֵר קָשֶׁה לְהָבִין אֶת הָעֵצָה שֶׁל הָרַבִּי, אֲבָל בְּכָל זֹאת שָׁמַע בְּקוֹלוֹ וְעָשָׂה כְּמוֹ שֶׁצִּוָּה הָרַבִּי. הוּא הָלַךְ וְהִכְנִיס אֶת הַתַּרְנְגֹלֶת אֶל הַבַּיִת.

בְּדֶרֶךְ כְּלָל, הָאִשָּׁה לֹא הָיְתָה מִתְנַגֶּדֶת לְמַעֲשֵׂי בַּעֲלָהּ. הִיא תָּמִיד הָיְתָה עוֹשָׂה אֶת רְצוֹן בַּעֲלָהּ כְּמוֹ כָּל אִשָּׁה טוֹבָה. מֵעוֹלָם לֹא הֵרִימָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

אֶת קוֹלָהּ עָלָיו וְלֹא רָבָה אִתּוֹ. אֲבָל הַפַּעַם הִיא הִתְרַגְּזָה מְאֹד וְהִתְחִילָה לִבְכּוֹת. הִיא צָעֲקָה וְאָמְרָה:

— אִי אֶפְשָׁר לְהַמְשִׁיךְ בַּמַּצָּב הַנּוֹרָא הַזֶּה. רוּץ מַהֵר אֶל הָרַבִּי וֶאֱמֹר לוֹ, כִּי אֶפְשָׁר לְהִשְׁתַּגֵּעַ מִן הָרַעַשׁ וּמִן הַצְּפִיפוּת!

שׁוּב רָץ הַמְלַמֵּד אֶל הָרַבִּי. הָרַבִּי הִקְשִׁיב לְדִבְרֵי הַמְלַמֵּד, וְאָמַר:

— לֵךְ וְהוֹצֵא אֶת הָעֵז וְאֶת הַתַּרְנְגֹלֶת מִן הַבַּיִת.

הַמְלַמֵּד הִתְפַּלֵּא מְאֹד, אֲבָל הִתְבַּיֵּשׁ לִשְׁאֹל שְׁאֵלוֹת. הוּא הָלַךְ וְהוֹצִיא אֶת הָעֵז וְאֶת הַתַּרְנְגֹלֶת מֵהַבַּיִת.

וְהִנֵּה נֵס! הַמְלַמֵּד וְאִשְׁתּוֹ הִסְתַּכְּלוּ זֶה בְּזוֹ וְקָרְאוּ פֶּה אֶחָד:

— כַּמָּה חָכָם הוּא רַבֵּנוּ! אֵין עוֹד צְפִיפוּת בַּבַּיִת. אֵיזֶה פֶּלֶא!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۵۹

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מַדּוּעַ הָיְתָה צְפִיפוּת גְּדוֹלָה בַּבַּיִת שֶׁל הַמְלַמֵּד ? چرا خانه معلم شلوغی زیادی داشت؟

۲. מָה אָמְרָה אֵשֶׁת הַמְלַמֵּד לְבַעֲלָהּ? همسر معلم به او چه گفت؟

۳. מָה הָיְתָה הָעֲצָה הָרִאשׁוֹנָה שֶׁל הָרַבִּי ? پیشنهاد (=توصیه‌ی) اول ربی چه بود؟

۴. מָה הָיְתָה הָעֲצָה הַשְּׁנִיָּה שֶׁל הָרַבִּי ? پیشنهاد (=توصیه‌ی) دوم ربی چه بود؟

۵. מָתַי הִרְגִּישׁוּ הַמְלַמֵּד וְאִשְׁתּוֹ שֶׁאֵין עוֹד צְפִיפוּת בַּבַּיִת ? چرا معلم و همسرش احساس کردند که دیگر خانه شلوغ نیست؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. گاهی من دوست دارم کنار (نزدیک) پنجره بنشینم و به افرادی که در خیابان رد می‌شوند نگاه کنم. ۲. او (مونث) هنوز عادت نکرده بود که زود بلند شود. ۳. ما از اینکه تو (مذکر) با قانون جدید مخالف هستی تعجب می‌کنیم. ۴. ازدحام بیش از حد در اینجا بسیار زیاد است زیرا بیش از سی دانش آموز در این اتاق حضور دارند. ۵. او (مذکر) بیمار بود، اما با این وجود سر کار آمد. ۶. لطفاً سعی کنید فردا صبح زود بیایید تا خط تلفن ما را تعمیر (تعمیر) کنید. ۷. قاعدتاً ارزش ندارد که از هر چیز کوچکی (از) عصبانی شویم. ۸. آیا تو دیوانه شدی، چرا نصفه شب، آواز میخوانی؟ ۹. از پرسیدن سوال خجالت نکشید (مذکر). ۱۰. حتی در شهرهای کوچک همیشه معلمان مذهبی بودند. ۱۱. کشاورز بز چاق را فروخت و به جای آن یک خروس و هفت مرغ خرید. ۱۲. آنقدر در قطار شلوغ بود که حتی جای ایستادن هم نبود. ۱۳. من به این تمرینات عادت کردم و می‌توانم آنها را بدون مشکل انجام دهم. ۱۴. من یک پسر استثنایی دارم، او همیشه از من اطاعت می‌کند. ۱۵. من از تو (مونث) تعجب می‌کنم که چنین سؤال ساده‌ای می پرسید. ۱۶. جای تعجب نیست که او (مذکر) در آزمون موفق شد، او (مذکر) باهوش است و همیشه سعی می‌کند برای هر آزمونی آماده باشد.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

ج- فعل های زیر را از زمان گذشته به زمان آینده تبدیل کنید.

۱. הִיא הִסְתַּכְּלָה בִּי בְּאַהֲבָה.

۲. לֹא הִתְרַגַּלְנוּ לַחַיִּים בָּעִיר גְּדוֹלָה.

۳. הוּא הִשְׁתַּדֵּל לִגְמֹר מַהֵר אֶת עֲבוֹדָתוֹ.

۴. לֹא הִשְׁתַּגַּעְתִּי לַעֲשׂוֹת זֹאת.

۵. מַדּוּעַ הִתְרַגַּזְתָּן עָלָיו?

۶. הָאִשָּׁה הִתְלַבְּשָׁה בִּמְעִילָהּ הֶחָדָשׁ.

۷. הַיֶּלֶד לֹא הִתְבַּיֵּשׁ לִשְׁאֹל שְׁאֵלוֹת.

۸. מַדּוּעַ הִתְפַּלַּאתְ כָּל כָּךְ?

۹. מַדּוּעַ לֹא הִתְרַחַצְתֶּם בַּיָּם?

۱۰. הִיא הִתְפַּלְּלָה בְּקוֹל.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שִׁעוּר ס
لغات درس ۶۰

אַף־עַל־פִּי שֶׁ...: اگر چه، با اینکه although

אֹפֶן (אֳפָנִים): سبک، روش، شیوه manner, way

(זקן, לְהִזְדַּקֵּן) הִזְדַּקֵּן: (پیر؛ مصدر: پیر شدن)؛ پیر شد aged; became old

חָבִית (חָבִיּוֹת): بشکه، خمره؛ (جمع: بشکه‌ها، خمره‌ها) barrel

חָסֵר, חֲסֵרָה: کمبود، چیز ناقص؛ کمبود، چیز ناقص (مونث) lacking; missing

יָוָן: یونان Greece

יַחַס (יְחָסִים): رفتار ، برخورد؛ (جمع: رفتارها، برخوردها) relationship; attitude

כְּסָה (לְכַסּוֹת): پوشاند؛ (مصدر: پوشاندن) covered

בְּכַעַס: به‌طور عصبانی، خشمناک angrily

בִּמְנוּחָה: با آرامش، به آرامی peacefully; restfully

מְדִינָה (מְדִינוֹת): کشور؛ (جمع: کشورها) state; country

מַתָּר, מֻתָּרֶת: اجازه(قانونی)، حکم، جواز؛ اجازه، حکم، جواز (مونث) permitted; lawful

(נכר, לְהַכִּיר) הִכִּיר: (شناسایی کرد؛ مصدر: شناختن)، شناخت recognized; became acquainted

פִּילוֹסוֹף: فیلسوف، یک لغت دخیل philosopher

(צין, לְהִצְטַיֵּן) הִצְטַיֵּן: (برتر بودن؛ مصدر: برتری یافتن، بالاتر آمدن)؛ برتری یافت excelled

(צער, לְהִצְטַעֵר) הִצְטַעֵר: (شرمنده شد؛ مصدر: شرمنده شدن)، شرمنده شد was sorry; regretted

קְצָת: کم، اندک a little adv.

(קרב, לְהִתְקָרֵב) הִתְקָרֵב: (نزدیک شد؛ مصدر: نزدیک شدن)؛ نزدیک شد drew near; approached

רָדַף (לִרְדּוֹף) אַחֲרֵי: گشت به دنبال...، جستجو کرد به دنبال...؛ (مصدر: گشتن، جستجو کردن) Pursued; ran after

רְצִינוּת: با جدیت seriousness

בִּרְצִינוּת: به طور جدی seriously

שׁוּם דָּבָר: هر چیزی anything

בָּשָׂר וָדָם: گوشت و خون a mortal; flesh and blood

צֶדֶק, צֶדֶק תִּרְדֹּף (דברים סז , ۲۰)

عدالت، عدالت، به دنبالش باش(فقط به دنبال عدالت باش)

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

دستور زبان درس ۶۰

۱- در بینیان « הִתְפַּעֵל » اگر حرف اول اصلی فعلی « ז » باشد حرف « ת » بینیان به حرف « ד »تبدیل می‌شود؛ مثال:

(זקן) לְהִזְדַּקֵּן

הוה:

אני, אתה, הוא ← מִזְדַּקֵּן
אני, את, היא ← מִזְדַּקֶּנֶת
אנחנו, אתם, הם ← מִזְדַּקְּנִים
אנחנו, אתן, הן ← מִזְדַּקְּנוֹת

עבר:

אני ← הִזְדַּקַּנְתִּי
אתה ← הִזְדַּקַּנְתָּ את ← הִזְדַּקַּנְתְּ
הוא ← הִזְדַּקֵּן היא ← הִזְדַּקְּנָה
אנחנו ← הִזְדַּקַּנּוּ
אתם ← הִזְדַּקַּנְתֶּם אתן ← הִזְדַּקַּנְתֶּן
הם הן ← הִזְדַּקְּנוּ

עתיד:

אני ← אֶזְדַּקֵּן
אתה ← תִּזְדַּקֵּן את ← תִּזְדַּקְּנִי
הוא ← יִזְדַּקֵּן היא ← תִּזְדַּקֵּן
אנחנו ← נִזְדַּקֵּן
אתם ← תִּזְדַּקְּנוּ אתן ← תִּזְדַּקֵּנָה
הם ← יִזְדַּקְּנוּ הן ← תִּזְדַּקֵּנָה

צווי:

הִזְדַּקֵּן הִזְדַּקְּנִי הִזְדַּקְּנוּ הִזְדַּקֵּנָה

۲- در بینیان « הִתְפַּעֵל » اگر حرف اول اصلی فعلی «צ» باشد حرف «ת» به حرف «ט» تبدیل می‌شود؛ مثال:

(ציין) לְהִצְטַיֵּן

הוה:

אני, אתה, הוא ← מִצְטַיֵּן
אני, את, היא ← מִצְטַיֶּנֶת
אנחנו, אתם, הם ← מִצְטַיְּנִים
אנחנו, אתן, הן ← ← מִצְטַיְּנוֹת

עבר:

אני ← הִצְטַיַּנְתִּי
אתה ← הִצְטַיַּנְתָּ את ← הִצְטַיַּנְתְּ
הוא ← הִצְטַיֵּן היא ← הִצְטַיְּנָה
אנחנו ← הִצְטַיַּנּוּ
אתם ← הִצְטַיַּנְתֶּם אתן ← הִצְטַיַּנְתֶּן
הם, הן ← הִצְטַיְּנוּ

עתיד:

אני ← אֶצְטַיֵּן
אתה ← תִּצְטַיֵּן את ← תִּצְטַיְּנִי
הוא ← יִצְטַיֵּן היא ← תִּצְטַיֵּן
אנחנו ← נִצְטַיֵּן
אתם ← תִּצְטַיְּנוּ אתן ← תִּצְטַיֵּנָה
הם ← יִצְטַיְּנוּ הן ← תִּצְטַיֵּנָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

צווי:

תִּצָּטַיִן　　הַצָּטַיְנִי　　הַצָּטַיְנוּ　　הַצָּטַיֵּנָה

۳- ساخت قید در زبان عبری:

א) می توان حرف « בְּ » را به اسم (اسم مطلق یا همان اسمی که مضاف نیست) اضافه کرد؛ مثال:

שָׁקָט - בְּשָׁקָט　　רְצִינוּת - בְּרְצִינוּת

ב) می‌توان کلمه « בְּאֹפֶן » به صفت اضافه کرد؛ مثال:

בְּאֹפֶן בָּרוּר به طور تمیز، به طور مرتب

ג) می توان از صفت در حالت مفرد مذکر به صورت قید استفاده کرد؛ مثال:

קָשָׁה　　יָפָה　　מֻקְדָּם　　מְאֻחָר

نکته: بخشی از قید ها در زبان عبری نیز در هیچکدام از گزینه های فوق جای نمی‌گیرند؛ مثال:

מַהֵר　　קָצָת　　מְיָד　　תָּמִיד

۴- عبارت های بدون فاعل در زبان عبری که به صورت اصطلاح استعمال می شوند به صورت زیر هستند:
(میتوان گفت این جملات در حقیقت ساختار مجهول دارند که مفعول جمله به جای فاعل نشسته) ؛ مثال:

חַם לִי　برای من گرم است

קַר לִי　سرد است برای من

אָסוּר לִי　برای من ممنوع است

מֻתָּר לִי　برای من مجاز است

חָסֵר לִי　برای من کم است

חָסֵר לָנוּ כֶּסֶף. برای ما پول کم است (ما پول کم داریم)

חֲסֵרִים לוֹ הַרְבֵּה דְּבָרִים. برای او چیزهای زیادی کم است (او چیزهای زیادی کم دارد)

۵- با اینکه کلمه « שׁוּם » به معنای (هیچ) و کلمه « כָּל » به معنای (همه) است اما هر دو کلمه برای جملات مثبت و منفی استعمال می شوند؛ مثال:

הוּא (לֹא) מוּכָן לַעֲשׂוֹת כָּל עֲבוֹדָה.　او آماده است هرکاری انجام دهد

הוּא לֹא מוּכָן לַעֲשׂוֹת שׁוּם עֲבוֹדָה.　او آماده نیست، هیچ کاری انجام دهد

הוּא קוֹרֵא עִבְרִית בְּלִי שׁוּם (כָּל) קֹשִׁי.　او زبان عبری را بدون هیچ سختی میخواند.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הַמֶּלֶךְ וְהַפִּילוֹסוֹף

לִפְנֵי שָׁנִים רַבּוֹת חַי בְּאֶרֶץ יָוָן פִּילוֹסוֹף בְּשֵׁם דִּיאַגוֹנוֹס. הוּא הִצְטַיֵּן בְּחָכְמָתוֹ הַגְּדוֹלָה, וְהָיָה יָדוּעַ בְּאֹפֶן חַיָּיו הַפְּשׁוּטִים. לֹא הָיָה לוֹ שׁוּם דָּבָר חוּץ מִן הֶחָבִית שָׁבָּהּ הוּא יָשַׁן, שַׂק נָקִי שֶׁבּוֹ הוּא כִּסָּה אֶת גּוּפוֹ, מַקֵּל וְיַלְקוּט. מֵעוֹלָם לֹא רָדַף אַחֲרֵי עֹשֶׁר וְכָבוֹד.

אַלֶכְּסַנְדֶּר הַגָּדוֹל, מֶלֶךְ יָוָן, שָׁמַע הַרְבֵּה דְּבָרִים מְעַנְיְנִים עָלָיו, וְהֶחְלִיט שֶׁבְּדַאי לְהַכִּיר אוֹתוֹ מִקָּרוֹב. כַּאֲשֶׁר הַמֶּלֶךְ הָלַךְ לְבַקֵּר אֶת הַפִּילוֹסוֹף, הוּא מָצָא אוֹתוֹ שׁוֹכֵב בִּמְנוּחָה עַל גַּבּוֹ בַּשֶּׁמֶשׁ. הַמֶּלֶךְ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הִתְקָרֵב אֵלָיו לְאַט וְהִסְתַּכֵּל בְּפָנָיו בְּעֵינַיִם בּוֹחֲנוֹת. כַּאֲשֶׁר הַמֶּלֶךְ רָאָה שֶׁהַפִּילוֹסוֹף לֹא קָם וְלֹא זָז, הוּא הִתְרַגֵּז, וְאָמַר בְּכַעַס:

"הַאִם אַתָּה לֹא יוֹדֵעַ מִי אֲנִי? אֲנִי אֲלֶכְסַנְדֶּר הַגָּדוֹל!"

אָמַר הַפִּילוֹסוֹף בְּשֶׁקֶט: "וַאֲנִי דִיאֲגוֹנוֹס".

אָמַר הַמֶּלֶךְ: "מַדּוּעַ אֵינְךָ מַרְאֶה יַחַס שֶׁל כָּבוֹד לַמֶּלֶךְ?"

עָנָה הַפִּילוֹסוֹף: "אַף־עַל־פִּי שֶׁאַתָּה מֶלֶךְ, אַתָּה רַק בָּשָׂר וָדָם. אִם כֵּן, לָמָּה אַתָּה דּוֹרֵשׁ כָּבוֹד מִמֶּנִּי?"

אָמַר הַמֶּלֶךְ: "הַאִם אֵין לְךָ פַּחַד מֵהַמֶּלֶךְ? לַמֶּלֶךְ יֵשׁ הַכֹּחַ לָתֵת כָּל עֹנֶשׁ שֶׁהוּא רוֹצֶה".

עָנָה לוֹ: "הַאִם אַתָּה אָדָם רַע, שֶׁצְּרִיכִים לְפַחֵד מִמְּךָ?"

אָמַר הַמֶּלֶךְ: "הַאִם יֵשׁ לְךָ מָה לְבַקֵּשׁ מִמֶּנִּי?"

עָנָה הַפִּילוֹסוֹף: "כֵּן. בְּבַקָּשָׁה, זוּז קְצָת הַצִּדָּה. הִזְדַּקַנְתִּי וְקַר לִי, וְאַתָּה מְכַסֶּה לִי אֶת הַשֶּׁמֶשׁ".

הַמֶּלֶךְ זָז הַצִּדָּה, וְאָמַר בִּצְחוֹק: "אֲנִי מִצְטַעֵר מְאֹד שֶׁכִּסִּיתִי לְךָ אֶת הַשֶּׁמֶשׁ. הַאִם זֶה הַכֹּל מָה שֶׁאַתָּה רוֹצֶה? מֻתָּר לְךָ לְבַקֵּשׁ מִמֶּנִּי כָּל מַה שֶּׁלִּבְּךָ רוֹצֶה!"

עָנָה הַפִּילוֹסוֹף בְּרִצִינוּת: "הַאִם עָשִׁיר מְבַקֵּשׁ דָּבָר מֵעָנִי?"

הִתְפַּלֵּא הַמֶּלֶךְ, וְאָמַר: "אֲנִי לֹא מֵבִין. הַאִם אַתָּה חוֹשֵׁב בְּרִצִינוּת שֶׁאֲנִי הֶעָנִי וְאַתָּה הֶעָשִׁיר?"

"כֵּן" עָנָה הַפִּילוֹסוֹף. "לְפִי דַעְתִּי, אֲנִי הֶעָשִׁיר, כִּי לֹא חָסֵר לִי שׁוּם דָּבָר. אֲבָל אַתָּה עָנִי, כִּי כָּל חַיֶּיךָ אַתָּה מִשְׁתּוֹקֵק לִכְבֹּשׁ עוֹד וְעוֹד מְדִינוֹת שֶׁל עַמִּים אֲחֵרִים".

הַתְּשׁוּבָה הַזֹּאת מָצְאָה חֵן בְּעֵינֵי הַמֶּלֶךְ, וְהוּא אָמַר: "עַכְשָׁו אֲנִי רוֹאֶה שֶׁכָּל מַה שֶׁשָּׁמַעְתִּי עָלֶיךָ אֱמֶת וְנָכוֹן הוּא. כְּדַאי הָיָה לִי לָבוֹא מֵרָחוֹק כְּדֵי לְהַכִּיר אוֹתְךָ פָּנִים אֶל פָּנִים".

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۶۰

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מַה הֵם אַרְבָּעָה הַדְּבָרִים שֶׁהָיוּ לַפִּילוֹסוֹף? چهار چیزی که فیلسوف داشت چه بودند؟

۲. מַדּוּעַ כָּעַס הַמֶּלֶךְ? چرا پادشاه عصبانی شد؟

۳. מַדּוּעַ לֹא פָּחַד הַפִּילוֹסוֹף מֵהַמֶּלֶךְ? چرا فیلسوف از پادشاه نترسید؟

۴. מָה הָיְתָה הַבַּקָּשָׁה שֶׁל הַפִּילוֹסוֹף? درخواست فیلسوف چه بود؟

۵. מַדּוּעַ חָשַׁב הַפִּילוֹסוֹף אֶת עַצְמוֹ לְעָשִׁיר? چرا فیلسوف فکر می کرد که خودش ثروتمند است؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. اگرچه او (مونث) چیزی کم ندارد، اما همیشه گریه می‌کند. ۲. بچه‌ها ساکت نشستند و به داستان گوش دادند. ۳. ابرها آسمان را پوشاندند و باران شروع به باریدن کرد. ۴. من (مونث) نگرش تو (مذکر) را دوست ندارم، جدی صحبت می‌کنی یا شوخی (با خنده)؟ ۵. از دور من او (مذکر) را نشناختم، اما زمانی که به او نزدیک شدم، دیدم که پدر دوستم است. ۶. او (مونث) می‌تواند کمی عبری صحبت کند زیرا چندین ماه در اسرائیل بود. ۷. او (مذکر) در هر کاری که انجام می‌دهد سرآمد است. ۸. به دلیل مشکلات زیادی که در زندگی داشت،او (مذکر) قبل از زمانش پیر شد. ۹. عرب‌های زیادی در منطقه اسرائیل زندگی می‌کنند. ۱۰. مرد بیمار اکنون با آرامش می‌خوابد. ۱۱. او (مذکر) یک بشکه شراب شیرین به ما هدیه داد. ۱۲. فیلسوفان و هنرمندان بزرگ بسیاری در یونان بودند. ۱۳. چرا تو (مذکر) کت نمیپوشی، اینقدر گرمت است؟ ۱۴. لطفاً درها را ببند (مونث)، من خیلی سردم است. ۱۵. او (مونث) خیلی زیباست و همه پسرها دنبال او (مونث) می‌دوند. ۱۶. متاسفم که به تو (مذکر) اطلاع می‌دهم که تو اجازه خروج از کشور را نداری.

ج- فعل های زیر را در سه زمان گذشته، حال و آینده صرف کنید.

לְהִצְטַעֵר – متاسف بودن

לְהַכִּיר – تشخیص دادن

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור ٥٨
لغات درس ٦١

אֹזֶן (אָזְנַיִם): گوش؛ (جمع: گوش‌ها) ear

אָנוּ = אֲנַחְנוּ: ما we

בֵּית חֲרֹשֶׁת (בָּתֵּי חֲרֹשֶׁת): کارخانه؛ (جمع: کارخانه‌ها) factory

בַּר מִצְוָה: جشن تکلیف (اصطلاحی برای بیان سن تکلیف در دین یهود) Bar mitzvah

הַפְתָּעָה (הַפְתָּעוֹת): سورپرایز، شگفت‌زدگی؛ (جمع: سورپرایزها، شگفت‌زدگی‌ها) surprise

הִתְפַּתְּחוּת (הִתְפַּתְּחֻיּוֹת): توسعه، پیشرفت؛ (جمع: توسعه‌ها، پیشرفت‌ها) development

הִתְקַדְּמוּת (הִתְקַדְּמֻיּוֹת): رشد و پیشرفت؛ (جمع: رشد و پیشرفت‌ها) advancement; progress

חֲגִיגָה (חֲגִיגוֹת): جشن؛ (جمع: جشن‌ها) celebration

חַשְׁמַל: برق، الکتریسیته electricity

טָס (לָטוּס): پرواز کرد (با هواپیما)؛ (مصدر: پرواز کردن) flew (by plan)

טִיסָה (טִיסוֹת): پرواز، هواپیما؛ (جمع: پروازها، هواپیماها) flight

כְּבִישׁ (כְּבִישִׁים): بزرگراه؛ (جمع: بزرگراه‌ها) highway; paved road

רֵאשִׁית כֹּל: در ابتدا، اول از هم

(כסה, לְהִתְכַּסּוֹת) הִתְכַּסָּה: (جیب؛ مصدر: خود را پوشاندن)؛ خودش را پوشاند Covered oneself

כֹּתֶל (כְּתָלִים): دیوار؛ (جمع: دیوارها) wall

הַכֹּתֶל הַמַּעֲרָבִי: دیوار غربی The western wall

מָטוֹס (מְטוֹסִים): هواپیما؛ (جمع: هواپیماها) airplane

מִלְחָמַת = הַמִּלְחָמָה שֶׁל: جنگ... war

מִלְחֶמֶת שֵׁשֶׁת הַיָּמִים: جنگ شش روزه The war of the six-day

(פתח, לְהִתְפַּתֵּחַ) הִתְפַּתֵּחַ: (گشود؛ مصدر: توسعه دادن)؛ توسعه داد developed

(קשר, לְהִתְקַשֵּׁר אֶל) הִתְקַשֵּׁר: (اتصالات؛ مصدر: ارتباط پیدا کردن)؛ خودش ارتباط پیدا کرد، خودش تماس گرفت؛ ، تماس گرفت با...، متصل شد به... got in touch with

(ראה, לְהִתְרָאוֹת) הִתְרָאָה: (دید؛ مصدر: همدیگر را دیدن)؛ همدیگر را دیدند saw (each other)

שְׂמִיכָה (שְׂמִיכוֹת): پتو؛ (جمع: پتوها) blanket

(שנה, לְהִשְׁתַּנּוֹת) הִשְׁתַּנָּה: (تغییر؛ مصدر: تغییر کردن، متفاوت شدن)؛ خودش تغییر کرد، متفاوت شد changed (oneself); became different

וְכֵן = אִם כֵּן: اگر چنین است

אָזְנַיִם לַכֹּתֶל! (מִן הַמִּדְרָשׁ)

دیوار گوش دارد!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

دستور زبان درس ٦١

۱- افعالی که حرف سوم اصلی آنها «ה» است و در بینیان هیتپعل می باشند به صورت زیر صرف می شوند:

(כסה) לְהִתְכַּסּוֹת

הוה:

אני, אתה, הוא ← מִתְכַּסֶּה	אנחנו, אתם, הם ← מִתְכַּסִּים
אני, את, היא ← מִתְכַּסָּה	אנחנו, אתן, הן ← מִתְכַּסּוֹת

עבר:

אני ← הִתְכַּסֵּיתִי	אנחנו ← הִתְכַּסִּינוּ
אתה ← הִתְכַּסִּיתָ את ← הִתְכַּסִּית	אתם ← הִתְכַּסִּיתֶם אתן ← הִתְכַּסִּיתֶן
הוא ← הִתְכַּסָּה היא ← הִתְכַּסְּתָה	הם, הן ← הִתְכַּסּוּ

עתיד:

אני ← אֶתְכַּסֶּה	אנחנו ← נִתְכַּסֶּה
אתה ← תִּתְכַּסֶּה את ← תִּתְכַּסִּי	אתם ← תִּתְכַּסּוּ אתן ← תִּתְכַּסֶּינָה
הוא ← יִתְכַּסֶּה היא ← תִּתְכַּסֶּה	הם ← יִתְכַּסּוּ הן ← תִּתְכַּסֶּינָה

צווי:

הִתְכַּסֵּה הִתְכַּסִּי הִתְכַּסּוּ הִתְכַּסֶּינָה

نکته: اگر حرف اصلی دوم حرف «א» و یا «ר» باشد و حرف سوم اصلی «ה»، حرف اول اصلی نیکود کاماتص می‌گیرد؛ مثال:

(ראה) לְהִתְרָאוֹת

הִתְרָאֵיתָ.
תִּתְרָאֶה.
הִתְרָאֵה.

אתה מִתְרָאֶה.

۲- اگر حرف سوم اصلی فعلی حرف « ה » باشد و حرف اول اصلی آن یکی از حروف «שׁ»، «שׂ» و «ס» باشد به صورت زیر صرف می شوند (در این حالت جای حرف «ת» بینیان با این حروف عوض می شود)؛ مثال:

(שנה) לְהִשְׁתַּנּוֹת

הوה:

אני, אתה, הוא ← מִשְׁתַּנֶּה	אנחנו, אתם, הם ← מִשְׁתַּנִּים
אני, את, היא ← מִשְׁתַּנָּה	אנחנו, אתן, הן ← מִשְׁתַּנּוֹת

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

عبر:

אני ← הִשְׁתַּנֵּיתִי	אנחנו ← הִשְׁתַּנֵּינוּ
אתה ← הִשְׁתַּנֵּיתָ את ← הִשְׁתַּנֵּית	אתם ← הִשְׁתַּנֵּיתֶם אתן ← הִשְׁתַּנֵּיתֶן
הוא ← הִשְׁתַּנָּה היא ← הִשְׁתַּנְּתָה	הם, הן ← הִשְׁתַּנּוּ

עתید:

אני ← אֶשְׁתַּנֶּה	אנחנו ← נִשְׁתַּנֶּה
אתה ← תִּשְׁתַּנֶּה את ← תִּשְׁתַּנִּי	אתם ← תִּשְׁתַּנּוּ אתן ← תִּשְׁתַּנֶּינָה
הוא ← יִשְׁתַּנֶּה היא ← תִּשְׁתַּנֶּה	הם ← יִשְׁתַּנּוּ הן ← תִּשְׁתַּנֶּינָה

צווی:

הִשְׁתַּנֵּה	הִשְׁתַּנִּי	הִשְׁתַּנּוּ	הִשְׁתַּנֶּינָה

۳- کلمه « אָצַל » مانند تمام حروف اضافه صرف می شود که صرف آن به صورت زیر است؛ مثال:

אֶצְלִי	אֶצְלְךָ	אֶצְלֵךְ	אֶצְלּוֹ	אֶצְלָהּ
אֶצְלֵנוּ	אֶצְלְכֶם	אֶצְלְכֶן	אֶצְלָם	אֶצְלָן

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

פְּגִישָׁה בַּמָּטוֹס

אָדוֹן וּגְבֶרֶת בֶּרְגְּמַן, תַּיָּרִים מֵאַרְצוֹת הַבְּרִית, יוֹשְׁבִים בְּמָטוֹס

"אֶל עַל" לְיַד אָדוֹן לֵוִי, יִשְׂרְאֵלִי מִתֵּל אָבִיב.

אָדוֹן לֵוִי: שְׁמִי דָּוִד לֵוִי, וּמַה שִּׁמְךָ, אֲדוֹנִי?

אָדוֹן בֶּרְגְּמַן: שְׁמִי מַרְשַׁל בֶּרְגְּמַן, בְּבַקָּשָׁה לְהַכִּיר אֶת אִשְׁתִּי.

ל: נָעִים מְאֹד.

ב: אֲנַחְנוּ בָּאִים מִבּוֹסְטוֹן. הַאִם מֻתָּר לִי לִשְׁאֹל מֵאַיִן אַתָּה?

ל: אֲנִי מִתֵּל אָבִיב. הָיִיתִי חָדְשַׁיִם בְּאַרְצוֹת הַבְּרִית. בִּקַּרְתִּי קְרוֹבִים, וְעַכְשָׁו אֲנִי חוֹזֵר הַבַּיְתָה. הַאִם זֶה הַבִּקּוּר הָרִאשׁוֹן שֶׁלָּכֶם בָּאָרֶץ?

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

ב: לא בְּדִיוּק. אֲנִי בִּקַּרְתִּי בָּאָרֶץ לִפְנֵי עֶשְׂרִים וְחָמֵשׁ שָׁנִים. אֲבָל בִּשְׁבִיל אִשְׁתִּי זֶה יִהְיֶה הַבִּקּוּר הָרִאשׁוֹן בָּאָרֶץ, וְזֹאת גַּם הַטִּיסָה הָרִאשׁוֹנָה שֶׁלָּהּ בְּמָטוֹס.

ל: הַאֻמָּן לִי, לֹא תַּכִּיר אֶת הָאָרֶץ. יֵשׁ הֶבְדֵּל גָּדוֹל בֵּין מַה שֶּׁרָאִיתָ אָז וּבֵין מַה שֶּׁתִּרְאֶה עַכְשָׁו. לֹא חָסֵר כְּלוּם בָּאָרֶץ. הָאָרֶץ הִתְפַּתְּחָה וְהִשְׁתַּנְּתָה מֵאָז הַרְבֵּה מְאֹד. אֲנִי מַבְטִיחַ לְךָ שֶׁתִּהְיֶינָה לְךָ הַפְתָּעוֹת רַבּוֹת.

ב: לְמָשָׁל?

ל: מָה אֲנִי יָכוֹל לְהַגִּיד לְךָ? פָּשׁוּט קָשֶׁה לְתָאֵר בְּמִלִּים אֶת הַהִתְפַּתְּחוּת שֶׁל הָאָרֶץ בְּמֶשֶׁךְ הַשָּׁנִים הָאַחֲרוֹנוֹת. בְּכָל מָקוֹם שֶׁתִּמְצָא, וּבְכָל כְּבִישׁ שֶׁתִּסַּע, תִּתְפַּלֵּא עַל הַהִתְקַדְּמוּת שֶׁעֵינֶיךָ תִּרְאֶינָה וְאָזְנֶיךָ תִּשְׁמַעְנָה. הַאִם יֵשׁ לָכֶם קְרוֹבִים בָּאָרֶץ?

ב: כֵּן, יֵשׁ לִי דּוֹד. אֲנַחְנוּ טָסִים עַכְשָׁו לַחֲגִיגַת הַבַּר־מִצְוָה שֶׁל בְּנוֹ.

ל: הַאִם מֻתָּר לִי לִשְׁאֹל, מָה עוֹשֶׂה דּוֹדֶךָ, וְאֵיפֹה הוּא גָּר?

ב: יֵשׁ לוֹ בַּיִת חַרְשֶׁת לְשִׁמִּיכוֹת. הוּא גָּר בְּתֵל אָבִיב, אֲבָל חֲגִיגַת הַבַּר מִצְוָה תִּהְיֶה בִּירוּשָׁלַיִם עַל־יַד הַכֹּתֶל הַמַּעֲרָבִי.

ל: מַה שֵּׁם דּוֹדֶךָ?

ב: שְׁמוֹ הָיָה יִצְחָק בֶּרְגְמַן, אֲבָל הוּא שִׁנָּה אֶת שֵׁם הַמִּשְׁפָּחָה שֶׁלּוֹ. עַכְשָׁו שְׁמוֹ יִצְחָק הֲרָרִי.

ל: מָה? יִצְחָק הֲרָרִי הוּא דּוֹדֶךָ? אֵיזוֹ הַפְתָּעָה נְעִימָה! אָנוּ בְּאֱמֶת חַיִּים בְּעוֹלָם קָטָן! רִאשִׁית כֹּל הָיִינוּ יַחַד בַּצָּבָא, וְגַם נִלְחַמְנוּ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

יַחַד בְּמִלְחֶמֶת שֵׁשֶׁת הַיָּמִים. שְׁנִית, אֲנַחְנוּ
גַּם קְרוֹבִים. וְשָׁתוּ הִיא קְרוֹבָה שֶׁל אִשְׁתִּי.

ב: אִם כֵּן, מַזָּל טוֹב! גַּם אֲנַחְנוּ קְרוֹבִים. וּבְכֵן
נִתְרָאֶה בַּחֲגִיגַת הַבַּר מִצְוָה.

ל: תְּקָוָתִי שֶׁנִּתְרָאֶה לֹא רַק בַּחֲגִיגַת הַבַּר־
מִצְוָה. אֲנִי מַזְמִין אֶתְכֶם לְבַקֵּר אֶצְלֵנוּ
וּלְהַכִּיר אֶת מִשְׁפַּחְתִּי. רְשֹׁם, בְּבַקָּשָׁה, אֶת
הַכְּתֹבֶת: רְחוֹב הֶחָלוּץ (20) עֶשְׂרִים, וּמִסְפַּר
הַטֶּלֶפוֹן: שָׁלֹשׁ, אֶפֶס, תֵּשַׁע, אַרְבַּע, אֶפֶס
(30940). אַל תִּשְׁכַּח לְהִתְקַשֵּׁר אֵלַי.

ב: תּוֹדָה רַבָּה. אֲנַחְנוּ נִשְׁתַּדֵּל לְבַקֵּר אֶתְכֶם.

ל: בְּבַקָּשָׁה, אַל תִּשְׁכְּחוּ לַעֲשׂוֹת זֹאת. וְעַכְשָׁו
אַתֶּם בְּוַדַּאי עֲיֵפִים וְלָכֵן נַפְסִיק אֶת הַשִּׂיחָה.
נְכַבֶּה אֶת הַחַשְׁמַל וְנָנוּחַ. הִנֵּה שְׁמִיכוֹת,
נִתְכַּסֶּה וְנִשְׁתַּדֵּל לִישׁוֹן קְצָת.

ב: רַעְיוֹן מְצֻיָּן. עוֹד יִהְיֶה לָנוּ דֵּי זְמַן לְדַבֵּר
בְּמֶשֶׁךְ הַטִּיסָה עַד שֶׁנַּגִּיעַ לִמְרִינַת יִשְׂרָאֵל.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ٦١

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل پاسخ بدهید.

١. לָמָּה נָסַע אָדוֹן לֵוִי לְאַרְצוֹת הַבְּרִית? چرا آقای لوی به آمریکا سفر کرده بود؟

٢. לָמָּה טָסִים אָדוֹן וּגְבֶרֶת בֶּרְגְמַן לְיִשְׂרָאֵל? چرا آقا و خانم برگمن به اسرائیل پرواز (سفر) کردند؟

٣. מָה עוֹשֶׂה הַדּוֹד שֶׁל אָדוֹן בֶּרְגְמַן? دوست آقای برگمن چه کاری انجام می داد؟

۴. מַדּוּעַ אָמַר אָ' בֶּרְגְמַן מַזָּל טוֹב לְאָ' לֵוִי? چرا آقای برگمن به آقای لوی تبریک گفت؟

۵. בְּאֵיזֶה מָקוֹם בְּיִשְׂרָאֵל יִתְרָאוּ אָ' לֵוִי וְאָ' בֶּרְגְמַן؟ آقای لوی و برگمن در کدام مکان اسرائیل همدیگر را خواهند دید؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. بسیاری از اقوام و دوستان برای جشن تکلیف من به کنیسه آمدند. ۲. ملاقات با تو (مونث) در اینجا یک سورپرایز خوشایند است. ۳. پدرم یک کارخانه کفش خرید و صد هزار شِکِل داد. ۴. من قبلاً بارها با هواپیما پرواز کرده‌ام، اما با این وجود وقتی باید پرواز کنم قلبم پر از ترس است. ۵. اول از همه به من بگو (مذکر) دیروز کجا بودی و ثانیاً بگو آنجا چه کردی. ۶. بچه‌ها در تعطیلات تابستانی در کمپ خیلی خوب رشد کردند. ۷. پیشرفت او (مذکر) در زبان عبری تأثیر زیادی بر من گذاشت. ۸. تعداد ماشین‌ها در بزرگراه‌ها بسیار زیاد است و پیاده روی در آنجا خطرناک است. ۹. من (مونث) امیدوارم که در این آخر هفته یکدیگر را ببینیم. ۱۰. آیا هنوز مکان‌هایی در ایالات متحده بدون برق وجود دارد؟ ۱۱. این سومین ملاقات من با او (مذکر) است. ۱۲. تو (مونث) تغییر نکرده‌ای، به همان اندازه جوان و زیبا به نظر می آیی که اولین بار با تو آشنا شدم. ۱۳. او (مذکر) خودش را با کتش پوشانده بود چون فراموش کرده بود پتو بیاورد. ۱۴. دیوار غربی مقدس‌ترین مکان در جهان برای یهودیان است. ۱۵. در آخرین پروازم به اسرائیل، من با افراد جالب زیادی آشنا شدم. ۱۶. بازی با توپ روی چمن ممنوع است.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור סב
لغات درس ۶۲

אֵימָתַי = מָתַי: چه زمانی

בֵּית מֶרְחָץ: حمام bath house

בֶּן־אָדָם (בְּנֵי אָדָם): بشر؛ (جمع: بشرها) a human being

בְּרִיאוּת: سلامتی health

יָחִיד (יְחִידִים): شخص؛ (جمع: اشخاص) individual

(יחס, לְהִתְיַחֵס) הִתְיַחֵס: رابطه، ارتباط (مصدر: ارتباط پیدا کردن با)؛ مربوط کرد، مربوط شد related; himself; treated

(כון, לְהִתְכּוֹנֵן) הִתְכּוֹנֵן: (آماده؛ مصدر: برای خود آماده کردن)؛ آماده کرد، به آمادگی رسید، خودش آماده شد prepared himself; got ready

מֵאָה (מֵאוֹת): قرن؛ (جمع: قرن‌ها) century

מִקְדָּשׁ (מִקְדָּשִׁים): معبد؛ (جمع: معابد) temple

נְקִיּוֹן: پاکیزگی cleanliness

נָשִׂיא (נְשִׂיאִים): رئیس جمهور، مسئول؛ (رئیس جمهورها، مسئولین) president; head

סַנְהֶדְרִין: سَنهدقین (شورای عالی یهود در گذشته) sanhedrin (a body of 71 ordained scholars)

עוֹרַר (לְעוֹרֵר): برانگیخته شد، بیدار شد aroused; awakened

(עור, לְהִתְעוֹרֵר) הִתְעוֹרֵר: برانگیخته کرد، بیدار کرد، (مصدر: برانگیخته کردن، بیدار کردن) was aroused; woke up

עֶזְרָה: کمک help

עַר, עֵרָה: هشدار؛ هشدار (مونث) alert; awake

פָּרַשׁ (לִפְרֹשׁ): عقب رفت، کنار کشید؛ (مصدر: عقب رفتن، کنار کشیدن) withdrew; retired

צִבּוּר: همگانی، عمومی public; community

רָגִישׁ, רְגִישָׁה: حساس ؛ حساس (مونث) sensitive

רַךְ, רַכָּה: نرم، لطیف؛ نرم، لطیف (مونث) soft; tender

זָקֵן: پیر (لقبی برای افتخار) elder (title of honor)

כָּל פַּעַם שֶׁ...: هر موقع که... whenever

יְהַלֶּלְךָ (יְהַלֵּל אוֹתְךָ) זָר, וְלֹא פִּיךָ. (מִשְׁלֵי כז, 2)

غریبه ای تو را ستایش کند نه دهانت (بگذار غریبه‌ها و افراد دیگر تو را ستایش کنند).

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

دستور زبان درس ۶۲

۱- در بینیان پیعل افعالی که حرف دوم اصلی آنها «ו» است و جزء صیغه مضاعف هستند (یعنی حرف دوم اصلی و حرف سوم اصلی آنها مشابه است) به صورت زیر صرف می شوند:

(עור) לְעוֹרֵר

הוה: حال

אני, אתה, הוא ← מְעוֹרֵר	אנחנו, אתם, הם ← מְעוֹרְרִים
אני, את, היא ← מְעוֹרֶרֶת	אנחנו, אתן, הן ← מְעוֹרְרוֹת

עבר: گذشته

אני ← עוֹרַרְתִּי	אנחנו ← עוֹרַרְנוּ
אתה ← עוֹרַרְתָּ את ← עוֹרַרְתְּ	אתם ← עוֹרַרְתֶּם אתן ← עוֹרַרְתֶּן
הוא ← עוֹרֵר היא ← עוֹרְרָה	הם, הן ← עוֹרְרוּ

עתיד: آینده

אני ← אֲעוֹרֵר	אנחנו ← נְעוֹרֵר
אתה ← תְּעוֹרֵר את ← תְּעוֹרְרִי	אתם ← תְּעוֹרְרוּ אתן ← תְּעוֹרַרְנָה
הוא ← יְעוֹרֵר היא ← תְּעוֹרֵר	הם ← יְעוֹרְרוּ הן ← תְּעוֹרַרְנָה

צווי: دستوری

עוֹרֵר עוֹרְרִי עוֹרְרוּ עוֹרַרְנָה

۲- افعالی که حرف دوم اصلی آنها «ו» است و مضاعف هستند اگر در بینیان هیتپاعل استعمال شوند دقیقا مانند بینیان پیعل صرف می شوند با این تفاوت که علائم بینیان هیتپاعل نیز به آنها اضافه می شود مانند:

(עור) לְהִתְעוֹרֵר

הוה:

אני, אתה, הוא ← מִתְעוֹרֵר	אנחנו, אתם, הם ← מִתְעוֹרְרִים
אני, את, היא ← מִתְעוֹרֶרֶת	אנחנו, אתן, הן ← מִתְעוֹרְרוֹת

עבר:

אני ← הִתְעוֹרַרְתִּי	אנחנו ← הִתְעוֹרַרְנוּ
אתה ← הִתְעוֹרַרְתָּ את ← הִתְעוֹרַרְתְּ	אתם ← הִתְעוֹרַרְתֶּם אתן ← הִתְעוֹרַרְתֶּן
הוא ← הִתְעוֹרֵר היא ← הִתְעוֹרְרָה	הם, הן ← הִתְעוֹרְרוּ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

עתיד:

אני ← אֶתְעוֹרַר	אנחנו ← נִתְעוֹרַר
אתה ← תִּתְעוֹרַר את ← תִּתְעוֹרְרִי	אתם ← תִּתְעוֹרְרוּ אתן ← תִּתְעוֹרַרְנָה
הוא ← יִתְעוֹרַר היא ← תִּתְעוֹרֵר	הם ← יִתְעוֹרְרוּ הן ← תִּתְעוֹרַרְנָה

צווי:

הִתְעוֹרַר הִתְעוֹרְרִי הִתְעוֹרְרוּ הִתְעוֹרַרְנָה

۳- حرف « כ » مخفف شده ی کلمه « כְּמוֹ » است و کلمه ی بعد از خود متصل می شود و به معنای شبیه، مثل و مانند است؛ مثال:

הוּא חָזָק כְּשִׁמְשׁוֹן. הוּא חָכָם כִּשְׁלֹמֹה.

نکته ۱: اگر حرف «כ» بر سر کلمه ای قرار گیرد که معرفه به «ה» است، حرف «ה» معرفه حذف می‌شود؛ مثال:

כְּהַשָּׁמַיִם = כַּשָּׁמַיִם כְּהָעוֹלָם = כָּעוֹלָם כְּהֶחָכָם = כָּחָכָם

نکته ۲: حرف « כ » به معنی (به عنوان) نیز استعمال می‌شود؛ مثال:

הוּא יָדוּעַ כָּעִיר כְּרוֹפֵא מְצֻיָּן.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הִלֵּל הַזָּקֵן

הִלֵּל הַזָּקֵן חַי וּפָעַל בַּמֵּאָה שֶׁלִּפְנֵי חׇרְבַּן הַבַּיִת הַשֵּׁנִי. הוּא הָיָה הַנָּשִׂיא שֶׁל הַסַּנְהֶדְרִין. הוּא הָיָה גָּדוֹל בַּתּוֹרָה וְהָיוּ לוֹ תַּלְמִידִים רַבִּים. הִלֵּל הִרְגִּישׁ תָּמִיד אֶת הַחֲשִׁיבוּת שֶׁל הַשָּׁלוֹם בְּחַיֵּי הַחֶבְרָה. הוּא הָיָה אוֹהֵב שָׁלוֹם וְרוֹדֵף שָׁלוֹם, וְהִתְיַחֵס בְּכָבוֹד לְכָל בֶּן־אָדָם. הוּא הָיָה עֵר לְכָל הַבְּעָיוֹת שֶׁל הָעָם. הִלֵּל הִשְׁתַּדֵּל בְּכָל מִינֵי אֶמְצָעִים לְעוֹרֵר בְּכָל אִישׁ כָּבוֹד וְאַהֲבָה לָעָם וְלַתּוֹרָה.

הִלֵּל הָיָה בַּעַל לֵב רַךְ וְרָגִישׁ. כָּל פַּעַם שֶׁהִגִּיעָה לְאָזְנָיו יְדִיעָה עַל מִקְרֶה שֶׁל אִישׁ סוֹבֵל, הָיוּ מִתְעוֹרְרִים בּוֹ רְחָמִים גְּדוֹלִים, וְהָיָה עוֹשֶׂה כָּל מַה שֶּׁהָיָה בְּכֹחוֹ כְּדֵי לַעֲזוֹר לָאִישׁ הַנִּמְצָא בְּצָרָה. אַף־עַל־פִּי שֶׁהִלֵּל הָיָה מוּכָן תָּמִיד לַעֲזוֹר לַאֲחֵרִים בְּכָל דָּבָר שֶׁהָיָה חָסֵר לָהֶם, בְּכָל זֹאת לֹא הָיָה מְבַקֵּשׁ עֶזְרָה מִשּׁוּם אִישׁ לְעַצְמוֹ. הוּא הָיָה אוֹמֵר:

"אִם אֵין אֲנִי לִי, מִי לִי?
וּכְשֶׁאֲנִי לְעַצְמִי, מָה אֲנִי?
וְאִם לֹא עַכְשָׁו, אֵימָתַי?"

הִלֵּל רָאָה אֶת הַיִּחִיד כְּחֵלֶק מִן הַחֶבְרָה, וְהָיָה אוֹמֵר:

"אַל תִּפְרֹשׁ מִן הַצִּבּוּר!"

הַגּוּף שֶׁל הָאָדָם הָיָה בְּעֵינָיו כְּמִקְדָּשׁ, כִּי הָרוּחַ שֶׁל הָאָדָם נִמְצֵאת בּוֹ. לָכֵן הָיָה הִלֵּל שׁוֹמֵר עַל הַנְּקִיּוֹן וְעַל הַבְּרִיאוּת שֶׁל הַגּוּף.

פַּעַם אַחַת כְּשֶׁהִתְכּוֹנֵן הִלֵּל לָצֵאת מִבֵּית הַמִּדְרָשׁ, נִגְּשׁוּ אֵלָיו תַּלְמִידָיו, וְאָמְרוּ:

"רַבֵּנוּ, הַאִם מֻתָּר לָנוּ לִשְׁאֹל לְאָן אַתָּה הוֹלֵךְ?"

עָנָה לָהֶם: "לַעֲשׂוֹת מִצְוָה".

שָׁאֲלוּ הַתַּלְמִידִים: "אֵיזוֹ מִצְוָה?"

עָנָה לָהֶם: "אֲנִי הוֹלֵךְ לְבֵית־הַמֶּרְחָץ".

אָמְרוּ הַתַּלְמִידִים בְּתִמָּהוֹן: "הַאִם זֹאת מִצְוָה?"

"כֵּן", עָנָה הִלֵּל, וְהִסְבִּיר לָהֶם: "הַגּוּף דּוֹמֶה לְמִקְדָּשׁ, כִּי בּוֹ נִמְצָא הָרוּחַ שֶׁל הָאָדָם. לָכֵן, כָּל אָדָם צָרִיךְ לְהִשְׁתַּדֵּל שֶׁגּוּפוֹ יִהְיֶה נָקִי וּבָרִיא.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ٦٢

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מִי הָיָה הִלֵּל הַזָּקֵן, וּמָתַי הוּא חַי? هیلل پیر چه کسی بود و در چه زمانی زندگی می کرد؟

۲. מַדּוּעַ כִּבְּדוּ הָאֲנָשִׁים אֶת הִלֵּל? چرا مردم به هیلل احترام می گذاشتند؟

۳. אֵיךְ הִתְיַחֵס הִלֵּל לְבֶן־אָדָם סוֹבֵל? هیلل چگونه با انسان رنج کشیده رفتار می کرد (برخورد می کرد)؟

۴. מַדּוּעַ הָיָה הִלֵּל שׁוֹמֵר עַל הַנְּקִיּוֹן שֶׁל הַגּוּף? چرا هیلل نظافت بدن را حفظ می کرد؟

۵. מָה הָיְתָה הַמִּצְוָה שֶׁהִלֵּל הָלַךְ לַעֲשׂוֹת כַּאֲשֶׁר יָצָא מִבֵּית הַמִּדְרָשׁ? هیلل زمانی که از معبد خارج می شد، چه دستوری را میرفت تا انجام دهد؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. او (مذکر) قلب لطیفی دارد و همیشه با مردم فقیر با دلسوزی رفتار می‌کند. ۲. من (مونث) هرگز در کتاب‌هایم نمی‌نویسم و به همین دلیل تمیز هستند. ۳. نظافت در شهرها برای سلامت عموم مردم بسیار مهم است. ۴. من نصف شب از خواب بیدار شدم چون گوش درد شدیدی داشتم. ۵. اورشلیم در قرن اول به تصرف رومیان درآمد. ۶. او (مونث) در زندگی رنج زیادی می‌برد، زیرا او (مونث) بیش از حد حساس است. ۷. در ایالات متحده، یک رئیس جمهور برای مدت چهار سال انتخاب می‌شود. ۸. او (مذکر) زمانی که تنها پنجاه و پنج سال داشت از ارتش بازنشسته شد. ۹. او (مذکر) این کار را خودش بدون کمک والدینش انجام داد. ۱۰. من (مونث) خیلی سرم شلوغ است زیرا باید خودم را برای یک سفر طولانی در اروپا آماده کنم. ۱۱. هر فرد اساس جامعه است. ۱۲. معلم عشق به ادبیات عبری را در من برانگیخت. ۱۳. در گذشته، هر یهودی مذهبی هر جمعه به حمام می‌رفت. ۱۴. حیواناتی هستند که در روز می‌خوابند و شب‌ها بیدار هستند. ۱۵. هوا پر از شن است چون باد از بیابان می‌وزد. ۱۶. این ویولن را برای تولدم به من هدیه داده شده است.

ج- فعل زیر را در سه زمان گذشته، حال و آینده صرف کنید.

(בון) לְהִתְכּוֹנֵן – آماده کردن

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שִׁעוּר ל"ג
لغات درس ۶۳

אִלּוּ = לוּ: اگر if (hypothetical)

בְּהֵמָה (בְּהֵמוֹת): حیوان (اهلی)، (جمع: حیوانات) animal (domestic)

בְּעַד: برای، در عوض for ; pro

זְכוּת (זְכֻיּוֹת): حق، آزادی، امتیاز، شایستگی؛ (جمع: حقوق)

בִּזְכוּת: با شایستگی، به واسطه ی شایستگی by merit of

(יפע, לְהוֹפִיעַ הוֹפִיעַ: (ظاهر کرد؛ مصدر: ظاهر شدن)؛ ظاهر شد appeared

כֵּיוָן שֶׁ...: زیرا که...، بخاطر آن که... since (because)

(מכר, לְהַמְכִּיר נִמְכַּר: (فروخت؛ مصدر: فروخته شدن)؛ فروخته شد was sold

מוֹכֵר (מוֹכְרִים): فروشنده؛ (جمع: فروشنده‌ها) seller

מִנְהָג (מִנְהָגִים): رسم ورسوم، (جمع: رسم و رسوم‌ها) custom

(נתן, לְהִנָּתֵן נִתַּן: (داد؛ مصدر: داده شدن)؛ داده شد was given

סֵרֵב (לְסָרֵב): نپذیرفت، رد کرد؛ (مصدر: نپذیرفتن، رد کردن) refused

קוֹנֶה (קוֹנִים): خریدار؛ (جمع: خریداران) buyer

(שאר, לְהִשָּׁאֵר נִשְׁאַר: باقی ماند؛ (مصدر: باقی ماندن)؛ باقی ماند remained

שׁוֹפֵט (שׁוֹפְטִים): قاضی؛ (جمع: قضات) judge

שַׁיָּךְ, שַׁיֶּכֶת: متعلق؛ متعلق (مونث) belonge

(שוב, לְהָשִׁיב הֵשִׁיב: (دوباره؛ مصدر: بازگرداندن)؛ بازگرداند returned , gave back (something) ; replied

תְּנַאי (תְּנָאִים): شرط؛ (جمع: شرایط) ← condition

הַכֹּל כְּמִנְהַג הַמְּדִינָה. (מִן הַתַּלְמוּד)

همه چیز بر اساس رسوم هر منطقه‌ای (کشوری) است. (از تلمود)

دستور زبان درس ۶۳

۱- جمله شرطی از دو بخش تشکیل می شود: جمله شرط + جواب شرط

جمله شرط در زمان گذشته با استفاده از کلمات « אִלּוּ » و « לוּ » به همراه فعل زمان گذشته استعمال می‌شود؛ مثال:

(אִלּוּ) לוּ יָדַעְתִּי... اگر می دانستم.

و جواب شرط در زمان گذشته از مشتقات فعل کمکی «היה» به اضافه فعل در زمان حال ساخته می‌شود؛ مثال:

לֹא הָיִיתִי מוֹכֵר... من نمی فروختم

לוּ יָדַעְתִּי שֶׁיֵּשׁ אוֹצָר בַּשָּׂדֶה, לֹא הָיִיתִי מוֹכֵר אוֹתוֹ.

לוּ בָּאתָ אֶתְמוֹל, הָיִיתָ פּוֹגֵשׁ אוֹתוֹ.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

نکته: جمله شرطی در زمان آینده با کلمه « אִם » به اضافه فعل زمان آینده استعمال می شود مانند:

אִם תָּבוֹא, אֶשְׁמַח אִם תָּרוּץ מַהֵר, תִּפֹּל.

۲- کلمه « בִּשְׁבִיל » به معنای (برای، محضِ، بخاطر) و کلمه « בָּעַד » به معنای (در عوض مبلغِ، در عوض پرداخت) و همچنین به معنای علاقمند بودن می‌باشد؛ مثال:

קָנִיתִי שָׂדֶה בִּשְׁבִיל בְּנִי. زمینی برای پسرم خریدم.

שִׁלַּמְתִּי אֶלֶף דּוֹלָר בְּעַד הַשָּׂדֶה. هزار دلار در عوض زمین پرداخت کردم.

אֲנִי בְּעַד שָׁלוֹם וְנֶגֶד מִלְחָמָה. من علاقمند به صلح و مخالف جنگ هستم.

۳- صرف « בָּעַד » با ضمایر متصل به صورت زیر است:

בַּעֲדִי	בַּעַדְךָ	בַּעֲדֵךְ	בַּעֲדוֹ	בַּעֲדָהּ
בַּעֲדֵנוּ	בַּעֲדְכֶם	בַּעֲדְכֶן	בַּעֲדָם	בַּעֲדָן

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

בִּשְׁבִיל מִי זוֹרַחַת הַשֶּׁמֶשׁ?

אֲלֶכְּסַנְדֶּר הַגָּדוֹל, מֶלֶךְ יָוָן, כָּבַשׁ מְדִינוֹת רַבּוֹת בַּצָּפוֹן וּבַדָּרוֹם, בַּמִּזְרָח וּבַמַּעֲרָב. מִזְּמַן לִזְמַן הָיָה מְבַקֵּר בַּמְּדִינוֹת שֶׁכָּבַשׁ, כִּי רָצָה לְהַכִּיר אֶת הַמַּצָּב מִקָּרוֹב וְלִרְאוֹת אֵיךְ מִתְפַּתְּחִים הָעִנְיָנִים.

פַּעַם אַחַת בִּקֵּר אֲלֶכְּסַנְדֶּר בְּאֶרֶץ אַחַת, שֶׁהָיְתָה יְדוּעָה בְּמִנְהָגֶיהָ הַיָּפִים. כַּאֲשֶׁר יָשַׁב אֲלֶכְּסַנְדֶּר בְּאַרְמוֹן הַמֶּלֶךְ שֶׁל הָאָרֶץ הַזֹּאת, הוֹפִיעוּ שְׁנֵי אֲנָשִׁים לִפְנֵי הַמֶּלֶךְ לְמִשְׁפָּט. הִסְתַּכֵּל בָּהֶם הַמֶּלֶךְ וְשָׁאַל אוֹתָם:

— מָה הָרִיב בֵּינֵיכֶם?

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

עָנָה הָרִאשׁוֹן:

— לִפְנֵי חֹדֶשׁ קָנִיתִי שָׂדֶה מֵהָאִישׁ הַזֶּה. כַּאֲשֶׁר הִתְחַלְתִּי לַחְפֹּר בָּאֲדָמָה הָרַכָּה כְּדֵי לִנְטֹעַ עֵץ, פָּגַעְתִּי בְּמַשֶּׂהוּ קָשֶׁה מִתַּחַת. הִפְסַקְתִּי לִרְגַע. כַּאֲשֶׁר הִמְשַׁכְתִּי לַחְפֹּר, מָצָאתִי, לְהַפְתָּעָתִי הַגְּרוֹלָה, אוֹצָר שֶׁל כֶּסֶף וְזָהָב, תַּכְשִׁיטִים וַאֲבָנִים יְקָרוֹת. מִיָּד הָלַכְתִּי אֶל הַמּוֹכֵר לְהַגִּיד לוֹ מַה שֶּׁקָּרָה וּלְהָשִׁיב לוֹ אֶת הָאוֹצָר. אָמַרְתִּי לוֹ: "מָצָאתִי אוֹצָר בַּשָּׂדֶה. שִׁלַּמְתִּי לְךָ רַק בְּעַד הַשָּׂדֶה, וְלֹא בְּעַד הָאוֹצָר. לְפִי דַּעְתִּי הָאוֹצָר שַׁיָּךְ לְךָ, כִּי לוֹ יָדַעְתָּ שֶׁיֵּשׁ בּוֹ אוֹצָר, לֹא הָיִיתָ מוֹכֵר לִי אֶת הַשָּׂדֶה". אֲבָל, אֲדוֹנִי הַמֶּלֶךְ, הַמְּשִׁיךְ הַקּוֹנֶה, הַמּוֹכֵר מִתְנַגֵּד לְדַעְתִּי וּמְסָרֵב לָקַחַת אֶת הָאוֹצָר מִמֶּנִּי.

— מַדּוּעַ אַתָּה מְסָרֵב לְקַבֵּל אֶת הָאוֹצָר מִמֶּנּוּ? שָׁאַל הַמֶּלֶךְ אֶת הַמּוֹכֵר.

עָנָה הַמּוֹכֵר וְהִסְבִּיר:

— נָכוֹן, לוֹ יָדַעְתִּי שֶׁיֵּשׁ בּוֹ אוֹצָר, לֹא הָיִיתִי מוֹכֵר אֶת הַשָּׂדֶה. אֲבָל, לְפִי דַּעְתִּי, כֵּיוָן שֶׁהַשָּׂדֶה נִמְכַּר בְּלִי שׁוּם תְּנַאי, כָּל מַה שֶּׁנִּמְצָא בַּשָּׂדֶה שַׁיָּךְ לַקּוֹנֶה.

שָׁאַל הַמֶּלֶךְ אֶת הַמּוֹכֵר:

— הַאִם יֵשׁ לְךָ בֵּן?

עָנָה הַמּוֹכֵר: "כֵּן".

שָׁאַל הַמֶּלֶךְ אֶת הַקּוֹנֶה:

— הַאִם יֵשׁ לְךָ בַּת?

עָנָה הַקּוֹנֶה: "כֵּן".

אָמַר הַמֶּלֶךְ:

— אִם כֵּן, יִקַּח הַבֵּן אֶת הַבַּת לְאִשָּׁה, וְהָאוֹצָר יִנָּתֵן לְחָתָן וְלַכַּלָּה כְּמַתָּנָה לַחֲתוּנָה.

שְׁנֵי הָאֲנָשִׁים, הַמּוֹכֵר וְהַקּוֹנֶה, הוֹדוּ לַמֶּלֶךְ וְיָצְאוּ שְׂמֵחִים מִן הָאַרְמוֹן.

אֲלֶכְסַנְדֶּר יָשַׁב כָּל הַזְּמַן בַּצַּד, וְלֹא אָמַר מִלָּה. הַדָּבָר הָיָה לְפֶלֶא בְּעֵינָיו. קָשֶׁה הָיָה לוֹ לְהַאֲמִין לְכָל מַה שֶּׁעֵינָיו רָאוּ וְאָזְנָיו שָׁמְעוּ.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft
בַּאֲשֶׁר שְׁנֵיהֶם נִשְׁאֲרוּ לְבַדָּם, שָׁאַל הַמֶּלֶךְ אֶת אֲלֶכְסַנְדֶּר:

— לוּ אַתָּה הָיִיתָ בִּמְקוֹמִי מֶה הָיִיתָ עוֹשֶׂה?

— יֵשׁ לְךָ לֵב רַךְ. לוּ בָּאוּ הָאֲנָשִׁים הָאֵלֶּה לְפָנַי, הָיִיתִי מְצַוֶּה לַהֲרֹג אֶת שְׁנֵיהֶם, וְהָיִיתִי לוֹקֵחַ אֶת הָאוֹצָר לְעַצְמִי! עָנָה אֲלֶכְסַנְדֶּר.

— הַאִם הַשֶּׁמֶשׁ זוֹרַחַת בְּאַרְצְךָ? שָׁאַל הַמֶּלֶךְ.

— בְּוַדַּאי! עָנָה אֲלֶכְסַנְדֶּר.

— הַאִם יוֹרְדִים גְּשָׁמִים בְּאַרְצְךָ? שָׁאַל שׁוּב הַמֶּלֶךְ.

— בְּוַדַּאי!

— הַאִם יֵשׁ בְּהֵמוֹת, חַיּוֹת וְעוֹפוֹת בְּאַרְצְךָ?

— בְּוַדַּאי!

— אִם כֵּן, אָמַר הַמֶּלֶךְ בְּרִצְינוּת, הַשֶּׁמֶשׁ זוֹרַחַת וְהַגְּשָׁמִים יוֹרְדִים בְּאַרְצְךָ רַק בִּזְכוּת הַבְּהֵמוֹת, הַחַיּוֹת וְהָעוֹפוֹת!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۶۳

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מַדּוּעַ הָיָה מְבַקֵּר אֲלֶכְסַנְדֶּר בַּמְּדִינוֹת שֶׁכָּבַשׁ? چرا اسکندر از کشورهایی که فتح کرده بود بازدید می کرد؟

۲. מַדּוּעַ רָצָה הַקּוֹנֶה לָתֵת אֶת הָאוֹצָר לַמּוֹכֵר? چرا خریدار می خواست گنج را به فروشنده بدهد؟

۳. מַדּוּעַ לֹא רָצָה הַמּוֹכֵר לְקַבֵּל אֶת הָאוֹצָר? چرا فروشنده گنج را قبول نمی کرد؟

۴. לְמִי נָתַן הַמֶּלֶךְ אֶת הָאוֹצָר? حاکم گنج را به چه کسی داد؟

۵. מָה הָיָה עוֹשֶׂה אֲלֶכְסַנְדֶּר, לוּ הוּא הָיָה הַשּׁוֹפֵט? اگر اسکندر داور بود چه کار می کرد؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. این لباس متعلق به چه کسی است؟ ۲. سرانجام پیشخدمت با منویی در دست ظاهر شد. ۳. خیلی وقت‌ها دعوا با یک چیز ساده شروع می‌شود. ۴. من به شرطی می‌آیم که شما (مذکر) شخص دیگری را دعوت نکنید. ۵. در یونان آداب و رسوم خوب و آداب بدی وجود داشت. ۶ اگر حقیقت را به قاضی می‌گفتی، تو (مذکر) به این سختی

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

مجازات نمی‌شدی. ۷. خورشید در این دنیا به شایستگی افراد صالح می‌درخشد. ۸. اگر او (مذکر) آداب و رسوم این کشور را می‌دانست، برای زندگی به اینجا نمی‌آمد. ۹. قاضی با عصبانیت گفت: تو (مذکر) حقی بر این ارث نداری. ۱۰. بازار پر از خریدار بود و همه حیوانات در مدت کوتاهی فروخته شدند. ۱۱. او (مذکر) از کمک کرده به دوستانش خودداری می‌کند. ۱۲. اگر تو (مذکر) دیروز کتاب را به من پس می‌دادی، من (مونث) خودم را برای آزمون خیلی بهتر آماده می‌کردم. ۱۳. تو (مونث) چقدر برای بلیط‌های تئاتر پرداخت کردی؟ ۱۴. از آنجایی که من (مذکر) عبری می‌دانم، هر از گاهی به او کمک می کنم تا تکالیفش را آماده کند. ۱۵. اگر او (مونث) را می‌شناختم، هیچ صدقه‌ای به او (مذکر) نمی‌دادم. ۱۶. توصیف تو (مونث) از اسرائیل، میل شدیدی را در من برمی‌انگیزد که به زودی به آنجا سفر کنم.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שִׁעוּר סָר
لغات درس ٦٤

אָהוּב, אֲהוּבָה: محبوب؛ محبوب (مونث) beloved, Part

בְּאֵר (בְּאֵרוֹת): چاه؛ (جمع: چاه‌ها) well n.f

בֵּבָה (בֵּבוֹת): عروسک؛ (جمع: عروسک‌ها) doll

גָּדֵר (גְּדֵרוֹת): حصار؛ (جمع: حصارها) fence n.f

חִבֵּק (לְחַבֵּק): بغل کرد، در آغوش گرفت؛ (مصدر: بغل کردن، در آغوش گرفتن) hugged, embraced

חָלָב: شیر milk

חֹם: درجه‌ی حرارت، گرما، تب heat; fever; temperature

טָרִי (טָרִיָּה): تازه؛ تازه (مونث) fresh

כְּאִלּוּ: مثل اینکه، به هرحال، اینچنین as if as though

כֶּלֶב (כְּלָבִים): سگ؛ (جمع: سگ‌ها) dog

לְמַטָּה: پایین، طبقه‌ی پایین، زیر down; downstairs; below

לְמַעְלָה: بالا، طبقه بالا، رو up; upstairs; above

לִקֵּק (לְלַקֵּק): لیس زد؛ (مصدر: لیس زدن) licked

מִיץ (מִיצִים): آبمیوه؛ (جمع: آبمیوه‌ها) juice

מֵעַל ל...: بالای... over; above

נֶפֶשׁ (נְפָשׁוֹת): روح، نفس(شخص)؛ (جمع: ارواح، اشخاص) soul; person n.f

סָבִיב: اطراف، دور around

מִסָּבִיב: در اطراف، از اطراف roundabout

שָׁכֵן (שְׁכֵנִים): همسایه؛ (جمع: همسایه‌ها) neighbor

שֵׁן (שִׁנַּיִם): دندان؛ (جمع: دو دندان) tooth n.f

תִּינוֹק (תִּינוֹקוֹת): بچه (مذکر)؛ (جمع: بچه‌های مذکر) baby m. (male)

תִּינֹקֶת (תִּינוֹקוֹת): بچه (مونث)؛ (جمع: بچه‌های مونث) baby f. (female)

בְּשִׁלשָׁה דְבָרִים הָאָדָם נִכָּר (אֶפְשָׁר לְהַכִּיר): בְּכוֹסוֹ, בְּכִיסוֹ וּבְכַעֲסוֹ. (מִן הַתַּלְמוּד)

از سه چیز می‌شود انسان را شناخت: از لیوانش، از جیبش و از عصبانیتش.

دستور زبان درس ٦٤

۱- اسم در زبان عبری به صورت مذکر و یا مونث است:

الف) اسم هایی که حرف «ת» در آخر آنها یکی از حرف های اصلی کلمه نباشد مونث هستند؛ مثال:

מַחְבֶּרֶת - חبر　　צַלַּחַת - צלח

اما اگر حرف « ת » جزء خود کلمه باشد اسم مذکر خواهد بود؛ مثال:

בַּיִת - כות　　מָוֶת - מות

نکته: واژه « לַיְלָה » با وجود اینکه به حرف «ה» ختم می شود مذکر است زیرا «ה» به کلمه « לַיִל » اضافه شده است.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

ب) تمام اسامی شهر ها و کشور ها مونث است؛ مثال:
אֶרֶץ, עִיר, יְשׂרָאֵל, יְרוּשָׁלַיִם, יָוָן, רוֹמָא

ג) نام اعضای زوج بدن مونث است؛ مثال:
אֹזֶן, יָד, רֶגֶל, עַיִן, שָׂפָה, שֵׁן

د) برخی از اسامی تحت قواعد گفته شده نیستند اما با این حال مونث هستند مثال:

۱. אֶבֶן (אֲבָנִים) ۲. אֵשׁ (אֵשִׁים) ۳. בְּאֵר (בְּאֵרוֹת) ۴. גֶּדֶר (גְּדֵרוֹת) ۵. חֶרֶב (חֲרָבוֹת)
۶. חָצֵר (חֲצֵרוֹת) ۷. כּוֹס (כּוֹסוֹת) ۸. כַּף (כַּפּוֹת) ۹. לָשׁוֹן (לְשׁוֹנוֹת) ۱۰. מַחַט (מְחָטִים)
۱۱. נַעַל (נַעֲלַיִם) ۱۲. נֶפֶשׁ (נְפָשׁוֹת) ۱۳. פַּעַם (פְּעָמִים) ۱۴. צִפּוֹר (צִפֳּרִים)

نکته: برخی واژه ها مثل « פַּעַם » و « כַּף » را ملحق به اعضای زوج بدن می کنند و آنها را به این دلیل مونث می دانند زیرا « כַּף » در اصل به معنای کف دست و « פַּעַם » در اصل به معنای گام یا پا می‌باشد.

ه) برخی از اسامی دارای جنسیت مذکر و مونث هستند اما با این وجود جنسیت مونث آنها ترجیح دارد؛ مثال:

רוּחַ　　פָּנִים　　דֶּרֶךְ　　שָׁמַיִם

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הַכֶּלֶב וְהַבָּבָּה

הַדָּבָר קָרָה בַּקַּיִץ לִפְנֵי שָׁנִים רַבּוֹת, אֲבָל אֲנִי זוֹכֵר אוֹתוֹ כְּאִלּוּ זֶה קָרָה רַק אֶתְמוֹל. הָיִיתִי אָז יֶלֶד בֶּן תֵּשַׁע שָׁנִים. גָּרנוּ בְּעִיָּרָה קְטַנָּה. הָיָה לָנוּ בַּיִת לָבָן יָפֶה, שֶׁעָמַד בְּתוֹךְ חָצֵר גְּדוֹלָה. מִסָּבִיב לֶחָצֵר הָיְתָה גָּדֵר יְרָקָה גְּבוֹהָה. לְיַד הַגָּדֵר הָיְתָה בְּאֵר וּבָהּ מַיִם קָרִים וּמְתוּקִים.

עֶרֶב אֶחָד בָּאוּ אֵלֵינוּ אוֹרְחִים. הַחֹם בַּבַּיִת הָיָה נוֹרָא. יָצָאנוּ עִם הָאוֹרְחִים לֶחָצֵר. אִמָּא הֵבִיאָה גְּלִידָה, מִיץ קַר, וְלַיְלָדִים גַּם כּוֹסוֹת גְּדוֹלוֹת וּבָהֶן חָלָב טָרִי. הַכֶּלֶב הָאָהוּב שֶׁלִּי "גִּיל" שָׁכַב לְיָדִי עַל אֶבֶן אַחַת. בִּלְשׁוֹנוֹ הָאָרְכָּה וְהָאַרְמָה הוּא לִקֵּק אֶת נַעֲלֵי הַחֲדָשׁוֹת.

הַמְבֻגָּרִים הָיוּ עֲסוּקִים בְּשִׂיחָה, וְהַקְּטַנִּים שִׂחֲקוּ בְּכַדּוּר. פִּתְאֹם הִגִּיעוּ לְאָזְנֵינוּ קוֹלוֹת מִן הֶחָצֵר שֶׁל הַשָּׁכֵן. רַצְנוּ אֶל הַשַּׁעַר. רָאִינוּ אֵשׁ חֲזָקָה פּוֹרֶצֶת מִן הַבַּיִת.

לְמַטָּה עָמְדוּ הַשָּׁכֵן וְאִשְׁתּוֹ וְצָעֲקוּ: "הַתִּינוֹק שֶׁלָּנוּ! הַתִּינוֹק שֶׁלָּנוּ!"

רָצִינוּ לַעֲזֹר, אֲבָל לֹא יָדַעְנוּ מַה לַּעֲשׂוֹת, כִּי הַסַּכָּנָה הָיְתָה גְּדוֹלָה מְאֹד. פִּתְאֹם רָאִינוּ אֶת הַכֶּלֶב קוֹפֵץ מֵעַל לַגָּדֵר, וְרָץ לְמַעְלָה לְתוֹךְ הַבַּיִת. אַחֲרֵי דַּקּוֹת אֲחָדוֹת הוֹפִיעַ הַכֶּלֶב עִם הַתִּינוֹק. רָצִיתִי לְחַבֵּק אוֹתוֹ, אֲבָל "גִּיל" שָׂם מַהֵר אֶת הַתִּינוֹק עַל הָאָרֶץ, לֹא חִכָּה אַף רֶגַע, וּמִיָּד רָץ שׁוּב אֶל הַבַּיִת.

הַשָּׁכֵן הִתְחִיל לִצְעֹק:

— גִּיל! גִּיל! שׁוּב! שׁוּב! אֵין עוֹד נֶפֶשׁ חַיָּה לְמַעְלָה!

הַכֶּלֶב לֹא שָׂם לֵב לַקְּרִיאוֹת שֶׁל הַשָּׁכֵן, וְקָפַץ יָשָׁר אֶל הַבַּיִת.

דַּקּוֹת אֲחָדוֹת עָבְרוּ וְהַכֶּלֶב עוֹד לֹא חָזַר. לִבִּי דָּפַק מִפַּחַד. הִתְחַלְתִּי לִבְכּוֹת. הָיִיתִי בָּטוּחַ שֶׁזֶּה הַסּוֹף שֶׁל הַכֶּלֶב הָאָהוּב שֶׁלִּי. פִּתְאֹם הוֹפִיעַ "גִּיל" וּבֶהָ גְּדוֹלָה וְרַכָּה בֵּין שִׁנָּיו הַלְּבָנוֹת. כָּל הָאֲנָשִׁים פָּרְצוּ בִּצְחוֹק. וַאֲנִי רָצִתִּי לִקְרָאתוֹ, תָּפַסְתִּי אוֹתוֹ בְּשִׁתֵּי יָדַי, לָחַצְתִּי אוֹתוֹ אֶל לִבִּי, וְחִבַּקְתִּי אוֹתוֹ בְּאַהֲבָה וּבִרְמָעוֹת.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ٦٤

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. אֵיפֹה יָשְׁבָה הַמִּשְׁפָּחָה עִם הָאוֹרְחִים? וּמַדּוּעַ? خانواده به همراه مهمانان در کجا نشستند؟ و چرا؟

۲. מַה הֵם רָאוּ כַּאֲשֶׁר הִגִּיעוּ לַשַּׁעַר? آنها زمانی که به دروازه رسیدند چه دیدند؟

۳. מָה עָשָׂה הַכֶּלֶב? سگ چه کاری انجام داد؟

۴. מָה צָעַק הַשָּׁכֵן לַכֶּלֶב כַּאֲשֶׁר הוּא רָץ אֶל הַבַּיִת בַּפַּעַם הַשְּׁנִיָּה? همسایه زمانی که سگ برای بار دوم به سمت خانه دوید خطاب به سگ با صدای بلند چه گفت؟

۵. מַדּוּעַ רָץ הַכֶּלֶב אֶל הַבַּיִת בַּפַּעַם הַשְּׁנִיָּה? چرا سگ برای بار دوم به سمت خانه دوید؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. در تابستان که گرما زیاد است، پیاده‌روی (برای قدم زدن) در کنار (نزدیک) رودخانه خوشایند است. ۲. سگ لباس عروسک را پاره کرد. ۳. او (مذکر) یک دندانپزشک عالی (پزشک دندان) است و برادرش یک متخصص اطفال (پزشک کودکان) معروف است. ۴. پدرم خودش به تنهایی حصار بلندی دور حیاط ما را ساخت. ۵. سگ شیری را که نوزاد روی زمین ریخته است می لیسد. ۶. ما (مذکر) بسیار ناراحت هستیم زیرا همسایه عزیزمان به طور ناگهانی درگذشت. ۷. هوا تاریک بود، هیچ روح زنده‌ای بیرون نبود. ۸. پیشخدمت به جای یک لیوان شیر، یک لیوان آب میوه آورد. همانطور که به نظر می‌رسد او (مذکر) سفارش من را خوب نشنیده است. ۹. پسر هنگام پریدن از روی حصار بلند یک پایش شکست. ۱۰. سرباز وقتی از سربازی به خانه برگشت مادرش را عاشقانه در آغوش گرفت. ۱۱. من و پدر و مادرم در یک خانه زندگی می‌کنیم، من در طبقه بالا و آنها در طبقه پایین زندگی می‌کنند. ۱۲. مادربزرگ نیمه شب پایین رفت و بچه را پوشاند. ۱۳. تو (مذکر) خجالت نمیکشی با پیرمردی مثل من با گستاخی حرف بزنی؟ ۱۴. از آنجا که تو (مذکر) به نصیحت من گوش نمی‌دهی، در آینده به تو کمکی نخواهم کرد. ۱۵. موافقت با چنین شرایطی سخت است.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

ج- صفت مناسب انتخاب کنید.

۱. יָד (חָזָק, חֲזָקָה)

۲. כּוֹס (מָלֵא, מְלֵאָה)

۳. מִלִּים (חֲשׁוּבִים, חֲשׁוּבוֹת)

۴. חֻלְצוֹת (סְגוּרִים, סְגוּרוֹת)

۵. קוֹלוֹת (נְעִימִים, נְעִימוֹת)

۶. עָרִים (גְּדוֹלִים, גְּדוֹלוֹת)

۷. נָפָשׁ (בָּרִיא, בְּרִיאָה)

۸. לָשׁוֹן (אָדֹם, אֲדֻמָּה)

۹. מָוֶת (מַר, מָרָה)

۱۰. לַיְלָה (קַר, קָרָה)

۱۱. צִפּוֹר (קָטָן, קְטַנָּה)

۱۲. אֵשׁ (אָדֹם, אֲדֻמָּה)

۱۳. אֲבָנִים (יְקָרִים, יְקָרוֹת)

۱۴. שִׂנַּיִם (לְבָנִים, לְבָנוֹת)

۱۵. פְּעָמִים (אֲחָדִים, אֲחָדוֹת)

۱۶. שָׁנִים (טוֹבִים, טוֹבוֹת)

۱۷. שָׂדוֹת (רֵיקִים, רֵיקוֹת)

۱۸. אֲרוֹנוֹת (פְּתוּחִים, פְּתוּחוֹת)

۱۹. רַגְלַיִם (אֲרֻכִּים, אֲרֻכּוֹת)

۲۰. כַּף (מָלֵא, מְלֵאָה)

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שִׁעוּר סה
لغات درس ٦٥

בֵּיצָה (בֵּיצִים): تخم مرغ؛ (جمع: تخم مرغ‌ها) egg

בָּרַח (לִבְרֹחַ): فرار کرد؛ (مصدر: فرار کردن) fled, ran away

גְּבִינָה (גְּבִינוֹת): پنیر؛ (جمع: پنیرها) cheese

חֶמְאָה (חֶמְאוֹת): کره؛ (جمع: کره‌ها) butter

יָרָה (לִירוֹת) בְּ...: تیراندازی کرد به...، شلیک کرد shot at

בְּ... (مصدر: تیراندازی کردن، شلیک کردن)

נֶאֱמָן, נֶאֱמָנָה: با ایمان، فرد معتقد؛ با ایمان، فرد معتقد (مونث) faithful

(נפל, לְהִתְנַפֵּל) הִתְנַפֵּל עַל: (افتاد؛ مصدر: هجوم آوردن)؛ هجوم آورد بر fell upon; attacked

סִימָן (סִימָנִים): امضا؛ (جمع: امضاها) sign

רוֹבֶה (רוֹבִים): اسلحه، تفنگ؛ (جمع: اسلحه‌ها، تفنگ‌ها) rifle, gun

תָּלָה (לִתְלוֹת): معلق شد، آویزان شد؛ (مصدر: معلق شد، آویزان شدن) hung; suspended

בָּרַח לְנַפְשׁוֹ: برای جانش فرار کرد fled for his life

מָה אִכְפַּת לְךָ?: چه اهمیتی دارد برای تو؟ what do you care? what does it matter to you?

לֹא אִכְפַּת לִי: مهم نیست، من اهمیتی نمی‌دهم I don't care; it does not matter to me.

אִם לֹא אִכְפַּת לְךָ: اگر مشکلی نداری، اگر برات مهم نیست If you don't mind

כָּל הָרוֹדֵף אַחַר הַכָּבוֹד, הַכָּבוֹד בּוֹרֵחַ מִמֶּנּוּ. (עַל פִּי הַתַּלְמוּד)

هر کس به دنبال افتخار باشد، افتخار از او فرار می‌کند.

دستور زبان درس ٦٥

۱- اسم های سگل دار یکی از بزرگترین گروه میشکال های زبان عبری هستند. اسامی سگل دار اسامی هستند که دو سیلاب دارند که سیلاب دوم آنها با نیکود سگل همراه است.

اگر حرف وسط این اسامی حروف حلقی باشد هر دو سیلاب با پتخ تلفظ می‌شوند؛ مثال:

כַּעַס, שַׁעַר, פַּחַד

اگر حرف سوم «ע» یا «ח» باشد در این صورت فقط بخش دوم با پتخ تلفظ می‌شود؛ مثال:

פָּרַח, פָּצַע

۲- در صورتی که بخواهیم اسامی سگل دار را صرف کنیم باید توجه داشته باشیم که نیکود این اسامی تغییر می‌کند مثلا نیکود سگل در سیلاب دوم به شوا تغییر می کند و یا مثلا در اسامی که حرف دوم، حلقی است به نیکود خطف پتخ تغییر می‌کند و نیکود سیلاب اول نیز به یکی از نیکود های زیر تغییر می کند:

א) اسم هایی که سیلاب اول آن ها نیکود سگل یا صقه دارد به نیکود خیقیک یا پتخ دارد؛ مثال:

דֶּרֶךְ ← דַּרְכִּי סֵפֶר ← סִפְרֵי יֶלֶד ← יַלְדִּי בֶּגֶד ← בִּגְדִי

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

ب) اگر حرف اول حلقی باشد، نیکود پتخ تغییری نمی کند مثال:

נַעַר ← נַעֲרִי　　פַּחַד ← פַּחְדִּי

ג) در اسم هایی که سیلاب اول نیکود خُلام دارد، خُلام به کاماتص کاتان تغییر می‌کند؛ مثال:

אֹזֶן ← אָזְנִי　　חֹדֶשׁ ← חָדְשִׁי　　עֹשֶׁר ← עָשְׁרִי

د) اگر اسم سگل دار به عنوان اسم مضاف استفاده شود تغییر نمی‌کند؛ مثال:

הַבֶּגֶד שֶׁל הָאִישׁ = בֶּגֶד הָאִישׁ

نکته: کلمه חֶדֶר استثنا است و در ین حالت به חַדַר تغییر می‌کند؛ مثال:

הַחֶדֶר שֶׁל הָאֹכֶל ← חַדַר הָאֹכֶל

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הָעֶבֶד הֶחָכָם

הַדָּבָר קָרָה לִפְנֵי שָׁנִים רַבּוֹת בַּאֲשֶׁר לֹא הָיָה בָּעוֹלָם לֹא דֹּאַר, לֹא טֶלֶפוֹן וְלֹא חַשְׁמַל. בַּיָּמִים הָהֵם הָיוּ שׁוֹלְחִים מִכְתָּבִים אוֹ סְפָּרִים מֵעִיר לְעִיר וּמְמְדִינָה לִמְדִינָה עַל יְדֵי שְׁלִיחִים פְּרָטִיִּים.

בְּעִיר אַחַת גָּר סוֹחֵר עָשִׁיר, וְלוֹ הָיָה עֶבֶד נֶאֱמָן. פַּעַם אַחַת שָׁלַח הַסּוֹחֵר כֶּסֶף לְעִיר אַחֶרֶת בִּידֵי עַבְדּוֹ הַנֶּאֱמָן. הָעֶבֶד שָׂם אֶת הַכֶּסֶף בְּכִיס בִּגְדּוֹ וְיָצָא לְדַרְכּוֹ.

בַּדֶּרֶךְ אֶל הָעִיר עָבַר הָעֶבֶד עַל־יַד יַעַר. הָיָה שֶׁקֶט מְסָבִיב. רוּחַ מְזְרָחִית קַלָּה נָשְׁבָה. קוֹלוֹת מְתוּקִים וְנָעִימִים שֶׁל צִפֳּרִים הִגִּיעוּ לְאָזְנָיו מִתּוֹךְ הַיַּעַר. הָעֶבֶד הֶחְלִיט לְהִכָּנֵס לַיַּעַר כְּדֵי לָנוּחַ קְצָת מִן הַנְּסִיעָה הָאֲרֻכָּה. הוּא יָשַׁב שָׁם עַל אֶבֶן אַחַת תַּחַת עֵץ יָרֹק, וְהִקְשִׁיב לַקּוֹלוֹת הַשּׁוֹנִים שֶׁנִּשְׁמְעוּ מִכָּל צַד. הוּא הוֹצִיא מִילְקוֹטוֹ אֶת הָאֹכֶל שֶׁהֻכִין לַדֶּרֶךְ, לֶחֶם שָׁחוֹר טָרִי, חֶמְאָה, גְּבִינָה וּבֵיצִים קָשׁוֹת, וְהִתְחִיל לֶאֱכֹל. פִּתְאֹם הוֹפִיעַ שׁוֹרֵד מִתּוֹךְ הָעֵצִים הַצְּפוּפִים. הַשּׁוֹרֵד הוֹצִיא רוֹבֶה מִתַּחַת מְעִילוֹ, וְדָרַשׁ מִן הָעֶבֶד אֶת כַּסְפּוֹ.

— הַכֶּסֶף שֶׁנִּמְצָא אֶצְלִי הוּא לֹא כַּסְפִּי, אָמַר הָעֶבֶד, הוּא שַׁיָּךְ לַאֲדוֹנִי. אֲנִי רַק שָׁלִיחַ. בְּבַקָּשָׁה, עֲשֵׂה לִי טוֹבָה, שְׁלַח בְּדוּר בְּבִגְדִי. כַּאֲשֶׁר אָשׁוּב הַבַּיְתָה וְאַגִּיד לַאֲדוֹנִי, שֶׁשּׁוֹרֵד הִתְנַפֵּל עָלַי וְלָקַח אֶת כַּסְפּוֹ,הוּא יַאֲמִין לִי, כִּי הַחוֹר בְּבִגְדִי יִהְיֶה סִימָן שֶׁאֲנִי לֹא מְשַׁקֵּר.

הַשּׁוֹרֵד לֹא סָרַב, וְאָמַר:

— טוֹב, פְּשֹׁט מֵהֵר אֶת בִּגְדֶךָ, וְאֶעֱשֶׂה כְּבַקָּשָׁתֶךָ.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הָעֶבֶד פָּשַׁט אֶת בִּגְדוֹ וְתָלָה אוֹתוֹ עַל עֵץ. הַשּׁוֹדֵד יָרָה בָּרוֹבֶה וְעָשָׂה חוֹר בַּבֶּגֶד.

הָעֶבֶד הוֹרָה לַשּׁוֹדֵד, וְשׁוּב פָּנָה אֵלָיו וְאָמַר:

— בְּבַקָּשָׁה, שְׁלַח גַּם בַּדּוּר בַּנַּעֲלַיִם. אָז יָבִין אֲדוֹנִי שֶׁהָיִיתִי בְּסַכָּנַת מָוֶת.

הַשּׁוֹדֵד הִסְכִּים לְבַקָּשָׁתוֹ, וְאָמַר:

— זֶה רַעְיוֹן מְצֻיָּן. תֵּכֶף וּמִיָּד אֶעֱשֶׂה גַּם זֹאת.

הָעֶבֶד שָׂם אֶת הַנַּעֲלַיִם עַל הָאָרֶץ. הַשּׁוֹדֵד יָרָה בְּנַעַל אַחַת. הַכַּדּוּר פָּגַע בַּנַּעַל וְעָשָׂה בָּהּ חוֹר.

— אִם לֹא אִכְפַּת לְךָ, אָמַר שׁוּב הָעֶבֶד, שְׁלַח כַּדּוּר גַּם בְּנַעֲלִי הַשְּׁנִיָּה. אָז אֲדוֹנִי יֵדַע בְּאֹפֶן בָּרוּר כַּמָּה גְּדוֹלָה הָיְתָה הַסַּכָּנָה שֶׁנִּמְצֵאתִי בָּהּ.

הַשּׁוֹדֵד הֵרִים אֶת הָרוֹבֶה וְרָצָה לִירוֹת בַּנַּעַל הַשְּׁנִיָּה. אֲבָל, לְהַפְתָּעָתוֹ הַגְּדוֹלָה, אַף כַּדּוּר אֶחָד לֹא יָצָא מִן הָרוֹבֶה שֶׁלּוֹ.

— אוֹי, קָרָא הַשּׁוֹדֵד, לֹא נִשְׁאֲרוּ לִי עוֹד כַּדּוּרִים!

בָּרַגַע הַזֶּה קָפַץ הָעֶבֶד מִמְּקוֹמוֹ, תָּפַס אֶת בִּגְדוֹ וּבָרַח לְנַפְשׁוֹ.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ٦٥

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. אֵיךְ הָיוּ שׁוֹלְחִים מִכְתָּבִים בַּיָּמִים כְּשֶׁלֹּא (כַּאֲשֶׁר לֹא) הָיָה עוֹד דֹּאַר? در زمان هایی که هنوز پست نبوده چطور نامه فرستاده می شد؟

۲. מִי הִתְנַפֵּל עַל הָעֶבֶד בַּדָּרֶךְ, וּמַה הוּא דָּרַשׁ מִמֶּנּוּ? چه کسی در راه به غلام حمله کرد و چه از او میخواست؟

۳. מַה בִּקֵּשׁ הָעֶבֶד מֵהַשּׁוֹדֵד? غلام از دزد چه درخواستی کرد؟

۴. מַדּוּעַ לֹא יָרָה הַשּׁוֹדֵד בַּנַּעַל הַשֵּׁנִיָּה? چرا دزد به کفش دیگر شلیک نکرد؟

۵. מָה עָשָׂה הָעֶבֶד בַּסּוֹף? در نهایت غلام چه کار کرد؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. همه افراد خانواده من انواع پنیر را دوست دارند. ۲. من وارد خانه شدم، کتاب را درآوردم و در کمد آویزان کردم. ۳. یک دوست وفادار همیشه آماده کمک است. ۴. قاصد اسلحه‌ای را برداشت و به دزدی که پولش را طلب کرد شلیک کرد. ۵. من فقط چند ماه در این حالت خواهم ماند. ۶. وقتی انسان خوب غذا می‌خورد، نشانه سالم بودن اوست. ۷. هر روز صبح من (مذکر) نان و کره، یک تکه پنیر و دو عدد تخم مرغ می‌خورم. ۸. هنگامی که سربازان وفادار ما به شهر نزدیک شدند، دشمن برای جان خود فرار کرد. ۹. ساکت باش (مذکر)، هیچ چیزی نگو. آیا نمی‌دانی که دیوارها گوش دارند؟ ۱۰. این تفنگ متعلق به سربازی است که هفته گذشته به مَلاقات ما آمد. ۱۱. شیر به بز کشاورز حمله کرد. ۱۲. برای من مهم نیست که فقط یک ماه تا پایان تعطیلاتم باقی مانده باشد. ۱۳. وقتی تکه‌ای گوشت به او دادم سگ با چشمانی پر از تشکر به من نگاه کرد. ۱۴ . عجیب است که غلام (عبد) به سلامت به خانه بازگشت. ۱۵. همه بچه‌ها دور میز نشستند و به داستان‌های پدرشان گوش دادند. ۱۶. لطفاً به من بگو چگونه می‌توانم به بزرگراه شماره ۹ برسم؟

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

ج- ضمایر را بدون استفاده از کلمه «שֶׁל» به اسم متصل کنید.

הַכֶּסֶף שֶׁלִּי - כַּסְפִּי

۱. הָאָבָן שֶׁלָּהּ -
۲. הָאָרֶץ שֶׁלָּנוּ -
۳. הַבַּעַל שֶׁלָּהּ -
۴. הַבֶּגֶד שֶׁלָּהֶם -
۵. הַדֶּרֶךְ שֶׁלָּךְ -
۶. הַחֶדֶר שֶׁלִּי -
۷. הַיֶּלֶד שֶׁלָּכֶם -
۸. הַחֹדֶשׁ שֶׁלּוֹ -
۹. הַלֶּחֶם שֶׁלִּי -
۱۰. הָעֹנֶשׁ שֶׁלָּהּ -
۱۱. הָעֶצֶם שֶׁלָּהֶן -
۱۲. הַפָּרָה שֶׁלָּךְ -

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שִׁעוּר סָן
لغات درس ٦٦

בֵּינְתַיִם: در همین حال، در عین حال، in the meantime, meanwhile

גַּנָּב (גַּנָּבִים): دزد؛ (جمع: دزدها) thief

גָּנַב (לִגְנֹב): دزدید؛ (مصدر: دزدیدن) stole

(גנב, לְהִתְגַּנֵּב) נִתְגַּנֵּב: (دزدید؛ مصدر: دزدیده شدن)؛ دزدیده شد was stolen

חֲדַר הַלְבָּשָׁה: اتاق پرو، رختکن dressing room

חִיֵּךְ (לְחַיֵּךְ): خندید؛ (مصدر: خندیدن) smiled

חָסִיד (חֲסִידִים): پارسا، باتقوا، فرقه‌ای از یهودیان به نام حَسیدی؛ (جمع: پارسایان، باقوایان، حَسیدی‌ها) Pious; pious man; a Hasid

טָעוּת (טָעֻיוֹת): خطا؛ (جمع: خطاها) error; mistake

יָשָׁן, יְשָׁנָה: کهنه، قدیمی؛ کهنه، قدیمی (مونث) old (with inanimate things)

(עטף, לְהִתְעַטֵּף) הִתְעַטֵּף: (دور خودش پیچید؛ مصدر: دورخود پیچیدن، خود را پوشاندن)؛ خودش را پوشاند wrapped himself

עָטוּף, עֲטוּפָה: پوشیده شد، بسته شد، بسته‌بندی؛ پوشیده شد، بسته شد، بسته‌بندی (مونث) wrapped; enveloped

צַעַר: غم و اندوه، غصه sorrow; grief

רָגִיל, רְגִילָה: مرسوم، معمول؛ مرسوم، معمول (مونث) usual; accustomed

(שאר, לְהַשְׁאִיר) הִשְׁאִיר: ترک کرد؛ (مصدر: ترک کردن) left (something)

תָּלוּי, תְּלוּיָה: آویزان، بسته شده، وابسته، گیر کردن؛ آویزان، بسته شده، وابسته، گیر کردن (مونث) hang; hanging

בַּמָּקוֹם שֶׁאֵין אֲנָשִׁים הִשְׁתַּדֵּל לִהְיוֹת אִישׁ. (פִּרְקֵי אָבוֹת)

در جایی که هیچ مرد خوبی وجود ندارد (هیچ مردی نیست)، تلاش کن که تو مرد خوبی باشی (تو مرد باشی)

دستور زبان درس ٦٦

۱- برای جمع بستن اسامی سِگُل دار از الگوی « ◌ָ ◌ָ ◌ִ י ם » و « ◌ָG ◌ָ ◌ִ י ם » تبعیت می کنیم؛ مثال:

מֶלֶךְ ← מְלָכִים רֶגַע ← רְגָעִים עֶבֶד ← עֲבָדִים

اسامی کمی از سِگُل دار ها علامت جمع مونث می‌گیرند؛ مثال:

רֶשֶׁת ← רְשָׁתוֹת נֶפֶשׁ ← נְפָשׁוֹת אֶרֶץ ← אֲרָצוֹת

۲- اگر اسم سگل دار جمع به عنوان مضاف استعمال شود به صورت زیر خواهد بود:

א) « ◌ִ ◌ָ ◌ֵי י »؛ مثال: בִּגְדֵי הָאִישׁ

ב) « ◌ֵ ◌ָ ◌ֵי י »؛ مثال: דַּרְכֵי הָאָרֶץ

ג) « ◌ִ ◌ָ ◌ֹ ו ת »؛ مثال: רִשְׁתוֹת הַדַּיָּג

ד) « ◌ֵ ◌ָ ◌ֹ ו ת »؛ مثال: נַפְשׁוֹת הַמֵּתִים

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

نکته: اگر سیلاب اول نیکود خیقیک یا پتخ داشت در هنگام اضافه شدن به اسم دیگر تغییر نمی کند؛ مثال:

בִּגְדֵי הָאִישׁ ← בִּגְדֵי ‌ דַּרְכֵי הָאָרֶץ ← דַּרְכֵי

۳- صرف اسم سگل دار جمع مذکر اگر سیلاب اول آنها پتخ یا خیقیک باشد یعنی الگوی« ◌ֵי ◌ָ ◌ִ ◌ים » یا « ◌ִ ◌ָ ◌ֵי » داشته باشد به صورت زیر است؛ مثال:

בְּגָדִים (בִּגְדֵי)		דְּרָכִים (דַּרְכֵי)	
בִּגְדַי		דַּרְכַי	
בִּגְדֶיךָ	בִּגְדַיִךְ	דְּרָכֶיךָ	דְּרָכַיִךְ
בִּגְדָיו	בִּגְדֶיהָ	דְּרָכָיו	דְּרָכֶיהָ
בִּגְדֵינוּ		דְּרָכֵינוּ	
בִּגְדֵיכֶם	בִּגְדֵיכֶן	דַּרְכֵיכֶם	דַּרְכֵיכֶן
בִּגְדֵיהֶם	בִּגְדֵיהֶן	דַּרְכֵיהֶם	דַּרְכֵיהֶן

۴- صرف اسم سگل دار جمع مذکر اگر سیلاب اول آنها پتخ یا خیقیک باشد یعنی الگوی« ◌ֵי ◌ָ ◌ֹ ◌וֹת » یا « ◌ִ ◌ָ ◌וֹ ◌וֹת » داشته باشد به صورت زیر است:

רְשָׁתוֹת (רִשְׁתוֹת)		נְפָשׁוֹת (נַפְשׁוֹת)	
רִשְׁתוֹתַי		נַפְשׁוֹתַי	
רִשְׁתוֹתֶיךָ	רִשְׁתוֹתַיִךְ	נַפְשׁוֹתֶיךָ	נַפְשׁוֹתַיִךְ
רִשְׁתוֹתָיו	רִשְׁתוֹתֶיהָ	נַפְשׁוֹתָיו	נַפְשׁוֹתֶיהָ
רִשְׁתוֹתֵינוּ		נַפְשׁוֹתֵינוּ	
רִשְׁתוֹתֵיכֶם	רִשְׁתוֹתֵיכֶן	נַפְשׁוֹתֵיכֶם	נַפְשׁוֹתֵיכֶן
רִשְׁתוֹתֵיהֶם	רִשְׁתוֹתֵיהֶן	נַפְשׁוֹתֵיהֶם	נַפְשׁוֹתֵיהֶן

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

אִישׁ חָסִיד הָיָה

אִישׁ חָסִיד אֶחָד הָיָה רָגִיל לָלֶכֶת בְּכָל עֶרֶב שַׁבָּת לְבֵית הַמֶּרְחָץ לְהִתְרַחֵץ לִכְבוֹד שַׁבָּת. עֶרֶב שַׁבָּת אֶחָד הָלַךְ הֶחָסִיד כְּדַרְכּוֹ וּמִנְהָגוֹ לְבֵית הַמֶּרְחָץ. הוּא נִכְנַס לַחֲדַר הַהַלְבָּשָׁה, הוֹרִיד אֶת כָּבָעוֹ מֵעַל רֹאשׁוֹ וְתָלָה אוֹתוֹ עַל הַקִּיר. פָּשַׁט אֶת הַמְּעִיל וְאֶת הַחֲלָצָה, הוֹרִיד אֶת הַמִּכְנָסַיִם, וְהִשְׁאִיר אֶת הַכֹּל עַל הַסַּפְסָל. אַחֲרֵי־כֵן יָרַד לְמַטָּה לְהִתְרַחֵץ. כַּאֲשֶׁר גָּמַר, חָזַר הֶחָסִיד לְמַעְלָה לַחֲדַר הַהַלְבָּשָׁה. כְּשֶׁרָצָה לְהִתְלַבֵּשׁ לֹא מָצָא אֶת בִּגְדָיו וְאֶת כַּסְפּוֹ, שֶׁהוּא שָׂם בְּכִיס הַמִּכְנָסַיִם.

— מַה קָּרָה לְכָבָעִי, שֶׁהָיָה תָּלוּי עַל הַקִּיר וְלִבְגָדַי, שֶׁהִשְׁאַרְתִּי עַל הַסַּפְסָל? שָׁאַל הֶחָסִיד אֶת שׁוֹמֵר הַבְּגָדִים בְּתִמָּהוֹן.

— לֹא רָאִיתִי אַף אֶחָד שֶׁנָּגַע בָּהֶם, אָמַר הַשּׁוֹמֵר. חַכֵּה רֶגַע וַאֲנִי אֲחַפֵּשׂ אוֹתָם.

הַשּׁוֹמֵר חִפֵּשׂ אֶת בִּגְדֵי הֶחָסִיד בְּכָל מָקוֹם וּבְכָל פִּנָּה, אֲבָל לֹא הִצְלִיחַ לִמְצֹא אוֹתָם. הוּא חָזַר אֶל הֶחָסִיד וְאָמַר לוֹ:

— אֲנִי מִצְטַעֵר מְאֹד, כְּנִרְאֶה שֶׁבִּגְדֶיךָ נִגְנְבוּ. אֲבָל אַל תִּדְאַג! אֲנִי מַבְטִיחַ לְךָ, שֶׁאֶשְׁתַּדֵּל לִמְצֹא אֶת הַגַּנָּב שֶׁגָּנַב אֶת בִּגְדֶיךָ וְאֶת כַּסְפְּךָ.

— אוּלַי יֵשׁ לְךָ בֵּינְתַיִם בֶּגֶד יָשָׁן בִּשְׁבִילִי? אָמַר הֶחָסִיד.

— לְצַעֲרִי הָרַב, עָנָה הַשּׁוֹמֵר, אֵין אֶצְלִי שׁוּם בְּגָדִים יְשָׁנִים. יֵשׁ פֹּה מַגֶּבֶת נְקִיָּה וְרַכָּה, וְהִיא לֹא שַׁיֶּכֶת לְשׁוּם אָדָם. אִם לֹא אִכְפַּת לְךָ, קַח אוֹתָהּ וְהִתְעַטֵּף בָּהּ.

בְּרֹאשׁוֹנָה סֵרַב הֶחָסִיד, כִּי הִתְבַּיֵּשׁ לְהוֹפִיעַ עָטוּף בְּמַגֶּבֶת בָּחוּץ. כֵּינָן שֶׁלֹּא הָיְתָה לוֹ דֶּרֶךְ אַחֶרֶת, הֶחְלִיט לָקַחַת אֶת הַמַּגֶּבֶת. לְמַזָּלוֹ הַטּוֹב הַדֶּבֶר קָרָה בַּקַּיִץ. בַּיּוֹם הַהוּא מֶזֶג הָאֲוִיר הָיָה חַם וְנָעִים. הוּא הִתְעַטֵּף בַּמַּגֶּבֶת וְהָלַךְ הַבַּיְתָה.

בַּאֲשֶׁר הָאִשָּׁה רָאֲתָה מֵרָחוֹק אֶת בַּעֲלָהּ מְטַיֵּל בָּרְחוֹב עָטוּף בְּמַגֶּבֶת, הַדֶּבֶר הִפְלִיא אוֹתָהּ. הִיא רָצָה לִקְרָאתוֹ וְקָרְאָה בְּקוֹל עָצוּב:

— מַה קָּרָה לְךָ? אֵיפֹה בִּגְדֶיךָ?

עָנָה הֶחָסִיד בְּשֶׁקֶט:

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

— כַּנִּרְאֶה, מִישֶׁהוּ עָשָׂה טָעוּת וְלָקַח אֶת בְּגָדֵי בִּמְקוֹם בְּגָדָיו.

— אִם כֵּן, שְׁאֲלָה הָאִשָּׁה, אֵיפֹה הֵם בִּגְדֵי הָאִישׁ הַהוּא?

הֶחְסִיד חִיֵּךְ וְעָנָה:

— כַּנִּרְאֶה, הָאִישׁ הַהוּא שָׁכַח לְהַשְׁאִיר אֶת בְּגָדָיו.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ٦٦

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מָה הָיָה הֶחָסִיד רָגִיל לַעֲשׂוֹת בְּכָל עֶרֶב שַׁבָּת? آن فرد حسیدی، صبح شنبه عادت داشت چه کار کند؟

۲. מָה עָשָׂה הֶחָסִיד כְּשֶׁנִּכְנַס לַחֲדַר הַהַלְבָּשָׁה? آن فرد حسیدی زمانی که وارد اتاق رختکن شد، چه کار کرد؟

۳. מַה קָּרָה לְבִגְדֵי הֶחָסִיד? برای لباسهای فرد حسیدی چه اتفاقی افتاد؟

۴. אֵיזוֹ עֵצָה נָתַן לוֹ שׁוֹמֵר הַבְּגָדִים? نگهبان لباس ها، چه پیشنهادی به او داد؟

۵. אֵיךְ רוֹאִים מֵהַסִּפּוּר שֶׁהָאִישׁ הָיָה חָסִיד? چگونه از داستان دریافت می شود، که آن مرد حسیدی بوده؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. ماشین قدیمی‌ام دزدیده شد، اما پلیس دزد را گرفت. ۲. محال است که مرد در غم و اندوه لبخند بزند. ۳. هر یهودی مذهبی سه بار در روز نماز می‌خواند. ۴. او (مونث) کتاب‌های مرا به اشتباه گرفت. ۵. حمام نبش آن خیابان است. ۶. یکی به من گفت که فردا امتحان داریم. آیا این درست است؟ ۷. وقتی ما (مذکر) عصر بیرون می‌رویم، عموماً بچه‌ها را پیش مادربزرگ می‌گذاریم. ۸. من سردم شده بود و خودم را در کت زمستانی‌ام پیچیدم. ۹. این مرد حسیدی عادت دارد هر هفته دو روز روزه بگیرد. ۱۰. او (مذکر) عصایش را در رختکن فراموش کرد. ۱۱. من خواب بودم (خوابیده بودم) و نشنیدم دزدها کی وارد خانه شدند. ۱۲. پس از تابش آفتاب تا چند ساعت، اثری از برف باقی نماند. ۱۳. سگ من از سگ شما باهوش‌تر است. ۱۴. ما (مذکر) متأسفیم به شما اطلاع می‌دهیم

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

که نمی‌توانیم درخواست تو (مذکر) را تکمیل کنیم. ۱۵. من شام را ساعت هفت و ربع سرو خواهم کرد. در این فاصله یک لیوان آب میوه یا یک لیوان شیر بگیر (= بخور) (مونث). ۱۶. من (مذکر) هیچ پیشرفتی در تحصیل او نمی‌بینم.

ج- ضمایر را بدون استفاده از کلمه ی «שֶׁלְ» به اسامی متصل کنید.

הַיְלָדִים שֶׁלִּי - יְלָדַי

۱. הָאֲבָנִים שֶׁלְּךָ -
۲. הָרַגְלַיִם שֶׁלָּהֶם -
۳. הַדְּרָכִים שֶׁלָּנוּ -
۴. הַכְּלָבִים שֶׁלִּי -
۵. הַנְּעָרִים שֶׁלָּהּ -
۶. הַסְּפָרִים שֶׁלְּךָ -
۷. הָעֲבָדִים שֶׁלָּכֶם-
۸. הַפְּרָחִים שֶׁלָּךְ -
۹. הַכְּסָפִים שֶׁלְּךָ -
۱۰. הַסְּמָלִים שֶׁלָּהֶם -
۱۱. הָרַגָּעִים שֶׁלּוֹ -
۱۲. הָאֲרָצוֹת שֶׁלָּהֶם -

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

שִׁעוּר ١٧

kambozia.com

لغات درس ١٧

אָסוֹן (אֲסוֹנוֹת): بدبختی، فاجعه؛ (جمع: بدبختی‌ها، فاجعه‌ها)

בָּשַׁל (לְבַשֵּׁל): آشپزی کرد؛ (مصدر: آشپزی کردن)

בִּשּׁוּל: آشپزی

(חזר, לְהַחֲזִיר) הֶחֱזִיר: (برگشت؛ مصدر: برگرداندن)؛ برگرداند

כַּף (כַּפּוֹת): قاشق؛ (جمع: قاشق‌ها)

כַּפִּית (כַּפִּיּוֹת): قاشق چایخوری، قاشق کوچک)؛ (جمع: قاشق‌های چایخوری، قاشق‌های کوچک)

מֶלַח (מְלָחִים): نمک؛ (جمع: نمک‌ها)

נָבוֹךְ, נְבוֹכָה: خجالت‌زده، گیج شده، گمشده؛ خجالت‌زده، گیج شده، گمشده (مونث)

סִיר (סִירִים): قابلمه، دیگ؛ (جمع: قابلمه‌ها، دیگ‌ها)

סֻכָּר: شکر

(פרע, לְהַפְרִיעַ) הִפְרִיעַ: (نابود کرد؛ مصدر: نابود شدن)؛ نابود شد

קֵץ (קְצִיִּים): پایان؛ (جمع: پایان‌ها)

רֶמֶז (רְמָזִים): اشاره، چشمک؛ (جمع: اشاره‌ها، چشمک‌ها)

שָׁאַל (לִשְׁאֹל): درخواست کرد، قرض گرفت؛ (مصدر: درخواست کردن، قرض گرفتن)

(שאל, לְהַשְׁאִיל) הִשְׁאִיל: (قرض گرفت؛ مصدر: قرض دادن)؛ قرض داد

לָשִׂים קֵץ: برای پایان دادن به

טוֹב שָׁכֵן קָרוֹב מֵאָח רָחוֹק. (משלי כז, 10)

همسایه‌ای که در نزدیکی شماست، بهتر از برادر یا اعضای خانواده‌ای هست که از شما دور است.

دستور زبان درس ١٧

۱- صرف اسامی بر وزن « ○○ ○ » به همراه ضمایر متصل؛ مثال صرف חֹם (סְמִיכוּת - חֹם):

חֲמִי,	חֲמֶךָ,	חֲמַךְ,	חֲמוֹ,	חֲמָהּ
חֲמֵנוּ,	חֲמֶכֶם,	חֲמְכֶן,	חֲמָם,	חֲמָן

نکته: اگر اسم تک هجایی مصوت خُلام ماله داشته باشد در صرف اسم، این نیکود باقی می ماند؛ مثال:

סוֹפִי, סוֹפֶךָ, סוֹפַךְ

نکته ۲: اما اگر نیکود این اسامی، خُلام باشد در صرف، این نیکود به کوبوتص تغییر می کند؛ مثال:

חֹם - חֲמִי, חֲמֶךָ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

نکته ۳: اسم هایی مانند « כָּל » و « חֹק » در هنگام صرف مانند هم صرف می شوند و نیکود خُلام یا کاماتص کاتان به کوبوتص تبدیل می‌شود؛ مثال:

כֹּל (כָּל), כֻּלִּי, כֻּלְּךָ, כֻּלָּהּ, כֻּלּוֹ, כֻּלָּהּ
כֻּלָּנוּ, כֻּלְּכֶם, כֻּלְּכֶן, כֻּלָּם, כֻּלָּן

نکته ۴: اگر حرف دوم حلقی باشد خُلام باقی می‌ماند؛ مثال:

כֹּחַ (סְמִיכוּת - כֹּחַ)

כֹּחִי, כֹּחֲךָ, כֹּחַךְ, כֹּחוֹ, כֹּחָהּ
כֹּחֵנוּ, כֹּחֲכֶם, כֹּחֲכֶן, כֹּחָם, כֹּחָן

۲- اسامی با وزن « ○ֵ○ ' ○ » به همراه ضمایر متصل، در هنگام صرف به وزن « ○ַ○ ' ○ » تغییر می کنند؛ مثال:

בַּיִת ← בֵּית
יַיִן ← יֵין
הַבַּיִת שֶׁל הַשָּׂכֵן ← בֵּית הַשָּׂכֵן
לַיִל (לַיְלָה) ← לֵיל (לֵילָה)
עַיִן ← עֵין
הַלַּיְלָה שֶׁל שַׁבָּת ← לֵיל שַׁבָּת

مثال ۲:

صرف בַּיִת (בַּיִת), בֵּיתִי, בֵּיתְךָ, בֵּיתֵךְ, בֵּיתוֹ, בֵּיתָהּ
בֵּיתֵנוּ, בֵּיתְכֶם, בֵּיתְכֶן, בֵּיתָם, בֵּיתָן

۳- صرف «אַיִן» چه در حالت اسم(به معنای هیچ) و چه در حالت قید . همچنین زمانی که برای منفی کردن جمله در زمان حال مورد استعمال قرار می گیرد، به صورت « בַּיִת » است؛ مثال:

صرف אַיִן (סְמִיכוּת אֵין)

אֵינִי (אֲנִי), אֵינְךָ, אֵינֵךְ, אֵינוֹ (אֲנִי), אֵינָהּ (אֲנִי)
אֵינֶנּוּ, אֵינְכֶם, אֵינְכֶן, אֵינָם, אֵינָן

مثال ۲:

אֵין אֲנִי יוֹדֵעַ ← אֵינִי יוֹדֵעַ (אֲנִי יוֹדֵעַ)
אֵין אַתָּה יוֹדֵעַ ← אֵינְךָ יוֹדֵעַ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۴- حالتی از סְמִיכוּת (مضاف و مضاف الیه) در سوم شخص مفرد و جمع وجود دارد که برای تاکید استفاده می‌شود در این حالت اسم اول با ضمایر سوم شخص صرف می شود و به واسطه « שֶׁל » به اسم بعد مربوط می‌شود؛ مثال:

הַבַּיִת שֶׁל הַמּוֹרֶה ← בֵּית הַמּוֹרֶה אוֹ בֵּיתוֹ שֶׁל הַמּוֹרֶה
הַבַּיִת שֶׁל הַמּוֹרֶה ← בֵּית הַמּוֹרֶה אוֹ בֵּיתָהּ שֶׁל הַמּוֹרֶה
הַבַּיִת שֶׁל הַמּוֹרִים ← בֵּית הַמּוֹרִים אוֹ בֵּיתָם שֶׁל הַמּוֹרִים
הַבַּיִת שֶׁל הַמּוֹרוֹת ← בֵּית הַמּוֹרוֹת אוֹ בֵּיתָן שֶׁל הַמּוֹרוֹת

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

שְׁנֵי שְׁכֵנִים

בְּחָצֵר אַחַת גָּרוּ שְׁנֵי שְׁכֵנִים, רְאוּבֵן וְשִׁמְעוֹן. רְאוּבֵן הָיָה רָגִיל תָּמִיד לִשְׁאֹל כָּל מִינֵי דְּבָרִים מִשְּׁכֵנוֹ שִׁמְעוֹן. הוּא הָיָה נִכְנָס לְבֵיתוֹ שֶׁל שִׁמְעוֹן בְּכָל שָׁעוֹת הַיּוֹם, בַּבֹּקֶר, בַּצָּהֳרַיִם וּבָעֶרֶב. כָּל פַּעַם שֶׁהָיָה צָרִיךְ לְבַשֵּׁל, וְהָיוּ חֲסֵרִים לוֹ דְּבָרִים שׁוֹנִים, הָיָה בָּא לִשְׁאֹל אוֹתָם מִשְּׁכֵנוֹ: פַּעַם קְצָת קֶמַח, מֶלַח אוֹ סֻכָּר, וּפַעַם בֵּיצָה אוֹ כּוֹס חָלָב. הַדָּבָר הַזֶּה הִפְרִיעַ מְאֹד לְשִׁמְעוֹן, וְהוּא סָבַל הַרְבֵּה מִזֶּה, אֲבָל קָשֶׁה הָיָה לוֹ לְסָרֵב. הוּא הִשְׁתַּדֵּל לְהִתְרַגֵּל לַמַּצָּב וְלֹא הָיָה יָכוֹל. לָכֵן הֶחְלִיט בְּלִבּוֹ לָשִׂים קֵץ לַדָּבָר.

מֶה עָשָׂה שִׁמְעוֹן? יוֹם אֶחָד הָלַךְ לְבֵיתוֹ שֶׁל רְאוּבֵן וְאָמַר לוֹ:

— בְּבַקָּשָׁה, הַשְׁאֵל לִי כּוֹס אַחַת.

רְאוּבֵן הִשְׁאִיל לְשִׁמְעוֹן כּוֹס גְּדוֹלָה.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

לַמָּחֳרָת בָּא שִׁמְעוֹן לְבֵיתוֹ שֶׁל רְאוּבֵן וְהֶחֱזִיר לוֹ שְׁתֵּי כּוֹסוֹת, אֶת הַכּוֹס הַגְּדוֹלָה וְעוֹד כּוֹס אַחַת קְטַנָּה. רְאוּבֵן הִתְפַּלֵּא מְאֹד וְאָמַר:

— הֲלֹא שָׁאַלְתָּ מִמֶּנִּי רַק אֶת הַכּוֹס הַגְּדוֹלָה!

— הַכּוֹס שֶׁלְּךָ יָלְדָה כּוֹס קְטַנָּה, עָנָה שִׁמְעוֹן,לְהַפְתָּעָתוֹ הַנְּעִימָה שֶׁל רְאוּבֵן.

הַדָּבָר מָצָא חֵן בְּעֵינֵי רְאוּבֵן. הוּא הוֹדָה לְשִׁמְעוֹן וְלָקַח מִמֶּנּוּ אֶת שְׁתֵּי הַכּוֹסוֹת.

אַחֲרֵי יָמִים אֲחָדִים שׁוּב הָלַךְ שִׁמְעוֹן לְבֵיתוֹ שֶׁל רְאוּבֵן לִשְׁאֹל מִמֶּנּוּ כַּף. רְאוּבֵן הִשְׁאִיל לוֹ אֶת הַכַּף בְּשִׂמְחָה. לַמָּחֳרָת חָזַר שִׁמְעוֹן עִם כַּף וְכַפִּית בְּיָדוֹ, וְאָמַר בִּרְצִינוּת כְּאִלּוּ זֶה הָיָה דָּבָר רָגִיל:

— הַכַּף שֶׁלְּךָ יָלְדָה כַּפִּית.

רְאוּבֵן קִבֵּל אֶת הַכַּף וְאֶת הַכַּפִּית, הוֹדָה לְשִׁמְעוֹן, וְלֹא שָׁאַל שְׁאֵלוֹת.

עָבְרוּ יָמִים אֲחָדִים וְשִׁמְעוֹן שׁוּב בָּא אֶל בֵּיתוֹ שֶׁל רְאוּבֵן וְאָמַר:

— הָעֶרֶב יָבוֹאוּ אֶצְלִי אוֹרְחִים, וַאֲנִי צָרִיךְ לְהָכִין אֲרוּחָה גְּדוֹלָה. בְּבַקָּשָׁה הַשְׁאֵל לִי סִיר גָּדוֹל.

רְאוּבֵן נָתַן לְשִׁמְעוֹן אֶת הַסִּיר בְּרָצוֹן רַב.

עָבְרוּ יָמִים אֲחָדִים וְשִׁמְעוֹן לֹא הֶחֱזִיר עֲדַיִן אֶת הַסִּיר. הָלַךְ רְאוּבֵן אֶל בֵּית הַשָּׁכֵן וְשָׁאַל:

— הַאִם בָּאוּ אֵלֶיךָ אוֹרְחִים בָּעֶרֶב הַהוּא?

— כֵּן, עָנָה שִׁמְעוֹן, כֻּלָּם בָּאוּ.

— אִם כֵּן, אָמַר רְאוּבֵן, מַדּוּעַ לֹא הֶחֱזַרְתָּ לִי אֶת הַסִּיר?

— לְצַעֲרִי הָרַב, עָנָה שִׁמְעוֹן, בְּשָׁעַת הַבִּשּׁוּל קָרָה אָסוֹן. סִירְךָ מֵת!

רְאוּבֵן עָמַד כֻּלּוֹ נָבוֹךְ, וְאָמַר:

— אֵינֶנִּי מֵבִין, אֵיךְ יָכֹל סִיר לָמוּת?

— אִם כּוֹס וְכַף יְכוֹלוֹת לָלֶדֶת, סִיר יָכוֹל לָמוּת, הִסְבִּיר שִׁמְעוֹן.

רְאוּבֵן הֵבִין אֶת הָרֶמֶז, וּמֵאָז הִפְסִיק לְהַקְרִיעַ לְשִׁמְעוֹן.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. בַּמֶּה הָיָה רְאוּבֵן מַפְרִיעַ לִשְׁכֵנוֹ? رئوبن با چه چیزی همسایه ی خود را اذیت می کرد؟

۲. מָה אָמַר שִׁמְעוֹן לִשְׁכֵנוֹ כַּאֲשֶׁר הוּא הֶחֱזִיר לוֹ שְׁתֵּי כּוֹסוֹת? شمعون به همسایه اش چه گفت زمانی که او دو لیوان را به همسایه اش برگرداند؟

۳. מָה הָיוּ הַדְּבָרִים שֶׁרְאוּבֵן הָיָה שׁוֹאֵל מִשְׁכֵנוֹ? چیزهایی که رئوبن از همسایه اش می خواست چه بودند؟

۴. מַדּוּעַ הִשְׁאִיל רְאוּבֵן בְּשִׂמְחָה אֶת הַכֶּסֶף לִשְׁכֵנוֹ? چرا رئوبن با خوشحالی قاشق را به همسایه اش قرض داد؟

۵. מָה הָיְתָה תְּשׁוּבָתוֹ שֶׁל שִׁמְעוֹן לַשְּׁאֵלָה: אֵיךְ יָכוֹל סִיר לָמוּת? پاسخ شیمعون به پرسش: چگونه دیگ می‌تواند بمیرد؟ چه بود؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. او (مذکر) همسایه بدی است، دوست دارد قرض بگیرد اما قرض ندهد. ۲. مردی که یک اشاره را نمی‌فهمد، احمق است . ۳. ابن میمون کتابی به نام «راهنمای سرگشتگان» نوشت. ۴. برای تو (مذکر) با کمال میل این کار را انجام خواهم داد. ۵ . دیروز فاجعه هولناکی در دریا اتفاق افتاد، کشتی پر از مردم غرق شد. ۶. زن دیگ را روی آتش کوچکی گذاشت و از آشپزخانه بیرون رفت. ۷. او (مونث) اشتباه کرد، او (مونث) به جای نمک روی گوشت کمی شکر قرار داد. ۸. لطفاً وسط گفتگو حرف من را قطع نکنید. ۹. او (مذکر) روی خود را با پتو پوشاند و روی چمن‌ها دراز کشید. ۱۰. تو (مذکر) فراموش کردی که بشقاب‌هایی را که ماه گذشته از من به امانت گرفتی، برگردانی. ۱۱. زمان پایان دادن به جنگ‌ها فرا رسیده است. ۱۲. همه قاشق و چنگال و چاقوی ما دو روز پیش دزدیده شدند. ۱۳. همه ما فردا با هواپیمای شخصی او (مذکر) پرواز خواهیم کرد تا کارخانه جدید او (مذکر) را ببینیم. ۱۴. من (مونث) نمی‌دانم امروز برای شام چه چیزی بپزم. ۱۵. من تمام طول روز را در اتاقم ماندم زیرا کار زیادی داشتم. ۱۶. من فراموش کردم روی پاکت مهر بگذارم و بنابراین نامه به من برگشت.

ج- عبارات زیر را بدون کلمه «שֶׁל» بنویسید.

۱. הָעַיִן שֶׁלָּהּ	۵. הַחֹם שֶׁלָּהּ	۹. הָרָצוֹן שֶׁלּוֹ
۲. הַשִּׂמְחָה שֶׁלּוֹ	۶. הָעַיִן שֶׁלִּי	۱۰. הָאָסוֹן שֶׁלָּךְ
۳. הַבַּיִת שֶׁלָּנוּ	۷. הַיַּיִן שֶׁלָּהֶם	۱۱. הַחֶדֶר שֶׁלָּהּ
۴. הַחֹק שֶׁלָּכֶם	۸. הַסֵּפֶר שֶׁלָּךְ	۱۲. הַלֶּחֶם שֶׁלָּכֶם

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור סח
لغات درس ٦٨

בָּעַט (לִבְעֹט): ضربه زد، لگد زد، (مصدر: ضربه زدن، لگد زدن)

בְּעִיטָה (בְּעִיטוֹת): لگد، ضربه؛ (جمع: لگدها، ضربه‌ها)

בָּרָק (בְּרָקִים): رعد و برق، نور، سوسو زدن، (جمع: نورهای ضعیف، سوسو زدن‌ها، رعد و برق‌ها)

גָּלִיל: جلیل (شهری در شمال اسرائیل)

הַרְגָּשָׁה (הַרְגָּשׁוֹת): احساس؛ (جمع: احساس‌ها)

הִתְיַשְּׁבוּת (הִתְיַשְּׁבֻיּוֹת): توافق؛ (جمع: توافق‌ها)

הִתְנַפְּלוּת (הִתְנַפְּלֻיּוֹת): حمله، یورش؛ (جمع: حمله‌ها، یورش‌ها)

חִפּוּשׂ (חִפּוּשִׂים): جستجو؛ (جمع: جستجوها)

טִפֵּל (לְטַפֵּל) בְּ...: مراقبت کرد، درمان کرد؛ (مصدر: مراقبت کردن، درمان کردن)

יָשַׁב, לְהִתְיַשֵּׁב הִתְיַשֵּׁב: (نشست؛ مصدر: مستقر شدن)؛ او خودش مستقر شد

מָהִיר, מְהִירָה: سریع، با سرعت؛ سریع، با سرعت (مونث)

מוֹשָׁבָה (מוֹשָׁבוֹת): کلونی ؛ (جمع: کلونی‌ها)

נָדַב, לְהִתְנַדֵּב הִתְנַדֵּב: (؛ مصدر: خواهان بودن، خواستار بودن)؛ داوطلب شد، خواهان شد

נָצַל, לְהַצִּיל הִצִּיל: (بهره برد؛ مصدر: نجات داد، حفظ کردن)؛ نجات داد، حفظ کرد

סוּס (סוּסִים): اسب؛ (جمع: اسب‌ها)

פָּחַד, לְהַפְחִיד הִפְחִיד: (ترسید؛ مصدر: ترساندن)؛ ترساند

פָּצוּעַ, פְּצוּעָה: زخمی؛ زخمی (مونث)

פָּרַד, לְהִפָּרֵד נִפְרַד: (قاطر؛ مصدر: جدا شدن، ترک کردن)؛ جدا شد، ترک کرد

פָּרָה (פָּרוֹת): گاو؛ (جمع: گاوها)

רֵיחַ (רֵיחוֹת): رایحه، بو، عطر؛ (جمع: رایحه‌ها، بوها، عطرها)

שָׁדַד (לִשְׁדֹּד): دزدی کرد (راهزنی)؛ (مصدر: دزدی کردن)

שְׁמִירָה (שְׁמִירוֹת): نگهبانی، حفاظت؛ (جمع: نگهبانی‌ها، حفاظت‌ها)

לַיְלָה לַיְלָה: شبی پس از شبی

לֵיל יָרֵחַ: شب مهتابی

לַיְלָה מְנוּחָה!: شب بخیر، خواب خوب ببینی

בְּאֵר שֶׁשָּׁתִית מִמֶּנָּה מַיִם, אַל תִּזְרֹק בָּהּ אֶבֶן. (עַל פִּי הַתַּלְמוּד)

چاهی که از آن آب نوشیدی، در آن سنگ پرتاب نکن. (از تلمود)

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

دستور زبان درس ٦٨

۱- اسم مصدر از بینیان « הִתְפַּעֵל » از افعال سالم و افعالی که حرف اول اصلی آنها «י» یا «נ» و یا حرف آخر اصلی آنها «א» باشد به صورت زیر است:

לְהִתְרַגֵּז (تحریک شدن) ← הִתְרַגְּזוּת (تحریک)

לְהִתְיַשֵּׁב (توافق کردن) ← הִתְיַשְּׁבוּת (توافق)

לְהִתְנַפֵּל (حمله کردن) ← הִתְנַפְּלוּת (حمله)

לְהִתְפַּלֵּא (تعجب کردن) ← הִתְפַּלְּאוּת (تعجب)

לְהִסְתַּכֵּל (مشاهده کردن) ← הִסְתַּכְּלוּת (مشاهده)

۲- اسم مصدر از بینیان « הִתְפַּעֵל » از افعالی که حرف دوم آن ها «ו» است به صورت زیر است:

לְהִתְעוֹרֵר (بیدار شدن) ← הִתְעוֹרְרוּת (بیداری)

לְהִתְכּוֹנֵן (آماده شدن) ← הִתְכּוֹנְנוּת (آمادگی)

۳- در بینیان پاعل، فعل هایی که سالم هستند و یا حرف اول اصلی آنها «י» یا «נ» و یا حرف آخر اصلی آنها «א» باشد به صورت زیر است:

(שמר) לִשְׁמֹר ← שְׁמִירָה

(אכל) לֶאֱכֹל ← אֲבִילָה

(יצא) לָצֵאת ← יְצִיאָה

(נסע) לִנְסֹעַ ← נְסִיעָה

(מצא) לִמְצֹא ← מְצִיאָה

در افعالی که حرف سوم اصلی آنها «ה» است به صورت زیر اسم مصدر ساخته می شود:

(שתה) לִשְׁתּוֹת ← שְׁתִיָּה

(עלה) לַעֲלוֹת ← עֲלִיָּה

در افعالی که حرف دوم اصلی آنها «ו» یا «י» است به صورت زیر ساخته می شود:

(טום) לָטוּס ← טִיסָה

(שיר) לָשִׁיר ← שִׁירָה

۴- در بینیان پیعل، فعل هایی که سالم هستند و یا حرف اول اصلی آنها «י» یا «נ» و یا حرف آخر اصلی آنها «א» باشد به صورت زیر است:

(חפש) לְחַפֵּשׂ ← חִפּוּשׂ

اسم مصدر در افعالی که حرف دوم اصلی آنها «ר» یا «א» است به صورت زیر است:

(תאר) לְתָאֵר ← תֵּאוּר

(גרש) לְגָרֵשׁ ← גֵּרוּשׁ

اسم مصدر در افعالی که حرف سوم اصلی آنها «ה» است به شکل زیر است:

(שנה) לְשַׁנּוֹת ← שִׁנּוּי

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۵- در بینیان هیفعیل ساخت اسم مصدر برای فعل های سالم و فعل هایی که حرف سوم اصلی آنها « א » است به صورت زیر است:

(צלח) לְהַצְלִיחַ ← הַצְלָחָה (פלא) לְהַפְלִיא ← הַפְלָאָה

در افعالی که حرف اول اصلی آنها « נ » است به شکل زیر ساخته می شود:

(נצל) לְהַצִּיל ← הַצָּלָה

در افعالی که حرف اول اصلی آنها « י » است به شکل زیر ساخته می شود:

(ירד) לְהוֹרִיד ← הוֹרָדָה (יפע) לְהוֹפִיעַ ← הוֹפָעָה

در افعالی که حرف دوم اصلی آنها «ו» یا «י» است به صورت زیر ساخته می شود:

(רום) לְהָרִים ← הֲרָמָה (בוא) לְהָבִיא ← הֲבָאָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הַסּוּס הַנֶּאֱמָן

— אַבָּא, הַגֵּד לִי מַדּוּעַ אַתָּה מְטַפֵּל בְּאַהֲבָה כָּל כָּךְ גְּדוֹלָה בַּסּוּס שֶׁלָּנוּ? הֲלֹא הוּא כְּבָר זָקֵן וְשָׁמֵן, וְאֵין לוֹ כֹּחַ לַעֲבֹד.

— דַּע לְךָ, בְּנִי, הַסּוּס הַזֶּה הִצִּיל אֶת חַיַּי מִמָּוֶת בָּטוּחַ. שְׁמַע וַאֲסַפֵּר לְךָ אֵיךְ קָרָה הַדָּבָר.

וְזֶה קָרָה כַּאֲשֶׁר עוֹד הָיִיתָ תִּינוֹק. זֶה הָיָה בְּרֵאשִׁית הַהִתְיַשְּׁבוּת בָּאָרֶץ. לֹא רַבִּים הָיוּ הַחֲלוּצִים שֶׁבָּאוּ בַּיָּמִים הָהֵם לְהִתְיַשֵּׁב בָּאָרֶץ. הִתְפַּתְּחוּתָהּ שֶׁל הָאָרֶץ, אֲשֶׁר עֵינֶיךָ רוֹאוֹת, הִתְחִילָה רַק בַּשָּׁנִים

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft
הָאַחֲרוֹנוֹת. הָאָרֶץ הִשְׁתַּנְּתָה הַרְבֵּה מֵאָז. בַּיָּמִים הָהֵם אֲפִילוּ חֻשְׁמַל לֹא הָיָה לָנוּ.

גַּרְנוּ אָז בְּמוֹשָׁבָה קְטַנָּה בַּגָּלִיל. הַחַיִּים הָיוּ קָשִׁים וּמְלֵאֵי בְּעָיוֹת וְסַכָּנוֹת. שׁוֹדְדִים הָיוּ מִתְנַפְּלִים לְעִתִּים קְרוֹבוֹת עַל הַמּוֹשָׁבָה וְהָיוּ שׁוֹדְדִים פְּרוֹת, תַּרְנְגֹלוֹת, כְּלֵי עֲבוֹדָה וְכָל מִינֵי דְּבָרִים חֲדָשִׁים וְגַם יְשָׁנִים. כְּמַעַט בְּכָל לַיְלָה הָיְתָה הִתְנַפְּלוּת עָלֵינוּ. הַמַּצָּב הַזֶּה הִפְרִיעַ אֶת הַחַיִּים בַּמּוֹשָׁבָה.

הִתְנַדַּבְתִּי לִשְׁמֹר עַל הַמּוֹשָׁבָה בַּלֵּילוֹת. הַסּוּס שֶׁלָּנוּ הָיָה אָז צָעִיר, חָזָק וּמָהִיר כְּמוֹ בָּרָק. כָּל לַיְלָה וְלַיְלָה הָיִיתִי יוֹצֵא לְבַדִּי עַל הַסּוּס לַשְּׁמִירָה. לַיְלָה לַיְלָה הָיִיתִי רוֹכֵב בַּשָּׂדוֹת מִסָּבִיב לַמּוֹשָׁבָה. מֵאָז הִתְחִיל לָרֶדֶת מִסְפַּר הַהִתְנַפְּלֻיוֹת.

לַיְלָה אֶחָד אָמַרְתִּי "לֵיל מְנוּחָה" לַמִּשְׁפָּחָה וְיָצָאתִי כְּמִנְהָגִי לַשְּׁמִירָה. הָיָה לֵיל יָרֵחַ יָפֶה, וְרוּחַ מַעֲרָבִית קַלָּה נָשְׁבָה מִבֵּין הֶהָרִים. רֵיחוֹת נְעִימִים מֵהַשָּׂדוֹת מִסָּבִיב מִלְּאוּ אֶת הָאֲוִיר. וַאֲנִי רוֹכֵב לִי לְאַט לְאַט עַל סוּסִי הַנֶּאֱמָן בְּשֶׁקֶט הַלַּיְלָה. פִּתְאֹם רָאִיתִי מֵרָחוֹק, מִצַּד שְׂמֹאל שֶׁל הַבְּאֵר, שְׁנֵי שׁוֹדְדִים וְאִתָּם פָּרוֹת הַמּוֹשָׁבָה. קָרָאתִי לָהֶם לַעֲמֹד. הֵם לֹא שָׂמוּ לֵב לַקְּרִיאוֹת שֶׁלִּי. יָרִיתִי בָּאֲוִיר כְּדֵי לְהַפְחִיד אוֹתָם. לַאֲסוֹנִי הַגָּדוֹל הֵשִׁיבוּ הַשּׁוֹדְדִים אֵשׁ וּפָגְעוּ בִּי וּבַסּוּס. אֲנִי וְהַסּוּס, שְׁנֵינוּ נָפַלְנוּ עַל הָאָרֶץ. דָּם כִּסָּה אוֹתִי וְאֶת הַסּוּס. הַשּׁוֹדְדִים הִתְקָרְבוּ אֵלַי, וְהוֹצִיאוּ אֶת הָרוֹבֶה מִמֶּנִּי. בָּרַגַע הַזֶּה הָיְתָה לִי הַרְגָּשָׁה שֶׁהִגִּיעַ קִצִּי. אֲבָל הַסּוּס, שֶׁשָּׁכַב בְּלִי לָזוּז כְּאִלּוּ הָיָה מֵת, קָפַץ פִּתְאֹם עַל רַגְלָיו, וְהִתְחִיל לִבְעֹט בַּשּׁוֹדְדִים בְּעִיטָה אַחֲרֵי בְּעִיטָה. שְׁנֵי הַשּׁוֹדְדִים נָפְלוּ לָאָרֶץ כְּלִי סִימָן שֶׁל רוּחַ חַיִּים.

אַף־עַל־פִּי שֶׁהַסּוּס הָיָה פָּצוּעַ קָשֶׁה, הוּא רָץ כְּמוֹ בָּרָק יָשָׁר לַמּוֹשָׁבָה. כַּאֲשֶׁר רָאוּ אַנְשֵׁי הַמּוֹשָׁבָה אֶת הַסּוּס הַפָּצוּעַ, הֵם הֵבִינוּ מִיָּד מַה שֶּׁקָּרָה. כֻּלָּם יָצְאוּ לְחַפֵּשׂ אוֹתִי. אַחֲרֵי חִפּוּשׂ אָרֹךְ, מָצְאוּ אוֹתִי שׁוֹכֵב פָּצוּעַ עַל הָעֵשֶׂב עַל יַד הַגּוּפוֹת שֶׁל הַשּׁוֹדְדִים.

יָדִיד נֶאֱמָן וְאָהוּב הָיָה לִי הַסּוּס כָּל הַשָּׁנִים. קָשֶׁה יִהְיֶה לִי לְהִפָּרֵד מִמֶּנּוּ!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۶۸

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מַה שָׁאַל הַבֵּן אֶת אָבִיו? پسر از پدر چه پرسید؟

۲. מָה הָיְתָה אַחַת מִן הַבְּעָיוֹת הַקָּשׁוֹת שֶׁל הַחֲלוּצִים? یکی از مشکلات سخت پیشگامان چه بود؟

۳. מֵאֵיזֶה זְמַן הִתְחִיל לָרֶדֶת מִסְפַּר הַהִתְנַפְּלֻיּוֹת עַל הַמּוֹשָׁבָה? ازچه زمانی تعداد حمله‌ها به کلونی شروع به کاهش کرد؟

۴. מָתַי הִרְגִּישׁ הַשּׁוֹמֵר שֶׁקְּצוֹ קָרוֹב לָבוֹא? چه زمانی نگهبان احساس کرد پایان زندگی اوست؟

۵. אֵיךְ הִצִּיל הַסּוּס אֶת חַיָּיו שֶׁל הַשּׁוֹמֵר? اسب چگونه جان نگهبان را نجات داد؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. پیشگامان زمانی که در جلیل مستقر شدند مشکلات زیادی داشتند. ۲. صاعقه به درخت نزدیک کارخانه کفش اصابت کرد. ۳. نوزاد شروع به گریه و لگد زدن با پاهای کوچکش روی زمین کرد. ۴. وقتی والدینم را ترک کردم آنها گرفتم گریه کردند. ۵. پلیس پس از جستجوی سریع اسب زخمی را پیدا کرد. ۶. در آخرین حمله به (مجموعه) چندین پیشگام کشته شدند. ۷. نگران نباش (مذکر) من به این موضوع رسیدگی خواهم کرد. ۸. کشاورز گاو را فروخت چون شیر کافی نمی‌داد. ۹. احساس می‌کردم امروز باران خواهد بارید. ۱۰. به کودک داستان غمگین نگو (مونث)، او (مذکر) را خواهی ترساند. ۱۱. در زمان جنگ، داوطلبانه در بیمارستان کار کردم زیرا پرستار کافی وجود نداشت. ۱۲. داروی جدید جان پسرم را نجات داد. ۱۳. کُلّنی (مجموعه) در خطر بود زیرا دزدان شب به شب به آن حمله می‌کردند. ۱۴. بادها بوی خوشی از جنگل به روستا می‌آورند. ۱۵. آیا تو (مذکر) طرفدار من هستی یا علیه من؟ ۱۶. نگهبان پس از یک شب نگهبانی خسته، گرسنه و تشنه به خانه بازگشت.

ج- اسم مصدر (שֵׁם הַפְּעוּלָה) مصادر زیر را بنویسید.

۱. לִפְגֹּשׁ	۶. לָדַעַת	۱۱. לִנְכֹּעַ	۱۶. לְהוֹרִיד
۲. לִפְתֹּחַ	۷. לָשָׁבַת	۱۲. לָשׁוּב	۱۷. לְהַפְסִיק
۳. לִבְדֹּק	۸. לִמְצֹא	۱۳. לִקְנוֹת	۱۸. לְהָשִׁיב
۴. לַחְתֹּךְ	۹. לָשִׁיר	۱۴. לְהַזְמִין	۱۹. לְהִתְרַחֵץ
۵. לְטַיֵּל	۱۰. לַעֲמֹד	۱۵. לְהַחְלִיט	۲۰. לְהִסְתַּכֵּל

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור סט
لغات درس ٦٩

בָּטַל: لغو شد — was abolished

בֶּן־דּוֹר(בְּנֵי־דּוֹר): هم عصر، هم دوره؛ (جمع: هم‌عصرها، هم‌دوره‌ها) — contemporary

בֹּרַךְ: متبارک شد؛ مبارک شد — was blessed

גְּזֵרָה (גְּזֵרוֹת): فرمان، دستور؛ (جمع: فرمان‌ها، دستورها) — decree

כִּבֵּד: محترم شمرده شد — was honored

כְּלִי חֶרֶס: ظرف سفالی — earthenware

מְבֹרָךְ, מְבֹרֶכֶת: مبارک، مقدس؛ (مونث) — blessed

מְכֻבָּד, מְכֻבֶּדֶת: قدر، خطیر، لایق، سزوار، مفتخر، محترم؛ (مونث) — honored; esteemed

מְכֹעָר, מְכֹעֶרֶת: زشت؛ (مونث) — ugly

מְלֻמָּד, מְלֻמֶּדֶת: دانا، فاضل، عالِم ، دانشمند؛ فاضل، عالم (مونث) — learned

מְפֹאָר, מְפֹאֶרֶת: با شکوه، عالی، شکوهمند، پرجلال؛ با شکوه، عالی، شکوهمند، پرجلال (مونث) — splendid; magnificent

מְשֻׁבָּח, מְשֻׁבַּחַת: قابل ستایش، ستوده؛ قابل ستایش، ستوده (مونث) — praiseworthy; of choice quality

סִבָּה (סִבּוֹת): علت، دلیل؛ (جمع: علت‌ها، دلیل‌ها) — cause; reason

סֻפַּר: گفته شد، تعریف شد — it was told

(סתר, לְהַסְתִּיר) הִסְתִּיר: (پنهان؛ مصدر: پنهان کردن)؛ پنهان کرد — hid; concealed

(קלקל, לְהִתְקַלְקֵל) הִתְקַלְקֵל: (خراب؛ مصدر: خراب کردن)؛ خراب شد — got spoiled

(רגז, לְהַרְגִּיז) הִרְגִּיז: (اذیت شد؛ مصدر: عصبانی کردن، دلخور کردن، اذیت کردن)؛ سبب عصبانی شدن شد، عصبانی کرد؛ اذیت کرد — angered; annoyed (v)

שָׁמַר: حفظ شد، نگهداری شد ← was preserved

(שמש, לְהִשְׁתַּמֵּשׁ) הִשְׁתַּמֵּשׁ בְּ...: (استفاده شد؛ مصدر: استفاده کردن)؛ استفاده کرد — used; made use of

הוֹדוֹת לְ...: با تشکر از... — thanks to

כָּל מִי שֶׁ...: هرکسی — whoever

כָּל מַה שֶׁ...: هرچیزی — whatever

שְׁמוֹ הָלַךְ לְפָנָיו: اسمش در دهان ها افتاد (مشهور است) — his name spread far and wide

אַל תִּסְתַּכֵּל בַּקַּנְקַן (כַּד) אֶלָּא בְּמַה שֶׁיֵּשׁ בּוֹ. (פִּרְקֵי אָבוֹת)

به ظاهر توجه نکن (کوزه)، به آنچه که در آن است توجه کن (از کوزه برون همان تراود که در اوست).

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

دستور زبان درس ۶۹

۱- بینیان پوعل شکل مجهول افعال در بینیان پیعل می باشد؛ مثال:

הַמְנַהֵל סֵפֶר סִפּוּר. مدیر (ناظم) داستانی را تعریف کرد.

הַסִּפּוּר סֻפַּר עַל יְדֵי הַמְנַהֵל. داستان تعریف شد توسط مدیر.

הַבֵּן כִּבֵּד אֶת הָאָב. پسر به پدر احترام گذاشت.

הָאָב כֻּבַּד עַל יְדֵי הַבֵּן. پدر مورد احترام قرار گرفت توسط پسر.

۲- صرف فعل سالم در بینیان پوعَل به صورت زیر است:

(כבד)

הוה:

אני, אתה, הוא ← מְכֻבָּד

אני, את, היא ← מְכֻבֶּדֶת

אנחנו, אתם, הם ← מְכֻבָּדִים

אנחנו, אתן, הן ← מְכֻבָּדוֹת

עבר:

אני ← כֻּבַּדְתִּי

אתה ← כֻּבַּדְתָּ את ← כֻּבַּדְתְּ

הוא ← כֻּבַּד היא ← כֻּבְּדָה

אנחנו ← כֻּבַּדְנוּ

אתם ← כֻּבַּדְתֶּם אתן ← כֻּבַּדְתֶּן

הם, הן ← כֻּבְּדוּ

עתיד:

אני ← אֲכֻבַּד

אתה ← תְּכֻבַּד את ← תְּכֻבְּדִי

הוא ← יְכֻבַּד היא ← תְּכֻבַּד

אנחנו ← נְכֻבַּד

אתם ← תְּכֻבְּדוּ אתן ← תְּכֻבַּדְנָה

הם ← יְכֻבְּדוּ הן ← תְּכֻבַּדְנָה

نکته ۱: اولین حرف اصلی در این بینیان در تمام زمانها نیکود کوبوتص دریافت می کند.

نکته ۲: پسوندها و پیشوندها در زمان گذشته و آینده در این بینیان مانند بینیان پیعل است.

نکته ۳: حرف دوم اصلی در این بینیان مانند بینیان پیعل، داگش دریافت می کند.

نکته ۴: بینیان پوعل، مصدر و فعل امر ندارد.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۳- فعل های سالم که حرف دوم اصلی آنها حلقی است و یا «ר» است به صورت زیر صرف می‌شود:

(ברך)

הוה:

אני, אתה, הוא ← מְבֹרָךְ
אני, את, היא ← מְבֹרֶכֶת
אנחנו, אתם, הם ← מְבֹרָכִים
אנחנו, אתן, הן ← מְבֹרָכוֹת

עבר:

אני ← בֵּרַכְתִּי
אתה ← בֵּרַכְתָּ
את ← בֵּרַכְתְּ
הוא ← בֵּרַךְ
היא ← בֵּרְכָה
אנחנו ← בֵּרַכְנוּ
אתם ← בֵּרַכְתֶּם
אתן ← בֵּרַכְתֶּן
הם, הן ← בֵּרְכוּ

עתיד:

אני ← אֲבָרֵךְ
אתה ← תְּבָרֵךְ
את ← תְּבָרְכִי
הוא ← יְבָרֵךְ
היא ← תְּבָרֵךְ
אנחנו ← נְבָרֵךְ
אתם ← תְּבָרְכוּ
אתן ← תְּבָרַכְנָה
הם ← יְבָרְכוּ
הן ← תְּבָרַכְנָה

نکته: از آنجایی که حرف «ר» نمی تواند داگش دریافت کند، برای جبران این مساله نیکود کوتاه کوبوتص به نیکود بلند خُلام تغییر می‌کند.

۴- صرف افعالی که در حرف سوم اصلی آنها «ה» است در بینیان پوعَل به صورت زیر است:

(כסה)

הוה:

אני, אתה, הוא ← מְכֻסֶּה
אני, את, היא ← מְכֻסָּה
אנחנו, אתם, הם ← מְכֻסִּים
אנחנו, אתן, הן ← מְכֻסּוֹת

עבר:

אני ← כִּסִּיתִי
אתה ← כִּסִּיתָ
את ← כִּסִּית
הוא ← כִּסָּה
היא ← כִּסְּתָה
אנחנו ← כִּסִּינוּ
אתם ← כִּסִּיתֶם
אתן ← כִּסִּיתֶן
הם, הן ← כִּסּוּ

עתיד:

אני ← אֲכַסֶּה
אתה ← תְּכַסֶּה
את ← תְּכַסִּי
הוא ← יְכַסֶּה
היא ← תְּכַסֶּה
אנחנו ← נְכַסֶּה
אתם ← תְּכַסּוּ
אתן ← תְּכַסֶּינָה
הם ← יְכַסּוּ
הן ← תְּכַסֶּינָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۵- فعل زمان حال در بینیان پوعَل، هم به عنوان فعل استعمال می شود هم به عنوان صفت؛ مثال:

הוּא מְכֻבָּד עַל יְדֵי כָּל הָעָם. او مورد احترام قرار گرفت توسط همه‌ی امت.

הוּא אִישׁ מְכֻבָּד. او مرد محترمی است.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

חָכְמָתוֹ שֶׁל רַבִּי יְהוֹשֻׁעַ

רַבִּי יְהוֹשֻׁעַ חַי בַּמֵּאָה הָרִאשׁוֹנָה אַחֲרֵי חׇרְבַּן הַבַּיִת הַשֵּׁנִי. הוּא הָיָה בֶּן־דּוֹרוֹ שֶׁל רַבָּן גַּמְלִיאֵל, הַנָּשִׂיא שֶׁל הַסַּנְהֶדְרִין בְּיַבְנֶה. הוּא הָיָה אִישׁ חָכָם וּמְלֻמָּד. בַּתַּלְמוּד מִסָּפֵר הַרְבֵּה עַל חָכְמָתוֹ הַגְּדוֹלָה. הוּא הָיָה מְכֻבָּד בְּעֵינֵי כָּל מִי שֶׁהִכִּיר אוֹתוֹ, וּשְׁמוֹ הָלַךְ לְפָנָיו.

כַּאֲשֶׁר סֵפֶר לְמֶלֶךְ רוֹמָא עַל רַבִּי יְהוֹשֻׁעַ, הוּא רָצָה לְהַכִּיר אוֹתוֹ. הַמֶּלֶךְ הִזְמִין אֶת רַבִּי יְהוֹשֻׁעַ לָבוֹא אֵלָיו. אַחֲרֵי שִׂיחָה קְצָרָה אִתּוֹ, רָאָה הַמֶּלֶךְ שֶׁאִישׁ גָּדוֹל וּמְלֻמָּד עוֹמֵד לְפָנָיו. מִן הַיּוֹם הַזֶּה וָהָלְאָה הָיָה רַבִּי יְהוֹשֻׁעַ לִידִידוֹ הַקָּרוֹב שֶׁל הַמֶּלֶךְ, וְהָיָה מְבַקֵּר לְעִתִּים קְרוֹבוֹת בָּאַרְמוֹן. הוֹדוֹת לְחָכְמָתוֹ הַגְּדוֹלָה שִׁנָּה הַמֶּלֶךְ לְטוֹבָה אֶת יַחַסּוֹ לַיְּהוּדִים. הַרְבֵּה גְּזֵרוֹת רָעוֹת נֶגֶד הַיְּהוּדִים בָּטְלוּ, וְשׁוֹנְאֵי יִשְׂרָאֵל פָּחֲדוּ לְהָרִים רֹאשׁ.

רַבִּי יְהוֹשֻׁעַ הָיָה אָהוּב עַל עַמּוֹ בִּגְלַל כָּל הַטּוֹבוֹת שֶׁעָשָׂה, וּשְׁמוֹ הָיָה מְבֹרָךְ בְּפִי כָּל אֶחָד וְאֶחָד.

בַּת הַמֶּלֶךְ שָׁמְעָה עַל רַבִּי יְהוֹשֻׁעַ וְהִיא רָצְתָה לְהַכִּיר אוֹתוֹ. כַּאֲשֶׁר הִיא פָּגְשָׁה אוֹתוֹ, וְרָאֲתָה אֶת פָּנָיו הַמְכֹעָרִים, הִיא הִשְׁתּוֹמְמָה לְהַסְתִּיר אֶת תִּמְהוֹנָהּ אֲבָל לֹא יְכְלָה. הִיא פָּנְתָה אֵלָיו, וְשָׁאֲלָה:

— מַדּוּעַ שָׂם אֱלֹהִים חָכְמָה מְפֹאֶרֶת בִּכְלֵי מְכֹעָר?

הַשְׁאֵלָה הַזֹּאת הִרְגִּיזָה מְעַט אֶת רַבִּי יְהוֹשֻׁעַ, אֲבָל הוּא שָׁלַט בְּרוּחוֹ, וְאָמַר בְּקוֹל שָׁקֵט:

— הַגִּידִי לִי, בְּבַקָּשָׁה, גְּבִרְתִּי, בְּאֵיזֶה מִין כֵּלִים מְשַׁמֵּר הַיַּיִן הַמְשֻׁבָּח שֶׁל הַמֶּלֶךְ?

בַּת הַמֶּלֶךְ לֹא הֵבִינָה אֶת הָרֶמֶז שֶׁבַּשְּׁאֵלָה, וְהִיא עָנְתָה בְּרִצִינוּת:

— בִּכְלֵי חֶרֶס יְשָׁנִים. וּמִיָּד הִמְשִׁיכָה בְּתִמָּהוֹן:

— אֲבָל אֵינִי רוֹאָה שׁוּם קֶשֶׁר בֵּין שְׁאֵלָתִי וּבֵין שְׁאֵלָתֵךְ!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

— אֶת הַקֶּשֶׁר תִּרְאִי מִשְּׁאֶלְתִּי הַבָּאָה. הֲתוּכְלִי לְהַסְבִּיר לִי, הַמְּשִׁיךְ רַבִּי יְהוֹשֻׁעַ, מַדּוּעַ לֹא מִשְׁתַּמֵּשׁ הַמֶּלֶךְ בִּכְלֵי זָהָב אוֹ לְפָחוֹת בִּכְלֵי כֶּסֶף?

— הַסִּבָּה הִיא פְּשׁוּטָה, עָנְתָה בַּת הַמֶּלֶךְ. הַטַּעַם וְהָרֵיחַ יִתְקַלְקְלוּ אִם הַיַּיִן יִשָּׁמֵר בִּכְלֵי כֶּסֶף אוֹ בִּכְלֵי זָהָב.

— תִּשְׁמַעְנָה אָזְנַיִךְ מַה שְּׂפָתַיִךְ מְדַבֵּר, אָמַר רַבִּי יְהוֹשֻׁעַ בְּחִיּוּךְ. הַחָכְמָה כְּמוֹ הַיַּיִן, הִיא תִּשָּׁמֵר רַק בִּכְלִים פְּשׁוּטִים!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۶۹

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מַדּוּעַ הָיָה רַבִּי יְהוֹשֻׁעַ מְכֻבָּד ? چرا ربی یهوشوع مورد احترام قرار می گرفت؟

۲. מַדּוּעַ הָיָה שְׁמוֹ מְבֹרָךְ בְּפִי הַיְּהוּדִים ? چرا نام او را یهودیان مبارک میدانند؟

۳. מַדּוּעַ הִתְפַּלְּאָה בַּת הַמֶּלֶךְ כַּאֲשֶׁר פָּגְשָׁה בַּפַּעַם הָרִאשׁוֹנָה אֶת רַבִּי יְהוֹשֻׁעַ ? چرا دختر پادشاه در اولین ملاقات با ربی یهوشوع شگفت زده شد؟

۴. מַה קּוֹרֶה לְיַיִן אִם שָׂמִים אוֹתוֹ בִּכְלֵי זָהָב ? برای شراب چه اتفاقی می افتد اگر آن را در ظرف طلا قرار دهید؟

۵. מָה הָיְתָה הַתְּשׁוּבָה שֶׁל רַבִּי יְהוֹשֻׁעַ לַתִּמָּהוֹן שֶׁל בַּת הַמֶּלֶךְ ? پاسخ ربی یهوشوع به حیرت دختر پادشاه چه بود؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. ما امیدواریم احکام شیطانی (بد) پادشاه در نهایت لغو شود. ۲. او (مذکر) دارای فرزندان وفادار است. ۳. امروزه مردم از ظروف سفالی برای پخت و پز استفاده نمی‌کنند. ۴ . هرکس که این کار را بکند، محترم خواهد شد. ۵. او (مونث) دختر بسیار باهوشی است، اما از زیبایی برخوردار نبود - او زشت است. ۶. انسان دانشمند همیشه به خاطر خِردش نزد معاصرانش تجلیل می شود. ۷. او (مذکر) فیلسوف معروفی است هر چه او نوشت در هر کتابخانه‌ای یافت می‌شود. ۸. او (مذکر) خانه‌ای باشکوه دارد که پر از نقاشی (تصاویر) هنرمندان بزرگ و کتاب‌های نویسندگان سرشناس است. ۹. کالا با کیفیت انتخابی همیشه هزینه بیشتری دارد. ۱۰. اگر تو (مذکر) شراب را در جای سرد قرار دهی، به خوبی حفظ می‌شود. ۱۱ . با کمک برادرم توانستم به تحصیل ادامه دهم. ۱۲. گوشت در گرما خراب شد. ۱۳. یک الاغ نمی‌تواند گوش‌های بلند خود را پنهان کند. ۱۴. من یک تکه قند به اسب دادم و او (مذکر) دستم را لیسید. ۱۵. شما از کدام کتاب گرامر استفاده می‌کنید؟ ۱۶. وقتی من (مونث) جوان بودم، عاشق رقصیدن بودم.

ج- فعل های زیر را در سه زمان ماضی، حال و آینده صرف کنید.

חָלַק – تقسیم شد　　שָׁנָה - تغییر کرد

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור ע

لغات درس ٧٠

אֹשֶׁר: خوشحالی happiness

גָּרַם (לְגָרֵם): باعث شد؛ (مصدر: باعث شدن)

(חבר, לְהִתְחַבֵּר) הִתְחַבֵּר: (دوست؛ مصدر: دور خود جمع کردن، خود معاشرت کردن)؛ معاشرت کرد، دور خود جمع کرد caused; brought about / associated himself

יַלְדוּת: دوره کودکی childhood

(יצא, לְהוֹצִיא) הוֹצִיא: (مصدر: اخراج شدن، خارج شدن)؛ اخراج شد، خارج شد، بیرون کشیده شد، صرف شد، خرج شد spent

(כרח, לְהַכְרִיחַ) הִכְרִיחַ: (ضرورت؛ مصدر: مجبور کردن)؛ مجبور کرد forced. w)

הֻכְרַח: مجبور شد was forced

מְלֻכְלָךְ, מְלֻכְלֶכֶת: کثیف؛ کثیف (مونث) dirty

מַצְלָה, מַצְלַחַת: موفقیت؛ موفقیت (مونث) successful

הֻפַּל: افتاده شد، انداخته شد was knocked down; was dropped

נִצַּח (לְנַצֵּחַ): پیروز شد؛ (مصدر: پیروز شدن) was victorious; triumphant

הֻרְגַּשׁ: احساس شد was felt

(רחק, לְהִתְרַחֵק) הִתְרַחֵק: (مصدر: خود را دور نگه داشتن)؛ خودش را دور نگه داشت kept himself away

שִׁכּוֹר (שִׁכּוֹרִים): می‌خواره؛ (جمع: می‌خواره‌ها) drunkard

(שפע, לְהַשְׁפִּיעַ) הִשְׁפִּיעַ: (مصدر: تحت تاثیر قرار دادن)؛ تحت تاثیر قرار داد influenced

הֻשְׁפַּע: تحت تاثیر قرار گرفت was influenced

שָׁתוּי, שְׁתוּיָה: مست؛ مست (مونث)

הַהַתְחָלָה יוֹתֵר מֵחֲצִי הַכֹּל. (מִסְפָּרוּת יה"ב)

شروع کردن، بیش از نیمی از هر چیز است.

دستور زبان درس ٧٠

١- بینیان هوفعَل، حالت مجهول بینیان هیفعیل می‌باشد؛ مثال:

הָאָב הִכְנִיס אֶת הַבֵּן לְבֵית הַסֵּפֶר. پدر، پسر را وارد مدرسه کرد.

הַבֵּן הֻכְנַס לְבֵית הַסֵּפֶר עַל יְדֵי הָאָב. پسر توسط پدر وارد مدرسه شد.

٢- فعل سالم در بینیان هوفعَل به صورت زیر صرف می شود؛ مثال صرف فعل כנס:

הווה:

אני, אתה, הוא ← מֻכְנָס

אני, את, היא ← מֻכְנֶסֶת

אנחנו, אתם, הם ← מֻכְנָסִים

אנחנו, אתן, הן ← מֻכְנָסוֹת

עתיד:

אני ← אֻכְנַס

אתה ← תֻּכְנַס את ← תֻּכְנְסִי

הוא ← יֻכְנַס היא ← תֻּכְנַס

אנחנו ← נֻכְנַס

אתם ← תֻּכְנְסוּ אתן ← תֻּכְנַסְנָה

הם ← יֻכְנְסוּ הן ← תֻּכְנַסְנָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۳- افعالی که حرف اول اصلی آنها «נ» است در این بینیان به صورت زیر صرف می شوند؛ مثال صرف فعل נפל:

הוה:

אני, אתה, הוא ← מֵפֵל
אני, את, היא ← מֵפֶלֶת
אנחנו, אתם, הם ← מֵפְלִים
אנחנו, אתן, הן ← מֵפְלוֹת

עבר:

אני ← הֶפַלְתִּי
אתה ← הֶפַלְתָּ
את ← הֶפַלְתְּ
הוא ← הֶפַל
היא ← הֶפְלָה
אנחנו ← הֶפַלְנוּ
אתם ← הֶפַלְתֶּם
אתן ← הֶפַלְתֶּן
הם, הן ← הֶפְלוּ

עתיד:

אני ← אֶפַל
אתה ← תֶּפַל
את ← תִּפְלִי
הוא ← יִפַל
היא ← תִּפַל
אנחנו ← נֶפַל
אתם ← תִּפְלוּ
אתן ← תִּפַלְנָה
הם ← יִפְלוּ
הן ← תִּפַלְנָה

نکته ۱: در بینیان هوفعَل در افعالی که حرف اول اصلی آنها «נ» است این حرف در تمام زمانها حذف می شود و به جای آن به حرف دوم اصلی داگش اضافه می‌شود.

نکته ۲: پیشوند ها در بینیان هوفعَل دقیقا مانند بینیان هفعیل است با این تفاوت که در بینیان هوفعَل نیکود کوبوتص دریافت می‌کنند.

نکته ۳: بینیان هوفعَل نیز مصدر و فعل امر ندارد.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הַנְּצָחוֹן

בְּמִשְׁפָּחָה אַחַת הָיוּ שְׁנֵי בָּנִים. הֶבְדֵּל גָּדוֹל הָיָה בֵּין שְׁנֵיהֶם. בֵּן אֶחָד הָיָה מֻצְלָח, וְהֵבִיא הַרְבֵּה אֹשֶׁר וְשִׂמְחָה לַהוֹרִים. הוּא כִּבֵּד אֶת אָבִיו וְאֶת אִמּוֹ, וְהָיָה תָּמִיד שׁוֹמֵעַ בְּקוֹלָם. מֵרֹאשִׁית יַלְדוּתוֹ הָיָה רָגִיל לַעֲזֹר לְכָל אָדָם. טוּב לִבּוֹ הָיָה מֻרְגָּשׁ בְּכָל מַעֲשָׂיו, וְהָיָה נוֹשֵׂא לְשִׂיחָה בֵּין כָּל אֵלֶּה שֶׁהִכִּירוּ אוֹתוֹ.

לֹא כֵּן הָיָה הַבֵּן הַשֵּׁנִי. הוּא לֹא הִקְשִׁיב לְהוֹרָיו, וְגָרַם לָהֶם בְּעָיוֹת וּכְאֵב לֵב. הוּא הָיָה מִתְחַבֵּר עִם חֲבֵרִים רָעִים וְהֶשְׁפִּיעַ מֵהֶם. הַהוֹרִים הִשְׁתַּדְּלוּ לְהַכְרִיחַ אוֹתוֹ לְהִתְרַחֵק מֵחֲבֵרָיו הָרָעִים, אֲבָל לֹא הִצְלִיחוּ. הַבֵּן סֵרֵב לְהִפָּרֵד מֵחֲבֵרָיו. כָּל הַכֶּסֶף שֶׁהָיָה מְקֻבָּל הָיָה מוֹצִיא עַל יַיִן, וְלִעִתִּים קְרוֹבוֹת הָיָה חוֹזֵר הַבַּיְתָה שָׁתוּי וּפָצוּעַ.

הַהוֹרִים הָיוּ מְרֻאָגִים מְאֹד. מִפַּעַם לְפַעַם אָבִיו הָיָה אוֹמֵר לוֹ: "רְאֵה כַּמָּה מֻצְלָח אָחִיךָ. מַדּוּעַ אֵינְךָ הוֹלֵךְ בְּדַרְכָיו? גַּם אַתָּה תּוּכַל לְהַצְלִיחַ כָּמוֹהוּ, אִם רַק תַּחְלִיט לְשַׁנּוֹת אֶת דְּרָכֶיךָ. דַּע לְךָ שֶׁאֵין דָּבָר הָעוֹמֵד בִּפְנֵי הָרָצוֹן".

דִּבְרֵי הָאָב הָיוּ מַרְגִּיזִים אֶת הַבֵּן, וְהַבֵּן הִמְשִׁיךְ בְּמַעֲשָׂיו הָרָעִים. לְאַט לְאַט הִתְחִיל לְהִתְרַחֵק מִן הַבַּיִת, וְהִתְקָרֵב עוֹד יוֹתֵר אֶל חֲבֵרָיו הָרָעִים.

"אִם לֹא תַּפְסִיק אֶת הַיְּדִידוּת עִם חֲבֵרֶיךָ, וְאִם לֹא תְּשַׁנֶּה אֶת דְּרָכֶיךָ, אֶכְרַח לְגָרֵשׁ אוֹתְךָ מִן הַבַּיִת", הָיָה הָאָב אוֹמֵר בְּכַעַס. אֲבָל דִּבְרֵי הָאָב לֹא הִשְׁפִּיעוּ עַל הַבֵּן. יָמִים עָבְרוּ וְהָאָב לֹא רָאָה שׁוּם שִׁנּוּי לְטוֹבָה.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

יוֹם אֶחָד רָאָה הָאָב, לְיַד הַגָּדֵר שֶׁל בֵּיתָם, שִׁכּוֹר שׁוֹכֵב עַל גַּבּוֹ עַל הַמִּדְרָכָה. בְּגָדָיו וְנַעֲלָיו הָיוּ קְרוּעִים, פָּנָיו הָיוּ מְלֻכְלָכִים וְכָל גּוּפוֹ הָיָה מְכֻסֶּה פְּצָעִים. הוּא שָׁכַב כְּמוֹ מֵת, בְּלִי סִימָן שֶׁל רוּחַ חַיִּים. לֹא רָחוֹק מִמֶּנּוּ הָיָה בַּקְבּוּק רֵיק, שֶׁבַּוַּדַּאי הֵפִּיל עַל־יְדֵי הַשִּׁכּוֹר בְּשָׁעָה שֶׁהוּא נָפַל עַל הַמִּדְרָכָה.

"יֵשׁ לִי רַעְיוֹן מְצֻיָּן", אָמַר הָאָב בְּלִבּוֹ, "אֵלֵךְ וְאֶקְרָא אֶת בְּנִי, וְאַרְאֶה לוֹ אֶת הַמַּרְאֶה הֶעָצוּב הַזֶּה. אוּלַי יִתְבַּיֵּשׁ וְיִשְׁפַּע מִזֶּה לְטוֹבָה".

הָאָב מִהֵר וְקָרָא לַבֵּן. הַבֵּן בָּא, וְהִסְתַּכֵּל בַּשִּׁכּוֹר. הִתְקָרֵב אֵלָיו. הֵרִים אֶת הַבַּקְבּוּק אֶל אַפּוֹ, וְקָרָא: "רֵיחַ נִפְלָא! אֵיזֶה מִין יַיִן מְשֻׁבָּח הוּא שָׁתָה!"

הָאָב לֹא אָמַר דָּבָר. דְּמָעוֹת מָרוֹת עָלוּ בְּעֵינָיו. אָז פָּנָה הָאָב אֶל הַבֵּן בְּקוֹל רַךְ וּבוֹכֶה, וְאָמַר: "בְּנִי, שִׂים לֵב לַמַּרְאֶה שֶׁל הַשִּׁכּוֹר, וְלֹא לַטַּעַם וְלָרֵיחַ שֶׁל הַיַּיִן שֶׁבַּבַּקְבּוּק!"

רְגָעִים אֲחָדִים עָבְרוּ בְּשְׁתִיקָה כְּבֵדָה. פִּתְאֹם הֵרִים הַבֵּן אֶת קוֹלוֹ, וְאָמַר: "אַבָּא, אַתָּה צוֹדֵק, סְלַח לִי".

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۷۰

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מָה הָיָה הַהֶבְדֵּל בֵּין שְׁנֵי הַבָּנִים? تفاوت بین دو پسر چه بود؟

۲. מָה הָיָה אוֹמֵר הָאָב לַבֵּן הָרַע? پدر به پسر بد چه گفت؟

۳. מִמִּי הֻשְׁפַּע הַבֵּן הָרַע? پسر بد از چه کسی متاثر شد؟

۴. מָה הָיָה הַמַּרְאֶה שֶׁל הַשִּׁכּוֹר שֶׁשָּׁכַב עַל הַמִּדְרָכָה? قیافه مرد مستی که در پیاده رو دراز کشیده بود چطور بود؟

۵. מָה עָשָׂה הַבֵּן כַּאֲשֶׁר רָאָה אֶת הַשִּׁכּוֹר? پسر زمانی که آن مرد مست را دید چه کرد؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. ثروت همیشه خوشبختی نمی‌آورد. ۲ . یهودیان بر یونانیان پیروز شدند و آنها را از سرزمین اسرائیل بیرون کردند. ۳. او (مذکر) خانواده‌اش را به خاطر اینکه خود را با دوستان ناباب همراه می‌کرد، گرفتار مشکل و اندوه فراوان کرد. ۴. ساعت توسط نوزاد افتاد و شکست. ۵. همه ما تحت تأثیر چیزهایی هستیم که در دوران کودکی خودمان یاد گرفتیم. ۶. ما به ندرت در رستوران غذا می‌خوریم. ۷. ما در زمان جنگ مجبور شدیم شهرمان را ترک کنیم. ۸. یک مست از یک لیوان کوچک نمی‌نوشد بلکه مستقیم از بطری می‌نوشد. ۹ . در بسیاری از

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

شهرهای بزرگ پیاده‌روها کثیف هستند. ۱۰. او (مذکر) بارها مرا ازار داد و به همین دلیل از او دوری کردم. ۱۱. ما از وضعیت سلامتی او بسیار نگران شدیم. ۱۲. عطر بهار از قبل در هوا احساس می‌شود. ۱۳. ظاهر مجروح، پزشک را نگران کرد (باعث نگرانی شد). ۱۴. شما می‌توانید یک اسب را به آب ببرید، اما شما نمی‌توانید به او به زور آب بنوشانید. ۱۵. من (مونث) بو و طعم این پنیر را دوست ندارم.

ج- فعل های زیر را در سه زمان صرف کنید.

הֻבְרַח – مجبور شد

הֻרְגַּשׁ - احساس شد

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

שעור עא
لغات درس ۷۱

kambozia.com

added ; continued

אֲוִירָה: جَو، اتمسفر و حال و هوا (فرهنگی، اجتماعی و...) atmosphere (cultural social)

אוֹסְטֶרְיָה: اتریش Austria

אַנְטִישֶׁמִיוּת: یهود ستیزی antisemitism

בּוֹדֵד, בּוֹדָדָה: تنها، بی یار، بی کس؛ تنها، بی یار، بی کس (مونث) lonely

בּוּדָפֶּסְט: بوداپست (پایتخت مجارستان) Budapest

בָּלַע (לִבְלֹעַ): بلعید؛ (مصدر: بلعیدن) swallowed

גֶּזַע (גְּזָעִים): ریشه، تنه، کُنده، طبقه؛ (جمع: ریشه‌ها، طبقه‌ها) trunk (of a tree); stem; race

גִּימְנַסְיָה: دبیرستان high school

(גנן, לְהִתְגּוֹנֵן) הִתְגּוֹנֵן: (دفاع کرد؛ مصدر: از خود دفاع کردن)؛ از خود دفاع کرد defended himself

דּוֹמֶה, דּוֹמָה: مطابق، یکسان، مشابه، شبیه؛ مطابق، یکسان، مشابه، شبیه (مونث) similar

(דלק, לְהַדְלִיק) הִדְלִיק: (روشن کرد؛ مصدر: روشن کردن، سوزاندن)؛ روشن کرد، سوزاند Kindled; lit

הָדְלַק: روشن شد was lit

הִתְבּוֹלְלוּת: ادغام و ترکیب assimilation

וִינָה: وین (پایتخت اتریش) Vienna

חָגַג (לָחֹג, לַחֲגֹג): جشن گرفت؛ (مصدر: جشن گرفتن) celebrated

יַהֲדוּת: یهود، یهودیت Judaism ; Jewry

יָחִיד, יְחִידָה: تک، منفرد، منحصر به فرد، تنها، واحد؛ تک، منفرد (مونث) solo; only one

(יסף, לְהוֹסִיף) הוֹסִיף: (اضافه، ادامه؛ مصدر: سبب ادامه دادن، سبب اضافه شدن)؛ سبب ادامه دادن شد، سبب اضافه شدن شد

כַּתָּב (כַּתָּבִים): خبرنگاه، مخبر، مکاتبه کننده؛ (جمع: خبرنگارها، مخبرها) correspondent

מָדִינִי, מָדִינִית: سیاسی؛ سیاسی (مونث) Political

מִשְׁפָּטִים: فقه، شریعت، قانون jurisprudence; law

מִשְׂרָה (מִשְׂרוֹת): پست، منسب، جایگاه؛ (جمع: پست‌ها) Post; position

נוֹסָף, נוֹסֶפֶת: اضافی؛ اضافی (مونث) additional

סָבַב (לָסֹב, לְסֹבֵב): محصور شد، محاصره شد، (مصدر: محصور شدن، محاصره شدن) surrounded

עָנָף (עֲנָפִים): شاخه؛ (جمع: شاخه‌ها، رشته‌ها) branch

עִתּוֹנָאוּת: روزنامه‌نگاری journalism

פָּתַר (לִפְתֹּר): حل کرد؛ (مصدر: حل کردن) solved

פִּתָּרוֹן (פִּתְרוֹנוֹת): راه حل، چاره؛ (جمع: راه‌حل‌ها، چاره‌ها) solution

צִיּוֹן: صهیون (کوهی در جنوب غربی اورشلیم) Zion

צִיּוֹנוּת: صهیون‌گرایی، نهضت صهیونیسم Zionism

(צרף, לְהִצְטָרֵף) הִצְטָרֵף: (مصدر: خود را ملحق کردن، خود را چسباندن)؛ خودش را ملحق کرد joined; attached himself

שִׁיבָה: بازگشت، اعاده، عودت (اسم) return

מִשֶּׁל: با اتصال یک ضمیر متصل به این واژه معنی می‌دهد (مثال: از خودش) of one's own

לְאוֹר: در پرتوِ، در نورِ in the light of

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הַרְבֵּה לָמַדְתִּי מֵרַבּוֹתַי (מְמוֹרַי), וּמֵחֲבֵרַי יוֹתֵר מֵרַבּוֹתַי, וּמִתַּלְמִידַי יוֹתֵר מִכֻּלָּם. (מִן הַתַּלְמוּד)

از اساتیدم چیزهای زیادی یاد گرفتم، از دوستانم بیشتر از اساتیدم یاد گرفتم و از دانش آموزانم (شاگردانم) بیشتر از آنها.

دستور زبان درس ۷۱

۱- افعال مضاعف در بینیان پاعل: این گونه افعال که حرف دوم و سوم اصلی از یک جنس است به دو صورت صرف می‌شوند؛ مثال:

(סבב) לָסֹב - לְסֹבֵב

א) زمان حال نوع اول:

אני, אתה, הוא ← סַב
אני, את, היא ← סַבָּה
אנחנו, אתם, הם ← סַבִּים
אנחנו, אתן, הן ← סַבּוֹת

ב) زمان حال نوع دوم(مانند فعل سالم):

אני, אתה, הוא ← סוֹבֵב
אני, את, היא ← סוֹבֶבֶת
אנחנו, אתם, הם ← סוֹבְבִים
אנחנו, אתן, הן ← סוֹבְבוֹת

א) زمان گذشته نوع اول:

אני ← סַבּוֹתִי
אתה ← סַבּוֹתָ את ← סַבּוֹת
הוא ← סַב היא ← סַבָּה
אנחנו ← סַבּוֹנוּ
אתם ← סַבּוֹתֶם אתן ← סַבּוֹתֶן
הם, הן ← סַבּוּ

ב) زمان گذشته نوع دوم (مانند فعل سالم):

אני ← סָבַבְתִּי
אתה ← סָבַבְתָּ את ← סָבַבְתְּ
הוא ← סָבַב היא ← סָבְבָה
אנחנו ← סָבַבְנוּ
אתם ← סְבַבְתֶּם אתן ← סְבַבְתֶּן
הם, הן ← סָבְבוּ

א) زمان آینده نوع اول:

אני ← אָסֹב
אתה ← תָּסֹב את ← תָּסֹבִּי
הוא ← יָסֹב היא ← תָּסֹב
אנחנו ← נָסֹב
אתם ← תָּסֹבּוּ אתן ← תָּסֹבֶּינָה (אתן תְּסֻבֶּינָה)
הם ← יָסֹבּוּ הן ← תָּסֹבֶּינָה (הן תְּסֻבֶּינָה)

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

ب) زمان آینده نوع دوم (مانند فعل سالم):

אני ← אֶסְבֹּב	אנחנו ← נְסִבֹּב
אתה ← תְּסִבֹּב את ← תְּסֻבְּבִי	אתם ← תְּסֻבְּבוּ אתן ← תְּסֻבֹּבְנָה
הוא ← יְסִבֹּב היא ← תְּסִבֹּב	הם ← יְסֻבְּבוּ הן ← תְּסֻבֹּבְנָה

א) فعل امرنوع اول:

סֹב	סֹבִּי	סֹבּוּ	סֹבְנָה

ب) فعل امر نوع دوم(مانند فعل سالم):

סֻבְּבוּ	סֻבְּבָנָה	סֻבֹּב	סֻבְּבִי

نکته: در عبری مدرن ترجیح بر این است که این افعال مانند فعل سالم صرف شوند.

۲- افعال مضاف در بینیان پیعل: صرف این افعال در این بینیان مانند صرف فعل های است که حرف دوم اصلی آنها «ו» است؛ مثال:

לְבוֹדֵד

א) زمان حال:

אני, אתה, הוא ← מְבוֹדֵד	אנחנו, אתם, הם ← מְבוֹדְדִים
אני, את, היא ← מְבוֹדֶדֶת	אנחנו, אתן, הן ← מְבוֹדְדוֹת

ב) زمان گذشته:

אני ← בּוֹדַדְתִּי	אנחנו ← בּוֹדַדְנוּ
אתה ← בּוֹדַדְתָּ את ← בּוֹדַדְתְּ	אתם ← בּוֹדַדְתֶּם אתן ← בּוֹדַדְתֶּן
הוא ← בּוֹדֵד היא ← בּוֹדְדָה	הם, הן ← בּוֹדְדוּ

ג) زمان آینده:

אני ← אֲבוֹדֵד	אנחנו ← נְבוֹדֵד
אתה ← תְּבוֹדֵד את ← תְּבוֹדְדִי	אתם ← תְּבוֹדְדוּ אתן ← תְּבוֹדֵדְנָה
הוא ← יְבוֹדֵד היא ← תְּבוֹדֵד	הם ← יְבוֹדְדוּ הן ← תְּבוֹדֵדְנָה

د) فعل امر:

בּוֹדֵד	בּוֹדְדִי	בּוֹדְדוּ	בּוֹדֵדְנָה

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۳- افعال مضاعف در بینیان هیتپعل: صرف این افعال در این بینیان مانند صرف فعل هاییست که حرف دوم اصلی آنها «ו» است؛ مثال:

לְהִתְבּוֹדֵד

א) زمان حال:

אני, אתה, הוא ← מִתְבּוֹדֵד — אנחנו, אתם, הם ← מִתְבּוֹדְדִים

אני, את, היא ← מִתְבּוֹדֶדֶת — אנחנו, אתן, הן ← מִתְבּוֹדְדוֹת

ב) زمان گذشته:

אני ← הִתְבּוֹדַדְתִּי — אנחנו ← הִתְבּוֹדַדְנוּ

אתה ← הִתְבּוֹדַדְתָּ את ← הִתְבּוֹדַדְתְּ — אתם ← הִתְבּוֹדַדְתֶּם אתן ← הִתְבּוֹדַדְתֶּן

הוא ← הִתְבּוֹדַד היא ← הִתְבּוֹדְדָה — הם, הן ← הִתְבּוֹדְדוּ

ג) زمان آینده:

אני ← אֶתְבּוֹדֵד — אנחנו ← נִתְבּוֹדֵד

אתה ← תִּתְבּוֹדֵד את ← תִּתְבּוֹדְדִי — אתם ← תִּתְבּוֹדְדוּ אתן ← תִּתְבּוֹדַדְנָה

הוא ← יִתְבּוֹדֵד היא ← תִּתְבּוֹדֵד — הם ← יִתְבּוֹדְדוּ הן ← תִּתְבּוֹדַדְנָה

د) فعل امر:

הִתְבּוֹדֵד הִתְבּוֹדְדִי הִתְבּוֹדְדוּ הִתְבּוֹדַדְנָה

۴- اسم و صفت مضاعف: در این موارد اغلب از فعل زمان حال استفاده می شود.

مثال اسم: גַּב, גַּג, גַּל, גַּן, הַר, חַג, כַּד, כַּף, כַּת, עַם, צַד, שַׂק, שַׂר

مثال صفت: דַּק , חַם, מַר, קַל, קַר, רַב, רַךְ, רַע

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הַמְּנוֹרָה

תֵּאוֹדוֹר (בִּנְיָמִין זְאֵב) הֶרְצְל נוֹלַד בְּבוּדַפֶּסְט בִּשְׁנַת 1860 (אֶלֶף שְׁמוֹנֶה מֵאוֹת וְשִׁשִּׁים). הוּא לָמַד בְּבֵית סֵפֶר עִבְרִי עַד שֶׁהָיָה לְ"בַּר־מִצְוָה". אַחֲרֵי ה"בַּר מִצְוָה" הוּא לָמַד בַּגִּימְנַסְיָה וְלֹא הִמְשִׁיךְ בְּלִמּוּדֵי הַיַּהֲדוּת. בִּשְׁנַת 1878 (אֶלֶף שְׁמוֹנֶה מֵאוֹת שִׁבְעִים וּשְׁמוֹנֶה) נִכְנַס הֶרְצְל לָאוּנִיבֶרְסִיטָה שֶׁל וִינָה לִלְמֹד מִשְׁפָּטִים. בַּאֲשֶׁר גָּמַר אֶת לִמּוּדָיו הוּא רָצָה לִהְיוֹת שׁוֹפֵט. אֲבָל בָּעֵת הַהִיא הָאַנְטִישֶׁמִיּוּת בְּאוֹסְטַרְיָה הָיְתָה גְּדוֹלָה, וּבִגְלַל זֹאת לֹא הִצְלִיחַ הֶרְצְל לְקַבֵּל מִשְׂרָה שֶׁל שׁוֹפֵט. אָז הוּא פָּנָה לְעִתּוֹנָאוּת.

בְּעֵת מִשְׁפַּט דְּרֵיפוּס, בִּשְׁנַת 1894 (אֶלֶף שְׁמוֹנֶה מֵאוֹת תִּשְׁעִים וְאַרְבַּע) הָיָה הֶרְצְל הַכַּתָּב שֶׁל עִתּוֹן אוֹסְטְרִי חָשׁוּב. הַמִּשְׁפָּט הַזֶּה הִשְׁאִיר רֹשֶׁם חָזָק עָלָיו וְגָרַם לְשִׁנּוּי יְסוֹדִי בְּדֵעוֹתָיו. הוּא רָאָה מֵעַכְשָׁו אֶת הַסַּכָּנָה הַגְּדוֹלָה לַיְּהוּדִים מִן הָאַנְטִישֶׁמִיּוּת. הוּא הֵבִין שֶׁהַהִתְבּוֹלְלוּת לֹא תִּפְתֹּר אֶת הַבְּעָיָה הַזֹּאת. הָעָם הַיְּהוּדִי לֹא יוּכַל לְהִתְגּוֹנֵן מִפְּנֵי שׂוֹנְאָיו הָרַבִּים הַסּוֹבְבִים אוֹתוֹ אֶלָּא־אִם־כֵּן תִּהְיֶה לוֹ אֶרֶץ מִשָּׁלוֹ. הֶרְצְל הֶחְלִיט, שֶׁהַפִּתָּרוֹן הַיָּחִיד לִבְעָיַת הָאַנְטִישֶׁמִיּוּת הוּא הַשִּׁיבָה לְצִיּוֹן; וְכָךְ נוֹלַד הָרַעְיוֹן שֶׁל הַצִּיּוֹנוּת הַמְּדִינִית.

בְּבִיתוֹ שֶׁל הֶרְצְל לֹא הָיוּ חוֹגְגִים אֶת חַגֵּי יִשְׂרָאֵל. עַכְשָׁו הֶחְלִיט הֶרְצְל לְהַכְנִיס לַבַּיִת אֲוִירָה יְהוּדִית, וְלָחֹג אֶת הַחַגִּים.

הִתְקָרֵב חַג הַחֲנֻכָּה. הֶרְצְל קָנָה מְנוֹרָה. בַּמְּנוֹרָה הוּא רָאָה סֵמֶל וּמָשָׁל לְעַם יִשְׂרָאֵל. הַמְּנוֹרָה הָיְתָה דוֹמָה בְּעֵינָיו לְעֵץ בַּעַל עֲנָפִים רַבִּים. הַגֶּזַע הוּא הָעָם כֻּלּוֹ, וְהָעֲנָפִים הֵם הַדּוֹרוֹת בְּתוֹלְדוֹת הָעָם.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הִגִּיעַ הַלַּיְלָה הָרִאשׁוֹן שֶׁל הֶחָג. הֶרְצֶל הִדְלִיק אֶת הַנֵּר הָרִאשׁוֹן. לְאוֹר הַנֵּר הַקָּטָן הַזֶּה סִפֵּר הֶרְצֶל לִילָדָיו עַל תּוֹלְדוֹת הֶחָג. הוּא סִפֵּר לָהֶם עַל מִלְחֲמוֹת הַמַּכַּבִּים וְעַל נִצְחוֹנוֹתֵיהֶם, וְעַל הַגְּאוּלָה שֶׁהֵבִיאוּ לְעַם יִשְׂרָאֵל. הַיְלָדִים סָבְבוּ אֶת אֲבִיהֶם וּבָלְעוּ כָּל מִלָּה וּמִלָּה שֶׁיָּצְאָה מִפִּיו.

בְּכָל לַיְלָה שֶׁל שְׁמוֹנָה יְמֵי הַחֲנֻכָּה הֶדְלִיק נֵר נוֹסָף. בְּכָל לַיְלָה וְלַיְלָה, לְאוֹר הַנֵּרוֹת הַדּוֹלְקִים, הוֹסִיף הֶרְצֶל לְסַפֵּר לִילָדָיו מִתּוֹלְדוֹת עַם יִשְׂרָאֵל.

הַנֵּרוֹת הַדּוֹלְקִים הָיוּ בְּעֵינֵי הֶרְצֶל סֶמֶל וּמָשָׁל לְהִתְעוֹרְרוּת הָעָם. בָּרִאשׁוֹנָה נֵר בּוֹדֵד אֶחָד דּוֹלֵק. בַּבַּיִת עוֹד רַב הַחֹשֶׁךְ. כָּל לַיְלָה וְלַיְלָה מַצְטָרְפִים אֵלָיו נֵרוֹת נוֹסָפִים. בַּיּוֹם הַשְּׁמִינִי הַבַּיִת מָלֵא אוֹר. כָּךְ תֵּאַר הֶרְצֶל לְעַצְמוֹ אֶת הִתְעוֹרְרוּת הָעָם. הָרַעְיוֹן שֶׁל שִׁיבַת צִיּוֹן חוֹדֵר בָּרִאשׁוֹנָה רַק לִלְבּוֹתֵיהֶם שֶׁל מְעַטִּים. אֶל הַמְּעַטִּים הָאֵלֶּה מִצְטָרְפִים בְּמֶשֶׁךְ הַזְּמַן אֲנָשִׁים נוֹסָפִים — אֲנָשִׁים שֶׁחַיֵּי הָעָם יְקָרִים לָהֶם. בַּסּוֹף, הָרַעְיוֹן שֶׁל שִׁיבַת צִיּוֹן כּוֹבֵשׁ אֶת כָּל הָעָם כֻּלּוֹ.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۷۱

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מַדּוּעַ פָּנָה הָרֹצֵל לְעִתּוֹנָאוּת? چرا هرتصل به روزنامه نگاری رو آورد؟

۲. אֵיךְ הִשְׁפִּיעַ מִשְׁפַּט דְּרֵיפּוּס עַל הָרֹצֵל? چگونه دادگاه دریفوس بر هرتصل تاثیر گذاشت؟

۳. לְמָה הָיְתָה הַמְּנוֹרָה דּוֹמָה בְּעֵינֵי הָרֹצֵל? شمعدان برای هرتصل شبیه چه چیزی بود؟

۴. אֵיךְ חָגַג הָרֹצֵל אֶת חַג הַחֲנֻכָּה? چگونه هرتصل عید حنوکا را جشن گرفت؟

۵. אֵיזֶה מָשָׁל רָאָה הָרֹצֵל בַּנֵּרוֹת הַדּוֹלְקִים? هرتصل چه مثالی در نور شمع می دید؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. ما دقیقاً دو هفته از امروز عید پسخ (پسح) را جشن خواهیم گرفت. ۲. همه آنها خبرنگار را محاصره کرده بودند و می‌خواستند آخرین اخبار را بشنوند. ۳. من (مونث) به دنبال یک موقعیت در روزنامه‌نگاری هستم. ۴ . هرکسی باید مشکلات خودش را حل کند. ۵. از یک تنه سالم شاخه‌های سالم بیرون می‌آیند. ۶. پول را به نوزاد نده (مونث)، ممکن است (می‌تواند) آن را ببلعد. ۷. بین این دو مشکل تفاوت زیادی وجود دارد؛ هر یک راه‌حلی برای

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

خود می‌طلبد. ۸. ما (مذکر) برای پیاده‌روی می‌رویم. آیا شما دوست داری (مذکر) به ما بپیوندی؟ ۹. آیا تو (مذکر) دوست داری (= می‌خواهی) چند کلمه به نامه من اضافه کنی؟ ۱۰. لباسی که چند روز پیش خریدم خیلی شبیه لباس تو (مونث) است. ۱۱. ما (مذکر) در حال روشن کردن شمع هستیم تا فضای تعطیلات را به خانه بیاوریم. ۱۲ . آنها فرزند دیگری نداشتند؛ او تنها پسر آنها بود. ۱۳. این یک رویداد مجزا است؛ خیلی به ندرت اتفاق می‌افتد. ۱۴. بازگشت به یهودیت به یکسان‌سازی و یهودی‌ستیزی پایان خواهد داد. ۱۵. با توجه به شرایط جدید تعدادی دانشجوی جدید خواهیم پذیرفت. ۱۶. پیشگامان باید یاد می‌گرفتند که چگونه روی خاک کار کنند و چگونه از خود در برابر حملات دفاع کنند.

ج- فعل های زیر را در سه زمان گذشته، حال و آینده و در بینیانهای פִּעֵל، הִתְפַּעֵל صرف کنید.

לְהִסְתּוֹבֵב – دور زدن לָסוֹב - محاصره کردن

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

لغات درس ۷۲

אֲחוֹרַי, מֵאֲחוֹרֵי: پشتِ؛ ازپشتِ behind; in back of

אַרְנָק (אַרְנָקִים): کیف پول، (جمع: کیف پول‌ها) pocketbook; purse

(ברק, לְהַבְרִיק) הִבְרִיק: جرقه زده شد، (مصدر: جرقه زده شدن) flashed

חָלַב (לַחֲלֹב): شیر دوشید، (مصدر: شیر دوشیدن) milked

(יבל, לְהוֹבִיל) הוֹבִיל: حمل کرده شد، (مصدر: حمل کرده شدن) transported

(יעל, לְהוֹעִיל) הוֹעִיל: مفید شد، سود داشت، در دسترس قرار گرفت، (مصدر: مفید واقع شدن، کسب کردن سود) was beneficial; was of use; availed

מַאֲמָץ (מַאֲמַצִּים): تلاش، (جمع: تلاش‌ها) effort

מַשָּׂא (מַשָּׂאוֹת): بار، محموله، (جمع: بارها، محموله‌ها) load; cargo

(נצל, לְהַצִּיל) נִצַּל: نجات داده شد، (مصدر: نجات داده شدن) was rescued; was saved

(סתר, לְהִסְתַּתֵּר) הִסְתַּתֵּר: پنهان شد، (پنهان شدن) hid himself

עִוֵּר (עִוְרִים): نابینا، (جمع: نابینایان) blind

עָצַם (לַעֲצֹם): چشمش را بست، (مصدر: چشم بستن) closed (the eyes)

פַּרְנָסָה: امرار معاش، خرجی livelihood

(פרנס, לְהִתְפַּרְנֵס) הִתְפַּרְנֵס: او خودش امرار معاش کرد، خرجی بدست آورد (مصدر: امرار معاش کردن) earned a livelihood; made a living

רַעַל: سم poison

רַעַם (רְעָמִים): رعد و برق، (جمع: رعد و برق‌ها) thunder

(רעם, לְהַרְעִים) הִרְעִים: رعد و برق زده شد، (مصدر: رعد و برق زده شدن) thundered

(שרף, לְהִשָּׂרֵף) נִשְׂרַף: آتش زده شد، آتش گرفت، (مصدر: آتش زده شدن، آتش گرفتن) got burned

זֶה עַכְשָׁו: همین الان just now

כָּל זְמַן שֶׁ...: تا زمانی که...، تا مدتی که... as long as; so long as

תָּלוּי בְּ...: بستگی دارد به... depends on

שׂוֹנֵא מַתָּנוֹת, יִחְיֶה. (משלי טו, 27)

تنفر از هدیه باعث طولانی شدن عمر می‌شود.

دستور زبان درس ۷۲

۱- שֵׁם הַפֹּעַל مصدری است که می توان آن را از مصدر اصلی درست کرد؛ مثال:

לָשׁוּב to return ← שׁוּב بازگشتن (بازگشته)

לִשְׁמֹר ← שְׁמֹר تماشا کردن (تماشا)

לִרְאוֹת to see ← רְאוֹת دیدن (دیده)

לָשָׁבֶת ← שָׁבַב نشستن (نشسته)

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

نکته۱: اینگونه مصدر می تواند به جای اسم در جمله استعمال شود و با ضمایر متصل صرف گردد(صرف این نوع مصدر از فعل های سالم و یا از فعل هایی که حرف اول اصلی آنها «נ» است مانند اسم های سِגُلیت می باشد که هجای اول آنها خُلام دارد)؛ مثال:

לִשְׁמֹר ← שְׁמֹר

שָׁמְרִי	שָׁמְרְךָ	שָׁמְרָהּ	שָׁמְרוֹ	שָׁמְרָה
שָׁמַרְנוּ	שָׁמְרְכֶם	שָׁמְרְכֶן	שָׁמְרָם	שָׁמְרָן

לִנְפֹּל ← נְפֹל

נָפְלִי	נָפְלְךָ	נָפְלָךְ	נָפְלוֹ	נָפְלָה
נָפַלְנוּ	נָפְלְכֶם	נָפְלְכֶן	נָפְלָם	נָפְלָן

نکته ۲: صرف این مصدر از افعالی که حرف اول آنها «י» یود است نیز مثل اسم های سِגُلیت می باشد؛ مثال:

לָשֶׁבֶת ← שֶׁבֶת

שִׁבְתִּי	שִׁבְתְּךָ	שִׁבְתָּהּ	שִׁבְתּוֹ	שִׁבְתָּה
שִׁבַתְנוּ	שִׁבְתְּכֶם	שִׁבְתְּכֶן	שִׁבְתָּם	שִׁבְתָּן

לָדַעַת ← דַּעַת

דַּעְתִּי	דַּעְתְּךָ	דַּעְתָּהּ	דַּעְתּוֹ	דַּעְתָּה
דַּעְתָנוּ	דַּעְתְּכֶם	דַּעְתְּכֶן	דַּעְתָּם	דַּעְתָּן

توجه داشته باشد که «לָכֶת» از قاعده فوق مستثنا است و سگل هجای اول را در صرف حفظ می‌کند؛ مثال:

לָלֶכֶת ← לָכֶת رفت

לָכְתִּי	לָכְתְּךָ	לָכְתָּהּ	לָכְתּוֹ	לָכְתָּה
לָכַתְנוּ	לָכְתְּכֶם	לָכְתְּכֶן	לָכְתָּם	לָכְתָּן

نکته۳: صرف این مصدر از افعالی که حرف دوم اصلی آنها «י یود یا ו واو» است و حرف پایانی اصلی آنها «ה هِی» باشد نیز مثل اسم های تک سیلابی می باشد؛ مثال:

לָשׁוּב ← שׁוּב

שׁוּבִי	שׁוּבְךָ	שׁוּבָהּ	שׁוּבוֹ	שׁוּבָה
שׁוּבַנוּ	שׁוּבְכֶם	שׁוּבְכֶן	שׁוּבָם	שׁוּבָן

לָשִׂים ← שִׂים

שִׂימִי	שִׂימְךָ	שִׂימָהּ	שִׂימוֹ	שִׂימָה
שִׂימֵנוּ	שִׂימְכֶם	שִׂימְכֶן	שִׂימָם	שִׂימָן

לִרְאוֹת ← רְאוֹת

רְאוֹתִי	רְאוֹתְךָ	רְאוֹתָהּ	רְאוֹתוֹ	רְאוֹתָה
רְאוֹתֵנוּ	רְאוֹתְכֶם	רְאוֹתְכֶן	רְאוֹתָם	רְאוֹתָן

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۲- جمله واره های محدود:

א) برای ساخت چنین جمله واره‌هایی میتوان از حرف اضافه «ב» به اضافه مصدر استفاده کرد؛ مثال:

כָּל יוֹם בְּשׁוּבִי מִבֵּית הַסֵּפֶר, אֲנִי מוֹצֵא אֶת אִמִּי בַּבַּיִת هر روز زمانی که از مدرسه برمیگشتم، (در بازگشتم) مادرم را درخانه پیدا می کردم.

בְּשׁוּבִי אֶתְמוֹל מִבֵּית הַסֵּפֶר, מָצָאתִי אֶת אִמִּי בַּבַּיִת دیروز در زمان بازگشتم از مدرسه مادرم را در خانه یافتم.

אֲנִי מְקַוֶּה, שֶׁמָּחָר בְּשׁוּבִי מִבֵּית הַסֵּפֶר, אֶמְצָא אֶת אִמִּי בַּבַּיִת من امیدارم که فردا در زمان بازگشت از مدرسه مادرم را در خانه بیابم.

בְּלֶכְתִּי בָּרְחוֹב מָצָאתִי אַרְנָק. در زمانی که میرفتم در خیابان کیف پولی پیدا کردم.

ב) برای ساخت چنین جمله واره هایی میتوان از حرف اضافه «כ» به اضافه مصدر استفاده کرد؛ مثال:

כְּשָׁמְעוּ עַל הָאָסוֹן, הוּא הִתְחִיל לִבְכּוֹת همان لحظه که او در مورد بیچارگی(بدشانسی) شنید، شروع به گریه کردن نمود.

نکته: همه ی بینیانها به جز پوعل و هوفعل این نوع مصدر را دارند؛ مثال:

בִּנְיַן נִפְעַל - לְהִשָּׁמֵר

הִשָּׁמְרִי	הִשָּׁמַרְתְּ	הִשָּׁמַרְתָּ	הִשָּׁמְרוּ	הִשָּׁמְרָה
הִשָּׁמַרְנוּ	הִשָּׁמַרְתֶּם	הִשָּׁמַרְתֶּן	הִשָּׁמְרָם	הִשָּׁמְרָן

בִּנְיַן פִּעֵל - לְדַבֵּר

דִּבַּרְתִּי	דִּבַּרְתְּ	דִּבַּרְתָּ	דִּבְּרוּ	דִּבְּרָה
דִּבַּרְנוּ	דִּבַּרְתֶּם	דִּבַּרְתֶּן	דִּבְּרָם	דִּבְּרָן

בִּנְיַן הִפְעִיל - לְהַדְלִיק

הִדְלַקְתִּי	הִדְלַקְתְּ	הִדְלַקְתָּ	הִדְלִיקוּ	הִדְלִיקָה
הִדְלַקְנוּ	הִדְלַקְתֶּם	הִדְלַקְתֶּן	הִדְלִיקָם	הִדְלִיקָן

בִּנְיַן הִתְפַּעֵל – לְהִתְיַשֵּׁב نشاندن

הִתְיַשַּׁבְתִּי	הִתְיַשַּׁבְתְּ	הִתְיַשַּׁבְתָּ	הִתְיַשְּׁבוּ	הִתְיַשְּׁבָה
הִתְיַשַּׁבְנוּ	הִתְיַשַּׁבְתֶּם	הִתְיַשַּׁבְתֶּן	הִתְיַשְּׁבָם	הִתְיַשְּׁבָן

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

אִם מִן הַשָּׁמַיִם לֹא רוֹצִים

בַּעֲיָרָה אַחַת גָּרוּ שְׁנֵי אַחִים נֶאֱמָנִים. אָח אֶחָד הָיָה סוֹחֵר עָשִׁיר וְהַשֵּׁנִי פּוֹעֵל עָנִי. מַצָּבוֹ שֶׁל הָאָח הֶעָנִי גָּרַם צַעַר רַב לְאָחִיו הֶעָשִׁיר. הָאָח הֶעָשִׁיר הִשְׁתַּדֵּל בְּכָל מִינֵי אֶמְצָעִים לַעֲזֹר לְאָחִיו הֶעָנִי.

יוֹם אֶחָד קָנָה הָאָח הֶעָשִׁיר סוּס וַעֲגָלָה לְאָחִיו. הָאָח הֶעָנִי הִתְחִיל לְהוֹבִיל מַשָּׂאוֹת בָּעֲגָלָה, וְכָךְ הָיָה מוֹצֵא אֶת פַּרְנָסָתוֹ בְּכָבוֹד.

יוֹם אֶחָד בִּנְסֹעַ הָאָח הֶעָנִי הָעִירָה עִם עֲגָלָה מְלֵאָה סְחוֹרָה, הִתְעַטְּפוּ הַשָּׁמַיִם עֲנָנִים. בְּרָקִים הִבְרִיקוּ, רְעָמִים הִרְעִימוּ וְגֶשֶׁם חָזָק יָרַד. פִּתְאֹם פָּגַע בָּרָק בַּסּוּס וּבָעֲגָלָה. הַסּוּס נָפַל מֵת, וְהָעֲגָלָה עִם הַסְּחוֹרָה נִשְׂרְפָה. רַק בְּדֶרֶךְ נֵס הוּא בְּעַצְמוֹ נִצַּל, וְשָׁב בָּרֶגֶל הַבַּיְתָה.

בְּשׁוּבוֹ הָעִירָה, סִפֵּר הָאָח הֶעָנִי לְאָחִיו מַה שֶּׁקָּרָה לוֹ בַּדֶּרֶךְ. כְּשָׁמַע הָאָח הֶעָשִׁיר עַל הָאָסוֹן שֶׁקָּרָה לְאָחִיו, הָלַךְ וְקָנָה לוֹ פָּרָה מְשֻׁבַּחַת, וְשִׁלֵּם בַּעֲרָהּ הַרְבֵּה כֶּסֶף. מֵעַכְשָׁו הָיָה הָאָח הֶעָנִי מִתְפַּרְנֵס מִמְּכִירַת חָלָב. הוּא הָיָה חוֹלֵב אֶת הַפָּרָה יוֹם יוֹם, וְהָיָה מֵבִיא אֶת הֶחָלָב הַטָּרִי לַשּׁוּק לְמְכִירָה.

יוֹם אֶחָד בְּבוֹאוֹ לַחְלֹב אֶת הַפָּרָה, מָצָא אוֹתָהּ שׁוֹכֶבֶת עַל הָאָרֶץ בְּלִי סִימָן שֶׁל רוּחַ חַיִּים. בִּרְאוֹתוֹ אֶת הַפָּרָה בְּמַצָּב זֶה, הֵבִין שֶׁהַפָּרָה בָּלְעָה רַעַל בְּהִיוֹתָהּ בַּשָּׂדֶה. כָּל הַמַּאֲמָצִים לְהַצִּיל אֶת הַפָּרָה לֹא הוֹעִילוּ. אַחֲרֵי עֲבֹר שָׁעוֹת אֲחָדוֹת הַפָּרָה מֵתָה.

כְּרָאוֹת הָאָח הֶעָשִׁיר שֶׁאֵין מָזָל לְאָחִיו, הֶחְלִיט שֶׁאֵין פִּתְרוֹן אַחֵר אֶלָּא לָתֵת לוֹ כֶּסֶף. אֲבָל כְּיָדְעוֹ שֶׁאָחִיו לֹא יְקַבֵּל נְדָבוֹת מִמֶּנּוּ, הוּא חִפֵּשׂ עֵצָה אֵיךְ לָתֵת אֶת הַכֶּסֶף לְאָחִיו בְּלִי לָרִיב אִתּוֹ.

הָאָח הֶעָשִׁיר יָדַע שֶׁאָחִיו הוֹלֵךְ כָּל בֹּקֶר לְבֵית הַכְּנֶסֶת לְהִתְפַּלֵּל. בֹּקֶר אֶחָד הוּא לָקַח אַרְנָק מָלֵא כֶּסֶף, וְהָלַךְ אֶל הָרְחוֹב שֶׁאָחִיו הָיָה רָגִיל לַעֲבֹר בּוֹ בְּדַרְכּוֹ אֶל בֵּית הַכְּנֶסֶת. הוּא עָמַד מֵאֲחוֹרֵי גָּדֵר בְּפִנַּת הָרְחוֹב, וְחִכָּה לְאָחִיו שֶׁיּוֹפִיעַ. בִּרְאוֹתוֹ אֶת אָחִיו מֵרָחוֹק, מִיָּד הוּא שָׂם אֶת הָאַרְנָק עַל הַמִּדְרָכָה, וְשׁוּב הִסְתַּתֵּר מֵאֲחוֹרֵי הַגָּדֵר. הוּא הָיָה בָּטוּחַ שֶׁבְּעָבְרוֹ בַּדֶּרֶךְ, יִרְאֶה אָחִיו אֶת הָאַרְנָק וְיָרִים אוֹתוֹ. אֲבָל מַה גָּדוֹל

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

הָיָה תִּמְהוֹנוֹ, בִּרְאוֹתוֹ אֶת אָחִיו עוֹבֵר עַל־יַד הָאַרְנָק בְּלִי לְהָרִים אוֹתוֹ.

הָאָח הֶעָשִׁיר רָץ מִיָּד אַחֲרֵי אָחִיו, וְאָמַר לוֹ:

— זֶה עַכְשָׁו עָבַרְתָּ עַל־יַד הָאַרְנָק הַזֶּה. אֱמֹר לִי, מַדּוּעַ לֹא הֵרַמְתָּ אוֹתוֹ?

עָנָה הָאָח הֶעָנִי:

— בְּצֵאתִי הַבֹּקֶר מִבֵּיתִי חָשַׁבְתִּי עַל מַזָּלִי הַמַּר וְעַל הָאֲסוֹנוֹת הָרַבִּים שֶׁקָּרוּ לִי בְּמֶשֶׁךְ הַיָּמִים שֶׁעָבְרוּ. אֲבָל בְּלֶכְתִּי בַּדֶּרֶךְ אָמַרְתִּי לְעַצְמִי, כָּל זְמַן שֶׁאֲנִי בָּרִיא וְשָׁלֵם בְּגוּפִי, אֲנִי בֶּאֱמֶת עָשִׁיר! יֵשׁ לִי, בָּרוּךְ הַשֵּׁם, עֵינַיִם, שִׁנַּיִם, יָדַיִם, רַגְלַיִם. בְּאוֹתוֹ הָרֶגַע שָׁאַלְתִּי אֶת עַצְמִי, אֵיךְ הָיִיתִי מַרְגִּישׁ, לְמָשָׁל, לוּ הָיִיתִי עִוֵּר? הוֹרַדְתִּי אֶת הַמִּשְׁקָפַיִם, וְעָצַמְתִּי אֶת עֵינַי לְדַקּוֹת אֲחָדוֹת כְּדֵי לִרְאוֹת אֵיךְ מַרְגִּישׁ עִוֵּר. וְכָךְ הִמְשַׁכְתִּי בְּדַרְכִּי כְּאִלּוּ הָיִיתִי עִוֵּר.

— הוֹי! קָרָא הָאָח הֶעָשִׁיר, כְּשָׁמְעוֹ אֶת דִּבְרֵי אָחִיו, הַכֹּל תָּלוּי בִּידֵי שָׁמַיִם. אִם מִן הַשָּׁמַיִם לֹא רוֹצִים שֶׁתִּהְיֶה עָשִׁיר, שׁוּם עֵצָה לֹא תּוֹעִיל לְךָ!

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۷۲

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מַה קָּרָה לַסּוּס וְלָעֲגָלָה שֶׁל הָאָח הֶעָנִי ؟ برای اسب و گاری برادر فقیر چه اتفاقی افتاد؟

۲. אֵיךְ מַתָה פָּרָתוֹ ؟ گاو او چگونه مرد؟

۳. מַדּוּעַ לֹא נָתַן הָאָח הֶעָשִׁיר כֶּסֶף לְאָחִיו ؟ چرا برادر ثروتمند به برادرش، پول نداد؟

۴. מַדּוּעַ עָעַם הָאָח הֶעָנִי אֶת עֵינָיו בְּעָבְרוֹ עַל־יַד הָאַרְנָק ؟ چرا برادر فقیر چشم هایش را بست در هنگام عبور از کنار کیف پول؟

۵. מַדּוּעַ חָשַׁב הָאָח הֶעָנִי אֶת עַצְמוֹ לְעָשִׁיר ؟ چرا برادر فقیر خود را ثروتمند میپنداشت؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. او (مذکر) هیچ تلاشی نکرد و بنابراین در تحصیل موفق نشد. ۲. او (مذکر) مانند یک نابینا است، نمی‌تواند تفاوت قرمز و آبی را ببیند. ۳. درمان فایده ای نداشت و سگ مرد. ۴. پشت من پنهان نشو (مونث). ۵. او مرد ضعیفی است و چنین باری بر او سنگین است. ۶. نوزاد به اشتباه زهر نوشید اما بلافاصله به بیمارستان منتقل شد و از مرگ نجات یافت. ۷. او (مذکر) مغازه‌اش سوخت و بی‌معیشت ماند. ۸. او (مذکر) با فروش روزنامه امرار معاش می‌کند. ۹. ناگهان یک ایده عالی در سرم جرقه زد. ۱۰. دفترچه جیبی تو (مونث) کهنه و پاره شده است، زمان آن رسیده است که یک دفترچه جیبی جدید بخرید. ۱۱. من (مذکر) یک ماشین بزرگ دارم، من اغلب از آن برای حمل و نقل انواع کالاها استفاده می‌کنم. ۱۲. کشاورز باید صبح زود بیدار شود تا گاوهایش را شیر دهد. ۱۳. در هنگام رعد و برق پنهان شدن زیر درخت ممنوع است. ۱۴ . من (مذکر) تمام شب چشمانم را نبستم چون دندان هایم درد می‌کرد (= درد می‌گرفت). ۱۵. تا زمانی که نشانه‌ای از زندگی (=روح زندگی) وجود دارد، امید وجود دارد.

ج- عبارات را بدون استفاده از کلمه «כַּאֲשֶׁר» بازنویسی کنید.

כַּאֲשֶׁר קַמְתִּי = בָּקוּמִי

۱. כַּאֲשֶׁר כָּתַבְנוּ

۲. כַּאֲשֶׁר יַעַבְרוּ

۳. בִּזְמַן שֶׁדִּבֵּר

۴. כַּאֲשֶׁר יִשְׁמְרוּ

۵. בִּזְמַן שֶׁקִּנְחָה

۶. כַּאֲשֶׁר שָׁרְנוּ

۷. כַּאֲשֶׁר שָׁבְתָּ

۸. כַּאֲשֶׁר יָרְצָה

۹. כַּאֲשֶׁר עָזַרְתָּ

۱۰. כַּאֲשֶׁר יָרַדְתִּ

۱۱. בִּזְמַן שֶׁקָּרָאתִי

۱۲. בִּזְמַן שֶׁשָּׁחַקְנוּ

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שעור עץ
لغات درس ۷۳

debated; argued

אָבַד (לֶאֱבֹד): گم کرد، (مصدر: گم کردن) lost

אֶצְבַּע (אֶצְבָּעוֹת): انگشت، (جمع: انگشتان) finger

(גבר, לְהִתְנַגֵּד עַל: مقابله کرد با، (مصدر: مقابله کردن) overcame; overpowered

וִכּוּחַ (וִכּוּחִים): مناظره، مباحثه، (جمع: مناظرات، مباحثات) debate

הַצְדָּקָה (הַצְדָּקוֹת): توجیه، (جمع: توجیهات) justification

חָצֵר (חֲצֵרוֹת): دادگاه، این واژه اسم و مونث است، (جمع: دادگاه‌ها) court n.f

(יכת, לְהוֹכִיחַ הוֹכִיחַ: ثابت کرد، (مصدر: ثابت کردن) proved

(יכת, לְהִתְוַכֵּחַ הִתְוַכַּח: مناظره کرد، مباحثه کرد، (مصدر: مناظره کردن، مباحثه کردن، بحث کردن)

יֵצֶר (יְצָרִים): غریزه، (جمع: غرایز، تمایلات) instinct; inclination

מַדְרֵגָה (מַדְרֵגוֹת): سطح، مرحله، پله، (جمع: سطوح، مراحل) level; stair

מוּסָר: اخلاق morality; ethics

מוּסָרִי, מוּסָרִית: اخلاقی؛ اخلاقی (مونث) moral; ethical

מְצִיאָה (מְצִיאוֹת): یافته شده، پیدا شده، تخفیف، جایزه، (جمع: پیدا شده‌ها، تخفیف‌ها)

נָמוּךְ, נְמוּכָה: کوتاه؛ کوتاه (مونث)

נִסָּיוֹן (נִסְיוֹנוֹת): تجربه، (جمع: تجربه‌ها)

רָשָׁע (רְשָׁעִים): شرور، (جمع: شرورها)

אֵין חָכָם כְּבַעַל הַנִּסָּיוֹן (מִסְפָּרוּת יה"ב)

هیچ فردی مانند کسی که تجربه دارد، عاقل (خردمند) نیست

دستور زبان درس ۷۳

۱- ضمایر متصل مفعولی به فعل: معمولا برای بیان مفعول از نشانه مفعولی «אֶת» به همراه ضمایر متصل استفاده می‌شود؛ مثال:

אַתָּה פָּגַשְׁתָּ אוֹתִי.

אֲנִי פָּגַשְׁתִּי אוֹתְךָ.

۲- در زبان عبری به غیر از استفاده از ضمایر منفصل مفعولی(«אֶת » به همراه ضمایر متصل)، راه دیگری نیز وجود دارد که عبارت است ازاتصال ضمایر مفعولی به خود فعل؛ مثال:

אַתָּה פְּגַשְׁתַּנִי.

אֲנִי פְּגַשְׁתִּיךְ.

نکته: فقط فعل های متعدی در بینیان ها می توانند به همراه ضمایر متصل استعمال شوند.

نکته: ضمایر متصل فقط با فعل بینیان های معلوم اسعمال می شوند که عبارتند از: הִפְעִיל , פִּעֵל , פָּעַל

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۳- فعل های سالم به همراه ضمایر متصل :

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

...ـتا	...ـتاب-ـتا	...ـتاب	...ـتاب	...ـتاب	...ـتاب	...ـتاب	...ـتاب	...ـتاب
...ـتاب								...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب
...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب								...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب
...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب	...ـتاب-ـتا —	...ـتاب —	...ـتاب —	...ـتاب —	...ـتاب —	...ـتاب —	...ـتاب —	...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب
...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب	...ـتاب-ـتا ...ـتاب-ـتا ...ـتاب-ـتا ...ـتاب-ـتا ...ـتاب-ـتا	...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب	...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب	...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب	...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب	...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب	...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب	...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب ...ـتاب
...ـتاب	...ـتاب-ـتا	...ـتاب	...ـتاب	...ـتاب	...ـتاب	...ـتاب	...ـتاب	...ـتاب

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۴- در زبان عبری از فعل «אבד» برای بیان گم کردن چیزها استفاده می شود؛ مثال:

אָבַד לִי עִפָּרוֹן.

אָבְדוּ לָהּ הַמִּשְׁקָפַיִם שֶׁלָּהּ.

نکته: در گفتار معمول گاهی برای بیان گم کردن چیزها و وسایل از فعل «אבד» در بینیان پیعل نیز استفاده می‌شود؛ مثال:

אִבַּדְתִּי עִפָּרוֹן.

הִיא אִבְּדָה אֶת הַמִּשְׁקָפַיִם שֶׁלָּהּ.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

אֵיזֶהוּ חָכָם

בַּחֲצֵרוֹ שֶׁל רַבִּי אֶחָד יָשְׁבוּ חֲסִידִים אֲחֵרִים וְהִתְוַכְּחוּ בֵּינֵיהֶם עַל הַשְּׁאֵלָה: מִי נִקְרָא אִישׁ חָכָם, וּמִי נִקְרָא אִישׁ טִפֵּשׁ? כָּל אֶחָד מֵהֶם הִשְׁתַּדֵּל לְהוֹכִיחַ שֶׁהוּא צוֹדֵק. הָרַבִּי יָשַׁב מִן הַצַּד לְיַד הַחַלּוֹן וְלֹא הֵרִים אֶצְבַּע. הוּא הִקְשִׁיב לַוִּכּוּחַ בְּלִי לוֹמַר מִלָּה. פִּתְאֹם הִבְרִיק רַעְיוֹן בְּרֹאשׁוֹ שֶׁל הָרַבִּי. הוּא הִפְסִיק אֶת הַוִּכּוּחַ שֶׁל הַחֲסִידִים, וְאָמַר לְאֶחָד מֵהֶם:

— הִנֵּה עוֹבֵר אִישׁ בָּרְחוֹב, לֵךְ וּקְרָא אוֹתוֹ לָבוֹא הֵנָּה.

הֶחָסִיד הָלַךְ וּקְרָאוֹ.

— קְרָאתִיךָ, אָמַר הָרַבִּי לָאִישׁ, כִּי יֵשׁ לִי שְׁאֵלָה לִשְׁאָלְךָ. לוּ מָצָאתָ בָּרְחוֹב אַרְנָק מָלֵא כֶּסֶף, מֶה הָיִיתָ עוֹשֶׂה?

הָאִישׁ חָשַׁב רֶגַע וְעָנָה:

— הָיִיתִי לוֹקְחוֹ לְעַצְמִי, כִּי מְצִיאָה הִיא כְּמַתָּנָה מֵהַשָּׁמַיִם, וּמֻתָּר לְכָל מִי שֶׁמּוֹצְאָהּ לָקַחַת אוֹתָהּ.

הָרַבִּי הוֹדָה לוֹ, וְהָאִישׁ יָצָא מֵהַחֶדֶר.

הָרַבִּי פָּנָה שֵׁנִית אֶל אֶחָד מֵהַחֲסִידִים וְאָמַר:

— הִנֵּה עוֹבֵר אִישׁ שֵׁנִי בָּרְחוֹב, לֵךְ וּקְרָאֵהוּ.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft
כַּאֲשֶׁר הָאִישׁ הַשֵּׁנִי נִכְנַס לַחֶדֶר, אָמַר לוֹ הָרַבִּי:

— קָרָאתִיךָ כִּי יֵשׁ לִי שְׁאֵלָה לִשְׁאָלְךָ. לוּ מָצָאתָ בָּרְחוֹב אַרְנָק מָלֵא כֶּסֶף מֶה הָיִיתָ עוֹשֶׂה?

הָאִישׁ לֹא פִּקְפֵּק אֲפִילוּ רֶגַע וְעָנָה:

— לוּ מָצָאתִי בָּרְחוֹב אַרְנָק מָלֵא כֶּסֶף, הָיִיתִי מְחַפֵּשׂ אֶת הָאִישׁ שֶׁאָבַד לוֹ הָאַרְנָק, וְהָיִיתִי מַחְזִירוֹ לוֹ.

— תּוֹדָה רַבָּה, אָמַר לוֹ הָרַבִּי, וְהָאִישׁ יָצָא מִן הַחֶדֶר.

שׁוּב פָּנָה הָרַבִּי אֶל אֶחָד מֵהַחֲסִידִים וְאָמַר:

— הִנֵּה עוֹבֵר אִישׁ שְׁלִישִׁי בָּרְחוֹב, לֵךְ וּקְרָאֵהוּ.

הָאִישׁ הַשְּׁלִישִׁי נִכְנַס לַחֶדֶר וְאָמַר:

— רַבִּי, לָמָּה קָרָאתַנִי לָבוֹא אֵלֶיךָ?

— קָרָאתִיךָ, אָמַר לוֹ הָרַבִּי, כִּי יֵשׁ לִי שְׁאֵלָה לִשְׁאָלְךָ. לוּ מָצָאתָ בָּרְחוֹב אַרְנָק מָלֵא כֶּסֶף, מֶה הָיִיתָ עוֹשֶׂה?

הָאִישׁ חָשַׁב רְגָעִים אֲחָדִים, וְאָז אָמַר בְּקוֹל רַךְ וְנָמוּךְ:

— שְׁאֵלָה קָשָׁה שְׁאַלְתַּנִי, רַבִּי. מֵעוֹלָם לֹא קָרָה לִי דָּבָר כָּזֶה. אֵיךְ אֲנִי יָכוֹל לָדַעַת מֵרֹאשׁ מַה שֶּׁאֶעֱשֶׂה בָּעָתִיד. אִי אֶפְשָׁר לִי לָדַעַת עַכְשָׁו אִם אַצְלִיחַ לִכְבּשׁ אֶת יֵצֶר הָרַע שֶׁלִּי וְאַחְזִיר אֶת הָאַרְנָק, אוֹ אוּלַי יִתְגַּבֵּר עָלַי יֵצֶר הָרַע, וְאֶקָּחֵהוּ לְעַצְמִי. הַכֹּל תָּלוּי בְּאֵיזוֹ מַדְרֵגָה מוּסָרִית אֶהְיֶה בְּאוֹתוֹ הַזְּמַן.

הָרַבִּי אָמַר לוֹ:

— אֲנִי מוֹדֶה לְךָ עַל שֶׁבָּאתָ הֵנָּה, וְעַכְשָׁו, בְּנִי, לֵךְ לְדַרְכְּךָ בְּשָׁלוֹם.

כַּאֲשֶׁר יָצָא הָאִישׁ מֵהַחֶדֶר, פָּנָה הָרַבִּי אֶל הַחֲסִידִים וְהִסְבִּיר לָהֶם:

— הָאִישׁ הָרִאשׁוֹן הוּא רָשָׁע, כִּי הוּא מָצָא הַצְדָּקָה כְּדֵי לָקַחַת לְעַצְמוֹ כֶּסֶף שֶׁלֹּא שַׁיָּךְ לוֹ. הַשֵּׁנִי הוּא טִפֵּשׁ, כִּי אֵין בֶּן־אָדָם יָכוֹל לָדַעַת מֵרֹאשׁ מַה שֶּׁיַּעֲשֶׂה בְּחַנָּאִים שֶׁאֵין לוֹ נִסָּיוֹן בָּהֶם. הַשְּׁלִישִׁי הוּא חָכָם, כִּי הוּא יוֹדֵעַ מַה קָּשֶׁה הִיא הַמִּלְחָמָה בֵּין יֵצֶר הָרַע וּבֵין יֵצֶר הַטּוֹב בְּתוֹךְ לִבּוֹ שֶׁל הָאָדָם.

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۷۳

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. עַל מַה הִתְוַכְּחוּ הַחֲסִידִים? حسیدی ها در مورد چه چیزی بحث می کردند؟

۲. מַדּוּעַ שָׁלַח הָרַבִּי לִקְרֹא אֶת הָאֲנָשִׁים? چرا ربی کسی را برای فراخواندن آن افراد فرستاد؟

۳. אֵיזוֹ הַצְדָקָה מָצָא לְעַצְמוֹ הָאִישׁ הָרִאשׁוֹן? نخستین فرد چه توجیهی برای خودش پیدا کرده بود؟

۴. מַדּוּעַ אָמַר הָרַבִּי שֶׁהָאִישׁ הַשֵּׁנִי הוּא טִפֵּשׁ? چرا ربی گفت فرد دوم نادان است؟

۵. מָה הָיָה עוֹשֶׂה הָאִישׁ הַשְּׁלִישִׁי לוּ מָצָא אֶת הָאַרְנָק? اگر فرد سوم کیف را پیدا می‌کرد چه کاری انجام می‌داد؟

ب- جمله‌های زیر را به عبری ترجمه کنید.

۱. او (مذکر) هیچ تجربه‌ای ندارد و به همین دلیل در یافتن موقعیت با مشکل مواجه خواهد شد. ۲. تو (مونث) به دنبال چه هستی؟ چه چیزی از دست داده‌ای (گم کرده‌ای)؟ ۳. نوزاد از پله‌ها افتاد، اما هیچ اتفاقی برایش نیفتاد. ۴. اخلاق اساس جامعه است. ۵. من (مذکر) از قبل به شما (مذکر) اطلاع می‌دهم که سال آینده اینجا تدریس نخواهم کرد. ۶. با او بحث نکن (مذکر)، او بیش از تو (مذکر) در این زمینه تجربه دارد. ۷. سرباز از خوردن غذای غیر حلال امتناع کرد. ۸. اعمال آنها (مذکر) توجیهی ندارد. ۹. من (مونث) نمی‌خواهم با تو (مذکر) وارد بحث شوم. ۱۰. به نظر من ، آنچه که تو (مذکر) انجام دادی اخلاقی نیست. ۱۱. من (مذکر) بسیار متاسفم که نمی‌توانم یادداشت‌هایم را به تو (مذکر) قرض بدهم. ۱۲. با انگشتت به غذا دست نزن! ۱۳. پسر بر تمایل شیطانی غلبه کرد و تصمیم گرفت که (آنچه) یافته را برگرداند. ۱۴. تصویری را که تو (مذکر) به ما دادی، در اتاق غذاخوری

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

آویزان کردیم. ۱۵. برایم مهم نیست که در این مناظره چه کسی پیروز خواهد شد. ۱۶. ما با نور شمع غذا خوردیم زیرا برق از کار افتاده بود.

ج- عبارات زیر را به یک کلمه تبدیل کنید.

۱. שָׁלַחְתִּי אוֹתוֹ
۲. רָאִיתִי אוֹתָךְ
۳. שָׁאַלְתִּי אוֹתָהּ
۴. תִּזְרֹק אוֹתָם
۵. יְפַגֵּשׁ אוֹתָנוּ
۶. אָגְמֹר אוֹתָם
۷. מָצָאתִי אוֹתְךָ
۸. לָקַח אוֹתִי
۹. עָזַב אוֹתִי
۱۰. יִכְתֹּב אוֹתָם

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

שִׁעוּר עֵד

لغات درس ٧٤

bound (sheaves)

אִלַּם (לְאַלֵּם): مقید کرد، بسته‌بندی کردن گندم، خوشه‌بندی کردن گندم، (مصدر: مقید کردن)

אֲלֻמָּה (אֲלֻמּוֹת, אֲלֻמִּים): پرتو، روشنایی، گندم (جمع: پرتوها)

sheaf

rebuked; scolded

גָּעַר (לִגְעֹר): سرزنش کرد، (مصدر: سرزنش کردن)

זְקֵנִים: سن بالا، پیر، این واژه اسم هست و به صورت جمع نیز به کار برده می‌شود.

old age n.pl

Coat of many colors (bible)

כְּתֹנֶת פַּסִּים: کت، پیراهن راه راه

מְגוּרִים: محل سکونت، این واژه اسم هست و همیشه به صورت جمع به کار برده می‌شود.

dwelling; dwelling place n.pl

נָא = בְּבַקָּשָׁה: لطفا، خواهش میکنم

(יצב) נִצַּב: ایستاد، بلند شد

stood up

תִּסֻּבֶּינָה = תָּסֹבְנָה: احاطه خواهد شد، محاصره خواهد شد

will surround

וְהִנֵּה תְסֻבֶּינָה: اکنون محاصره شدند، آنها را محاصره کردند

behold, they surrounded

stripe

פַּס (פַּסִּים): راه راه، (جمع: راه راه‌ها)

verse (in the Bible)

פָּסוּק (פְּסוּקִים): آیه، (جمع: آیات)

chapter

פֶּרֶק (פְּרָקִים): فصل، (جمع: فصل‌ها)

envied

קִנֵּא (לְקַנֵּא): حسادت کرد، (مصدر: حسادت کردن)

(שחה, לְהִשְׁתַּחֲוֹת) הִשְׁתַּחֲוָה: تعظیم کرد، (مصدر: تعظیم کردن)

bowed down

שָׁמַר (לִשְׁמֹר): حفظ کرد (در ذهن)، (مصدر: حفظ کردن، به یاد آوردن)

kept (in his mind); remembered

hated

שָׂנֵא (לִשְׂנֹא): متنفر شد، (مصدر: متنفر شدن)

دستور زبان درس ٧٤

١- ו הַחִפּוּךְ واوی است که به همراه فعل آینده استعمال می شود و معنای فعل را تبدیل به فعل زمان گذشته می کند؛ مثال:

אֶכְתֹּב ← וָאֶכְתֹּב = כָּתַבְתִּי

יִכְתֹּב ← וַיִּכְתֹּב = כָּתַב

نکته: این واو به کلمات مناسب دیگر که به همراه فعل آینده استعمال می‌شوند متصل می‌شود؛ مثال:

תִּסֻּבֶּינָה ← וְהִנֵּה תְסֻבֶּינָה

نکته: زمانی که این واو به همراه فعل زمان آینده استعمال میشود، تکیه ی فعل روی هجای نخست جا میگیرد و مصوت بلند هجای دوم تبدیل به مصوت کوتاه می شود؛ مثال:

יֵשֵׁב ← וַיֵּשֶׁב

יֹאמַר יֵשֵׁב ← וַיֹּאמֶר

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

۲- مصدر مطلق: مصدر مطلق همراه فعل استعمال میشود وباعث تاکید فعل میشود. مصدر مطلق در بینیان پاعل بر وزن « ○ ○̇○ ○̣○ » با سه حرف اصلی فعل ساخته می‌شود؛ مثال:

מָשֹׁל תִּמְשֹׁל. הֲמָשֹׁל תִּמְשֹׁל?

نکته: مصدر مطلق در هر بینیان وزن خاصی دارد، برای نمونه:

بینیان פְּעַל ← وزن «○̣○ ○̣○ ○ » مثال: דַּבֵּר יְדַבֵּר.

بینیان נִפְעַל ← وزن «הִ ○̣○̇○ ○̣ ○ » مثال: הִשָּׁבַר יִשָּׁבֵר.

بینیان הִפְעִיל ← وزن «הַ ○̣○ ○̣○ ○ » مثال: הַזְמַן יַזְמִין אוֹתְךָ.

بینیان הִתְפַּעֵל ← وزن «הִ תְ ○̣○ ○̣○̇○ ○» مثال: הִתְלַבֵּשׁ יִתְלַבֵּשׁ.

نکته: برای پرسش های متوالی و پشت سر هم میتوان از «הֲ» که مخفف «האם» است برای سوال اول استفاده کرد و باقی سوالات را با کلمه «אִם» بیان کرد؛ مثال:

הֲמָלַךְ תִּמְלֹךְ עָלֵינוּ ? אִם מָשֹׁל תִּמְשֹׁל בָּנוּ ?

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

חֲלומות יוֹסֵף

וַיֵּשֶׁב יַעֲקֹב בְּאֶרֶץ מְגוּרֵי אָבִיו, בְּאֶרֶץ כְּנָעַן.

וְיִשְׂרָאֵל אָהַב אֶת יוֹסֵף מִכָּל בָּנָיו, כִּי בֶן זְקֻנִים הוּא לוֹ, וְעָשָׂה לוֹ כְּתֹנֶת פַּסִּים.

וַיִּרְאוּ אֶחָיו כִּי אוֹתוֹ אָהַב אֲבִיהֶם מִכָּל אֶחָיו, וַיִּשְׂנְאוּ אֹתוֹ, וְלֹא יָכְלוּ דַּבְּרוֹ לְשָׁלוֹם.

וַיַּחֲלֹם יוֹסֵף חֲלוֹם, וַיַּגֶּד לְאֶחָיו, וַיּוֹסִיפוּ עוֹד שְׂנֹא אוֹתוֹ.

וַיֹּאמֶר אֲלֵיהֶם, שִׁמְעוּ נָא הַחֲלוֹם הַזֶּה אֲשֶׁר חָלָמְתִּי. וְהִנֵּה אֲנַחְנוּ מְאַלְּמִים אֲלֻמִּים בְּתוֹךְ הַשָּׂדֶה, וְהִנֵּה קָמָה אֲלֻמָּתִי וְגַם נִצָּבָה, וְהִנֵּה תְסֻבֶּינָה אֲלֻמֹּתֵיכֶם, וַתִּשְׁתַּחֲוֶינָה לַאֲלֻמָּתִי.

וַיֹּאמְרוּ לוֹ אֶחָיו, הֲמָלֹךְ תִּמְלֹךְ עָלֵינוּ? אִם מָשׁוֹל תִּמְשֹׁל בָּנוּ? וַיּוֹסִיפוּ עוֹד שְׂנֹא אוֹתוֹ, עַל חֲלוֹמוֹתָיו וְעַל דְּבָרָיו.

וַיַּחֲלֹם עוֹד חֲלוֹם אַחֵר, וַיְסַפֵּר אוֹתוֹ לְאֶחָיו, וַיֹּאמֶר, הִנֵּה חָלַמְתִּי חֲלוֹם עוֹד, וְהִנֵּה הַשֶּׁמֶשׁ וְהַיָּרֵחַ וְאַחַד עָשָׂר כּוֹכָבִים, מִשְׁתַּחֲוִים לִי.

וַיְסַפֵּר אֶל אָבִיו וְאֶל אֶחָיו, וַיִּגְעַר בּוֹ אָבִיו, וַיֹּאמֶר לוֹ, מָה הַחֲלוֹם הַזֶּה אֲשֶׁר חָלָמְתָּ? הֲבוֹא נָבוֹא אֲנִי וְאִמְּךָ וְאַחֶיךָ, לְהִשְׁתַּחֲוֹת לְךָ אָרְצָה?

וַיְקַנְאוּ בוֹ אֶחָיו, וְאָבִיו שָׁמַר אֶת הַדָּבָר.

בראשית, פרק לז, פסוקים ו, 3־11

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۷٤

الف- به سوال‌های زیر با جملات کامل عبری پاسخ بدهید.

۱. מַדּוּעַ אָהַב יַעֲקֹב אֶת יוֹסֵף יוֹתֵר מִכָּל בָּנָיו? چرا یعقوب، یوسف را از همه‌ی پسرانش بیشتر دوست داشت؟

۲. אֵיךְ הָרְאָה יַעֲקֹב אֶת אַהֲבָתוֹ לְיוֹסֵף? یعقوب چگونه عشق خود به یوسف را نشان میداد؟

۳. מָה הָיָה חֲלוֹמוֹ הָרִאשׁוֹן שֶׁל יוֹסֵף? رویای اول یوسف چه بود؟

۴. מָה הָיָה חֲלוֹמוֹ הַשֵּׁנִי שֶׁל יוֹסֵף? رویای دوم یوسف چه بود؟

۵. מַדּוּעַ גָּעַר יַעֲקֹב בְּיוֹסֵף כַּאֲשֶׁר שָׁמַע אֶת חֲלוֹמוֹ הַשֵּׁנִי? چرا یعقوب یوسف را سرزنش کرد زمانی که رویای دوم او را شنید؟

ب- فعل هایی که با واو هیپوخ استفاده شدند به زمان گذشته ساده تغییر دهید.

۱. וַיְבָרֶךְ אֱלֹהִים אֶת יוֹם הַשְּׁבִיעִי, וַיְקַדֵּשׁ אוֹתוֹ. (בראשית ב, 3)

۲. וָאֶשְׁאַל אוֹתָהּ וָאֹמַר, בַּת מִי אַתְּ? וַתֹּאמֶר בַּת בְּתוּאֵל בֶּן נָחוֹר. (בראשית כד, 47)

۳. וַיְסַפֵּר הָעֶבֶד לְיִצְחָק אֶת כָּל הַדְּבָרִים אֲשֶׁר עָשָׂה. (בראשית כד, 66)

۴. וַיַּחְפְּרוּ עַבְדֵי יִצְחָק, וַיִּמְצְאוּ שָׁם בְּאֵר מַיִם חַיִּים. (בראשית כו, 19)

۵. וַתִּרְעַב כָּל אֶרֶץ מִצְרַיִם, וַיִּצְעַק הָעָם אֶל פַּרְעֹה לַלָּחֶם. (בראשית מא, 55)

۶. וַיִּזְכֹּר יוֹסֵף אֶת הַחֲלוֹמוֹת אֲשֶׁר חָלַם. (בראשית מב, 9)

۷. וַיֵּצֵא מֹשֶׁה וַיְדַבֵּר אֶל הָעָם אֶת דִּבְרֵי ה'. וַיֶּאֱסֹף שִׁבְעִים אִישׁ מִזִּקְנֵי הָעָם. (במדבר יא, 24)

۸. וַתֹּאכַלְנָה הַפָּרוֹת רָעוֹת הַמַּרְאֶה וְדַקּוֹת הַבָּשָׂר, אֶת שֶׁבַע הַפָּרוֹת יְפֹת הַמַּרְאֶה וְהַבְּרִיאוֹת. (בראשית מא, 4)

۹. וַיָּבוֹא עֲמָלֵק, וַיִּלָּחֶם עִם יִשְׂרָאֵל בִּרְפִידִים. (שמות יז, 8)

۱۰. וַיִּתְפַּלֵּל מֹשֶׁה בְּעַד הָעָם. (במדבר כא, 7)

۱۱. וַנִּסַּע מֵחֹרֵב, וַנֵּלֶךְ אֵת כָּל הַמִּדְבָּר הַגָּדוֹל וְהַנּוֹרָא הַהוּא, אֲשֶׁר רְאִיתֶם. (דברים א, 19)

۱۲. וַיֹּאמֶר שְׁמוּאֵל אֶל כָּל יִשְׂרָאֵל, הִנֵּה שָׁמַעְתִּי בְּקוֹלְכֶם, וָאַמְלִיךְ עֲלֵיכֶם מֶלֶךְ. (שמואל א, יב, 1)

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

kambozia.com

עִבְרִית לְהָה

لغات درس ۷۵

אַחֲרִית הַיָּמִים: پایان روزها the end of days

אֹרַח (אֳרָחוֹת): راه، شیوه، روش، (جمع: راه‌ها، شیوه‌ها) way

אַת (אִתִּים): بیل، تیغه‌ی گاوآهن، (جمع: تیغ‌ها)

גִּבְעָה (גְּבָעוֹת): تپه، (جمع: تپه‌ها) ploughshare; spade hill

גּוֹי (גּוֹיִם): ملت، (جمع: ملل) nation

(ילך, הלך) נַלְכָה = נֵלֵךְ: بیا برویم let us go

חָזָה (לַחֲזוֹת): پیش‌بینی کرد، (مصدر: پیش‌بینی کردن) envisioned; saw

חֲנִית (חֲנִיתוֹת): نیزه، (جمع: نیزه‌ها) spear

(יכח, לְהוֹכִיחַ) הוֹכִיחַ: ثابت کرد، قضاوت کرد، (مصدر: ثابت کردن، قضاوت کردن) pointed out; judged

(ירה לְהוֹרוֹת) הוֹרָה: دستور داد، (مصدر: دستور دادن) instructed

כִּתֵּת (לְכַתֵּת): کتک کاری کرد، ضرب و شتم کرد، (مصدر: کتک کاری کردن، ضرب و شتم کردن) beat; crushed

מַזְמֵרָה (מַזְמֵרוֹת): نوعی داس و چاقوی بزرگ که نوکش خمیده‌تر است، (جمع: داس‌ها) pruning-hook

נָהַר (לִנְהַר): جاری شد، (مصدر: جاری شدن) streamed

נָכוֹן, נְכוֹנָה: ثابت‌شده، درست؛ ثابت‌شده، درست (مونث) firmly established

נָשָׂא (לָשֵׂאת): بالا آورد، حمل کرد، (مصدر: بالا آوردن، حمل کردن) lifted; raised

(נשא, לְהִנָּשֵׂא) נִשָּׂא: بالا آورده شد، حمل شد، (مصدر: بالا آورده شدن، حمل شدن) was raised

שָׁפַט (לִשְׁפֹּט): قضاوت کرد، داوری کرد، (مصدر: قضاوت کردن، داوری کردن) judged

دستور زبان درس ۷۵

۱- ו הַחִפּוּךְ در کتاب مقدس نیز از این واو استفاده شده و معنای فعل زمان گذشته را تبدیل به فعل زمان آینده می‌کند.

نکته: تکیه در فعل به هجای آخر منتقل می شود مانند:

וְאָהַבְתָּ ← واو عطف

וְאָהַבְתָּ ← ו הַחִפּוּךְ

نکته: فعل اول شخص جمع استثنا است و از متن فهمیده می شود که آیا حرف ו برای عطف است یا ו הַחִפּוּךְ ؛

مثال:

וְאָהַבְנוּ ← و ما دوست داشتیم (یا) ما دوست خواهیم داشت

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

אַחֲרִית הַיָּמִים

הַדָּבָר אֲשֶׁר חָזָה יְשַׁעְיָהוּ בֶּן־אָמוֹץ עַל יְהוּדָה וִירוּשָׁלָיִם.

וְהָיָה בְּאַחֲרִית הַיָּמִים
נָכוֹן יִהְיֶה הַר בֵּית ה׳
וְנָהֲרוּ אֵלָיו כָּל הַגּוֹיִם.
לְכוּ וְנַעֲלֶה אֶל הַר ה׳
וְיוֹרֵנוּ מִדְּרָכָיו
כִּי מִצִּיּוֹן תֵּצֵא תוֹרָה
וְשָׁפַט בֵּין הַגּוֹיִם
וְהוֹכִיחַ לְעַמִּים רַבִּים
וְכִתְּתוּ חַרְבוֹתָם לְאִתִּים
לֹא יִשָּׂא גוֹי אֶל גּוֹי חֶרֶב

בְּרֹאשׁ הֶהָרִים וְנִשָּׂא מִגְּבָעוֹת
וְהָלְכוּ עַמִּים רַבִּים וְאָמְרוּ
אֶל־בֵּית אֱלֹהֵי יַעֲקֹב
וְנִלְכָה בְּאֹרְחוֹתָיו
וּדְבַר ה׳ מִירוּשָׁלָיִם.
וְהוֹכִיחַ לְעַמִּים רַבִּים
וַחֲנִיתוֹתֵיהֶם לְמַזְמֵרוֹת
וְלֹא יִלְמְדוּ עוֹד מִלְחָמָה.

ישעיה, פרק ב׳, פסוקים 2 — 5

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

تمرین های درس ۷۵

الف- לִמְדוּ עַל פֶּה אֶת הַנְּבוּאָה שֶׁלְּמַעְלָה: متن فوق را شفاهی قرائت کنید و بیاموزید.

ب- افعالی که با واو هیپوخ استعمال شده اند به آینده‌ی ساده تغییر دهید.

۱. וַאֲכַלְתֶּם אֶת טוּב הָאָרֶץ. (עזרא ט, 12)

۲. שָׂרַי אִשְׁתְּךָ לֹא תִקְרָא אֶת שְׁמָהּ שָׂרָי, כִּי שָׂרָה שְׁמָהּ. וּבֵרַכְתִּי אוֹתָהּ, וְגַם נָתַתִּי מִמֶּנָּה לְךָ בֵּן. (בראשית יז, 15)

۳. וְדִבַּרְתָּ אֲלֵיו, וְשַׂמְתָּ אֶת הַדְּבָרִים בְּפִיו. (שמות ד, 15)

۴. וְהִגַּדְתָּם לְאָבִי אֶת כָּל כְּבוֹדִי בְּמִצְרַיִם, וְאֶת כָּל אֲשֶׁר רְאִיתֶם, וּמִהַרְתֶּם וְהוֹרַדְתֶּם אֶת אָבִי הֵנָּה. (בראשית מה, 13)

۵. וּשְׁפַטְתֶּם צֶדֶק בֵּין אִישׁ וּבֵין אָחִיו. (דברים א, 16)

۶. וְנָתַתִּי אֶת יָדִי בְּמִצְרַיִם... וְהוֹצֵאתִי אֶת בְּנֵי יִשְׂרָאֵל מִתּוֹכָם. (שמות ז, 4-5)

۷. וַעֲבַרְתָּם אֶת הַיַּרְדֵּן, וישַׁבְתֶּם בָּאָרֶץ. (דברים יב, 10)

۸. וּבִשַּׁלְתָּ וְאָכַלְתָּ, בַּמָּקוֹם אֲשֶׁר יִבְחַר ה' אֱלֹהֶיךָ בּוֹ, וּפָנִיתָ בַּבֹּקֶר וְהָלַכְתָּ לְאָהָלֶיךָ. (דברים טז, 7)

Compressed with PDF Compressor by DLM Infosoft

٩. וְזָכַרְתָּ כִּי עֶבֶד הָיִיתָ בְּמִצְרַיִם, וְשָׁמַרְתָּ אֶת הַחֻקִּים הָאֵלֶּה. (דברים טז, 12)

١٠. וְסָלַחְתָּ לְעַמְּךָ אֲשֶׁר חָטְאוּ לָךְ. (מלכים א, פרק ח, 50)

١١. וְשָׁבוּ אֵלֶיךָ בְּכָל לְבָבָם וּבְכָל נַפְשָׁם. (מלכים א פרק ח, 48)

١٢. וְנָתַתִּי לָכֶם לֵב חָדָשׁ, וְרוּחַ חֲדָשָׁה... וְעָשִׂיתִי אֶת אֲשֶׁר בְּחֻקַּי תֵּלֵכוּ...
וישַׁבְתֶּם בָּאָרֶץ אֲשֶׁר נָתַתִּי לַאֲבֹתֵיכֶם, וְהְיִיתֶם לִי לְעָם, וְאָנֹכִי אֶהְיֶה לָכֶם לֵאלֹהִים. (יחזקאל לו, 27-26)

١٣. וּקְרָאתֶם אֹתִי וַהֲלַכְתֶּם, וְהִתְפַּלַלְתֶּם אֵלַי, וְשָׁמַעְתִּי אֲלֵיכֶם, וּבִקַּשְׁתֶּם אוֹתִי וּמְצָאתֶם, כִּי תִדְרְשֵׁנִי בְּכָל לְבַבְכֶם. (ירמיהו כט, 13-12)

١٤. וְהֵבֵאתִי אוֹתָם אֶל אַדְמָתָם, וְעָשִׂיתִי אֹתָם לְגוֹי אֶחָד בָּאָרֶץ, בְּהָרֵי יִשְׂרָאֵל. (יחזקאל לז, 22-21)

١٥. וְלָקַחְתִּי אֶתְכֶם מִן הַגּוֹיִם, וְקִבַּצְתִּי (וְאָסַפְתִּי) אֶתְכֶם מִכָּל הָאֲרָצוֹת, וְהֵבֵאתִי אֶתְכֶם אֶל אַדְמַתְכֶם. (יחזקאל לו, 24)